۹۹

ترجمہ

بحار الانوار

الجامعۃ لدرر اخبار الائمۃ الاطہار

از محدث کبیر شیخ علامہ محمد باقر مجلسی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمه بحارالانوار جلد 99: کتاب المزار

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، 1037 - 1111ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، 1392 -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.1 : 978-600-7150-67-2 ؛ ج.2 : 978-600-7150-68-9 ؛ ج.3 : 978-600-7150-69-6 ؛ ج.4 : 978-600-715070-2 ؛ ج.5 978-600-7150-71-9 : ؛ ج.6 978-600-7150-72-6 : ؛ ج.7 978-600-7150-73-3 : ؛ ج.8 : 978-600-7150-74-0 ؛ ج.10 978-600-7150-76-4 : ؛ ج.11 978-600-7150-83-2 : ؛ ج.12 978-600-7150-66-5 : ؛ ج.13 978-600-7150-85-6 : ؛ ج.14 978-600-7150-86-3 : ؛ ج.15 978-600-7150-87-0 : ؛ ج.16:978-600-7150-88-7 ؛ ج.17:978-600-7150-89-4 ؛ ج.18: 978-600-7150-90-0 ؛ ج.19:978-600-7150-91-7 ؛ ج.20:978-600-7150-92-4 ؛ ج.21: 978-600-7150-93-1 ؛ ج.22:978-600-7150-94-8 ؛ ج.23:978-600-7150-95-5

مندرجات : ج.1. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.2. کتاب توحید.- ج.3. کتاب عدل و معاد.- ج.4. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. 5. تاریخ پیامبران.- ج.6. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.7. کتاب امامت.- ج.8. تاریخ امیرالمومنین.- ج.9. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.10. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.11. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.12. کتاب آسمان و جهان - 1.- ج.13. آسمان و جهان - 2.- ج.14. کتاب ایمان و کفر.- ج.15. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.16. کتاب مواعظ و حکم.- ج.17. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.18. کتاب ادعیه.- ج.19. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.20.

کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.2 - 8 و 10 - 16 (چاپ اول: 1392) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 11ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP135/م3ب3042167 1392

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 3348985

ص: 1

اشاره

ص: 2

ترجمه

بحار الانوار

جلد 99

کتاب المزار

ترجمه: گروه مترجمان

ص: 3

نام کتاب: ترجمه بحارالانوار، جلد 99

مولف: علامه محمد باقر مجلسی

مترجم: گروه مترجمان

ناشر: نهاد کتابخانه های عمومی کشور

تمام حقوق این اثر برای نهاد کتابخانه های عمومی کشور محفوظ است

آدرس نهاد: تهران - بلوارکشاورز - خیابان فلسطین - کوچه شهید ذاکری

ص: 4

فهرست

باب اول: فضیلت زیارت دو امام پاک و معصوم، امام موسی کاظم و امام محمدتقی علیهما السلام در بغداد و فضیلت زیارتگاههای آنان..... 7

باب دوم: کیفیت زیارت امام موسی کاظم و امام محمدتقی علیهما السلام.. 14

باب سوم: فضیلت مسجد براثا و اعمال آن..... 39

باب چهارم: فضیلت زیارت امام آدمیان و پریان، حضرت علی بن موسی، امام رضا علیه السلام، و فضیلت مرقد مطهر او..... 45

باب پنجم: کیفیت زیارت امام رضا علیه السلام..... 61

باب ششم: فضیلت زیارت دو امام همام، امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام، و آداب زیارت و دعا در صحن آن دو حضرت؛ صلوات الله علیهما..... 80.....

باب هفتم: زیارت امام پنهان از دیدگان، حاضر در دلهای برگزیدگان، مورد انتظار در شب و روز، حضرت حجت فرزند امام حسن، صلوات الله علیهما، در سرداب و غیر آن..... 109

باب هشتم: زیارات جامعهای که هر یک از امامان، علیهم السلام با آنها زیارت میشود، و در آن چند زیارت است..... 169

باب نهم: بابی دیگر در زیارت آنان علیهم السلام در روزهای هفته و صلوات و سلام مفصل برایشان..... 275

باب دهم: نوشتن نامه در نیازمندیها به امامان صلوات الله علیهم، و توسّل و درخواست شفاعت از آنان، در زیارتگاههای آنان و جاهای دیگر..... 301

باب یازدهم: زیارت به نیابت از امامان علیهم السلام و دیگران..... 332

باب دوازدهم: آراستن میّت و نزدیک کردن او به زیارتگاههای مقدّس... 344

ابواب زیارت فرزندان و یاران و نزدیکان امامان علیهم السلام، و دیگر مؤمنان، و ذکر سایر مکانهای شریف

باب اول: زیارت فاطمه دختر امام موسی کاظم علیه السلام در قم..... 345

باب دوم: فضیلت زیارت عبدالعظیم حسنی، فرزند عبدالله؛ خداوند از او خشنود باد..... 348

باب سوم: فضیلت بیت المقدس..... 350

باب چهارم: آداب زیارت فرزندان امامان علیهم السلام..... 352

باب پنجم: زیارت سلمان فارسی، که خداوند از او خشنود باد، و نمایندگان حضرت قائم، علیه السلام..... 356

باب ششم: زیارت مؤمنان و آداب آن..... 365

باب هفتم: بابی نادر در مورد بزرگداشت کسی که از زیارت آمده است.. 373

پیوست: صلوات جامعه بر پیامبر و امامان صلوات الله علیهم 375

باب اول : فضیلت زیارت دو امام پاک و معصوم، امام موسی کاظم و امام محمدتقی علیهما السلام در بغداد و فضیلت زیارتگاههای آنان

روایات:

1. المناقب: خطیب در کتاب تاریخ خود و به سند خودش از علی فرزند خلال نقل کرده که گفت: هر امری مرا ناراحت کرد، به نزد موسی بن جعفر علیه السلام رفتم و به او متوسل شدم تا اینکه خداوند آن چیزی را که دوست میداشتم، برایم آسان نمود.(1)

2. در بغداد زنی دیده شد که میدوید. به اوگفته شد: کجا میروی؟ گفت: به سوی موسی فرزند جعفر؛ چرا که پسرم زندانی شده است. مردی حنبلی مذهب (به نشانه تمسخر) به او گفت: موسی بن جعفر خودش نیز در زندان درگذشت! آن زن گفت: خدایا، به حق آن کسی که در زندان کشته شده است، قدرت خود را به من بنمایان. پس از آن ناگهان پسر آن زن آزاد شد و پسر آن مسخره کننده به جرم جنایتش بازداشت شد.(2)

3. المناقب: ابن سنان گفته است: به امام رضا علیه السلام گفتم: ثواب کسی که پدرت را زیارت کند، چیست؟ فرمود: بهشت ازآن اوست؛ پس او را زیارت کن.(3)

1- . تاریخ بغداد 1: 120
2- . مناقب ابن شهر آشوب: 422 (چاپ نجف اشرف)
3- . المناقب 3: 442

4. زکریا پسر آدم از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که فرمود: خداوند بغداد را به سبب منزلت قبر موسی بن جعفر علیه السلام رهایی بخشید و سپس فرمود:

در بغداد قبری وجود دارد که برای وجودی پاک است و خداوند مهربان او را در غرفههایی بهشتی جای داده است.

و قبری در طوس وجود دارد؛ وای از مصیبتی که درون را با نالههای آتشین بگدازد.(1)

5. التهذیب: ابن سنان گفته است: به امام رضا علیه السلام گفتم: ثواب کسی که پدرت را زیارت نماید، چیست؟ فرمود: بهشت؛ پس او را زیارت نما.(2)

6. التهذیب: امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند بغداد را به خاطر منزلت قبرهای دو تا از فرزندان حسین علیه السلام رهایی بخشید.(3)

7. عیون الاخبار: از ابراهیم پسر عقبه نقل شده که گفته است: به امام هادی علیه السلام نامهای نوشتم و در نامه از زیارت امام حسین علیه السلام و امام موسی کاظم و امام محمد تقی علیهما السلام سؤال نمودم؛ حضرت در جواب نامه به من نوشت: اباعبدالله علیه السلام مقدّم، و پاداش زیارت این دو امام علیهما السلام بیشتر و بزرگتر است.(4)

8. کامل الزیارات: مثل همین روایت را کلینی نقل کرده است.(5)

9. الکافی، التهذیب: مثل همین روایت را نقل کرده است.(6)

توضیح: کلام امام هادی علیه السلام که فرمود: اباعبدالله علیه السلام مقدّم است، یعنی امام حسین علیه السلام جلوتر و برتر است و زیارت او به تنهایی برتر از زیارت هر یک از امامان معصوم علیهم السلام است و مجموع زیارت این دو امام،

1- . المناقب 3: 442
2- . التهذیب 6: 82

3- . التهذيب 6: 81
4- . عيون الاخبار 2: 261
5- . كامل الزيارات: 300
6- . الكافى 4: 583؛ التهذيب 6: 82

جامعتر و با فضیلتتر است. یا مقصود این است که سزاوار است زیارت امام حسین علیه السلام مقدم گردد. اگر بعد از زیارت امام حسین علیه السلام، زیارت این دو امام نیز به آن افزوده گردد، کاملتر و ثوابش بیشتر است.

یا به این معنی است که زیارت این دو امام، کاملتر از زیارت تنها امام حسین علیه السلام است؛ زیرا اعتقاد به امامت این دو امام، مستلزم اعتقاد به امامت امام حسین علیه السلام است؛ ولی عکس آن چنین نیست. گویا زیارت آن دو امام مشتمل بر زیارت امام حسین علیه السلام است؛ و نیز به این دلیل که زیارت این دو امام، همان گونه که در زیارت امام رضا علیه السلام خواهد آمد، اختصاص به شیعیان برگزیده دارد؛ و البته بعید بودن این نظر اخیر، پوشیده نیست.

10. ثواب الاعمال: وشا نقل کرده است که به امام رضا علیه السلام گفتم: برای کسی که قبر امام موسی کاظم علیه السلام را زیارت نماید، چه ثوابی خواهد بود؟ فرمود: برای او ثوابی مانند ثواب کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت نماید، خواهد بود.(1)

11. کامل الزیارات: مثل همین روایت از علی پسر حسین روایت شده است.(2)

12. کامل الزیارات: وشا نقل کرده است که از امام رضا علیه السلام پرسیدم: آیا زیارت قبر امام موسی کاظم علیه السلام مانند زیارت قبر امام حسین علیه السلام است؟ فرمود: بلی.(3)

13. کامل الزیارات: مثل همین روایت را کلینی نقل کرده است.(4)

14. التهذیب: مثل همین روایت را آورده است.(5)

15. کامل الزیارات: از حسین پسر یسار واسطی نقل شده که گفته است: به امام رضا علیه السلام گفتم: آیا میشود قبر امام موسی کاظم علیه السلام را در بغداد

1- . ثواب الاعمال: 89 (ذیل حدیث)

2- . كامل الزيارات: 299
3- . كامل الزيارات: 298
4- . كامل الزيارات: 299
5- . التهذيب 6: 91

زیارت نمایم؟ فرمود: اگر چاره ای جز زیارت او نداشتی (برای رعایت تقیه) از پشت پرده زیارت کن.(1)

توضیح: دستور برای زیارت از بیرون دیوار و پشت پرده، برای تقیه از مخالفان است.

16. کامل الزیارات: امام رضا علیه السلام در مورد زیارت قبر امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: در مساجد اطراف آن نماز بگزارید.(2)

17. کامل الزیارات: حسین پسر یسار واسطی گفته است: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: برای کسی که قبر پدرت - که درود خداوند بر او و بر خاندان او باد - را زیارت نماید، چه ثوابی خواهد بود؟ فرمود: او را زیارت کنید. حسین گفته است: گفتم: در زیارت آن، چه مقدار فضیلت وجود دارد؟ فرمود: فضیلت آن مانند فضیلت کسی است که پدرش، یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت نماید. گفتم: اگر بترسم و امکان وارد شدن و قرار گرفتن در کنار حرم را نداشته باشم، چه؟ فرمود: ازپشت دیوار درود فرست.(3)

18. التهذیب: مثل همین روایت را به سند دیگری نقل کرده است؛ با این تفاوت که در آن، عبارت «من وراء الجسر» {از پشت پل} آمده است.(4)

19. کامل الزیارات: امام رضا علیه السلام فرمود: کسی که قبر پدرم را در بغداد زیارت نماید، مانند کسی است که قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبر امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت نموده است؛ جز اینکه برتری رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام محفوظ است.(5)

20. کامل الزیارات: مثل همین روایت را کلینی نقل کرده است.(6)

1- . کامل الزیارات: 298
2- . کامل الزیارات: 299
3- . کامل الزیارات: 299
4- . التهذیب 6: 82

5- . كامل الزيارات: 299
6- . كامل الزيارات: 299

توضیح: معنای عبارت این است که برتر بودن رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام از امام موسی کاظم علیه السلام، منافاتی با تساوی ایشان در فضیلت زیارت ندارد. ممکن است معنی این گونه باشد: آنها در این امر که برای زیارتشان فضیلت بزرگی وجود دارد، مشترک هستند؛ اما زیارت آن دو بزرگوار، به خاطر برتریشان، با فضیلتتر است. معنای نخست، آشکارتر است.

21. میگویم: مثل همین روایت را در التهذیب نقل کرده است.(1)

22. کامل الزیارات: پسر ابی نجران گفته است: از امام محمد تقی در مورد کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را با نیت زیارت نماید سؤال نمودم، فرمود: بهشت برای او خواهد بود، و کسی که قبر امام موسی کاظم علیه السلام را زیارت نماید، پس بهشت برای او خواهد بود.(2)

23. کامل الزیارات: مثل همین روایت را علی پسر حسین از سعد نقل کرده است.(3)

24. کامل الزیارات: امام رضا علیه السلام فرمود: زیارت قبر پدرم مانند زیارت قبر امام حسین علیه السلام است.(4)

25. کامل الزیارات: احمد پسر عبدوس از پدرش رحیم روایت کرده که گفته است: به امام رضا علیه السلام گفتم: فدایت شوم، زیارت قبر امام موسی کاظم علیه السلام در بغداد مشقت و سختی به همراه دارد و ما میرویم و از پشت دیوارها زیارت میکنیم و سلام میفرستیم، پس ثواب کسی که او را زیارت نماید، چیست؟ گفته است: فرمود: به خدا سوگند، برای او ثوابی مانند ثواب کسی که قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت نموده است، خواهد بود.(5)

1- . التهذیب 6: 81
2- . کامل الزیارات: 299
3- . کامل الزیارات: 301
4- . کامل الزیارات: 300

5- . كامل الزيارات: 300

26. کامل الزیارات: از رحیم نقل شده که گفته است: به امام رضا علیه السلام گفتم: زیارت قبر امام موسی کاظم علیه السلام در بغداد برای ما سختی به همراه دارد؛ پس برای کسی که او را زیارت نماید، چه ثوابی خواهد بود؟ فرمود: برای او ثوابی است مانند ثواب کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت نموده باشد. و گفته است: مردی پیش حضرت آمد و بر او سلام کرد و نشست و از بغداد و بدکرداری ساکنانش و آنچه که از بلاهای آسمانی و عذاب و صاعقهها ممکن است بر آنها فرود آید، یاد کرد و اموری از این قبیل را برشمرد. وی گفته است: من بلند شدم که بروم، از امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: اما ابوالحسن، نه. (1)

توضیح: یعنی قبر شریف او دچار این امور نمیشود؛ یا او اجازه نمیدهد چیزی از آن امور بر اهل بغداد فرود آید؛ زیرا آنها به برکت قبر او در امان هستند. عبارت نخست از نظر لفظ و عبارت دوم از نظر معنی آشکارتر است.

27. ق: ابو علی پسر همام از حسن پسر محمد پسر جمهور عمّی نقل کرده که گفته است: در سال 296 - یعنی همان سالی که علی پسر محمد پسر موسی پسر فرات، وزارت مقتدر عباسی را عهده دار شد - دیدم که در دست احمد پسر ربیعه انباری کاتب غدهای زشت به وجود آمده و دردش بزرگ شده است، تا این که دستش بد بو شده و سیاه شد و یزید پزشک اشاره کرد که دستش باید قطع شود و هیچ کس در تلف شدن او بر اثر این کار شکی نداشت. پس کاتب، امیرالمؤمنین علیه السلام را در خواب دید و به او گفت: یا امیرالمؤمنین، آیا دستم را به من باز نمیبخشی؟ امام فرمود: من با تو کاری ندارم؛ اما نزد موسی بن جعفر برو که او دستت را به تو باز میگرداند. صبح شد؛ وی گفت: کجاوه ای برایم بیاورید و بستری برایم مهیا نمایید و نزد مقبرههای قریش ببرید؛ بعد از آن که او را غسل دادند و پاکیزه نمودند، آن کار را برای او انجام دادند، و لباسی بر تن او پوشاندند و او را نزد قبر موسی بن جعفر علیه السلام بردند، تا به او پناه برد و دعا کرد و مقداری از خاک قبرش برداشت و آن را به دست تا کتفش مالید و آن را محکم بست. وقتی صبح شد، آن را

1- . کامل الزیارات: 300

باز کرد، در حالی که همه گوشت و پوست دستش از آن افتاده بود و فقط استخوان و رگها و تارهای ماهیچهها بر روی آن باقی مانده بود و بوی آن، قطع شده بود. خبر به گوش وزیر رسید و نزد وی رفت تا ملاقاتش کند. بعد از آن، کاتب معالجه شد و به دیوان بازگشت و مانند گذشته به نوشتن پرداخت. صالح دیلمی در مورد او چنین سروده است:

و همانا موسی کاظم علیه السلام دست کاتب را شفا داد؛ آن گاه که او را زیارت نمود.

28. قبس: شیخ ابوالحسن مثل همین را از محمد پسر همام برای ما حکایت کرد.

باب دوم : کیفیت زیارت امام موسی کاظم و امام محمدتقی علیهما السلام

روایات:

1. کامل الزیارات: محمد پسر جعفر رزاز از ابوالحسن علیه السلام نقل نموده است که فرمود: - [در زیارت امام موسی کاظم علیه السلام] در بغداد - میگویی: درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، درود بر تو ای کسی که برای خداوند در مورد امامت او بداء حاصل شد، من با شناخت حق و جایگاه تو، و دشمن داشتن دشمنانت، نزد تو برای زیارت آمدهام؛ پس برایم نزد پروردگارت شفاعت کن، ای سرور من.

و گفته است: و دعا کن و خواستهات را درخواست نما. و گفته است: و با این زیارت، بر امام محمد تقی علیه السلام سلام بفرست. و گفته است: بگو: هرگاه خواستی امام موسی کاظم و امام محمد تقی علیهما السلام را زیارت نمایی، غسل کن و خود را پاکیزه نما و جامههای پاک خودت را بر تن کن و قبر امام موسی کاظم و امام محمد تقی علیها السلام را زیارت نما و آن گاه که نزد قبر موسی کاظم علیه السلام میروی، بگو: درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، درود بر تو ای کسی که برای خداوند در مورد امامت او بداء حاصل شد، من با شناخت حق و جایگاه تو، و دشمن داشتن دشمنانت، و دوست داشتن دوستانت، نزد تو برای زیارت آمدهام؛ پس برایم نزد پروردگارت شفاعت کن، ای سرور من.

سپس نیاز خود را درخواست کن. سپس با این کلمات بر امام محمد تقی علیه السلام درود فرست و کارت را با غسل شروع کن و بگو: خدایا، بر محمد فرزند علی، آن امام نیکوکار پرهیزگار خشنود و پسندیده و حجت تو بر هر کسی که روی زمین و هر کسی که در زیر خاک است، درود بسیار و بابرکت پاکیزه و مبارک پیوسته و همواره و پیاپی، از بهترین آنچه که بر یکی از دوستانت فرستادی، درود فرست. درود برتو ای ولی خدا، درود بر تو ای نور خدا، درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای امام و پیشوای مؤمنان و وارث پیغمبران و نژاد پاک جانشینان، درود برتو ای نور خدا در تاریکیهای زمین؛ من با شناخت حق و جایگاه تو، و دشمن داشتن دشمنانت، و دوست داشتن دوستانت، نزد تو برای زیارت آمدهام؛ پس برایم نزد پروردگارت شفاعت کن، ای سرور من.

سپس نیازت را درخواست کن که به خواست خداوند برآورده میشود.

گفته است: نزد قبر امام موسی کاظم علیه السلام در بغداد میگویی - و گفتن آن در همه زیارتگاهها کفایت میکند - : درود بر دوستان خداوند و برگزیدگانش، درود بر امانتداران خداوند و دوستدارانش، درود بر یاوران خداوند و جانشینانش، درود بر دلهای محل معرفت خداوند، درود برمنزلگاه ذکر خداوند، درود بر نمودهای امر و نهی خداوند، درود بر دعوت کنندگان به سوی خداوند، درود براستقرار یافتگان در راه رضای خداوند، درود بر آزموده شدگان در راه طاعت خداوند، درود بر راهنمایان خلق به سوی خدا، درود بر کسانی که هر کس دوستشان بدارد، در حقیقت خدا را دوست داشته است، و هر کس دشمنشان بدارد، خدا را دشمن داشته است، و هر کس آنها را بشناسد، خدا را شناخته است، و هر کس نسبت به آنها جهالت ورزد، نسبت به خداوند جهالت ورزیده است، و هر کس به آنها چنگ زند، به خدا چنگ زده است، و هر کس از آنها تهی گردد، از خداوند تهی گشته است؛ خداوند را گواه میگیرم که با هر کسی که با شما در سازش باشد، من نیز با او در سازش هستم؛ و با هر کسی که با شما در ستیز باشد، من نیز با او در ستیز هستم؛ به نهان و آشکار شما ایمان دارم، و کارم را در همه حال به شما واگذار نمودهام؛

خداوند دشمن خاندان محمد را، چه از پریان باشد و چه از آدمیان، لعنت کند؛ از آنها به درگاه خداوند بیزاری میجویم؛ خداوند بر محمد و خاندان او درود فرستد.

گفتن تمامی این کلمات در همه زیارتها [ی قبور امامان] جایز است و بر محمد و خاندان او بسیار درود میفرستی و یکایک آنها را نام میبری و از دشمنانشان به سوی خداوند بیزاری میجویی و برای خودت و مردان و زنان مؤمن، دعای دلخواه خودت را انتخاب کرده و میخوانی.(1)

2. بیان: در اصول کافی با همین سند از محمد پسر جعفر رزاز تا عبارت: و با این زیارت، بر امام محمد تقی علیه السلام سلام میفرستی؛ را آورده و بعد از آن گفته است: امام رضا علیه السلام فرموده است: ازپدرم در مورد زیارت قبر امام حسین علیه السلام سؤال شد، فرمود: در مساجد اطراف آن، نماز بگزارید، و جایز است در همه زیارت گاه ها بگویی: درود بر دوستداران خداوند و برگزیدگان او، تا آخر؛ همان گونه که گذشت.(2)

3. و شیخ طوسی آن را در التهذیب روایت کرده است: از امام رضا علیه السلام در مورد زیارت قبر امام موسی کاظم علیه السلام سؤال شد، فرمود: در مساجد اطراف آن نماز بگزارید و زیارتی مانند زیارت قبل را ذکر کرد.(3)

میگویم: شاید تکرار در کلام ابن قولویه از جهت اختلاف سندها باشد. فرمایش امام هادی علیه السلام که فرمود: «یا من بدا لله»، ممکن است اشاره به آنچه در بعضی روایتها آمده است باشد، مبنی بر اینکه برای وی چنین مقدر شده بود که با شمشیر به قیام برخیزد، سپس خداوند خواسته خود را در مورد او به ظهور رساند. و ممکن است اشاره به بدائی باشد که در مورد اسماعیل واقع شده است، چرا که بداء در اسماعیل مستلزم بداء در ایشان است، همان طور که پوشیده نیست.

اما اجرای آن در مورد امام محمد تقی علیه السلام نیاز به تکلف دیگری دارد، به این صورت که گفته شود: امام محمد تقی زمانی متولد شد که همه از وجود او

1- . كامل الزيارات: 301
2- . الكافى 4: 578
3- . التهذيب 6: 82

ناامید شده بودند؛ گویا برای خداوند در مورد او بداء حاصل شد، یا به همان صورت نخست که گفته شد. در برخی نسخهها «یا مرید الله فی شأنه»، برگرفته از واژه اراده، و در برخی دیگر، «بدأ الله» با همزه آمده است؛ یعنی «أراد الله إمامته»: خداوند امامتش را خواستار است یا قبل از آفرینش او، امامتش را شروع کرد.

4. میگویم: شیخ طوسی در کتاب التهذیب در مورد نحوه وداع با امام موسی کاظم علیه السلام گفته است: در کنار قبر، مانند زمانی که اولین بار برای زیارت ایستاده بودی، ایستاده و میگویی: درود بر تو ای سرور من، ای اباالحسن، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد؛ تو را به خدا میسپارم و بر تو درود میفرستم؛ ما به خداوند و به فرستاده او و به هرآنچه تو آوردی و به سوی آن راهنمایی نمودی، ایمان آوردیم؛ خدایا، پس ما را با گواهان بنویس.(1)

و در مورد نحوه وداع با امام محمد تقی علیه السلام گفته است: کنار قبر آن حضرت، مانند ایستادنت در هنگام شروع به زیارت میایستی و میگویی: درود بر تو ای سرور من، ای فرزند رسول خدا، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد. تو را به خدا میسپارم و بر تو درود میفرستم؛ ما به خداوند و به فرستاده او و به هرآنچه تو آوردی و به سوی آن راهنمایی نمودی، ایمان آوردیم؛ خدایا، پس ما را با گواهان بنویس. سپس از خداوند درخواست کن این زیارت را آخرین زیارت تو قرار ندهد و به دلخواه خودت دعا کن و بر قبر بوسه بزن و دو طرف روی خود را بر روی قبر بگذار؛ إن شاءالله.(2)

5. میگویم: صدوق - که رحمت خدا بر او باد - در الفقیه گفته است: هرگاه به خواست خداوند داخل بغداد شدی، غسل کن و خود را پاکیزه نما و لباسهای پاک خودت را بر تن کن و قبر هر دو امام را زیارت نما و هنگامی که کنار قبر امام موسی بن جعفر علیه السلام میروی، بگو: درود بر تو ای ولی خدا، تا آخر عبارتی که در کلام ابن قولویه در مورد زیارت امام مو سی کاظم و امام محمد تقی علیهما السلام ذکر شد. سپس گفته است: بعد از آن، در زیر گنبدی که قبر امام محمد تقی

1- . التهذیب 6: 83
2- . التهذیب 6: 91

علیه السلام قرار دارد، چهار رکعت نماز به جای آور؛ به گونهای که دو رکعت آن برای زیارت امام موسی کاظم علیه السلام و دو رکعت برای زیارت امام محمد تقی علیه السلام باشد؛ و در نزد سر امام موسی کاظم نماز مخوان؛ چرا که در مقابل آن، قبرهای قریش قرار دارد و جایز نیست آنها را در سمت قبله خود قرار دهی.(1)

6. میگویم: مؤلف کتاب المزار الکبیر از محمد پسر جعفر رزّاز با سند قبلی تا عبارت «و سلم بهذا علی أبی جعفر علیه السلام» {و با این زیارت، بر امام محمد تقی علیه السلام سلام بده.} را روایت کرده و سپس گفته است: سپس نماز زیارت به جای میآوری و بعد از فارغ شدن از نماز، تسبیحات حضرت زهرا را گفته و میگویی: خدایا، دستم به سوی تو قرار گرفته، و امیدم به آنچه نزد توست افزون گشته است؛ پس ای سرور من، توبهام را بپذیر و مرا بیامرز و بر من مهربانی فرما، و در هر خیری برایم بهرهای، و به سوی هر خیری برایم راهی قرار ده.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و دعایم را شنوا باش، و بر زاری و خواری و فروتنی و سرسپردگیام بر تو، رحم آور؛ چرا که من تسلیم تو هستم، و هیچ کامیابی و تندرستی و شرافت را جز به وسیله تو و از سوی تو امید ندارم، پس با رساندن من به این مکان باارزش در سال آینده بر من منت بگذار و این در حالی باشد که من از هر ناخوشی و بدی در ایمنی قرار داشته باشم؛ و مرا بر طاعت خودت و طاعت آن دوستدارانت که از میان آفریدگانت برگزیدی، یاری رسان.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در دینم سلامتی قرار ده، و عمرم را طولانی کن، و بدنم را تندرست نما، ای کسی که بر من ترحم مینمایی و به من بخشش میکنی و از روی فضل خودت مرا بینیاز میگردانی، گناهم را بیامرز، و نعمتت را در باقیمانده عمرم بر من کامل گردان، و مرا در حالیکه از من خوشنود هستی بمیران؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا از دین اسلام

1- . الفقیه 2: 363

خارج مگردان، چرا که من به ریسمان تو چنگ زدهام، و مرا به غیر خودت وا مگذار.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و آن چه را که برایم سودمند است به من بیاموز، و به واسطه آن چه که به من آموختی، به من سود رسان، قلبم را از علم و ترس از هیبت و انتقام خودت سرشار گردان؛ خدایا، از تو مانند شخص درمانده به درگاه تو و ترسان از عذاب و هراسان از کیفرت، درخواست میکنم، که مرا بیامرزی، و بر من چشمپوشی نمایی، و با رحمت خودت بر من مهربانی کنی، و با من از روی آمرزشت رفتار نمایی، و امر واجبت را از سوی من، ادا شده قرار دهی، و با فضل خودت مرا از درخواست نمودن از هریک از آفریدگانت مرا بینیاز گردانی، و با رحمت خودت از آتش پناهم دهی.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در ظهور ولیّ و فرزند ولیّات شتاب فرما، و برای او گشایشی آسان قرار ده، و شکوهمندانه یارياش کن؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و حجتش را با ولیّات پدیدار نما، و سنّتش را با ظهور او زنده گردان، تا با ظهورش تمام بندگان و سرزمینهایت به راه راست درآید، و هیچ کس حقی را پوشیده ندارد.

خدایا، مشتاق حکومت باشکوه و بزرگوارانه او هستم، همان حکومتی که در سایه آن به اسلام و مسلمانان عزت میبخشی، و نفاق و منافقان را به واسطه آن خوار میگردانی؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ما را در آن حکومت از دعوت کنندگان به سوی اطاعت خودت، و رستگاران در راهت قرار ده، و کرامت دنیا وآخرت را روزیمان گردان.

خدایا، آن چه از حق بر ما ناشناخته است، به ما بشناسان، و آن چه دستمان از آن کوتاه است به ما برسان؛ بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و همه دعاهایمان را اجابت، و همه درخواستهایمان را به ما عطا فرما، و ما را از سپاسگزاران نعمتهایت، و از یادکنندگان بخششهایت قرار ده؛ و ما را بیامرز، ای بهترین آمرزندگان، و درباره ما و مؤمنان آن گونه که تو خود سزاوار آن هستی،

رفتار نما، ای مهربانترین مهربانان. سپس سجده کن و دو طرف روی خود را بر زمین بگذار و نزد خدا تضرع نما.(1)

7. میگویم: شیخ مفید و شهید ومؤلف کتاب المزار الکبیر - که خداوند روحشان را پاک گرداند، - گفتهاند: وقتی وارد بغداد شدی، برای زیارت غسل کن و به حرم شریف برو و بر در حرم بایست و اذن وارد شدن بخواه و سپس در حالی که میگویی: با نام خدا، و به یاری خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا، و درود بر دوستداران خدا، وارد حرم شو و بعد از آن، تا مقابل قبر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام قرار گیری، همچنان برو و چون کنار قبرآن حضرت ایستادی، بگو: درود بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، درود بر تو ای ولیّ خدا، درود بر تو ای حجت خدا، درود برتو ای درگاه خدا، گواهی میدهم که تو نماز را به پا داشتی، و زکات را ادا نمودی، و امر به معروف و نهی از منکر کردی، و قرآن را آن چنان که شایسته آن بود تلاوت نمودی، و در راه خدا چنان که سزاوار بود جهاد کردی، و بر آزار مردم در راه او برای به دست آوردن پاداش صبر نمودی، و او را خالصانه پرستیدی تا اینکه زمان رحلت به سراغ تو آمد.

گواهی میدهم که تو نزد خدا و رسول او سزاوارترین فرد، و فرزند راستین رسول خدا هستی؛ من به درگاه خدا از دشمنان تو بیزاری میجویم، و به واسطه دوستی تو به درگاه خدا نزدیکی میجویم؛ ای سرور من، در حالی که نسبت به حق و جایگاه تو آشنا، و دوستدار دوستدارانت و دشمن دشمنانت هستم، به سوی تو آمدهام؛ پس نزد پروردگارت برای من شفاعت کن.

سپس با صورت بر روی قبر قرار بگیر و بر آن بوسه بزن و دو طرف روی خود را بر روی آن بگذار و به سمت سر حضرت برو و بایست و بگو: درود برتو ای فرزند رسول خدا، گواهی میدهم که تو راستگو بوده و خیرخواهانه انجام وظیفه نمودی، امانتدارانه سخن گفتی، و با شهادت از دنیا رفتی، و گمراهی را بر هدایت بر

1- . المزار الکبیر: 179

نگزیدی، و از حق به سوی باطل منحرف نگشتی؛ خداوند بر تو و بر پدران و فرزندان پاک تو درود فرستد.

سپس قبر را ببوس و دو رکعت نماز بگزار و بعد از این دو رکعت، هر نماز که بخواهی بگزار و سجده کن و بگو: خدایا، به تو تکیه کردم، و به سوی تو آمدم، و به فضل تو امید بستم، و قبر امامم را که پیرویاش را واجب نمودهای زیارت کردم، و به واسطه او به تو متوسل شدم، پس به خاطر آن حق آنان که بر خودت واجب نمودهای، مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را بیامرز، ای بزرگوار.

سپس گونه راست خود را بر زمین بگذار و بگو: خدایا، به راستی که تو نیازهایم را میدانی، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و آنها را برآورده کن.

سپس گونه چپ خود را بر زمین بگذار و بگو: خدایا، به راستی که تو تعداد گناهانم را میدانی، پس به حق محمد و خاندان محمد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و گناهانم را بیامرز، و آنچنان که شایسته توست، بر من نیکی فرما.

سپس به حالت سجده برگرد و صد مرتبه «شکراً» بگو و بعد از آن، سرت را از سجده بردار و به دلخواه خودت برای هر کس که میخواهی و دوست داری، دعا کن.

سپس به طرف قبر امام جواد علیه السلام که پشت قبر جدش قرار دارد، رو کن، آن گاه که روبروی قبر او ایستادی بگو: درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، درود بر تو ای فرزند رسول خدا، درود بر تو و بر پدرانت، درود بر تو و بر فرزندانت، درود برتو و بر دوستدارانت، گواهی میدهم که تو حقیقتاً نماز را به پا داشتی و زکات را پرداخت کردی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و قرآن را چنان که شایسته آن بود، تلاوت کردی و در راه خدا چنان که سزاوار آن بود، جهاد نمودی، و برآزار مردم در راه او صبر نمودی تا رحلت از این جهان به سراغ تو آمد؛ من، در حالی که نسبت به حق و جایگاه تو آشنا، و دوستدار دوستدارانت و دشمن دشمنانت هستم، به سوی تو آمدهام؛ پس نزد پروردگارت برای من شفاعت کن.

سپس قبر را ببوس و هر دو گونه خود را روی آن قرار ده و دو رکعت نماز زیارت به جای آور و بعد از آن، به دلخواه خودت نماز بخوان؛ سپس سجده کن و بگو: خدایا، بر کسی که بدی کرده و مرتکب گناه شده است، و خوار و ذلیل گشته و اعتراف نموده است، رحم کن.

پس جانب راست صورت را روی زمین بگذار و بگو: اگر من بنده بدی بودهام، تو پروردگار خوبی هستی؛ سپس گونه چپ صورت را بر زمین بگذار و بگو: گناه بندهات بزرگ گشته است، پس سزاوار است که گذشت و عفو تو نیز نیکو گردد، ای بزرگوار. سپس به حالت سجده برگرد و صد مرتبه «شکراً» بگو و زیارت را به خواست خداوند به پایان برسان.(1)

8. زیارت دیگری برای زیارت همزمان آن دو امام علیهما السلام بیان کردهاند که عبارت است از:

درود بر شما ای دو ولیّ خدا، درود بر شما ای دو حجت خدا، درود برشما ای دو نور خدا در تاریکیهای زمین، گواهی میدهم که شما حقیقتاً آن چه را که خداوند به شما واگذار کرده بود تبلیغ نمودید، و آن چه را که به شما سپرده بود حفظ کردید، و حلال خدا را حلال، و حرام خدا را حرام دانستید، و حدود خدا را برپا داشتید، و کتاب خدا را تلاوت نمودید، و برای رسیدن به پاداش خداوند بر آزار و اذیت مردم شکیبایی نمودید تا رحلت از این دنیا به سراغ شما آمد. به درگاه خدا از دشمنان شما بیزاری میجویم و به پیشگاه خدا به واسطه دوستی شما تقرّب میجویم، من در حالی که به حق و جایگاه شما آشنا، و نسبت به دوستداران شما دوستدار، و نسبت به دشمنان شما دشمن، و به آن هدایتی که شما بر آن بودید، بینا، و به گمراهی مخالفت کنندگان با شما، دانا هستم، برای زیارت به درگاه شما آمدم، پس برایم نزد پروردگارتان شفاعت کنید؛ زیرا برای شما در نزد خداوند آبرویی بس بزرگ و مقامی پسندیده وجود دارد.

1- . المزار الکبیر: 177 و المزار شهید: 58

پس از این، خاک گرانقدر آن را ببوس و صورت راست خود را بر روی آن بگذار و به طرف سر قبر برو و بگو: درود بر شما ای دو حجت خداوند در زمین و آسمان، - من - بنده و دوستدار و زیارت کننده شما، و نزدیکی جوینده به سوی خدا به وسیله زیارت شما هستم؛ خدایا، زبان راستین درباره اولیاء برگزیدهات برایم قرار ده، و زیارتگاههای آنان را برایم دوست داشتنی گردان، و مرا در دنیا و آخرت همراه آنان قرار ده، ای مهربانترین مهربانان.

سپس برای هر یک از دو امام، دو رکعت نماز زیارت به جای آور و به دلخواه خودت دعا کن. وقتی خواستی بروی، با ایشان وداع کن و بعد از آن که همانند ایستادن زمان آمدن، ایستادی، بگو:

درود بر شما ای دو ولیّ خدا، شما را به خدا میسپارم و بر شما درود میفرستم، ما به خداوند و به رسول او و به هر آنچه شما دو امام آوردید و به آن راهنمایی نمودید، ایمان آوردیم؛ خدایا، نام ما را با گواهان ثبت فرما؛ خدایا، این زیارت را آخرین زیارت من از ایشان قرار مده، و همراهی ایشان را روزیام گردان، و مرا با این دو امام محشور بگردان، و به واسطه محبت ایشان به من سود رسان؛ درود بر شما دو امام و رحمت خدا و برکتهای او نثار شما باد.(1)

9. سید پسر طاووس - که خداوند از او خشنود باد - گفته است: هرگاه خواستی امام موسی بن جعفر علیه السلام را زیارت نمایی، بهتر است غسل نمایی، سپس به مزار مقدس روانه شوی در حالی که با آرامش و وقار باشی. همین که به حرم رسیدی، بایست و بگو: خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، هیچ معبودی جز خداوند نیست، و خدا بزرگ است؛ به خاطر راهنماییاش به دین خود، و توفیق دادن به راهی که به سوی آن دعوت کرده است، ستایش مخصوص اوست. خدایا، تو گرامیترین هدف، و گرامیترین میزبان هستی؛ من به درگاهت آمدم تا به وسیله فرزند دختر پیامبرت - که درودهای تو بر او و بر پدران پاک و فرزندان پاکیزهاش باد، - تقرّب جویم؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و کوشش مرا

1- . المزار الکبیر: 178؛ مزار الشهید: 59

بیهوده مگردان، و امیدم را قطع مکن، و مرا نزد خودت در دنیا و آخرت به واسطه آنان آبرومند و از نزدیکی یافتگان قرار ده.

سپس پای راستت را هنگام وارد شدن جلوتر گذاشته و میگویی: به نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا - که درود خدا بر او و خاندانش باد، - خدایا، مرا و پدر و مادرم و تمام مردان و زنان مؤمن را بیامرز.

وقتی که به در بارگاه رسیدی، بایست و برای اذن دخول گرفتن بگو: آیا داخل شوم ای رسول خدا؟ آیا داخل شوم ای پیامبر خدا؟ آیا داخل شوم ای محمد فرزند عبدالله؟ آیا داخل شوم ای امیرالمؤمنین؟ آیا داخل شوم ای ابامحمد حسن؟ آیا داخل شوم ای اباعبدالله حسین؟ آیا داخل شوم ای ابامحمد علی فرزند حسین؟ آیا داخل شوم ای اباجعفر محمد فرزند علی؟ آیا داخل شوم ای اباعبدالله جعفر فرزند محمد؟ آیا داخل شوم ای سرور من، ای ابالحسن موسی فرزند جعفر؟ آیا داخل شوم ای سرورم، ای اباجعفر؟ آیا داخل شوم ای سرورم، ای محمد فرزند علی؟

بعد از داخل شدن چهار مرتبه «الله اکبر» بگو، سپس رو به قبر بایست و در حالتی که قبله بین دو کتف تو قرار داشته باشد، بگو: درود بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولیّ خدا، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او، درود بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیدهاش، درود بر تو ای امانتدار خدا و فرزند امانتدارش، درود بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، درود بر تو ای امام و پیشوای راهنما، درود بر تو ای نشانه دین و تقوا، درود بر تو ای خزانهدار دانش پیامبران، درود بر تو ای خزانهدار دانش رسولان، درود بر تو ای جانشین اوصیاء گذشته، درود بر تو ای منبع وحی آشکار شده، درود بر تو ای دارنده علم یقینی، درود بر تو ای گنجینه دانش رسولان، درود بر تو ای پیشوای شایسته، درود بر تو ای امام بی زغبت به دنیا، درود بر تو ای امام عبادتگر، درود بر تو ای امام بزرگوار و رشید، درود بر تو ای امام کشته شده و شهید، درود برتو ای فرزند رسول خدا و فرزند جانشین او.

درود بر تو ای سرور من، ای موسی فرزند جعفر، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد. گواهی میدهم که تو واقعاً آن چه را که خداوند بر عهده تو قرار داده بود، به مردم رساندی؛ و آن چه را به تو سپرده بود، نگاه داشتی؛ و حلال خدا را

حلال، و حرام خدا را حرام دانستی؛ و احکام خدا را برپا داشتی؛ و کتاب خدا را تلاوت نمودی؛ و در راه خدا بر آزار خلق شکیبایی کردی؛ و در راه خدا آنچنان که شایسته آن بود، به مجاهدت پرداختی، تا اینکه رحلت از این دنیا به سراغ تو آمد.

گواهی میدهم که تو بر همان روشی که پدران پاک تو و نیاکان پاکسرشت و اوصیاء و راهنمایان، آن امامان راه یافته، بر آن از دنیا رفتند، از دنیا رفتی؛ و گمراهی را بر هدایت مقدم نداشتی، و از حق به باطل نگرویدی، گواهی میدهم که تو در راه خدا و رسول خدا و امیرالمؤمنین، نصیحت خیرخواهانه کردی، و امانت را ادا نمودی، و از خیانت دوری گزیدی، و نماز را به پا داشتی، و زکات را ادا کردی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی، و خدا را از روی اخلاص و کوشش و به دست آوردن پاداش، بندگی کردی تا آن که رحلت از این دنیا به سراغ تو آمد؛ پس خداوند برای تو از طرف اسلام و اهل آن، بهترین و باشکوهترین پاداش را عنایت کند.

ای فرزند رسول خدا، من در حالی به زیارت تو آمدم که به حق و جایگاه تو آشنا، و به برتری تو معترف هستم، و دانش شما را در سینه دارم، و در پرده پیمان تو امان گرفتهام، و به قبر تو پناهنده شده، و به بارگاه تو گریختهام، و خواستار شفاعت به درگاه خدا به واسطه تو، و دوستدار دوستانت، و دشمن دشمنانت، بینا و بصیر به مقام تو و به هدایتی

که تو برخوردار از آن هستی، دانا به گمراهی کسی که با تو مخالفت ورزد، و به آن نابینایی که چنین کسانی به آن دچار هستند، هستم.

ای پسر رسول خدا، پدر و مادرم و خودم و خاندانم و مالم و فرزندانم فدای تو باد؛ من نزد تو برای زیارت آمدم تا به وسیله آن به درگاه خدای متعال تقرّب بجویم و به وسیله تو به سوی او طلب شفاعت نمایم، پس برایم نزد پروردگارت شفاعت کن تا گناهم را بیامرزد و جرمم را ببخشد و از بدیهایم درگذرد و خطاهایم را از من محو نماید و مرا داخل بهشت گرداند، و بر من آنچنان که سزاوار او است، تفضل نماید و مرا و پدرانم و برادران و همه مردان و زنان مؤمن را در هر جای زمین باشند، به فضل و بخشش و احسان خودش بیامرزد.

سپس خود را بر قبر بیفکن و آن را ببوس و دو طرف روی خود را روی آن بگذار و به دلخواه خودت دعا کن؛ سپس به طرف سر قبر برگرد و بگو:

درود بر تو ای سرور من، ای موسی فرزند جعفر، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد؛ گواهی میدهم که تو امام هدایتگر، و سرپرستی راهبر هستی؛ و تو معدن فرود آمدن وحی، و دارنده دانش تأویل قرآن، و دارنده تورات و انجیل در سینه، و عالم و عادل و راستگو و عمل کننده هستی؛ ای سرور من، به درگاه خدا از دشمنانت بیزاری میجویم، و به درگاه خدا به وسیله دوستی تو تقرّب میجویم؛ پس خداوند درود و رحمت و برکتهایش را نثار تو و پدران و نیاکان و فرزندان و شیعیان و دوستدارن تو کند.

سپس دو رکعت نماز زیارت به جای آور و درآن سوره «یس» و «الرحمان» و یا هر چه از قرآن میسر باشد، بخوان؛ سپس آن چه را که میخواهی، دعا کن.(1)

10. زیارت دیگری برای سرورمان، امام موسی کاظم علیه السلام: طبق آنچه پیش از این گفته شد، اذن ورود میگیری و سپس پای راستت را هنگام وارد شدن، جلوتر میگذاری و پس از آن که داخل شدی، صد مرتبه تکبیر میگویی و مقابل ضریح میایستی و میگویی:

درود بر تو ای بنده شایسته، درود بر تو ای نور درخشنده، درود بر تو ای ماه تابان، درود بر تو ای باران سودمند، درود بر تو ای امام کاظم، درود بر تو ای ولیّ خدا و حجت او، درود بر تو ای نور خدا در تاریکیها، درود برتو ای - عضو - خاندان خدا، درود بر تو ای درگاه خدا، درود بر تو ای برگزیده خدا، درود بر تو ای بنده خاص خدا، درود بر تو ای راز به ودیعه سپرده شده خدا، درود بر تو ای راه خدا، درود بر تو ای زیور نیکان، درود بر تو ای ادامه نژاد پاکان، درود بر تو ای عنصر خوبان، درود برتو ای وسیله آزمون آفریدگان، درود بر تو ای کسی که برای خداوند در مورد امامت او بداء حاصل شد؛ درود بر تو ای میراثدار دانش پیامبران، و نژاد پاک جانشینان، و گواه روز جزا.

1- . مصباح الزائر: 198 - 200

گواهی میدهم که تو و پدرانت که قبل از تو بودند و فرزندانت که بعد از تو هستند، سروران و دوستان و پیشوایان من هستند؛ گواهی میدهم که شما برگزیدگان خدا و انتخاب شدگان و حجت رسای خدا هستید که با علم خود، شما را انتخاب نمود، و شما را یاورانی برای دینش، قیام کننده به فرمانش، و خزانهدار حکمتش، و نگهبانانی برای رازش، و اساس و پایههای توحیدش، معادن برای کلماتش، و بازگو کنندگانی برای وحیاش و گواهانی بر بندگانش قرار داد؛ و آفریدگانش را به شما سپرد، و کتابش را به شما داد، و شما را با کرامتهای نزول قرآن مخصوص گردانید، و فضائل تأویل را به شما عطا کرد، و شما را تابوت حکمتش، و عصای عزتش، و مشعلهایی در سرزمینهایش، و نشانههایی برای بندگانش قرار داد، و از روحش در شما جاری نمود، و شما را از لغزش نگاه داشت، و از ناپاکی پاک نمود، و از شما پلیدی را دور کرد، و شما را از فتنهها ایمن نگاه داشت.

به وسیله شما نعمت کامل گشت، و پراکندگی تبدیل به جمع شد، و سخنها یکی گشت؛ اطاعت قطعی و محبت واجب تنها برای شماست؛ شما دوستان پاک و بندگان گرامی خداوند هستید؛ ای فرزند رسول خدا، من در حالی که به حق تو آشنا، و نسبت به جایگاه تو بینا، نسبت به دوستانت دوستدار، و نسبت به دشمنانت دشمن هستم، نزد تو آمدم؛ پدر و مادرم فدای تو باد؛ خداوند بر تو درود و سلام فراوان فرستد.(1)

(درودی برای امام موسی کاظم؛ که خداوند بر او درود فرستد.) خدایا، بر محمد و اهل بیت او درود فرست؛ و بر موسی بن جعفر، جانشین نیکوکاران، و پیشوای برگزیدگان، وگنجینه روشناییها، و وارث آرامش و وقار، و حکمت و آثار، کسی که شب را تا سحر برای شب زندهداری بیدار بود، و پیوسته طلب آمرزش مینمود، همدوش سجدههای طولانی، و اشکهای فراوان، و مناجات بسیار، و زاریهای پی در پی و نیکو بود، و قرارگاه خویشتنداری و عدالت، و خیر و فضل، و بخشش و بذل، و مونس بلا ها و شکیبایی، و واقع شده تحت فشار ظلم، و مدفون

1- . مصباح الزائر: 200

گشته با بیدادگری، و شکنجه کشیده در کنج زندانها و تاریکی سلولها، با پاهای کبود شده در حلقههای زنجیر، جنازهای که با خواری و خفت بر او فریاد میزدند، و وارد شده بر جدش مصطفی و پدرش علی مرتضی و مادرش بانوی همه زنان، با ارث غصب شده، و حکومت به زور گرفته شده، و امر [امامت] مغلوب گشته، و خون مورد مطالبه، و زهر نوشیده شده، درود فرست.

خدایا، همان گونه که بر سختی رنج شکیبایی نمود، و جرعه جرعه گرفتاری را به جان خرید، و تسلیم رضای تو گشت، و در طاعت تو اخلاص ورزید، و برای تو بیآلایش بود، و خضوع در برابر تو را به نمایش گذاشت، و با بدعت و اهل آن دشمنی کرد، در اجرای اوامر و نواهی تو، سرزنش ملامتگران در او مؤثر واقع نگشت، پس بر او درودی با برکت و بلند مرتبه و پاک که مایه شفاعت او بر امتهایی از آفریدگانت، و گروه هایی از بندگانت باشد، درود فرست؛ و به او از جانب ما تحیّت و سلامی برسان، و از نزد خودت در دوستی او فضل و احسان و آمرزش و خشنودی به ما عطا فرما؛ به راستی که تو دارای فضل و بخشش همهگیر، و گذشت بزرگ هستی، به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.

سپس دو رکعت نماز زیارت به جای آور و در دنباله آن، در حالت ایستاده بگو: خدایا، من به احترام کسی که از تو به تو پناه آورد، و به عزت تو پناهنده شد، و در زیر سایهات قرار گرفت، و به ریسمان تو چنگ زد، و جز به تو اعتماد نکرد، از تو درخواست مینمایم ای زیاد عطا کننده، ای رها کننده اسیران، ای کسی که خودش را به خاطر جودش بسیار بخشنده نامید، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا از این مکان نومید بر مگردانی، چرا که اینجا، جایی است که در آن گناهان بزرگ آمرزیده میشود، و در آن رحمت از جانب خداوند بزرگوار و بسیار دانا امید میرود، و مکانی است که در آن نیازخواهان نومید نمیشوند، و به مشتاقان جواب رد داده نمیشود، و جایگاه کسی است که از روی اشتیاق به سرورش پناه برده، و از روی ترس به او روی آورده است؛ و جایگاه کسی است که میترسد از روزی که مردم برای پروردگار جهانیان به پا میخیزند، و و در آن روز، شفاعت شفاعتگران آنها را سود نبخشد، جز آن کسی که خداوند رحمان به او اجازه شفاعت

داده و از رستگاران بوده باشد؛ و آن روزی است که در آن هیچ مال و فرزندی سود نمی دهد، مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد؛ و [آن روز] بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می گردد. و به آنان گفته شود: این همان است که وعده یافته اید [و] برای هر توبه کار نگهبانِ [حدود خدا] خواهد بود، آنکه در نهان از خدای بخشنده بترسد و با دلی توبه کار [باز] آید؛ به سلامت [و شادکامی] در آن درآیید [که] این روزِ جاودانگی است.

خدایا، پس مرا از مخلصان و رستگاران، و از وارثان بهشت پرنعمت قرار ده؛ و مرا و پدر و مادرم و فرزندانم را در روز جزا بیامرز؛ و مرا به صالحان ملحق گردان؛ و برای خانواده و فرزندانم در میان باقیماندگان، جانشین قرار ده؛ و همه ما را در قرارگاه رحمت خودت گرد آور، ای مهربانترین مهربانان.

مرا از سختیهای هراسناکی که بین من و دیدارت وجود دارد، در سلامت بدار؛ تا مرا به درجهای برسانی که در آن همراهی دوستانت وجود دارد؛ کسانی که برآنها راهنمایی نمودی، و به پیرویشان دستور دادی، و به من از حوض ایشان شرابی سیراب کننده و گوارا بنوشان، آن گونه که هرگز بعد از آن تشنه نشوم، و هیچ گاه چیزی شیرینتر از آن نباشد، و مرا در گروه آنان محشور فرما، و بر آیین آنان بمیران، و مرا در گروه آنان قرار ده، و چهرههایشان را در بهشت به من بشناسان، به راستی من به امامت و هدایت و ولایت آنان خشنود گشتم، پس آنان را پیشوایان و راهنمایان و سروران من در دنیا و آخرت قرار ده، و بین من و آنها به اندازه یک چشم بر هم زدن جدایی میانداز، ای مهربانترین مهربانان؛ بپذیر ای پروردگار جهانیان. و به دلخواه خودت نماز به جای آور و هر آن چه میخواهی، دعا کن.(1)

11. زیارت دیگری که با آن امام - موسی کاظم - علیه السلام زیارت میشود، به این ترتیب است که برای وارد شدن به همان شیوه که در گذشته آمد اذن میگیری و مقابل ضریح میایستی و میگویی:

1- . مصباح الزائر: 201 - 202

درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای برگزیده خدا، درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، درود بر تو ای پیشوای پرهیزکاران، و میراثدار دانش پیشینیان و پسینیان، درود بر تو ای از نسل جانشینان، درود بر تو ای گواه روز جزا، گواهی میدهم که تو و پدرانت که پیش از تو بودند و فرزندانت که بعد از تو خواهند بود، سروران من و دوستان و پیشوایان و رهبرانم در دنیا وآخرت هستید.

گواهی میدهم که شما برگزیدگان خدا و انتخاب شدگان او از میان آفریدگانش و حجت رسای او هستید که شما را با علم خود، انتخاب نموده و خزانهدارهایی برای راز خود، و پایههایی برای یکتاییاش، و بازگو کنندگانی برای وحی، و محل قرار گرفتن کلماتش، و گواهانی برای بندگانش قرار داد، و امورات آفریدگانش را به شما سپرد، و کرامتهای نزول قرآن را مختص شما گردانید، و به شما دانش تأویل قرآن را عطا نمود، و شما را درهای حکمتش، و مایه روشنی در شهرها، و نشانههایی برای بندگانش قرار داد، و شما را برای نور خود، مثال زد، و شما را از لغزش نگاه داشت، و از پلیدی پاک نمود، و از فتنهها ایمن نگاه داشت؛ به وسیله شما نعمت کامل شد، و پراکندگی به گردهمآیی تبدیل گشت، و به وسیله شما کلمه الهی نظم یافت [و وحدت حاصل شد]؛ اطاعت بی چون و چرا، و محبت واجب و سفارش شده تنها برای شما است؛ شما دوستداران برگزیده خداوند هستید که به وسیله شما، راستی را زنده گردانید؛ پس برای بندگانش نصیحت و خیرخواهی نمودید، و آنها را به کتاب خدا و اطاعت او دعوت نمودید، و از گناهان خدا باز داشتید، و از دین خدا دفاع نمودید.

ای سرورم، امام موسی کاظم علیه السلام، ای فرزند آخرین پیامبران، و فرزند پیشوای جانشینان، و فرزند بانوی زنان عالم، در حالی که به حق تو آگاه، و به مقام تو آشنا، و تصدیق کننده وعده تو، و دوستدار دوستانت، و دشمن دشمنانت هستم، نزد تو آمدهام؛ پس ای سرور من، بهترین درود و سلام از طرف من نثار تو باد.

سپس میگویی: خدایا، بر حجت خود از میان آفریدگانت، و امانتدار تو در سرزمین هایت، و جانشین تو در بین بندگان، و زبان حکمت، و طریقه حق، و مقصد

راه، و دلیل بر طاعت، و راه مستقیم تو، و خزانهدار و راه به سوی تو، حضرت موسی فرزند جعفر، که بازمانده پیامبرانت، و نسل برگزیدگانت، ندا دهنده حکمت، و خزانهدار حلم و بردباری، و فرو برنده خشم، و روزهدار در اوج گرما، و پیشوای مؤمنان، و زیور رهیافتگان، و حاکم پسندیده، و پیشوای پاک باوفا و جانشین - راستین - است، درود فرست.

خدایا، بر او و بر پیشوایان از پدران و فرزندان او درود فرست؛ و مرا در زمره او محشور گردان؛ و در گروه او قرار ده؛ و مرا از زیارت وی محروم مگردان؛ خدایا، همان گونه که با ولایت او بر من منت نهادی، و فرمانبرداری او را به من شناساندی، و مرا به محبت او راهنمایی کردی، و بیزاری از دشمن او را روزیام گردانیدی، پس از تو درخواست مینمایم که با رحمت خودت مرا همراه او و همراه پیشوایان از پدران و فرزندان او و همراه آن مؤمنانی که برای آن ها به داشتن ولایت او خشنود گشتی، قرار دهی؛ ای پروردگار جهانیان و بهترین یاوران.

سپس طبق آن چه در زیارت دوم گفته شد، بر او درود میفرستی و نماز زیارت به جای میآوری و بعد از نماز، دعایی را که در تعقیب نماز همان زیارت گفته شد، میخوانی؛ سپس نزد پاهای حضرت علیه السلام میایستی و میگویی:

خدایا، گرفتاری بزرگ شد، و پنهان آشکار گشت، و پرده برداشته شد، و زمین تنگ شد، و آسمان دریغ نمود، و ای پروردگار تو تنها یاور هستی، و ای پروردگار شکایت تنها به سوی توست؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، همان کسانی که اطاعتشان را واجب گرداندی، و به این وسیله مقامشان را به ما شناساندی؛ و گرفتاری ما را بسان چشم بر هم زدن یا زودتر از آن، از ما بر طرف گردان؛ ای بیناترین بینایان، و ای شنواترین شنوایان، و ای سریعترین حسابرسان، و ای داورترین حاکمان. ای محمد ای علی، ای علی ای محمد، ای مصطفی ای مرتضی، ای مرتضی ای مصطفی، یاریام کنید که شما یاران من هستید؛ و کفایتم کنید که شما کفایت کنندگان من هستید؛ ای صاحب الزمان، به فریادم برس؛ به فریادم برس؛ به فریادم برس؛ مرا دریاب؛ مرا دریاب؛ مرا دریاب.

این دعا را تا بریده شدن نفس میگویی، سپس حاجتت را درخواست میکنی که به اذن خدا برآورده میشود.(1)

سپس نزد قبر امام جواد علیه السلام میایستی و بر آن بوسه میزنی و میگویی:

درود بر تو ای ابا جعفر محمد فرزند علی، انسان نیکوکار و پرهیزکار، و امام باوفا؛ درود بر تو ای انسان پسندیده و پاک؛ درود بر تو ای ولی خدا؛ درود بر تو ای همراز خداوند؛ درود بر تو ای نماینده خداوند؛ درود بر تو ای صاحب راز خدا؛ درود بر تو ای نور خداوند؛ درود بر تو ای فروغ خدا؛ درود بر تو ای کلمه خدا؛ درود بر تو ای رحمت خداوند؛ درود بر تو ای نور درخشنده؛ درود بر تو ای ماه تابان؛ درود بر تو ای پاک از نسل انسانهای پاک؛ درود بر تو ای پاکیزه از نژاد پاکیزگان؛ درود بر تو ای نشانه بزرگ؛ درود بر تو ای حجت بزرگ؛ درود بر تو ای بهدور از لغزشها؛ درود بر تو ای منزه از مشکلات؛ درود بر تو ای برتر از کاستی در ویژگیها؛ درود بر تو ای پسندیده در نزد مردمان شریف؛ درود بر تو ای ستون دین؛ گواهی میدهم که تو ولی خدا و حجت او در زمین، و قرب خدا، و برگزیده او، و امانتدار دانش خداوند و دانش پیامبران، و پایه ایمان و ترجمان قرآن هستی.

گواهی میدهم که هر کسی پیرو تو باشد، بر طریق حق و هدایت است و به درستی که هر کس منکر تو باشد و به دشمنی تو برخیزد، در گمراهی و هلاکت است؛ من از آنها در دنیا و آخرت به درگاه خداوند و آستان تو بیزاری میجویم؛ و تا زمانی که من هستم و شب و روز برپاست، بر تو درود باد.(2)

(درود فرستادن بر امام جواد؛ که خداوند بر او و خاندانش درود و سلام فرستد.)

خدایا، بر محمد و اهل بیت او درود فرست؛ و بر محمد فرزند علی، آن امام پاکیزه و پرهیزکار، و نیکوکار و باوفا، و پاکیزه و پاک، رهبر امت، و وارث امامان، و خزانهدار رحمت، و سرچشمه حکمت، و پیشوای برکت، و همطراز قرآن در

1- . مصباح الزائر: 202 - 203
2- . مصباح الزائر: 206

فرمانبرداری، و نمونهای از جانشینان در اخلاص و عبادت، و حجت والای تو، و نمونه برجسته، و کلمه نیکوی تو، و دعوت کننده به سوی تو، و راهنمایی کننده به سوی تو، درود فرست؛ همان کسی که او را نشانهای بر بندگانت، و مترجم قرآن، و آشکار کننده دستور تو، و یاری کننده دین، و دلیل بر آفریدگانت، و نوری که به وسیله آن تاریکیها را شکافتی، و پیشوایی که هدایت به وسیله او به دست میآید، و شفاعت کنندهای که بهشت به شفاعت او به دست میآید، قرار دادی.

خدایا، همچنان که در خشوع خود برای تو، چیزی کم نگذاشت و از خشیت تو، بهرهاش را کامل برگرفت، پس بر او چندین برابر آن مقدار درودی که بر هر دوستی که فرمانبرداریاش را پسندیدی، و خدمت او را پذیرفتی، فرستادی درود فرست؛ و از طرف ما بر روح پاک آن حضرت، درود و سلام رسان، و در دوستی او از نزد خود به ما فضل و احسان و آمرزش و خشنودی عطا کن؛ به راستی که تو دارای بخشندگی دیرینه و چشمپوشی نیکو هستی.

سپس نماز زیارت به جای آور و بعد از اینکه سلام نماز را دادی، بگو:

خدایا، تو پروردگار هستی و من پرورش داده شدهام، تو آفریدگار هستی و من آفریده شدهام، تو مالک هستی و من مملوک هستم، تو بخشنده هستی و من درخواست کنندهام، تو روزی دهنده هستی و من روزیخوارم، تو توانا هستی و من ناتوانم، تو نیرومند هستی و من ضعیف هستم، تو فریادرس هستی و من فریاد بر آورنده هستم، تو جاودانه هستی و من از بین روندهام، تو بزرگ هستی و من کوچکم، تو باعظمت هستی و من ناچیزم، تو سرور هستی و من بردهام، تو عزتمند هستی و من خوارم، تو بلندمرتبه هستی و من پستم، تو تدبیرگر هستی و من در گرو تدبیر توأم، تو پاینده هستی و من گذرا هستم، تو پاداش دهنده هستی و من مزد گیرنده، تو برانگیزاننده هستی و من برانگیخته شده هستم، تو بینیاز هستی و من نیازمندم، تو زنده هستی و من مردهام؛ ای پروردگار، تو کسی غیر از من را برای عذاب دادن داری، ولی من کسی غیر از تو را که بر من دلسوزی و مهربانی نماید، ندارم.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ظهور آنها را نزدیک گردان، و بر خواریام در برابر تو، و بر زاریام به درگاه تو، و بر هراسان بودنم از مردم، و همدم شدنم با تو ای بزرگوار، رحم نما؛ در این لحظه با رحمتی از جانب خودت بر من نیکی فرما، به گونهای که قلبم را با آن آرام کنی، و کارم را با آن سامان دهی، و پراکندگیام را با آن گرد آوری، و چهرهام را با آن سفید گردانی، و منزلتم را با آن گرامی داری، و بار گناهم را از من فرو ریزی، و گناهان گذشتهام را با آن بیامرزی، و مرا در مدت عمر باقیماندهام محافظت کنی، و در تمام مدت آن، مرا به اطاعت خودت و آنچه تو را از من خشنود میسازد، بکار گیری، و کردارم را به بهترین کردارها منتهی سازی، و بهشت را پاداش آن برای من قرار دهی، و مرا به راه مردمان شایسته بگماری، و مرا در استفاده شایسته از آنچه بخشیدهای یاری کنی، هم چنان که به نیکان در استفاده شایسته از آنچه به آنها بخشیدهای یاری دادی؛ و توفیق عمل نیک را که به من عطا نمودهای، هرگز از من نستانی؛ و مرا به ناشایستی که از آن نجاتم دادهای، هیچگاه باز مگردانی؛ و مرا مورد سرزنش دشمنان و رشکبران قرار ندهی؛ و هرگز مرا به اندازه یک چشم بر هم زدن و نه کمتر از این مقدار و نه بیشتر از آن، به خودم وا مگذاری، ای پروردگار جهانیان.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و حق را در شکل حقیقت بنمایان تا از آن پیروی کنم؛ و باطل را در شکل باطل بنمایان تا از آن دوری نمایم، و حق و باطل را بر من مشتبه مساز که مبادا بدون هدایتی از جانب تو، به پیروی از هوای نفس خودم پردازم؛ و نفسم را تابع طاعت خودت قرار ده؛ و از نفسم آنچه را که مورد رضای توست بر گیر؛ و به اذن خودت به حقیقتی که در مورد آن اختلاف نظر به وجود آمده است، راهنماییام کن؛ زیرا تو هر کسی را بخواهی، به راه راست راهنمایی میکنی. سپس به دلخواه خودت دعا کن.(1)

12. زیارت دیگری برای امام جواد علیه السلام

1- . مصباح الزائر: 207 - 208

درود بر درگاه روی آورده شده، و راه راست، و عالم تأیید شده، و سرچشمه حکمتها، و چراغ تاریکیها، و سرور عرب و عجم، هدایت کننده به راه شکوفایی، توفیق داده شده توسط تأیید خداوندی و استواری؛ ای سرور من، ابی جعفر محمد فرزند علی، امام جواد، گواهی میدهم ای ولی خدا، که تو نماز را به پا داشتی، و زکات را ادا نمودی، و امر به معروف و نهی از منکر کردی، و در راه خدا آن چنان که شایسته بود، جهاد کردی و خدا را خالصانه پرستیدی تا مرگ به سراغ تو آمد؛ پس خوشبخت زندگی کردی و شهید از دنیا رفتی؛ ای کاش من هم با شما بودم و به کامیابی بزرگ نائل میشدم؛ و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد.

سپس بر خاک بوسه بزن و صورت راست خود را برآن بگذار و دو رکعت نماز زیارت به جای آور و بعد از آن هر چه میخواهی، دعا کن.(1)

13. زیارت دیگری برای آن حضرت؛ که درودهای خداوند بر او باد.

مقابل قبر حضرت میایستی و میگویی: درود بر تو ای برگزیده خدا، درود بر تو ای دوست خدا، درود بر تو ای ولی خدا، درود بر تو ای حجت خدا، درود بر تو ای نور خدا، درود بر تو ای برگزیده خدا، درود بر تو ای امام فرزند امام، درود بر تو ای فرزند سرور تمام آفریدگان، درود بر تو ای پیراسته از گناهان، درود بر تو ای دعوت کننده به سوی حق و هدایت، درود بر تو ای برطرف کننده شک و گمراهی و نابودی، درود بر تو ای دعوت کننده به سوی خیر و استواری، درود بر تو ای امام معروف به ابی جعفر محمد فرزند علی، امام جواد، درود بر تو ای فرزند بهترین آفریدگان، درود بر تو ای فرزند پیشوایان بزرگوار، درود بر تو ای خزانهدار دانش، و معدن حکمت، درود بر تو ای تأیید شده به سبب عصمت و پاکدامنی، درود بر تو ای سرور من، ای ابا جعفر محمد فرزند علی، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو باد.

گواهی میدهم ای سرور من، که تو نماز را به پا داشتی، و زکات را ادا نمودی، و امر به معروف و نهی از منکر کردی، و کتاب خدا را آن چنان که سزاوار آن بود تلاوت نمودی، و در راه خدا آن چنان که شایسته بود جهاد کردی، و در راه

1- . مصباح الزائر: 208

او بر آزار مردم شکیبایی ورزیدی، و خالصانه خدا را عبادت کردی تا اینکه زمان رحلت از این دنیا به سراغ تو آمد؛ من به درگاه خدا از دشمنانت بیزاری میجویم، و به سوی خدا به واسطه دوستی تو تقرّب میجویم؛ ای فرزند رسول خدا، من برای زیارت نزد تو آمدم، در حالی که آشنا به حق تو، و پناهنده به قبر تو، و اعتراف کننده به برتریات، دوستدار برای کسی که تو را دوست بدارد، و دشمن برای کسی که تو را دشمن بدارد، نسبت به جایگاه تو و به گمراهی کسی که با تو مخالفت ورزد بینا و آشنا، و خواهان شفاعت به وسیله تو به درگاه خداوند هستم، تا گناهم را بیامرزد، و از بدیهایم در گذرد، پس نزد پروردگارت مرا شفاعت نما.

سپس خود را بر روی قبر بیفکن و آن را ببوس و آنچه میخواهی، درخواست کن.(1)

ذکر هنگام وداع آن حضرت و نیز امام موسی کاظم علیهما السلام: کنار قبر امام محمد تقی علیه السلام میایستی و میگویی:

درود بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی او، درود بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت او، درود بر تو ای فرزند رسول خدا، درود بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، درود بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، درود بر تو ای فرزند حسن و حسین، درود بر تو ای فرزند امامان پاک، درود بر تو و بر پدران پاک و بر فرزندان پاکیزهات باد؛ درود بر تو ای سرور من، ای ابا جعفر، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد. سلام بر تو، سلام وداع کنندهای که نه خسته شده و نه ملول گشته است، و رحمت خدا و برکتهای او بر تو باد؛ تو را به خدا میسپارم و از او میخواهم که حق تو را رعایت کند؛ و بر تو سلام میکنم و به خداوند و به پیامبر و به هر چه از جانب خداوند آمده است، ایمان آوردم.

خدایا، برمحمد و خاندان محمد درود فرست، و نام ما را با گواهان ثبت کن؛ خدایا، این زیارت را آخرین زیارت من از او قرار مده، و زیارتش را تا زمانی که زندهام، همواره روزی من گردان، و اگر مرا از دنیا بردی، در زمره او و در زمره

1- . مصباح الزائر: 208 - 209

پدران پاک و وارستهاش محشور کن؛ خدایا، هیچگاه بین من و او جدایی مینداز، و مرا از این بارگاه باشکوه خارج مگردان جز آن که گناهم آمرزیده شده، و کوششم مورد سپاس قرار گرفته، و کردارم پذیرفته شده، و زیارتم مورد قبول، و خواستههایم برآورده شده، و تمام گرفتاریها از من برطرف شده باشد.

خدایا، برمحمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا از کسانی که رستگار و موفق و سالم و کامیاب باز میگردند، به بهترین صورت که هریک از زائران و هواداران و دوستانش باز میگردند، باز گردان؛ پدر و مادرم و خودم و خانوادهام و داراییام فدای تو باد، ای موسی فرزند جعفر، و ای محمد فرزند علی؛ مرا مورد توجه و عنایت خود قرار دهید، و از گروه خودتان بنمایید، و در شفاعت خودتان داخل گردانید، و نزد پروردگارتان مرا یاد کنید؛ درود خدا بر شما و بر خانواده شما دو امام؛ خداوند بین من و شما جدایی نیندازد، و برکت شما را از من قطع نگرداند، و مرا و پدر و مادرم و همه مردان و زنان مؤمن را بیامرزد، به راستی که او ستوده و بزرگوار است.

سپس به دلخواه خوت دعا میکنی، و بدون اینکه به طرف ضریح پشت کنی خارج میشوی، و همین گونه برو تا این که ضریح از دیدگانت ناپدید شود.

آنچه سید - که رحمت خدا بر او باد، - در مورد زیارت این دو امام آورده بود، در اینجا به پایان رسید.(1)

توضیح: «مطامیر» جمع مطموره، عبارت است از گودالی در زیر زمین. عبارت: «فی الغابرین»، الغابر یعنی گذشته و باقیمانده؛ مقصود از آن در این جا، معنای دوم است، یعنی بودنشان در میان بازماندگان پس از من؛ یا در معنای امور باقیماندگان است، به این صورت که آزارشان را از خانواده من بازگردانی، و آنها را دلسوز ایشان قرار دهی. «برح الخفا» مانند «سمع» - در وزن - زمانی گفته میشود که مسئله نمایان شود. و «السفیر»، یعنی فرستاده اصلاحگر در میان قوم؛ عبارت: «یا

1- . مصباح الزائر: 209

سرّ الله»، یعنی صاحب سرّ او؛ یا کسی که خداوند بزرگی و و منزلت او را از مردم پوشیده نگاه دارد.

میگویم: زیارت این دو امام در روزهای باشرافت و زمانهای مخصوص به آن دو امام، مانند روز میلاد امام کاظم علیه السلام که هفتم صفر، و روز وفات آن حضرت که بیست و پنجم رجب یا ششم و بنا به قولی، پنجم رجب است، و روز امامت او، که نیمه رجب یا شوال است، و روز ولادت امام جواد علیه السلام که دهم رجب به روایت ابن عیّاش یا هفدهم رمضان یا نیمه آن است، و روز وفات آن حضرت که آخر ذی القعده یا یازدهم آن است، و روز امامت او که همان روز شهادت پدرش علیهما السلام است، همان طور که به زودی خواهد آمد، بیشتر مورد سفارش و مناسبتر است.

باب سوم : فضیلت مسجد براثا و اعمال آن

روایات:

1. کشف الیقین: به خط حدیث شناس اخباری، محمد فرزند مشهدی نوشتهای یافتم که با سند خودش نقل کرده است که جابر بن عبدالله انصاری گفته است: انس فرزند مالک که خدمتکار رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، برای ما نقل کرد و گفت: هنگامی که امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب از جنگ نهروان باز گشت، در براثا فرود آمد، در آن جا عابدی وجود داشت که در مسکن خودش ساکن بود و نامش حباب بود. وقتی عابد، فریاد و صدای لشکر را شنید از مسکن به سمت بیابان روی کرد و نگاهی به سپاه امیرالمؤمنین علیه السلام انداخت وآن امر را ناپسند دانست و زود پایین آمد و گفت: این سپاه چیست؟ و فرمانده این سپاه چه کسی است؟ به او گفته شد: او امیرالمؤمنین علیه السلام است که از جنگ نهروان باز گشته است. حباب به سرعت از بین مردم عبور کرد و مقابل امیرالمؤمنین ایستاد و گفت: درود بر تو ای امیرالمؤمنین حقیقی و راستین!

امیرالمؤمنین فرمود: از کجا فهمیدی که من امیرالمؤمنین حقیقی و راستین هستم؟ حباب به او گفت: دانشمندان و بزرگان دینی ما، خبر آن را به ما دادهاند. حضرت فرمود: ای حباب! عابد به او گفت: شما از کجا اسم مرا میدانی؟ امام فرمود: حبیب من رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به من آموخته است. حباب گفت: دستت را جلوتر بیاور؛ گواهی میدهم که هیچ خدایی جز الله نیست و محمد، فرستاده خدا است و تو، علی فرزند ابیطالب، جانشین او هستی. امیرالمؤمنین فرمود: در کجا ساکن هستی؟ حباب گفت: من در صومعهام که همین جا قرار دارد، ساکن هستم. امیرالمؤمنین فرمود: از امروز به بعد در این جا ساکن نباش، اما در این

جا مسجدی بنا کن و آن را به نام سازنده آن نامگذاری نما؛ مردی به اسم براثا آن مسجد را بنا نمود و مسجد به نام سازندهاش براثا نامیده شد.

سپس فرمود: ای حباب، از کجا آب مینوشی؟ گفت: ای امیرالمؤمنین، از نهر دجله که این جا قرار دارد؛ امام فرمود: چرا در این جا چشمه یا چاهی حفر نمیکنی؟ حباب به امام گفت: ای امیرالمؤمنین، هر زمان چاهی حفر میکنیم، آن را شور و ناگوار مییابیم؛ امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: در این مکان چاهی حفر کن؛ وی حفر کرد و تخته سنگی در برابرشان بیرون آمد، به طوری که نتوانستند آن را در آورند؛ امیرالمؤمنین علیه السلام آن تخته سنگ را در آورد و به دنبال آن، چشمهای شیرینتر از عسل و گواراتر از سرشیر جوشیدن گرفت. امام به او فرمود: ای حباب، آب آشامیدنی تو از این چشمه خواهد بود؛ اما ای حباب، در کنار این مسجد تو، شهری ساخته خواهد شد که ستمگران در آن زیاد میشوند و گرفتاری در آن شهر، بزرگ میشود، تا اینکه هر شب جمعه در آنجا، هفتاد هزار زنا صورت میگیرد.(1)

در النهایه گفته است:(2)

«القلایه»، معادل عربی واژه «کلاده» و آن، عبارت از پرستشگاههای مردمان نصاری است.

میگویم: این حدیث به صورت کامل در کتاب احوال امیرالمؤمنین علیه السلام بیان شد.

2. امالی الطوسی: امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام از نبرد با خوارج باز گشت، از سرزمین زوراء عبورکرد و به مردم فرمود: اینجا سرزمین زوراء است؛ بروید و از آن دور شوید؛ چرا که واقع شدن خواری و ذلت در آن، سریعتر از فرو رفتن میخ در سبوس است. وقتی به قسمتی از سرزمین بغداد آمد، فرمود: نام این سرزمین چیست؟ گفته شد: سرزمین نجرا؛ حضرت فرمود: - نجرا - سرزمینی بایر است؛ از اینجا دور شوید و به سمت راست حرکت کنید. وقتی به سمت راست آمد، با عابدی که در صومعه بود، رو به رو شد؛ به او فرمود: ای عابد، آیا میتوانم در اینجا اطراق کنم؟ عابد به او گفت: با سپاهت در این

1- . كشف اليقين: 156 -157
2- . النهايه 3 : 309

سرزمین اطراق نکن؛ فرمود: چرا؟ گفت: زیرا در این سرزمین جز پیامبر و جانشین پیامبر که با سپاهیانش در راه خداوند عز و جل نبرد میکند، کسی فرود نمیآید؛ در کتابهایمان این گونه یافته- و خوانده-ایم. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من همان فرد هستم؛ عابد به سمت حضرت آمد و گفت: مرا به آیین اسلام در بیاور؛ چرا که من در انجیل وصف تو را یافتهام و اینکه تو در سرزمین براثا خانه مریم و سرزمین عیسی علیهما السلام فرود میآیی. امیرالمؤمنین فرمود: بایست و ما را از چیزی آگاه مساز. سپس به قسمتی از سرزمین آمد و فرمود: با دست های خود زمین را بکنید و خود حضرت نیز با دستش زمین را کند و چشمهای جوشان فوران کرد؛ و فرمود: این چشمه مریم است که برای او جوشیدن گرفت.

سپس فرمود: در اینجا به اندازه هفده ذراع حفر کنید؛ حفر کردند و تخته سنگی سفید رنگ نمایان گشت؛ به دنبال این، حضرت علیه السلام فرمود: بر روی این تخته سنگ بود که مریم، عیسی را از دوشش برداشت و بر روی آن نهاد و در اینجا نماز خواند. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام آن تخته سنگ را راست نمود و به سمت آن نماز خواند و در آنجا چهار روز اقامت نمود و نماز را کامل میخواند، و خانواده خویش را در چادری که با آن موضع به اندازه رسیدن صدای یک انسان فاصله داشت، اسکان داد؛ سپس فرمود: - اینجا - سرزمین براثا و این خانه مریم علیه السلام و مکان مقدّسی است که پیامبران در آن نماز خواندهاند. امام محمد باقر علیه السلام فرمود: ما نیز چنین یافتهایم که ابراهیم علیه السلام قبل از عیسی علیه السلام در آن مکان نماز خوانده است.(1)

3. الخرائج: مثل همین روایت را به صورت مرسل از آن حضرت علیه السلام روایت کرده است.(2)

توضیح: «اللکز»، یعنی راندن با دست؛ «الخریر»، یعنی صدای آب؛ عبارت «علی دعوه»، یعنی فاصله بین آن دو به اندازه مسافت رسیدن صدای ندا دهنده است؛ سپس بدان از این روایت استفاده میشود که این مکان از جمله مکانهایی

1- . امالی طوسی 1 : 202؛ چاپ نجف اشرف
2- . الخرائج: آن را در محل مورد نظر نیافتم.

است که برای مسافر جایز است نماز را در آنجا تمام بخواند، ولی کسی این مطلب را بیان نکرده است.

4. المناقب: حارث الأعور و عمرو پسر حریث و ابو ایوب نقل کردهاند که امیرالمؤمنین هنگامی که از جنگ با خوارج باز گشت، در سمت راست نخلستان ها فرود آمد ترسایی به حضرت گفت: فقط جانشین پیامبر که در راه خدا میجنگد، در این مکان فرود میآید؛ علی علیه السلام فرمود: من سرور جانشینان، جانشین سرور پیامبران هستم. وی گفت: پس بنابر این تو باید مرد بدون مو پیشانی طایفه قریش و جانشین محمد باشی؛ مرا به دین اسلام در بیاور که من در انجیل، توصیف تو را دیدهام که تو در مسجد براثا که خانه مریم و سرزمین عیسی است، فرود میآیی.

امیرالمؤمنین فرمود: ای حباب بنشین؛ وی گفت: و این نشانه دیگری است. حضرت سپس فرمود: ای حباب، از این صومعه پایین بیا و به جای این دیر، مسجد بساز. حباب دیر را مسجد ساخت و همراه امیرالمؤمنین به کوفه آمد و همچنان در آنجا ساکن بود تا این که امیرالمؤمنین به شهادت رسید و حباب به مسجدش در براثا باز گشت.(1)

5. در روایتی آمده است که ترسا گفت: در انجیل خواندهام که ایلیا جانشین البارقلیطا، محمد، پیامبر امی و آخرین فرد از پیامبران خداوند و فرستادگان او که قبل از وی بودند، در این مکان نماز میخواند؛- و این مطلب را در ضمن سخنان بسیاری بیان کرد- هر کس او را درک نماید، باید از نوری که او آورده است، پیروی نماید؛ به یقین بدانید که در آخر الزمان در این مکان درختی کاشته میشود که میوهاش هرگز فاسد نمیشود.(2)

6. در روایت زاذان آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آب آشامیدنی تو از کجا تأمین میشود؟ گفت: از دجله. امام فرمود: چرا چشمهای حفر نمیکنی که از آب آن استفاده کنی؟ گفت: حفر کردهام ولی آب آن، شور در آمده است. امام فرمود: الآن چاه دیگری حفر کن؛ وی حفر کرد و آب آن، شیرین در آمد. سپس فرمود: ای حباب، آب آشامیدنی تو باید از اینجا باشد، و این مسجد همواره

1- . مناقب ابن شهر آشوب 2 : 100؛ چاپ نجف اشرف

2- . مناقب ابن شهرآشوب 2 : 100؛ چاپ نجف اشرف

آباد باشد؛ اگر آن را خراب و نخل آن را قطع نمایند، مصیبتی آنان - و یا بنا به قولی، مردم - را فرا میگیرد.(1)

7. در روایت محمد بن قیس آمده است: امیرالمؤمنین در قسمتی از آن مکان نرم وارد شد و با پایش به زمین کوبید و در اثر آن، چشمهای جوشیدن گرفت و حضرت فرمود: این چشمه مریم است؛ سپس فرمود: در اینجا به اندازه هفده ذرع حفر کنید؛ حفر کردند و سنگ سفید رنگی نمایان گشت؛ فرمود: در این مکان، مریم عیسی را از دوشش برداشت و روی آن سنگ گذاشت و در اینجا نماز خواند. امیرالمؤمنین تخته سنگ را راست نمود و به سمت آن نماز خواند و در آنجا چهار روز اقامت کرد.(2)

8. در روایت امام باقر علیه السلام آمده است: حضرت فرمود: این چشمهای است که برای مریم جوشیدن گرفت؛ در اینجا به اندازه هفده ذرع حفر کنید؛ حفر کردند و سنگی سفید رنگ نمایان گشت.(3)

9. در روایتی آمده است: در این مکان مقدس، پیامبران نماز خواندهاند؛ و امام باقر علیه السلام فرمود: آن طور که ما اطلاع داریم، قبل از من، حضرت عیسی علیه السلام در آن نماز خوانده است.(4)

10. درروایت دیگری آمده است: حضرت ابراهیم در آن نماز خوانده است.(5)

11. روایت شده است که امیرالمؤمنین با صدای بلند به زبان عبری فرمود: ای چاه به من نزدیک شو؛ وقتی از کنار مسجد عبور کرد، در آنجا گیاه عوسج و خاری بزرگ بود، شمشیرش را بر کشید و همه آن را برید و فرمود: در اینجا قبر پیامبری از پیامبران الهی است؛ و به خورشید دستور داد باز گردد؛ خورشید برگشت و سیزده تن از اصحاب حضرت همراه او بودند، پس قبله را با خط راستی مشخص کرد و به سمت آن نماز خواند.(6)

1- . مناقب ابن شهرآشوب 2 : 101
2- . مناقب ابن شهر آشوب 2 : 101
3- . مناقب ابن شهر آشوب 2 : 101

4- . مناقب ابن شهر آشوب 2 : 101
5- . مناقب ابن شهر آشوب 2 : 101
6- . مناقب ابن شهر آشوب 2 : 101

توضیح: این مسجد هم اکنون موجود است و بین جاده بغداد و زیارتگاه کاظمین قرار دارد و مستحب است در آن نماز خوانده شود و نیازها درخواست گردد. بعضی از اصحاب گفتهاند نماز خواندن در مسجد شمس خارج حله مستحب است و آن، مسجدی است که خورشید در آنجا بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله بر امیرالمؤمنین علیه السلام برگشت داده شد. این مسجد نیز در حال حاضر، پابرجا و معروف است.(1)

شهید - که رحمت خداوند شامل حال او باد، - در کتاب الذکری گفته است: (2) از مساجد با ارزش، مسجد براثا در قسمت غربی بغداد است و هماکنون پابرجا است؛ من آن را دیده و در آن نماز خواندهام. عدهای از جابر انصاری روایت کردهاند که گفته است: امام علی علیه السلام بعد از بازگشتن از جنگ خوارج، در براثا با ما - به عنوان امام جماعت - نماز خواند و ما تقریباً صد هزار نفر بودیم. مردی مسیحی از دیر خود بیرون آمد و گفت: فرمانده این لشکر کیست؟ گفتیم: این شخص؛ وی به سمت امام رفت و بر او سلام کرد.

سپس گفت: ای سرورم، آیا شما پیامبر هستید؟ حضرت فرمود: خیر؛ پیامبر، سرور من است که رحلت نموده است.وی گفت: پس جانشین پیامبر هستی؟ حضرت فرمود: بلی؛ وی گفت: صومعه به خاطر این مکان ساخته شده است که در براثا قرار دارد و در کتابهای آسمانی خواندهام در این مکان، فقط پیامبر و جانشین پیامبر با چنین جماعتی نماز میخواند؛ و سپس اسلام آورد. علی علیه السلام به او فرمود: چه کسی در این مکان نماز خوانده است؟ وی گفت: عیسی فرزند مریم و مادرش. علی علیه السلام به او فرمود: و همینطور حضرت ابراهیم علیه السلام - نیز در آن نماز خوانده است. -

---

1- . این مسجد هم چنان در قسمت چپ خروجی حله به کربلا است و به دلیل کرامتش که بدان اشاره شد، متبرک و مقصد زائران است.
2- . الذکری: 155؛ چاپ ایران: 1271

باب چهارم : فضیلت زیارت امام آدمیان و پریان، حضرت علی بن موسی، امام رضا علیه السلام، و فضیلت مرقد مطهر او

روایات:

1. عیون الاخبار، امالی الصدوق: امام صادق از طریق پدرانش علیهم السلام نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: به زودی، پاره تن من در سرزمین خراسان دفن خواهد شد؛ هیچ مؤمنی او را زیارت نمیکند، مگر این که خداوند عز و جل بهشت را بر او واجب، و بدنش را بر آتش دوزخ حرام میگرداند.(1)

2. امالی الصدوق: امام رضا علیه السلام فرمود: بارگاهی در خراسان وجود دارد که در آینده محل آمد و رفت فرشتگان قرار میگیرد و پیوسته دستهای از آنها از آسمان فرود میآیند و دستهای بالا میروند، تا اینکه در صور دمیده شود. به امام گفته شد: ای پسر رسول خدا، این کدام بارگاه است؟ حضرت فرمود: آن بارگاه در سرزمین طوس قرار دارد و به خدا سوگند، آن باغی از باغهای بهشت است؛ هر کس مرا در آن بارگاه زیارت نماید، مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد، و خداوند تبارک و تعالی برای او به سبب آن زیارت، ثواب هزار حج مورد سپاس و هزار عمره پذیرفته مینویسد، و من و پدرانم در روز قیامت شفاعت کنندگان او خواهیم بود.

عیون الاخبار: قطّان و طالقانی و نقاش، همگی مثل این روایت را از احمد همدانی نقل کردهاند.

1- . عیون الاخبار 2: 255 چاپ قم؛ امالی صدوق: 62 چاپ اسلامیه

3. عیون الاخبار، امالی الصدوق: هروی گفته است: از امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: به خدا سوگند، هیچ یک از ما، جز کشته شده به طریق شهادت نیست. به حضرت گفته شد: ای پسر رسول خدا، چه کسی تو را میکشد؟ فرمود: بدترین آفریده خدا در زمان من، مرا با سم میکشد؛ سپس مرا در خانهای تباه شده و در شهر دور افتاده دفن میکند؛ آگاه باش که هر کس مرا در این غربت زیارت نماید، خداوند عز و جل ثواب صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج گزارنده و عمره گزارنده و صد هزار رزمنده برای او مینویسد و در گروه ما محشور مینماید و در والاترین مراتب بهشت، همنشین ما قرار میدهد.(1)

توضیح: در النهایه در حدیث کعب فرزند مالک آمده است:(2) و خداوند تو را در خانه خواری و تباه شده قرار ندهد؛ «مضیعه» با کسره حرف ضاد، بر وزن مفعله از ریشه «الضیاع»، به معنای دور انداختن و خواری است؛ گویا در آن تباه شده است. از آنجا که حرف میانی آن، «یاء» با کسره است، حرکت آن به حرف «ضاد» منتقل شده و حرف «یاء»، ساکن گردیده و کلمه بر وزن «معیشه» در آمده است و حال این دو کلمه، یکسان است.

4. عیون الاخبار، امالی الصدوق: از امام رضا علیه السلام روایت شده است که مردی از اهل خراسان به حضرت گفت: ای پسر رسول خدا، من در خواب، پیامبر را دیدم که به من میفرمود: آن گاه که یکی از خاندان من در سرزمین شما دفن شود، و عهدهدار امانت من بشوید، و ستارهام در سرزمین شما پنهان گردد، چگونه خواهید بود؟ امام رضا علیه السلام به او فرمود: من در سرزمین شما دفن میشوم، و من پاره تن پیامبرتان هستم، و من همان امانت و ستاره هستم؛ آگاه باش که هر کس مرا زیارت نماید، در حالی که به آن چه خداوند تبارک و تعالی از حق و طاعت من واجب نموده است، آگاه باشد، من و پدرانم در روز قیامت شفاعت کنندگان او خواهیم بود و هر کس که ما شفاعت کنندگان او در روز قیامت باشیم، نجات خواهد

1- . عیون الاخبار2: 256؛ امالی صدوق: 63
2- . النهایه فی غریب الحدیث 3: 32

یافت، هر چند باری به سنگینی گناه دو گروه بزرگ آدمیان و پریان بر دوش او باشد.

پدرم از جدم و او از طریق پدرش، از پدرانش علیهم السلام نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس مرا در خواب ببیند، به یقین مرا دیده است؛ زیرا شیطان در صورت من و در صورت یکی از جانشنانم و در صورت هیچ یک از پیروان آنان در نمیآید و به راستی، خواب راستین، یکی از هفتاد جزء پیامبری است.(1)

5. ثواب الاعمال، عیون الاخبار، امالی الصدوق، کامل الزیارات: بزنطی گفته است: در نامه امام رضا علیه السلام خواندم: این پیغام را به شیعیانم برسان که زیارت من، برابر با هزار حج نزد خداوند عز و جل است. بزنطی گفته است: به امام جواد علیه السلام گفتم: هزار حج؟ فرمود: بلی؛ به خدا سوگند، هزار هزار حج برای کسی که او را با شناخت حق و جایگاهش زیارت نماید، خواهد بود.(2)

6. بشاره المصطفی: مثل همین روایت را به سند دیگری نقل کرده است.(3)

7. امالی الصدوق: مثل همین روایت را از بزنطی نقل کرده و در آن آورده است: بزنطی گفته است: به امام جواد، فرزند امام رضا علیه السلام گفتم.(4)

8. امالی الصدوق: با همین سند از بزنطی نقل کرده که گفته است: از امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: هر کس از دوستانم که حق و جایگاه مرا به رسمیت میشناسد، مرا زیارت نماید، در روز قیامت برای او شفاعت خواهم نمود.(5)

9. عیون الاخبار: مثل همین روایت را با سند دیگری از بزنطی نقل کرده است.(6)

1- . عیون الاخبار 2: 257؛ امالی شیخ صدوق: 64

2- . ثواب الاعمال: 89 چاپ بغداد؛ عیون الاخبار 2: 257؛ امالی صدوق: 64؛ کامل الزیارات: 306
3- . بشاره المصطفی: 24 چاپ نجف اشرف، چاپ دوم، سال 1383
4- . امالی صدوق: 119
5- . امالی صدوق: 119
6- . عیون الاخبار 2: 258

10. عیون الاخبار، امالی الصدوق: حسین پسر زید گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: مردی از فرزندان پسرم موسی متولد میشود که اسم او، اسم امیرالمؤمنین علیه السلام است و در سرزمین طوس که در خراسان قرار دارد، دفن میشود؛ او در آنجا با سمّ کشته میشود و در همانجا غریبانه دفن میگردد؛ هر کس او را زیارت نماید، در حالی که به حق و جایگاه او شناخت داشته باشد، خداوند عز و جل ثواب کسی را که قبل از فتح [مکه، در راه خدا] انفاق کرده و به پیکار پرداخته است، عطا میکند.(1)

11. عیون الاخبار، امالی الصدوق: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پاره تن من در خراسان دفن میگردد؛ هیچ شخص گرفتار او را زیارت نمیکند، جز آن که خداوند غم او را بر طرف میکند؛ و هیچ گنهکاری او را زیارت نمیکند، جز آن که خداوند گناه او را میآمرزد.(2)

12. عیون الاخبار، امالی الصدوق: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: مردی از فرزندان من در سرزمین خراسان ستمکارانه با سمّ کشته میشود و در همان جا دفن میگردد؛ اسم او، اسم من و اسم پدرش، اسم پسر عمران، موسی علیه السلام است؛ هر کس او را در غربتش زیارت نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده او را میآمرزد، هر چند به تعداد ستارگان و قطرههای باران و برگهای درختان باشد.(3)

13. عیون الاخبار، امالی الصدوق: امام جواد علیه السلام فرمود: هر کس قبر پدرم را در طوس زیارت نماید، خداوند گناهان گذشته و آینده او را میآمرزد و آن گاه که روز قیامت شود، برای او منبری مقابل منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داده میشود، تا اینکه خداوند از حساب بندگانش فارغ گردد.(4)

14. الخصال، امالی الصدوق: امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس با وجود دوری قبر من، مرا زیارت نماید، روز قیامت در سه جا نزد او میآیم تا او را از

1- . عیون الاخبار 2: 255؛ امالی صدوق: 118
2- . عیون الاخبار 2: 257؛ امالی صدوق: 119

3- . عیون الاخبار 2: 258 و امالی صدوق: 119
4- . عیون الاخبار 2: 259 و امالی صدوق: 120

وحشت رهایی بخشم: آن گاه که نامه اعمال در دست چپ و دست راست افراد داده شود، و نزد صراط، و هنگام سنجش اعمال.(1)

15. عیون الاخبار: مثل همین روایت را نقل کرده است.(2)

16. عیون الاخبار، امالی الصدوق: علی بن حسن بن فضّال از پدرش نقل کرده و گفته است: از امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: من با زهر، مسموم گشته و کشته میشوم و در دیار غربت دفن میگردم؛ این را از روی قولی که پدرم به من داده است می دانم و پدرم این را از پدرش و او از پدرانش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کردهاند. پس هر کس مرا در دیار غربت زیارت نماید، من و پدرانم در روز قیامت شفاعت کنندگان او خواهیم بود، و هر کس که ما شفاعت کنندگان او باشیم، نجات خواهد یافت؛ هر چند بر دوش او به میزان بار گناهان آدمیان و پریان، باشد.(3)

17. عیون الاخبار، امالی الصدوق: سلیمان پسر حفص گفته است: از امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که میفرمود: هر کس قبر فرزندم علی را زیارت نماید، برای او نزد خداوند عز و جل، ثواب هفتاد حج پذیرفته شده، خواهد بود. گفتم: هفتاد حج پذیرفته شده؟ فرمود: بله؛ و بلکه هفتاد هزار حج. گفتم: هفتاد هزار حج؟ فرمود: چه بسیار حجی که مورد قبول واقع نشود؛ هر کس آن حضرت را زیارت نماید، یا یک شب نزد آن حضرت بماند، مانند کسی خواهد بود که خداوند را در عرش زیارت نموده باشد. گفتم: مانند کسی که خداوند را در عرش زیارت نموده باشد؟ فرمود: بله؛ وقتی روز قیامت میشود، بر عرش خداوند، چهار نفر از پیشینیان و چهار نفر از پسینیان خواهند بود؛ پیشینیان، نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و پسینیان، محمد و علی و حسن و حسین هستند؛ سپس شاغول سنجش الهی نصب میشود و زیارت کنندگان قبرهای امامان، در کنار ما مینشینند؛ آگاه باشید که

1- . الخصال: ج 1 ص 109 چاپ اسلامیه؛ امالی صدوق: 121
2- . عیون الاخبار 2: 255
3- . عیون الاخبار 2: 263؛ امالی صدوق: 611

مرتبه زیارت کنندگان قبر فرزندم علی علیه السلام از همه والاتر، و بهرهشان از همه بیشتر خواهد بود.(1)

18. امالی الصدوق: حمزه پسر حمران گفته است: امام صادق علیه السلام فرمود: یکی از نوادگانم در سرزمین خراسان در شهر طوس کشته میشود؛ هر کس در آن دیار او را زیارت نماید، در حالی که به حق او آشنا باشد، در روز قیامت دستش را میگیرم و او را وارد بهشت میکنم؛ هر چند از اهل گناهان کبیره باشد. گفتم: فدایت شوم، شناخت حق او چیست؟ فرمود: بداند که فرمانبرداری او واجب است و او غریب و شهید است؛ هر کس او را زیارت نماید، در حالی که به حق او شناخت داشته باشد، خداوند ثواب هفتاد شهیدی که با ایمان حقیقی پیش روی رسول خدا صلی الله علیهه و آله به شهادت رسیده است، به او عطا میکند.(2)

19. عیون الاخبار: مانند این روایت را نقل کرده است.(3)

20. در روایت دیگری گفته است: امام صادق علیه السلام فرمود: برای این - و با دست به سرورمان حضرت موسی کاظم علیه السلام اشاره فرمود، - فرزندی در طوس کشته میشود که از شیعیان ما جز افراد کمیاب و کمیابتر او را زیارت نمیکنند.(4)

توضیح: عبارت: «علی حقیقه»، یعنی در حالی که بر حقیقت ایمان یا شهادت حقیقی باشد.

21. امالی الصدوق: عبدالعظیم حسنی گفته است: از امام جواد علیه السلام شنیدم که میفرمود: هر کس که پدرم را زیارت نماید و - در راه زیارت او - آزاری از قبیل باران یا سرما یا گرما به او برسد، جز این نیست که خداوند بدنش را بر آتش جهنم حرام گرداند.(5)

1- . عیون الاخبار 2: 295؛ امالی صدوق: 120
2- . امالی صدوق: 121
3- . عیون الاخبار 2: 259
4- . عیون الاخبار 2: 259
5- . امالی صدوق: 654

22. عیون الاخبار، امالی الصدوق: امام رضا علیه السلام فرمود: بار و بنه سفرتان را به سوی - زیارت - هیچ قبری جز قبرهای ما نبندید؛ آگاه باشید که من از روی ستم و با سمّ کشته میشوم و در مکان غریب دفن میگردم؛ هر کس بار سفرش را به قصد زیارت من ببندد، دعایش مستجاب میگردد و خداوند گناهانش را میآمرزد.(1)

23. عیون الاخبار: هروی گفته است: امام رضا علیه السلام در قبهای که قبر هارون الرشید در آنجا قرار داشت، وارد شد؛ سپس با دست خود کنار قبر هارون الرشید خط کشید و فرمود: این قبر من است و در اینجا دفن میگردم و خداوند این مکان را محل رفت و آمد شیعیان و دوستدارانم قرار میدهد؛ به خدا سوگند، زائری از ایشان مرا زیارت نمیکند و سلام کنندهای بر من سلام نمیدهد، جز آن که با شفاعت ما اهل بیت، آمرزش خداوند و رحمت او بر وی واجب گردد. این کل روایت بود.(2)

24. عیون الاخبار: هروی گفته است: از امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: من با سمّ و از روی ستم کشته میشوم و در کنار هارون الرشید دفن میگردم و خداوند عز و جل تربت مرا محل رفت و آمد شیعیان و دوستدارانم قرار میدهد؛ هر کس مرا در این غربت زیارت نماید، دیدار من از او در روز قیامت واجب میگردد؛ سوگند به خداوندی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری کرامت بخشید و او را بر تمام آفریدگان برگزیده ساخت، هیچ یک از شما نزد قبر من دو رکعت نماز نمیگزارد، جز آن که سزاوار آمرزش از سوی خداوند عز و جل در روزی که او را دیدار مینماید، میگردد؛ و سوگند به حق آن خداوندی که ما را بعد از محمد صلی الله علیه و آله به امامت گرامی داشت، و به جانشینی آن حضرت اختصاص داد، زیارت کنندگان قبر من، گرامیترین میهمانان خداوند در روز قیامت خواهند

1- . عیون الاخبار 2: 254؛ الخصال 1: 94
2- . عیون الاخبار 2: 136؛ در ضمن حدیث

بود؛ هر مؤمنی که مرا زیارت نماید و - در راه زیارت من، - قطرهای باران به صورت او برخورد نماید، خداوند پیکر او را بر آتش جهنم حرام میگرداند. (1)

25. عیون الاخبار: ابوهاشم جعفری گفته است: از امام جواد علیه السلام شنیدم که میفرمود: در میان دو کوه طوس، قطعهای از زمین وجود دارد که از بهشت برداشته شده است؛ هر کس داخل آن گردد، در روز قیامت از آتش جهنم ایمن خواهد بود.(2)

26. عیون الاخبار: عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل کرده است که فرمود: برای هر کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت نماید، در حالی که به حق او شناخت داشته باشد، از سوی خداوند متعال، بهشت حتمی است.(3)

27. عیون الاخبار: با همین سند از عبدالعظیم حسنی روایت شده که گفته است: به امام جواد علیه السلام گفتم: بین زیارت قبر امام حسین و قبر پدرت در طوس، سرگردانم؛ نظر شما چیست؟ فرمود: همین جا بمان؛ سپس داخل شد و بیرون رفت، در حالی که اشکهایش بر روی گونههایش جاری بود و فرمود: زیارت کنندگان قبر حضرت اباعبدالله بسیار هستند و زیارت کنندگان قبر پدرم در طوس کم هستند.(4)

28. عیون الخبار: پسر ابی نجران گفته است: از امام جواد علیه السلام پرسیدم: برای کسی که پدرت را زیارت نماید، چه پاداشی خواهد بود؟ فرمود: به خدا سوگند، پاداش او بهشت است.(5)

29. عیون الاخبار: پسر اسباط گفته است: از امام جواد علیه السلام پرسیدم: برای کسی که پدرت را در خراسان زیارت نماید، چه پاداشی خواهد بود؟ فرمود: بهشت، به خدا سوگند؛ بهشت، به خدا سوگند.(6)

1- . عیون الاخبار 2: 256
2- . عیون الاخبار 2: 256
3- . عیون الاخبار 2: 256
4- . عیون الاخبار 2: 256

5- . عيون الاخبار 2 : 257
6- . عيون الاخبار 2 : 257

30. عیون الاخبار: محمّد پسر سلیمان گفته است: از امام محمّد تقی علیه السلام در مورد شخصی سؤال کردم که حجّ واجب خود را با عمره تمتّع آغاز کرد و خداوند او را در به جای آوردن عمره و حج، یاری نمود؛ سپس به مدینه رفت و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام داد - و او را زیارت نمود - و سپس به زیارت پدرت امیرالمؤمنین رفت، در حالی که به حقّ او شناخت داشته و میدانست که او حجّت خدا بر آفریدگان و درگاه خداوند که از آن به سوی خدا راه پیدا میشود است، و بر آن حضرت سلام داد - و زیارت نمود؛ - سپس به سوی - قبر- اباعبدالله رفت و بر امام حسین علیه السلام سلام داد - و او را زیارت کرد؛ - و بعد از آن، به بغداد رفت و بر امام موسی کاظم علیه السلام سلام داد - و او را زیارت کرد - و پس از آن، به شهر خود باز گشت.

در همین زمان، خداوند آن مقدار مال که با آن، حج به جای آورد، به او روزی داد؛ کدام یک از این دو برای این مرد بهتر است؛ این کسی که حج واجب خود را به جای آورده است ،آیا برگردد و باز حجّ به جای آورد، یا به خراسان برود و پدرت امام رضا علیه السلام را زیارت نماید؟ فرمود: البته که برود بر پدرم سلام - و او را زیارت - کند، برتر است و باید در ماه رجب باشد؛ و بهتر است اکنون انجام ندهید؛ زیرا بر ما و شما از خلیفه خوف بدرفتاری هست.(1)

31. کامل الزیارات: مثل این روایت را از حسین پسر سیف روایت کرده است.(2)

32. عیون الاخبار: عبدالعظیم حسنی گفته است: از امام هادی علیه السلام شنیدم که میفرمود: اهل قم و اهل آبه، به خاطر زیارت جدم علی بن موسی، امام رضا علیه السلام، آمرزیده میشوند؛ آگاه باشید هر کس او را زیارت کند و در میانه راه، قطرهای باران از آسمان بر او فرو ببارد، خداوند بدنش را بر آتش دوزخ حرام میگرداند.(3)

1- . عیون الاخبار 2 : 258
2- . کامل الزیارات: 305
3- . عیون الاخبار 2 : 260

33. عیون الاخبار: سلیمان پسر حفص گفته است: از امام موسی کاظم علیه السلام شنیدم که میفرمود: پسرم علی با سم و مظلومانه کشته میشود و در کنار هارون در طوس دفن میگردد؛ هر کس او را زیارت کند، مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده است. (1)

34. عیون الاخبار: امام رضا علیه السلام فرمود: من با سم و مظلومانه کشته میشوم؛ هر کس مرا زیارت کند و به حق من شناخت داشته باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده او را میآمرزد.(2)

35. عیون الاخبار: پسر مهزیار گفته است: به امام محمد تقی علیه السلام گفتم: فدایت شوم، آیا زیارت امام رضا علیه السلام با فضیلتتر است یا زیارت امام حسین علیه السلام؟ فرمود: زیارت پدرم با فضیلتتر است؛ چون امام حسین علیه السلام را همه مردم زیارت میکنند، ولی پدرم را جز شیعیان خاص زیارت نمیکنند.(3)

36. کامل الزیارات: مانند این را از پسر مهزیار روایت کرده است.(4)

توضیح: شاید این اختصاص به آن زمان داشته باشد؛ زیرا جز شیعیان خاص که فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام را میدانستند، کسی از آنان به زیارت او تمایل نشان نمیداد؛ بنا بر این تعلیل، در هر دورهای، هر یک از امامان که زیارت کنندهاش کمتر باشد، ثواب زیارت او بیشتر خواهد بود. یا معنی روایت این است که اهل سنت نیز او را زیارت میکنند؛ اما امام رضا علیه السلام را جز افراد خاص که همان شیعیان هستند، زیارت نمیکنند؛ بنابراین، «من» - در روایت - بیانیه است. یا معنی روایت این است که از فرقههای شیعه، جز آنان که معتقد به همه امامان - دوازدهگانه - باشند، او را زیارت نمیکنند؛ بنابراین، کسی که معتقد به امامت امام رضا علیه السلام باشد، درباره امامان بعد از او، توقف نمی کند و مذاهب کمیابی هم

1- . عیون الاخبار 2 : 260
2- . عیون الاخبار 2: 261
3- . عیون الاخبار 2: 261
4- . کامل الزیارات: 306

که بعد از آن حضرت به وجود آمدند، دیری نپایید که نابود گشتند و اثری از آنان باقی نماند.

37. عیون الاخبار: طبق روایت دعبل، امام رضا علیه السلام فرمود: روزها و شبهایی چند نمیگذرد تا اینکه طوس محل رفت و آمد شیعیان و زیارت کنندگان من میشود؛ آگاه باشید هر کس مرا در غربتم در طوس زیارت کند، در روز قیامت همرتبه من خواهد بود و آمرزیده میشود.(1)

38. کامل الزیارات، ثواب الاعمال: علی پسر مهزیار گفته است: به امام جواد علیه السلام گفتم: برای کسی که به زیارت قبر امام رضا علیه السلام برود، چه پاداشی خواهد بود؟ فرمود: به خدا سوگند، بهشت - پاداش او است. -(2)

39. فرحه الغرّی: امام صادق علیه السلام فرمود: چهار بقعه هستند که در روزهای طوفان - نوح -، به سوی خداوند فریاد بر آوردند: خانه کعبه، که خداوند آن را والامرتبه گرداند؛ و نجف و کربلا و طوس.(3)

40. کامل الزیارات: داود صرمی گفته است: از امام جواد علیه السلام شنیدم که میفرمود: هر کس قبر پدرم را زیارت کند، بهشت برای او خواهد بود.(4)

41. کامل الزیارات: مثل این روایت را با سند دیگری از داود صرمی نقل کرده است.(5)

42. کامل الزیارات: حمدان دسوائی گفته است: پیش امام جواد علیه السلام رفتم و به او گفتم: برای کسی که پدرت را در طوس زیارت نماید، چه پاداشی است؟ فرمود: هر کس قبر پدرم را در طوس زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را میآمرزد. وی گفته است: من بعد از آن، ایوب پسر نوح را دیدم و به او گفتم: ای ابا حسین، من از سرورم امام جواد علیه السلام شنیدم که میفرمود: هر

1- . عیون الأخبار 2: 264
2- . ثواب الاعمال: 89؛ کامل الزیارات: 306

3- . فرحه الغری: 70؛ چاپ نجف اشرف (چاپ دوم)
4- . کامل الزیارات: 303
5- . کامل الزیارات: 303

کس قبر پدرم را در طوس زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را میآمرزد؛ ایوب گفت: آیا چیزی به آن برایت اضافه کنم؟ گفتم: بله؛ گفت: من از او - یعنی امام جواد علیه السلام - شنیدم که میفرمود: هر کس قبر پدرم را در طوس زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را میآمرزد و در روز قیامت، منبری برایش مقابل منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داده میشود تا اینکه خداوند از حساب آفریدگان فارغ شود.(1)

43. کامل الزیارات: ابراهیم پسر اسحاق نهاوندی گفته است: امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس مرا با وجود دوری جایگاهم و دور افتادگی مزارم زیارت کند، روز قیامت در سه جا به سراغ او میآیم تا او را از انواع ترسها رها سازم: هنگامی که نامههای اعمال به دستان راست و چپ انسانها داده شود؛ و در صراط؛ و هنگام سنجش اعمال مردمان. سعد [از راویان این حدیث] گفته است: این روایت را بعد از آن، از صالح پسر محمد همدانی نیز شنیدم. (2)

توضیح: جوهری گفته است:(3)

«شطن عنه»، یعنی از او دور شد؛ و «بئر شطون»، یعنی چاه عمیق.

44. کامل الزیارات: علی پسر عبدالله پسر قطرب از امام موسی کاظم علیه السلام نقل کرده است که پسر حضرت که نوجوان بود در حالی که پسران دیگر حضرت در اطراف او نشسته بودند، نزد او آمد؛ امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: این پسرم در سرزمین دور افتاده از دنیا میرود؛ هر کس او را زیارت نماید، در حالی که تسلیم امر - ولایت - او و به حق او شناخت داشته باشد، نزد خداوند عز و جلّ مانند شهیدان جنگ بدر خواهد بود.(4)

45. کامل الزیارات: علی پسر ابراهیم از حمدان پسر اسحاق نقل میکند که گفت از امام جواد علیه السلام شنیدم (و یا اینکه حمدان گفته است برای من نقل

1- . کامل الزیارات: 304
2- . کامل الزیارات: 304

3- . صحاح الجوهرى 5: 2144
4- . كامل الزيارت: 304

شده است که مردی از امام علیه السلام شنیده است و شک از علی بن ابراهیم است) که امام جواد علیه السلام فرمود: هر کس قبر پدرم را در طوس زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را میآمرزد. راوی میگوید: من بعد از آن به حج رفتم و ایوب پسر نوح را دیدم و او به من گفت: امام جواد علیه السلام فرمود: هر کس قبر پدرم را در طوس زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را میآمرزد و برای او منبری در مقابل منبر رسول خدا و علی علیهما السلام قرار داده میشود، تا اینکه خداوند از حساب آفریدگان فارغ شود؛ من بعد از آن ایوب پسر نوح را که به زیارت رفته بود، دیدم که میگفت: به طلب منبر آمدهام.(1)

46. کامل الزیارات: امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: هر کس این پسرم - با دست خود به امام رضا علیه السلام اشاره کرد - را زیارت کند، بهشت از آن او خواهد بود.(2)

47. کامل الزیارات: یحیی پسر سلیمان مازنی از امام موسی کاظم علیه السلام نقل کرده است که فرمود: هر کس قبر فرزندم را زیارت کند، برای او نزد خداوند، عملی مانند هفتاد حج پذیرفته شده خواهد بود. یحیی پسر سلیمان مازنی گفته است: گفتم: هفتاد حج؟ فرمود: بله؛ بلکه هفتصد حج. گفتم: هفتصد حج؟ فرمود: بله؛ بلکه هفتاد هزار حج. گفتم: هفتاد هزار حج؟ فرمود: چه بسا حجی که مورد قبول خداوند واقع نمیشود؛ هر کس او را زیارت کند و یک شب نزد او بماند، مانند کسی است که خداوند را در عرش زیارت نموده است. گفتم: مانند کسی که خداوند را در عرش زیارت نموده است؟ فرمود: بله؛ هنگامی که روز قیامت شود، چهار نفر از پیشینیان و چهار نفر از پسینیان بر عرش خداوند قرار میگیرند؛ چهار نفر از پیشینیان، نوح و ابراهیم و موسی و عیسی هستند؛ و چهار از پسینیان، محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام میباشند؛ آن گاه شاغول عدل الهی نصب میشود و کسانی که قبرهای امامان علیهم السلام را زیارت کردهاند، به ما ملحق شده و همراه ما مینشینند؛ آگاه

1- . کامل الزیارات: 305
2- . کامل الزیارت: 306

باشید که بلند مرتبهترین آنان و نزدیکترین آنان در بهرهمندی، زیارت کنندگان قبر فرزندم علی علیه السلام هستند.(1)

48. کامل الزیارات: مانند همین روایت را با همین سند نقل کرده است.(2)

توضیح: عبارت: «ثمّ یمّد المضمار»، المضمار، یعنی میدان مسابقه؛ و جایی که در آن جا اسب میتازند. شاید این عبارت کنایه از مجلس باشد که به خاطر بزرگیاش، با این تعبیر آورده شده است. در بعضی از نسخهها، «المطمار» آورده شده است و «المطمار» و «المطمر»، یعنی ریسمان بنّائی که با آن اندازه گیری میشود. آنچه پیش از این گفته شد، این معنا را تأیید میکند؛ و شاید آن را گسترده است تا کسانی که از دوستداران او هستند، بر آن وارد شوند و مخالفان او از آن خارج گردند. در یکی از نسخههای کتاب کافی، «ثمّ یمّد الطعام» آمده است.

«الحبوه»، یعنی هدیه و پیشکش. «الحبوه» همچنین به معنای لباس به دور خود پیچیدن نیز است؛ طوری که بین کمر و پاهای شخص با دستار و مانند آن بسته شود. در اینجا احتمال هر دو معنی وجود دارد.

49. امالی الصدوق: عبدالله پسر فضل گفته است: پیش امام صادق علیه السلام بودم که شخصی از اهل طوس نزد حضرت آمد و گفت: ای پسر رسول خدا، برای کسانی که قبر اباعبدالله حسین فرزند علی علیهما السلام را زیارت کنند، چه پاداشی هست؟ حضرت فرمود: ای شخص اهل طوس، هر کس قبر اباعبدالله حسین فرزند علی علیه السلام را زیارت کند و بداند که او امامی است که خداوند اطاعت از او را برای بندگان واجب ساخته است، خداوند گناهان گذشته و آینده او را میآمرزد و شفاعت او را درباره هفتاد گنهکار میپذیرد و او در نزد قبر حضرت از خدای عز و جل نیازی طلب نمیکند، مگر آنکه خداوند آن را برایش برآورده مینماید.

عبدالله پسر فضل گفته است: سپس امام موسی کاظم علیه السلام وارد شد و امام صادق علیه السلام ایشان را بر روی پاهایش نشاند و شروع به بوسیدن بین دو چشمان حضرت کرد؛ سپس رو به مرد اهل طوس کرد و فرمود: ای طوسی، به یقین

1- . كامل الزيارات: 307
2- . كامل الزيارات: 308

او امام و جانشین و حجت بعد از من است و از نسل او مردی خواهد آمد که باعث خشنودی خداوند عز و جل در آسمان، و خشنودی بندگان در زمین خواهد شد؛ او در سرزمین شما از روی ستم و دشمنی و با سمّ کشته میشود و غریبانه در آنجا دفن میگردد؛ آگاه باشید هر کس او را در غربتش زیارت کند و بداند که او امام بعد از پدرش است و اطاعت از او از سوی خداوند عز و جل واجب است، مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده است.(1)

میگویم: برخی از روایات درباره فضلیت زیارت حضرت رضا علیه السلام در بابهای فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام بیان شد و برخی دیگر نیز در قسمت بعدی خواهد آمد. و نیز بدان که زیارت حضرت رضا علیه السلام در روزهای پر فضیلت و اوقات شریف، بهتر است؛ به ویژه روزهایی که به ایشان اختصاص دارد؛ مانند روز ولادت آن حضرت که یازدهم ذیالقعده است و روز وفات او که در پایان ماه صفر، یا هفدهم ماه صفر، یا بیست و چهارم ماه رمضان است؛ و روزی که با او برای ولایت عهدی بیعت شد که روز اول ماه رمضان یا ششم آن است.

50. سید پسر طاووس در کتاب الإقبال گفته است: روایت شده است که دو رکعت نماز در روز ششم ماه رمضان خوانده میشود که در هر رکعت آن، یک مرتبه حمد و بیست و پنج مرتبه سوره توحید خوانده میشود. این نماز به خاطر آن است که در این روز برخی از حقوق سرورمان امام رضا علیه السلام آشکار گشته است. میگویم: پس مناسب است این نماز در نزد ضریح مقدس و بعد از زیارت آن حضرت علیه السلام خوانده شود.

51. سید در کتاب الإقبال هم چنین گفته است: در یکی از نوشتههای اصحاب غیر عرب (عجم) خودمان - که رضوان خداوند بر همه آنها باد، - دیدم که زیارت سرورمان امام رضا علیه السلام در بیست و سوم ذیالقعده، از دور یا نزدیک،

1- . امالی صدوق: 587

با برخی از زیارتهای معروف، یا با آنچه در روایات آمده است و مانند زیارت است، مستحب است.(1)

میگویم: و البته مستحب بودن انجام زیارت حضرت علیه السلام در ماه رجب، پیش از این بیان شد.

52. در یکی از نوشتههای اصحاب خودمان دیدم که گفته است: در کتاب «فصل الخطاب» از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود: هر کس بار سفرش را برای زیارت من ببندد، دعایش مستجاب و گناهانش آمرزیده میشود، و هر کس مرا در آن بارگاه زیارت کند، مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت نموده است، و خداوند برای او ثواب هزار حج مورد قبول، و هزار عمره پذیرفته شده را مینویسد، و من و پدرانم در روز قیامت شفاعت کنندگان او خواهیم بود و این بارگاه، باغی از باغهای بهشت و محل رفت و آمد فرشتگان است که پیوسته گروهی از آسمان فرو میآید و گروهی دیگر بالا میرود تا آن زمان که در صور، دمیده شود.

1- . الاقبال: 525

باب پنجم : کیفیت زیارت امام رضا علیه السلام

روایات:

1. عیون الاخبار: شیخ ما، محمد پسر حسن در کتاب جامع خود بیان کرده و گفته است: اگر خواستی قبر امام رضا علیه السلام را در طوس زیارت کنی، هنگام بیرون رفتن از منزل غسل کن و هنگامی که غسل میکنی بگو: خدایا، مرا پاکیزه کن و دلم را پاک نما و سینهام را بگشا و ستایش و ثنای خود را بر زبانم جاری ساز؛ به راستی که هیچ توانی جز به سبب تو نیست؛ خدایا، این غسل را برایم پاک کننده، و درمان دردهایم قرار ده.

و در وقت بیرون رفتن از منزل میگویی: به نام خدا، و به یاری خدا، و به سوی خدا، و به سوی فرزند رسول خدا - بیرون میشوم؛ - خدا مرا بس است، و بر خدا توکل کردم؛ خدایا، به درگاه تو رو کردهام، و به سوی تو آهنگ نمودهام، آنچه را که پیش توست، در نظر گرفتهام.

وقتی بیرون رفتی، بر در خانه خود بایست و بگو: خدایا، روی خود را به درگاه تو کردهام، و به امید تو خانواده و دارائی و آنچه را که تو به من ارزانی داشتهای، جا گذاشتهام، و به تو تکیه نمودهام؛ پس مرا نومید مکن، ای خدایی که روی آورندگان به سویش را نومید، و نگاه داشتگانش را تباه نمیسازد؛ بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا با نگاهداری خودت نگاه دار؛ به راستی که نگاه داشته شده توسط تو، تباه نمیگردد.

پس هرگاه به سلامت رسیدی و خواستی به زیارت بروی، غسل کن و هنگام غسل کردن، بگو: خدایا، مرا پاکیزه گردان و دلم را پاک کن و سینهام را بگشا، و ستایش و محبت و ثنای خودت را بر زبانم جاری ساز؛ به یقین هیچ توانی جز به

سبب تو نیست؛ و من این را به خوبی دانستهام که آنچه موجب استواری دین من میشود، همان تسلیم در برابر فرمان تو، و پیروی از سنت پیامبر تو، و گواهی دادن به تمام آفریدگان تو است؛ خدایا، این غسل را برای من شفا و نوری قرار ده، که تو بر هر چیز توانایی.

و پاکیزهترین جامههای خود را بپوش و با پای برهنه، با آرامش و وقار و و ذکر «الله اکبر» و «لا إله إلا الله» و «سبحان الله» و گرامی داشتن یاد خداوند، برو و گامهای خود را کوتاه بردار.

هنگام داخل شدن بگو: به نام خدا و به یاری خدا و بر سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله - داخل میشوم؛ - گواهی میدهم که هیچ خدایی جز الله نیست، یگانه است و هیچ شریکی برای او وجود ندارد؛ و گواهی میدهم که محمد، بنده و رسول او است، و علی ولیّ خدا است.

سپس به طرف سر قبر حضرت برو و روبروی او و رو به قبله بایست و بگو: گواهی میدهم که هیچ خدایی جز الله نیست، یگانه است و هیچ شریکی برای او وجود ندارد؛ و گواهی میدهم که محمد، بنده و فرستاده اوست، و او پیشوای پیشینیان و پسینیان است، و او سرور پیامبران و فرستادگان است؛ خدایا، بر محمد، بنده و فرستاده و پیامبر و پیشوای تمامی آفریدگانت، درود فرست؛ درودی که جز تو کسی توان شمارش آن را نداشته باشد.

خدایا، بر امیرالمؤمنین علی فرزند ابیطالب، بنده و برادر فرستادهات، همان کسی که او را به علم خود برگزیدی، و برای هر کسی از آفریدگانت که مورد خواست تو بود، راهنما قرار دادی، و نشانهای برای کسی که به رسالتهایت برانگیختی، و استوار کننده دین به یاری عدل تو، و داوری کننده بین مردم، و نگاهبان برای همه آنان قرار دادی، درود فرست؛ سلام و رحمت خداوند و برکتهای او نثار او باد.

خدایا، بر فاطمه دختر پیامبرت، و همسر ولیّات، و مادر دو نواده پیامبر، حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت، آن بانوی پاک و پاکیزه و طاهره و

پرهیزکار و پاکیزه و پسندیده و آراسته و سرور زنان دو جهان و همه اهل بهشت، درود فرست؛ درودی که جز تو کسی توان شمارش آن را نداشته باشد.

خدایا، بر حسن و حسین، دو نواده پیامبرت، و دو سرور جوانان اهل بهشت که در میان آفریدگانت به پا خاستند، و دو نشانه بر کسی که او را به رسالتهایت برانگیختی، و دو استوار کننده دین از روی عدل تو، و دو داور در میان مردمان به حکم تو، درود فرست.

خدایا، بر علی فرزند حسین، بندهات که در میان آفریدگانت به پا خاست، و نشانهای بر کسی که به رسالت برانگیختی، بود، و استوار کننده دین به عدل تو، و داوری کننده در میان آفریدگانت به حکم تو، سرور عبادت کنندگان، درود فررست.

خدایا، بر محمد فرزند علی، بندهات و جانشین تو در روی زمین، شکافنده علم پیامبران، درود فرست.

خدایا، بر جعفر فرزند محمد، امام صادق، بنده و سرپرست دین تو، و حجت تو بر همه آفریدگانت، آن امام راستگوی نیکوکار، درود فرست.

خدایا، بر موسی فرزند جعفر، بنده شایستهات، و زبان گویای تو در میان آفریدگانت، همان کسی که به علم تو گویا، و حجتی بر آفریدگانت بود، درود فرست.

خدایا، بر علی فرزند موسی، امام رضا، آن امام پسندیده، و بنده و سرپرست دین تو، و برپا دارنده عدل تو، و دعوت کننده به آئین تو و آئین پدران راستگویش، درود فرست؛ درودی که کسی جز تو توان شمارش آن را نداشته باشد.

خدایا، بر محمد فرزند علی، بنده و نمایندهات، که به فرمان تو به پا خاست، و به راه تو دعوت کرد، درود فرست.

خدایا، بر علی فرزند محمد، بنده تو و سرپرست آئین تو، و حجت تو بر همه آفریدگانت، درود فرست.

خدایا، بر حسن فرزند علی، آن عمل کننده به دستور تو، و به پا خاسته در میان آفریدگانت، و آن حجت تو و ادا کننده از طرف پیامبرت، و گواه تو بر

آفریدگانت، و اختصاص یافته به بزرگواری تو، و دعوت کننده به فرمانبرداری تو و فرمانبرداری فرستادهات، درود فرست؛ درودهای تو نثار همه آنان باد.

خدایا، بر حجت و نمایندهات که در میان آفریدگانت به پا خواهد خاست، درودی کامل و فزاینده و ماندنی که به سبب آن، در فرج او شتاب کنی، و یاریاش نمایی، و به خاطر آن، ما را در دنیا و آخرت همراه او قرار دهی، درود فرست.

خدایا، به وسیله دوستی ایشان، به درگاه تو تقرّب میجویم، و دوستدار آنان را دوست، و دشمن آنان را دشمن میدارم؛ پس به خاطر آنان، خوبی دنیا و آخرت را روزیام کن، و به خاطر آنان، بدی دنیا و آخرت و سختیهای قیامت را از من دور گردان.

سپس نزد سر آن حضرت مینشینی و میگوئی: سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر تو ای استوانه دین، سلام بر تو ای وارث حضرت آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح پیغمبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد فرزند عبدالله پایان بخش پیامبران و محبوب پروردگار جهانیان و فرستاده خداوند، سلام بر تو ای وارث امیرالمؤمنین علی، ولی خدا *؛ سلام بر تو ای وارث فاطمه زهرا سرور زنان عالمیان، سلام بر تو ای وارث ابی محمد امام حسن علیه السلام و سلام بر تو ای وارث ابی عبدالله امام حسین علیه السلام *، سلام بر تو ای وارث علی فرزند حسین، زیور عبادت کنندگان، سلام بر تو ای وارث محمد فرزند علی، شکافنده علم پیشینیان و پسینیان، سلام بر تو ای وارث جعفر فرزند محمد، آن راستگوی نیکوکار امانتدار، سلام بر تو ای وارث موسی فرزند جعفر، امام فرو خورنده خشم و بسیار بردبار.

سلام بر تو ای امام شهید و سعادتمند و ستمدیده و کشته شده، سلام بر تو ای جانشین راستپیشه و نیکرفتار و پرهیزکار؛ گواهی میدهم که تو نماز را به پا داشتی، و زکات را ادا کردی، و به خوبیها امر کردی، و از زشتی باز داشتی، و خدا

را از روی اخلاص پرستیدی، تا آنکه زمان رحلت از این دنیا به سراغ تو آمد؛ سلام بر تو ای اباالحسن، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو باد؛ به راستی که او ستوده و با عظمت است. خداوند امتی را که تو را به قتل رساند، نفرین کند؛ و خداوند امتی را که به تو ظلم کرد، نفرین کند؛ خداوند امتی را که پایه ستم و ناراستی را برای شما اهل بیت بنیان نهاد، نفرین کند.

سپس خود را بر قبر میچسبانی و میگویی: خدایا، من از سرزمینم به آهنگ درگاه تو کوچ کردم، و به امید رحمت تو شهرها را درنوردیدم؛ پس مرا نومید و بدون برآوردن خواستهام بر مگردان، و به این روی آوردن من بر سَرِ قبر برادرزاده پیامبرت، که درودهای تو بر او و خاندانش باد، رحم کن. پدر و مادرم به فدای تو باد، من برای زیارت تو آمده و میهمان تو هستم، و از آن جنایتهایی که بر خودم کردهام، و بار گناهی که بر دوش خود گرد آوردهام، به تو پناهنده گشتهام، پس در روز نیاز و ناداری و بیچارگیام، در پیشگاه خداوند شفیع من باش؛ زیرا برای تو در پیشگاه خداوند، مقامی شایسته وجود دارد و تو نزد خداوند، آبرومند هستی.

سپس دست راستت را بلند میکنی و دست چپ را بر قبر میگستری و میگویی: خدایا، من به وسیله محبت و ولایت این خاندان به تو تقرب میجویم، آخرین آنها را دوست دارم به همان نحو که اولین نفرشان را دوست داشتم، و از هر همدمی غیر از ایشان بیزاری میجویم؛ خدایا، کسانی را که نعمت تو را دگرگون کردند، و پیامبرت را متهم ساختند، و آیات تو را انکار کردند، و امام تو را به مسخره گرفتند، مردم را بر دوش خاندان محمد سوار کردند، نفرین کن؛ خدایا، من به وسیله نفرین کردن بر آنان و بیزاری جستن از آنها در دنیا و آخرت، به تو تقرّب میجویم، ای خدای بخشاینده.

سپس نزد پای آن حضرت برمیگردی و میگویی: درود خدا بر تو ای اباالحسن، درود خدا بر روان تو و بر پیکرت باد؛ تو با اینکه راستگو و تصدیق شده بودی، شکیبابی کردی؛ خداوند کسانی را که تو را به دست و زبان کشتند، هلاک گرداند. پس در لعنت کردن بر کُشنده امیرالمؤمنین و قاتلان حسن و حسین علیهما السلام و قاتلان همه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله، تضرّع و مبالغه کن.

سپس از پشت قبر برو و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بگزار؛ در رکعت اوّل سوره یس و در رکعت دوم سوره الرّحمن را بخوان، و در دعا و تضرّع بکوش و برای خود و پدر و مادرت و همه برادران مؤمن خود بسیار دعا کن و هر قدر میخواهی، نزد سر آن حضرت بمان و نمازهای تو باید نزد قبر باشد.(1)

2. کامل الزیارات: برخی چنین روایت کرداند که اگر برای زیارت قبر حضرت علی فرزند موسی علیه السلام به طوس آمدی، به هنگام خروج از منزل غسل کن؛ تا آخر زیارت.(2)

3. عیون الاخبار: وداع کردن؛ هرگاه خواستی با حضرت علیه السلام وداع کنی، بگو: سلام بر تو ای سرور من و پسر سرورم، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد؛ تو برای ما سپری در برابر عذاب هستی و هم اکنون لحظه بازگشت من از سوی تو است اگر به من اجازه رفتن بدهی ، هرچند من از تو رویگردان نیستم، و کسی را برای تو جایگزین نمیدانم، و کسی را بر تو مقدم نمیدارم، و نسبت به همجواری تو بی رغبت نیستم، و به درستی که جانم را (در راه زیارت تو) به دست حوادث سپردم و اهل و فرزندان و وطن خودم را ترک کردم؛ پس در روز نیاز و ناداری و تنگدستیام، شفیع من باش؛ همان روزی که هیچ دوست و خویشی به کار نیاید؛ روزی که پدر و فرزندان برایم سودی نمیرساند. از خداوند که آمدن من به زیارت تو را مقدّر نمود، درخواست میکنم که به وسیله تو اندوه مرا برطرف کند؛ و از خداوند که ترک کردن بارگاهت را بر من مقدّر نمود، میخواهم که این زیارت را آخرین بازگشت من به سوی تو قرار ندهد؛ و از خداوند که دیدگانم را برای تو گریان ساخت، میخواهم که این زیارت را برایم سبب رستگاری و توشه قرار دهد؛ و از خداوند که قبر تو را بر من شناساند و مرا برای سلام دادن به تو و زیارتت هدایت و راهنمایی نمود، میخواهم که مرا وارد حوض شما گرداند، و بودن با شما را در بهشت بر من روزی کند.

1- . عیون الأخبار 2: 267 - 270؛ صاحب المزار الکبیر نیز این زیارت را با اندکی تفاوت ذکرکرده است: 181 - 182
2- . کامل الزیارت: 309

درود بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر امیرالمؤمنین و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان، و فرمانده شیعیان نشانهدار [رو سفید]، سلام بر حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر امامان، - و یکایک آنان را نام میبری - و رحمت خداوند و برکتهای او نثار آنان باد؛ سلام بر فرشتگان جاودان خداوند، سلام بر فرشتگان مقیم و تسبیح کنندگان خداوند، همانانی که فقط به امر خداوند عمل میکنند؛ سلام بر ما و بر بندگان نیک خداوند باد.

خدایا، این زیارت را آخرین زیارت من از حضرت قرار مده، و اگر قرار دادی، پس مرا با او و با نیاکان گذشته او محشور نما؛ و اگر مرا باقی گذاشتی، پس ای پروردگار، زیارت آنان را همیشه و تا آن موقع که زندهام، روزیام گردان، که به راستی تو بر همه چیز توانایی.

و میگویی: تو را به خدا میسپارم و از خدا میخواهم جانب تو را نگاه دارد و بر تو سلام میگویم؛ ما به خدا و به آنچه دعوت نمودی، ایمان آوردیم، پس ما را جزو گواهان بنویس؛ خدایا، عشق و دوستی آنان را تا زمانی که زندهام، روزیام کن؛ سلام من همواره و پیوسته تا زمانی که زندهام و زمانی که از دنیا میروم، بر تو باد؛ سلام بر ما و بر بندگان نیک خداوند باد.

و هنگامی که از بارگاه خارج شدی، روی خود را تا از دیدگانت پنهان نشده است، از او بر نگردان؛ إن شاء الله.(1)

توضیح: عبارت: «اللهم طهّرنی»، یعنی از گناهان؛ و «طهّر لی قلبی»، یعنی دلم را از پلیدیهای اخلاق نکوهیده پاک گردان. عبارت «و محبتک»، یعنی آنچه محبت تو را بر من، یا محبت مرا بر تو لازم میگرداند؛ یا آنچه را که دوست داری. عبارت «و الشهاده علی جمیع خلقک»، یعنی به اینکه آنها بندگان و آفریدگان خداوند هستند؛ یا با ویژگیهایی که دارند؛ یا شهادت به مدح و ذم هایی که استحقاق آن را دارند. عبارت «و احتطبت»، برگرفته از «الاحتطاب»، جمع «الحطب»، یعنی هیزم؛ و در اینجا استعاره از گناهان و بدیهایی است که موجب آتش دوزخ میشود.

1- . عیون الأخبار 2: 270 - 271

4. عیون الاخبار: صقر پسر دلف گفته است: از پیشوایم امام علی النقی علیه السلام شنیدم که میفرمود: هر کس حاجتی نزد خدای عز و جل داشته باشد، قبر جدم رضا علیه السلام را در طوس، در حالی که غسل کرده باشد، زیارت کند؛ و نزد سر حضرت، دو رکعت نماز بخواند و در قنوت، حاجتش را از خداوند متعال بخواهد که اگر خواستهاش گناه یا بریدن ارتباط با خویشاوند نباشد، برآورده میشود؛ زیرا مکان قبر او، بقعهای از بقعههای بهشت است و هیچ مؤمنی آن را زیارت نمیکند، مگر اینکه خداوند او را از آتش دوزخ رهایی میبخشد و وارد بهشت مینماید.(1)

5. امالی الصدوق: مثل همین روایت را از صقر نقل کرده است.(2)

6. عیون الاخبار: هروی گفته است: من در محضر امام رضا علیه السلام بودم که عدهای از اهل قم نزد حضرت آمدند و به او سلام کردند و حضرت جواب آنها را داد و آنها را به پیش خود خواند و به آنها فرمود: سلام بر شما؛ خوش آمدید؛ به راستی که شما شیعیان ما هستید و به زودی روزی خواهد آمد که شما در آن روز، تربتم در طوس را زیارت خواهید کرد؛ آگاه باشید که هر کس قبر مرا زیارت کند، در حالی که غسل کرده باشد، گناهانش پاک میگردد، مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده است.(3)

7. کامل الزیارات: هر گاه به بارگاه حضرت علی بن موسی، امام رضا علیه السلام رسیدی، بگو:

خدایا، بر علی فرزند موسی، امام رضا، آن انسان پسندیده و امام پرهیزگار و پاکیزه، و حجت تو بر همه کسانی که روی زمین، و همه کسانی که در زیر خاک هستند، آن امام راستین و شهید، درودی فراوان، کامل، فزاینده، پی در پی، پیوسته، دنبال هم، و مانند بهترین درودی که بر هر یک از دوستدارانت فرستادی، درود فرست.(4)

1- . عیون الأخبار 2: 262
2- . امالی صدوق: 588
3- . عیون الأخبار 2: 260
4- . کامل الزیارات: 308

8. البلد الامین: اگر قبر امام رضا علیه السلام را از نزدیک زیارت کردی، بعد از اجازه ورود گرفتن و در حالی که غسل نموده باشی، بگو: خدایا، درود فرست... - تا آخر زیارت؛ که پیش از این بیان شد.- سپس دو رکعت نماز بخوان و در وداع با حضرت آن چه را که از امام صادق علیه السلام در وداع با پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است را بگو و بگو: خداوند آن را آخرین سلام و درود من بر شما قرار ندهد. و اگر خواستی، بگو:

سلام بر تو ای ولی خدا، و رحمت خداوند و برکتهای او بر تو باد؛ خدایا، این زیارت را آخرین زیارت من از پسر پیامبرت، و حجتت بر آفریدگان قرار مده، و مرا همراه او در بهشت گرد آور؛ و مرا همراه او و در گروه او، همراه شهیدان و نیکان محشور کن؛ و آنان خوب همنشینانی هستند. تو را به خدا میسپارم، و از تو خداحافظی میکنم، و بر تو درود میفرستم؛ ما به خدا و فرستاده او و به آنچه آوردی، و بر آن راهنمایی فرمودی، ایمان آوردیم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس.(1)

9. کتاب عتیق غروی: اگر از منزلت خارج شدی و قصد زیارت امام رضا علیه السلام را داشتی، آنچه را در هنگام رفتن به زیارت صاحب نجف، امام علی علیه السلام گفتی، بگو؛ هنگامی که نزد قبر رسیدی، بگو:

سلام بر تو ای نشان هدایت، سلام بر تو ای جانشین وارسته، سلام بر تو ای امام معصوم و پرهیزگار، سلام بر تو ای امام برجسته و وارسته از گناهان، سلام بر تو ای محل قرار گرفتن حکم خداوند، سلام بر تو ای صندوق راز الهی، سلام بر تو ای نگاهبان وحی خدا، سلام بر تو ای ادا کننده کامل طاعت و بندگی خدا، سلام بر تو ای بازگو کننده کتاب خدا، سلام بر تو ای دعوت کننده به یگانگی خدا، سلام بر تو ای بازگو کننده مراد و خواست خداوند، سلام بر تو ای حلال کننده حلال خدا، و حرام کننده حرام خدا، و دعوت کننده به دین خدا، و آشکار کننده احکام خدا، و جستجو کننده معرفت خدا.

1- . البلد الامین: 283

سلام بر تو ای اباالحسن؛ گواهی میدهم ای سرورم، که تو حجت و امانتدار خدا، و برگزیده و دوستدار او، و انتخاب شده او از میان آفریدگان، و حجت او بر بندگان هستی؛ گواهی میدهم که هر کس با تو دوستی کند، با خداوند دوستی کرده، و هر کس با تو دشمنی نماید، با خداوند دشمنی کرده است؛ و هرکس به تو و به امامان از پدران و فرزندان تو چنگ زند، به یقین به ریسمانی محکم چنگ زده است؛ و گواهی میدهم که شما کلمه تقوا، و پرچمهای هدایت، و نوری برای سایر مردمان هستید.

سپس خودت را بر روی قبر حضرت انداخته و آن را میبوسی و میگویی: ای انسان راستین و شهید، ای پسر امیرالمؤمنین و پیشوای جانشینان، و امام مسلمانان، و حجت خداوند بر تمامی آفریدگان، پدر و مادرم فدای تو باد. و نزد قبر حضرت، دو رکعت نماز میخوانی و هنگامی که فارغ شدی و قصد وداع کردی، بگو: ای سرورم، ای اباالحسن، ای سرورم، ای رضا، من برای زیارت تو آمدم و گواهی میدهم که تو بعد از پدرانت بهترین کسی هستی که به زیارتت آیند، و بهترین مقصود هستی؛ گواهی میدهم که هر کس تو را زیارت کند، رسول خدا صلی الله علیه و اله را زیارت کرده، و فاطمه علیها السلام، سرور زنان جهان را خوشحال ساخته، و از سوی خداوند به کامیابی بزرگ دست یافته است؛ بنابراین خداوند این زیارت را آخرین زیارت من از تو، و آمدن به بارگاهت قرار ندهد؛ و زیارت دوباره و چندین باره را روزیام نماید؛ بپذیر ای پروردگار جهانیان.

10. نویسنده کتاب المزار الکبیر بعد از بیان زیارت نخستین، آورده است: زیارت دیگری نیز برای حضرت علیه السلام وجود دارد؛ به این ترتیب که غسل میکنی و بر سر قبر او ایستاده و میگویی: سلام بر تو ای ولیّ خدا و پسر ولیّ او، سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجت او و پدر حجتهایش، سلام بر تو ای امام هدایتگر، و ریسمان محکم، و رحمت خداوند و برکتهای او بر تو باد. گواهی میدهم که تو بر همان راهی از دنیا رفتی که پدران پاک تو علیهم السلام از دنیا رفتند؛ تو گمراهی را بر هدایت ترجیح ندادی، و از حق به سوی باطل منحرف نگشتی، و برای خشنودی خداوند و فرستاده او خیرخواهی نمودی، و امانت را ادا کردی؛ پس

خداوند برای تو از اسلام و اهل آن، بهترین پاداش را عطا کند؛ پدر و مادرم فدای تو باد، به زیارت تو آمدم، در حالی که به حق تو آشنا، و با دوستدارانت دوست، و با دشمنانت دشمن هستم؛ پس نزد پروردگارت برای من شفاعت نما.(1)

11. میگویم: در یکی از نوشتههای اصحاب پیشین خودمان، زیارتی برای حضرت علیه السلام یافتم و این نسخه، قدیمی بود؛ به طوری که تاریخ نوشتن آن، سال 746 هجری است و من آن را همان گونه که یافتم، ذکر نمودم.

گفته است: زیارت سرور و پیشوای ما، امام رضا علیه السلام، که بر او و بر پدران و فرزندانش درود و سلام باد، در همه زمانها مناسب است، و بهترین آنها ماه رجب میباشد.

آن زیارت از فرزندش ابی جعفر، امام جواد علیه السلام روایت شده و این است:

سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر تو ای ستون دین، سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا، سلام بر تو ای وارث موسی صحبت کننده با خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد فرستاده خدا، سلام بر تو ای وارث امیرالمؤمنین علی فرزند ابیطالب، سلام بر تو ای وارث حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای وارث علی فرزند حسین، سرور عبادت کنندگان، سلام بر تو ای وارث محمد فرزند علی، شکافنده علم گذشتگان و آیندگان، سلام بر تو ای وارث جعفر صادق فرزند محمد، امام معصوم و پرهیزگار، سلام بر تو ای وارث موسی فرزند جعفر، دانشمند بسیار آگاه.

سلام بر تو ای انسان راستین و شهید، سلام بر تو ای جانشین معصوم و پرهیزگار، گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی، و زکات را ادا کردی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی، و خداوند را عبادت نمودی، تا از دنیا رفتی؛ سلام بر

1- . المزار الكبير: 182

تو ای امام پاکنژاد، و ارجمند و گرامی، و نزدیک - به ما و از وطن خود - دور، و مسموم و دور افتاده؛ سلام بر تو ای دانشمند ارجمند، و صاحب منزلت و قدرت، و ای دور از وطن جد و پدرش؛ سلام بر کسی که به فرزندان و خانوادهاش دستور داد تا بر او بگریند، قبل از اینکه به شهادت برسد؛ سلام بر سرزمینهای خالی و ترک شده شما، آنچنان که منی و عرفات نیز از وجود شما خالی و تهی گشته است؛ سلام بر سرور بندگان، و ذخیره وعده داده شده، و چاه ترک شده، و کاخ برپا شده، سلام بر یاری کننده انسان اندوهگین، و کسی که زمین خراسان به برکت مرقدش خراسان شده است. سلام بر امامی که زائرانش اندک هستند؛ و سلام بر نور چشم فاطمه، سرور زنان جهان؛ سلام بر دارنده سرور خوشایند، و اخلاق مورد پسند، و شاخههای پراکنده از درخت احمدی؛ سلام بر کسی که ریاست سرزمین بزرگ، و علم همه چیز، به او ختم شده است، تا امر محکم الهی کامل گردد.

سلام بر کسانی که نامهایشان وسیله نیازمندان، و آرامگاههایشان باعث ایمنی مخلوقات و برهانهایشان باطل ساختن شبههای کافران است؛ سلام بر کسی که کرسی - قضاوت - پدرش امیرالمؤمنین برای او نهاده شد، تا این که با اهل کتاب، مخاصمه - احتجاج - کرد، و ستونهای دین را محکم ساخت؛ سلام بر نشانِ نشانها، و امامی که با غربت خودش دلهای شیعیان را تا روز قیامت شکسته است؛ سلام بر چراغ پر نور، و دریای غرّنده، که خاکش محل فرود آمدن و بالا رفتن فرشتگان است؛ سلام بر امیران اسلام، و پادشاهان ادیان الهی، و نجیبزادگان و کسانی که خداوند به ایشان علم غیبت و شهادت آموخت، و آنها را اهل سروری و سعادت قرار داد؛ سلام بر پناهگاه موجودات و سایه آنها، و امامی که سرزمین طوس با سکنی گزیدن او در آنجا، متبرک و شادمان گردیده است. شعر:

ای قبری که در سرزمین طوس هستی، خداوند تو را از رحمتش سیراب گرداند، ای طوس، چه خوبیهایی که در خود جا دادهای.

بقعههای تو در دنیا نیکو گردید، و آن امامی که در خاک آن پنهان گشت و در سناباد منزل کرد هم نیکو گردید.

کسی که شهادت او بر اهل اسلام بسیار سخت بود و مورد فیض رحمت الهی گردید.

ای قبر، تو همان هستی که بردباری و دانش و پاکی و وارستگی را در خود گنجاندهای.

ای قبر، بر خود افتخار کن؛ چون تو پیکر پاک آن امام را در خود جا دادهای و مورد غبطه مکانهای دیگر گشتهای، و به وسیله فرشتگان محافظت میشوی.

در هر دورهای از شما برای ما امام هدایتگری وجود داشته است که منزلگاهش آباد و مورد الفت ما است.

ستارگان آسمان دین الهی به تاریکی گراییدند، و شیران بیشه در کنام خود آرمیدند.

هشت ستاره از شما پنهان گشت و امید نورانی شدن چهار ستاره دیگرمیرود؛ آن زمان که شتر، صدا برآورد.

تا اینکه حقیقت به وسیله شما روشن و آشکار، مشخص گردد؛ زیرا حقیقت در غیر از شما، تاریک و مبهم است.(1)

سلام بر مایه فخر نیکوکاران، و دارای مزاری دور افتاده، که شرط وارد شدن به بهشت و دوزخ است؛ سلام بر کسانی که خداوند درودهایش را لحظهای از آن ها قطع نکرده است، و موجودات ساکن به واسطه او ساکن شدهاند، و موجودات متحرک، به واسطه او به حرکت افتادهاند؛ سلام بر کسانی که خداوند امامتشان را جدا کننده دو فرقه حق و باطل قرار داد، همان گونه که اهل مشرق و مغرب را ملزم به پذیرش ولایت آن ها کرد؛ سلام بر امامی که خداوند به واسطه او احکام کهنه شده پیامبران را زنده کرد، و مردم را ملزم به پذیرش ولایت آن ها کرد تا کلمه خداوند پروردگار جهانیان کامل گردد؛ سلام بر ماههای سال، و تعداد ساعتها، و حروف «لا اله إلا الله» در رقمهای نوشته شده؛ سلام بر خوشیهای دنیا و نیکبختیهای

1- 1. این ابیات در المناقب 3: 468 - 469 روایت شده و به علی پسر احمد خوافی منسوب گشته است؛ و پنج بیت نخست آن در عیون الأخبار 2: 251 آمده و به علی پسر ابی عبدالله خوافی منسوب گشته است و ظاهراً او همان شخص قبلی است.

آن، و بر کسانی که درباره کلمه توحید از آنان سؤال شد و فرمودند: به خدا سوگند، ما یکی از شروط آن هستیم؛ سلام بر کسانی که وجود همه مخلوقات منوط به وجود آنان است و کسانی که خطیبان در مورد او گفتهاند:

آنان هفت پدرند، چه پدرانی! آنان بهترین کسانی هستند که آب ابر - باران - را نوشیدهاند. (بهترین خلق خدایند)(1)

سلام بر شکوه و بنای بزرگ ایشان، و کسانی که به خاطر افتخارات و بلند مرتبگی ایشان شعر هایی در مورد وجوب درود فرستادن بر ایشان و پاکی ایشان سروده شده است. سلام بر ماه ماهها، سخن گوینده با هر امتی با زبان خودشان، که به شیعیانش فرمود: خداوند امامی را بر امتی قرار نمیدهد، مگر اینکه او را به زبان آنان آشنا گرداند؛ سلام بر شادمان کننده دلها، و برطرف کننده غمها، و گرامیترین انسانها، و مایه افتخار - نسل - عبد مناف؛ ای کاش من از طواف کنندگان بر بارگاه و حضرتش باشم، و شاهد سرور دیدار و انس با او باشم.

در هر لحظه بر درگاه شما طواف میکنم؛ گویی طواف مخصوص آستان شما قرار داده شده است.

سلام بر امام مهربان، که غمهای روز طفوف - صحرای کربلا - را برانگیخت؛ من به خداوند و به پدران پاک و به فرزندان برگزیده و نیک تو قسم میخورم که اگر زیارت شما با دوری خانهتان رنج و مشقت فراوان نداشت، حتماً مقداری از حقوق واجب شما را با زیارت پی در پی به جای میآوردم؛ سلام بر شما ای یاوران دین، و فرزندان پیامبران، و پیشوایان آفریدگان، و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد.

سپس نماز زیارت بخوان و تسبیح بگو و آن را به آن حضرت، علیه السلام هدیه کن؛ سپس بگو:

1- . این بیت را عبدالجبار پسر سعید بر منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله در مدینه منوّره هنگامی که خطبه خواند، سرود و برای مأمون و ولی عهدش امام رضا علیه السلام دعا نمود؛ سپس بیت بالا را سرود، و این در

سالی که مأمون از امام رضا علیه السلام برای ولایت عهدی بیعت گرفت، بود. المناقب 3: 473؛ چاپ نجف اشرف

خدایا، همانا از تو درخواست میکنم؛ ای خدایی که فرمانروایاش همیشگی، و عزتش پایدار، و پادشاهیاش مورد اطاعت، در بزرگی تنها، و در بقای همیشگیاش یگانه، و در میان آفریدگانش عادل، و در داوریاش دانا، و در عقب انداختن کیفر، بزرگوار است؛ خدایا، نیازهای من به سوی تو باز میگردد، و آرزوهایم در پیشگاه تو باز ایستاده است، و هرگاه مرا به کار نیکی موفق کردهای، راهنمای من بر آن کار و راه رسیدن من به سوی آن، تو بودی؛ ای توانایی که خواستهها او را درمانده نمیکند؛ ای توانگری که هر مشتاق به سوی او پناه میآورد؛ همواره با نعمتهای تو قرین، و بر بخششها و بزرگواریهای بیشمار تو در حرکت بودهام.

از تو به خاطر آن نیروی نفوذ کنندهات در همه چیزها، و حکم قطعی تو که با کوچکترین درخواستی آن را باز میداری، و به خاطر آن نظری که از روی عنایت به کوهها نمودی و آنها بلندی گرفتند، و به زمینها افکندی و هموار شدند، و به آسمانها نگریستی و آنها مرتفع گشتند، و به دریاها کردی و آنها روان گردیدند؛ از تو درخواست میکنم. ای کسی که از ابزار دید بشر والاتر، و از ریزهکاریهایی که در افکار خطور کند، دقیقتر هستی؛ ای آقای من، جز به توفیق خودت که خودِ آن نیز موجب ستایش دیگری است، ستایش نمیشوی؛ و بر کوچکترین نعمتی، مورد سپاس واقع نمیشوی، جز آنکه خود آن نیز موجب سپاسی دیگر میشود؛ پس چه زمان نعمتهایت به شماره در آید ای معبود من، و بخششهایت مورد سپاس واقع گردد ای سرور من، و ساختههایت قدردانی شود ای آقای من؛ و آن هم از نعمتهای تو است که ستایش کنندگان، تو را بستایند؛ و از سپاس تو است که سپاسگزاران از تو سپاسگزاری میکنند؛ و تو هستی که در بخشش گناهان به تو تکیه میشود، و بالهای پردهپوشی خود را بر خطاکاران میگسترانی، و سختی را با قدرت خودت برطرف مینمایی؛ چه بسیار گناهی که بردباریات آن را پوشاند تا اینکه از بین رفت، و کار نیکی که فضل تو چند برابرش کرد تا پاداشت برای آن بزرگ گردید؛ تو برتر از آن هستی که جز از عدالت تو ترسیده شود، و جز احسان و فضل، چیز دیگری از تو امید رود؛ با آنچه لازمه فضل تو است، بر من نعمت ببخش؛ و با آنچه عدالت تو حکم میکند، مرا رسوا مگردان.

ای آقای من، اگر زمین از گناهان من آگاه بود، به یقین مرا در خود فرو برده بود؛ یا اگر کوهها از آنها اطلاع داشتند، مرا در هم شکسته بودند؛ یا اگر آسمانها میدانستند، مرا ربوده بودند؛ یا اگر دریاها میدانستند، مرا در امواج خود غرق کرده بودند؛ آقای من، آقای من، آقای من؛ ای سرور من، سرور من، سرور من؛ چندین بار به مهمانی تو آمدهام، پس مرا از آنچه به درخواست کنندگانت وعده فرمودی، محروم مکن؛ ای آشنا برای عارفان، و ای معبود عبادت کنندگان، و ای مورد سپاس سپاسگزاران، و ای همنشین اهل ذکر، ای ستوده ستایشگران، ای حاضر نزد آن کس که تو را جوید، ای ستوده شده کسی که او را به یگانگی بستاید، ای محبوب دوستدارش، ای فریادرس هر کس که او را در نظر گیرد، ای مقصد کسی که به سویش بازگردد، ای کسی که جز او غیب را نمیداند، ای کسی که جز او بدی را دور نمیگرداند، ای کسی که جز او کسی کارها را تدبیر نمیکند، ای کسی که گناه را جز او نمیآمرزد، ای کسی که آفریدگان را جز او نمیآفریند، ای کسی که باران را جز او فرو نمیفرستد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بیامرز، ای بهترین آمرزندگان.

پروردگارا، از تو آمرزش میخواهم، خواستن از روی شرمساری؛ و از تو آمرزش میخواهم، خواستن از روی امیدواری؛ و از تو آمرزش میخواهم، خواستن از روی توبهجویی و بازگشت؛ و از تو آمرزش میخواهم، خواستن از روی اشتیاق؛ و از تو آمرزش میخواهم، خواستن از روی بیم و هراس؛ و از تو آمرزش میخواهم، خواستن از روی طاعت و فرمانبرداری؛ و از تو آمرزش میخواهم، خواستن از روی ایمان؛ و از توآمرزش میخواهم، خواستن از روی اقرار به گناه؛ و از تو آمرزش میخواهم، خواستن از روی اخلاص؛ و از تو آمرزش میخواهم، خواستن از روی تقوی و پرهیزکاری؛ و از تو آمرزش میخواهم، خواستن از روی توکل؛ و از تو آمرزش میخواهم، خواستن از روی خواری؛ و از تو آمرزش میخواهم، خواستن کار کننده برای تو، و گریزان از تو به سوی خودت؛ پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و توبه من و پدر و مادرم را بپذیر، همان گونه که توبهپذیر تمامی آفریدگانت بودهای و هستی، ای مهربانترین مهربانان.

ای کسی که به بسیار آمرزنده و مهربان بودن معروف است، ای کسی که به بسیار آمرزنده و مهربان بودن معروف است، ای کسی که به بسیار آمرزنده و مهربان بودن معروف است؛ بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و توبه مرا بپذیر، و عملم را پاکیزه، و تلاشم را قابل سپاس گردان؛ و بر ناتوانیام رحم فرما؛ و صدایم را باز مدار؛ و مرا از خواستهام نومید مگردان؛ ای یاور یاری خواهان؛ و سلام و دعای مرا بر امامانم برسان، و در تمامی آنچه از تو درخواست نمودم، شفاعت آنها را بپذیر، و هدیهام را آن چنان که شایسته آنها است، به آنها برسان؛ و آن چه را که شایسته توست، از آن برای آنها بیفزای، به اندازهای که کسی غیر از تو توان شمارش آن را نداشته باشد؛ و هیچ قدرت و نیرویی جز به سبب خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست؛ و خداوند بر پاکیزهترین پیامبران، محمد و خاندان پاک او درود فرستد.

توضیح: از شیخ مفید - که خداوند روحش را پاکیزه گرداند، - روایت شده است که مستحب است بعد از زیارت امام رضا علیه السلام، این دعا خوانده شود: خدایا، من از تو درخواست میکنم ای خدایی که در ملکش دائمی است؛ تا پایان دعا.

عبارت: «الحفیّ»، یعنی دانشمند آگاه که هر چیزی را تا عمق آنها میداند، و «النبیه»، یعنی ارجمند؛ و «القدر» با فتحه، یعنی بینیازی و توانگری و قدرت؛ و در اینجا، مضاف حذف شده یا از نسخهها افتاده است؛ یعنی «ذو القدر» بوده است. «النازح»، یعنی دور؛ فرمایش حضرت، علیه السلام: «عده الوعید»، یعنی وعده بر طرف کردن آن عذاب هایی که خداوند وعده داده است.

عبارت: «البئر المعطله» اشاره دارد به آنچه در روایتهای زیادی گذشت؛ مبنی بر این که «بئر معطله» امام غائب است؛ و «القصر المشید»، یعنی امام حاضر. فرمایش حضرت، علیه السلام: «أرض خراسان، خراسان»، یعنی خراسان به دلیل مرقد او در بین طوایف عالم، مشهور گشته و مقصد گروههای مختلف مردم شده است؛ و عبارت: «علی البهجه»، یعنی دارنده آن.

عبارت: «الغصون»، یعنی او و سایر امامان علیهم السلام؛ یا صاحب الغصون، در صورتی که مراد از «الغصون»، اخلاق بزرگوارانه و فضیلتهای بزرگ باشد؛ و

ص: 77

«العجّاج»، یعنی پر سر و صدا؛ کنایه از زیادی آب و شدت تلاطم امواج آن است. «الثری» مانند «العلی» - در وزن، - راهی است در سلمی که شیران بسیار دارد؛ و «الخیس» با کسره، یعنی درخت در هم پیچیده، و بیشه شیر؛ و «العیس» با کسره، یعنی شتر سفید رنگ که متمایل به زرد باشد؛ و «الطموس»، یعنی از بین رفتن و محو شدن؛ و «الخافقان»، یعنی مغرب و مشرق؛ یا افق آن دو؛ چون شب و روز در آنها آمد و شد میکنند؛ یا دو طرف آسمان و زمین؛ یا انتهای آن دو؛ فیروز آبادی در کتابش این گونه ذکر کرده است.(1)

و فرمایش حضرت، علیه السلام: «و تعبّدهم»، یعنی پیامبران یا مردم؛ معنی نخست آشکارتر است. «کلمه الله»، یعنی وعده خداوند، یا حکمت او، یا دین، یا شریعت او؛ عبارت: «السلام علی شهور الحول»، یعنی عدد امامان علیهم السلام، مطابق با تعداد ماههای سال؛ و «عدد الساعات»، یعنی تعداد امامان مطابق با ساعات هر یک از شب و روز است؛ و هم چنین برابر تعداد حروف عبارت « لا إله إلا الله» میباشد؛ و به همین علت گاهی با هر یک از آنها برای تعبیر از امامان علیهم السلام استفاده میشود.

شرح فرمایش حضرت: «بسبعه آباءهم»، در ابواب تاریخ امام رضا علیه السلام بیان شد. عبارت: «و من أنشد»، یعنی هر کس شعر بسراید که دلالت بر واجب بودن درود و سلام بر آنان و پاکیشان از آلودگی گناهان دارد؛ و شاید این کلمه، اشتباه نوشتاری از کلمه «أرشد» باشد که در این صورت به آنچه حضرت علیه السلام برای مأمون از فضیلت خاندان و عترت پیامبر صلی الله علیه و آله و عصمت و واجب بودن درود بر آنها بیان نمود، اشاره خواهد داشت. «و شطّت الدار» با تشدید، یعنی دور شد؛ عبارت: «لا تؤوده»، یعنی بر او سنگین نمیشود؛ و عبارت: «حتی دخلت»، یعنی تا اینکه پنهان گشت و رفت و کسی بر او اطلاع نیافت، یا پوشیده شد و اثری از آن باقی نماند؛ یا با کسره حرف «خاء» از عبارت «دخل أمره» مانند «فرح» - در وزن، گرفته شده است؛ - یعنی درونش تباه گشت؛ یا با

1- . القاموس 3: 228

حرف «حاء» بی نقطه، از عبارت «دحل عنّی» مانند «منع» - در وزن، گرفته شده است؛ - یعنی دور شد، و فرار کرد، و پنهان شد.

و بدان که ظاهر عبارت نشان میدهد که این زیارت از امام جواد علیه السلام روایت شده است و احتمال دارد اشارهای که در کلام و با عبارت: «روی ذلک» وجود دارد، به پر فضیلت بودن آن در ماه رجب مربوط باشد؛ و در برخی عبارتهای زیارت، چیزهایی وجود دارد که روایی نبودن آنرا به گمان میآورد؛ و البته خداوند بهتر میداند.

میگویم: برخی از مطالبی که مناسب این باب است، در باب گذشته بیان شد.

ص: 79

باب ششم : فضیلت زیارت دو امام همام، امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام، و آداب زیارت و دعا در صحن آن دو حضرت؛ صلوات الله علیهما

روایات:

1. التهذیب: امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: قبر من سامراء، موجب ایمنی مردمان مغرب و مشرق زمین است.(1)

میگویم: روایتهای مربوط به فضیلت زیارت آن دو حضرت علیهما السلام، در ابتدای این کتاب بیان شد.

2. امالی الطوسی: فحام از منصوری و او از عموی پدرش نقل کرده که گفته است: به امام علی النقی علیه السلام گفتم: سرورم، دعایی به من یاد بده که به وسیله آن به درگاه خداوند عزّ و جلّ تقرّب جویم؛ حضرت فرمود: این دعایی است که بسیار با آن دعا میکنم و از خداوند عزّ و جل میخواهم که هر کس را که با آن، در صحن حرمم دعا میکند، ناامید نگرداند؛ و آن دعا این است:

ای ذخیره من در مقابل دیگر ذخیره ها؛ و ای امید و مورد اعتماد من؛ و ای پناه و تکیهگاه من؛ ای یگانه و یکتا؛ ای «قل هو الله أحد»؛ از تو ای خدای من، به حق آن آفریدههایی از میان آفریدگانت، که هیچ کس را مانند ایشان نیافریدی، درخواست میکنم که بر تمامی آنان درود و رحمت فرستی، و در مورد من چنین و چنان کنی.(2)

1- . التهذیب 6: 93
2- . امالی طوسی 1: 286

3. عده الداعی: روایت شده است که مردی هر سال نزد خلیفه سهم و مقرّری داشت؛ روزی خلیفه بر او خشم گرفت و برای چند سال، مقرّری او را نداد؛ آن گاه مرد نزد سرورمان امام هادی علیه السلام آمد و منع مقرّریاش از جانب خلیفه را بر او تعریف کرد و از ایشان خواست که اگر نزد خلیفه آمد، سفارش او را نزد خلیفه بنماید و به بازگرداندن مقرّریاش نزد او میانجیگری کند؛ سپس مرد بیرون رفت. وقتی شب شد، خلیفه پیکی را به سوی او فرستاد و او را طلبید؛ مرد آماده شد و به منزل خلیفه رفت، هنوز نرسیده بود که چند پیک او را دیدند که هر یک میگفتند: امیرالمؤمنین را اجابت کن؛ هنگامی که به دربان رسید، به او گفت: آیا علی فرزند محمد به اینجا آمده است؟ دربان گفت: خیر.

هنگامی که نزد خلیفه رسید، وی آن مرد را به نزد خود طلبید و نزدیک خود جای داد و دستور داد هر آنچه از سهمش قطع شده بود را به او بدهند؛ هنگامی که بیرون رفت، دربان که «فتح» نام داشت، به او گفت: به او بگو: دعایی را که با آن برای تو دعا کرد را به من یاد دهد؛ بعد از آن مرد نزد امام هادی علیه السلام رفت؛ هنگامی که حضرت چشمش به او افتاد، فرمود: آیا این چهره نشانگر خشنودی و رضایت است؟ مرد گفت: بله؛ اما گفتند که شما نزد خلیفه نرفتهای.

امام هادی علیه السلام فرمود: خداوند عادت ما قرار داده است که در سختیها جز به او پناه نبریم، و جز از او چیزی طلب نکنیم؛ پس من ترسیدم که این عادت را تغییر دهم و خداوند نیز آن چه را که برایم قرار داده است، تغییر دهد. مرد گفت: سرورم، فتح میگفت که به شما بگویم آن دعایی را که با آن برای من دعا کردی، به او نیز بیاموزی؛ حضرت فرمود: به یقین «فتح» در ظاهر و نه در درون و باطن، با ما دوستی میکند؛ این دعا برای کسی است که با آن دعا کند، به شرطی که با ما اهل بیت دوستی نماید؛ این دعا در هنگام نیاز خوانده میشود و آن حاجت برآورده میگردد و من از خدای عز و جلّ خواستم که کسی با آن بعد از من در نزد قبر من دعا نکند، مگر اینکه مستجاب شود؛ آن گاه دعا را آن چنان که بیان شد، ذکر فرمود. (1)

1- . عده الداعی: 41 - 42

4. امالی الطوسی: فحام گفته است: ابوطیب احمد پسر محمد پسر بطّه به من نقل نمود و او همواره وارد صحن نمیشد و از پشت پنجرهها زیارت مینمود. گفت: من در نیمه ظهر عاشورا که آفتاب سوزان بود و هیچ کس در راه نبود، آمدم در حالی که از مزدوران و نگهبانان ستمکار شهر میترسیدم، تا اینکه به حیاطی رسیدم که از آنجا به سمت پنجره های حرم میرفتم. چشم دوختم و ناگاه مردی را دیدم که در آستانه در و پشت به من نشسته است؛ گویی به دفتر نگاه میکند. با صدایی که شبیه صدای حسین فرزند علی فرزند حضرت ابوجعفر [امام جواد] فرزند امام رضا علیهما السلام بود، به من گفت: به کجا میروی ای ابوطیب؟ گفتم: این حسین است که برای زیارت برادرش آمده است. گفتم: سرورم، میروم تا از پشت پنجره زیارت کنم و بیایم و حق تو را ادا کنم؛ گفت: ای ابوطیب، چرا وارد نمیشوی؟ گفتم: این خانه صاحب دارد، من بدون اذن صاحبش وارد نمیشوم.

گفت: ای ابوطیب، سرور ما نرمخو است و ما را حقیقتاً دوست میدارد؛ پس چگونه تو را از وارد شدن باز داریم؛ ای ابوطیب، وارد شو. گفتم: من میروم و سلام میدهم و سخن حسین را قبول نکردم؛ سپس به سوی در رفتم که هیچ کس در آنجا نبود؛ بر من سخت آمد و نزد «البصری» خادم آنجا رفتم؛ او در را برایم گشود و من وارد شدم. ما میگفتیم: آیا تو نبودی که وارد خانه نمیشدی؟ گفت: آگاه باشید که به من اذن دادند و شما ماندید.(1)

5. کامل الزیارات: از یکی از امامان علیهم السلام روایت شده است که فرمود: اگر خواستی قبر امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام را زیارت کنی، در صورتی که به قبر آن دو حضرت رسیدی، بعد از غسل، و در غیر این صورت از نزد دری که در سمت راهرو نردههای ضریح قرار دارد، سلام بده و بگو:

سلام بر شما ای دو ولی خدا، سلام بر شما ای دو حجت خدا، سلام بر شما ای دو نور حق در تاریکیهای زمین، سلام بر شما ای دو امام که در مورد امامت شما از طرف خداوند بداء حاصل شد؛ من به زیارت شما آمدم، در حالی که به حق

1- . امالی طوسی 1: 294

شما آشنا، و با دشمنان شما دشمن، و با دوستان شما دوست هستم؛ و به هر آنچه شما ایمان دارید، ایمان آوردم و به هر آنچه شما به آن کفر ورزیدید، کفر ورزیدم؛ هر چه نزد شما محقق و مورد تصدیق است، من هم آن را تصدیق میکنم؛ و هر چه را که شما باطل میپندارید، من هم باطل میدانم؛ و از خدا که پروردگار من و شما است، درخواست میکنم که بهره و ثواب مرا از زیارت شما، درود بر محمد و خاندانش قرار دهد، و همراهی شما با پدران نیکتان در بهشت را نصیبم گرداند، و از او در خواست میکنم که مرا از آتش دوزخ آزاد گرداند *، و شفاعت و همراهیتان را نصیبم گرداند، و میان من و شما شناخت و آشنایی قرار دهد، و هرگز محبت شما و پدرانتان را از من نگیرد، و این زیارت را آخرین دوره زیارت من از شما قرار ندهد، و با رحمت خودش ما را در بهشت همراه شما محشور گرداند.

خدایا، دوستی این دو امام را برای همیشه نصیبم گردان؛ و مرا بر آیین آنان بمیران؛ خدایا، بر ستم کنندگان در حق محمد و خاندان محمد، نفرین بفرست؛ و از آنان انتقام گیر؛ و بر پیشینیان و آیندگان آنان لعنت فرست؛ و عذابت را بر آنان دو چندان گردان؛ و همه آنها و پیروان و دوستان و دنبالهروهای آنان را به پستترین درجات جهنم برسان، که همانا تو بر هر چیز توانایی. خدایا، در فرج و ظهور ولیّات و فرزند ولیّات شتاب فرما؛ و ای مهربانترین مهربانان، گشایش و فرج ما را همراه فرج آنان قرار ده. و در دعا کردن برای خود و پدر و مادرت بکوش، و هر دعا که میخواهی، برگزین؛ و اگر نزد قبر ایشان رسیدی، دو رکعت نماز نزد قبر به جای آور، و اگر وارد مسجد شدی و نماز خواندی، هر دعایی خواستی بکن که مستجاب است، و این مسجد کنار خانه ایشان است که این دو امام علیهما السلام در آن نماز برپا میداشتهاند.(1)

6. بیان: صدوق - که رحمت خداوند بر او باد، - مانند این زیارت را در کتاب الفقیه آورده است؛(2) جز اینکه عبارت: «سلام بر شما ای دو امام که در مورد امامت شما از طرف خداوند بداء حاصل شد» را نیاورده است. سپس گفته است: در دعا

1- . کامل الزیارات: 313
2- . الفقیه 2: 368

کردن برای خود و پدر و مادرت بکوش، و سر قبر آن دو امام برای هر زیارت، دو رکعت نماز بگزار، و اگر نتوانستی برای ایشان نماز بخوانی، وارد یکی از مساجد شو و برای زیارت هر امام، دو رکعت نماز به جای آور و هر دعا که دوست داشتی، بنما که خداوند نزدیک و اجابت کننده است.

7. شیخ مفید ضمن گفتاری در کتاب المزار که به او نسبت داده شده است، گفته است: اگر وارد صحن آن دو امام علیهما السلام شدی، غسل زیارت کن و سپس حرکت کن تا در کنار در بارگاه بایستی، و اذن وارد شدن بخواه و در حالی که پای راستت را جلوتر میگذاری، وارد شو و بر سر قبر ایشان بایست و بگو: ... . وی بعد از این، مانند زیارت پیشین را ذکر نموده است؛ با این تفاوت که عبارت «سلام بر شما ای دو امام که در مورد امامت شما از طرف خداوند بداء حاصل شد» را با عبارت «ای دو امانتدار خداوند» جایگزین کرده است. سپس وداع با ایشان را آن گونه که از کتاب التهذیب خواهیم گفت، بیان نموده و گفته است: سپس در حالی که رو به دو قبر هستی، و به عقب، خارج شو.(1)

8. شیخ - که خداوند مرقدش را نورانی گرداند، - در التهذیب گفته است: شیخ گفته است: وقتی به سامراء آمدی، قبل از اینکه وارد صحن شوی، - که بر ساکنان آن، درود و سلام باد؛ - غسل کن؛ بعد از آمد، در برابر نردهها بایست و صورتت را مقابل قبله قرار بده و بگو: ...

این مطلبی که شیخ در مورد وارد نشدن به خانه ذکر کرده است، با احتیاطتر و شایستهتر است؛ زیرا ثابت شده است که خانه، ملک و دارایی دیگری است و ما و دیگران جایز نیستیم با وارد شدن در آن دخل و تصرف کنیم، مگر اینکه صاحبش اجازه دهد و با اذن ورود این بزرگواران علیهم السلام، عذر از ما ساقط نمیشود؛ پس شایسته است در آنجا ایستاده و وارد آنجا نشد، و اگر کسی وارد آن خانه شود، گناه نکرده است؛ به ویژه اگر روایاتی را که از آنان علیهم السلام نقل شده است، مبنی بر اینکه شیعیان خود را در استفاده از اموال امامان، در آزادی و حلالیت قرار

1- . المزار الکبیر: 182 - 183؛ با اندکی تفاوت

دادهاند، بر این مورد بار شود؛ این روایت دارای عموم هستند و در این باره روایتهای بیشماری نقل شده است که ما بخش کوچکی از آن را پیش از این در باب خمسها از همین کتاب بیان کردیم؛ با این حال، نزدیکتر به احتیاط همان است که گفتیم.

و محمد پسر حسن پسر ولید این زیارت را بیان کرده و گفته است: اگر خواستی قبر آن دو امام را زیارت کنی، غسل کن و خود را پاکیزه گردان و جامههای پاکیزه خود را بپوش؛ حال اگر به نزد قبر ایشان رسیدی که چه بهتر و در غیر این صورت، از دری که مشرف بر راهرو است، سلام بده و بگو: ...

میگویم: آن گاه زیارت را درست مانند پیشین ذکر کرده و گفته است: و سعی کن کنار قبر آن دو امام، دو رکعت نماز بخوانی؛ در غیر این صورت وارد یکی از مساجد شو و نماز بخوان و هر دعایی که دوست داری بکن که خداوند بسیار نزدیک و اجابت کننده است.

سپس در وداع با آن دو امام علیهما السلام گفته است: همان گونه که موقع وارد شدن ایستاده بودی، بایست و بگو: سلام بر شما ای دو ولیّ خدا، شما را به خدا میسپارم و بر شما درود میفرستم، ما به خدا و به فرستاده او، و به آنچه شما دو نفر آوردید و بر آن راهنمایی کردید، ایمان آوردیم؛ خدایا، ما را در زمره گواهان بنویس. سپس از خدا بخواه که برای زیارت آن دو امام برگردی، و به آنچه دوست داری دعا کن؛ إن شاء الله. (1)

میگویم: اما پیرامون بداء در مورد امام حسن عسکری علیه السلام، روایات زیادی وجود دارد که در باب اثبات امامت او ذکر شد؛ مبنی بر اینکه بداء در آن حضرت و در برادر بزرگتر او که قبل از حضرت، وفات کرد اتفاق افتاده است؛ همان گونه که در مورد حضرت موسی بن جعفر و برادرش اسماعیل علیهما السلام نیز بود. اما پیرامون پدرش، ما چیزی در مورد ایشان ندیدیم که دلالت بر بداء داشته باشد؛ شاید در ایشان نیز چیزی از این قبیل، یا قیام با شمشیر، یا غیر آن دو اتفاق افتاده

1- . التهذیب 6: 94

باشد؛ یا اینکه این بداء به پدر نیز نسبت داده شده است؛ زیرا تصریح کردن به امامت، به او مربوط است. اما بنا بر گفته شیخ مفید - که رحمت خداوند بر او باد، - و دلیلی که در روایت ابوطیب گذشت، و دلالت بر عموم حکم داشت، و این روایت ابن قولویه، و آنچه در زیارات جامعه مبنی بر ایستادن در کنار قبر و چسبیدن به آن و افتادن به روی قبر بیان خواهد شد، و عمل اصحاب پیشین طبق این، و به ویژه بزرگانی از میان آنان که خود راوی احادیث مستحکم بودند، و جایز شمردن این عمل توسط آنان، نظر آشکارتر آن است که وارد شدن در خانه برای زیارت ایشان جایز است؛ و البته خداوند داناتر است.

سید پسر طاووس - که خداوند مرقدش را نورانی گرداند - گفته است: هنگامی که به آن محله با شرافت در سامراء رسیدی، موقع رسیدن غسل زیارت کن و پاکیزهترین لباسهایت را بپوش و با آرامش و وقار قدم بردار تا به در مقدّس برسی؛ پس هرگاه رسیدی، اجازه ورود بخواه و بگو: ای پیامبر خدا، آیا وارد شوم؛ ای امیرالمؤمنین، آیا وارد شوم؛ ای فاطمه زهرا، سرور زنان جهان، آیا وارد شوم؛ ای سرور من، حسن فرزند علی، آیا وارد شوم؛ ای سرور من، حسین فرزند علی، آیا وارد شوم؛ ای سرور من، علی فرزند حسین، آیا وارد شوم؛ ای سرور من، محمد فرزند علی، آیا وارد شوم؛ ای سرور من، جعفر فرزند محمد، آیا وارد شوم؛ ای سرور من، موسی فرزند جعفر، آیا وارد شوم؛ ای سرور من، علی فرزند موسی، آیا وارد شوم؛ ای سرور من، محمد فرزند علی، آیا وارد شوم؛ ای سرور من، علی فرزند محمد، آیا وارد شوم؛ ای سرور من، حسن فرزند علی، آیا وارد شوم؛ ای فرشتگانی که به این حرم ارزشمند و پر فضیلت گماشته شدهاید، آیا وارد شوم؟

سپس داخل شو و ابتدا پای راستت را درون بگذار و کنار ضریح امام هادی علیه السلام رو به قبر و پشت به قبله بایست و صد مرتبه «الله اکبر» بگو(1) و بگو:

سلام بر تو ای اباالحسن، علی فرزند محمد، امام پاکیزه و کمال یافته، و نور درخشان؛ و رحمت خداوند و برکتهای او بر تو باد؛ سلام بر تو ای برگزیده خدا،

1- . مصباح الزائر: 210

سلام بر تو ای راز الهی، سلام بر تو ای مورد اعتماد الهی، سلام بر تو ای رشته محکم خدا، سلام بر تو ای (عضو) خاندان خدا، سلام بر تو ای انتخاب شده از جانب خدا، سلام بر تو ای بنده خاص خالص خدا،* سلام بر تو ای حق خدا بر آفریدگان، سلام بر تو ای دوست خاصّ خدا، سلام بر تو ای نور انوار الهی، سلام بر تو ای زینت نیکوکاران عالم، سلام بر تو ای فرزند خوبان عالم، سلام بر تو ای عنصر پاکان جهان، سلام بر تو ای حجت خدای رحمان، سلام بر تو ای اصل و اساس ایمان، سلام بر تو ای سرور مؤمنان، سلام بر تو ای محبوب نیکان، سلام بر تو ای راهنمای هدایت، سلام بر تو ای همراه پاکی و پرهیزگاری، سلام بر تو ای ستون دین خدا.

سلام بر تو ای فرزند گرامی آخرین پیامبران، سلام بر تو ای فرند پیشوای جانشینان، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سرور زنان عالم، سلام بر تو ای امانتدار وحی خدا و وفا کننده به عهد، سلام بر تو ای پیشوای پسندیده حق، سلام بر تو ای پارسا و پرهیزگار، سلام بر تو ای حجت خدا بر تمامی آفریدگان، سلام بر تو ای تلاوت کننده قرآن، سلام بر تو ای تبیین کننده حکم الهی، و بیان کننده حلال و حرام، سلام بر تو ای ولیّ خیرخواه، سلام بر تو ای راه روشن خدا، سلام بر تو ای ستاره درخشان*.

ای سرور من، ای اباالحسن، گواهی میدهم که به یقین تو حجت خدا بر آفریدگان، و خلیفه حق در میان مخلوقات، و امانتدار او در سرزمینها، و گواه او بر بندگانش میباشی؛ و گواهی میدهم که تو به حقیقت روح پرهیزگاری، و درگاه هدایت، و رشته محکم ایمان، و حجت حق بر هر کس که در رو و زیر زمین است، هستی؛ و گواهی میدهم که تو پاک و وارسته از هر گناه و بهدور از هر عیب و نقص هستی، و به کرامت و لطف خاص خدا اختصاص یافتهای، و حجت و برهان الهی به تو هدیه شد و کلمه خدا به تو عطا گردید، و تو آن پایهای هستی که بندگان به سویش پناه آورند، و سرزمینها به سبب او زندگی یابند.

و ای سرور من، گواهی میدهم که من به - امامت و عصمت - تو و پدران بزرگوار و فرزندان گرامی تو باور دارم و اقرار میکنم، و در مورد خودم، و در آداب دینی، و پایان کار، و منزلگاه موقّت و همیشگیام، از تو و پدران بزرگوار تو پیروی

مینمایم؛ و من دوستدار دوستان شما، و دشمن دشمنان شما هستم، و به نهان و آشکار و نخستین و آخرین شما ایمان دارم؛ پدر و مادرم فدای تو باد، و سلام و رحمت خداوند و برکتهای او نثار تو باد.(1)

سپس ضریح را ببوس و گونه راست و سپس گونه چپ خود را روی قبر بگذار و بگو: خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر حجت با وفایت بر آفریدگان، و ولیّ پاک، و امانتدار مورد رضایت، و برگزیده هدایتگر، و راه مستقیم، و شاهراه بزرگ، و طریق میانه، و نور دلهای اهل ایمان، و دوستدار پرهیزگاران، و همنشین وارستگان درود فرست.

خدایا، بر پیشوای ما حضرت محمد و اهل بیت پاک او درود فرست؛ و بر حضرت علی فرزند محمد، آن امام کمال یافته، و وارسته از لغزشها، و پاک از نقص و عیب، و با تمام امید به سوی تو روی آورده، و گرفتار شده به انواع فتنهها، و آزموده شده با رنجها و سختیها، و امتحان شده با آزمون نیک، و شکیبایی در برابر گرفتاری، راهنمای بندگان، و مایه برکت سرزمینها، و جایگاه رحمت تو، و گنجینه حکمت تو، و راهبر به سوی بهشت تو، و دانشمند در بین مردمان، و هدایتگر در میان آفریدگانت، که او را برای مقام جانشینی فرستادهات در بین امت برگزیدی و انتخاب کردی و اختیار نمودی، و او را ملزم حفظ شریعت پیامبر کردی؛ پس او به تنهایی برای برداشتن بار وصایت قیام کرد در حالی که بر جوانب این امر احاطه داشت و هرگز در مشکلات این وظیفه بزرگ نلغزید، بلکه امور مشکل و سخت را برطرف کرد، و راه خلل و فساد را بست، و واجبات الهی را ادا فرمود.

خدایا، همان طور که چشم پیامبرت را به وجود او روشن کردی، پس مقام او را والا گردان، و بزرگترین پاداش نزد خود را به او عطا فرما، و بر او درود فرست، و از طرف ما به او درود و سلام برسان، و از سوی خود در دوست داشتن او، به ما فضل و احسان و آمرزش عطا فرما؛ به یقین تو صاحب فضیلت و رحمت بیپایان هستی.

1- . مصباح الزائر: 210 - 211

سپس نماز زیارت بگزار و چون سلام دادی، بگو: خدایا، ای دارنده قدرت همهگیر، و دارنده رحمت گسترده، و نعمتهای پی در پی، و بخششهای پشت سر هم، و نیکیهای بزرگ، و موهبتهای فراوان، بر محمد و خاندان محمد که همان راستگویان هستند، درود فرست، و درخواست مرا عطا فرما، و پریشانی امورم را سامان ده، و پراکندگیهایم را گرد آور، و کردارم را پاک و خالص گردان، و قلبم را بعد از آنکه هدایتم فرمودی منحرف نگردان، و قدمم را ملغزان، و مرا یک لحظه به خودم وا مگذار، و امیدم را ناامید مساز، و بدیهایم را آشکار مکن، و پرده از زشتیهایم بر مگیر، مرا به حال وحشت و یأس قرار مده، و بر من مهربان باش، و به راه خود هدایتم فرما، و از هر پلیدی پاکیزهام گردان، و دلم را صاف کن و مرا برگزین و مرا خالص کن و برای خویش قرار ده و مرا خود بساز و به کار خود بگمار، و به خود نزدیک ساز، و از لطف خاص خودت دور مگردان، و به من لطف کن و به من جفا و کم لطفی روا مدار، و مرا گرامی دار، و خوارم نساز و از آنچه درخواست نمودم محروم نگردان، و آنچه را که از تو درخواست نکردم، به من عطا کن، به حق رحمت بیپایانت، ای مهربانترین مهربانان.

و از تو به حق ذات بزرگوارت، و به حرمت پیامبر گرامیات محمد، - که درودهای تو بر او و خاندان او باد؛ - و به حرمت اهل بیت او، امیرالمؤمنین امام علی، و امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر و امام جعفر صادق و امام موسی کاظم و امام رضا و امام محمد تقی و امام علی النقی و امام حسن عسکری و واپسین جانشین، - که درود و برکتهای تو بر آنان باد؛ - درخواست دارم که به ایشان درود فرستی، و به فرمان خود در فرج قیام کننده خاندان محمد شتاب فرمایی، و او را یاری نمایی، و اهل دین و ایمان را به واسطه او پیروز گردانی، و مرا از جمله نجات یافتگان به واسطه او، و وارستگان در فرمانبرداریاش مقرّر فرمایی؛ و از تو به حق آنان درخواست میکنم که دعای مرا مستجاب، و حاجتم را برآورده، و هر چه درخواست نمودم و آرزو کردم را عطا، و مرا در امور مهم دنیا و آخرتم کفایت فرمایی؛ ای مهربانترین مهربانان.

ای نور، ای برهان، ای نورانی کننده، ای تبیین کننده، پروردگارا، مرا از بدی بدها، و آفتهای روزگاران کفایت فرما؛ و رهایی روز دمیده شدن در صور را از تو درخواست مینمایم.(1)

و برای هر چه خواهی، دعا کن و بسیار بگو: ای کسی که ذخیره من هستی در مقابل همه ذخیره ها و ای امید و مورد اعتماد من، ای پناه و تکیه گاه من، ای یگانه یکتا، ای «قل هو الله أحد»، از تو به حق آن آفریدههایی از آفریدگانت، که هیچ کس را مانند آنان نیافریدی، درخواست میکنم، بر گروه آنان درود فرست، و در مورد من چنین و چنان کن.

از حضرت علیه السلام روایت شده است که فرمود: من از خدای عزو جلّ خواستم کسی را که بعد از من در زیارتگاهم با این دعا خدا را بخواند، ناامید برنگرداند.(2)

وی - که خداوند از او راضی باشد، - سپس گفته است: چون خواستی زیارت امام حسن عسکری علیه السلام را به جای آوری، همانهایی را به جای آور که در زیارت پدرش امام هادی علیه السلام به جای آوردی؛ پس نزد ضریح حضرت بایست و بگو:

سلام بر تو ای سرور من، ای ابامحمد، حسن عسکری فرزند علی آن امام هدایت گر و هدایت یافته، و رحمت خداوند و برکتهای او بر تو باد؛ سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند اولیاء خدا، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجتهای الهی، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیدگان حق، سلام بر تو ای خلیفه حق و فرزند خلفای الهی و پدر خلیفه خدا، سلام بر تو ای فرزند خاتم پیامبران خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان پیامبران خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور رسولان، سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا سرور زنان عالم، سلام بر تو ای فرزند پیشوایان هدایت امت، سلام بر تو ای فرزند جانشینان کمال یافته، سلام بر تو ای نگهبان اهل تقوا، سلام بر تو ای امام سعادتمندان، سلام بر

1- . مصباح الزائر: 211 - 212
2- . مصباح الزائر: 212

تو ای پایه اهل ایمان، سلام بر تو ای گشایش قلب اندوهناکان، سلام بر تو ای وارث پیامبران برگزیده خدا، سلام بر تو ای گنجینه اسرار جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای دعوت کننده به احکام الهی، سلام بر تو ای گوینده اسرار کتاب خدا، سلام بر تو ای حجت حجتهای الهی، سلام بر تو ای راهنمای امتهای عالم، سلام بر تو ای صاحب نعمتها، سلام بر تو ای مخزن دانش، سلام بر تو ای کشتی بردباری، سلام بر تو ای پدر بزرگوار امام مورد انتظار، که حجتش برای خردمندان آشکار است، و شناختش در یقین ثابت، و از دید ستمکاران پنهان، و از دولت و حکومت گناهکاران پنهان است؛ امامی که پروردگارمان دین اسلام را پس از محو و خاموش شدن، به وجود او از نو برمیگرداند، و درخت قرآن را بعد از پژمردن سبز و خرم میسازد.

ای سرور من، گواهی میدهم که تو به یقین، نماز را به پا داشتی و زکات را ادا کردی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی، و مردمان را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت فرا خواندی، و با اخلاص کامل خدا را تا هنگام رحلتت عبادت کردی؛ از خداوند به حق شأن و مقامی که برای شما نزد او وجود دارد، درخواست میکنم زیارت مرا قبول فرماید، و سعی و تلاشم را در راه شما پاداش دهد، و به واسطه شما دعایم را مستجاب گرداند، و مرا از یاران و پیروان حق، و از پیروان و شیعیان و دوستداران و مشتاقان آن قرار دهد؛ و سلام و رحمت خداوند و برکتهای او بر تو باد.(1)

سپس ضریحش را ببوس و ابتدا طرف راست صورت خود و سپس طرف چپ آن را بر روی قبر بگذار و بگو: خدایا، بر سرور ما محمد و اهل بیت او درود فرست؛ و بر امام حسن عسکری علیه السلام، راهنمای دین تو، و دعوت کننده خلق به راه تو، و نشانه هدایت، و چراغ راه پرهیزگاری، و معدن گوهر خردمندی، و عقل کامل، و باران رحمت، و ابر حکمت، و دریای نصیحت، و وارث امامان هدایت، و گواه امت، و معصوم از هر گناه، و پاکیزه از هر عیب و نقص، و فرهیخته مقرّب درگاه حق، و پاک از هر ناپاکی، که تو او را وارث علم کتاب آسمانی گردانیدی، و تمییز

1- . مصباح الزائر: 212

بین حق و باطل را به او الهام نمودی، و نشانهای برای اهل قبله منصوب گردانیدی، و طاعت او را با طاعت خودت قرین ساختی، و محبت به او را بر همه آفریدگانت واجب گردانیدی، درود فرست.

خدایا، چنان که او در یکتا دانستن تو با اخلاص کامل به سوی تو باز آمد، و با آنان که به شرک و تشبیه در افتادند، به طور جدی مخالفت کرد، و از اهل ایمان حمایت نمود؛ پس ای پروردگار، بر او درود فرست، درودی که او را به درجه اهل خشوع رساند، و در بهشت رتبهاش را به مقام جدش آخرین پیامبران بالا ببرد، و از طرف ما به او درود و سلام برسان، و از سوی خود در دوست داشتن او، به ما فضل و احسان و آمرزش و خشنودی عطا فرما؛ به یقین تو دارای فضیلت بزرگ و نعمت شکوهمند هستی.

سپس نماز زیارت به جای آور و چون فارغ شدی، بگو: ای خدای همیشگی و سرمدی، و ای زنده و پاینده ابدی، ای برطرف کننده رنج و اندوه و غم دلها، ای آنکه رسولان را مبعوث فرمودی، ای آن که وعدههایت همه راست است، ای زنده ابدی که جز تو خدایی نیست؛ به واسطه حبیب تو حضرت محمد صلی الله علیه و آله و جانشین او حضرت علی علیه السلام که پسر عمو و همسر دختر او است، به تو متوسل میشوم؛ همان کسانی که تمام شرایع و ادیان انبیای گذشته را به آن دو ختم کردی، و در فهم تأویل را به روی آن دو گشودی؛ پس خدایا، بر آن دو بزرگوار درودی که تمام آفریدگان پیشین و پسین گواه آن باشند، و همه دوستداران و بندگان نیک خدا به واسطه آن نجات یابند، درود فرست.

به واسطه حضرت فاطمه زهرا مادر امامان و پیشوایان هدایت یافته، بانوی زنان عالم، و شفاعت کننده درباره شیعیان فرزندان پاکش، به درگاه تو متوسل میشوم؛ پس بر او درودی پیوسته که تا ابد و تا زمانی که چرخ روزگار میچرخد، باقی باشد، درود فرست.

به واسطه حضرت حسن مجتبی، امام پسندیده و پاک و وارسته، و حضرت حسین، امام مظلوم و پسندیده و نیکوکار و پارسا، که هر دو سرور جوانان اهل بهشت هستند، و دو امام خیرخواه و نیکوی پرهیزگار پاک و پاکیزه و شهید و مظلوم

و کشته راه خدا هستند، به درگاه تو متوسل میشوم؛ پس بر آن دو بزرگوار، تا زمانی که خورشید طلوع و غروب میکند، به طور همیشگی و پیاپی درود فرست.

به واسطه حضرت علی فرزند امام حسین علیه السلام، پیشوای اهل عبادت، و در پس حجاب ها از ترس ظالمین، و به واسطه حضرت محمد باقر علیه السلام فرزند علی، آن امام پاکی، و نور فروزنده، این دو امام پیشوا، و کلیدهای برکت، و چراغهای تیرگیها، به درگاه تو متوسل میشوم؛ پس بر این دو امام، مادامی که شب تاریک میگردد و روز جهان را روشن میکند، درود فرست؛ درودی که هر صبح و شام برقرار باشد.

و به واسطه حضرت جعفر صادق، فرزند امام محمد باقر علیه السلام، که از جانب خداوند، راستگو در سخن، و گویا با علم خداوند است؛ و به واسطه حضرت موسی کاظم، فرزند امام جعفر علیه السلام، که بندهای شایسته، و جانشین خیرخواه است، این هر دو امام هدایتگر هدایتیافته و با وفا و کفایت کننده، به درگاه تو متوسل میشوم؛ پس بر این دو امام، مادامی که فرشتهای تو را تسبیح میگوید، و فلک به امر تو حرکت میکند، درودی که همیشه در فزونی باشد، و هرگز نابودی و زوال نپذیرد، درود فرست.

و به واسطه حضرت علی فرزند امام موسی کاظم، امام رضا علیه السلام، و فرزندش امام محمد تقی، امام پسندیده، این دو امام پاک و ارجمند، به درگاه تو متوسل میشوم؛ پس بر این دو امام، مادامی که صبح روشن و باقی است، درود فرست؛ درودی که به سبب آن، آن دو امام را به مقام رضای خود در والاترین درجات بهشتیان بالا ببری.

و به واسطه حضرت علی النقی، امام کمال یافته، و حضرت حسن عسکری هدایت گر، دو امام بر دوش گیرنده امور بندگان تو، و آزموده شده با رنجهای هولناک، و شکیبایی کنندگان در رویدادهای لغزاننده، به درگاه تو متوسل میشوم؛ پس بر آن دو به اندازه پاداش شکیبایان، و ثواب سعادتمندان، درود فرست؛ درودی که رفعت مقام آنها را فراهم سازد.

و ای پروردگار، به واسطه امام و حقیقت زمانمان، روز وعده داده شده، و گواه آشکار، نور درخشان و روشنایی نورانی، و یاری شده با ایجاد ترس - در دل دشمنانش، - و پیروز گشته به وسیله کامیابی، به درگاه تو متوسل میشوم؛ پس بر او به تعداد میوهها و برگ درختان، و تعداد اجزای ریگهای بیابان، و به تعداد مویها و کرکها، و تعداد آنچه علم تو بر آن احاطه پیدا کرده، و کتاب تو آن را برشمرده است، درود فرست؛ درودی که اولین و آخرین آفریدگان بر آن رشک برند.

خدایا، ما را در زمره او محشور ساز، و در فرمانبردای او نگاه دار، و ما را به وسیله دولت آن حضرت محافظت بفرما، و ولایتش را هدیه ما قرار بده، و به واسطه عزت او، ما را در برابر دشمنان یاری فرما، و ما را ای پروردگار، از توبه کنندگان قرار ده، ای مهربانترین مهربانان.

خدایا، شیطان سرکش برای فریب آفریدگانت از تو فرصت خواست و تو نیز به او فرصت دادی، و برای گمراه کردن بندگانت مهلت خواست و تو با علم سابق ازلی خود مهلتش دادی، و او آشیانه کرد و لشکرش بسیار، و سپاهش انبوه شد، و مزدوران خود را به هر سوی جهان پراکند، پس بندگانت را گمراه، و دین تو را تباه، و کلمه حق را از جایگاهش منحرف، و بندگانت را فرقههای پراکنده، و گروههای سرکش کردند؛ و تو به در هم شکستن اساس و بنیان آنها، و پایمال کردن جایگاهشان وعده دادهای؛ پس ای خدا، فرزندان و سپاه او را هلاک ساز؛ و سرزمینهایت را از بدعتها و اختلافات او پاک گردان؛ و بندگانت را از راهساختهها و آمیختنهای او آسوده ساز؛ و بد زمانه را بر آنها قرار ده؛ و عدالت خود را فراگیر، و دینت را آشکار، و دوستدارانت را نیرومند، و دشمنانت را خوار ساز؛ و شهر و دیار شیطان و دوستداران او را به دوستداران خودت به ارث رسان؛ و آنها را در دوزخ جاودانه کن؛ و عذاب دردناک را به آنان بچشان، و لعنتهای خود را که در بدسرشتیهای آفریدگان و زشتیهای فطرت قرار دادهای، مسلط بر آنان، و پشت سر آنان، و جاری در زندگی آنان در هر صبح و شب، و شبانگاه و بامدادان، قرار ده؛ پروردگارا،

در این دنیا به ما نیکی و در آخرت - نیز - نیکی عطا کن، و ما را با رحمت خودت از عذاب آتش - دور - نگه دار؛ ای مهربانترین مهربانان.

سپس برای خود و برادرانت به دلخواه دعا نما.(1)

بعد از آن، مادر امام زمان علیهما السلام و قبر او را که در پشت ضریح سرورمان امام حسن عسکری علیه السلام قرار دارد، زیارت کرده و میگویی: سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، راستگوی امانتدار؛ سلام بر سرور ما امیرالمؤمنین علی علیه السلام؛ سلام بر پیشوایان پاک، و حجتهای با برکت خدا، سلام بر مادر امام، که محل ودیعه اسرار خداوند فرمانروای بسیار دانا، و حامل فرزندی که اشرف خلق عالم است؛ سلام بر تو ای بانوی راستین و پسندیده، سلام بر تو ای بانوی شبیه به مادر حضرت موسی، و دختر حواری حضرت عیسی؛ سلام بر تو ای بانوی پرهیزکار و وارسته، سلام بر تو ای بانوی مورد پسند خدا و خشنود به خشنودی خدا، سلام بر تو ای بانوی توصیف شده در کتاب انجیل، که خطبه نکاح تو را روح الامین خواند، و پیشوای فرستادگان حق خواستار این ازدواج تو بود، و وجودت محل ودیعه اسرار پروردگار جهانیان گشت؛ سلام بر تو و بر پدران تو که از حواریین عیسی بودند، سلام بر تو و بر شوهر تو و بر فرزند گرامی تو باد؛ سلام بر تو و بر جسم و جان پاک تو باد؛ گواهی میدهم که تو - امام زمان علیه السلام را - نیکو سرپرستی کردی، و خوب امانت و عهد خدا را ادا نمودی، و در راه رضای خدا نهایت کوشش کردی، و هر چه رنج در راه رضای خدا دیدی صبر و تحمل کردی، و راز خدا را حفظ کردی، و ولی خدا را حمل کردی، و در حفظ حجت خدا کوشش تمام داشتی، و در وصلت با خاندان رسول خدا کمال رغبت را داشتی، در حالی که به حق و حقانیت آنها آشنا بودی، و ایمان به صدق و راستی آنها، و اعتراف به مقام و منزلتشان داشتی، و به امر خلافتشان بصیر و آگاه، و بر آن خاندان مشفق و مهربان بودی، و میل آنها را بر میل خود مقدّم داشتی.

و گواهی میدهم که از جهان رحلت کردی، در حالی که در امر دینت با بصیرت و معرفت بودی، و اقتدا به نیکان کردی، و از خدا خشنود و خدا از تو خشنود بود، و با تقوای کامل پاک و پاکیزه صفات بودی؛ پس خدا از تو راضی باشد

1- . مصباح الزائر: 213 - 214

و تو را خشنود گرداند، و در بهشت برین منزل و مأوایت دهد، که همانا خدا به تو آن نعمت بزرگ که از حد تصور بیرون است انعام فرمود، و از مقام شرافت، مرتبهای که تو را بینیاز کرد اعطا فرمود؛ پس گوارا باد تو را آن عطا و بخششی که خدا به تو کرامت و گوارا کرد.

آنگاه سر خود را بالا گرفته و میگویی: خدایا، تمام اعتمادم به تو و در طلب رضا و خشنودی توست، و توسلم به وسیله اولیای تو به سوی تو است، و به آمرزش و بردباری تو توکل کرده، و ازتو نگاهداری میطلبم، و به قبر مادر دوستدار تو پناه آوردم؛ پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا به زیارت این بانو بهرهمند ساز، و بر محبت او ثابت بدار، و از شفاعت او و شفاعت فرزندش محروم مگردان، و همنشینی او را روزیام گردان، و مرا با او و با فرزندش در قیامت محشور فرما، چنانکه به زیارت او و فرزندش موفقم داشتی؛ خدایا، به درگاه تو به واسطه امامان پاک روی آوردهام، و به وسیله آن حجتهای پاکنهاد، که خاندان طه و یاسین هستند، متوسل گردیدم؛ که بر محمد و خاندان پاک او درود فرستی، و مرا از بندگان دارای مقام اطمینان و کامیابی، و شادمان و بشارت دهنده هستند، و هیچ ترس و اندوهی ندارند، قرار دهی؛ و مرا از جمله کسانی که تلاش او را پذیرفته، و کار دنیا و آخرتش را سهل و آسان نموده، و گرفتاری او را برطرف کرده، و از هر هراسی ایمن ساختهای، قرار دهی.

خدایا، به حق محمد و خاندان محمد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در ستاندن انتقام آنها شتاب فرما، و این زیارت مرا آخرین زیارت من از این بانو قرار مده، و باز هم همیشه و تا زمانی که مرا زنده نگه داشتهای، زیارت او را روزیام گردان، و آن زمان که جانم را ستاندی، مرا در گروه او محشور نما، و در شفاعت فرزند پاک او و شفاعت خود او داخل گردان، و مرا و پدر و مادرم را و تمام مردان و زنان با ایمان را بیامرز، و به ما در دنیا نیکی عطا کن، و آخرت - نیز - نیکی عطا فرما، و با رحمت خودت ما را از عذاب دوزخ نگاه دار؛ و سلام و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد.

در ذکر زیارت فاطمه دختر اسد - که رضوان خداوند بر او باد، - بیشتر این عبارات ذکر شد و ما فقط آنچه را که یافتیم، نقل کردیم؛ و خداوند به آنچه خشنود است، موفق گرداند.(1)

میگویم: شیخ مفید و شهید(2)

و دیگران در کتابهایشان زیارت مادر امام زمان علیهما السلام را این چنین نقل کردهاند و نویسنده کتاب المزار الکبیر گفته است: این زیارت را مردی از بحرین بر من املا کرد؛ شنیدم وی این بانو را با این زیارت نامه زیارت میکند، سپس مانند این زیارت را ذکر کرد.(3)

سید پسر طاووس - که رحمت خداوند بر او باد، - در ذکر وداع با امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام گفته است: وقتی از زیارت مادر امام زمان علیهما السلام فارغ گشتی و خواستی با این دو امام وداع کنی، پس رو به ضریح آنان بایست و بگو: سلام بر شما ای دو ولیّ خدا، سلام بر شما ای دو حجت خدا، سلام بر شما ای دو نور خدا، سلام بر شما و بر پدران و بر نیاکان و فرزندان شما باد، سلام بر شما و روحها و بدنهای شما باد، سلام بر شما از جانب کسی که با شما وداع میکند، بدون آن که درمانده و کینهتوز و منحرف از شما باشد؛ رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد. سلام بر شما از طرف کسی که دوستدار شما است و از شما روی برنمیگرداند، و دوستی شما را با دیگران عوض نمیکند، و کسی را بر شما برتری و ترجیح نمیدهد، ای پسران رسول خدا صلی الله علیه و آله، شما را به خدا میسپارم و با شما خداحافظی مینمایم، و بر شما درود و سلام میفرستم، من به خدا و فرستاده او و به آنچه از نزد خدا آورده است، ایمان آوردم.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ما را در زمره گواهان بنویس، خدایا، این زیارت را آخرین زیارت من قرار مده، و مرا به سوی ایشان باز گردان، و تا آن زمان که زندهام داشتهای، زیارت دوباره و دوباره ایشان را روزیام

1- . مصباح الزائر: 214 - 215
2- . مزار الشهید: 65

3- . المزار الكبير: 217

گردان، و آنگاه که جانم را ستاندی، با این دو امام و با پدران آنان، امامان کمال یافته محشور گردان.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و عملم را بپذیر، و تلاشم را مورد سپاس گردان، و دعایم را مستجاب گردان، و تلاشم را بیبهره مساز، و این زیارت را آخرین زیارت من قرار مده، و با نیکی و پرهیزگاری مرا به سوی آنها باز گردان، و برکت زیارتشان را در دنیا و آخرت بر من بشناشان؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا از محضر آن دو امام علیهما السلام نومید و دست خالی باز نگردان، بلکه رستگار و کامیاب، و با دعاهای مستجاب شده، و بر زاریام رحم آورده، و با نیازهای برآورده شده، باز گردان؛ و مرا از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و از سمت چپ حفاظت کن، و بدی هر بدیرساننده و هر جنبنده ای که تو موی پیشانیاش را گرفتهای [و صاحب اختیار او هستی]، را از من دور بدار؛ که به یقین پروردگار من بر راه راست قرار دارد. سپس برگرد که به خواست خداوند مورد رحمت واقع شدهای.(1)

9. سید پسر طاووس - که رحمت خداوند بر او باد،- سپس گفته است: زیارت دیگری برای آن دو امام وجود دارد: اگر خواستی این دو امام علیهم السلام را زیارت کنی، همان گونه که ذکر شد اجازه ورود بخواه، سپس در حالی که پای راستت را جلوتر میگذاری، وارد شو؛ اگر بر سر قبر ایشان ایستادی، کنارشان بایست و پشت به قبله کن و صد مرتبه «الله اکبر» گفته و بگو: سلام بر شما ای دو ولیّ خدا، سلام بر شما ای دو دوستدار خدا، سلام بر شما ای دو حجت خدا، سلام بر شما ای دو نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر شما ای دو امانت دار خدا، سلام بر شما ای دو سرور امت، سلام بر شما ای دو حافظ شریعت، سلام بر شما ای دو تلاوت کننده کتاب خدا، سلام بر شما ای دو وارث پیامبران، سلام بر شما ای دو گنجینه دانش جانشینان، سلام بر شما ای دو راهنمای هدایت، سلام بر شما ای دو نور پرهیزگاری، سلام بر شما ای دو ریسمان محکم خدا، سلام بر شما ای دو محل

1- . مصباح الزائر: 216

معرفت خدا، سلام بر شما ای دو جایگاه ذکر و یاد خدا، سلام بر شما ای دو حامل راز خدا، سلام بر شما ای دو معدن کلمه خدا، سلام بر شما ای دو پسر رسول خدا، سلام بر شما ای دو پسر جانشین رسول خدا، سلام بر شما ای دو نور چشمان فاطمه سرور زنان، سلام بر شما ای دو پسر امامان معصوم، سلام و درود بر شما و بر پدران پاک شما باد، سلام بر شما و بر فرزند شما که حجت خدا بر تمامی آفریدگان هست، باد؛ سلام و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما و بر جانها و جسمهایتان باد.

ای دو پسر رسول خدا، پدر و مادرم و خانواده و دارایی و فرزندانم فدای شما باد، من به زیارت شما آمدم، در حالی که به حق شما آشنا هستم، و به آنچه ایمان آوردهاید، ایمان آوردم، و به آنچه کافر شدید، کفر ورزیدم، آنچه را که حقیقت دانستید، حقیقت دانستم، و آنچه را که باطل شمردید باطل شمردم، و من دوستدار شما و دشمن دشمنانتان هستم، و خشمدار نسبت به آنها، با دوست داران شما در مسالمت و دوستی هستم، و با کسی که با شما بجنگد میجنگم، و آشنا به فضیلت و برتری شما، و حمل کننده دانش شما، و پناه گیرنده در امان شما، و مؤمن به آمدن شما از جانب خداوند، و تصدیق کننده حکومت شما، و منتظر امر و فرمان شما، و اعتراف کننده به شأن و مقام شما، و به مسیر هدایتی که شما در آن هستید، آگاه و بابصیرت به گمراهی کسی که با شما مخالفت کند، و به نابینایيای که آنان به آن گرفتارند، هستم؛ از خداوند که پروردگار من و شما است میخواهم که بهره من از زیارت شما را درود بر محمد و خاندان او قرار دهد، و شفاعت شمار را روزیام کند، و بین من و شما جدایی نیفکند، و دوستی شما و پدران نیک شما را از من نگیرد، و مرا به همراه شما محشور گرداند، و با رحمت و فضل خودش من و شما را در بهشت خود گرد آورد.

سپس خود را بر قبر هر کدام از آنها میاندازی و آن را میبوسی و صورت راست و سپس صورت چپ را بر روی آن میگذاری؛ سپس سرت را بلند کرده و میگویی: خدایا، دوستی ایشان را روزیام گردان، و مرا بر ولایت آنان بمیران؛ خدایا، ستم کنندگان در حق خاندان محمد را لعنت کن، و از آنها انتقام گیر؛ خدایا، بر گذشتگان و آیندگان آنها لعنت فرست، و عذاب دردناک خود را بر آنها دوچندان

گردان، که به راستی تو بر هر چیز توانا هستی؛ خدایا، فرج ولیّ و پسر پیامبرت را زودتر برسان، و گشایش امور ما را همزمان با فرج آنان قرار ده، ای مهربانترین مهربانان؛ خدایا، من برای زیارت این امامان معصوم آمدم، و امید ثواب فراوان و فرار از حساب بد را دارم.

خدایا، به واسطه اولیای تو که راهنما و هدایتگر به سوی تو هستند، به تو روی میآورم تا گناهانم را ببخشی و از بدی هایم در گذری و در این ساعت در حضور اهل بیت پیامبرت و در این بارگاه مبارک و با شکوه به تو متوسل میشوم؛ خدایا، این زیارت را از من قبول کن، و مرا به خاطر حسن نیت و ایمان درست و صحت دوستیام پاداش عنایت فرما، پاداشی که برتر از آنچه بر هر یک از بندگان مؤمن خود قرار دادهای، باشد؛ و آنچه را بر من عطا نمودی استمرار بخش، و استفاده درست از آنچه بر من عنایت نمودی را نصیبم گردان، و مرا زیانکارترین وارد شونده بر آنها قرار مده، و گردنم را از آتش دوزخ برهان، و روزی حلال و پاک را بر من گسترده گردان، و مرا از یاران محمد و خاندان محمد قرار ده، و بین من و مکانهایی که نافرمانی تو میشود، جدایی انداز تا گناه نکنم، و مرا در اطاعت از خود و اولیای خودت یاری کن، تا در جایی که امر نمودی، غایبم نیابی، و در جایی که نهی نمودی، مرا نبینی.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا بیامرز، و بر من رحم کن، و از من و از تمامی مردان و زنان مؤمن در گذر؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا از ترس امور آخرت *و از وحشت روز قیامت و از شر بازگشتگاه، و از تاریکیها و وحشت قبر، و محلهای رسوایی در دنیا و آخرت، پناه ده؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و پاداشم را در این جایگاهم آمرزش خودت قرار ده، و هدیهات در این مکان و نزد امامان و سرورانم را آن قرار ده که لغزشم را نادیده بگیری، و عذرم را بپذیری، و از خطاهایم در گذری، و پرهیزگاری و تقوا را توشهام سازی، و آنچه را که در نزد تو است، برای من در معاد مایه خیر قرار دهی، و مرا در گروه محمد صلی الله علیه و آله محشور نمایی، و من و پدر و مادرم را بیامرزی، که به راستی تو بهترین کسی هستی که به سوی آن روی

آورده میشود، و بخشندهترین درخواست شونده ای هستی که به آن اعتماد میشود؛ برای هر مهمان کرامتی است، و برای هر زیارت کنندای پاداشی وجود دارد، پس پاداش من در این جایگاهم را آمرزش خود، و بهشت برای من و برای تمامی مردان و زنان با ایمان قرار ده.

خدایا، من آن بنده خطاکار، گنهکار و اقرار کننده به گناهش هستم؛ پس ای خدا، ای بزرگوار، به حق محمد و خاندان محمد از تو میخواهم با فضل بخشندگیات و بخشش بزرگوارانهات مرا از اجر و ثواب، محروم نگردانی. ای سرور من، ای اباالحسن علی فرزند محمد، و ای سرور من، ای ابامحمد، حسن فرزند علی، من به زیارت شما آمدم و به این وسیله، به خدای عز و وجل و به رسول خدا و به شما و به پدران و مادران شما دو امام تقرّب میجویم؛ با زیارت شما، رهایی گردنم از آتش دوزخ را آرزو دارم؛ پس نزد پروردگارتان مرا در اجابت دعایم، و آمرزش گناهانم، و گناهان پدر و مادرم، و برادران و خواهران با ایمانم شفاعت کنید؛ یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا رحمان، یا رحمان، یا رحمان، یا رحمان، یا رحمان، هیچ خدایی جز تو نیست، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و دعایم را در آنچه از تو در خواست نمودم، مستجاب گردان؛ و دعایم را در حق کسانی که در مشارق و مغارب زمین هستند نیز مستجاب گردان؛ ای خدا، ای بخشنده، هیچ خدایی جز تو که بسیار بردبار و بخشنده هستی، وجود ندارد؛ هیچ خدایی جز تو که بلند مرتبه و بزرگ هستی، وجود ندارد؛ پاک و منزّه است خداوند پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه، و آنچه در آنها و در بین آنها و در زیر آنها است، و پروردگار عرش بزرگ؛ سلام و درود بر پیامبران باد؛ و حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است؛ و درود و سلام فراوان بر پیامبر، محمد و خاندان پاک او باد.

سپس چهار رکعت نماز زیارت در کنار ضریح میخوانی و وقتی نمازت را به پایان بردی، دو دستانت را به سمت آسمان بلند کرده و با دعایی که در دنباله زیارت

امام جواد علیه السلام ذکر کردیم، و عبارت بود از: «خدایا، تو پروردگار هستی و من پرورده»(1)

تا انتهای آن؛ دعا کن. وداع این زیارت در زیارت پیشین بیان شد.

10. میگویم: در یکی از کتابهای اصحابمان دعایی را یافتم که آن را به قسمت پیشین و به گونهای که مخالف با آن است، ارجاع د اده است. پسندیدم آن را بیان کنم که عبارت از این است: خدایا، تو پرودگار هستی و من پرورده، تو آفریدگار هستی و من آفریده؛ تو مالک هستی و من مملوک؛ تو بخشنده هستی و من خواهان؛ تو روزی دهنده هستی و من روزی خورنده؛ تو توانا هستی و من ناتوان؛ تو نیرومند هستی و من ضعیف؛ تو یاری کننده هستی و من یاری خواه؛ تو جاودانه هستی و من از بین رونده؛ تو بزرگ هستی و من ناچیز؛ تو با عظمت هستی و من کوچک؛ تو دارای عزت هستی و من خوار و پست؛ تو بلند مرتبه هستی و من فرومایه؛ تو تدبیر کننده هستی و من مورد تدبیر واقع شده؛ تو باقی هستی و من فنا پذیر؛ تو حاکم هستی و من محکوم؛ تو برانگیزاننده مردگان هستی و من برانگیخته شده؛ تو بینیاز هستی و من فقیر؛ تو زنده هستی و من مرده؛ پروردگارا، تو کسی غیر از من را برای اینکه عذاب کنی، داری ولی من جز تو کسی را که به من رحم کند، ندارم.

پروردگارا، به حرمت کسی که به امان تو پناه آورده، و به عزت تو متوسل شده، و در زیر سایه رحمت تو قرار گرفته، و به ریسمان تو چنگ زده، و جز تو به کسی دیگر اعتماد نکرده است، از تو درخواست میکنم؛ ای بخشنده عطایا، ای آزاد کننده اسیران، ای آن که به خاطر جود و بخششش خود را بسیار بخشنده نامیده است، میخواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و مرا از این مکان نومیدانه برنگردانی؛ چون اینجا مکانی است که گناهان بزرگ بخشیده میشود، و رحمت و لطف خداوند بخشنده و بسیار دانا امید میرود؛ مکانی که درخواست کنندگان در آن بی بهره نمیمانند و رغبت مندان رانده نمیشوند. اینجا مکان کسی است که از روی میل و رغبت به سرورش پناه آورده، و از ترس به خدایش متوسل شده است؛

1- . مصباح الزائر: 257

جایگاه کسی است که از روزی میترسد که آفریدگان در آن در مقابل پروردگار جهانیان میایستند، و در آن روز شفاعت شفاعت کنندگان سودی ندارد، مگر کسی که خداوند رحمان به او اذن داده و از رستگاران باشد؛ آن روزی که مال و فرزندان سودی نبخشد، مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد؛ و [آن روز] بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می گردد؛ و به آنان گفته شود: این همان است که وعده یافته اید [و] برای هر توبه کار نگهبانِ [حدود خدا] خواهد بود؛ آنکه در نهان از خدای بخشنده بترسد و با دلی توبه کار [باز] آید.

خدایا، پس مرا از وارستگان و رستگاران، و از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده؛ و من و پدر و مادرم و مؤمنان را در روز قیامت بیامرز؛ و به نیکوکاران ملحق گردان؛ و جانشین من در میان باقیماندگان از خانواده و فرزندانم باش؛ و در جایگاهی از رحمتت همه ما را جمع گردان، ای مهربانترین مهربانان؛ و مرا از وحشتهایی که بین خودم و دیدار تو وجود دارد، نگاه دار؛ تا مرا به درجهای برسانی که همراهی اولیاء و دوستدارانت در آن باشد، کسانی که به سوی آنها راهنمایی فرمودی، و به پیروی از آنها امر نمودی، و مرا از حوض ایشان شرابی گوارا بنوشان، به گونهای که بعد از آن، هیچ عطش و تشنگی در آن نباشد؛ و مرا در گروه آنها محشور کن، و در آیین آنان بمیران، و در دستهشان قرار ده، چهرههاشان را در رضوان و بهشتت به من بنمایان؛ به راستی من آنها را به عنوان امامان و هدایتگران و اولیاء پسندیدم؛ پس آنها را امامان و هدایتگران من در دنیا و آخرت قرار ده، و هرگز بین من و آنها لحظهای جدایی نیفکن، ای مهربانترین مهربانان.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر خواریام در پیشگاهت، و گریه و نالهام به درگاهت، و گوشه گیری و تنهاییام از مردم، و انس و دوستیام با تو، رحم آور، ای بخشنده؛ و با رحمت خودت در این لحظه بر من نیکی کن؛ به گونهای که به وسیله آن قلبم را هدایت کنی، و امورم را سامان بخشی، و پراکنگی ام را جمع کنی، و مرا رو سفید گردانی، و جایگاهم را به وسیله آن بزرگ نمایی، و بارم را از دوشم برداری، و گناهان گذشتهام را بیامرزی، و در عمر باقی ماندهام مرا نگاه داری، و روزیام را گسترده، و عمرم را طولانی گردانی، و همه آن

را در پیروی و اطاعت از خودت، و آنچه باعث خشنودی تو میشود، صرف کنی، و کارم را به بهترین شکل برایم مقدّر فرمایی، و ثوابش را بهشت برای من قرار دهی، و مرا در راه نیکوکاران قرار داده، و بر بهره مندی شایسته از آنچه بر من عطا نمودی یاریام کنی، همان گونه که نیکوکاران را بر بهرهمندی شایسته از آن چه بر ایشان عطا نمودی، یاری کردی؛ و بخشش نیکویت را هرگز از من باز نستانی، و مرا به انجام عمل زشتم که از آن رهایم ساختی، باز نگردانی؛ و لحظهای، نه بیشتر و نه کمتر از آن، مرا به خودم وا مگذاری، ای مهربانترین مهربانان.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و حق را بر من، حق بشناسان تا از آن پیروی کنم؛ و باطل را باطل بنمایان، تا از آن دوری نمایم؛ و آنها را بر من مشتبه نگردان که در نتیجه آن، از هوا و هوس خود بدون هدایتی از جانب تو پیروی کنم، و خواهشهای نفسانیام را در مسیر رضایت و طاعت خودت قرار ده، و در نفس من اسباب خشنودی خودت را به وجود بیاور، و مرا به اذن و اراده خودت به آنچه از حق مورد اختلاف است هدایت کن، که به راستی تو هر کسی را بخواهی به راه راست هدایت میکنی.

11. سید پسر طاووس - که رحمت خداوند بر او باد، - سپس گفته است: زیارت دیگری نیز برای آن دو امام علیهما السلام وجود دارد که مانند آنچه ذکر شد، میباشد؛ به این ترتیب که به صورت غسل کرده بر سر قبر ایشان بایست و بگو: سلام بر رسول خدا، سلام بر محمد فرزند عبدالله، سلام بر امیرالمؤمنین علی فرزند ابیطالب، سلام بر امامان معصوم و هدایت شده از نسل علی علیه السلام، که به اطاعت و بندگی خدا امر نمودند، و اولیای خدا را به مقام تقرب رساندند، و از نافرمانی خدا دوری کردند، و با دشمنان او مبارزه نمودند، و هوادارن شیطان رانده شده را بیاثر ساخته، و به راه راست هدایت کردند.

سلام بر شما ای دو امام پاک و راستگو که مؤمنان را از همنشینی با گناهکاران نجات دادید، و با مدارا کردن با دشمنان، از ریخته شدن خونهای دوستداران جلوگیری نمودید؛ گواهی میدهم که شما دو حجت خداوند بر بندگانش، و روشنگران زمین و سرزمینهای او هستید، و به خاطر خداوند خشم ناشی از ظلم

ستمگران را فرو خوردید، و برای خشنودی او بر کینه دشمنان صبر نمودید، تا ستون دین را استوار کردید، و شک را از یقین آشکار ساختید؛ پس خداوند هر کس را که مانع حق شما میشود، و مردمی را که به شما ستم میکند، لعنت کند.

سپس طرف راست صورتت را روی قبر بگذار و بگو: خدایا، این دو امام رهبران من هستند، و به واسطه آنها و پدرانشان تقرّب به درگاه تو را در روزی که به دیدارت نایل میشوم، آرزو دارم؛ خدایا، تو و فرشتگانت را گواه میگیرم که این دو نفر، بندگان تو هستند، تو آنها را برگزیدی، و بر همه برتری بخشیدی، و بندگانت را به دوستی آنها دعوت نمودی، و مرگی را که بر آنها نوشته شده بود، بر ایشان چشاندی، و آنچه را که در راه تو چشیدند، بسیار بزرگتر از آن شدائدی است که از جانب تو متحمل شدند، و مرا به همراه آنان در دنیا بر صحت اعتقاد در اطاعت از خودت جمع نمودی؛ پس مرا به همراه آنان در بهشت خود گرد آور، ای کسی که گنج را با ساختن دیوار حفظ نمود، و محمد صلی الله علیه و آله را در غار نگهبانی کرد، و ابراهیم علیه السلام را از آتش نجات بخشید.

خدایا، از کسانی که در مورد آن دو امام به لاهوتی بودن معتقد شدند، و طاغوت را بر آنها مقدّم کردند، به سوی تو بیزاری میجویم؛ خدایا، بر مبارزه کنندگان انکار کننده، و اسرافگران مبالغه کننده، و شک کنندگان کوتاهی ورز، و واگذارنده امور به دیگران لعنت فرست؛ خدایا، تو سخنم را میشنوی، و جایگاهم را میبینی، و علم تو بر هر چه که پشت سر و روبروی من است، احاطه پیدا کرده است؛ پس مرا از هر بدی که دینم را تباه میسازد، پناه ده، و از هر شبههای که یقینم را به شک تبدیل میکند، کفایت کن؛ و در دعایم برادران و کسانی که امورشان به من محول است را شریک گردان؛ خدایا، این جا مکانی است که برای رسیدن به آن، بیابانها را در نوردیدم، و خطرها را پشت سر گذاشتم، به امید آنکه دعایم در آن مستجاب شود، و خوبیهایم چند برابر گردد، و بدیهایم از بین رود.

خدایا، در این مکان با شکوه، برای من و برادرانم از خاندان محمد و شیعیان آنان و خانواده و فرزندان و نزدیکانم، از هر خیری نزدیکش را در دنیا، و خالص و کاملش را در آخرت عطا فرما؛ و از همه ما تمامی بدیها را که در دنیا پوچی و

نابودی به بار میآورد، و مانع رسیدن باران رحمت آسمان میگردد، و در آخرت پشیمانی به دنبال دارد، دور گردان؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و دعایم را مستجاب گردان، و بر محمد و تمامی خاندان او درود فرست.

سپس از نزد آنها خارج شو و پشتت را به ایشان نکن و به سرداب برو و صاحب امر علیه السلام را آنگونه که ذکر خواهد شد، زیارت کن.

توضیح: بدان که زیارت این دو امام در زمانها و روزهای مبارک و اوقات مخصوص به ایشان بهتر و مناسبتر است:

مانند روز ولادت امام هادی علیه السلام که نیمه ماه ذی الحجه است و به روایت ابن عیاش، دوم یا پنجم رجب است و به روایت ابراهیم بن هاشم، سیزدهم رجب است؛ روایت نخست مشهورتر است، اما در مورد بودن آن در ماه رجب، خبری وارد شده است. هم چنین در روز وفات ایشان که به روایت ابراهیم بن هاشم و دیگران، سوم رجب و بنا بر برخی نقلها، دوم یا پنجم رجب، و به روایت کلینی(1)

چهار روز مانده از ماه جمادی الآخر است. هم چنین در روز امامت ایشان که آخر ذی القعده یا یازدهم آن است.

و روز ولادت امام حسن عسکری علیه السلام بنا بر روایت شیخ مفید(2) و شیخ،(3)

دهم ربیع الثانی و بنا بر روایت طبرسی،(4)

هشتم، و بنا بر روایت شهید، چهارم ربیع الثانی است؛ و روز وفات ایشان بنا بر روایت کلینی و شیخ در التهذیب(5)

و طبرسی(6)

و شهید -که رحمت خداوند بر همه آنان باد، - هشتم ربیع الأول یا به گفته شیخ در المصباح،(7)

اول آن ماه است؛ و روز انتقال خلافت به ایشان که همان روز وفات پدرش علیهما السلام است.

1- . الکافی 1: 497
2- . مسار الشیعه: 24؛ چاپ سال 1315
3- . مصباح المتهجد: 554
4- . اعلام الوری: 349
5- . التهذیب 6: 92
6- . اعلام الوری: 349
7- . مصباح المتهجد: 553

سپس بدان که در بارگاه شریف، قبری وجود دارد که منسوب به حکیمه، دختر امام جواد علیه السلام است که زنی نجیب و بخشنده و فاضل و پرهیزگار و پسندیده میباشد، و من نمیدانم که چرا با وجود ظهور فضیلت و بزرگیاش، به زیارت او اهتمام نورزیدند؛ او از خواص امامان علیهم السلام و رازدار ایشان بود، و مادر حضرت مهدی علیه السلام نزد وی بود و هنگام تولّد حضرت، وی حضور داشت و او، وی را بعضی اوقات در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام میدید و بعد از وفات امام حسن عسکری علیه السلام، از سفیران و مرتبطین حضرت بود. بنابراین شایسته است با آنچه خداوند بر زبان جاری ساخته است، زیارت شود؛ آن گونه که با فضیلت و شأن و مقام وی مناسب است. و تنها خداوند توفیق دهنده است.

و باید برخی کلمات آن زیارتهای پیشین را که نیاز به توضیح و تبیین دارد، بیان کنیم؛ عبارت: «و لاهفا»، هفا الرجل، یعنی لغزید. عبارت: «و اصنعنی»، یعنی اخلاق و اعمالم را نیکو گردان گویی که تو مرا بار دیگر ساختهای؛ یا برگرفته از عبارت «صنع الفرس»، یعنی به خوبی از اسب نگهداری کرد و فربهاش کرد، باشد؛ «و اصطنعتک لنفسی»، یعنی تو را برای کاری ویژه انتخاب کردم که از تو میخواهم آن را به جای من انجام دهی؛ و «الإصطناع» باب افتعال از «صنیعه» است و آن یعنی بخشش و کرامت و احسان؛ و «الغض»، یعنی با طراوتی که تغییر نکرده است، و «الإحن» مانند عنب جمع «الإحنّه» با کسره، یعنی کینه و خشم.

و عبارت: «المائله»، یعنی کسی که تمایل به انتقام گرفتن دارد و کاسه صبرش لبریز شده است؛ و عبارت: «کفاء أجر الصابرین»، یعنی آنچه که مساوی با آن است؛ عبارت: «إزاء ثواب الآخرین»، یعنی آنچه موازی و هم طراز آن است؛ عبارت: «مناحس الخلقه»، یعنی شومهایشان؛ یعنی لعنت شدگانی که آنها را برای کسانی که در خلقت و سرشتشان نحسی و بدی است، قرار دادی؛ «مشاویه الفطره» که از «الشوه» است، به معنی زشتی و عیب است.

و عبارت: «من هول المطلع» الجزری گفته است:(1)

مراد از آن، مکان ایستادن در روز قیامت است؛ یا آنچه از امر آخرت که بلافاصله بعد از مرگ، بر او نمایان میشود؛ و به مطلع که از مکان بلندی بر او دسترسی دارد، تشبیه شده است. عبارت: «و من أمره یعنینی»، یعنی برایم مهم است و به شأن آن، عنایت دارم؛ و «حزانتک» با ضمه، یعنی خانوادهات که بر امورشان غمگین میشوی؛ و عبارت: «مزلف»، برگرفته از واژه «الزلفی»، یعنی نزدیک؛ و عبارت: «محظ»، برگرفته از «الحظوه»، یعنی جایگاه و منزلت.

آبرای آن است،هنتهنتال

1- . النهایه 3: 49

باب هفتم : زیارت امام پنهان از دیدگان، حاضر در دلهای برگزیدگان، مورد انتظار در شب و روز، حضرت حجت فرزند امام حسن، صلوات الله علیهما، در سرداب و غیر آن

روایات:

1. الاحتجاج: بعد از دادن جواب مسائلی که در مورد آنها سؤال کرده بود، از ناحیه مقدّسه به سوی محمد حمیری بیرون آمد؛ (به نام خداوند بخشنده مهربان) نه خود در امر او فکر میکنند، و نه از اولیای او میپذیرند، حکمتی رسا است، پس جماعتی را که ایمان نمیآورند، بیم دادن سودی نمیرساند؛ سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا؛ هرگاه خواستید به وسیله ما به سوی خداوند تبارک و تعالی و به سوی ما توجه کنید، پس بگویید چنانچه خداوند متعال فرموده است: سلام بر آل یاسین، سلام بر تو ای دعوت کننده خلق به سوی خدا و آشکار کننده نشانههای او، سلام بر تو ای درگاه خدا و حافظ دین خدا، سلام بر تو ای خلیفه خدا و یاور حق او، سلام بر تو ای حجت خدا و راهنما به سوی خواست او، سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و مفسّر آن، سلام ما برتو در تمام ساعات شب و روز، سلام بر تو ای باقی گذاشته خداوند در زمین، سلام بر تو ای عهد و پیمان خداوند که آن را - از آفریدگان - گرفته و استوار گردانیده است، سلام بر تو ای وعده خدا که - تحقق - آن را ضمانت کرده است، سلام بر تو ای پرچم افراشته، و دانش فراگیر، و پناه و رحمت گسترده، و وعدهای راست است که هرگز دروغین نیست. سلام بر تو آن هنگام که برخیزی، سلام بر تو وقتی که بنشینی، سلام بر تو وقتی که قرائت و تفسیر میکنی، سلام بر تو هنگامی که نماز میخوانی و قنوت میگیری، سلام بر تو هنگامی

که رکوع و سجده به جای میآوری، سلام بر تو هنگامی که «لا إله إلا الله» و «الله اکبر» میگویی، سلام بر تو هنگامی که به حمد و استغفار به درگاه خداوند میپردازی، سلام بر تو هنگامی که صبح و شب میکنی، سلام بر تو در شب، آن هنگام که تاریک گردد، و در روز، آن هنگام که روشن شود؛ سلام بر تو ای امام ایمنی یافته، سلام بر تو ای پیش افتاده - از مردمان - و مورد آرزو، سلام بر تو، با تمام سلامها.

ای سرور من، تو را گواه میگیرم که من شهادت میدهم که هیچ خدایی جز الله نیست، یگانه است و هیچ شریکی ندارد، و محمد، بنده و فرستاده او است، و هیچ دوستی جز او و اهل بیت او نیست؛ و تو را گواه میگیرم ای سرور من، که علی امیرالمؤمنین حجت خدا است، و حسن حجت خدا است، و حسین حجت خدا است، و علی فرزند حسین حجت خدا است، و محمد فرزند علی حجت خدا است، و جعفر فرزند محمد حجت خدا است، و موسی فرزند جعفر حجت خدا است، و علی فرزند موسی حجت خدا است، و محمد فرزند علی حجت خدا است، و علی فرزند محمد حجت خدا است، و حسن فرزند علی حجت خدا است، و گواهی میدهم که تو حجت خدا هستی، اول و آخر، شما هستید، و بازگشت شما حق است و هیچ تردیدی در آن نیست، روزی که کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد؛ گواهی میدهم که مرگ، حق است و دو فرشته نکیر و منکر، حقیقت دارد.

و گواهی میدهم که برانگیختن مردگان حق است، و صراط حق است، و مرصاد حق است، و سنجش اعمال حق است، و گرد آمدن همگان در محشر حق است، و حساب حق است، و بهشت و دوزخ حق است، و وعده و وعید خداوند به آن دو حق است؛ ای سرور من، هر کس با شما مخالفت ورزد، بدبخت است، و هر کس از شما پیروی نماید، سعادتمند است؛ پس بر آن چه تو را به آن گواه گرفتم، گواه باش؛ و من دوست شما هستم، و دشمن دشمنان شما هستم، حق و حقیقت همان است که شما به آن خشنود گشتید، و باطل همان است که شما نسبت به آن خشم گرفتید، و عمل نیکو آن است که به آن امر کردید، و کار زشت آن است که از

آن باز داشتید؛ من به خداوند یگانه که هیچ شریکی برایش نیست، و به پیامبر او و به امیرالمؤمنین ایمان دارم؛ و ای سرور من، به اولین و آخرین شما ایمان دارم، نصرت و یاری من بر شما مهیا است، و دوستی من برای شما خالصانه است؛ بپذیر - ای خدا - ؛ بپذیر.

و بعد از آن، این دعا خوانده میشود: خدایا، از تو میخواهم که بر محمد، پیامبر رحمت و کلمه نور خود درود فرستی، و قلبم را از نور یقین، و سینهام را از نور ایمان، و فکرم را از نور نیّتها، و عزم و ارادهام را با نور دانش، و نیرویم را با نور عمل، و زبانم را با نور صدق، و دینم را با نور بصیرتهایی از جانب خود، و چشمم را با نور دیدن، و گوشم را با نور حکمت، و دوستیام را با نور دوستی با محمد و خاندان محمد صلی الله علیه و آله پر کنی تا آنگاه که تو را دیدار کنم، در حالی که به عهد و میثاق تو وفا کرده باشم، و تو ای سرپرست ستوده، مرا غرق رحمت خود کرده باشی.

خدایا، بر محمد، حجت خود در زمین، و جانشین تو در سرزمینهایت، و دعوت کننده به راه تو، و قیام کننده به اجرای عدل تو، و بر انگیزاننده به امر تو، دوستدار مؤمنان، و نابود کننده کافران، و روشنی بخش تیرگی، و آشکار کننده حقیقت، درود فرست.

همان سخن گوینده به حکمت و راستی، و کلمه کمال یافته تو در زمین، و خویشتندار ترسان، و سرپرست خیرخواه، و کشتی نجات، و پرچم هدایت، و روشنی چشمان مردمان، و بهترین کسی که پیراهن و ردا بر تن کرد، بر طرف کننده نابینایی، کسی که زمین را از عدل و داد پر میکند، آن چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد؛ به راستی تو بر همه چیز توانا هستی.

خدایا، بر ولیّ خود و فرزند اولیائت، که طاعتشان را لازم گردانیدی، و حق آنها را بر مردم واجب ساختی، و ناپاکیها را از وجود آنان دور گردانیدی، و آنها را پاک و منزه ساختی، درود فرست؛ خدایا، او را یاری کن دینت را با او یاری کن، و به واسطه او دوستداران خود و دوستدران و شیعیان و یاران او را یاری رسان، و ما را از آنان قرار ده؛ خدایا، او را از شر هر ستمگر و سرکش، و از شر تمامی

آفریدگانت در پناه خود گیر، و او را از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و از طرف چپ نگاه دار، و از او محافظت کن، و مگذار آسیب و بدی به او برسد، و رسول و خاندان رسول خود را در حفظ وجود او محفوظ گردان، و به وسیله او حکم عدل خود را آشکار گردان، و او را مؤید به نصرت خود بدار، و یاران او را یاری کن، و مخالفان او را محروم و خوار گردان، و پشت دشمنانش را بشکن، و پشت جباران و ستمکاران کفر را به وجود او در هم شکن، و کافران و منافقان و تمام افراد بیدین را هر کجا که باشند، در کرانههای شرق و غرب زمین، در خشکی و دریا، به قتل برسان و زمین را به واسطه او از عدل پر کن، و دین پاک پیامبرت صلی الله علیه و آله را به واسطه او آشکار فرما.

مرا نیز ای خدا، از یاران و پیروان و شیعیان او قرار ده، و در خاندان محمد علیهم السلام، آنچه را که امید دارند، و در دشمنان آنان، آنچه را که بر حذر میدارند، به من بنمایان؛ ای خدای حق، بپذیر؛ ای دارنده شکوه و بزرگواری، ای مهربانترین مهربانان.(1)

2. سید علی پسر طاووس - که خداوند قبرش را نورانی گرداند، - گفته است: هنگامی که از زیارت امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام فارغ گشتی، به سرداب مقدس برو و بر در آن بایست و بگو: ای خدای من، من بر در خانهای از خانههای پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله ایستادهام و تو از وارد شدن مردم به خانههای او جز به اجازه او باز داشته و فرمودهای: «ای کسانی که ایمان آوردهاید، به خانههای پیامبر وارد نشوید، مگر اینکه به شما اجازه داده شود؛» خدایا، من به حرمت پیامبرت در غیبت او ایمان دارم، همان طور که در حضور او اعتقاد دارم، و میدانم که پیامبران و جانشینان تو زندهاند و نزد تو روزی میخورند و شادمانند، مکان مرا میبینند، و سخن مرا میشنوند، و جواب سلامم را میدهند، و تو شنیدن کلام آنها را از من باز داشتی، و دریچه فهم و درک من به لذت مناجاتهایشان را باز کردی؛ پس در ابتدا از تو اجازه میخواهم ای پروردگار، و در مرحله دوم، از

1- . الاحتجاج 2: 316 - 318؛ چاپ نجف اشرف

رسول تو - که درودهای تو بر او و بر خاندان او باد، - اجازه میخواهم؛ و از خلیفهات، امامی که طاعتش را بر من واجب ساختی، برای وارد شدن به خانهاش در این ساعت اجازه میخواهم؛ و از فرشتگان فرمانبردار برای تو و شنوا که سرپرستی این بارگاه بابرکت را بر عهده دارند، اجازه ورود میخواهم؛ سلام بر شما ای فرشتگان گمارده شده برای سرپرستی این زیارتگاه با شکوه و با برکت، و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد.

من با اجازه خدا و اجازه فرستاده او، و اجازه جانشینانش، و اجازه این امام، و با اجازه شما که درود خداوند بر همه شما باد، وارد این خانه میشوم تا به واسطه خداوند، و فرستادهاش محمد و خاندان پاک او به خداوند تقرّب جویم؛ پس ای فرشتگان خداوند، یاوران و همراهان من باشید تا وارد این خانه گردم، و از خداوند به شیوههای گوناگون درخواست نمایم، و به بندگی او و فرمانبرداری از این امام و پدرانش - که درود خداوند بر آنها باد، - اعتراف کنم.(1)

سپس در حالی که پای راستت را جلوتر میگذاری وارد سرداب شو و بگو: به نام خدا و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا، گواهی میدهم که هیچ خدایی جز الله نیست، او یگانه است و شریکی ندارد، و گواهی میدهم که محمد، بنده و فرستاده او است. و «الله اکبر» و «الحمد لله» و «سبحان الله» و «لا اله الا الله» بگو، و هنگامی که وارد آنجا شدی، رو به قبله بایست و بگو:

سلام خداوند و برکتها و تحیتها و درودها او بر سرورم صاحب الزمان، صاحب روشنایی و نور، و دین مقرّر و رسیده از جانب خداوند، و پرچم بر افراشته، و کتاب گشوده، و صاحب روزگاران و دورانها، و جانشین نیکو، و امام مورد اطمینان، و برپا خیزنده مورد اعتماد، و یاری شده مورد تأیید، و پناهگاه و یاور، و ستون اسلام، و تکیهگاه مردمان، و کلید سخن، و عهدهدار اجرای احکام خداوند، و خورشید تاریکی، و ماه شب چهارده، و خرمی روزگارن، و صاحب شمشمیر برّنده، و شکافننده سرهای دشمنان، و دریای بخشش، و سید بزرگوار و سخاوتمند، و

1- . مصباح الزائر: 216

برهان در برابر دشمنان، و باب مقام برای روز قیامت باد؛ و سلام بر برطرف کننده غمها، و وارد شونده بر امور خطرناک، و برطرف کننده حسرتها، و باقی مانده خدا در روی زمین، و صاحب واجبات او، و حجت او بر آفریدگانش، و مخزن علم او، و جایگاه صدق او، و کسی که میراثهای پیامبران به او منتهی میشود، و آثار جانشینان الهی نزد او است، و حجت خدا و پسر رسول او، و جانشین پیامبر، و عهدهدار امر خدا، و رحمت و برکتهای خداوند بر او باد.

خدایا، همچنان که او را به علم خودت انتخاب کردی، و برای اجرای احکامت برگزیدی، و به معرفتت مخصوص گرداندی، و به کرامتت عظمتش بخشیدی، و با رحمتت او را دربر گرفتی، و با نعمتت پرورش دادی، و با حکمتت تغذیه اش کردی، و او را برای خودت انتخاب کردی، و برای امور سخت خودت اختیارش نمودی، و به پاکیات خشنودش ساختی، و او را هدایتگر هر کسی از آفریدگانت که خواستی، و حاکم دادگر دین، و جدا کننده حق از باطل در بین بندگانت قرار دادی، و وعده دادی که به واسطه او آراء متشتت را واحد کنی، و گرفتاری امت را بر طرف گردانی، و با دادگری او تیرگی ستم را روشنایی بخشی، و آتش ستم را خاموش کنی، و گرمی کفر و آثار آن را ریشهکن سازی، و سرزمینهایت را پاک گردانی، و دلهای بندگانت را آرامش بخشی، و همه ممالک نزدیک و دور، و عزتمند و خوار آنها را، و شرق و غرب آن، و دشت و کوه آن، باد مشرق و مغرب آن، و شمال و جنوب آن، و خشکی و دریای آن، و زمینهای سخت و درههای آن، را - به فرمان او - گرد آوری، و آن را با عدل و داد پر کنی، همچنان که از ظلم و ستم پر شده باشد، و او را در آن ساکن گردانی، و به وسیله او به وعده مؤمنان جامه عمل بپوشانی، تا چیزی را شریک تو قرار ندهند، و حقی باقی نماند مگر این که آشکار گردد، و عدالتی نباشد مگر اینکه برقرار گردد، و حقی به خاطر ترس از آفریدگان پنهان نگردد.

خدایا، بر او درودی فرست که با آن حجتش را آشکار، و شادمانیاش را نمایان کنی، و مقامش را والا، و قدرتش را تأیید نمایی، و برهانش را بزرگ، و مکانش را با شکوه گردانی، و بنیانش را بلند مرتبه قرار دهی، و پیروزیاش را با

شکوه، و جایگاهش را درخور گردانی، و یادش را پر آوازه، و کلمه حقش را نمایان سازی، و پیروزیاش را فزونی بخشی، و دعوتش را عزتمندانه گردانی، و بر بزرگواری او بیفزایی، و او را برای پرهیزکاران امام قرار داده، و سلام و درود ما را در این مکان و در این زمان و در هر مکان و زمان به او برسانی، به طوری که جدید آن سلام و درود از بین نرود، و فراوانی آن زوال نپذیرد.

سلام بر تو ای باقی گذاشته شده خداوند در زمین و سرزمینهای او، و حجت او بر آفریدگانش، سلام بر تو ای یادگار گذشتگان، سلام بر تو ای صاحب شکوه و بزرگی، سلام بر تو ای حجت خداوند معبود، سلام بر تو ای کلمه ستوده شده، سلام بر تو ای خورشید خورشیدها، سلام بر تو ای هدایت کننده اهل زمین، و بیانگر واجبات الهی، سلام بر تو ای سرور من، ای صاحب الزمان و عالی مقام، سلام بر تو ای آخرین جانشینان، و فرزند آخرین پیامبران، سلام بر تو ای عزیز کننده دوستان، و خوار کننده دشمنان، سلام بر تو ای امام تنها، و برپا خیزنده کمال یافته، سلام بر تو ای امام یگانه، سلام بر تو ای امام مورد انتظار، و حق آشکار، سلام بر تو ای امام ولیّ و برگزیده، و حق نهایی، سلام بر تو ای امامی که برای ریشهکن کردن ستم و دشمنی به او امید میرود، سلام بر تو ای امام نابودگر فاسقان و متجاوزان، سلام بر تو ای امام ویران کننده بنیان شرک و نفاق، و ریشهکن کننده آثار گمراهی و دو دستگی، سلام بر تو ای ذخیره خدا برای تجدید واجبات و سنتها، سلام بر تو ای نابود کننده آثار اندیشه باطل و هواهای نفسانی، و قطع کننده ریسمانهای دروغ و فتنه و افترا، سلام بر تو ای امامی که برای زنده گرداندن حکومت باشکوه به او امید میرود، سلام بر تو ای جمع کننده کلمات الهی بر محور پرهیزکاری، سلام بر تو ای آستانه خدا، سلام بر تو ای انتقام گیرنده از جانب خدا، سلام بر تو ای احیا کننده برجستههای دین و دینداران، سلام بر تو ای ویران کننده شوکت و عظمت دشمنان، سلام بر تو ای پرتو جلوه ازلی که تا روز قیامت هلاک و نابود نمیگردد، سلام بر تو ای اساس ایمان، سلام بر تو ای سبب اتصال بین زمین و آسمان، سلام بر تو ای صاحب فتح و به اهتزاز درآورنده پرچم هدایت، سلام بر تو ای جمع کننده تمام صلاحها و رضایتها، سلام بر تو ای خواهان انتقام پیامبران، و فرزندان پیامبران، و

انتقام گیرنده خون کشته شده در کربلا، سلام بر تو ای یاور هر کسی که به او ستم و تجاوز شده است، سلام بر تو ای امام منتظر(1)

که اگر دعا کند، مستجاب میشود، سلام بر تو ای باقی مانده جانشینان خداوند، امام نیکوکار و پرهیزگار و باقی مانده برای از بین بردن ظلم و دشمنی.

سلام بر تو ای فرزند پیامبر برگزیده، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری، و فرزند سروران مقرب و رهبران پرهیزگار، سلام بر تو ای فرزند نجیبان با کرامت، سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان هدایت شده، سلام بر تو ای فرزند هدایتگران هدایت یافته، سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان خوبی، سلام بر تو ای فرزند سروران بشر، سلام بر تو ای فرزند مهتران شرافتمند ، و پاکان با طهارت، سلام بر تو ای فرزند نیکوترین برگزیدگان خلق، و جوانمردان و برگزیدگان، سلام بر تو ای فرزند برهانهای روشن، و چراغهای نورانی، سلام بر تو ای فرزند ستارگان درخشان، سلام بر تو ای فرزند پایههای علم و دانش، سلام بر تو ای فرزند جایگاههای بردباری، سلام بر تو ای فرزند ستارههای درخشان و تابناک، سلام بر تو ای فرزند خورشیدهای نورانی، سلام بر تو ای فرزند ماههای تابناک، سلام بر تو ای فرزند راههای آشکار و نشانههای درخشان، سلام بر تو ای فرزند سنتهای مشهور آسمانی، سلام بر تو ای فرزند معالم و آثار ایمان که مذکور است، سلام بر تو ای فرزند دلایل آشکار و معجزات موجود، سلام بر تو ای فرزند صراط مستقیم، و خبر بزرگ، سلام بر تو ای فرزند آیات روشن، و دلایل واضح، سلام بر تو ای فرزند برهانهای آشکار، سلام بر تو ای فرزند حجّتهای رسا، و نعمتهای عام الهی، ای فرزند طه و محکمات قرآن، و ای فرزند - سورههای - یاسین و ذاریات، و ای فرزند - سورههای - طور و عادیات.

سلام بر تو ای فرزند کسی که خداوند در بارهاش فرمود: «دنی فتدلّی فکانَ قابَ قَوسین أو أدنی» {نزدیک آمد و نزدیکتر شد تا [فاصله اش] به قدرِ [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد.} تا اینکه به نزدیکترین مکان نسبت به خداوند والا

1- . درمانده. خ ل

مرتبه رسید؛ کاش میدانستم دلها کی به ظهور تو آرام خواهند شد؟ آیا در سرزمین طوی هستی؟ بر من بسیار سخت است که تو آفریدگان را ببینی ولی دیده نشوی، و هیچ از تو صدایی حتی آهسته هم به گوش نرسد، بر من بسیار سخت است که همگان دیده شوند و تو دیده نشوی، بر من بسیار سخت است که که دشمنان تو را احاطه کنند، جانم فدای تو که پنهان گشتهای ولی از ما بیخبر نیستی، جانم فدای تو، آن جدا گشتهای که از ما جدا نیستی، و ما میگوییم: حمد و سپاس مخصوص پروردگار جهانیان است؛ و خداوند بر محمد و همه خاندان او درود فرستد.(1)

سپس دستانت را بلند کرده و میگویی: خدایا، تو برطرف کننده اندوه و گرفتاری هستی، و از دست دادن پیامبر و غیبت امام و پسر دختر پیامبرمان را به درگاه تو شکایت میکنیم؛ خدایا، به وسیله او زمین را از عدل و داد پر کن، آن گونه که از ظلم و ستم پر گشته باشد؛ خدایا، بر محمد و اهل بیت او درود فرست، و سید و صاحب و امام وسرورمان صاحب الزمان، پناهگاه اهل عصرمان، و محل نجات اهل روزگارمان، آن امام که کلامش روشن و برهانش واضح است، هدایتگر از گمراهی و نجات بخش از جهالت، را به ما نشان ده، و علوم و معارفش را آشکار، و قوانینش را تثبیت گردان، (و یارياش را عالی، و عمرش را طولانی کن، و مقامش را گسترده، و امرش را احیا کن، و نورش را ظاهر گردان، و دورياش را نزدیک گردان، و وعدهاش را جامه عمل بپوشان، و عهدش را به انجام رسان، و زمین را به طول مدت اقامتش، و پایداری ملکش، و بزرگی ارتقاء و ارتفاعش زینت گردان، و مکانهای حضور او را نورانی، و قوانینش را تثبیت کن، برهانش را عظیم، و حکومتش را طولانی کن، و مکانش را عالی، و پایههایش را قوی و نیرومند گردان، و چهرهاش را به ما بنمایان، و شادمانیاش را آشکار کن، و رتبهاش را والا گردان، و کلمهاش را بنمایان، و دعوتش را باشکوه بدار، و خواستهاش را عطا فرما، و آرزویش را ای پروردگار، برآورده ساز، و مقامش را بزرگ گردان)(2)

، تکریم او را با شکوه کن، و به وسیله او مؤمنان را عزیز و گرامی گردان، و سنتهای پیامبران را به

1- . مصباح الزائر: 217 - 219

2- . بین دو علامت، افزودهای است از نسخه خطی که در صفحه 31 به آن اشاره کردیم.

واسطه او زنده کن، و منافقان را به وسیله او خوار گردان، و ستمکاران را نابود ساز، و ظلم حسودان را دفع کن، و او را از شرّ مکر کنندگان حفظ کن، و خواست و اراده ستمگران را از او دفع گردان، و با لشگریان نشانهدار تأیید کننده او باش، و او را بر تمامی دشمنان دینت مسلّط کن، و هر ستمکار سرکش را به واسطه او در هم شکن، و با شمشیرش هر آتش برافروخته را خاموش گردان، و حکمش را در هر مکانی اجرا کن، و با قدرت و حکومتش هر قدرتی را بر پا دار، و به وسیله او بت پرستان را ریشه کن، و اهل قرآن و ایمان را با او شریف گردان، و او را بر تمامی ادیان پیروز گردان ، و هر کس را که با او دشمنی کرد سرکوب گردان، و هر کس که با او کینه توزی نمود، خوار و ذلیل گردان، و هر کس که حقش را نادیده گرفت و صدق و راستیاش را انکار کرد و امرش را بیارزش شمرد و خواستار خاموشی یادش شد و سعی در خاموش ساختن نورش نمود، را نابود ساز.

خدایا، با نورش هر تاریکی را روشن گردان، و به وسیله او هر غمی را بزدا، و ترس در دل دشمنان را پیشاپیش او بفرست، و قلب را با او آرام گردان، و پیروزی در جنگ را به وسیله او برپا کن، و او را برپا خیزنده مورد امید، و جانشین برتر، و امام منتظر، و عادل آزموده شده قرار ده، و با او زمین را از عدل و داد پر کن، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد، و او را در آنچه بر عهدهاش گذاشتی، و جانشینش قرار دادی، و طلب رعایتش را نمودی، یاری کن؛ تا احکامش بالای هر احکامی جاری گردد، و با حقش هر گمراهی هدایت یابد. خدایا او را با چشمان خودت که خواب در آنها راه ندارد، نگاه دار، و او را با رکن خودت که نابود نمیگردد، حفظ کن، و با عزتت که از بین نمیرود عزیز گردان، و مرا در شمار او و جزء مددکارانش، و از یاران و یاوران وپایههایش، و شیعیان و پیروانش، قرار ده؛ و طعم خوشحالی او را بر من بچشان، و لباس شادیاش را بر من بپوشان، و مرا به همراه او برای بیعت و تأکید پیمانش، بین رکن و مقام، و نزد خانه محترمت حاضر گردان، و ای پروردگار، توفیق انجام طاعت او، و زیستن در خدمت او، و ماندن در دولت او، و دوری از گناه در محضرش را به من عنایت کن؛ و ای پروردگار، اگر مرا قبل از

ظهور او از دنیا بردی، پس به فضل و احسان و کرم و منت خود مرا از کسانی قرار ده که در رجعت او باز میگردد، و در حکومتش سهیم میشود، و در روزگاران او بهرهمند میگردد، و زیر سایه بیرق او آرام میگیرد، و در زمره او محشور میگردند، و چشمانش به دیدن او روشن میشود؛ به راستی تو داری فضل بزرگ، و بخشش دیرینه، و نیکی بزرگوارانه هستی. (1)

پس در مکان خود، دوازده رکعت نماز به جای آور و در آن هر چه دوست داری بخوان، و به حضرت علیه السلام هدیه کن، و در هر یک از دو رکعت، بعد از اینکه سلام نماز را دادی، تسبیحات حضرت زهراء علیها السلام را بخوان و بگو: خدایا، تو سلام هستی، و سلام از تو است، و درود و سلام به تو بر میگردد؛ خدایا، ما را با سلامی از جانب خودت زنده بدار؛ خدایا، این رکعتها هدیهای از طرف من به ولیّ و پسر ولیّات، و پسر اولیائت، امام پسر امامان، و جانشین شایسته، حضرت حجت صاحب الزمان، است؛ پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و این هدیه را به او برسان، و بهترین آرزویم را به من عطا فرما، و امید من به تو و به فرستادهات میباشد، درودهای تو بر او و بر همه خاندان او باد.

هنگامی که از خواندن نماز فارغ شدی، این دعا را بخوان که مشهور است و در زمان غیبت حضرت قائم علیه السلام خوانده میشود؛ و آن دعا این است: خدایا، خودت را به من بشناسان، که اگر تو خودت را به من نشناسانی، فرستادهات را نخواهم شناخت؛ خدایا، فرستادهات را به من بشناسان، که اگر فرستادهات را به من نشناسانی، حجتت را نخواهم شناخت؛ خدایا، حجتت را به من بشناسان، که اگر حجتت را به من نشناسانی، از دین خود گمراه میگردم؛ خدایا، مرا به مرگ جاهلیت نمیران، و قلبم را بعد از اینکه هدایت کردی، منحرف نگردان.

خدایا، همان طور که مرا به ولایت کسانی از عهدهداران امر تو بعد از فرستادهات که فرمانبرداری ایشان را بر من واجب ساختی، هدایت نمودی، تا اینکه ولایت امیرالمؤمنین علی فرزند ابیطالب و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و

1- . مصباح الزائر: 218 - 220

موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت قائم مهدی - که درودهای تو بر همه آنان باد، - پذیرفتم؛

خدایا، پس مرا بر دین خودت استوار گردان، و در طاعتت بگمار، و قلبم را برای ولیّ امرت نرم گردان؛ مرا از آنچه آفریدگانت را با آن آزمودی، معاف دار؛ و مرا بر اطاعت از ولیّ امرت ثابت قدم گردان، همان کسی که از آفریدگانت پوشاندهای، و او به اذن تو از آفریدگان غایب گشت، و فرمان تو را انتظار میکشد؛ و تو دانای بدون یاد گرفتن به زمان سامان کار ولیّات، در اجازه دادن به او برای آشکار نمودن امر خود، و پرده برداشتن از رازش، هستی؛ پس مرا بر آن شکیبا ساز، تا زود رسیدن آنچه را که دیر انداختهای، و دیر رسیدن آنچه را که زود قرار دادهای، و برملا ساختن آنچه پوشاندهای، و جستجوی آنچه کتمان ساختهای، را دوست نداشته باشم؛ و با تو در تدبیرت منازعه نکنم، و نگویم چرا و چگونه، و نگویم ولیّ امرت را چه شده است که ظهور نمیکند، با اینکه زمین از ستم پر گشته است؛ و - بلکه - من همه امورم را به تو واگذار کنم.

خدایا، از تو میخواهم ظهور ولیّ امرت را در حالی که امرش نافذ باشد، به من نشان دهی، و بدانم که حکومت واقعی، و قدرت و برهان، و حجت و خواست، و توان و نیرو تنها از آنِ تو است؛ پس آن را در مورد من و تمام مؤمنان به انجام رسان، تا به ولیّ امرت که درود خداوند بر او باد، نظاره کنیم، در حالی که گفتارش واضح، دلایلش روشن، هدایت کننده از گمراهی، شفا دهنده از نادانی، باشد؛ و محلهای حضور او را ای پروردگار، آشکار گردان و پایه هایش را تثبیت کن، و ما را از کسانی قرار ده که چشمانشان به دیدنش روشن میگردد، و ما را به خدمت کردن به او برپا دار، و بر آیینش بمیران، و در زمره او محشور فرما.

خدایا، او را از شر تمامی آنچه خلق کردی و آفریدی و ایجاد کردی و پرورش دادی و تصویر نمودی، حفظ کن، و او را از پیش رو و از پشت سرش، و از سمت راست و چپش حفظ کن، با آن محافظتی که هر کس را با آن حفظ نمایی، تباه نگردد، و حرمت رسول و جانشین رسولت را، که بر او و خاندانش درود باد، به وسیله حفظ او رعایت فرما، و عمرش را طولانی گردان، و بر زمانش بیفزا، و او را

بر آنچه گماشتی و طلب رعایتش را نمودی، یاری کن، و بزرگواری خودت را به او بیشتر کن؛ به راستی او امام هدایتگر و هدایت یافته، و برپا خاسته هدایت یافته، و پاک پرهیزکار، بیآلایش و پاک، و خشنود و مورد پسند، و شکیبا و بسیار سپاسگذار و سختکوش است.

خدایا، یقین را به خاطر طول غیبت آن حضرت و قطع شدن اخبار او، از ما نگیر، و یاد و انتظار و ایمان به او و قوّت یقین در ظهورش، و دعای برای او، و درود بر او را از یاد ما نبر، تا غیبتش ما را از قیامش ناامید نگرداند، و باورمان به آن مانند باورمان به قیام رسولت، که درود تو بر او و بر خاندان او باد، و به آنچه از وحی و قرآن آورده است، باشد؛ و دلهایمان را بر ایمان به او قوی گردان، تا ما در طریق هدایت و حجت بزرگ، و راه میانه، به دست او رهسپار گردانی، و ما را بر اطاعت از او قوی گردان، و بر همراهیاش ثابت قدم دار، و ما را در گروه و یاری کنندگان و دوستان و خشنودان از کارش قرار ده، و آن را در زندگی و هنگام مرگمان از ما مگیر، تا ما را در حالی که نه شک کننده باشیم و نه عهد شکن و نه تردید کننده و نه تکذیب کننده، از دنیا ببری.

خدایا، فرج او را زودتر برسان، و او را با یاری خودت مورد تأیید قرار ده، و یاورانش را یاوری، و خوار کنندگانش را خوار ساز، هر کس را که با او دشمنی کند و او را تکذیب نماید، هلاک گردان؛ و حق را با او ظاهر ساز، و ستم را محو گردان، و به وسیله او بندگان مؤمن خود را از خوار شدن نجات ده، و سرزمینهایت را زنده گردان، و ستمگران و کفار را بکش، و سرهای گمراهی را با او بشکن، و ستمگران و کفار را با او ذلیل گردان، و منافقان و عهد شکنان و تمامی مخالفان و کافران را در کرانههای شرق و غرب و خشکی و دشت و کوههای زمین، هلاک گردان؛ تا سرزمینی احدی از آنان را فرو نگذاری، و آثاری را برای آنها بر جای ننهی؛ خدایا، سرزمینهایت را از وجود آنها پاک گردان، و سینههای بندگانت را از آنها شفا بخش، و به وسیله او آنچه از دینت نابود گشته است را زنده گردان، و آنچه از احکامت تغییر یافته و از سنتت دگرگون گشته است را اصلاح گردان، تا دینت به او و به دستان او تر و تازه و جدید و صحیح شود وو هیچ انحراف و بدعتی با آن به وجود

نیاید، تا با عدالت او آتشهای کافران را خاموش گردانی؛ او بندهای است که برای خودت برگزیدهای، و برای همراهی دینت به او راضی گشته، و با دانش خود، او را انتخاب نمودهای، و از گناهان نگاه داشته، و از کاستیها برکنار ساختهای، (و بر عالم غیب آشنایش نمودهای،) و بر او نعمت بخشیده، و از پلیدی پاک نموده، و از آلودگی وارسته گرداندهای.

خدایا، بر او و بر پدران او، که امامان پاک هستند، و بر شیعیان برگزیدهاش، درود فرست؛ و آنها را به روزهایی که آرزویش را دارند برسان، و این زیارت را از طرف ما، وارسته از هر شک و شبهه و ریا و دو رویی، قرار ده؛ تا به واسطه آن جز تو را نخواهیم، و جز روی تو را طلب نکنیم.

خدایا، ما از نبود پیامبرمان و غیبت اماممان و سختی روزگار بر ما و وقوع فتنهها علیه ما، و همدستی دشمنان، و زیاد بودن دشمنان و کمی تعداد خودمان، به درگاه تو شکایت میکنیم؛ خدایا، پس آنها را با فتحی از جانب خودت که زودتر برسانی، و یاری از سوی خودت که با شکوه گردانی، و امام دادگری که آشکار نمایی، از ما برطرف ساز؛ ای خدای حق، بپذیر.

خدایا، از تو میخواهیم به ولیّات اذن دهی عدالت تو را در بین بندگانت آشکار سازد، و دشمنانت را در سرزمینهایت به قتل رساند، تا برای ظلم و ستم پایه و اساسی نماند، جز آنکه شکسته باشی، و باقیماندهای نماند، جز آنکه نابود کرده باشی، و قدرتی نماند جز اینکه سست و ضعیف نموده، و رکنی نماند، جز اینکه ویران ساخته باشی، و لبه شمشیری نماند، جز اینکه کند ساخته، و سلاحی نماند جز اینکه خوار کرده باشی، و پرچمی نماند جز اینکه واژگونش نموده باشی، و انسان شجاعی نماند جز اینکه به قتل رسانده باشی، و لشگری نماند جز اینکه رسوا ساخته باشی؛ پروردگارا، آنها را به سنگ محکم، و شمشیر برّنده و خشم خود که از قوم گنهکارن برنمیگردانی، نابود ساز؛ و دشمنان خود و دشمنان ولیّات و دشمنان پیامبرت - که درودهای تو بر او و بر خاندان او باد، - را با دستان ولیّات و بندگان مؤمن خود عذاب کن.

خدایا، ولیّ و حجتت در زمین را در برابر وحشت دشمنان، و کینه کسانی که قصد او را نمودهاند، بسنده باش؛ و با هر کس که درباره او نیرنگ میکند، مکر بنما؛ و پیشامد بد را برای کسانی که قصد بدی رساندن به او را دارند، قرار ده؛ و ریشهشان را از او قطع کن، و ترس و وحشت از او را در دلهایشان بینداز، و گامهایشان را بلغزان، و به مرگ ناگهانی دچارشان کن، و عذاب خود را برای آنها شدید کن، و در بین بندگانت رسواشان ساز، و در سرزمینهایت بر آنها لعنت فرست، و در قعر آتش دوزخ ساکن گردان، و شدیدترین عذاب را برای آنها فرو فرست، و در آتش بیفکن، و قبرهای مردگانشان را از آتش پر کن، و داغترین آتش را به آنها برسان، که آنها نماز را تباه ساختند، و دنباله رو شهوتهایشان گشتند، و بندگانت را گمراه ساختند، و سرزمینهایت را ویران نمودند.

خدایا، به واسطه ولیّات قرآن را زنده بدار، و نورش را تا همیشه که هیچ شب و تاریکی در آن نباشد، به ما بنمایان؛ و به وسیله او دلهای مرده را زنده کن، و سینههای دردمند را شفا بخش، و به وسیله او خواستههای مختلف را به سوی حق گرد آور، و حدود به تعطیلی کشانده شده و احکام مهمل واقع شده را به وسیله او برپا دار، تا اینکه هیچ حقی نماند جز آنکه ظاهر گردد، و عدالتی نماند جز آنکه روشن شود؛ و ما را ای پروردگار، از یاران او، و قوی کنندگان حکومت او، و فرمانبرداران امر او، و خشنود شوندگان از کار او، و تسلیم شدگان در برابر احکام او، و از کسانی که نیازی به تقیّه از آفریدگانت نداشته باشد، قرار ده.

و تو ای پروردگار، کسی هستی که سختی را برطرف میکنی، و به درمانده آن هنگام که تو را فرا بخواند پاسخ میدهی، و از گرفتاری بزرگ نجات میبخشی؛ پس سختی را از ولیّات برطرف کن، و همان گونه که برای او وعده دادهای، او را جانشین در زمین قرار ده.

خدایا، مرا از بدخواهان خاندان محمد علیهم السلام قرار مده، و مرا از دشمنان خاندان محمد علیهم السلام قرار مده، و مرا از کینه و خشم گیرندگان نسبت به محمد و خاندان محمد علیهم السلام قرار مده، که من از آن به تو پناه میبرم، پس مرا پناه ده، و از تو امان میخواهم، پس مرا در امان خود گیر؛ خدایا، بر محمد و

خاندان محمد درود فرست، و به خاطر آنان مرا نزد خودت از رستگاران در دنیا و آخرت، و از نزدیکییافتگان قرار ده؛ بپذیر، ای پروردگار جهانیان.(1)

زیارت دیگری برای حضرت علیه السلام وجود دارد که به ندبه معروف است و آن از ناحیه پاک حضرت علیه السلام به ابو جعفر محمد پسر عبدالله حمیری رسیده و او دستور داده است که در سرداب مقدّس خوانده شود؛ که این است:

به نام خداوند بخشنده مهربان؛ نه خود در امر او فکر میکنند و نه از اولیای او میپذیرند، این حکمتی رسا است، ولی کسانی را که ایمان نمیآورند، بیم دادن سودی نمیرساند؛ سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا، سلام بر آل یاسین، آن همان فضلیت روشن است، و خداوند برای کسی که او را به راه راست هدایت میکند، دارای فضلیت بزرگ است؛ ای آل یاسین، خداوند خلافتش، و دانش محل جریان امرش در آنچه قضا و مقدّر نموده و حتمی ساخته است، و در ملکوت خود آن را اراده نموده است را به شما واگذار نموده است، و پرده را برای شما کنار زده است، و شما ذخیرهها و گواهان و دانشمندان و امانتداران و رهبران بندگان و بزرگان شهرها و برپا دارندگان احکام و درهای ایمان و از نسل پیامبران و برگزیده فرستادگان و خانواده انسان برگزیده پروردگار جهانیان هستید، و خداوند بخششهای نیکو را برای شما مقدّر نمود، و آن را نافذ و حتمی و همراه همیشگی شما قرار داد، و ما از خود چیزی نداریم، جز اینکه شما وسیله آن و راه دستیابی به آن هستید، خیر خواهی خداوند به دوستان شما همان نعمت الهی است و انتقام او از دشمنانتان، همان خشم و کیفر است؛ از این رو هیچ نجات و پناهی، و هیچ راه گریزی جز شما ای چشمان نظارهگر خداوند، و دارندگان معرفت او، و جایگاههای توحیدش در زمین و آسمان، وجود ندارد؛ و تو ای سرور من و ای حجت و باقی گذاشته شده خداوند، کمال نعمت خدا، و وارث پیامبران و جانشینان او هستی؛ همان کسی که در روزگار خویش ایشان را (به عنوان خلیفه خداوند) درک کرده ایم و شما صاحب رجعتی هستی که طبق وعده پروردگار ما محقق است همان رجعتی که دولت حق در آن

1- . مصباح الزائر: 220 - 223

تشکیل میشود و فرج ما در آن است و یاری پروردگار و عزت ما در آن متحقق میشود.

سلام بر تو ای پرچمِ بلندِ افراشته، و ای دانشِ ریزان، و ای فریادرس و رحمتِ گسترده، و این وعده ای غیر قابل دروغ پنداشتن است؛ سلام بر تو ای صاحب بینایی و شنوایی، همان کسی که میثاقهایش به چشم خدا است، و عهدهایش در دست خدا، و فرمانروایاش به قدرت خدا است؛ تو آن حکیمی هستی که خشم او را به شتاب، و بخشندهای که محافظه کاری او را به بخل وا نمیدارد، و دانشمندی که تعصب او را نادان نمیگرداند، مجاهدت تو در راه خدا دقیقاً همان خواست خدا است، و مبارزه تو در راه خدا دقیقاً همان انتقام گرفتن او است، و شکیبایی تو در راه خدا دقیقاً همان بردباری خدا است، و سپاسگزاری تو برای خداوند دقیقاً همان فزونی دادن و رحمت خدا است.

سلام بر تو ای کسی که به وسیله خداوند محافظت شدهای، همان کسی که خداوند نور و روشنایی روبرو و پشت سر و طرف راست و طرف چپ و بالا و پایین او است؛ سلام بر تو ای کسی که نور گوش و دیدهاش در قدرت خداوند ذخیره شده است؛ سلام بر تو ای وعده خدا که خود آن را تعهّد کرده است؛ سلام بر تو ای میثاق خداوند که بر آن پیمان گرفته و استوارش ساخته است؛ سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خدا و استوار کننده دین او؛ سلام بر تو ای جانشین خدا و یاری کننده حق او؛ سلام بر تو ای حجّت خدا و دلیل اراده او، سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده آن، سلام بر تو در تمام لحظه های شب و ساعت های روز، سلام بر تو ای باقی نهاده خدا در زمین، سلام بر تو آنگاه که می ایستی، و آنگاه که می نشینی، سلام بر تو آنگاه که - قرآن را - می خوانی و تبیین می کنی، سلام بر تو آنگاه که نماز می گزاری و قنوت می خوانی، سلام بر تو آنگاه که رکوع و سجود می آوری، سلام بر تو هنگامی که استعاذه میخوانی و تسبیح میگویی، سلام بر تو آنگاه که «لا اله الا الله» و «الله اکبر» می گویی، سلام بر تو آنگاه که - خدا را - می ستایی و آمرزش می خواهی، سلام بر تو آنگاه که که خدا را ستوده و مدح میکنی، سلام بر تو آن هنگام که شب میکنی، و آن هنگام شب را به صبح میرسانی.

سلام بر تو در شب آنگاه که - تاریکی اش گیتی را - فرو پوشد، و در روز آنگاه که روشنایی اش آشکار گردد، سلام بر تو در آخرت و در دنیا، سلام بر شما ای حجتهای خداوند، و دعوت کنندگان و هدایتگران و حامیان و رهبران و امامان و پیشوایان و سروران ما؛ سلام بر شما، شما نور ما و مایه مباهات ما در وقت نماز، و دستاویز ما برای دعا و نماز و روزه و طلب آمرزش و سایر اعمالمان هستید؛ سلام بر تو ای امامِ امان یافته، سلام بر تو ای امام آرزو شده، با همه سلامهای جامع و فراگیر بر تو سلام باد.

ای مولای من، تو را گواه می گیرم که من شهادت می دهم: خدایی جز الله نیست و او یکتای بی همتا است، و حضرت محمّد، بنده و فرستاده او است و محبوبی جز او و خاندانش نیست؛ *و امیرالمؤمنین - علی - حجّت او است، و حسن حجّت او است، و حسین حجّت او است، و علیّ فرزند حسین حجّت او است، و محمّد فرزند علی حجّت او است، و جعفر فرزند محمّد حجّت او است، و موسی فرزند جعفر حجّت او است، و علی فرزند موسی حجّت او است، و محمّد فرزند علی حجّت او است، و علی فرزند محمّد حجّت او است، و حسن فرزند علی حجّت او است، و شهادت می دهم که تو حجّت خدا هستی، و پیامبران، دعوت کننده و مایه هدایت و کمال یافتن شما هستند، اول و آخر و پایان آن، شما هستید؛ و گواهی میدهم که بازگشت شما - به این دنیا قبل از قیامت - راست است و هیچ تردیدی در آن نیست، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی بخشد. و گواهی می دهم که مرگ راست است، و آمدن دو فرشته پرسشگر - در گور - راست است، و از نو زنده شدن راست است، و برانگیخته شدن راست است، و - پل - صراط راست است، و در کمین گاه بودن خدا راست است، و ترازوی اعمال راست است، و رستاخیز راست است، و حسابرسی کردارها راست است، و بهشت و دوزخ راست است، پاداش به آن دو حق است، و نوید و هشدار به آن دو راست است، و اینکه شما برای شفاعت شایسته هستید، که نه باز میگردانده میشوید و نه کسی از شما پیشی میگیرد، و شما به خواست و فرمان خدا عمل میکنید، و برای خداوند رحمت و کلمه والا است، و خوبی و حجت پر

نعمت خداوند به دست اوست، او آدمیان و پریان را آفرید تا او را عبادت کنند، و از بندگانش، عبادتش را خواست، پس عدهای بدبخت و عدهای سعادتمند هستند، کسی که با شما مخالفت کند بدبخت است، و کسی که از شما فرمانبرداری نماید، خوشبخت و سعادتمند است.

و تو ای مولای من، بر آن چه تو را بر آن شاهد گرفتم گواه باش، تو آن را نزد خود نگاه میداری و آن را برای من حفظ میکنی، و من بر آن گواه میمیرم و بر آن محشور میشوم و با این گواهی (در مقابل خداوند) خواهم ایستاد در حالی که دوستدار شما و بیزار از دشمن شما هستم و دشمن میدارم کسی را که از شما نفرت دارد و محبت دارم به کسی که شما او را دوست دارید. حق همان است که شما آن را پسندیده باشید، و باطل همان که شما از آن ناخشنود شوید، تنها آنچه شما فرمان داده اید، شایسته است، و آنچه نهی فرموده اید، ناپسند است، و قضا و قدر حتمی آن است که خواست شما به آن اختصاص یافته است، و هر آنچه که سنت شما به آن اختصاص نیافته است، نابود شدنی است.

پس هیچ خدایی جز الله نیست، او یگانه است و هیچ شریکی ندارد، محمد، بنده و فرستاده او است، علی امیر مؤمنان و حجّت او است، و حسن حجّت او است، و حسین حجّت او است، و علیّ حجّت او است، و محمّد حجّت او است، و جعفر حجّت او است، و موسی حجّت او است، و علیّ حجّت او است، و محمّد حجّت او است، و علی حجّت او است، و حسن حجّت او است، و شهادت می دهم که تو حجّت خدا هستی، و شما حجتها و برهانهای خداوند هستید؛ ای مولای من، از بیعتی که خداوند از من گرفته است، که آن همان مبارزه در راه خدا است که با آن جانهای مؤمنان را خریده است، شادمان هستم؛ پس دل من به خداوند یکتای بیهمتا و به فرستاده او، و به امیر المؤمنین، و به شما ای مولای من، از نخستین تا واپسین شما ایمان دارد؛ و یاری من همواره برای شما آماده، و دوستی من برای شما از روی اخلاص است؛ و بیزاریام از دشمنان شما، یعنی اهل خشم و جدال، ثابت و همیشگی است، برای خونخواهی شما من دوستدار تنها هستم، و خداوند معبود راستین، مرا برای آن بگمارد، خدایا اجابت کن، خدایا اجابت کن، من در آنچه در آن

به تو نزدیک گشتم و متوسل شدم، جز تو چه کسی را دارم؟ تو مرا محافظت میکنی از آنچه به واسطهاش به تو تقرّب جستم، ای پناه و آبرو و برکت خداوند، مرا بی نیاز گردان و به خودت نزدیک کن، مرا دریاب، و به خودت متصل گردان و از خودت جدا مکن.

خدایا، توسّل و تقرّب من به تو به واسطه آنها است؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا به آنان متصل گردان، و از آنان جدا مکن، به واسطه حجت خودت مرا حفظ کن؛ درود و سلام تو بر آل یاسین باد؛ مولای من، تو مایه مباهات نزد خداوند، که پروردگار تو و پروردگار من است، هستی؛ که به راستی او ستوده گرامی است. خدایا، به نامت که او را از آن آفریدی و در تو مستقر گشت، و او هرگز از تو به چیز دیگری بیرون نمیرود، ای ایجاد شدن، ای ایجاد کننده، ای والا مرتبه، ای پاک و منزّه گشته، ای مهربانی کننده، ای دلسوز، از تو میخواهم همان گونه که او را لطیف آفریدی، بر محمد پیامبر رحمت تو، و کلمه نور تو، و پدر هدایتگران به رحمت تو است، درود فرستی؛ و قلبم را با نور یقین، و سینهام را با نور ایمان، و اندیشهام را با نور ثبات، و ارادهام را با نور توفیق، و هوشیاریام را با نور دانش، و نیرویم را با نور عمل، و زبانم را با نور راستی، و دینم را با نور بصیرت از جانب خودت، و دیدهام را با نور روشنایی، و گوشم را با نور شنیدن حکمت، و دوستیام را با نور دوستی با محمد و خاندان محمد علیهم السلام، و جانم را با نور بیزاری از دشمنان محمد و دشمنان خاندان محمد پر کن، تا در حالی تو را دیدار کنم که به عهد و میثاق خود وفا کرده باشم؛ و ای سرپرست و ای ستوده، رحمتت مرا در بر گیرد. دعایم در منظر دید آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و تو ای حجت خدا دعایم را میشنوی پس تو سبب های اجابت دعایم را فراهم کن، تا به آن چنگ آویزم؛ شنوایی و خشنودی من همراه تو، همراه تو، همراه تو است، ای بزرگوار.(1)

میگویم: نویسنده کتاب المزار الکبیر گفته است:

1- . مصباح الزائر: 223 - 225

شیخ فقیه، ابو محمد عربی پسر مسافر در منزل خود در شهر حلّه، در ماه ربیع الأول سال 573 برای ما نقل کرد؛ و شیخ ابو البقاء هبه لله پسر نماء پسر علی پسر حمدون، برایم نقل کرد، و این هر دو گفتهاند: شیخ امین حسین پسر احمد پسر محمد پسر علی پسر طحال بغدادی - که رحمت خداوند بر او باد، - در زیارتگاه سرورمان امیرالمؤمنین علی فرزند ابیطالب - که درودهای خداوند بر او باد، - برای ما نقل کرد و گفت: شیخ مفید ابو علی حسن پسر محمد طوسی - که خداوند از او خشنود باد، - در زیارتگاه پیش گفته، به نقل از پدرش ابی جعفر طوسی -که خداوند از او خشنود باد، - از محمد پسر اسماعیل، از محمد پسر اشناس پارچهفروش، از محمد پسر احمد پسر یحیی قمی، از محمد پسر علی پسر زنجویه قمی، از محمد پسر عبدالله پسر جعفر حمیری برای ما نقل کرد.

وی گفت: ابو علی حسن پسر اشناس برای ما گفت و همچنین به ما خبر داد ابو المفضّل محمد پسر عبیدالله شیبانی به ما خبر داد که اباجعفر محمد پسر عبدالله پسر جعفر حمیری به او خبر داده و نقل تمام آنچه را که روایت کرده است، اجازه داده است؛ مبنی بر اینکه روزی از ناحیه مقدّسه - که خداوند آن را ایمن نگاه دارد، - نوشته ای به سوی او بیرون آمد، و بعد از جواب دادن به سوالات و درود فرستادن (به محمد و آل محمد) و توجه (به ایشان)، در آن نوشته آمده بود: به نام خداوند بخشنده مهربان؛ نه خود در امر او فکر میکنند و نه از اولیای او میپذیرند، این حکمتی رسا است، ولی کسانی را که ایمان نمیآورند، بیم دادن سودی نمیرساند؛ سلام بر ما و بر بندگان شایسته خدا؛ هرگاه خواستید به واسطه ما به سوی خدا و ما روی آورید، آن گونه که خدای متعال فرموده است، بگویید: سلام بر آل یاسین، آن همان فضلیت روشن است، و خداوند برای کسی که او را به راه راست خود هدایت میکند، دارای فضلیت بزرگ است.

توجه: ای آل یاسین، به یقین، خداوند خلافت و محل جریان امر خود را به شما واگذار نموده است.

میگویم: و دعا را تا آخر آنچه گذشت ادامه داد. نویسنده المزار الکبیر - که رحمت خداوند بر او باد، - سپس گفته است: این ذکری است برای توجه به سوی

حضرت حجت، صاحب الزمان علیه السلام در زیارت ایشان که بعد از دوازده رکعت نماز است.(1)

احمد پسر ابراهیم گفت: به ابوجعفر محمد پسر عثمان از اشتیاقم برای دیدن مولایمان علیه السلام شکایت کردم و او به من گفت: آیا با وجود شور و اشتیاق، خواستار دیدن او - نیز - هستی؟ گفتم: بله؛ گفت: خداوند به شور و اشتیاق تو پاداش نیک دهد و چهره او را در آسانی و عافیت به تو نمایان سازد، ای ابا عبدالله، اصرار مکن که او را ببینی؛ چون روزهای غیبت نیز (مانند تو) مشتاق آن حضرت هستند و بودن در کنارش را طلب نکن؛ چون غیبت از ارادههای بزرگ خدا است، و تسلیم در برابر خواست خدا شایستهتر میباشد؛ اما با زیارت به سوی او روی آور؛ اما همان گونه عمل کنید که محمد پسر علی عمل میکرد و حضرت به او املاء کرده بود؛ از متنی که پیش او وجود دارد، نسخهبرداری کنید و آن، توجه به سوی صاحب الزمان با زیارت، بعد از نماز دوازده رکعتی است که دو رکعت دو رکعت به جای میآوری و در همه آنها که دو رکعتی هستند، «قل هو الله أحد» را میخوانی، و سپس بر محمد و خاندان او درود میفرستی و کلام خداوند بزرگ را میگویی که فرموده است: سلام بر آل یاسین، آن همان فضیلت روشن از جانب خدا است، و خداوند صاحب فضیلت بزرگ است، و امام او کسی است که او را به راه مستقیم هدایت میکند؛ ای آل یاسین، همانا خداوند خلافتش را بر عهده شما نهاد؛ - که ما در زیارت بیان کردیم؛ - و خداوند بر پیشوایمان حضرت محمد و خاندان پاک او درود فرستد.(2)

میگویم: شاید با عبارت: «ما در زیارت بیان کردیم»،

اشاره به این دارد که بعد از آن، زیارت ندبه را آن گونه که بیان شد، بخواند؛ و از این روایت روشن گشت که نماز قبل از زیارت، و دوازده رکعت است.

سپس سید - که رحمت خداوند بر او باد، - گفته است: زیارت دیگری نیز برای حضرت علیه السلام وجود دارد که دو رکعت نماز میخوانی و بعد از آن میگویی: سلام و درود کامل و تام، فراگیر و جامع خداوند، و درودها و برکتهای

1- . المزار الكبير: 188
2- . المزار الكبير: 194

همیشگی او بر حجت و ولیّ خدا در زمین و شهرهایش، و جانشین او در میان آفریدگان و بندگانش، نسل نبوّت، و باقیمانده عترت و برگزیدگان از جانب خدا، صاحب الزمان، آشکار کننده ایمان، و بیان کننده احکام قرآن، پاک گرداننده زمین، و گستراننده عدالت در طول و عرض آن، و حجت برپا خیزنده، مهدی، امام منتظر خشنود از خدا، پاک و فرزند امامان معصوم باد. سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران، و امانتدار حکمتهای جانشینان، سلام بر تو ای دستاویز دین، سلام بر تو ای عزت بخش مؤمنان به ضعف کشانده شده، سلام بر تو ای خوار کننده کافران سرکش.

سلام بر تو ای مولای من صاحب الزمان، ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیرالمؤمنین، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا، سرور زنان عالم، سلام بر تو ای پسر امامان که حجت بر تمامی آفریدگان هستند، سلام بر تو ای مولای من، سلام کسی که در ولایت به تو اخلاص دارد، گواهی میدهم که تو در گفتار و کردار امام هدایت یافته هستی، و تو کسی هستی که زمین را از عدل و داد پر میکنی، خداوند فرج تو را زودتر برساند، و بیرون آمدن تو را آسان گرداند، و زمان تو را نزدیک نماید، و یاران و همراهانت را زیاد گرداند، و وعدهات را به انجام رساند، که او صادقترین گویندگان است - که فرموده است: - «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، منّت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.» ای مولای من، حاجتم چنین و چنان است، پس در نزد پروردگارت برای برآورده شدن آن وساطت کن. بعد از آن به دلخواه دعا کن و برگرد، و تا بیرون آمدن از در، صورت خود را برنگردان.(1)

میگویم: سند این زیارت در باب «رقاع الحوائج» خواهد آمد و در آن آمده است که در رکعت اول بعد از حمد، سوره «إنا فتحنا» و در رکعت دوم سوره «إذا جاء نصر الله» میخوانی.

1- . مصباح الزائر: 225 - 226

زیارت دیگری برای آن حضرت علیه السلام وجود دارد؛ از آنجا که ذکر طلب اجازه ورود در ابتدای زیارت حضرت، بیان شد، پس در هر زیارتی به تکرار آن نیاز نیست؛ بنابراین، وقتی بعد از اجازه گرفتن وارد شدی، بگو: سلام بر تو ای خلیفه خدا در زمین، و خلیفه فرستاده او و پدرانش، امامان معصوم هدایتگر، سلام بر تو ای حافظ اسرار پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای وارث دانش فرستاده شدگان، سلام بر تو ای باقی نهاده خداوند از برگزیدگان ارجمندش، سلام بر تو ای فرزند نورهای درخشان، سلام بر تو ای فرزند سایههای تابناک، سلام بر تو ای فرزند تصویرهای نورانی و پاک، سلام بر تو ای وارث گنج دانشهای خداوندی، سلام بر تو ای حافظ اسرار پنهان ربانی، سلام بر تو ای کسی که انوار عظمت برای او فروتن گشت، سلام بر تو ای باب خدا که جز از آن به سوی خدا نمیتوان رفت، سلام بر تو ای راه خدا که هر کس در غیر آن قدم گذارد نابود میگردد، سلام بر تو ای حجاب ازلی دیرینه خداوند، سلام بر تو ای فرزند درخت طوبی و سدره المنتهی، سلام بر تو ای نور خداوند که خاموش نمیگردد، سلام بر تو ای حجت خداوند که پنهان نمیگردد، سلام بر تو ای زبان گویای الهی، سلام بر تو ای وجه خداوند که در بین بندگانش در رفت و آمد هستی، سلام کسی که تو را با آنچه خود را به او شناساندی شناخت، و تو را به برخی از ویژگیهایت که تو شایسته و بالاتر از آن هستی، توصیف کرد.

گواهی میدهم که تو حجتی برای گذشتگان و آیندگان هستی، و تنها گروه تو پیروز هستند، و تنها دوستداران تو رستگار هستند، و تنها دشمنان تو زیانکار هستند، و تو دارنده تمام دانشها، و شکافنده هر پیوسته، و محقق کننده هر حق، و باطل گرداننده هر باطل، و پیشی جستهای که به او نتوان رسید، هستی؛ ای مولای من، به امامت و هدایت و ولایت و ارشاد تو راضی و خشنود گشتم، و جایگزینی به جای تو نمیطلبم، و غیر از تو ولیّ و سرپرستی نمیگیرم، و تو تنها حقیقت پایدار هستی که هیچ شکی در آن نیست؛ من به خاطر طولانی شدن دوره غیبت تو شک و تردید ندارم، و به خاطر طولانی بودن آن متحیّر و سرگردان نمیشوم، و وعده خداوند برای تو حق است، و یاری او برای دینش به وسیله تو راست است، خوشا به حال آن

کسانی که به ولایت تو سعادتمند گشتند، و وای برآنهایی که با انکار کردن تو بدبخت شدند، و تو تنها شفاعت کننده اطاعت شده هستی که مورد دفاع قرار نمیگیرد، و خداوند سبحان تو را برای یاری دین خود، و عزتمند ساختن مؤمنان، و انتقام گرفتن از کافران، ذخیره و نگهداری کرده است؛ اعمال و کارها بر ولایتت موقوف است، و گفتهها با پذیرفتن امامت تو معتبر است، هر کس ولایت تو را قبول کند و به امامت تو اقرار کند، اعمالش مورد قبول واقع میگردد، و گفتههایش مورد تصدیق است، و خوبیها برای او چند برابر میگردند، و بدیهای او محو و نابود میگردند، و هر کس از معرفت تو روی گرداند، و کسی دیگر را جایگزین تو کند، خداوند او را به صورت بر آتش دوزخ میافکند، و هیچ عملی را از او قبول نمیکند، و برای اعمال او در روز قیامت ارزشی نهاده نمیشود.

ای مولای من، گواهی میدهم که ظاهر گفتارم مانند باطنش، و پنهانش مانند آشکارش است، و تو بر من نسبت به آن گواه هستی، و آن عهدی است که با تو بستهام، و میثاق بسته شده من نزد تو است، چرا که تو نظام دین، و عزت یکتا پرستان، و رهبر و پیشوای پرهیزکاران هستی، و پروردگار جهانیان درباره تو مرا به آن امر فرموده است.

پس اگر روزگاران طولانی گردد، و دورانها به درازا کشد، جز یقین من به تو، و دوستیام نسبت به تو، و اعتماد و اطمینانم بر تو، و انتظار ظهورت، و مراقبت (از حریم تو به وسیله) جانم و مالم و تمامی آنچه پروردگارم به من بخشیده است، افزون نگردد؛ و اگر روزهای درخشانت، و پرچمهای آشکارت، و دولت مقتدرت را دریابم، پس من بندهای از بندگانت، و اقرار کننده به حق تو، و عمل کننده به اوامر و نواهی تو هستم، من با اطاعت و فرمانبرداری از تو آرزوی شهادت پیش روی تو میکنم، و با ولایت تو آرزوی سعادت و خوشبختی ای که نزد توست را دارم، و اگر قبل از ظهورت مرگم فرا رسد، به واسطه تو به خداوند سبحان متوسل میشوم، تا بر محمد و خاندان محمد درود فرستد، و برای من بازگشت در ظهورت، و رجعت در ایام تو قرار دهد، تا با طاعتت به مرادم برسم، و دلم را از دشمنانت خنک گردانم؛ ای مولای من، من در زیارتم از تو، به مانند ایستادن خطاکاران، و آمرزش خواهان و

پشیمانان ایستاده و میگویم: من بد کردم، و به خودم ستم روا داشتم؛ و ای مولای من، به شفاعت تو اعتماد و اطمینان دارم، و تو تکیهگاه و مورد اطمینان من، و وسیلهام به سوی پروردگار هستی؛ مرا همین بس که تو ولیّ و سرور و شفاعت کننده من باشی، و حمد و سپاس مخصوص خدایی است که مرا به ولایت تو هدایت نمود، و اگر خداوند مرا هدایت نمیکرد هدایت نمیشدم، با ستایشی که اقتضای ثبات نعمت را دارد، و شکری که موجبات افزونی از روی فضلش است؛ سلام بر تو ای مولای من، و بر پدران تو، آن سروران و امامان هدایت یافته، و رحمت خداوند و برکتهای او بر تو باد؛ و سلام و درود شما بر من باد.

سپس نماز زیارت به جای آور که نحوه آن در زیارت نخست گفته شد و وقتی از آن فارغ گشتی، بگو: خدایا، بر محمد و اهل بیت او، آن هدایتگران هدایت یافته، دانشمندان صادق، جانشینان پسندیده، ستونهای دین، و اساس یکتا پرستی، بازگو کنندگان وحی، و حجتهای تو بر آفریدگان، و جانشینان تو در سرزمینهایت، درود فرست؛ آنها کسانی هستند که برای خودت انتخاب نموده، و بر بندگانت برگزیدهای، و برای دین خود پسندیدهای، و به معرفت خود مخصوص گرداندهای، و با بزرگواری خود، گرامیشان داشتهای، و از حکمتت بهرهمند ساختهای، و رحمتت را بر آنها گسترانیده، و با نعمتت زینتشان بخشیدهای، و از نورت بر آنها جامه پوشانده، و در ملکوت خود والا مرتبه گرداندهای، و با فرشتگانت گرداگرد آنها را گرفتهای، و به واسطه پیامبرت به آنها شرافت بخشیدهای.

خدایا، بر محمد و بر آنان درود فرست؛ درودی آراسته و فزاینده، و زیاد و پاکیزه و همیشگی، که جز تو کسی بر آن احاطه نداشته باشد، و جز علم تو آن را فرا نگیرد، و هیچ کس غیر از تو توان شمارش آن را نداشته باشد؛ خدایا، بر ولیّ خودت که سنت تو را زنده ساخت، و به امر تو قیام کرد، و دعوت کننده به سوی تو، و راهنمای بر توست، و حجت تو بر آفریدگان، و جانشین تو در زمین، و گواه تو بر بندگان است، درود فرست.

خدایا، یاری او را باشکوه، و عمر او را طولانی کن، و زمین را به وسیله ماندن طولانی او زینت بخش؛ خدایا، او را از ستم حسودان نگاه دار، و از شرّ

فریبکاران ایمنی بخش، و خواست و اراده ستمگران را از او دور گردان، و او را از دست ظالمان رهایی بخش؛ خدایا، در نسل او، و شیعیان و پیروان او، و نزدیکان و مردم عامی طرفدار او، و از تمام مردمان دنیا، چیزی به او عطا فرما که به واسطه آن، چشمانش روشن، و وجودش شادمان گردد؛ و او را به بهترین آرزویش در دنیا و آخرت برسان، که به راستی تو بر هر چیز توانا هستی. سپس به آنچه دوست داری، دعا کن.(1)

زیارت پسندیده دیگری نیز وجود دارد که حضرت علیه السلام با آن زیارت میشود؛ به این ترتیب که میگویی: سلام بر آن حق تازه و جدید، و آن دانشمند که دانشش کهنه نگردد، سلام بر زنده کننده مؤمنان و نابود کننده کافران، سلام بر مهدی همه امتها، و جامع تمام کلمات، سلام بر یادگار گذشتگان، و صاحب شرف، سلام بر حجت خدای معبود، و کلمه ستوده، سلام بر عزیز کننده دوستداران حق، و خوار کننده دشمنان او، سلام بر وارث پیامبران و آخرین جانشینان، سلام بر حضرت قائم منتظر، و آن عدالت مشهور، سلام بر شمشیر از نیام کشیده، و ماه تابان و نور درخشان، سلام بر خورشید تاریکی و ماه شب چهارده، سلام بر بهار مردمان، و شادمانی و خرّمی روزگار و دوران، سلام بر صاحب شمشیر برّان و شکافنده سرها، سلام بر صاحب دین و آئین مقرّر، و کتاب نگاشته شده، سلام بر نماینده خدا در شهرهایش، و حجت او بر بندگانش، آنکه میراث پیامبران به او رسید، و آثار برگزیدگان نزد او موجود است، آن امین بر راز و سرپرست کار، سلام بر مهدی که خدای عز و جل به آمدنش ملتها را وعده کرده است، تا به وسیله او گفتهها را گرد آورد، پراکندگی را برطرف کند، و به دست او زمین را از عدل و داد پر کند، و موقعیتش را محکم و پابرجا نماید، و با آمدنش به وعدهای که به مؤمنان داده است وفا کند، گواهی میدهم ای مولای من، که تو و پدران پیشوای تو در زندگی دنیا، و در آن روزی که گواهان بپا خیزند، امامان و سروران من هستید؛ از تو میخواهم ای مولای من، از خدای تبارک و تعالی اصلاح کارم و برآوردن حاجاتم، و آمرزش

1- . مصباح الزائر: 226 - 228

گناهانم، و دستگیریات از من در دین و دنیا و آخرت را برای من، و برای تمامی برادران و خواهران با ایمانم درخواست کنی؛ به راستی که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

سپس نماز زیارت را به نحوی که پیش از این ذکر نمودیم به جای آور و وقتی از نماز فارغ شدی، بگو:

خدایا، بر حجت خود در روی زمین، و جانشین خود در شهرهایت، و دعوت کننده به راه تو، و قیام کننده به عدل تو، و کامیاب به فرمان تو، سرپرست مؤمنان، و نابود کننده کافران، و برطرف کننده تاریکی، و روشنی بخش حق، و گویای به حکمت و پند نیکو و راستی، و کلمه تو، و گنجینه تو و دیده تو در روی زمین، آن خویشتندار ترسان، و دوستدار خیرخواه، کشتی نجات و پرچم هدایت، و نور دیدگان مردم، و بهترین کسی که پیراهن و قبای - خلافت - بر تن کند، و تنها رها شده، و گشاینده گرفتاری، و زداینده اندوه، و برطرف کننده گرفتاری، درود فرست؛ درودهای خداوند بر او و بر پدران او، امامان راهنما، و رهبران خجسته، تا آنگاه که اختران سحرگاه سر زنند، و درختان برگ دهند، و میوهها برسند، و شب و روز گردش کنند، و پرندگان نغمه سرایی نمایند، باد؛ خدایا، ما را به دوستیاش سود رسان، و در گروه او و در زیر پرچمش محشور فرما؛ ای خدای حق، بپذیر، ای پروردگار جهانیان.

(درود فرستادن بر آن حضرت، که خداوند بر او درود فرستد.): خدایا، بر محمد و اهل بیت او درود فرست؛ و بر ولیّ و جانشین و وارث امام حسن عسکری علیهما السلام، و برپا خیزنده به فرمان تو، و غائب در میان آفریدگان، و منتظر به اذن توست، درود فرست.

خدایا، بر او درود فرست، و دوری او را نزدیک ساز، و وعده او را به انجام رسان، و به عهدش وفا کن، و از قدرت او حجاب را بر طرف نما، و با ظهور او دفترهای رنج و محنت را پدیدار ساز، و پیش از ظهور او ترس در دل دشمنان بینداز و قلب ها را به وسیله او ثابت کن و جنگ و جهاد را به ظهورش برانگیز، و او را با سپاهی از فرشتگان نشاندار مورد تأیید قرار ده، و او را بر همه دشمنان دینت مسلط

و غالب ساز، و به او الهام کن که از آن دشمنان دین هیچ رکنی نگذارد، جز آنکه ویران سازد، و هیچ سری در آنها نباشد جز اینکه آن را قطع گرداند، و هیچ مکر و کیدی نکنند جز آنکه شر آنها را به خودشان باز گرداند، و هر فاسق و گناهکاری را حد زند، و هر فرعون گردنکشی را هلاک سازد، و هر پرده را بدرد، و هر پرچم کفر و باطل را سرنگون سازد، و هیچ حکومت و سلطنتی نگذارد جز آنکه در تصرف آورد، و هر سرنیزه و قدرتی را در هم بشکند، و هر سبب جور و بیداد را پاره سازد، و هر سپاهی را پراکنده و شکست خورده گرداند، و منبری مگذارد جز آنکه همه را بسوزاند، و هر شمشیری را بشکند، و هر بت را خرد سازد، و خون همه بریزد، و جور و ستم را نابود گرداند، و هر سنگر و حصن محکم را ویران کند، و هر درگاه فتنه و فساد را ببندد، و به کلی مسدود گرداند، و هیچ کاخ مگذارد جز آنکه همه را خراب و ویران سازد، و هیچ مسکن و منزل نباشد جز آنکه تفتیش کند، و هر زمین هموار زیر پا آورد، و بر هر کوه بالا رود، و هر گنج و خزینه پنهان در زمین را بیرون آورد، به خاطر رحمت خودت، ای مهربانترین مهربانان.(1)

زیارت دیگری وجود دارد که مولایمان صاحب امر علیه السلام با آن زیارت میشود: وقتی قبر امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام را زیارت نمودی، به سرداب برو و میان دو در بایست و درها را با دست خود بگیر، مانند کسی که رخصت داخل شدن میطلبد؛ سپس «بسم الله الرحمن الرحیم» بگو و با حضور قلب و تأنی پایین برو، و دو رکعت نماز در عرصه سرداب به جای آور و بگو:

خدا بزرگتر است؛ خدا بزرگتر است؛ هیچ خدایی جز الله نیست، و خدا بزرگتر است، و ستایش مخصوص خدا است، ستایش مخصوص خدا است که ما را هدایت فرمود، و دوستان و دشمنان خود را به ما شناساند، و ما را به زیارت امامان و پیشوایان دینمان موفق گرداند، و ما را دشمن بدخواه آنها قرار نداد، و نیز از کسانی که در حق آن امامان زیاده روی کردند، و امر عالم وجود را واگذار شده به آنها دانستند، و از شک کنندگان و کوتاهی کنندگان، قرار نداد؛ و سلام بر ولیّ خدا و

1- . مصباح الزائر: 228 - 229

فرزند اولیای او؛ سلام بر آن کسی که خدا او را برای عزت و بزرگواری دوستانش، و ذلیل و نابود کردن دشمنانش ذخیره گردانید؛ سلام بر آن نوری که اهل کفر خواستند آن را خاموش کنند، اما خدا ابا کرد و امتناع فرمود، مگر آن که آن نور خود را به حد کمال رساند، با آنکه کافران مخالف آن بودند، و خدا او را با عمر طولانی یاری کرد، تا آنکه به دست آن امام به رغم دشمنان دین حق را آشکار سازد؛ ای امام عصر، گواهی میدهم که خدا تو را از کودکی برگزید، و دانشهایش را در بزرگسالی در تو به حد کمال رساند، و تو تا زمانی که جبت و طاغوت را از بین ببری، زنده خواهی بود.

خدایا، بر او و بر خدمتگزاران و یاوران او، در حال غیبت و دوری آن حضرت، درود فرست؛ و او را در پرده عزت مستور بدار؛ و برای او جایگاه محفوظی مقرّر گردان؛ و خشم خود را ای پروردگار، بر دشمنان او شدید نما؛ و دوستان و زیارت کنندگان او را محفوظ بدار. خدایا، همچنان که قلب مرا با یاد او زنده داشتی، همان طور شمشیر و سلاح مرا برای یاری آن حضرت از نیام بیرون آور؛ و چنانچه مرگ حتمی که به رغم دوست نداشتن همه بندگان، مقدّر گردانیدی، میان من و دیدار او جدائی انداخت، پس مرا در زمان ظهور آن حضرت از قبر برانگیز، تا کفن را ازار کنم، و در آن صفی که تو در کتاب آسمانیات اهل آن را ستوده و فرمودهای: «کأنهم بنیان مرصوص» {گویی بنایی ریخته شده از سُرب اند.}، در رکاب آن حضرت جهاد کنم.

خدایا، انتظار طولانی گشت، و مردمان فاسق بر ما شماتت و سرزنش کردند، و بر ما یاری کردن یکدیگر مشکل گردید؛ خدایا صورت مبارک ولیّ خود را هم در حال حیات و هم پس از مرگ به ما بنما؛ خدایا، من به رجعت در پیشاپیش صاحب این بقعه ایمان دارم؛ به فریادم برس؛ به فریادم برس؛ به فریادم برس؛ ای صاحب الزمان، من در راه وصال تو از همه دوستان بریدم، و از وطن خود برای زیارت تو هجرت کردم، و کارم را از اهل شهر و دیارها پنهان داشتم، تا مرا نزد پروردگار من و تو، و نزد پدران خود و سرورانم، در توفیق نیکو بر من، و فرو ریختن نعمت بر من، و فرستادن نیکی به سوی من، شفاعت کنی.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد، که اهل حق و پیشوای آفریدگان هستند، درود فرست؛ و دعاهای مرا مستجاب فرما، و آنچه از مصالح دین و دنیایم را که در دعایم بر زبان نیاوردم، به من عطا فرما؛ که همانا تو بسیار ستوده و گرامی هستی؛ و خداوند بر محمد و خاندان پاک او درود فرستد.

سپس داخل صفّه شو و دو رکعت نماز به جای آور و بگو: خدایا، بنده تو برای زیارت به درگاه ولیّ تو ایستاده است، آن ولیّ تو که طاعتش را بر همه بندگان، از بنده و آزاد، واجب کردی، و دوستانت را به واسطه او از آتش دوزخ نجات دادی؛ خدایا، تو این زیارت را مقبول درگاهت گردان، و دعای مستجابی در این زیارت قرار ده، از طرف کسی که بی هیچ شک تصدیق به امامت و حقانیّت ولیّات کرده است؛ خدایا، این زیارت را آخرین بار من از او و از زیارت او قرار مده، و پای مرا هرگز از محل حضور او، و از زیارت پدر و جد او قطع مکن؛ خدایا، هزینهای را که در این راه کردم، برایم جایگزین نما؛ و با این زیارت که نصیبم کردی، در دنیا و آخرت، به من و برادران و پدر و مادر و تمام خاندانم سود رسان؛ ای امامی که اهل ایمان به نعمت وجود تو رستگار میشوند، و کافران و دروغ گویان به دست تو هلاک میگردند، تو را به خدا میسپارم.

ای مولای من، ای فرزند امام حسن عسکری، من به زیارت تو و پدر و جد تو آمدم، و یقین دارم که رستگاری ما به وجود شما است، و معتقدم که شما پیشوای امت هستید؛ خدایا، این شهادت و زیارت مرا برایم نزد خود در دفتر علیین خویش ثبت فرما، و مرا به رتبه نیکان نایل ساز، و مرا به دوستی آنان سود رسان، ای پروردگار جهانیان.(1)

میگویم: محمد پسر مشهدی در کتاب المزار الکبیر، مثل این زیارت را به صورت جداگانه آورده است.(2)

سید پسر طاووس - که خداوند از او خشنود باد، - سپس گفته است: یکی از اصحاب ما نقل کرده است: محمد پسر علی پسر ابی قرّه گفت: من دعای ندبه را که

1- . مصباح الزائر: 229 - 230
2- . المزار الکبیر: 216 - 217

دعای صاحب الزمان علیه السلام است، از کتاب محمد پسر حسین پسر سفیان بزوفری - که خداوند از او راضی باد، - نقل کردم، و مستحب است که در عیدهای چهارگانه، خوانده شود؛ و آن دعا، این است:

ستایش و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، و خداوند بر سیّد و پیشوای ما محمد، پیامبر خود و بر خاندان او درود و سلام کامل فرستد؛ خدایا، به خاظر قضای حتمی که درباره اولیائت جاری کردی، ستایش از آن تو است؛ همان کسانی که وجودشان را برای خودت و دینت خالص گردانیدی، زمانی که بزرگترین نعمت جاودانه را که پیش تو وجود دارد، و نه از بین میرود، و نه تباه میگردد، برای آنان برگزیدی؛ بعد از آنکه زهد در مقامات این دنیای پست و لذتها و زیورهای آن را بر آنها شرط فرمودی، و آنها نیز به خاطر تو بر این شرط متعهد شدند، و تو دانستی که آنان به عهد خود وفا خواهند کرد، پس آنان را پذیرفتی و مقرّب درگاه خود ساختی، و ذکر والا، و ثنای آشکار را بر آنها از پیش عطا کردی، و فرشتگانت را بر آنها فرو فرستاده، و با وحی خودت آنها را کرامت، و با دانش خودت بهرهمندی بخشیدی، و آنها را واسطه و وسیله رسیدن به تو، و وارد شدن به رضوان و بهشت خودت قرار دادی.

از این رو، بعضی از آنها را در بهشت منزل دادی، تا هنگامی که او را از بهشت بیرون کردی؛ و برخی را در کشتی نشانده، و به همراه کسانی که ایمان آورده و در کشتی با او در آمده بودند، همه را از هلاکت، به رحمت خود نجات دادی؛ بعضی را به مقام دوستی خود برگزیدی، و زبان راستین - و یاد نیکو - در میان امتهای پسین را از تو درخواست کرد، و تو او را اجابت نمودی، و آن را والا مقام گرداندی؛ بعضی را از درخت طور با وی سخن گفته، و برادرش را وزیر و معاون وی گردانیدی؛ بعضی را بدون پدر آفریدی، و به او معجزات عطا فرموده، او را به روح قدس الهی م-ؤیّ-د داشتی؛ و همه آن پیامبران را شریعت و طریقه و آیینی عطا کردی، و برای آنان وصی و جانشینی، که یکی بعد از دیگری نگهبان آیین و شریعت، از مدّتی تا مدّت معین باشد، قرار دادی؛ تا آنکه دین تو برپا شود، و حجت بر بندگان تو باشد، و حق از قرارگاه خود خارج نشود، باطل بر اهل حق چیره نشود، و

تا کسی نگوید: «- پروردگارا، - چرا پیامبری بیم دهنده به سوی ما نفرستادی، و نشانهای هدایتگر برای ما برپا نداشتی، تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم، از آیات تو پیروی کنیم؟»

تا آنکه امر رسالت به حبیب گرامیات محمّد صلی اللَّه علیه و آله ختم کردی، و او چنانکه تو او را به رسالت برگزیدی، پیشوای هرآفریدهای بود، و برگزیده پیامبرانی که به رسالت انتخاب فرمودی، و برتر از هر کس که برگزیده توست، و گرامیتر از تمام پیامبرانی که معتمد تو بودند، به این جهت او را بر همه فرستادگانت مقدّم داشتی، و بر تمام بندگانت از جن و انس مبعوث گردانیدی، و شرق و غرب عالم را زیر پای او گستردی، و براق را مسخّر او فرمودی، و روح پاک وی را به سوی آسمان خود به معراج بردی، و علم گذشته و آینده، تا پایان آفرینش را به او به سپردی؛ آنگاه او را با وسیله رعب و ترس دشمن از او، بر دشمنان یاری رساندی، و جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان نشاندار را گرداگرد او فرستادی، و به او وعده فرمودی دینش را بر تمام ادیان عالم چیره گردانی، هرچند مشرکان را خوش نیاید؛ و این پس از آن بود که او را با فتح و دستیابی به خانه کعبه، مکان صدق اهل بیت، باز گردانیدی؛ و برای او و اهل بیتش، آن خانه مکه را نخستین خانه برای عبادت بندگان، و بابرکت و وسیله هدایت جهانیان مقرّر فرمودی؛ در آن خانه، نشانههای آشکار از جمله مقام ابراهیم وجود دارد، و هر کس در آن داخل شود، در ایمنی خواهد بود؛ و فرمودی: «خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.»

سپس در کتاب خود، پاداش محمد - که درودهای تو بر او و خاندانش باد، - را دوستی آنان مقرّر کردی و فرمودی: «بگو: به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.» و فرمودی: «بگو: بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی کنم، جز اینکه هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش [در پیش] گیرد.» و اینان همان راه به سوی تو، و مسیر دستیابی به رضوان تو هستند.

و هنگامی که دوران عمر پیغمبرت سپری گشت، جانشین او علی فرزند ابیطالب - که درودهای خداوند بر آن دو و بر خاندان آنان باد، - به هدایت امت به پا خاست؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله بیم دهنده بود و برای هر قومی، هدایتگری هست. پس - رسول خدا - در حالی که امّت همه در پیش او بودند، فرمود: هر کس که من پیشوای او بودم، پس از من، علی پیشوای او خواهد بود؛ خدایا، هر کسی را که او را دوست بدارد، دوست بدار؛ و هر کسی را که او را دشمن بدارد، دشمن بدار؛ و هر کسی که او را یاری کند، یاری نما؛ و هر کسی که او را خوار سازد، خوار فرما. و فرمود: هر کس من پیامبر او بودم، پس علی امیر و فرماندار اوست؛ و فرمود: من و علی هر دو از یک درخت هستیم و سایرین از درختهای مختلف هستند؛ و او را در جایگاهی مانند جایگاه هارون نسبت به موسی نشاند و فرمود: تو نسبت به من، مانند هارون نسبت به موسی است، جز اینکه پس از من پیغمبری نیست. و دختر خود را بانوی تمام زنان عالم است، به ازدواج علی درآورد؛ و در مسجد خود، جایگاهی ویژه برای او قرار داد و تمام درهای منازل اصحاب را - که به مسجد رسول خدا باز بود، - به غیر از در خانه علی، بست؛ سپس اسرار علم و حکمتش را به او سپرد و فرمود: من شهر علم هستم و علی دَرِ آن است، هر کس بخواهد در این شهر وارد شود، باید از درگاهش وارد گردد؛ آنگاه فرمود: تو برادر و جانشین و وارث من هستی؛ گوشت تو از گوشت من، و خون تو از خون من است؛ آشتی تو آشتی من، و جنگ تو جنگ من است؛ و ایمان چنان با گوشت و خون تو آمیخته شده است که با گوشت و خون من آمیخته شده است؛ تو فردا جانشین من بر حوض کوثر خواهی بود، و پس از من، تو دِین مرا ادا میکنی؛ و وعدههایم را به انجام میرسانی؛ شیعیان تو در قیامت بر کرسیهایی از نور با روی سفید در بهشت، اطراف من قرار خواهند گرفت، و آنها همسایگان من خواهند بود؛ و اگر تو نبودی ای علی، مؤمنان بعد از من شناخته نمیشدند.

و علی بعد از رسول خدا، وسیله تشخیص هدایت از گمراهی، و نور از نابینایی، و ریسمان محکم خداوند، و راه مستقیم او بود؛ هیچ کس به خویشاوندی با رسول خدا، بر او سبقت نیافته، و در اسلام و ایمان بر او سبقت نگرفته است؛ و نه

کسی در مناقب و اوصافِ کمال به او خواهد رسید؛ پا جای چای پیامبر - که خداوند بر آن دو و خاندان آنان درود فرستد، - میگذاشت؛ و مطابق حقیقت قرآن جنگ میکرد؛ و در راه رضای خدا سرزنش بدگویان را به خود نمیگرفت؛ و در راه خدا، خونهای گردنکشان عرب را به خاک ریخت، و شجاعان و پهلوانانشان را به قتل رساند، و گرگهایشان را در هم شکست؛ در نتیجه در دلهایشان کینههای بدر و حنین و خیبر و غیره را به یادگار گذاشت؛ و در اثر آن کینه پنهانی، بر دشمنی او قیام کردند؛ و به مبارزه و جنگ با او هجوم آوردند؛ تا آنکه ناگزیر با عهدشکنان و ستمکاران و خارج شدگان از دین به نبرد برخاست.

و چون نوبت اجل او فرا رسید، بدبختترین فرد از پسینیان، به پیروی از بدبختترین فرد از پیشینیان او را به قتل رساند؛ در نتیجه فرمان رسول خدا صلی اللّه علیه و آله، درباره هدایتگران بعد از هدایتگران، عملی نشد؛ و امت بر نافرمانی و دشمنی او پافشاری کردند، و بر نابود کردن خویشان پیامبر، و دور کردن فرزندان او همصدا شدند؛ جز اندکی از مؤمنان که به پیمان خود در رعایت حقّ آنان وفا نمودند؛ تا آنکه عدهای از آنان کشته، و عدهای اسیر، و عدهای آواره شدند؛ و قضا در مورد آنها به چیزی که امید پایان نیک از آن میرفت، جریان پیدا کرد؛ و البته ملک زمین از آن خدا است، و هر کدام از بندگانش که او بخواهد، آن را به ارث میبرد، و عاقبت نیک، از آنِ اهل تقوی است؛ و پروردگار ما منزه است، چرا که وعده او قطعی و انجام یافتنی است، و و خداوند هرگز خلف وعده نخواهد کرد، و او شکست ناپذیر و حکیم است.

پس بر پاکان اهل بیت پیامبر و علی - که خداوند بر آن دو و خاندان آنان درود فرستد، - گریه کنندگان باید بگریند، و بر همانان، ندبه کنندگان باید ندبه کنند، و برای امثال آنان، اشکها باید از دیدگان ببارند، و ناله کنندگان باید ناله کنند، و شیون کنندگان باید شیون از دل برکشند، که کجاست امام حسن؟ کجاست امام حسین؟ کجا هستند فرزندان امام حسین؟ که هر یک، انسان نیک بعد از دیگری، و راستگوی بعد از راستگو بودند، کجا هستند آنان که راه بعد از راه بودند؟ کجا هستند برگزیدگان بعد از برگزیدگان؟ کجا هستند خورشیدهای تابان؟ کجا هستند

ماههای فروزان؟ کجا هستند ستارگان درخشان؟ کجا هستند راهنمایان دین، و پایههای دانش؟

کجاست حضرت بقیه اللّه، که خاندان هدایت هرگز از وجود او خالی نیست؟ کجاست آن آماده شده برای برکندن ریشه ستمگران؟ کجاست آن مورد امید برای از بین بردن اختلاف و کج رفتاری؟ کجاست ذخیره شده برای زنده کردن واجبات و مستحبات؟ کجاست برگزیده برای برگردانیدن ملّت و شریعت؟ کجاست آرزو شده برای زنده کردن قرآن و احکام آن؟ کجاست زنده کننده نشانههای دین و دینداران؟ کجاست در هم شکننده شوکت ستمکاران و تجاوز کنندگان؟ کجاست ویران کننده بنیانهای شرک و نفاق؟ کجاست نابود کننده اهل گناه و نافرمانی و سرکشی؟ کجاست برچیننده ریشه گمراهی و دشمنی؟ کجاست بر هم کوبنده آثار باطل و هواهای نفسانی؟ کجاست قطع کننده ریسمانهای دروغ و افترا؟ کجاست نابود کننده زورگویان سرکش؟ کجاست بیچاره کننده مردمان بیدین و کینهتوز و گمراه؟ کجاست عزیزکننده دوستان و خوار کننده دشمنان؟ کجاست گردآورنده مردم بر محور پرهیزکاری؟ کجاست باب الهی که از آن وارد میشوند؟ کجاست وجه الهی که دوستان به سوی آن روی آوردند؟ کجاست آن وسیله پیوند بین زمین و آسمان؟ کجاست صاحب روز فتح و برافرازنده پرچم هدایت؟ کجاست به وجود آورنده سامان و راستی و خشنودی؟ کجاست دادخواهی کننده ستمهای روا داشته شده بر پیامبران؟ کجاست خونخواه واقعه کربلا؟ کجاست یاری شده در برابر کسی که به او ستم کرده و افترا زده است؟ کجاست درماندهای که هرگاه دعا کند، اجابت میشود؟ کجاست برترین آفریدگان و صاحب نیکی و تقوی؟

کجاست فرزند پیغمبر، مصطفی؟ و فرزند علی مرتضی؟ و فرزند خدیجه شیر زن؟ و فرزند فاطمه زهرا، بزرگترین زنان عالم؟ پدر و مادرم و خودم فدای نگهداری و حمایت تو باد؛ ای فرزند بزرگان مقرّب خدا، ای فرزند برگزیدگان بزرگوار، ای فرزند هدایتگران هدایت یافته، ای فرزند بهترین انسانهای پاکباخته، ای فرزند مهتران شرافتمند، ای فرزند نیکوترین انسانهای پاک، ای فرزند گرامیترِ مهتران، ای فرزند ماههای تابان، و چراغهای فروزان، و ستارگان درخشان، ای فرزند راههای

روشن خدا، ای فرزند نشانهای آشکار، ای فرزند دانشهای کامل الهی، ای فرزند سنتهای معروف، ای فرزند نشانههای سفارش شده، ای فرزند معجزههای موجود، ای فرزند راهنمایان آشکار، ای فرزند راه راست، ای فرزند خبر بزرگ، ای فرزند کسی که یاد او در امّ الکتاب نزد خداوند حکیم، والا است.

ای فرزند آیهها و نشانهها، ای فرزند ادلّه روشن؛ ای فرزند برهانهای آشکار، ای فرزند حجّتهای رسا، ای فرزند نعمتهای فراگیر، ای فرزند طه و آیههای محکم قرآن، و ای فرزند یاسین و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات، ای فرزند کسی که خداوند در بارهاش فرمود: «دنی فتدلّی فکانَ قابَ قَوسین أو أدنی» {نزدیک آمد و نزدیکتر شد تا [فاصله اش] به قدرِ [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد.} تا اینکه به نزدیکترین مکان نسبت به خداوند والا مرتبه رسید.

کاش میدانستم دلها کی به ظهور تو آرام خواهند شد؟ بلکه در کدام سرزمین و خاک اقامت داری؟ آیا در رضوی، یا در غیر آن، یا در سرزمین طوی هستی؟ بر من بسیار سخت است که آفریدگان را ببینم ولی تو دیده نشوی، و هیچ صدایی حتی آهسته هم از تو نشنوم؛ بر من بسیار سخت است که بلاها تو را و نه مرا، احاطه کنند؛ و از سوی من هیچ ناله و شکایتی به تو نرسد.

جانم فدای تو، که پنهان گشتهای ولی از ما بیخبر نیستی؛ جانم فدای تو، که از ما جدا گشتهای ولی جدا نیستی؛ جانم فدای تو، همان آرزوی قلبی و مورد اشتیاق، که هر مرد و زنِ باایمان او را یاد کند و از روی شوق او ناله زند؛ جانم فدای تو، آن عزّتمند همیشگی که همطرازی ندارد؛ جانم فدای تو، آن رکن اصیل ارجمندی که همقطاری ندارد؛ جانم فدای تو، آن نعمتهای خاص خداوند که مثل و مانند نخواهد داشت؛ جانم فدای تو، از آن خاندان شرف هستی که هیچ کس نمیتواند با شما برابری کند.

تا کی در - انتظار - تو سرگردان باشم، ای سرور من؛ تا به کی؟ و با چگونه خطابی درباره تو توصیف کنم؛ و چگونه راز دل گویم؟ بر من سخت است که پاسخ، از غیر تو یابم؛ بر من سخت است که بر تو بگریم و مردم تو را واگذارند؛ بر من

سخت است که - بپذیرم - آنچه اتفاق افتاده است، تنها در مورد تو و نه آنان، جریان یابد.

آیا یاوری هست تا با یاری او ناله و فغان و گریه را طولانی نمایم؟ آیا زاری کنندهای هست تا زاری او را هنگام تنها شدن یاور باشم؟ آیا چشمی میگرید تا چشم من هم گریه او را یاری نماید؟ آیا به سوی تو راهی هست ای فرزند احمد، تا دیدار شوی؟ آیا روز ما به فردایی میرسد که - به دیدار جمالت - بهرهمند شویم؟ کی میشود بر جویبارهای گوارایت درآییم و سیراب شویم؟ کی میشود از چشمه آب زلال تو سودمند گردیم که عطش، طولانی گشت؟ کی میشود با تو صبح و شام کنیم، تا چشم ما از آن روشن شود؟ کی میشود تو ما را و ما تو را ببینیم، در حالی که پرچم نصرت و پیروزی برافراشته باشی؟ آیا ما را خواهی دید که به گرد تو حلقه زده باشیم و تو به پیشوایی از طرف مردمان، تمام روی زمین را پر از عدل و داد کرده باشی؟ و دشمنانت را کیفر خواری و عقاب بچشانی، و سرکشان و منکران حق را نابود کرده باشی، و ریشه متکبّران را بریده، و پایههای ستمکاران را از بیخ برکنی، تا ما - با خاطر شاد - به «الحمد لله ربّ العالمین» لب برگشاییم؟

ای خدا تو برطرف کننده غمها و گرفتاریها هستی، و من از تو داد میخواهم که دادخواهی پیش توست، و تو پروردگار دنیا و آخرت هستی؛ باری به داد ما برس، ای فریادرس فریاد خواهان، بنده ضعیف و بلا دیده خود را - دریاب، - و سیّد او را به او بنمایان، ای خداوند بسیار مقتدر و توانا؛ و به واسطه آن، غم و اندوه و سوز دل را از او برطرف کن؛ و حرارت قلب او را فرو نشان، ای خدایی که بر عرش، استقرار یافتهای؛ و بازگشت و سرانجام به سوی توست.

خدایا، و ما بندگان تو، مشتاق ولیّ تو هستیم، که او یادآور تو و رسول توست؛ او را برای ما مایه عصمت و نگهداری و پناهگاه آفریدهای؛ و او را برای استواری و حفظ ما برانگیختهای؛ و برای اهل ایمان از ما، امام و پیشوا قرار دادهای؛ پس از طرف ما به او سلام و تحیّت برسان، و به این وسیله بر بزرگواری بر ما ای پروردگار، بیفزا، و قرارگاه او را قرارگاه و آرام بخش ما قرار ده، و به واسطه

پیشوایی او بر ما نعمت را تمام گردان، تا ما را در بهشتهای تو، و همنشینی با شهیدان از وارستگان تو داخل سازد.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ و بر محمد، جدّ او و فرستاده تو، سیّد بزرگتر، و بر پدرش - علی - سیّد کوچکتر، و بر جدّ مادریاش صدیقه کبری، فاطمه دختر محمد، و بر پدران نیکوکار او که تو برگزیدی، درود فرست؛ و بهترین و کاملترین و تمامترین و جاودانهترین و بزرگترین و فراوانترین درودی که بر هر یک از برگزیدگان و نیکان آفریدگانت فرستادی، بر او بفرست؛ و بر او چنان درودی بفرست که نه پایانی برای شمارش آن باشد، و نه نهایتی برای گستردگی آن، و نه تمام شدنی برای زمان آن؛ خدایا، و حق را به وسیله او برپا دار؛ و باطل را به وسیله او نابود ساز؛ و دوستدارانت را به وسیله او راهنمایی کن؛ و دشمنانت را به وسیله او خوار گردان؛ و بین ما و او ای خدا، پیوندی برقرار ساز که به همراهی ما با پیشینیان او بیانجامد، و ما را از کسانی قرار ده که به دامان آنان چنگ زده، و در سایه آنان زیست میکند؛ و ما را بر ادای حقوق او به وی، و کوشش در فرمانبرداری او، و دوری از نافرمانیاش، یاری فرما؛ و با خشنود ساختن او، بر ما منّت گذار؛ و دلسوزی و مهربانی و دعا و خوبی او را، که به واسطه آن به رحمت گسترده، و رستگاری در پیش تو دست یابیم، به ما موهبت فرما؛ و نماز ما را به واسطه او پذیرفته شده، و گناهان ما را به واسطه او آمرزیده، و دعای ما را به واسطه او به اجابت رسیده قرار ده؛ و روزیهای ما را به واسطه او گسترده، و همّ و غمّ ما را بواسطه او برطرف و کفایت شده، و حاجتهای ما را به واسطه او برآورده شده قرار ده؛ و با صورت بزرگوارانهات به ما رو کن؛ و تقرّب ما به سوی خودت را بپذیر؛ و با نگاهی مهربانانه به ما نگاه کن؛ تا به واسطه آن، کرامت نزد تو را به حدّ کمال رسانیم؛ و پس از آن، از روی بخشش خود، آن را از ما نستان؛ و ما را از حوض جدّ او صلی الله علیه و آله، با کاسه و با دست او، به صورت سیراب و گوارا و با آرامش و فراوان، که بعد از آن، تشنگی نباشد، بنوشان؛ ای مهربانترین مهربانان.

سپس نماز زیارت که چگونگی خواندن آن پیشتر ذکر شد، میخوانی و به دلخواه خودت دعا میکنی که به خواست خداوند مستجاب است.(1)

میگویم: محمد پسر مشهدی در کتاب المزار الکبیر گفته است: محمد پسر علی پسر أبی قره گفت: من آن را از کتاب ابو جعفر محمد پسر حسین پسر سفیان بزوفری... نقل کردم.

میگویم: و مانند آنچه را که سید ذکر کرده، به همان صورت نقل کرده است؛ و من گمان میکنم که سید از او نقل کرده است؛ جز اینکه نماز را در آخر آن بیان نکرده است.(2)

سید پسر طاووس - که رحمت خداوند بر او باد، - سپس گفته است: ذکری که مولایمان هر روز بعد از نماز صبح با آن زیارت میشود، - این است: -

خدایا، به مولایم صاحب الزمان - که درودهای خداوند بر او باد، - از طرف همه مردان و زنان مؤمن، در کرانههای شرق و غرب زمین، و خشکیها و دریاهایش، و همواریها و کوههایش، زنده و مرده آنان، و همچنین از طرف پدر و مادرم و فرزندانم و خودم، درودها و تحیتهایی به سنگینی عرش خدا، و کشیدگی کلماتش، و نهایت خشنودی اش، و شمار آنچه کتابش برشمرده، و دانشش به آن احاطه یافته است، برسان. خدایا، در این روز و در هر روز برای آن حضرت، عهد و پیمان و بیعت، بر عهده ام تجدید می کنم.

خدایا، همچنان که مرا به این حضور، شرافت بخشیدی، و به این فضیلت برتری ام دادی، و به این نعمت، ویژهام گرداندی، پس بر مولا و سرورم صاحب الزمان درود فرست؛ و مرا از یاران و پیروان و دفاع کنندگان از او قرار ده؛ و مرا از شهادت جویان پیش رویش، از روی میل و رغبت، و نه ناراحتی و اکراه، در صفی که اهل آن را در قرآنت وصف نموده و فرموده ای: «گویی آنان بنایی محکم و

1- . مصباح الزائر: 230 - 234 .
2- . المزار الکبیر: 190 - 194

استوارند.»، در فرمانبرداری خودت و فرستادهات و خاندان او علیهم السلام قرار ده؛ خدایا، این بیعتی برای او بر عهده من تا روز قیامت است. (1)

میگویم: در یکی از کتابهای قدیم این گونه یافتم که نوشته بود: بعد از آن، دست راست خود را بر دست چپ میساید.

سید - که خداوند از او خشنود باد، - سپس گفته است: دعای عهد که امر شده است در زمان غیبت خوانده شود، این است:

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: هر کس با این دعای عهد، چهل صبح به سوی خداوند متعال دعا نماید، از یاران امام قائم ما خواهد بود؛ و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبر بیرون میآورد که در خدمت آن حضرت باشد؛ و در ازای هر کلمه، هزار نیکی به او کرامت میفرماید، و هزار گناه از او محو مینماید؛ و آن دعا، این است:

خدایا، ای پروردگار نور بزرگ، و پروردگار کرسی بلند، و پروردگار دریای جوشان، و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور، و پروردگار سایه و آفتاب سوزان، و فرو فرستنده قرآن بزرگ، و پروردگار فرشتگان مقرّب، و پیامبران و فرستادگان؛ خدایا، از تو میخواهم به ذات بزرگوارت، و به نور جمال تابانت، و فرمانروایی دیرینهات، ای زنده، ای پاینده، از تو به خاطر آن نامت که آسمانها و زمینها به وسیله آن روشن گشته، و آن نامت که پیشینیان و پسینیان به واسطه آن، شایسته گشتند، ای زنده پیش از هر زنده، و ای زنده پس از هر موجود زنده، و ای زنده در آن هنگام که هیچ زندهای وجود نداشت، ای زنده گرداننده مردگان، و ای میراننده زندگان، ای زندهای که معبودی جز تو نیست، درخواست میکنم؛ خدایا، به مولای ما، آن امام راهنمای راه یافته، و قیام کننده به فرمان تو، - که درودهای خدا بر او و پدران پاک او باد، - از طرف همه مردان و زنان با ایمان، در کرانههای شرق و غرب زمین، هموار و کوهستان آن، خشکی و دریای آن، و از طرف من و پدر و مادرم،

1- . مصباح الزائر: 234

درودهایی هموزن عرش خدا، و شماره کلمات - و نعمتهای - او، و آنچه را دانش او برشمرده، و کتابش به آن احاطه دارد، برسان.

خدایا، من در بامداد این روز و روزهایی که زندگی کنم، عهد و پیمان و بیعتی برای آن حضرت در گردنم تازه میکنم، که هرگز از آن سر نپیچم، و دست بر ندارم؛ خدایا، مرا از یاران و یاوران او، و دفاع کنندگان از او، و شتابندگان به سوی او، در برآوردن خواستههایش، و حمایت کنندگان از او، و پیشی گیرندگان به سوی خواسته او، و شهادت جویان پیش روی او قرار ده؛ خدایا، اگر میان من و او آن مرگی که بر بندگانت حتمی و قطعی قرار دادهای، فاصله انداخت، پس مرا از گور، با کفن به خود پیچیده، و شمیشر آخته، و نیزه برهنه کرده، و پاسخ گویان به ندای دعوت کننده، در شهر و بیابان، بیرون آور.

خدایا، آن چهره ارجمند، و پیشانی نورانی و پسندیده را به من بنمایان؛ و سرمه دیدارش را به یک نگاه از من به او، به دیدهام بکش؛ و در ظهورش شتاب کن، و خروجش را آسان گردان، و راهش را وسیع گردان، و مرا به راه او در آور، و دستورش را نافذ، و پشتش را محکم کن، و خدایا، به دست او شهرهایت را آباد، و بندگانترا به وسیله او زنده گردان؛ که همانا تو خود فرمودهای و فرمایش تو حق است: «به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است.» پس ای خدا، نمایندهات و فرزند دختر پیامبرت را که همنام فرستاده تو است، آشکار کن؛ تا به هیچ باطلی دست نیابد، جز آنکه از هم بدرد؛ و حق را به عنوان حق جلوهگر کرده و آن را پابرجا نماید؛ و او را ای خدا، پناهگاه بندگان ستمدیده، و یاور کسی که جز تو یاوری برایش یافت نمیشود، و تازه کننده آن احکامی از کتاب تو که تعطیل مانده است، و محکم کننده آنچه از نشانههای دین و آئین تو و دستورات پیامبرت صلی اللّه علیه و آله رسیده است، قرار ده؛ و ای خدا، او را از کسانی که از خشم زورگویان نگاه داشتهای، قرار ده.

خدایا، پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله، و هر کسی را که از دعوت او پیروی کند، به دیدار او شاد گردان؛ و به بیچارگی ما پس از ظهور او رحم آور؛ خدایا، این غم و اندوه را با ظهور او از این امت برطرف کن، و ظهور او را برای ما

زودتر برسان،که آنها ظهور او را دور میپندارند، ولی ما آن را نزدیک میدانیم؛ به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.

سپس سه مرتبه با دست به ران راست خود میزنی و در هر مرتبه میگویی: شتاب فرما ای مولای من، ای صاحب الزمان.(1)

ق: مانند این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

سید پسر طاووس - که رحمت خداوند بر او باد، - سپس گفته است: هرگاه خواستی از حرم شریف آن حضرت علیه السلام برگردی، به سوی سرداب پاک و والامرتبه برگرد و در آنجا هر چقدر بخواهی، نماز به جای آور، سپس رو به قبله بایست و بگو: خدایا، تو هر بلا را از ولیّ خود، و خلیفه خویش و حجت تو بر آفریدگانت، و زبان تو که از تو سخن میگوید، و به حکمت رسای تو گویا است، و چشم بینای تو به اجازه تو است، و گواه تو بر بندگانت، و بزرگترین رزمنده، و پناه آورده به تو، و بازگشته از پیش تو، دور گردان؛ و او را از شر همه آنچه آفریدی و ایجاد فرمودی و پدید آوردی و تصویر کردی، در پناه خود گیر؛ و او را از پیش رو و از پشت سر و از سمت راست و از سمت چپ و از بالا و از پایینش، با آن نگاه داشتن که اگر کسی را با آن نگاه داری، تباه نمیگردد، نگاه دار؛ و حرمت فرستادهات و پدران او را، که همان پیشوایان و امامان و ستونهای دین هستند، به وسیله حفظ او نگاه دار.

و او را در امانت خود که هرگز تباه نمیگردد، و در جوار خودت که هرگز به عاقبت بد دچار نمیشود، و در آن نگاه داشتن و عزّتت که هرگز مقهور نمیگردد، قرار ده؛ و او را در ایمنی محکم خود، که هر کس را در آن ایمنی دهی، خوار نشود، ایمنی ده؛ و او را در کنف حمایت خود که هر کس در آنجا باشد، از بین نرود، قرار ده؛ و او را با یاری شکوهمند خود یاری کن؛ و با سپاه چیره خویش مورد تأیید قرار ده؛ و با نیروی خودت نیرومند ساز؛ و فرشتگانت را با او همراه گردان، و دوستانش را دوست بدار؛ و دشمنانش را دشمن بدار؛ و لباس مستحکم نگاهداری

1- . مصباح الزائر: 235 - 236

خود را بر او بپوشان؛ و بر گرداگرد او فرشتگان راستین بگمار؛ خدایا، تفرقه و پریشانیهای خلق را به وجود او گرد آور، و رخنههای در دین را به وسیله او مسدود ساز؛ و با وجود او ستم را نابود، و عدالت را آشکار کن؛ و اهل زمین را با ماندن طولانی او زینت بخش؛ و با یاری خود او را مورد تأیید و کمک قرار ده؛ و با افکندن ترس در دل دشمنانش، او را یاری نما؛ و یاوران او را قوی و نیرومند، و خوار کنندگان او را خوار ساز؛ و آنان را که به دشمنی او قیام کنند، هلاک گردان؛ و کسانی که با او مکر و فریبکاری کنند، نابود ساز؛ و ستمگران اهل کفر و سردستهها و رؤسای آنها را با شمشیر او به خاک هلاکت انداز؛ و رؤسای ضلالت و گمراهی، و ایجاد کنندگان بدعت، و محو کنندگان سنتهای الهی، و تقویت کنندگان باطل را به وسیله او در هم شکن؛ و زورگویان را به وسیله او خوار گردان؛ و کافران و تمام افراد بیدین را از تمام روی زمین، مشرق و مغرب و خشکی و دریا و صحرا و کوه، ریشه کن ساز؛ به گونهای که دیگر دیاری از کافران، و اثری از آنان باقی نگذاری.

خدایا، سرزمینهای خود را به وسیله او پاک ساز؛ و (دلهای) بندگانت را از هلاک آنها شاد گردان، و اهل ایمان را به وجود او عزت بخش، و احکام فرستادگان، و احکام کهنه شده پیامبران را به واسطه او زنده ساز؛ و آنچه از دین و حکم شریعت را که ویران ساختهاند، به وجود او از نو بنیاد کن، تا آنکه به وسیله او و به دست او شریعت و آئین خود را به صورت جدید و کاملاً تازه و باطراوت و خالص و صحیح، که با آن هیچ ناراستی و بدعت نباشد، باز گردانی؛ و به این خاطر که با دادگری او، تاریکی ستم را روشن، و آتش کفر را به کلی خاموش گردانی؛ و به وسیله او محل قرار گرفتن حق، و اساس عدالت ناشناخته مانده را آشکار نمایی؛ زیرا او، آن بنده وارسته توست که کاملاً برای خود خالص گردانیده، و برای دانش غیبی خویش برگزیدهای، و او را از گناه باز داشته، و از کاستی به دور داشتهای، و از آلودگی پاک کرده، و از هر ناپاکی، سالم نگاه داشتهای.

خدایا، پس ما در روز قیامت و روز فرا رسیدن حادثه بزرگ، بر او گواهی میدهیم که او هیچ گناهی نکرده، و هیچ زشتی به بار نیاورده، و هیچ معصیت مرتکب نشده است، و هیچ طاعتی از تو را تباه نکرده، و هیچ حرمتی از تو را هتک

ننموده، و هیچ فریضهای از واجبات تو را دگرگون نساخته، و هیچ حکمی از شریعت تو را تغییر نداده است؛ و او امام هدایتگر هدایت یافته، و پاک و پرهیزکار و پاکیزه، و خشنود و پسندیده و وارسته است؛ خدایا تو به او در خصوص خودش و اهل بیتش و فرزندانش و امتش و همه رعیت هایش چیز هایی عطا کن که دیدهاش را با آن روشن، و وجودش را با آن شادمان گردانی، و فرمانروایی همه سرزمینها، چه نزدیک و چه دور، و چه شکوهمند و چه خوار را برای او گرد آوری؛ تا حکم خود را بر هر حکمی جاری گرداند، و با حق خودش بر هر باطلی چیره گردد.

خدایا، ما را به دست او به راه هدایت، و شیوه برتر، و راه میانه ببر، به طوری که پیش رونده به آن باز گردد، و در پی آینده به آن برسد؛ و ما را بر طاعت او توانا کن، و بر پیروياش ثابت قدم بدار، و با نعمت بیعت کردن با او بر ما منت گذار، و ما را از سپاه آن حضرت علیه السلام که به فرمانش کاملاً قیام کنند، و با او شکیبایی ورزند، و در یاری و مددکاری او صرف رضا و خشنودی تو را خواستارند، قرار ده؛ تا آنکه ما را در روز قیامت در صف یاران و مددکاران او و تقویت کنندگان حکومت او محشور سازی؛ و این درخواست را برای ما خالص از هرگونه شک و تردید و ریا و دورنگی قرار ده، تا آنکه به وسیله او جز بر تو اعتماد نکنیم، و به وسیله او جز دیدار تو را خواستار نباشیم؛ و برای اینکه ما را به مقام او وارد کنی، و در بهشت رضوان همراه او قرار دهی، و ما را از خستگی و بیمیلی و کسالت و سستی، در پناه خود گیر؛ و ما را از کسانی که به وسیله او دین خود را یاری میکنی، و به وسیله او یاری ولیات را شکوهمند میسازی، قرار ده؛ و ما را با کسانی غیر از ما جایگزین مگردان، که البته این جایگزین کردن ما با سایرین بر تو آسان است، اما برای ما بسیار بزرگ و گران است.

خدایا، به وسیله او هر تاریکی را نورانی گردان، و با وجود استوار او هر بدعتی را نابود ساز، و با عزتش هر گمراهی را ویران کن، و هر زورگویی را در هم شکن، و با شمشیرش هر آتش را فرو نشان، و با عدلش ظلم هر ظالمی را هلاک گردان، و حکمش را بر هر حاکمی جاری ساز، و هر فرمانروایی را با حکومت او خوار و ذلیل گردان.

خدایا، هر کس که با او ستیزه نماید خوار و ذلیل گردان، و هر کس که با او دشمنی کند هلاک کن، و با هر کس که نسبت به او نیرنگ کند، مکر نما، و هر کس که حق او را نادیده گیرد، و امر او را سبک شمارد، و سعی در خاموش ساختن نور او، و از بین بردن یادش داشته باشد، از ریشه بر کن.

خدایا، بر محمد مصطفی، و علی مرتضی، و فاطمه زهرا،(1) و حسن خشنود، و حسین پاک، و تمامی جانشینان که چراغهای ظلمت و پرچمهای هدایت و نور پرهیزکاری و دستاویز استوار و ریسمان محکم و راه راست هستند، درود فرست؛ و بر ولیّات و عهدهداران عهد تو و امامان از نسل او درود فرست؛ و به طول عمر آنها بیفزا، و زمانشان را افزون گردان، و آنها را به بزرگترین آرزویشان در دین و دنیا و آخرت برسان، که به راستی تو بر هر چیز توانا هستی.

سپس بسیار دعا کن و با سعادتمندی برگرد؛ إن شاء الله.(2)

میگویم: آنچه را که از کتاب مصباح الزائر استخراج و نقل کردیم، در اینجا به پایان رسید.

کفعمی - که رحمت داوند بر او باد، - در کتاب «مصباح» خود گفته است: یونس پسر عبدالرحمن از امام رضا علیه السلام روایت نمود که حضرت به دعا کردن برای امام زمان علیه السلام با این دعا امر میکرد: «خدایا، از ولیّ و خلیفهات... دور کن.» و این دعا را مانند آنچه بیان کردیم، تا عبارت: «و آن بر ما بسیار بزرگ و گران است.» ادامه داد.

سپس بعد از آن این زیارت را آورده است: خدایا، بر عهدهداران پیمان او و پیشوایان بعد او درود فرست، و آنان را به آرزوهایشان برسان، و بر عمرشان بیفزا، و یاری با عزت به آنها عطا فرما، و آنچه از امر دین خود به آنها مربوط فرمودی، در حقشان به حد کمال رسان، و اساس و ارکان آنها را ثبات و دوام بخش، و ما را از یاران آنها و از یاوران دین خود قرار ده، که البته آنان معدن کلمات روحانی، و گنجینه دانش، و ارکان یکتا پرستی و معرفت، و عهدهداران دین تو، و صاحب

1- . و خدیجه کبری. خ

2- . مصباح الزائر: 236 - 237

اختیاران امر شرع تو هستند، و از بندگان خاص و خالص تو، و برگزیده از آفریدگان تو، و دوستان خاص و فرزندان دوستداران خاص، و برگزیده فرزندان پیامبر تو هستند؛ و سلام بر آنان، و رحمت و برکتهای خداوند نثارشان باد.(1)

و میگویم: در نسخهای قدیمی از نوشتههای اصحاب ما، مطلبی یافتم که الفاظ آن، چنین است:

طلب اذن برای ورود بر سرداب و امامان علیهم السلام: خدایا، این بارگاهی است که مطهرش ساختهای، و مکانی است که شرافتش بخشیدی، و نشانههایی که پاکش نمودی، آن گونه که دلایل یکتا پرستی، و سایههای عرش با عظمت الهی در آن آشکار گشت، کسانی که آنها را پادشاهانی برای حفظ نظام برگزیدی، و به عنوان رئیس تمامی مردم و برای برقرار کردن عدالت از ابتدای هستی تا روز قیامت انتخابشان نمودی، آنگاه با جانشین ساختن پیامبرانت برای حفظ شریعت و احکامت بر آنها منت نهادی، پس با جانشین ساختن آنها رسالت بیم دهندگان را کامل ساختی، آن چنان که ریاستشان را در فطرت مکلّفان واجب نمودی.

پس منزهی تو، چه خدای مهربانی هستی؛ و هیچ خدایی جز تو نیست، چه فرمانروای دادگری هستی؛ آفرینش تو با آنچه که خِرَدها بر آن آفریده گشتند، همسانی دارد، و حکمت تو با آنچه امور عقلی و نقلی بر آن مقرّر گشته، مطابقت دارد، پس حمد و ستایش مخصوص توست، زیرا تقدیر نیکو و زیبا مقدّر نمودی، و شکر و سپاس بر قضای تو که با کاملترین دلایل است، مخصوص توست؛ پاک و منزّه است کسی که پیرامون کار و فعلش مورد سؤال قرار نمیگیرد، و در امرش منازعه نمیشود؛ و پاک و منزّه است کسی که رحمت را قبل از ابتدای خلقت بر خود نوشت، و حمد و سپاس مخصوص خدایی است که بر ما منت نهاد توسط حاکمانی که جانشین او در روی زمین میشوند، اگر قرار بود او در مکانی ظاهر شود، و هیچ خدایی جز الله نیست که ما را با جانشینانش که در همه زمانها از شریعت حفاظت میکنند، شرافت و بزرگی بخشید؛ و خداوند بزرگتر است که آنها را با معجزاتی بر ما نمایان ساخت، که جن و انس از آنها در عجز هستند، و هیچ قدرت و نیرویی جز با

1- . مصباح الكفعمى: 548

خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست، که ما را بر مسیر احسان های نیکویش بر امت های گذشته قرار داد.

خدایا، پس حمد و ثنای بزرگ مخصوص توست، آن گونه که بقای سرمدی برای جلوهات واجب است، و آن گونه که پیامبرمان را بهترین پیامبران، و پادشاهانمان را برترین مخلوقات قرار دادی، و آنها را با علم و دانش بر جهانیان انتخاب کردی، ما را برای شتافتن به آستانهای آبادشان توفیق ده، و ارواحمان را مشتاق قدمگاههای آنان، و جانهایمان را دوستدار مشاهده مجالس و محل رفت و آمدهای آنها بگردان؛ گویی که ما در حضورشان با آنها صحبت میکنیم.

پس خداوند بر آنها، پیشوایان غایب و پنهان، و نسل پاکان، و امامان معصوم درود فرستد.

خدایا، برای وارد شدن به این مکانها به ما اجازه ده، مکان هایی که عبادت اهل آسمان ها و زمین را در زیارت آنها قرار دادی و اشکهایمان را با خشوع و ترس از خودت جاری ساز، و اعضایمان را برای عبودیت و بندگی و واجباتت رام گردان، تا به اوصافی که برایشان واجب است اقرار کنیم، و اعتراف کنیم به اینکه آنان شفیعان آفریدگان، هنگامی که ترازوهای سنجش اعمال در روز اعراف [روز جدایی بهشتیان از جهنمیان] برپا گردد، هستند؛ و حمد و ستایش مخصوص خداوند است و سلام بر آن بندگان خداوند که او آن ها را برگزید یعنی محمد و خاندان طاهرینش.

سپس آستانه را ببوس، و با خشوع و گریان وارد شو، که آن اجازهای از سوی آنان است؛ درودهای خداوند بر همه آنان باد.

شیخ مفید و شهید(1) و نویسنده کتاب المزار الکبیر - که رحمت خداوند بر همه آنان باد، - در توصیف زیارت امام زمان علیه السلام گفتهاند: اگر از زیارت جد و پدرش فارغ گشتی، بر در حرم او بایست و بگو:

سلام بر تو ای جانشین خدا، و جانشین پدران خود که همه هدایت یافته بودند، سلام بر تو ای جانشین امامان پیشین، سلام بر تو ای نگهبان و حافظ اسرار پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای باقی مانده از بندگان خاص و برگزیده خدا، سلام

1- . مزار الشهيد: 62 - 65

بر تو ای فرزند نورهای درخشان، سلام بر تو ای فرزند مردان بزرگ و شخصیتهای بارز، سلام بر تو ای فرزند عترت پاک پیامبر، سلام بر تو ای معدن دانشهای پیامبری، سلام بر تو ای درگاه خدا که هیچ کس جز از آن درگاه به سوی قرب خدا نایل نگردد، سلام بر تو ای راه خدا که هر کس به غیر از آن طریق رود نابود میگردد، سلام بر تو ای کسی که درخت طوبی و سدره المنتهای بهشت را به چشم مشاهده میکنی، سلام بر تو ای نور ازلی خدا که هرگز خاموش نخواهد شد، سلام بر تو ای حجت خدا که هرگز مخفی نخواهد شد، سلام بر تو ای حجت خدا بر تمام موجودات آسمان و زمین.

سلام بر تو باد، سلام کسی که تو را به آن مقام که خدا تو را معرفی کرده است، بشناسد، و تو را به پاره ای از صفاتت بستاید که تو درخور آن ها و بالاتر از آن صفات هستی؛ گواهی میدهم که تو حجت خدا بر رفتگان و باقیماندگان امت هستی، و تنها گروه تو چیره است، و دوستداران تو رستگاران، و دشمنان تو زیانکاران هستند؛ و گواهی میدهم که تو گنجینه هر دانش، و گشاینده هر گره، و اثبات کننده هر حق و باطل کننده هر باطل هستی؛ ای مولای من، من به امامت و هدایت و ولایت و پیشوایی و رهبری تو بر خلق راضی و خشنودم، و هیچ کسی را به جای تو نمیخواهم، و جز تو کسی را امام و پیشوای خود نمیگیرم.

گواهی میدهم که تو حق ثابت ابدی هستی که پاک ومنزه از هر عیب و نقص خواهی بود، و گواهی میدهم که وعده خدا درباره تو حق و راست است و به واسطه طولانی شدن زمان غیبت، و دور شدن زمان ظهورت، هیچ تردیدی در آن پیدا نمیکنم، و هرگز همراه با کسانی که تو را نشناختند و به وجود تو جاهل بودند، در حیرت و گمراهی قرار نمیگیرم؛ بلکه همیشه منتظر دوران ظهور دولت بزرگوارانه تو هستم، تو آن شفاعت کنندهای که هیچ کس با تو نزاع نکند، و آن پیشوای چیره که هیچ کس با تو مقاومت نتواند کرد، هستی؛ خدا برای یاری دین خود، و عزت و اقتدار اهل ایمان، و انتقام از دشمنان سرکش و خارج شده از دین، تو را ذخیره ساخته است.

گواهی میدهم که به واسطه ولایت و دوستی تو اعمال بندگان پذیرفته میشود، و کردار خلق نیکو میگردد، و اعمال خوب چند برابر، و اعمال بد محو و

آمرزیده میشود؛ پس هر کس با ایمان به ولایت تو و اعتراف به امامت تو محشور شود، اعمالش پذیرفته است و گفتارش تصدیق شود و خوبیهایش دوچندان و گناهانش محو و بخشیده میگردد؛ و هر کس از ولایت و عهد امامتت برگردد، و جاهل به مقام معرفتت باشد، و غیر تو را به جای تو برگزیند، خداوند او را به صورت در آتش دوزخ بیفکند، و هیچ عمل او را نپذیرد، و در روز قیامت در ترازوی حساب برای عملش وزنی نباشد.

ای مولای من، خدا و فرشتگانش و تو را گواه میگیرم بر این عقیده که به تو عرضه داشتم، که ظاهر او مانند باطن آن، و نهان و آشکارش یکسان است، و تو خود بر این عرض من گواه هستی، و این عهد و پیمان من با توست؛ زیرا تو نظام بخش دین، و پیشوای پرهیزکاران، و عزت و شرافت بخشنده یکتا پرستان هستی، و پروردگار جهانیان مرا به این ایمان و عهد، دستور داده است؛ پس اگر روزگارها طولانی شود، و عمرها بگذرد، جز به یقین من درباره تو، و محبتم نسبت به تو، و توکل و اعتمادم بر تو، و توقع و انتظارم به حضور تو، و آمادگیام برای جهاد در پیشاپیش تو، که جان و مال و فرزندان و خانواده و تمامی آنچه را که پروردگارم به من بخشیده است، پیشاپیش تو ببخشم، و به امر و نهی تو در آن تصرف نمایم، نخواهد افزود؛ ای مولای من.

پس هر گاه دوران درخشان و پرچمهای نمایان تو را دریابم، بنده فرمانبردار امر و نهی تو خواهم بود، و به واسطه آن اطاعت، امید و انتظار مقام رفیع شهادت در رکاب تو، و سعادت و پیروزی در پیشگاه تو را دارم؛ ای مولای من، پس اگر پیش از ظهور تو مرگ من فرا رسد، به واسطه تو و پدران پاک تو به درگاه خداوند والامرتبه متوسل میشوم، و از او درخواست میکنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستد، و مرا در زمان ظهورت دوباره زنده گرداند، و - در دوران حکومت تو - به دنیا باز گرداند، تا در سایه اطاعت تو به آن مقصود والا که دارم نایل شوم، و با انتقام کشیدن از دشمنانت باطن قلبم را شفا دهم؛ ای مولای من، من در مکان زیارتت مانند خطاکاران پشیمان، و ترسناکان از عقاب پروردگار جهانیان ایستادهام؛ و در نجاتم از عقاب خدا همه اعتمادم به شفاعت تو است، و به دوستی و شفاعت تو، محو شدن گناهانم، و پوشاندن عیبها و زشتیهایم، و آمرزش لغزشهایم را

امیدوارم؛ پس تو ای مولای من برای دوستدارت شفیع باش تا به آرزویش برسد و از خدا آمرزش گناهانش را بخواه، که او به رشته ولایت و محبت تو چنگ زده، و از دشمنانت بیزاری جسته است.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و به وعدهای که به ولیّ خود دادهای، جامه عمل بپوشان؛ خدایا، کلمه حق او را در جهان ظاهر ساز، و آوازه دعوت او را بلند گردان، و در برابر دشمنانش و دشمنان تو ای پروردگار جهانیان، یاریش کن؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و کلمه کمال یافته خود، و شخص غائب گشته تو در زمینت، و ترسان و منتظر را آشکار فرما؛ خدایا، او را شکوهمندانه یاری کن، و پیروزی نزدیک و آسان به او عطا فرما.

خدایا، به واسطه او دین اسلام را پس از به سستی گراییدن، شکوهمند کن، و به وسیله آن، خورشید حقیقت را بعد از غروب کردن، بیرون آور؛ و تاریکی را به واسطه او روشن، و غم را به وسیله او برطرف گردان؛ خدایا، و شهرها را به واسطه او ایمن گردان، و بندگان را به وجود او هدایت فرما؛ خدایا، زمین را به وجود او پر از عدل و داد ساز، چنانکه پر از ظلم و ستم شده است؛ به یقین تو شنونده اجابت کننده هستی. سلام بر تو ای ولیّ خدا، به دوستدارت برای وارد شدن در حرم با شکوهت اجازه بده؛ درودهای خداوند و رحمت و برکتهای او بر تو و بر پدران پاک تو باد.(1)

پس به سرداب غیبت آن حضرت برو و میان دو در بایست، و کناره در را با دست بگیر، و مانند کسی که اجازه داخل شدن میخواهد، آرام از صمیم دل ناله برآور، و بسم الله الرحمن الرحیم بگو و با حضور قلب و آرامش پایین برو، و دو رکعت نماز در محل سرداب به جای آور و بگو: خدا بزرگتر است؛ خدا بزرگتر است؛ و حمد و ستایش مخصوص خداوند است؛ حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که ما را به این هدایت نمود.

1- . المزار الکبیر: 194 - 196؛ مزار الشهید: 62 - 64

میگویم: و زیارت و نماز و دعا را مانند آنچه پیشتر با روایت سید پسر طاووس بیان کردیم، تا عبارت: «و مرا با دوستی آنها سود رسان، ای پروردگار جهانیان.» ادامه دادهاند.

سپس گفتهاند - خداوند روان همه آنان را پاک گرداند، - : و به طریق دیگر روایت شده است که هنگام پایین رفتن از سرداب بگویی: سلام بر حق جدید... ؛ و مانند آنچه گذشت، تا عبارت: «و دستگیری از من در دین و دنیا و آخرتم، برای من و برای همه مردان و زنان با ایمان؛ که به راستی او بسیار آمرزنده و مهربان است؛ و خداوند بر سرورمان محمد پیامبر خدا و خاندان پاک او درود فرستد.» نقل نمودهاند.

سپس دوازده رکعت نماز زیارت میخوانی که هر دو رکعت، با یک سلام باشد؛ بعد از آن با دعایی که از حضرت علیه السلام روایت شده است، دعا کن که چنین است:

خدایا بلا و گرفتاری بزرگ شد، و راز پنهانی آشکار گردید، و پرده برداشته شد، و زمین تنگ گرفت، و آسمان خودداری ورزید؛ و به سوی تو ای پروردگار، شِکوه میآوریم؛ و در سختی و آسانی بر تو اعتماد میکنیم؛ خدایا، بر محمد و خاندان او، که اطاعتشان را بر ما واجب کردی، و به این وسیله منزلت و مقام آنان را به ما شناساندی، درود فرست؛ به حق آنان برای ما گشایشی فوری، همچون چشم بر هم زدن یا زودتر از آن، قرار ده؛ ای محمد، ای علی، ای علی، ای محمد، یاریام کنید که به راستی شما یاور من هستید؛ و مرا بسنده باشید، که به راستی شما کفایت کنندگان من هستید؛ ای مولای من، ای صاحب الزمان، به فریاد من برس؛ به فریاد من برس؛ به فریاد من برس؛ مرا دریاب؛ مرا دریاب؛ مرا دریاب.(1)

شیخ مفید و شهید - که رحمت خداوند بر آن دو باد، - بعد از آن گفتهاند: سپس نزد امام هادی و امام عسکری علیهما السلام برگرد و مادر حضرت حجت را زیارت کن، و زیارت ایشان را مانند آنچه بیان شد آورده اند.(2)

1- . المزار الکبیر: 196؛ مزار الشهید: 64 - 65
2- . مزار الشهید: 65

نیز بدان که زیارت آن حضرت، علیه السلام، در هر مکان و زمان، مستحب است و در سرداب مقدّس و نزد قبرهای اجداد پاک او - که درود خداوند بر همه آنان باد، - با فضیلتتر است؛ و در زمانهای شریف، به خصوص شب میلاد او که طبق صحیحترین نظر، نیمه شعبان است، و شب قدر، که در آن شب فرشتگان و روح بر او فرود میآیند، مناسبتر است. و این روایت در زیارت امام موجود، در باب زیارت امام حسین علیه السلام از دور، بیان گردید؛ پس غافل مباش.

ق: زیارت مولایمان جانشین نیک، صاحب الزمان علیه السلام: سلام بر تو ای خلیفه خدا...؛ و زیارت را مانند آنچه گذشت، تا عبارت: «و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد.» بیان نمود.

و باید آنچه را که از زیارتها و دعاهای گذشته نیاز به توضیح دارد، بیان کنیم؛ و خداوند کمک کننده و یاریگر است.

کلام حضرت که فرمود: «بدر التمام»، در نسخهها همین گونه بدون حرف لام آمده است که از قبیل اضافه موصوف به صفت، و تقدیر آن، «بدر النور التمام» است؛ گفته میشود: «قمر تمام» با کسره و فتحه حرف تاء خوانده شده است ولی با کسره فصیحتر است: یعنی وقتی که در آن، کاستی نباشد. «الصمصام»، یعنی شمشیر برندهای که خم نمیشود. «الهام» جمع «الهامّه»، همان سر است.

«القمقام» با فتحه و گاهی با ضمه، یعنی پیشوا، و دریا و تعداد زیاد. «الهمام» مانند غراب، یعنی پادشاه بلند همت، و سرور شجاع سخاوتمند. «خاض الغمرات»، یعنی به کام آن رفت، و به سرعت وارد آن شد؛ و «غمره الشیء»، یعنی شدت و ازدحام چیزی؛ و در مورد مردم، به جمعیت آنان گویند، یعنی وارد شدن بین جماعات زیاد، بدون توجه و ترس برای جنگیدن؛ یا در سختیها و امور بزرگ. «الحزون» جمع «الحزن»، مانند «الوعور» جمع «الوعر»، و این دو به معنای زمین سخت و ناهموار؛ که این دو واژه به سیاق گذشته نیستند. در عبارت «حتی لا یشرک»، شاید فاعل محذوف باشد؛ یعنی کسی.

«الغطارفة» با حرف غین نقطهدار، و حرف طاء بدون نقطه، جمع «غطریف» با کسره، یعنی پیشوای گرامی؛ و «الخضارمه» با حرف خاء و ضاد نقطهدار، جمع «خضرم» با کسره حرف خاء و راء، یعنی چاه پر آب و دریای بزرگ پر آب، و

ص: 161

زیادی هر چیز، و وسیع، و انسان بسیار بخشنده، و مرد بردبار؛ و «الثاقبة»، یعنی روشن؛ و «النوی»، یعنی خانه، و منتقل شدن از جایی به جای دیگر.

«رضوی» مانند «سکری»، کوهی در مدینه است؛ روایت است که حضرت علیه السلام در آن جا است؛ و «طوی» با ضمه و کسره و گاهی با تنوین، سرزمینی در شام است؛ و «ذو طوی» با حرف طاء دارای سه حرکت و گاهی با تنوین، مکانی نزدیک مکه است؛ و «الحسیس»، یعنی صدای آرام؛ و «الوقید»، یعنی سوزان و شعلهور.

«دوائر الدهر»، یعنی پیشامدهای روزگار که میگردد و انسان را در بر میگیرد؛ و «دائرة السوء»، یعنی آنچه برای او پیش میآید و او را دردمند میسازد؛ «البغتة»، یعنی ناگهان؛ و «الجهرة»، یعنی آشکار؛ و «الوغر» با حرف غین نقطهدار، یعنی کینه و بدخواهی و دشمنی و شعلهور شدن از خشم.

کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «لا لأمر الله تعقلون»، آن چنان که از کلامش بر میآید، گمان میرود از اجزای زیارت باشد؛ به ویژه با توجه کلام حضرت علیه السلام در روایت احتجاج - که بیان شد، - و در بیشتر نسخهها از قلم افتاده است؛ که طبق آن، حضرت فرمود: «اگر خواستید به وسیله ما به خداوند و به ما تقرّب بجویید، پس همان گونه که خداوند متعال فرموده است، بگویید: سلام بر آل یاسین...» پس عبارت «سلام بر آل یاسین»، یا عبارت بعد از آن، ابتدای زیارت است؛ در این صورت، ذکر آیه برای استشهاد خواهد بود، نه اینکه در زیارت خوانده شود. ما آن را در اینجا به خاطر اختلاف زیادی که میان آنها وجود دارد، تکرار کردیم.

و کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «و من تقدیره منائح العطاء»، المنائح جمع المنیحه، یعنی بخشش، و غالباً به بخشش شیر اطلاق میشود، مانند شتر یا گوسفند که آن را به دیگری میدهی تا بدوشد و سپس به تو برگرداند؛ و مراد از آن، سودهای دنیوی، به خاطر امانت و گذرا بودنش است؛ و البته عام دانستن آن، بهتر است.

عبارت «منایح» یا به دلیل مفعول بودن، منصوب است، که در این صورت عبارت «إنفاذه» مبتدا، و «من تقدیره» خبر است، و «بکم» متعلّق «انفاذه» است؛ و

معنای عبارت این است که از جمله آنچه که خداوند در خصوص عطاهایش مقدّر نمود، این است که تحققش را حتمی و مقرون به نتیجه قرار داد، یا به برکت و وسیله شما مقرون به یکدیگر کرد؛ پس چیزی وجود ندارد، جز اینکه شما سبب آن هستید؛ و مفرد بودن ضمیر «إنفاذه» به خاطر مربوط بودن آن به کلمه «عطاء» میباشد؛ یا اینکه «منایح»، مرفوع است؛ بنابراین، صورتهای زیر، ممکن است:

اول اینکه «منائح العطاء» مبتدا، و «من تقدیره» خبر آن باشد، و عبارت «بکم إنفاذه» جمله ابتدائیه باشد؛ گویی سؤال کنندهای پرسیده است: چگونه آن را مقدّر نمود؟ و در جواب بگوید: محقق شدن آن به وسیله شما است.

دوم اینکه «إنفاذه» بدل اشتمال از عبارت «منائح العطاء» باشد؛ پس معنی چنین میشود: از تقدیرات او، محقق ساختن بخششهایش به واسطه شما است.

سوم اینکه عبارت «منائح العطاء» مبتدا، و عبارت «بکم إنفاذه» خبر آن باشد، و این جمله همراه با ظرف پیشین، یک جمله است؛ یعنی از مقدّر کردن او این حکم و این قضیه را.

کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «خیاره لولیّکم نعمه»، یعنی هر آنچه از راحتی و گرفتاریها و پیشامدهای ناگوار که خداوند برای ولیّ شما انتخاب نمود، نعمتی برای اوست؛ بر خلاف پیشامدهایی که بر دشمنان شما وارد میشود، که آنها انتقام و خشم خداوند هستند. عبارت: «یا صاحب المرأی و المسمع»، یعنی کسی که آفریدگان را میبیند و سخنشان را میشنود، بدون آنکه آنها او را ببینند. عبارت «بعین الله»، یعنی با دانش او؛ یا حفاظت و نگاه داشتن او؛ فیروز آبادی گفته است:(1) «أنت علی عینی»، یعنی هم در اکرام و هم در نگاه داشتن؛ و «صنع ذلک علی عین و عینین»، و «عمد عینین»، یعنی آن را با جدیت و یقین انجام داد؛ و «ها هو عرض عین»، یعنی نزدیک؛ و گفته است:(2) «الحفیظه»، یعنی جوانمردی و خشم و دفاع از خویشان.

1- . القاموس 4: 252

2- . القاموس 2: 395

و کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «و خاتمته»، یعنی آخرین پایان دهنده؛ یا پایان امر امامت و خلافت.

و کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «ما استأثرت به مشیّتکم»، یعنی آن را انتخاب کرد؛ گفته میشود: «استأثر بالشیء»، یعنی آن را تصرّف کرد و به خود اختصاص داد؛ و در بعضی نسخههای تصحیح شده قدیمی، «و الممحوّ ما استأثرت به سنتکم» بدون حرف نفی آمده است؛ یعنی در واقع قدر و منزلت شما به درجهای رسیده است که قضا و قدر بر طبق خواست شما جاری میگردد، و جایگاه شما در بین مردم نادیده گرفته شده است، به طوری که آنچه را که سنت شما به آن جاری گشته است، از بین برده و ترک میکنند.

«الحرد»، یعنی قصد کردن؛ و «حرد، یحرد، حروداً»، یعنی از قوم خود دست کشید، و تنهایی را برگزید، و با آنها معاشرت نکرد؛ «الحرد» هم چنین به معنای خشم و غضب است. و فرمایش حضرت علیه السلام که فرمود: «فیما دنت»، یعنی اعتقاد پیدا کردم و آن را دین خود ساختم، و با آن خدا را عبادت کردم؛ و کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «أنت الجاه»، یعنی صاحب جاه و ارزش و منزلت.

عبارت «أسألک باسمک الذی خلقته»، یعنی قائم علیه السلام را؛ و آن اسمی است که به خود اختصاص داده و کسی از آفریدگانش را از آن آگاه نساخته است، آن چنان که در باب الأسماء از کتاب توحید گذشت؛ و بعید نیست که در اصل «من ذاتک» باشد که در این صورت، ضمیر به «اسم» بر میگردد؛ یا اینکه «خلقت» بدون ضمیر باشد؛ یعنی اشیاء را از آن اسم خلق کردی.

کفعمی - که رحمت خداوند بر او باد، - در مورد کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «یا ابن شجره طوبی و سدره المنتهی»، گفته است: مراد این است که حضرت علیه السلام، صاحب آن دو و دانا نسبت به آن دو است، و فضیلتش به آن دو میرسد؛ و از سنت عرب این است که هنگامی که اراده مدح و ستایش کسی را بکنند، چیز بزرگ را به بزرگ اضافه میکنند؛ از این رو به کعبه بیت الله، و به حجاج، وفد الله، و به اهل قرآن، أهل الله، و به السلطان، ظل الله فی الأرض، میگویند؛ و به مرد سرسخت، «ابن الأیام» و به مرد بزرگ، «ابن جلا»، و به خطیب توانا، «ابن أقوال»

میگویند و «ابن مدینتها» و «ابن بلدتها» و «ابن نجدتها» به کسی میگویند که به آنها آشنا باشد؛ کلام کفعمی - که رحمت خداوند بر او باد، - به پایان رسید.(1)

«أینع الثمر»، یعنی وقت چیدن آن فرا رسید؛ و «غرد الطائر» مانند فرح و «غرَّد، تغریداً» و «أغرد و تغرَّد»، یعنی صدایش را بلند کرد و با آن به وجد آمد؛ و «الهدّ»، یعنی ویرانی شدید و شکستن؛ و «القدّ»، یعنی از ریشه بریدن، یا از درازا بریدن؛ و «القصف»، یعنی شکستن, و «المطرد» مانند منبر، یعنی نیزه کوچک؛ و «التخریق [پاره پاره کردن] - با «مطرد» - مناسب نیست، و شاید در آن اشتباه رخ داده باشد. جزری گفته است:(2) «الوطء» در اصل له کردن با پا است و جنگ و کشتن را به این خاطر با این نام، نام گذاری شده است که هر کس چیزی را با پا له کند، نهایت نابودی و اهانت را در آن به کار گرفته است؛ و حدیث «اللهم اشدد وطأتک علی مضرّ»، از همین کاربرد است، یعنی آن را به شدت در بر گیر و نابود کن؛ تمام شد. «المنون»، یعنی مرگ؛ «زخرف الدنیا»، یعنی زینت آن، و اصل آن، طلا است؛ بعد از آن، به هر زینت دهندهای اطلاق شده است؛ و «الزِّبرج» با کسره، یعنی زینت از رنگ و نگار پارچه یا گوهر و طلا؛ و «الردء» با کسره، یعنی یاور؛ و «الصنادید» جمع الصندید با کسره، یعنی مرد شجاع؛ و «الأبطال» جمع «البطل» با فتحه تمام حروف، یعنی پهلوان و دلاور.

و کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «و ناهش ذؤبانهم» در بعضی نسخهها، «ناوش» آمده است؛ گفته میشود: «نهشه»، یعنی او را گاز گرفت؛ یا با دندانهایش او را گرفت؛ و «المناوشة»، یعنی جنگیدن؛ و «الذؤبان» با همزه، جمع «الذئب» است و «ذؤبان العرب»، راهزنان و دزدان آنان هستند. و فرمایش او علیه السلام که فرمود: «فأضبّت علی عداوته»، وقتی گفته میشود: «أضب علی الشیء»، یعنی آن را در برگرفت، و در بعضی نسخهها با حرف صاد بینقطه و نون آمده است؛ گفته میشود: «أصنَّ علی الأمر»، یعنی به آن کار اصرار ورزید؛ و «أکب علی الأمر»، یعنی بدان روی آورد و ملازمش شد؛ و «المنابذه»، یعنی با دیگری جنگیدن و «أقصاه»، یعنی

1- . مصباح الکفعمی: 495

2- . النهايه 4: 231

او را راند و دور کرد؛ و «ندب المیّت»، مانند «نصر»، یعنی بر او گریست و خوبیهایش را شمرد.

فرمایش حضرت: «فلتدرّ الدموع»، «الدرّ»، یعنی جاری شدن؛ و در بسیاری از نسخهها «فلتذرف» آمده است که از «ذرف الدمع»، یعنی اشک جاری شد، گرفته شده است. و «العجّ»، یعنی بلند کردن صدا؛ و «الأمت»، یعنی پایین آوردن و بلند کردن و اختلاف در چیزی را گویند؛ و «الذّحل»، یعنی خونخواهی؛ و فرمایش حضرت علیه السلام که فرمود: «و افتری»، در بعضی نسخههای قدیمی به صورت «علی من اعتدی و انتزی» آمده است، و «الانتزاء«، یعنی شتاب کردن به سوی بدی؛ عبارت: «من عقید عزّ»، یعنی کسی که عزت بر او بسته و محکم گشته است و از او جدا نمیشود؛ یا عزت بسته شده؛ و از جمله کاربردهای آن، دعایی است که این گونه وارد شده است: «أسألک بمعاقد العزّ من عرشک»، *یا به معنی هم پیمان و قرار بسته با عزت است؛ هم چنان که گفته میشود: «فلان عقید الکرم»، یعنی بخشندگی از او جدا نمیشود؛ گویی پیمانی بین آن دو بسته شده است؛ و «الأثیل» ریشه دار، یعنی دارنده ارجمندی با اصالت؛ و «المساماه»، یعنی به دیگری فخر کردن و به رخ کشیدن بزرگی و رفعت.

عبارت «لا یجازی»، در نسخهها این گونه آمده است، و شکل واضحتر آن، «لا یحاذی» با حرف حاء بدون نقطه و حرف ذال نقطهدار است؛ یعنی با او برابری نمیکند و در عظمت مانند آن نیست؛ یا با حرف جیم و راء بدون نقطه، برگرفته از «مجاراه» در سخن و مسابقه است؛ و شاید این واضحتر باشد؛ و «التلاد»، یعنی قدیم؛ و «المضاهاه»، یعنی مشابهت داشتن؛ و گفته حضرت علیه السلام که فرمود: «من نصیف شرف»، یعنی برخوردار از شرف، که از «نصف» گرفته شده است؛ گویی حضرت نیمی از شرف را گرفته است، و سایر آفریدگان نیز نیمه دیگر را دارا هستند؛ و «النصیف» هم چنین یعنی عمامه؛ و ممکن است استعاره باشد، یعنی او زینت بخش شرافت و بزرگی است. جوهری گفته است:(1) «المناغاه»، یعنی عشقبازی کردن؛ و «المرأه تناغی الصّبیّ»، یعنی زن با کودک به زبان کودکی حرف زد، طوری که او را

1- . الصحاح 6: 2513

سرگرم و شاد کند؛ و گفته است:(1) «القذی فی العین و الشراب»، یعنی آن چه در چشم فرو رود؛ و «قذیت عینه، تقذی»، یعنی در چشمش خاشاکی فرو رفت.

و فرمایش حضرت علیه السلام که فرمود: «هل یتّصل یومنا منک بغده»، یعنی هر روز تو را ببینیم، یا منظور از «یوم»، روزهای جدایی، و منظور از «الغد»، روزهای وصال است؛ و عبارت: «فنحظی» برگرفته از «الحظوه»، یعنی قدر و منزلت از باب علم است؛ و «نقع بالماء» مانند «منع»، یعنی از آب سیراب شد؛ و «أنقعه الماء»، یعنی او را سیراب کرد؛ و «الصدی» با فتحه همه حروف، یعنی تشنگی؛ عبارت «دابر المتکبّرین»، یعنی آخرین باقی مانده آنان، کنایه از ریشه کن ساختن و نابود کردن آنها است؛ و «الجث»، یعنی قطع کردن و کندن درخت از ریشه؛ و گفته میشود: «استعداه»، یعنی او را یاری و همراهی کرد؛ و «العدوی»، یعنی یاری کردن؛ و «الأسی» با فتحه و الف مقصور، یعنی حزن و اندوه؛ و «الجوی»، یعنی بیماری، و بیماری از درون اگر طول بکشد؛ و «الغلیل»، یعنی شدت تشنگی و گرمای درون.

کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «التائقون»، یعنی مشتاقان؛ و «أدحضه»، یعنی آن را باطل و بیاثر ساخت؛ و «الإداله، یعنی چیرگی و غلبه کردن؛ جزری در النهایه گفته است:(2) در حدیث آمده است که «إنَّ الرحم أخذت بحجزه الرحمن»، یعنی او را گرفت و به آن پناه برد؛ و اصل کلمه «الحجزه»، جای بستن شلوار است؛ سپس به شلوار به دلیل مجاورتش، حجزه گفته شد؛ سپس استعاره از گرفتن و پناه بردن و چنگ زدن به چیزی و تعلّق داشتن به آن شد؛ و در این باره حدیث دیگری نیز هست که «یا لیتنی آخذ بحجزه الله»، یعنی ای کاش من به ریسمان و سببی از خداوند چنگ زده بودم.

و درباره فرمایش حضرت علیه السلام که فرمود: «و الغره الحمیده»، کفعمی گفته است:(3) یعنی سفید ستوده، و «الأغر»، یعنی هر چیز سفید و درخشان؛ و ستاره

1- . الصحاح 6: 2460

2- . النهایه 1: 236؛ در آن به جای «یا لیتنی» آمده است: و النبی آخذ بحجزه الله؛ یعنی پیامبر به خدا تمسک جست.
3- . مصباح الکفعمی: 551

به دلیل سفیدی و تابناک بودنش «غرار» نامیده شده است؛ و «الغرّه»، یعنی سفیدی پیشانی اسب، و زیبایی و نیکویی.

کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «و أکحل ناظری»، در بعضی نسخهها به صورت «و أکحل مرهی» آمده است؛ گفته میشود: «مرهت العین؛ مرهاً»، یعنی چشمش از بی سرمگی خراب گردید؛ پس اسناد «سرمه کشیدن به او، مجاز است، و «الأزر»، یعنی شدت و قدرت و پشت؛ و «دمدم القوم»، یعنی آنها را نابود و هلاک کرد؛ و «التدمیر»، یعنی هلاک کردن؛ و «الحوب» با ضمّه و فتحه، یعنی گناه.

در مورد این کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «و الأئمه من بعده»، کفعمی در حاشیه کتاب خود گفته است:(1) یعنی ابتدا بر او درود فرست، سپس و بعد از اینکه بر او درود فرستادی، بر آنها درود فرست؛ منظور از «الأئمه من بعده»، فرزندان او است؛ چون آنها دانشمندان برجسته هستند؛ و شخص عالم پیشوای کسی است که به او اقتدا کند؛ و این فرموده حضرت علیه السلام در دعایی که روایت شده از مهدی علیه السلام است، که میفرماید: «الائمه من ولده» دلیل بر صحت این بیان است. پایان.

میگویم: طبق معنایی که برای عبارت «من بعده» بیان نموده است، ممکن است منظور از «ائمه»، پدران پاک او باشد؛ یعنی بعد از این که بر او درود فرستادی، بر پدران پاک او درود فرست. احتمال دارد منظور از «الأئمه بعده»، [امامان بعد از او] امامانی باشند که بعد از ظهور حضرت علیه السلام به دنیا باز میگردند؛ و بسیاری از روایتها دلالت بر وجود آنها بعد از حضرت حجت علیه السلام دارد که سخن درباره آن، پیش از این در کتاب «الغیبه» بیان شد.

1- . مصباح الکفعمی: 550

باب هشتم : زیارات جامعهای که هر یک از امامان، علیهم السلام با آنها زیارت میشود، و در اینجا چند زیارت است

زیارت اول:

1. عیون الاخبار: از امام رضا علیه السلام درباره آمدن نزد قبر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال شد، حضرت فرمود: در مساجد اطراف آن نماز بخوانید، و در همه زیارت گاه ها کفایت میکند که بگویی:

سلام بر اولیای خدا و برگزیدگانش، سلام بر امانتداران خدا و دوستداران او، سلام بر یاران خدا و جانشینان او، سلام بر جایگاههای معرفتِ خدا، سلام بر مسکنهای ذکر خدا، سلام بر آشکار سازندگان امر و نهی خدا، سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا، سلام بر استقرار یافتگان در خشنودیهای خدا، سلام بر آزموده شدگان در فرمانبرداری خدا، سلام بر راهنمایان به سوی خدا، سلام بر آنانی که هر کس دوستشان بدارد، همانا خدا را دوست داشته، و هر کس دشمنشان بدارد، همانا خدا را دشمن داشته، و هر کس آنان را بشناسد، همانا خدا را شناخته، و هر کس آنان را نشناسد، همانا خدا را نشناخته، و هر کس به آنان چنگ زند، همانا به خدا چنگ زده، و هر کس آنان را رها کند، همانا خداوند عز و جل را رها کرده است.

خدا را گواه میگیرم که من با هر کس که نسبت به شما در آشتی باشد، در آشتیام؛ و با هر کس که نسبت به شما در ستیزه باشد، در جنگ و ستیز هستم؛ به نهان و آشکار شما ایمان دارم، و اختیار همه این کارها را به شما واگذار میکنم؛ خداوند دشمن خاندان محمد از جنّ و انس و از اولین و آخرین را لعنت کند؛ و به

درگاه خدا از آنان بیزاری میجویم؛ و خداوند بر محمد و خاندان پاک او درود فرستد.

خواندن این زیارت در همه زیارت گاه ها کافی است، و بر محمد و خاندان او بسیار درود میفرستی، و نام آنها را یکی یکی بر زبان میآوری، و از دشمنانشان بیزاری میجویی، و هر دعایی را که دوست داشته باشی، برای خودت و مردان و زنان مؤمن انتخاب میکنی.(1)

2. کامل الزیارات: مانند این روایت را از علی پسر حسان نقل کرده است.(2)

3. الکافی: مانند این روایت را از اشعری آورده است.(3)

توضیح: عبارت «علی الممحّصین» با حرف حاء دارای تشدید و فتحه، برگرفته از «التمحیص»، به معنای خالص نمودن طلا و غیر آن، از آنچه با آن آمیخته میشود است؛ و به معنی آزمایش و امتحان استفاده میشود؛ یعنی کسانی که خداوند آنها را از ریاء و شرک و پلیدیهای اخلاق و کردار، به سبب طاعتش پاک نمود؛ و ممکن است به صیغه اسم فاعل هم خوانده شود. کفعمی آن را با حرف ضاد نقطهدار خوانده و گفته است: معنی آن، وارستگان در طاعت خداوند است؛ به گونهای که هیچ ریاء و شهرتطلبی آنها را در بر نمیگیرد. و «المحض»، یعنی چیز خالص، مانند شیر، یا دوستی، یا نسب خانوادگی؛ تمام. شکل نوشتاری نخست، با نسخههای معتبر همخوانی دارد و در بعضی از نسخهها، «مخلصین» با فتحه و کسره حرف لام آمده است.

زیارت دوم:

4. عیون الاخبار: نخعی گفته است: به امام علی النقی علیه السلام گفتم: ای پسر رسول خدا، به من گفتهای بلیغ و کامل بیاموز که هر وقت یکی از شما را زیارت کردم، آن را بگویم؛ فرمود: هنگامی که به سوی در حرکت کردی، بایست و در حالی که غسل کرده باشی، شهادتین را بگو؛ وقتی وارد شدی و قبر را مشاهده

1- . عيون الأخبار 2: 271
2- . كامل الزيارات: 315
3- . كافى 4: 578 - 579

کردی، بایست و سی مرتبه بگو: «الله اکبر؛ الله اکبر»؛ سپس با متانت و آرامش، کمی راه برو و گامهایت را به هم نزدیک گردان؛ سپس بایست و سی مرتبه تکبیر بگو، سپس نزدیک قبر برو و چهل مرتبه تکبیر بگو *تا صد تکبیر کامل گردد؛ سپس بگو:

سلام بر شما ای خاندان نبوت، و جایگاه رسالت، و مرکز فرود آمدن و بالا رفتن فرشتگان، و جای فرود آمدن وحی، و معدن رحمت، و گنجینهداران دانش، و سر حد نهایی بردباری، و اصول و اساس کرم و بزرگواری، و پیشوایان ملّتها، و در اختیار دارندگان نعمتها، و ریشه و اصل نیکان، و استوانههای خوبان، و سیاست مداران امور بندگان، و پایهها و ستونهای شهرها، و درهای ایمان، و امانتداران خداوند رحمان، و از نژاد پیامبران، و زبده اولاد رسولان، و خانواده انتخاب شده پروردگار جهانیان؛ و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد.

سلام بر پیشوایان هدایت، و چراغهای تاریکی، و نشانههای پرهیزکاری، و صاحبان خرد، و دارندگان عقل و هوشیاری، و پناهگاه مردمان، و وارثان پیامبران، و نمونه والا، و اهل دعوت نیکو، و حجّتهای خدا بر اهل دنیا و آخرت و این جهان؛ و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد؛ سلام بر جایگاههای شناخت خدا، و مسکنهای برکت خدا، و کانهای حکمت و فرزانگی خدا، و نگهبانان راز خدا، و حاملان کتاب خدا، و جانشینان پیامبر خدا، و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد.

سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا، و رهنمایان به سوی موجبات خشنودی خدا، و انجام دهندگان کامل فرمان خدا، و کاملان در دوستی و محبّت خدا، و وارستگان در یگانه پرستی خدا، و آشکار کنندگان امر و نهی خدا، و بندگان گرامی خدا، آنان که در گفتار به خداوند پیشی نگیرند، و آنان که به دستورش عمل کنند؛ و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد.

سلام بر امامان دعوت کننده به حق، و پیشوایان راهنما، و آقایان سرپرست، و دفاع کنندگان و حامیان - از دین خدا - ، و اهل ذکر، و فرمانداران و نمایندگان خدا،

و باقینهادههای خدا و برگزیدگان او، و گروه او و گنجینه دانشش، و حجّت او و راه او، و نور او و دلیل روشن او؛ و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد.

گواهی میدهم که هیچ خدایی جز الله نیست، یگانه است و هیچ شریکی ندارد؛ همان گونه که خدا برای خودش گواهی داده است، و فرشتگانش و دانشمندان از آفریدگانش بر آن گواهی دادهاند، هیچ خدایی جز او که شکست ناپذیر و حکیم است، وجود ندارد؛ و گواهی میدهم که محمّد، بنده انتخاب شده او، و فرستاده پسندیده اوست که او را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا بر همه آیینها پیروز کند، و گرچه مشرکان خوش نداشته باشند.

و گواهی میدهم که شما پیشوایان رشد یافته و راه یافته، وارستگان گرامی، مقرّبان پرهیزکار، راستگویان زبده، فرمانبرداران خدا، قیام کنندگان به فرمان او، انجام دهندگان خواسته او، دست یافتگان به مقام کرامت او هستید، که به علم خود شما را برگزید، و برای اسرار غیبی خود، شما را پسندید، و برای راز خود انتخابتان کرد، و به قدرتش اختیارتان کرد، و به راهنمایی خود عزیزتان نمود، و به دلیل روشنش مخصوصتان داشت، و شما را برای نور خود برگزید، و شما را به روح خود تأیید کرد، و شما را پسندید تا اینکه جانشینانی در زمینش و حجّتهایی بر آفریدگانش، و یاورانی برای دینش، و نگهبانانی برای رازش، و گنجینهدارانی برای دانشش، و امانتداران حکمتش، و مفسران وحیاش، و پایههای یکتا پرستیاش، و گواهانی بر آفریدگانش، و نشانههایی برای بندگانش، و مشعلهایی در شهرهایش، و راهنمایانی بر راهش باشید؛ خداوند شما را از لغزش نگاه داشت، و شما را از فتنهها و آزمایشها ایمن گرداند، و از آلودگی پاکتان کرد، و پلیدی را از شما دور نمود، و کاملاً پاکیزهتان ساخت.

شما - نیز در مقابل، - شوکت او را بزرگ شمردید، و مقامش را گرامی داشتید، و کرمش را ستودید، و یاد او را بلند آوازه کردید، و پیمانش را محکم کردید، و آن عهدی را که در فرمانبرداریاش داشتید سخت استوار کردید، و در پنهانی و آشکار برای او خیرخواهی نمودید، و مردم را با حکمت و پند نیکو به راهش دعوت کردید، و در راه خشنودی او جانتان را فدا کردید، و در مقابل

پیشامدهای ناگوار به خاطر او بردباری کردید، و نماز را به پا داشتید، و زکات را پرداختید، و امر به معروف و نهی از منکر کردید، و در راه خدا آن طور که باید جهاد و مبارزه کردید، تا بالاخره دعوت حق را آشکار، و واجبات او را بیان داشتید، و حدود و مقرّراتش را برپا داشتید، و دستورات و احکامش را منتشر ساختید، و روش او را مقرّر داشتید، و در راه رضای او گام برداشتید، و تسلیم قضا و قدر او شدید، و پیامبران گذشته او را تصدیق کردید.

پس کسی که از شما روی گردانده، از دین خارج گشته است، و آن که ملازم شما بوده، به حق رسیده است، و آن که در حق شما کوتاهی کرده، نابود گردیده است، و حق همراه شما و در میان شما و از جانب شما است و به سوی شما باز میگردد، و شما اهل حق و معدن آن هستید، و میراث نبوت نزد شما است، و بازگشت خلق خدا به سوی شما است، و حسابشان با شما است، و سخنی که حق و باطل را جدا کند نزد شما است، و آیات خدا پیش شما است، و تصمیمات قطعی او درباره شما است، و نور و دلیل روشن او نزد شما است، و امر امامتش واگذار شده به شما است.

هر کس شما را دوست بدارد، همانا خدا را دوست داشته، و هر کس شما را دشمن بدارد، همانا خدا را دشمن داشته، و هر کس به شما محبّت داشته باشد، همانا به خدا محبّت داشته، و هر کس با شما کینه بوزد، همانا با خدا کینه توزی کرده، و هر کس به شما چنگ زند، همانا به خدا چنگ زده است؛ شاهراه و راه راست، و گواهان در این خانه زودگذر دنیا، و شفاعت کنندگان در خانه پایدار قیامت، و رحمت پیوسته حق، و نشانه پنهان در گنجینه، و امانت نگهداری شده، و آن درگاهی که مردم به وسیله آن آزمایش شوند، شما هستید.

هرکه به نزد شما آمد، [به یقین] نجات یافت، و هر کس نیامد، [به یقین] هلاک شد؛ به سوی خدا دعوت میکنید، و بر او راهنمایی مینمایید، و به او ایمان دارید، و تسلیم او هستید، و به دستورش عمل میکنید، و به سوی راه او ارشاد میکنید، و به گفتار او حکم میکنید؛ هر کس شما را دوست داشته باشد، [به خدا سوگند] نیک بخت گردیده، و هر کس شما را دشمن داشته باشد، به هلاکت رسیده است؛ و هر

کس شما را انکار کند، زیانکار شده، و هر کس از شما جدا شود، گمراه گشته است، و هر کس به شما چنگ زند، رستگار شده است، و هر کس به درگاه شما پناه آورد، ایمن گشته است، و هر کس شما را تصدیق کند، سلامتی یافته است، و هر کس به شما چنگ زند، هدایت یافته است، هر کس از شما پیروی کند، بهشت جایگاه او است، و هر کس با شما مخالفت کند، دوزخ جایگاه او است، و هر کس شما را انکار کند، کافر، و هر کس با شما بجنگد، مشرک است؛ و هر کس شما را رد کرد، در ته جهنم جای دارد.

گواهی میدهم که این مقام و منزلت در گذشته برای شما ثابت بوده، و در آینده نیز برای شما جاری است؛ و همانا روانهای شما و نورتان و سرشتتان یکی است، همه آنها پاک و پاکیزه، و برخی از برخی دیگر گرفته شده است؛ خداوند شما را به صورت نورهایی آفرید، و گرداگرد عرش خود قرار داد، تا آنگاه که با آوردنتان در این جهان بر ما منّت گذارد، و شما را «در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود.» قرار داد، و درودهای ما(1)

بر شما، و آنچه از دوستی شما که برای ما مخصوص داشته، همه را موجب پاکی اخلاق ما، و پاک شدن خود ما، و تزکیه ما، و کفاره گناهان ما قرار داده است و ما در نزد خدا از تسلیم شدگان به برتری شما، و شناخته شدگان به تصدیق مقام شما هستیم.

پس خداوند شما را به باشکوهترین جایگاه بزرگواران، و بلندترین منازل مقرّبان، و بالاترین درجات فرستادگان رساند؛ آن جا که کسی به آن نرسد، و بالاتر از آن جایگاه کسی راه نیابد، و پیش روی بر آن پیشی نگیرد، و برای رسیدن به آنجا کسی طمع نبندد؛ تا این که هیچ فرشته مقرّب، و هیچ پیامبر فرستاده شده، و هیچ صدّیق، و هیچ شهید، و هیچ دانشمند، و هیچ نادان، و هیچ پست، و هیچ برتر، و هیچ مؤمن نیک کردار، و هیچ تبهکار بدکار، و هیچ گردنکش ستیزه جو، و هیچ اهریمن سرکش، و هیچ آفریده دیگری باقی نماند، جز آن که خداوند شکوه امر شما، و

1- درود ما. خ ل

عظمت مقام شما، و بزرگی منزلت شما، و کامل بودن نورتان، و درستی منصب شما، و پابرجا بودن مقامتان، و شرافت جایگاهتان، و منزلتی که پیش او دارید، و بزرگواری شما در نزد او، خاص بودن شما در پیش او، و نزدیک بودن جایگاه شما نسبت به خودش، را به او بشناساند.

پدر و مادر و خانواده و دارایی و بستگانم فدای شما باد؛ خدا را گواه میگیرم، و شما را گواه میگیرم که به شما و به آنچه شما ایمان آوردید، ایمان دارم؛ و به دشمن شما و به آنچه نسبت به آن، کفر ورزیدید، کافر هستم؛ به مقام شما، و به گمراهی کسی که با شما مخالفت کند، بینا و دارای بصیرت هستم؛ دوستدار شما و دوستداران شما هستم، و خشم دشمنانتان را در دل دارم و دشمن آنها هستم؛ نسبت به کسی که با شما در آشتی و سلامت است، در آشتی، و با هرکس که با شما در جنگ است، در جنگ هستم؛ آنچه را شما حق دانستید، حق میدانم؛ و آنچه را شما باطل دانستید، باطل میدانم؛ پیرو شما، آشنا به حق شما، اقرار کننده به برتری شما، پذیرنده دانش شما، قرار گرفته در پرده عهد و امان شما، اعتراف کننده به - حق - شما، باورمند به بازگشتتان، و تصدیق کننده رجعت شما، و چشم به راه فرمان شما، و منتظر دولت شما، گیرنده گفتارتان، و انجام دهنده دستورتان، و پناهنده به شما، و زیارت کننده شما، پناه آوردنده به شما و گریخته به قبرهای شما، وشفاعت جوینده به وسیله شما به درگاه خداوند عز و جل، و تقرّب جوینده به وسیله شما به سوی خدا، و قرار دهنده شما در پیش روی خواستهها و نیازمندیها و ارادهام، در همه حالات و کارهایم هستم.

به نهان و آشکار شما، و حاضر و غایب شما، و اوّل و آخر شما، ایمان دارم، و در این باره کار را به خودتان وا میگذارم، و تسلیم شما هستم، و دلم تسلیم شما است، و رأی من نیز تابع رای شما است، و یاری من برای شما آماده است، تا آن که خدای متعال دینش را به وسیله شما زنده کند، و دوباره شما را در روزهای ویژه خود بازگرداند، و برای عدل خود آشکارتان سازد، و در روی زمینش پابرجایتان کند.

پس من با شما هستم، همراه شما، نه همراه با دشمن شما؛ به شما ایمان آوردم، و آخرین فرد شما را دوست دارم، به همان دلیل که اوّلین فرد شما را دوست دارم؛ و از دشمنانتان و از جبت و طاغوت و شیطانها و پیروان ستم کننده آنها به شما، و از انکار کنندگان حق شما، و بیرون روندگان از زیر بار ولایت و زمامداری شما، و غصب کنندگان میراث شما، و شک کنندگان درباره شما، و منحرف شدگان از طریق شما، و از هر همدم و وسیلهای غیر از شما، و هر فرمانروایی جز شما، و از پیشوایانی که مردم را به دوزخ میخوانند، به پیشگاه خداوند عز و جل بیزاری میجویم.

پس خداوند مرا تا زنده هستم، بر ولایت شما و بر دوستی شما، و دین و آیین شما، پا بر جا بدارد؛ و برای فرمانبرداری شما موفقم گرداند؛ و شفاعت شما را روزیام کند؛ و از دوستان برگزیده شما، پیروی کنندگان از آنچه به سوی آن دعوت کردید، قرار دهد؛ و مرا از کسانی قرار دهد که از شما پیروی میکند، و به راه شما میرود، و به راهنمایی شما راهنمایی میجوید، و در گروه شما محشور میگردد، و در دوران رجعت و بازگشت شما باز میگردد، و در دوران حکومت شما به فرمانروایی میرسد، و به عافیت از شما مفتخر میگردد، و در روزهای - حکومت - شما توانمند میگردد، و فردای قیامت، دیدهاش به دیدار شما روشن میگردد.

پدر و مادرم و خودم و خانواده و داراییام فدای شما باد؛ هر کس آهنگ خدا کند، از شما شروع میکند؛ و آن کس که خدا را به یکتایی شناسد، از شما میپذیرد؛ و هر کس قصد او کند، به شما رو میکند؛ سروران من، ثنای شما را نتوانم کرد؛ و با ستایش به کنه و حقیقت شما نرسم؛ و با توصیف، قدر و منزلت شما را بیان نتوانم؛ که شما روشنی خوبان، و راهنمای نیکان، و حجّتهای خداوند جبار هستید؛ خداوند - آفرینش را - به وسیله شما آغاز کرد، و به وسیله شما نیز ختم میکند، و به سبب شما باران را فرو میریزد، و به سبب شما آسمان را نگاه میدارد که جز به اذن او بر زمین افتد، و به سبب شما اندوه را میگشاید، و سختی را برطرف میکند؛ و آنچه را پیامبرانش فرود آورده، و فرشتگانش به زمین آوردند، در نزد شما است، و جبرئیل روح الامین به سوی جدّ شما نازل گردید.

در صورتی که زیارت برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام خوانده شود، - به جای «جبرئیل روح الامین به سوی جدّ شما نازل گردید.»، - بگو: جبرئیل روح الامین به سوی برادرت نازل گردید.

خداوند آنچه را به هیچ یک از مردم جهانیان نداده، به شما داده است؛ هر شرافتمندی در برابر شما سر فروتنی به زیر آورده، و هر متکبری به فرمانبرداری شما گردن نهاده،(1)

و هر گردنکشی در برابر برتری شما فروتن گشته، و هر چیزی برای شما خوار شده، و زمین به پرتو نور شما روشن شده است، و مردمان به وسیله ولایت و دوستی شما رستگار شدند، و به وسیله شما میتوان به بهشت رضوان رسید، و بر آن کس که ولایت شما را انکار کند، خشم خداوند رحمان خواهد بود.

پدر و مادرم و خودم و خانواده و داراییام فدای شما باد؛ ذکر شما در زبان ذکر کنندگان است، و نامهایتان در میان نامها، و پیکرتان با سایر پیکرها، و روانتان در میان سایر روانها، و جانهاتان در عداد سایر جانها، و آثارتان در میان آثار دیگران، و قبرهاتان در شمار سایر قبرها است؛ - ولی شما را چه نسبت با دیگران، - نامهایتان چه شیرین، و جانهاتان چه بزرگوار، و مقامتان چه بزرگ، *و موقعیتتان چه برجسته، و عهدتان چه باوفا، و وعدهتان چه راست است.

سخنتان نور، و دستورتان یکپارچه رشد و رستگاری است، سفارشتان پرهیزکاری، و کارتان خیر و خوبی، و عادت شما نیکی، و شیوه شما بزرگواری، و رفتار شما حق و راستی و مدارا ، و گفتارتان حکم و حتمی، و رأی شما دانش و بردباری و دوراندیشی است؛ اگر از خوبی سخنی به میان آید، آغاز و ریشه و شاخه و مرکز و جایگاه و پایان آن شما هستید.

پدر و مادرم و خودم به فدای شما؛ چگونه ثنای نیکوی شما را توصیف کنم، و چگونه آزمایشهای خوبی را که دادید، شماره کنم؛ به وسیله شما بود که خدا ما را از ذلت بیرون آورد، و گرفتاریهای سخت ما را گشایش داد، و از پرتگاه هلاکت و نابودی، و از آتش دوزخ نجاتمان داد.

1- . روان گشته است؛ بهرهمند شده است. خ ل

پدر و مادرم و خودم به فدای شما؛ به وسیله دوستی شما خداوند دستورات دینمان را به ما یاد داد؛ آنچه را که از دنیای ما تباه گشته بود، اصلاح کرد؛ و به وسیله ولایت شما کلمه توحید کامل شد؛ و نعمت بزرگ گشت؛ و جدایی و اختلاف تبدیل به الفت و اتحاد گردید؛ و به وسیله موالات شما عبادت واجب پذیرفته گردد؛ و دوستی شماست که بر آفریدگان لازم و واجب است؛ و درجات بلند، و مقام شایسته، و جایگاه معین و معلوم در نزد خداوند عز و جل، و منزلت عظیم، و رتبه بزرگ، و شفاعت پذیرفته، از آن شما است.

پروردگارا، به آنچه نازل کردی گرویدیم و فرستاده [ات] را پیروی کردیم پس ما را در زمره گواهان بنویس. پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دلهایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری. منزّه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است.

ای ولی خدا، همانا میان من و خدای عز و جل، گناهانی است که آنها را جز رضایت شما محو و پاک نمیکند؛ پس به حق آن خدایی که شما را امانتدار راز خود کرده، و سرپرستی کار آفریدگان خود را به شما واگذارده، و فرمانبرداری شما را به فرمانبرداری خود مقرون ساخته است، بخشش گناهانم را از خدا بخواهید، و شفیعان من گردید؛ زیرا که من فرمانبردار شما هستم؛ هر کس از شما فرمانبرداری کند، خدا را فرمانبرداری کرده، و هر کس نافرمانی شما کند، خداوند را نافرمانی کرده، و هر کس شما را دوست داشته باشد، خداوند را دوست داشته، و هر کس شما را دشمن بدارد، خدا را دشمن داشته است.

خدایا، اگر من شفیعانی به درگاه تو نزدیکتر از محمّد و خاندان برگزیده او، آن پیشوایان نیکوکار مییافتم، به طور مسلّم آنها را شفیعان خود قرار میدادم؛ پس از تو به خاطر آن حقی که برای آنان بر خود واجب کردی، از تو درخواست میکنم که مرا در زمره عارفان به مقام و حق آنها، و در زمره کسانی که به وسیله شفاعت آنها مورد مهر قرار گرفتهاند، قرار ده؛ که تو مهربانترین مهربانان هستی؛ و خداوند بر

محمّد و خاندان پاک او درود فرستد، و سلام مخصوص و فراوان نثار آنها گرداند؛ و خدا ما را بس است، و نیکو حمایتگری است.(1)

وداع: وقتی خواستی برگردی، بگو: سلام بر تو، سلام وداع کننده؛ نه کسی که خسته و آزرده و ملول است، و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد؛ ای اهل بیت نبوت، به راستی خداوند ستوده و گرامی است؛ سلام دوستداری که از شما رو بر نمیگرداند، و کسی را به جای شما نمیگیرد، و بر شما برتری نمیدهد، و از شما منصرف نمیگردد، و از نزدیک شدن به شما کناره گیری نمیکند؛ خداوند این را آخرین دوره از زیارت قبرهایتان، و آمدن من به حرمهایتان قرار ندهد؛ و سلام و درود بر شما باد؛ و خداوند مرا در زمره شما محشور گرداند؛ و بر حوض شما وارد نماید، و مرا از گروه شما قرار دهد، و شما را از من خشنود کند، و در دولت شما توانمندم نماید، و در رجعت و بازگشت شما زندهام کند، و در روزهای ویژه شما به فرمانروایی ام برساند، و سعی و کوششم را به خاطر شما مورد سپاس گرداند، و گناهم را به شفاعت شما بیامرزد، و لغزشم را به محبت شما نادیده بگیرد، و مقامم را به واسطه دوستی شما والا گرداند، و مرا به واسطه فرمانبرداری از شما شریف گرداند، و به هدایت شما عزیز گرداند، و مرا از کسانی قرار دهد که رستگار، پیروز، موفق، سالم، بخشوده و بینیاز، و دست یافته به رضوان و فضل و کفایت خداوند، با بهترین آنچه هر یک از زائران و دوستان و محبّان و شیعیان شما بر میگردند، برمیگردد؛ و خداوند همواره بازگشت دوباره و چندین باره نزد شما را تا زمانی که زنده هستم، با نیت صادق، و ایمان و پرهیزکاری و فروتنی، و نیز روزی گسترده و حلال و پاکیزه را روزیام گرداند.

خدایا، این را آخرین دوره از زیارت و یاد آنان و درود فرستادن بر آنها قرار نده؛ و آمرزش و رحمت و خیر و برکت و پرهیزکاری و پیروزی و نور و ایمان و حسن اجابت، را بر من واجب گردان؛ آنگونه که بر اولیائت که عارف به حق آنان

1- . عیون الأخبار 2: 272 - 277

هستند، و طاعت آنها را واجب میدانند، و مشتاقان زیارت آنان، و مقرّبان درگاه تو و آنها هستند، واجب گردانده‌ای.

پدر و مادرم و خودم و خانواده و داراییام فدای شما باد؛ مرا مورد عنایت خود قرار دهید، و جزو گروه خود گردانید، و در شفاعتتان داخل کنید، و نزد پروردگارتان مرا یاد کنید؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و از طرف من به روحها و بدنهای آنها درود فرست؛ سلام و رحمت خداوند و برکتهایش بر او و بر آنها باد؛ و خدا بر محمد و خاندان او درود و سلام فراوان فرستد؛ و خداوند ما را بس است، و نیکو حمایتگری است.(1)

توضیح: فرمایش حضرت علیه السلام که فرمود: «و علیک السکینه»، یعنی آرامش قلب به سبب ذکر خدا و به یاد آوردن عظمت او و عظمت اولیائش؛ و «الوقار»، یعنی آرامش جسم؛ عکس آن نیز نقل شده است؛ و نزدیک کردن گامها یا برای ثواب بیشتر است، یا از روی وقار. «موضع الرساله»، یعنی مخزن علم تمام فرستادگان خداوند، - که درود و سلام بر ایشان باد، - یا قومی که خداوند فرستاده را از بین ایشان قرارداده است؛ که البته معنای نخست، آشکارتر است.

«مختلف الملائکه»، یعنی محل فرود آمدن فرشتگان و محل بالا رفتن آنان؛ و «مهبط الوحی» با فتحه و کسره حرف باء، یا به اعتبار نزول وحی بر پیامبر در خانههایشان است، یا نزول وحی بر امامان برای چیزهایی غیر از شریعت و احکام، از جمله اطلاعات غیبی، است؛ و یا اینکه موارد وحی به ایشان اعم از امور غیبی باشد (و شرایع و احکام را هم در بر گیرد)، که در شب قدر و شبهای دیگر اتفاق افتاده باشد؛ که اگر در مورد احکام شریعت باشد، برای تأکید و تبیین خواهد بود. مطالب مربوط به این بحث، در کتاب الإمامه ذکر شد. «معدن الرحمه» با کسره حرف دال است، چرا که رحمتهای خاص و عام فقط به خاطر ایشان بر کسانی که مستعد پذیرش هستند، نازل میشود؛ پژوهش و نکات مربوط به آن، پیش از این ذکر شد.

1- . عیون الأخبار 2: 277 - 278

«خزّان العلم»، طبق این، تمامی دانشهایی که از آسمان در کتب الهی نازل شده، یا بر زبان پیامبران جاری گشته است، به اضافه آنچه در شب قدر یا غیر آن، بر آنها نازل شده یا میشود، نزد آنان ذخیره شده است؛ همان گونه که ذکر شد. «منتهی الحلم»، یعنی محل آخرین درجه بردباری، یا دارای پایان آن؛ که نهایت آن برای مبالغه است؛ و «الحلم»، یا به معنی آرامش و فرو بردن خشم است؛ یا به معنی عقل است؛ معنای نخست آشکارتر است.

«اصول الکرم»؛ یعنی بزرگوار و بخشنده و عطا کننده، یا دارنده انواع خیر و شرف و فضایل؛ و هر دو معنی، و کامل بودن آن دو در ایشان، ظاهر و آشکار است؛ یا مراد این است که آنها اسباب کرم خداوند متعال بر بندگان در دنیا و آخرت هستند.

«قاده الامم»، یعنی - رهبری - طایفههای این امّت به سوی معرفت خداوند و اطاعت او در دنیا با هدایت، و به سوی درجات بهشت در آخرت با شفاعت، و یا پیشوایان مؤمنان تمام امّتها در آخرت؛ چرا که برای ایشان شفاعت بزرگی وجود دارد؛ بلکه در دنیا نیز چنین است؛ زیرا با توسل به انوار مقدس آنان، پیامبران و امّتهایشان هدایت یافتند.

«اولیاء النّعم»؛ یعنی نعمتهای ظاهری و باطنی؛ زیرا به واسطه ایشان برکتها نازل میشود، و به واسطه ایشان مردم به خوشبختیها دست مییابند. «عناصر الابرار»؛ «عناصر» با کسره حرف صاد، جمع عنصر با دو ضمه است؛ و گاهی حرف صاد فتحه میگیرد و به معنی اصل و نسب است؛ یعنی ایشان اساس نیکوکاران هستند؛ به خاطر انتسابشان به آنها و هدایت شدنشان به واسطه ایشان؛ یا این که آنها فقط به برکت ایشان وجود یافتند؛ یا به خاطر اینکه هر یک از ایشان برای خود جانشینی بر جای نهاد و او سید خوبان است.

«دعائم الاخیار»؛ «دعائم» جمع دعامه با کسره حرف دال، به معنی ستون خانه است، و ایشان سرور خوبان هستند و تکیه و اعتماد آنها بر ایشان است. «ساسه العباد»؛ «ساسه» جمع سائس است، یعنی پادشاهان بندگان و جانشینان خداوند بر آنها.

«ارکان البلاد»، زیرا که نظام هستی نیاز به وجود پیشوا و امام دارد. «ابواب الایمان»، یعنی ایمان فقط از جانب ایشان فهمیده میشود و بدون ولایت ایشان حاصل نمیگردد. «السلاله» با ضمه، یعنی آنچه از چیزی زاده شده باشد؛ فرزند. «الصفوه» با گرفتن سه حرکت توسط فاء الفعل، یعنی خلاصه و برگزیده. «الخیره» با کسره حرف خاء و سکون حرف یاء و فتحه آن، یعنی برگزیده. «علی ائمه الهدی»، یعنی هدایت لازمه و پیروشان است؛ پس ایشان پیشوایان هدایت هستند؛ یا ایشان پیشوایان مردم بر طریق هدایت هستند؛ و این معنی آشکارتر است. «الدّجی» جمع «الدجیّه» با ضمه، به معنای تاریکی است.

«أعلام التقی»؛ «الاعلام» جمع علم است، یعنی نشانه؛ و نشان راهنما؛ و کوه؛ یعنی آنها نزد هر کسی به تقوی معروف هستند و تقوی فقط از ایشان فهمیده میشود. «النهی» با ضمه، به معنی عقل است، و نیز جمع «نهیه» به معنی عقل است. «الحجی»، به وزن إلی همان عقل و زرنگی وافر است. «کهف الوری»، یعنی پناهگاه مردم در دین وآخرت و دنیا. «ورثه الانبیاء»، یعنی وارث دانشهای پیامبران و نشانههای آنان، مانند تابوت و عصا و انگشتر سلیمان و عمامه هارون و غیر آن؛ همان طور که در کتاب الامامه بیان شد.

«المثل الاعلی»، یعنی خداوند متعال در آیه نور، نور خود را به ایشان مثال زده است؛ و آن را به صورت مفرد آورده است، زیرا خداوند به همه آنان مثال زده است در حالی که نور همه آنان یکی است. «المثل» هم چنین به معنی حجت و صفت است؛ پس ایشان حجتهای خداوند و متصف به صفات او هستند؛ گویا طبق بیانی مبالغه آمیز ایشان صفات خداوند هستند. «الدعوه الحسنی»، حمل برای مبالغه میشود؛ یعنی صاحب دعوت نیکوتر؛ پس ایشان مردم را به راه نجات دعوت میکنند؛ یا مراد این است که ایشان کسانی هستند که دعای نیکو از جانب حضرت ابراهیم علیه السلام برای ایشان است؛ آنجا که فرمود: «فاجعل افئده من الناس تهوی الیهم»(1) {پس دلهای برخی از مردم را به سوی آنها گرایش ده.} و فرمود: «و من

1- . ابراهیم: 37

ذریتی»(1)

{و از دودمانم}؛ همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: من حاصل دعای پدرم ابراهیم هستم. «الاخره و الاولی»؛ «الاولی» تأکید برای دنیا است؛ یا مراد از اهل آخرت، اهل آخر الزمان باشد؛ و همین طور، اولی.

«حمله

کتاب الله»، یعنی تمام کتاب و معنا و تأویل و باطن آن همان گونه که نازل شده است، بدون نقص و تغییری، نزد ایشان است. و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین را نیز از باب تغلیب شامل میشود؛ یا این فقره از زیارت مختص به غیر آن حضرت است، و به زودی در زیارت جامعه کبیره خواهد آمد. و عبارت «وارثان رسول خدا» نیاز به تکلّف و سختی ندارد. «المستقرّین فی امرالله»، یعنی انجام دهندگان اوامر او هستند؛ یا در امر خلافت مستقر هستند.

و در بعضی نسخهها «المستوفرین» آمده است، یعنی کسانی که بیشتر از سایرین به اوامر الهی عمل میکنند. «التّامین فی محبّه الله» در برخی نسخههای قدیمی به صورت «التّامین» با حرف نون آمده و از نمو است، یعنی در آغاز سن، در سایه محبت او رشد یافتند؛ یا در هر لحظه و هر زمان بر محبتشان نسبت به او افزودند. «الذاده الحماه»؛ «الذود»، به معنای راندن و دفع کردن است؛ یعنی از دین خداوند در برابر آنچه آن را باطل میگرداند، دفاع میکنند، و از آنچه موجب هلاکت و گمراهی بندگان خدا میشود،

از آنها حمایت میکنند.

«بقیّه الله»، یعنی باقی جانشینان خداوند از پیامبران و اوصیاء، اشاره به فرمایش خداوند متعال دارد که فرموده است: «بقیّه الله خیرٌ لکم إن کنتم تعلمون» {اگر مؤمن باشید، باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است. }؛ و یا کسانی که خداوند به واسطه ایشان بندگان را حفظ کرد و بر آنها مهربانی کرد؛ پس حمل برای مبالغه است و اشاره به فرمایش خداوند متعال که فرموده است: «اولو بقیه»(2) {خردمندان }

دارد. معنای نخست، آشکارتر است.

«العیبه»، یعنی صندوق. «نوره»، یعنی کسانی که علم را با علم خداوند و هدایت او نورانی کردند؛ یا با نور وجود؛ زیرا ایشان علتهای غایی برای او هستند.

ص: 183

1- . بقره: 124
2- . هود/ 86 و 116

«العزیز»، یعنی غلبه کننده و قاهر، کسی که هیچ کس به کبریای او نمیرسد؛ و «الحکیم»، یعنی کسی که کارهایش را محکم و استوار انجام میدهد، و دانا به حکمتها و مصالح است. «القوّامون بأمره»، یعنی امامت یا عامتر از آن؛ یا کسانی که دیگران را برای فرمانبرداری از اوامر الهی آماده میکنند.

«اصطفاکم بعلمه»، یعنی به این که شما شایسته آن انتخاب هستید، دانا است؛ یا این که شما را خزانهدار علم خود قرار میدهد؛ یا این که شما را نیز همان گونه قرار دهد.

«ارتضاکم لغیبه» اشاره به فرمایش خداوند متعال دارد که فرموده است: «فلا یظهر علی غیبه أحداً إلا من ارتضی من رسول»(1) {و

کسی را به غیب خود آگاه نمیکند، جز پیامبری را که از او خشنود باشد. }؛ یا اینکه وجود رسول در این آیه، از باب تغلیب شامل آنان میشود؛ و یا اینکه معنای دیگری از آن مراد است که عامتر از معنای اصطلاحی است؛ و احتمال دارد اشاره به آن نباشد و مقصود در این آیه، حصر علم غیب بدون واسطه در فرستادگان است؛ اما علم امامان علیه السلام، فقط به واسطه رسول صلی الله علیه و آله است، و از بسیاری از روایات فهمیده میشود که لفظ «مِن» در این آیه، بیانیه نیست و مراد از موصول، امیرالمؤمنین، یا آن حضرت به همراه سایر امامان علیهم السلام است؛ زیرا ایشان از سوی رسول برگزیده شدهاند، یا آنها را به امر خداوند برای جانشینی و خلافت برگزیده است، پس نیاز به تکلف ندارد.

«اجتباکم بقدرته» اشاره به مرتبه بالای برگزیده شدن آنان دارد؛ و از آن جایی که به قدرتش نسبت داده است، اشاره به این دارد که مانند آن، از عجایب قدرتش است؛ یا برای آشکار کردن قدرتش است؛ و ممکن است مراد از آن، این باشد که نیرویش را به شما بخشید، و با قدرتش اموری که بالاتر از نیروی بشر است را از سوی شما آشکار نمود؛ همان گونه که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: در خیبر را با نیروی بدنی از جا نکندم، بلکه با نیروی ربّانی از جا درآوردم.

1- . جن/ 27

«خصّکم ببرهانه»، به معنای حجتها و دلائل؛ یا معجزات؛ یا قرآن؛ یا اعم از همه اینها است، که همین آشکارتر است.

«أیّدکم بروحه»، یعنی روحی که آن را برگزید و آن جبرئیل است که همراه ایشان است و آنها را هدایت میکند؛ همان طور که گذشت. «تراجمه لوحیه»؛ «التراجمه» با کسره حرف جیم، جمع «الترجمان» با ضمه و فتحه است، و منظور از آن، کسی است که کلام را به زبان دیگری تفسیر میکند، و مراد از آن در اینجا، مفسّر قرآن، و سایر آنچه به پیامبرمان و سایر پیامبران وحی شده است، میباشد.

«ارکاناً لتوحیده»، یعنی توحید فقط از کسی قبول میگردد که مقرون به اعتقاد به ولایت ایشان باشد؛ همان گونه که در روایات بسیاری آمده است که مخالفان ایشان، مشرک هستند؛ و این که کلمه توحید در قیامت از غیر شیعه سلب میگردد، و این که اگر آنها نباشند، توحید او تبیین نمیگردد، پس ایشان ارکان توحید هستند؛ یا به این معنی است که خداوند آنها را ارکان زمین قرار داد، تا مردم به توحید و یگانگی خداوند ایمان بیاورند؛ و این معنی بعید است.

«شهداء علی خلقه»، همان گونه که خداوند متعال فرموده است: «لتکونوا شهداء علی الناس» {تا گواهان بر خلق باشید.} در بسیاری از روایتها آمده است که اعمال بندگان بر ایشان عرضه میشود. «منارا فی بلاده»، یعنی به واسطه ایشان، اهل شهرها هدایت میشوند. «أدلاء علی صراطه»، یعنی دین ثابت او در دنیا ثابت، و راه مشخص او در آخرت.

«آمنکم من الفتن»، یعنی در دین. «أذهب عنکم الرجس»، یعنی شرک و شک و همه گناهان. «وکّدهم میثاقه»، یعنی میثاق گرفته شده از ارواح، یا عامتر که شامل بشود هم این معنی را و هم پیمانهایی که پیامبر از خلق گرفته است. «علی ما أصابکم فی جنبه»، یعنی در طاعت او، یا حقّ او، یا قرب و جوار او؛ همان طور که در مورد فرمایش خداوند متعال، یعنی «علی ما فرّطت فی جنب الله» {دریغا بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم.}، چنین گفتهاند. «صرتم فی ذلک»؛ «فی ذلک»، یعنی در جهاد؛ یا در همه اموری که در پیش بیان شد؛ و احتمال دارد کلمه «فی»،

سببیه باشد. «منه إلی الرضا»، یعنی خشنودی خداوند از شما، یا خشنودی شما از خداوند.

«فالراغب عنکم مارق»، یعنی خارج از دین است. «اللازم لکم لاحق»، یعنی به شما؛ یا به درجات عالی؛ و گفته میشود: «زهق الباطل»، یعنی از بین رفت؛ و «زهق السهم»، یعنی تیر به هدف نخورد و پشت آن افتاد. «إلیکم»، یعنی هر حقی در آخر کار به شما باز میگردد؛ چرا که شما باعث رسیدن آن به خلق هستید؛ یا در قیامت به سوی شما باز میگردد؛ چرا که حساب آنها بر شما است. «إیاب الخلق إلیکم»؛ «الإیاب» با کسره به معنی رجوع است؛ یعنی آفریدگان در دنیا برای تمام کارهایشان به آنان و به کلام و زیارتگاههای آنها مراجعه میکنند؛ یا در قیامت برای حسابرسی به آنها رجوع مینمایند؛ وهمین معنی آشکارتر است. پس مراد از فرمایش خداوند متعال که فرموده است: «إنّ إلینا إیابهم» {در حقیقت، بازگشت آنان به سوی ماست. }، یعنی به سوی اولیای ما؛ همان طور که روایات بسیاری بر آن دلالت دارد.

«و فصل الخطاب عندکم»، یعنی سخنی که جدا کننده بین حق و باطل است. «و آیات الله لدیکم»، یعنی آیههای قرآن، یا معجزههای پیامبران.

«عزائمه فیکم»، یعنی تلاش و اهتمام در تبلیغ، و صبر برسختیهای آن، و آشکار ساختن حق به عهده شماست؛ و در حق شما وارد گشته، و بر شما واجب شده است؛ یا واجباتی که ترک آن اجازه داده نشده است، در مورد شما بر بندگان واجب شده است مانند وجوب پیروی از شما، و اعتقاد به امامت و عظمت و عصمت شما؛ یا آنچه که خداوند در قرآن به آن قسم خورده است، مانند خورشید و ماه و نیمروز، مراد از آن، شما هستید، یا قسم به آنها تنها برای شما است؛ و گفته شده است: یعنی شما ملتزمان به سورههای دارای سجده واجب، و نه دارای سجدههای مستحب، هستید؛ یا اینکه سورههای عزائم؛ یا سایر آیات در شأن شما نازل شده است؛ یا قبول واجبات لازم، فقط با پیروی از شما امکان پذیر است؛ یا وفای به پیمانها و عهدهای الهی در پیروی از شما است.

«أمره إليكم»، یعنی امر امامت؛ و ظاهر عبارت اشاره به تفویض دارد. «الرحمه الموصوله»، یعنی رحمت غیر منقطع؛ زیرا بعد از هر امام، امام دیگری وجود دارد؛ همان طور که این کلام خداوند که فرموده است: «و لقد وصّلنا لهم القول لعلّهم یتذکرون» {ما پیوسته سخن را به ایشان گفتیم؛ شاید متذکر شوند.} در روایات به آن تفسیر شده است؛ یا اینکه یعنی رحمت متصل گشته بین خدا و بین آفریدگانش.

«الآیه المخزونه»، یعنی آنها نشانه قدرت خداوند متعال و عظمت او هستند؛ اما معرفت او، همان گونه که سزاوار است، جز از اولیای خاص، باز داشته میشود؛ و در آن، اشاره به این که آیههای موجود در بطن آیهها، همان امامان علیهم السلام هستند، وجود دارد؛ همان طور که در روایتها بیان شد. و همانا امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: برای خدا، نشانهای بزرگتر از من وجود ندارد.

«الامانه المحفوظه»، یعنی حفظ آنها، و بخشش جانها و مالهای جهانیان در نگهبانی از امامان، بر آنان واجب است؛ یا مراد، دارنده امانت است؛ یعنی ولایت آنان، امانت نگاه داشته شده و عرضه شده بر آسمانها و زمین است، و روایتهای بسیاری در این باره که امانت عرضه شده همان ولایت است، بیان شد؛ و بعید نیست که این کلمه در اصل، همان «المعروضه» باشد.

«الباب المبتلی به الناس» اشاره به کلام پیامبر صلی الله علیه و آله دارد که فرمود: مثل اهل بیت من، مثل باب الحطه - در میان بنی اسرائیل؛ به معنای راه آمرزش گناهان - است. در عبارت «أشهد أنَّ هذا»، اسم اشاره به وجوب پیروی مربوط است؛ یا به هر یک از چیزهایی که ذکر شده است. «سابق لکم فیما مضی»، یعنی در مورد امامان پیشین از شما جریان داشته است؛ و احتمال دارد زمانهای گذشته، و یا کتابهای پیشین منظور باشد؛ معنای نخست آشکارتر است. «فجعلکم بعرشه محدقین»، یعنی گرداگرد.

«فجعلکم فی بیوت» اشاره به این دارد که آیات نازل شده بعد از آیه نور، در مورد ایشان نازل شده است؛ همان گونه که آیات بعدی، در مورد دشمنان ایشان نازل شده است؛ و روایات بسیاری در مورد آن، پیشتر ذکر شد. مقصود از «بیوت»، یا

خانههای معنوی است که همان خانههای علم و حکمت و غیر آن، از کمالات و ذکر است، و آن کنایه از زیادی آن انوار از ایشان است؛ یا خانههای صوری که همان خانههای پیامبر و امامان - که درود خداوند بر او و بر آنا باد، - در زمان زنده بودن، و مرقدهای آنان بعد وفاتشان است. «طیّباً لخلقنا» با فتحه، اشاره به این دارد که در روایات آمده است که ولایت ایشان و محبت آنان، نشانه ولادت پاک است؛ و با ضمه، یعنی درود ما بر شما و پذیرفتن ولایت از جانب ما را سببی برای تزکیه اخلاق ما و اتصاف ما به اخلاق نیکو قرار داده است.

«و کنّا عنده مسلّمین بفضلکم»، اشاره به آنچه در روایات طینت (روایات مربوط به آفرینش مومنین از گل ائمه اطهار علیهم السلام) آمده است و نیز روایاتی که دلالت میکند نزد ایشان کتابی وجود دارد که در آن، اسامی شیعیان و پدران آنان آمده است، دارد؛ و در بعضی نسخهها «مسمّین» آمده است و شاید همین بهتر باشد. «و لا خلق فیما بین ذلک شهید»، شهید یعنی آگاه؛ یا حاضر. «و خطر الرجل» با فتحه همه حروف، یعنی قدر و منزلت. «شأن» با همزه، یعنی امر، و حال. بیضاوی(1) درباره کلام خداوند متعال که فرموده است: «فی مقعد صدقٍ» گفته است: یعنی مقام پسندیده.

«ثبات مقامکم»، یعنی قیام شما در طاعت خدا و رضایت و معرفت او. «الاسره من الرجل» با ضمه یعنی خانواده نزدیک، «السلم» با کسره، یعنی سازش و فرمانبرداری. «محتمل لعلمکم»، یعنی آنچه از شما آمده است را رد نمیکنم، هرچند که فهم من به آن نرسد. «محتجب بذمّتکم»، یعنی با وارد شدن من در پناه و امان شما، از هلاکتگاهها در پوشش هستم.

«مؤمن بإیابکم»، یعنی به بازگشت شما در دنیا برای برتری دادن دین و انتقام از کافران و منافقان، قبل از قیامت؛ و عبارت بعدی، آن را تفسیر کرده است، و این دو عبارت دلالت بر بازگشت همه امامان دارند؛ بیان آن در کتاب الغیبه گذشت. «الإرتقاب»، یعنی انتظار. گفته میشود: «لاذ به»، یعنی به او پناه برد و فریاد

1- . تفسیر البیضاوی: 705؛ چاپ استامبول، سال 1305، با حاشیه قرآن کریم

خواست. «مؤمن بسرّکم و علانیتکم»، یعنی به امام غایب و ظاهر شما؛ یا به آنچه از کمالات شما ظاهر گشته است، و به آنچه از احوالات عجیب شما که بر بیشتر آفریدگان پنهان است؛ و همین معنی آشکارتراست.

«مفوّض فی ذلک کلّه إلیکم»، یعنی در هیچ یک از کارهایتان به شما اعتراض نمیکنم، و میدانم که هر آنچه که آوردهاید، به امر خدای متعال است؛ یا تمام امورم را به شما تسلیم میکنم تا اشکالات آن را اصلاح کنید، چه در زمان زنده بودن، و چه در زمان مرده بودن؛ معنی نخست آشکارتر است. «مسلّم فیه»، یعنی به خاطر حاکم نبودن شما و غیبتتان و غیر آن، برخداوند متعال اعتراض نمیکنم؛ بلکه تسلیم میشوم و همراه شما، به قضای او خشنود میشوم؛ یعنی همان گونه که تسلیم شدید و خشنود گشتید. «قلبی لکم مسلّم»، یعنی دلم تسلیم شما است و چیزی در مورد اعمال و گفتهها و احوال شما در آن رسوخ نمیکند. «رأیی لکم تبع»، یعنی نظر من تابع نظر شما است.

«یردّکم فی أیّامه»، اشاره به رجعت دارد؛ و نیز به آنچه در روایات آمده است، مبنی بر این که مراد از روزها در کلام خداوند متعال که فرموده است: «و ذکّرهم بأیّام الله»، همان روزهای قیام و ظهور حضرت قائم علیه السلام است؛ ومراد از «الجبت و الطاغوت»، خلیفه اول و دوم، و مراد از «الشیاطین»، سایر خلفای ستمکار هستند.

«الولیجه»، یعنی وارد شده، و خویشان و نزدیکان شخص، یا کسی که او را مورد اعتماد برای خودت از غیر خانوادهات میگیری، و مرد گاهی در میان قوم است و از آنها نیست، یعنی از غیر ایشان، کسی را که در دینم و سایر کارهایم بر او اعتماد کنم، نمیگیرم؛ یا از هر کسی که او را با شما در امامت و خلافت داخل گردانیدند و از شما نیست، بیزار هستم؛ و آن اشاره دارد به این که مؤمنین در کلام خداوند متعال که فرموده است: «و لم یتّخذوا من دون الله و لا رسوله و لا المؤمنین ولیجه» {و غیر از خدا و فرستاده او و مؤمنان، محرم اسراری نگرفته اند.}، همان امامان علیهم السلام هستند؛ و بعضی از مفسران در مورد آن گفتهاند: یعنی رابط و

همرازی از مشرکان که با آنها معاشرت و دوستی میکنید. «اقتصّ أثره»، یعنی از آن پیروی کرد.

«الزمره» با ضمه، یعنی گروه و جماعت. «یکرّ فی رجعتکم»؛ «الکرّ»، یعنی بازگشت؛ گفته میشود: «کرّه»؛ و «کرّ بنفسه»، گاهی متعدّی میشود و گاهی نمیشود؛ جوهری این را بیان کرده است.(1)

و این هم چنین دلالت بر بازگشت شیعیان خاص در هنگام رجعت دارد. «من أراد الله بدأ بکم»، یعنی کسی که به شما آغاز نکند، خدا را نخواسته است، بلکه شیطان را خواسته است. «من وحّده قبل عنکم»، یعنی کسی که شما را قبول نکرد، یکتا پرست نیست، بلکه مشرک است، هرچند اظهار یکتا پرستی نماید.

«بکم فتح الله»، یعنی در وجود، یا خلافت، یا همه نیکیها؛ و احتمال دارد حرف باء، سببیه یا صله باشد. «بکم یختم»، یعنی دولت شما آخرین دولتها است، و دولت در آخرت نیز برای شما است. «ألا بإذنه»، یعنی هنگام برپا شدن قیامت، یا هر وقت دیگر که او بخواهد. گفته میشود: «طأطأ رأسه»، یعنی سرش را خم کرد و پایین آورد. «بخع کلّ متکبّر لطاعتکم»؛ «بخع بالحق، بخوعاً»، یعنی به آن اقرار کرد، و برای آن فروتنی نمود، مانند «نجع» با کسره، «نجاعه»؛ و در بعضی نسخهها با حرف نون آمده است؛ «نخع لی بحقّی»، مانند «منع»، یعنی به حق من اقرار کرد.

«ذکرکم فی الذّاکرین»، یعنی هرچند ذکر شما در ظاهر در بین ذکر گویندگان است، اما نسبتی بین ذکر شما و ذکر دیگران نیست. «فما أحلی أسمائکم»، و عبارتهای بعدی نیز این گونه است، و تطبیق این بندها با اندک تکلّفی ممکن است، هرچند نیازی به آن نیست؛ زیرا مجموع آنها در برابر مجموع بندهای دیگر است. «منتهاه»، یعنی هر خیری در آخرت به سوی شما باز میگردد؛ چون شما عامل آن خیر هستید؛ یا خیرات کامل و نازل شده از سوی خدا به شما منتهی میشود و بر شما نازل میگردد. «جمیل بلائکم»، یعنی نعمت شما؛ و «البلاء»، ممکن است بخشش و رنج و سختی باشد. «غمره الشیء»، یعنی شدت و ازدحام آن. «من شفا

1- . صحاح الجوهری 2: 805

جرف الهلکات»؛ «شفا» از هر چیز یعنی لبه و کناره آن؛ «الجرف» با یک یا دو ضمه، یعنی آنچه را که سیلها از جا کنده و از زمین، خورده و برداشته است؛ جوهری این را گفته است.(1)

«بموالاتکم تمّت الکلمه»، یعنی کلمه توحید، یا ایمان؛ اشاره به فرمایش خداوند بلند مرتبه که فرموده است: «الیوم أکملت لکم دینکم» {امروز دین شما را برایتان کامل گردانیدم.}، دارد. «المفترضه» به صیغه مفعول است؛ گفته میشود: «إفترضه الله»، یعنی خداوند آن را واجب نمود. «لکم المودّه الواجبه»، یعنی در کلام خداوند متعال که فرموده است: «قل لا أسئلکم علیه أجراً إلّا المودّه فی القربی» {بگو من مزدی از شما نمیخواهم، جز دوستی شما در اهل بیتم.}.

«المقام المحمود»، همان مقام شفاعت بزرگ است؛ همان طور که خداوند بلند مرتبه فرموده است: «عسی أن یبعثک ربّک مقاماً محموداً» {امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند.}. «المقام المعلوم»، یعنی در نزدیکی و کمال؛ اشاره به فرمایش خداوند بلند مرتبه دارد که فرموده است: «و ما منّا إلا له مقامٌ معلوم» {و هیچ یک از ما [فرشتگان] نیست مگر [اینکه] برای او [مقام و] مرتبه ای معیّن است.}؛ همان طور که گذشت، در بطن آیه وجود دارد. «لا تزغ قلوبنا»، یعنی آن را به باطل مایل مگردان. در عبارت «أن کان»، «أن» مخففه از مثقله است؛ «وعد ربّنا لمفعولاً»، یعنی آنچه از اجابت شدن دعاها، و مضاعف کردن ثواب ها به ما وعده داده است.

«لایأتی علیها إلّا رضاکم»، یعنی فقط خشنودی شما از ما، و شفاعت شما برای ما آن را از بین میبرد و محو مینماید؛ گفته میشود: «أتی علیه الدهر»، یعنی روزگار او را هلاک گرداند. در عبارت «لمّا استوهبتم»،

کلمه «لمّا» ایجابی است، به معنی «إلّا»؛ یعنی از شما در همه احوال درخواست مینمایم، و شما را قسم میدهم، جز در حالت بخشش خواستن شما از خداوند برای من، که آن هم، زمان دست یافتن به خواسته است. «و لا قالٍ»، یعنی کینه توز. «و لا مالّ»، برگرفته از ملال

1- . الصحاح 4: 1336

است. «أعلا کعبی بموالاتکم»، یعنی مرا بر دشمنانم غلبه دهد؛ به این صورت که آنها را زیر پایم قرار دهد؛ یا اینکه مراد، مطلق علو و برتری است؛ و جزری در مورد داستان قیله گفته است:(1)

به خدا سوگند، مقام تو پیوسته عالی خواهد بود؛ و آن دعای طلب شکوه و بزرگی برای او است. تمام.

«الإخبات»، یعنی فروتنی. «اجعلونی فی همّکم»، یعنی مرا از کسانی قرار دهید که به امورشان اهتمام میورزید، و شما به شفاعت آنان نسبت در دنیا و آخرت توجه دارید.

میگویم: سخن را در شرح این زیارت کمی بسط دادم، هرچند به دلیل ترس از زیاده روی، حق آن را به طور کامل ادا نکردم؛ چون این زیارت از صحیحترین روایات در سند، و از فراگیر ترین زیارات از نظر مورد، و از فصیحترین آنها در لفظ، و از بلیغترینشان در معنی، و از والاترین آنها در جایگاه میباشد.

میگویم: از میان یکی از نوشتههای اصحابمان یک نسخه قدیمی دیدم که این زیارت را در آن ذکر کرده و قبل از آن، دعای اذن را آورده و گفته است: هنگامی که وارد صحن شدی، روبروی قبله بر در بایست و بگو:

خدایا، من بر در خانهای از خانههای پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله ایستادهام و تو از وارد شدن مردم به خانههایشان جز به اجازه آنان باز داشته و فرمودهای: «ای کسانی که ایمان آوردهاید، به خانههای پیامبر وارد نشوید، مگر اینکه به شما اجازه داده شود؛» خدایا، من به حرمت پیامبرت در غیبت او ایمان دارم، همان طور که در حضور او اعتقاد دارم، و میدانم که پیامبران و جانشینان تو زندهاند و نزد تو روزی میخورند، *مکان مرا در این وقت و زمان میبینند، و سخن مرا میشنوند، و جواب سلامم را میدهند، و تو شنیدن کلام آنها را از من باز داشتی، و دریچه فهم و درک من به لذت مناجاتهایشان را باز کردی؛ پس در ابتدا از تو اجازه میخواهم ای پروردگار، و در مرحله دوم، از رسول تو - که درودهای تو بر او و بر خاندان او باد، - اجازه میخواهم؛ و از خلیفهات، امامی که طاعتش را بر من

1- . النهايه 4: 23

واجب ساختی، برای وارد شدن به خانهاش در این ساعت اجازه میخواهم؛ و از فرشتگان

فرمانبردار برای تو و شنوا که سرپرستی این بارگاه با برکت را بر عهده دارند، اجازه ورود میخواهم؛ سلام بر شما ای فرشتگان گمارده شده برای سرپرستی این زیارتگاه با شکوه و با برکت، و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد.

من با اجازه خدا و اجازه فرستاده او، و اجازه جانشینانش، و اجازه این امام، و با اجازه شما که درود خداوند بر همه شما باد، وارد این خانه میشوم تا به واسطه فرستادهاش محمد و خاندان پاک او به خداوند متعال تقرّب جویم؛ پس ای فرشتگان خداوند، یاوران و همراهان من باشید تا وارد این خانه گردم، و از خداوند به شیوههای گوناگون درخواست نمایم، و به بندگی او و فرمانبرداری از این امام و پدرانش - که درود خداوند بر آنها باد، - اعتراف کنم

سپس در حالی که پای راستت را جلوتر میگذاری داخل شو و بگو: به نام خدا و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا، گواهی میدهم که هیچ خدایی جز الله نیست، او یگانه است و شریکی ندارد، و گواهی میدهم که محمد، بنده و فرستاده او است.

سپس صد مرتبه «الله اکبر» بگو و روبروی ضریح بایست و قبله را در روبرویت داشته باش و بگو: سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر...، و درست مانند آنچه پیشتر گذشت، نقل نموده است؛ جز اینکه بعد از کلام حضرت علیه السلام که فرموده است: «به یقین، وعده پروردگارمان محقق میشود.»، گفته است: سپس روی قبر بیفت و بگو: ای ولیّ خدا...؛ تا آخر زیارت.

5. سپس بدان هنگامی که این زیارت را در نسخه اصلی تصحیح شده قدیمی از نوشتههای اصحاب پیشینمان دیدم، که آن را در ابتدای کتابمان، به «کتاب العتیق» نام نهادیم که گستردهتر از این زیارت است که در اینجا آوردیم؛ علاوه بر این که اختلافاتی در بین الفاظ آن وجود داشت؛ از این رو بهتر دیدم که آن را بیاورم، و آن را زیارت سوم قرار دادم:

زیارت سوم:

ص: 193

گفته است: هرگاه به مرقد آنها رسیدی، بگو: حمد و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است، او بخشایشگر و مهربان است، کسی که مانندی برای او وجود ندارد، و او شنوا و دانا است، و هیچ خدایی جز الله پادشاه حقیقی و آشکار، وجود ندارد، و خداوند، پروردگار عرش بزرگ، پاک و منزه است؛ درودها و تحیتها و مهربانی و آمرزش و رضوان و فضل و کرامت و رحمت و برکتهای خداوند، و درودهای فرشتگان مقرّب او، و پیامبران فرستاده شدهاش، و شهیدان و صدیقان، و بندگان نیک او، و هر کس از اولین و آخرین که تسبیح خدا کند، به گنجایش همه آسمانها و زمینها، و به گنجایش همه چیزها، و به تعداد همه چیزها، تا ابد، و مانند ابد، و بعد از ابد مانند ابد، و چندین برابر تمامی آن، و در همه آنها به صورت سرمدی و پیوسته، به همراه جاودانگی فرمانروایی خداوند و بقای صورت بزرگوارانه او، بر آقای فرستادگان، و آخرین پیامبران، و امام پرهیزکاران، و سرپرست مؤمنان، و پناه جهانیان، و چراغ بینندگان، و امان بیمناکان، و دنبالهرو ایمان، و همنشین قرآن، و نور نورها، و هدایتگر نیکوکاران، و ستون خداوند جبار، و حجت او بر جهانیان، و برگزیدگان او از میان پیشینیان و پسینیان، محمد پسر عبدالله، پیامبر و فرستاده و دوست و برگزیده و خاص و خالص و رحمت و نور و نماینده و امانتدار و حجاب و چشم و یاد و ولیّ و و کنار و راه او، و دستاویز محکم، و ریسمان استوار، و برهان آشکار، و مثل اعلا، و دعوت نیکو، و نشانه بزرگ، و حجت با عظمت، و فرستاده بزرگوار، و مهرورز و مهربان، و نیرومند و شکست ناپذیر و شفاعت کننده و فرمانروا، و بر تمامی امامان، باد. سلام بر:

امیرالمؤمنین علی، و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و واپسین جانشین، مهدی؛ بر او و بر آنان، که پاکان و پاکیزگان و فرمانبرداران و مقرّب درگاه خداوند هستند، بر همه آنان درود و رحمت باد. برترین سلام خدا و فراوانترین رحمت او، و پاکترین تحیتها، و شریفترین درودها، و بزرگترین برکتهای او، تا ابد و از سوی تمامی مردان و زنان با ایمان، زنده و مرده، از جانب من و پدر و مادر و خانواده و فرزندان و برادران و خواهران و خانواده و نزدیکان من، در مدت باقیمانده عمر من، و بعد از وفاتم، و تا آن زمان که

خورشید طلوع و غروب کند، بر او و بر همه آنان باد؛ سلام خداوند بر آنها در میان پیشینیان باد؛ سلام خداوند بر آنها در میان پسینیان باد؛ و سلام خداوند بر آنها در روزی که مردم برای پروردگار جهانیان بر میخیزند، باد.

سلام بر تو ای پیامبر، و رحمت خداوند و برکتهای او بر تو باد؛ سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیده خداوند از آفریدگانش، و بهترین او از میان مخلوقاتش؛ سلام بر تو ای امانتدار خدا بر رسالت، و امور بزرگ او، پایان بخش گذشتگان، و باز کننده آنچه بسته شده(1)

است، و سیطره یافته بر همه آنها؛ و رحمت خداوند و برکتهای او بر تو باد؛ سلام بر تو ای پیشوای فرستادگان، سلام بر تو ای آخرین پیامبران، سلام بر تو ای امام پرهیزکاران، سلام بر تو ای سرپرست مؤمنان، سلام بر تو ای سرور مسلمانان، سلام بر تو ای حجت خداوند بر جهانیان، سلام بر تو ای بنده خالص خدا، و دوست و حبیب و برگزیده او از گذشتگان و آیندگان، سلام بر تو ای مژده دهنده و بیم دهنده، سلام بر تو ای محمد پسر عبدالله، سلام بر تو ای اباالقاسم و بر خاندان تو؛ و رحمت خداوند و برکتهای او بر تو باد.

سلام بر شما ای خاندان نبوت، و جایگاه رسالت، و مرکز فرود آمدن و بالا رفتن فرشتگان، و جای فرود آمدن وحی، و معدن رحمت، و جایگاه آرامش، و گنجینهداران دانش، و سر حد نهایی بردباری، و اصول و اساس کرم و بزرگواری، و پیشوایان ملّتها، و در اختیار دارندگان نعمتها، و ریشه و اصل نیکان، و استوانههای خداوند جبار، و سیاست مداران امور بندگان، و پایهها و ستونهای شهرها، و درهای ایمان، و امانتداران خداوند رحمان، و نژاد پیامبران، و زبده رسولان، و آل یاسین، و خانواده انتخاب شده پروردگار جهانیان؛ و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد. سلام بر شما پیشوایان هدایت، و چراغهای تاریکی، و اهل تقوی، و نشانه های پرهیزکاری و صاحبان خرد، و دارندگان عقل و هوشیاری، سروران مخلوقات، و ماههای تابان دنیا، و وارثان پیامبران، و نمونه والا، و اهل دعوت نیکو، و حجّت

1- . گره زده شده. خ ل

های خدا بر کسانی که در آسمان و زمین و آخرت و دنیا هستند ؛ و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد.

سلام بر جایگاههای شناخت خدا، و مسکنهای برکت خدا، و کانهای حکمت و فرزانگی خدا، و گنجوران علم خدا، و نگهبانان راز خدا، و حاملان کتاب خدا، *و وارثان رسول خدا صلی الله علیه و آله؛ و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد. سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا، و رهنمایان به سوی خدا، و اذندارندگان از سوی خدا، و برپا کنندگان حق خدا، و سخن گویان از طرف خدا، و استقرار یافتگان در فرمان خدا، و وارستگان در طاعت خدا(1)،

و اعتراف کنندگان به دین خدا، و کاملان در دوستی و محبّت خدا، و بندگان گرامی او، آنان که در گفتار به خداوند پیشی نگیرند، و آنان که به دستورش عمل کنند؛ و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد.

سلام بر امامان دعوت کننده به خدا، و راهنمایان به سوی خدا، و کسانی که از طرف خداوند خبر میدهند، و قیام کنندگان به حق خدا، و گویندگان از طرف خدا، و بسیار عمل کنندگان به امر خدا، و مخلصان در طاعت خدا، و آشکار بیان کنندگان دین خدا، و کاملان در محبت خدا، و بندگان گرامی خداوند کسانی که در سخن از او پیشی نمی گیرند و به امر او عمل می کنند، و رحمت و برکات خداوند بر ایشان باد. سلام بر امامان دعوت کننده به سوی خدا، و پیشوایان هدایتگر، و آقایان سرپرست، و دفاع کنندگان و حامیان - از دین خدا - ، و شیرمردان آب - حیات - رساننده، و اهل ذکر، و فرمانداران و نمایندگان خدا، و باقینهادههای خدا و برگزیدگان او، و خاصان او و گروه او و چشم او، و حجّت او و کنار او، و راه او و نور او؛ و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد.

گواهی میدهم که هیچ خدایی جز الله نیست، یگانه است و هیچ شریکی ندارد؛ همان گونه که خدا برای خودش گواهی داده است، و فرشتگانش و دانشمندان از آفریدگانش بر آن گواهی دادهاند، هیچ خدایی جز او که شکست ناپذیر و حکیم

1- . در یکتا پرستی خدا. خ

است، وجود ندارد؛ و گواهی میدهم که محمّد، بنده او، و فرستاده انتخاب شده او، و پیامبر مورد امید او، و دوست برگزیده او، و امانتدار پسندیده اوست که او را بیم دهندهای در میان پیشینیان، و فرستادهای برای پسینیان، با هدایت و آیین حق فرستاد، تا بر همه آیینها پیروز کند، و گرچه مشرکان خوش نداشته باشند؛ پس حضرت صلی الله علیه و آله، آنچه را که به آن امر شده بود آشکارا بیان کرد و آنچه را که به او واگذار شده بود، تبلیغ نمود، و امتش را نصیحت کرد، و در راه پروردگارش مجاهدت نمود، و با حکمت و پند نیکو به سوی او فرا خواند، و بر آزارهایی که در راه خدا به او وارد آمد، شکیبایی نمود، او را صادقانه و از روی تصدیق و با شکیبایی و حسابگرانه، و نه از روی سستی و همراه با کوتاهی، بندگی کرد، تا از دنیا رفت.

گواهی میدهم که دین همان گونه است که وضع کرد، و کتاب همان گونه است که تلاوت نمود، و حلال همان است که حلال دانست، و حرام همان است که حرام شمرد، و تمییز حق و باطل همان است که به آن حکم کرد، و حق همان است که گفت، و هدایت همان است که به آن امر نمود؛ و گواهی میدهم کسانی که او را تکذیب کردند و با او مخالفت نمودند، و بر او دروغ بستند، و حق او را نادیده گرفتند، و فضل او را انکار نمودند، و او را متهم ساختند، و به جانشین او ظلم کردند، و با او دشمنی نمودند، و خلافت او را غصب کردند، و پیمان وی نسبت به او را گسستند، و بیعت حضرت را برای او شکستند، و اساس ظلم و ستم و دشمنی بر خاندان او را بنیان نهادند، و آنها را کشتند و غیر از ایشان را به سرپرستی گرفتند، چنین کسانی در پایینترین مرتبه جهنم، عذاب دردناک را خواهند چشید، عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و آنها در آنجا نومیدند؛ آنها مورد نفرین خداوند، و سر خود را از خواری به زیر افکندهاند؛ پس پشیمانی و رسوایی طولانی را با افراد بسیار پست و بد،

ببینند، و با صورتهای خود بر آتش افتادهاند؛ و گواهی میدهم کسانی که به او ایمان آوردند و او را تصدیق نمودند و یاریاش کردند و محترمش شمردند، و به او پاسخ مثبت دادند، و عزیزش داشتند و از او پیروی نمودند، و نوری را که با او نازل شده است، پیروی کردند، فقط آنها رستگاران هستند، و در بهشت پر از نعمت،

و کامیابی بزرگ، و خرسندی و شادمانی، و ملک بزرگ و ثواب جاوادنه در مقام بزرگوارانه خواهند بود.

پس خداوند او را با بهترین پاداش، و بهترین آنچه پیامبری از امت خود، و فرستاده شدهای از کسانی که به سوی آنها فرستاده شده، پاداش گرفته است، از سوی ما پاداش دهد؛ و بهترین نوع فضیلتها را به او اختصاص دهد، و او را به والاترین شکوه بزرگواران، از درجات بلند مرتبه در اعلی علیین، در باغها و جویها، در جایگاه صدق و راستی نزد پادشاه مقتدر، برساند؛ و به او آنقدر عطا کند تا خشنود شود، و بعد از خشنودی نیز بر آن بیفزاید، و او را نزدیکترین خلق برای همنشینی خود، و مقرّبترین آنان، و والاترینشان در جاه و مقام، و بلندمرتبهترینشان در نزد خود، و بهترینشان بر او در حمد و ثناء، و نخستین سخن گویندگان با او، و پرطرفدارترین پیامبران، و با نصیبترین خلق، و بهرمندهترین آنها در هر خیر که او تقسیم کننده آن بین آنها است، قرار دهد؛ و پاداش او را از سوی تمامی مؤمنان، از اولین و آخرینشان، به خوبی عطا کند.

و گواهی میدهم که شما پیشوایان رشد یافته و راه یافته، وارستگان گرامی، مقرّبان پرهیزکار، برگزیدگان فرمانبردار خدا، قیام کنندگان به فرمان او، انجام دهندگان خواسته او، دست یافتگان به مقام کرامت او هستید.

او به علم خود شما را برگزید، و برای خود پرورش داد، و برای اسرار غیبی خود، شما را پسندید، و برای راز خود انتخابتان کرد، و به قدرتش اختیارتان کرد، و به راهنمایی خود عزیزتان نمود، و به دلایل روشنش مخصوصتان داشت، و شما را برای نور خود برگزید، و شما را به روح خود تأیید کرد، و شما را برای جانشینی در زمینش پسندید، و شما را حجّتهایی بر آفریدگانش، و یاورانی برای دینش، و نگهبانانی برای حکمش، و گنجینهدارانی برای دانشش، و امانتداران حکمتش، و مفسران وحیاش، و پایههای یکتا پرستیاش، و نمایندگانی از سوی او، و گواهانی بر آفریدگانش، و سببهایی به سوی او، و نشانههایی برای بندگانش، و مشعلهایی در شهرهایش، و راههایی به سوی بهشتش، و راهنمایانی بر راهش باشید.

خداوند شما را از گناهان نگاه داشت، و از عیبها به دور داشت، و بر امور غیبی امانتدار ساخت، و آفتها را از شما دور ساخت، و از بدیها حفظ نمود، و از آلودگی و گمراهی پاک کرد، و از لغزشها و خطا نگاهتان داشت، و از شما پلیدی را دور کرد، و شما را از فتنهها و گرفتاریها ایمن داشت، و بندگانش را به شما سپرد، و امور را به شما واگذار نمود، و برای شما تدبیر قرار داد، و اسباب را به شما شناساند، و کتاب را در میان شما به ارث گذاشت، و کلیدها را به شما عطا نمود، و آنچه را خلق کرده برای شما تسخیر نمود، شما نیز شوکتش را بزرگ شمردید، و مقامش را بزرگ دانستید، و از عظمتش ترسیدید داشتید، و بزرگواریاش را ستودید، و به ذکر او ادامه دادید، و پیمانش را محکم کردید، و گره ریسمان طاعتش را محکم کردید ، و در پنهانی و آشکار برای رضای او خیرخواهی کردید، و مردم را با حکمت و پند نیکو به راه او دعوت کردید، و در راه خشنودی او از جان خود گذشتید، و در مقابل پیشامدهای ناگوار به خاطر او بردباری کردید، و امر او را آشکار نمودید، و کتاب او را تلاوت کردید، و از خشم و گرفتار کردن او ترساندید، و روزهای - ویژه - او را یادآور شدید، و به عهد او وفا نمودید، و نماز را برپا داشتید، و زکات را پرداختید، و امر به معروف و نهی از منکر کردید، و در راه خدا آن طور که باید جهاد و مبارزه کردید، و آنگونه که بهتر است مجادله کردید، تا بالاخره دعوت حق را آشکار، و دشمنان او را ریشه کن ساختید، و دین او را آشکار نمودید، و واجبات او را بیان داشتید، و حدود و مقرراتش را برپا داشتید، و دستورات و احکامش را بیان کردید، و روش او را مقرّر داشتید، و در راه رضای او گام برداشتید، و تسلیم قضا و قدر او شدید، و پیامبران گذشته او را تصدیق کردید.

پس کسی که از شما روی گردانده، از دین خارج گشته است، و آن که ملازم شما بوده، به حق رسیده است، و آن که در حق شما کوتاهی کرده، نابود گردیده است، و حق همراه شما و در میان شما و از جانب شما است و به سوی شما باز میگردد، و شما اهل حق و معدن آن هستید، و میراث نبوت نزد شما است، و بازگشت خلق خدا به سوی شما است، و حسابشان با شما است، و سخنی که حق و باطل را جدا کند نزد شما است، و آیات خدا پیش شما است، و تصمیمات قطعی او

درباره شما است، و نور او نزد شما است، و دلیل روشنش از سوی شماست، و امر امامتش واگذار شده به شما است؛ هر کس شما را دوست بدارد، همانا خدا را دوست داشته، و هر کس از شما اطاعت کند، همانا خدا را اطاعت کرده، و هر کس به شما محبّت داشته باشد، همانا به خدا محبّت داشته، و هر کس به شما چنگ زند، همانا به خدا چنگ زده است.

ای سروران من، و چه خوب سرورانی هستید، شاهراه و راه راست، و گواهان در این خانه زودگذر دنیا، و شفاعت کنندگان در خانه پایدار قیامت، و رحمت پیوسته حق، و نشانه پنهان در گنجینه، و امانت نگهداری شده، و آن درگاهی که مردم به وسیله آن آزمایش شوند، شما هستید. هر کس به نزد شما آمد، [به یقین] نجات یافت، و هر کس نیامد، [به یقین] گمراه شد؛ به سوی خدا دعوت میکنید،* و به او ایمان دارید، و تسلیم او هستید، و به دستورش عمل میکنید، و به سوی راه او ارشاد میکنید، و به گفتار او حکم میکنید، و به سوی او باز میگردید و تنها او را بزرگ میشمرید؛ هر کس با شما دوستی نمود، سعادتمند شد، و هر کس با شما دشمنی کرد هلاک گشت، و هر کس به شما جاهل گشت، دست خالی، و هر کس از شما برید، گمراه گردید؛ و هر کس به شما تمسک جست پیروز گردید، و هر کس به شما پناه آورد ایمن گشت، و هر کس شما را تصدیق نمود سالم ماند، و هر کس به شما پناه آورد، هدایت یافت.

هر کس از شما پیروی کند، بهشت جایگاه او است، و هر کس با شما مخالفت کند، دوزخ جایگاه او است، و هر کس شما را انکار کند، کافر، و هر کس با شما بجنگد، مشرک است؛ و هر کس شما را رد کرد، در ته جهنم جای دارد. گواهی میدهم که این مقام و منزلت در گذشته برای شما ثابت بوده، و در آینده نیز برای شما جاری است؛ و همانا نورهای شما و بدنهایتان(1) و وجودتان و سایهتان و روحهایتان و سرشتتان یکی است؛ همه آنها گرامی و با عظمت و پربرکت و مقدس و پاک و پاکیزه، و برخی از برخی دیگر است؛ شما همواره در نظر عنایت خدا و در پیش او

1- . و نامهایتان. خ ل

بودید؛ در ملکوت او فرمان میراندید، و برای او جانشینی میکردید، و تنها او را تسبیح میکردید، و گرداگرد عرش او بودید، و آن را احاطه کرده بودید، تا شما را بر ما گذر داد.

و شما را «در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود؛ در آن [خانه] ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند.» قرار داد؛ مردانی که خود خداوند متعال پاک کردن آن ها را به عهده گرفت؛ و به بندگانش دستور داد تا آنها را بزرگ شمارند؛ و آن خانه ها را بر هر خانهای در زمین که پاک گردانده است، برتری داد؛ و بر هر خانهای که در آسمان پاکش نمود، بلند گردانید؛ نه ارزشی به پای آنها میرسد، و نه به بلندای سقف آنها، نظری؛ و نه به زمین آنها نگاه طمعباری(1)؛ و نه به کنه آن، اندیشهای؛ بشری با ساکنانش برابری نمیکند، هر کسی آرزو میکند که کاش از شما بود، ولی شما آرزو نمیکنید که کاش از غیر خودتان بودید؛ شما نهایت بزرگواریها و شرافت هستید، و نورها و عزت و مجد و سروری در شما استقرار یافته است، و کسی جز خدای بزرگ و بلند مرتبه، بالاتر از شما و نزدیکتر به او، و خاصتر نزد او، و بزرگوارتر از شما بر او نیست.

شما آرامش شهرها، و نور بندگان هستید، و اعتماد و امید در روز ندا دادن [قیامت] به شماست، هر گاه حجتی از شما غائب شود، یا ستارهای از شما غروب کند، خداوند به دنبال آن، برای بندگانش جانشینی، و امامی هدایتگر، و برهانی آشکار، و نشانهای روشن، که هریک گوش شنوایی از دیگری، و هدایتگری بعد از هدایتگر دیگر، و خازن علم و نگهبان بودند، معرفی نمود؛ خداوند بخشش ریزان خود را از شما نمیکاهد، و ریشه آن را قطع نمیکند، و میراث آن را از شما سلب نمیکند، و این سببی پیوسته از طرف خدا به شما، و رحمتی از او بر ما، و نوری از سوی او برای ما، و حجتی از ناحیه او بر ما است؛ ما را به سوی او ارشاد میکنید، و مقرّب او میسازید، و به او نزدیک میکنید؛ او درود ما را بر شما، و ذکرهای ما را

1- . و نه به گسترگی زمین آن. خ ل

برای شما قرار داد؛ و آنچه از دوستی شما را که به ما اختصاص داد، و از فضیلت شما به ما شناساند، همه را موجب پاکی اخلاق ما، و پاک شدن جانهای ما، و مایه برکتی در ما گرداند؛ زیرا ما در نزد او شناخته شده در گروه شما، و اعتراف کنندگان به برتری شما، و شناخته شدگان به تصدیق کنندگان مقام شما، و یاد شوندگان به اطاعت کردنمان از شما، و از مشهور شدگان به ایمان ما به شما، هستیم.

پس خداوند شما را به باشکوهترین جایگاه بزرگواران، و بلندترین منازل مقرّبان، و بالاترین درجات فرستادگان رساند؛ آن جا که کسی به آن نرسد، و بالاتر از آن جایگاه کسی راه نیابد، و پیش روی بر آن پیشی نگیرد، و برای رسیدن به آنجا کسی طمع نبندد؛ تا این که هیچ فرشته مقرّب، و هیچ پیامبر فرستاده شده، و هیچ صدّیق، و هیچ شهید، و هیچ دانشمند، و هیچ نادان، و هیچ پست، و هیچ برتر، و هیچ مؤمن نیک کردار، و هیچ تبهکار بدکار، و هیچ گردنکش ستیزه جو، و هیچ اهریمن سرکش، و هیچ آفریده دیگری در میان آنان که نظاره گر باشد، باقی نماند، جز آن که خداوند شکوه امر شما، و عظمت مقام شما، و بزرگی(1)

منزلت شما، و جلالت ارزش شما، و کامل بودن نورتان، و درستی منصب شما، و پابرجا بودن مقامتان، و شرافت جایگاهتان، و منزلتی که پیش او دارید، و بزرگواری شما در برابر او، خاص بودن شما در پیش او، و نزدیک بودن جایگاه شما نسبت به خودش، را به او شناساند.

سپس ویژهترین درودها و برترین آنها، و فزایندهترین(2) برکتها و باشکوهترین آنها، و پاکیزهترین تحیتها و کاملترین آنها را از سوی خود و فرشتگان مقرّب، و فرستادگان و پیامبران برگزیده خود، و شهیدان و نیکان از بندگان وارستهاش، آن چنان که او شایسته آن است، و آن چنان که شما شایسته آن هستید، تا ابد بر شما قرار داد.

ای سروران من، پدر و مادرم و خودم به فدای شما، خدا را و شما را گواه میگیرم که من بنده شما هستم، و خوشا به حال من اگر مرا به بندگی خود بپذیرید؛ و من به شما و به آنچه ایمان آوردید، ایمان آوردم، و به دشمن شما و آنچه به آن

1- . بزرگ. خ ل
2- . فراوانترین. خ ل

کفر ورزیدید، کافر هستم؛ و به شأن و مقام شما، و گمراهی مخالفان شما آگاه هستم؛ دوستدار شما و دوستدار دوستان شما، و دشمن دشمنانتان، و نفرین کننده بر آنها، و بیزاری جوینده از آنها، و خشمدارنده نسبت به آنها هستم؛ با کسانی که با شما در آشتی باشند، در آشتی، و با کسانی که با شما بجنگند، در جنگ هستم؛ و حق داننده آنچه شما حق دانستید، و باطل کننده آنچه باطل ساختید، و فرمانبردار شما، و آشنا به حق شما، و اقرار کننده به برتری شما، و دنبالهرو شما، و تسلیم سخن شما، و پذیرنده دانش شما، و پوشانده شده در امان شما، و باورمند به بازگشت شما، و تصدیق کننده رجعت شما، و منتظر روزهای شما، و امیدوار دولت شما، گیرنده سخن شما، و عمل کننده به امر شما، پناه آورنده به شما، و چنگ زننده به ریسمان شما، و نگهبان شما، زیارت کننده شما، پناه آورنده به قبرهای شما، و پناه آورنده به شما، شفاعت جوینده از شما نزد خداوند، و متوسل شونده به شما به درگاه خداوند هستم.

شما ذخیره من برای دیدار او هستید، و شما مرا کافی هستید، و من به واسطه شما به درگاهش تقرّب میجویم، و شما را پیشاپیش همه درخواست ها و نیازها و ارادهام در همه احوال و امورم در دنیا و دین و آخرت، و محل بازگشت و منزلگاهم، قرار میدهم. و من به نهان و ظاهر شما، و شاهد و غایب شما، و اول و آخرین شما ایمان دارم، و همه آنها را به شما واگذار میکنم، و در آنها تسلیم شما هستم، و از رأی و نظر شما پیروی میکنم، و آماده یاری شما هستم، تا خداوند دینش را به واسطه شما احیا کند، و شما را برای عدالتش آشکار نماید، و شما را در روزهایش باز گرداند، و برای آفریدگانش برپا دارد، سپس در زمین خود، مالکتان سازد.

پس من با شما هستم، همراه شما، و نه همراه دیگری، و به سوی شما میآیم، به سوی شما، و نه به سوی دشمن شما؛ من به شما ایمان آوردم، و ولایت آخرین فرد را قبول کردم، همان گونه که ولایت اولین فرد از شما را پذیرفتم؛ و از دشمنانتان، جبت و طاغوت، و ابلیسها و شیطانها، و از دسته و پیروان آنان، و دوستان و صاحبان آنان، و خشنود شدگان از آنها و کردارشان، و بازدارندگان از شما، و ستمگران به شما، و پایمال کنندگان حق شما، و جدا شوندگان از شما، و

غصب کنندگان ارث شما، و کسانی که مردم را از گرد ولایت شما پراکنده میکنند(1)

،و منحرف شدگان از شما، و از هر همدمی غیر از شما، به درگاه خداوند برائت جستم.

و خداوند مرا همیشه تا زمانی که زندهام، و بعد از وفاتم، بر دوستی و محبت و دین شما ثابت قدم گرداند، و توفیق فرمانبرداری شما را نصیبم گرداند، و شفاعت شما را روزیام نماید.

و مرا از دوستان برگزیده شما، دنبالهرو آنچه به آن امر نمودید، از کسانی که از شما پیروی میکنند، و در راه شما حرکت میکند، و به هدایت شما اقتدا میکند،(2)

و شیوه شما را دنبال میکند، و همگروه شما میشود، و به شما چنگ میآویزد، و در زمره شما محشور میشوند، و در بازگشت شما باز میگردد، و در حکومت شما فرمانروا میشود، و در عافیت شما وارد میشود، و در روزهای ظهور شما متمکّن میگردد، و فردای قیامت دیدهاش به دیدار شما روشن میگردد، قرار دهد.

پدر و مادرم و خودم و خانواده و داراییام فدای شما باد؛ هر کس خدا را بخواهد، از شما شروع میکند، و هر کس خدا را دوست بدارد، از شما پیروی میکند، و هر کس اقرار به توحید کرد، از شما میپذیرد ، و هر کس قصد او کند، به شما گرایش پیدا میکند؛ ای سروران من، من نمیتوانم فضلیتهای شما را بشمارم، و ثنای شما را به عدد در بیاورم، و به کنه مدح شما، و در توصیف به اندازه منزلت شما برسم.

شما نور نورها، هدایتگر نیکوکاران، امامان برگزیدگان، و جانشینان خداوند جبار هستید؛ خداوند - آفرینش را - به واسطه شما آغاز نمود، و به واسطه شما به پایان میبرد؛ و به وسیله شما است که آسمان را میگیرد، تا جز با اذن او بر روی زمین نیفتد؛ و به واسطه شما باران را فرو میفرستد، و غم را بر طرف میکند، و بدی را از بین میبرد، و ضرر را دفع میکند، و فقیر را غنی میسازد، و بیمار را شفا میبخشد؛ با کلام شما بود که هر زبانی گویا شد، و به واسطه شما خداوند بسیار منزه و پاک، تسبیح گشت؛ و با تسبیح شما زبانها به تسبیح جاری گشت، و فرستادگانش

1- . و شک کنندگان در مقام شما. ظ
2- . هدایت میشود. خ ل

را در شما فرستاد، و فرشتگانش را بر شما نازل ساخت، و روح الامین را به سوی شما فرستاد، و چیزهایی را که به هیچ یک از جهانیان نداده است، به شما داد.

هر انسان شریفی به شرافت شما سر فرود آورد، و هر متکبری به اطاعت از شما راضی گشت، و هر زورگویی به برتری شما فروتن گشت، و هر چیزی برای شما رام گشت، و زمین به نور شما روشن گشت؛ رستگاران به وسیله شما رستگار شدند، و به وسیله شما قدم در راه بهشت گذاشته میشود، و بر کسی که ولایت شما را انکار کند، خداوند خشم میگیرد.

پدر و مادرم و خودم و خانواده و داراییام فدای شما باد؛ ذکر شما در زبان ذکر کنندگان است، و نامهایتان در میان نامها، و پیکرتان با سایر پیکرها، و روانتان در میان سایر روانها، و جانهاتان در عداد سایر جانها، *- ولی شما را چه نسبت با دیگران، - نامهایتان چه شیرین، و جانهاتان چه بزرگوار، و مقامتان چه بزرگ، و منزلتتان چه گرامی، و موقعیتتان چه برجسته، و عهدتان چه باوفا، و وعدهتان چه راست است.

سخنتان نور، و دستورتان یکپارچه رشد و رستگاری است، سفارشتان پرهیزکاری، و کارتان خیر و خوبی، و عادت شما نیکی، و شیوه شما بزرگواری، و مقام شما حق، و رأی شما دانش دوراندیشی است؛ اگر از خوبی سخنی به میان آید، آغاز و ریشه و شاخه و مرکز و جایگاه و پایان آن شما هستید.

پدر و مادرم و خودم به فدای شما؛ چگونه ثنای نیکوی شما را توصیف کنم، و چگونه آزمایشهای خوبی را که دادید، شماره کنم؛ به وسیله شما بود که خدا ما را از ذلت بیرون آورد، و زنجیر هایمان را باز کرد، و سنگینی هایمان را از دوشمان برداشت و گرفتاری های سختمان را گشایش داد و از پرتگاه هلاکت و نابودی، و از آتش دوزخ نجاتمان داد.

*به وسیله دوستی شما خداوند دستورات دینمان را آشکار کرد؛ آنچه را که از دنیای ما تباه گشته بود، اصلاح کرد؛ و به وسیله دوستی شما کلمه توحید کامل شد؛ و نعمت بزرگ گشت؛ و جدایی و اختلاف تبدیل به الفت و اتحاد گردید؛ و به وسیله موالات شما فرمانبرداری واجب پذیرفته گردد؛ و چه طاعت بزرگی است

طاعت شما؛ و برای شما است دوستی واجب و چه دوستی با کرامتی است و درجات بلند، و نور های درخشان ، و جایگاه معین و معلوم در نزد خداوند عز و جل، و منزلت عظیم، و ارزش والا و رتبه بزرگ، و شفاعت پذیرفته، از آن شما است.

پروردگارا، به آنچه نازل کردی گرویدیم و فرستاده [ات] را پیروی کردیم پس ما را در زمره گواهان بنویس. پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دلهایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری. پروردگارا، ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می خواند که: «به پروردگار خود ایمان آورید»، پس ایمان آوردیم.

خدایا، - دعوت تو را - اجابت میکنم که اجابت شده و گوینده ای والا مقام، و منادی ای با عظمت دارد ؛ تو را اجابت میکنم و میپذیرم، که تو مبارک و والامرتبه و بزرگوار و بزرگ و با عظمت و مقدس هستی؛ پروردگارا، از روی اقرار به پروردگاری تو، و باورمندی به تو، و تصدیق کتاب تو، و وفاداری به پیمان تو، دعوت تو را اجابت میکنم و میپذیرم؛ این منم بندهای که در پیشگاه تو است؛ پروردگارا، دعوت تو را مانند اجابت کردن هراسناک از تو، و امیدوار به تو، و پناه آورده به تو، اجابت میکنم؛ خشنود شدیم، و دوستدار تو گشتیم، و شنیدیم و گردن نهادیم؛ پروردگارا، آمرزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است؛ تو معبود و سرور ما هستی.

گوش به فرمان تو هستم ای منادی خدا، اگر چه با بدنم تو را اجابت نکرده، و یاریات را درک نکرده باشم؛ این منم، بنده و زائر تو، و زائر خاندان و خانواده تو، و قرار گرفته در پیشگاه شما؛(1) قلب و جان و روح و گوش و دیدهام، با تسلیم شما شدن، و ایمان به تو و برادرت و جانشینت امیرالمؤمنین، و پیشوای جانشینان، و دختر تو فاطمه، بانوی زنان جهانیان، و دو نواده تو، حسن و حسین، دو پیشوای جوانان اهل بهشت، و به راهنمایان به سوی خداوند، امامان از خانواده تو، و نسل

1- . و میهمان شما. خ

پاک تو، شما را اجابت کرده است؛ و یاری من برای شما آماده است، تا خداوند به اذن خود حکم کند، که او بهترین حکم کنندگان است.

ای رسول خدا، گوش به فرمان تو هستم، و به سوی تو میآیم؛ ای پیامبر خدا تو را اجابت میکنم به این صورت که به ریسمان تو چنگ زده و آویختهام؛ ای دوست خدا، من گوش به فرمان تو هستم و به تو پناه میآورم؛ ای نور خدا، من گوش به فرمان تو هستم؛ ای محمد پسر عبدالله، ای برگزیده خدا، ای اباالقاسم، با ابراز خواری در برابر عزت تو، و فرمانبرداری از فرمان تو، و پذیرش کلام تو، و وارد شدن در نور تو، و ایمان به تو، و به برادر و جانشین تو، امیرالمؤمنین، و خاندان تو و خانواده پاک تو، و با تصدیق آنچه از نزد پروردگارت برای ما آوردهای، تو را اجابت میکنم؛ پروردگارا، گناهان ما را بیامرز، و بدیهای ما را بزدای، و ما را در زمره نیکان بمیران.

پروردگارا، و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا کن، و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان، زیرا تو وعده ات را خلاف نمی کنی. پروردگارا، در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن، و با رحمت خودت ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار. منزّه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است. منزّه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می کنند. و درود بر فرستادگان. و ستایش، ویژه خدا، پروردگار جهانیان است.

خدایا، تو را گواه میگیرم که اینها، قبرهای اولیای تو، و صحنها و یادگارهای آنها، و محل غیبت و عروج آنها است؛ همان دست یافتگان به کرامت تو، و برتری یافتگان بر آفریدگان تو؛ کسانی که روشنگر هر چیزی را به آنها شناساندی، و میراثهای پیامبران را به آنها بخشیدی، و آنها را حجتهای خود بر مردمان، و امانتداران و خزانهداران تو بر وحیات قرار دادی.

خدایا، پس به روحها و بدنهای آنها در این ساعت و در هر وقت و لحظه و هنگام و زمان، از طرف ما درود و سلام فرست، و سلام آنان را به ما برگردان؛ و سلام و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد. گواهی میدهم که شما سخن مرا

میشنوید، و سلام مرا برمیگردانید؛ خدایا، تو با زبان پیامبرت، که درودهای تو بر او باد، فرمودی و فرمایش تو راست است که «به کسانی که ایمان آوردهاند بشارت ده که برای آنها جایگاه صدقی نزد پروردگارشان است.»

خدایا، من به تو و به آنها ایمان آوردم، و تصدیق نمودم و شنیدم و اطاعت کردم و تسلیم گشتم؛ پس هیچگاه مرا در جایگاههای رسوایی در دنیا و آخرت قرار مده، و خواستهام را به من عطا فرما، و نماز هایم را به واسطه آنها مقبول خویش گردان، و دعاهایم را به حق آنها اجابت کن، و تلاش و سعی مرا به حق آنان مورد سپاس قرار ده، و گناهانم را به واسطه آنها بیامرز، و یادم را به واسطه آنها والا گردان، و مقامم را به سبب آنان بلند گردان، و یقینم را به واسطه آنها ثابت گردان، و روحم را به واسطه آنها سالم، و جسمم را به واسطه آنها تندرست و پر روزی، و خوشبخت و تنومند، و پرهیزکار و دانا، و پارسا و فروتن، و نگهدارنده و پاکیزه، و دانشمند و موفق، و وارسته و مورد تأیید قرار گرفته، و نیرومند و شکست ناپذیر قرار ده؛ و مرا از آنها جدا مکن؛ و بین من و آنها در دنیا و آخرت جدایی میفکن؛ بپذیر؛ ای پروردگار جهانیان.

وداع

هنگامی که خواستی با آنها وداع کنی، بگو: سلام خدا و درودها و رحمت و برکتهایش بر بهترینهای او و برگزیدهها و دوستداران و حجتها و اولیای او، محمد فرستاده او و خاندانش، امیرالمؤمنین علی، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن، جانشین نیک او، باد؛ بر او و همه آنان سلام و رحمت باد. سلام بر بندگان خالص خداوند از میان آفریدگان، و برگزیدگان او از میان مردمان، و امانتداران او بر وحیاش، و حجتهای او بر بندگانش، و گنجینهداران علم او، باد؛ بر آنان از طرف خداوند، دائمیترین درودها، و پاکیزهترین برکتها، و فزایندهترین درودها باد. سلام بر شما ای سرورانم، امامان و رهبران من؛ و شما چه خوب سروران و امامان و رهبران هستید؛ و سلام بر شما باد؛ و سلام من بر شما اندک است؛ سلام بر شما ای آل یاسین، سلامی فروان و پاک و پربرکت و پیوسته و جاودانه و همیشگی و ابدی؛ آن گونه که شما شایسته چنین سلامی هستید، از طرف

من و پدر و مادرم و خانواده و فرزندان، و برادران و خواهرانم، و از تمامی مردان و زنان با ایمان، چه زنده باشند و چه مرده؛ و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد.

سلام بر شما، سلام وداع کننده، نه خسته و کینه توز و نه زیادهرو(1) است؛ و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد، ای اهل بیت نبوت؛ - به راستی خداوند ستوده و گرامی است. - سلام کسی که نه از شما روی گردانده، و نه از راه شما منحرف گشته، و نه کسی را بر شما برتری داده، و نه از نزدیکی و قرابت با شما کناره گیری کرده است؛ کسی را به جای شما نمیخواهم، و از شما روی برنمیتابم، و راههایی را در بین شما برنمیگزینم، و شما را در برابر بهایی نمیفروشم؛ خداوند این را آخرین دوره از زیارت شما، و گرامیداشت یاد شما، و بزرگداشت نامهای شما، و آمدن به صحن و حرمهای شما، و درود فرستادن بر شما، و سلام دادن به شما قرار ندهد؛ بلکه خداوند آن را پاداشی برای ما و مایه ایمنی در دنیا و آخرتمان، و ذکر و نوری برای رستاخیزمان، و امن و ایمانی برای بازگشتگاه موقت و بازگشتگاه جاودانهمان قرار دهد.

و خداوند مرا از کسانی قرار دهد که از زیارت و یاد کردن شما، و درود فرستادن بر شما، و سلام دادن به شما، کامیاب و پیروز، و موفق و سالم، و بخشیده شده و توانگر، و دست یافته به رضوان خداوند و رحمت او، و فضل و نگاه داشتن او، و یاری و امنیت او، و آمرزش و نور او، و هدایت و نگاهداشت او، و مراقبت و توفیق و بازداشتن او برمیگردند؛ و بازگشت دوباره و چندین باره را تا زمانی که پروردگارم مرا زنده بدارد، همراه با نیت و ایمان و پرهیزکاری و فروتنی، و نور و باور، و روزی گسترده از فضل خود، و پاک و پرسود، و گوارا و شیرین، و سالم بدون رنج و مشقت، و بدون منّت از کسی، و نعمت فراوان، و عافیت سالم، روزیام نماید؛ و برای من از حیات و کرامت و برکت، نیکویی و ایمان، و آمرزش و رضوان، مانند آنچه را که به اولیاء و بندگان نیک خود از زیارت کنندگان آنها و وارد

1- . و نه ملول. ظ

شدگانشان ، و دوستداران و محبان آنها، و هوادارن و شیعیان آنان، و آشنایان به حق آنان، و واجب دانندگان طاعت آنان، و پیوسته یاد کنندگان از آنان، و علاقمندان به زیارت آنان، و منتظران روزهای آنان، و فرمانبرداران از آنان، تقرب جویندگان به واسطه آن، به تو و به آنان، واجب گرداندهای، واجب گردان.

پروردگارا، تو بهترین کسی هستی که مردمان به سویش مهمان روند، و بار سفرها برایش بسته شود، و آرزوها به سوی او منصرف شوند، و برای امیدها و بخششها امید رود؛ و تو ای پیشوای من، بزرگوارترین میزبان، و بزرگوارترین زیارت شده هستی، و برای هر زائری کرامتی، و برای هر مهمانی هدیهای، و برای هر گذرنده ای بخششی، و برای هر امیدواری ثوابی، و برای هر خواهش کننده از چیزهایی که پیش توست پاداشی، و برای هر علاقمندی به تو هدیهای، و برای هر پناه آوردهای به سوی تو رحمتی، و برای هر زاری کننده به سوی تو اجابتی، و برای هر متوسل شدهای به سوی تو عفو و گذشتی، قرار دادهای؛ و من برای زیارت قبرهای دوستداران و اولیای تو، و بندگان برگزیده تو آمدهام، و مهمان آنان هستم، و در بارگاه آنان فرود آمدهام، و قصد حرم آنان را کردهام، و علاقمند شفاعتشان هستم، و از آنچه نزد آنان است درخواست میکنم، و به آنها امید بستهام، و به واسطه آنها به تو متوسل شدهام؛ و این حقی بر عهده توست که خواستار و مهمان آنها، و فرود آمده در بارگاه آنها، و منزل گزیده در درگاه آنها را که از گروه و شیعیان آنان هستند، نومید و دست خالی برنگردانی.

من به امید آنچه از رحمت و آمرزش، و فضل و بخشش، برای زیارت کنندگان آنها، و فرمانبرداران از آنها پیش تو وجود دارد، در این مکان ارزشمند ایستادهام؛ پس مرا از بیبهرهترین کسانی که به سوی تو و آنان آمدهاند، قرار نده؛ و مرا با دادن بهشت، بزرگ بدار؛ و با آمرزیدن بر من منت بنه؛ و مرا با عافیت زیبا گردان؛ و مرا با رهایی از آتش، پاداش ده؛ و روزی حلال و بخشش گسترده و فراوان خود را نصیبم گردان؛ و بدی هر بدی رساننده، از پریان آدمیان، را برای همیشه از من دور کن.

ای پیشوایان من، پدر و مادرم فدای شما باد؛ من به واسطه شما به خداوند تقرّب میجویم، و به واسطه شما به او روی میآورم؛ و به واسطه شما نیازم را از خداوند میخواهم؛ خداوند به واسطه شما مرا در دنیا و آخرت، آبرومند و از مقرّبان قرار دهد.

پدر و مادرم و خودم فدای شما؛ بر من مهربانی نمایید و رحم کنید، و مرا مورد عنایت خاص خود قرار دهید، و نزد پروردگارتان مرا یاد کنید، و بازدارنده من باشید، و مرا از گروه خودتان قرار دهید، و با شفاعت خود، مرا شریف گردانید، و در دولت خودتان مرا قدرتمند کنید، و در زمره خود محشور کنید، و در حوض خود وارد نمایید، و با رضایتتان مرا اکرام کنید، و با طاعتتان مرا سعادتمند گردانید، و فضل خود را مخصوص من قرار دهید، و با قدرت خود، مرا از بدیهای دنیا و آخرت، و بدی آدمی و پری، و هر بدی رسانندهای حفظ کنید.

من با حمایت خدا و حمایت شما، و جلال خدا، و کبریای خدا، و ملک و سلطان خدا، و عظمت و عزت خدا، و کلمات مبارک او، اهل و فرزندان و اموال و برداران با ایمانم را در دنیا و آخرت از هر بدی نگاه میدارم و حفظ میکنم و در پناه او قرار میگیرم و از او کمک میخواهم، و به واسطه شما امید نجات دارم، و صلاح را خواستارم، و پیروزی را امید دارم، و شفا از هر بیماری و درد را میطلبم، و فرارم از هر ترسی به سوی شما است، و در هر سختی و آسایشی، تکیهگاه من شما هستید.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، همان گونه که تو و آنها سزاوار آن هستید، و مرا در هر خیری که به سویش فرا خواندند، و بر آن راهنمایی نمودند، و به آن دستور دادند، و در گفته و عمل، به آن خشنود گشتند، وارد کن؛ و مرا به واسطه آنها از هر ناگواری نجات بخش، و از هر بدی خارج گردان، و مرا از هر چه از آن نهی کردند، و آن را انکار نمودند، و از آن ترساندند و هشدار دادند، حفظ کن؛ و فرج آنان را که گشایش ما نیز با آنان است، زودتر برسان؛ و دشمنانشان را، از آدمی و پری، هلاک گردان؛ و به روحها و بدنهای آنان تا ابد از سوی من سلام برسان؛ و سلام آنها را به ما باز گردان، و سلام و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد.

توضیح: «لما غلق»، که در بعضی نسخهها به صورت «لما انغلق» آمده است، یعنی به خاطر آنچه از امر توحید و معارف و حکمتها و دانشها که مشتبه شده است؛ و گفته شده است: به خاطر آنچه از امر جاهلیت مشتبه شده است. «الآساد» جمع أسد است، و بعید نیست که «السّقاه»، اشتباه نوشتاری «السعاه» باشد. گفته میشود: «ونی، ینی، ونیاً»، یعنی کوتاهی و سستی کرد. «کبّه»، یعنی آن را واژگون کرد و به زمین زد. «التعزیر»، یعنی بزرگ و محترم شمردن. فیروز آبادی گفته است:(1) «اصطنعتک لنفسی»، یعنی تو را برای امر ویژهای برگزیدم که از تو بخواهم آن را انجام دهی؛ جزری گفته است:(2)

«الإصطناع»، باب افتعال از «الصنیعه» است؛ یعنی بخشش و کرامت و احسان. «أفل» مانند «نصر» و «ضرب»، یعنی پنهان گشت. «غاض الماء»، یعنی آب کم شد «الغزر» با فتحه و ضمه، یعنی کثرت و زیادی.

عبارت «و الشاقّین فیکم»، یعنی کسانی که مردم را شکافته و از ولایت شما پراکنده میکنند؛ و همان طور که گذشت، صحیحتر آن است که این کلمه، اشتباه نوشتاری «الشَّاکین» است.

عبارت «أعظم بها طاعه» صیغه تعجب است، و ضمیر در «بها» به «المولاه» برمیگردد؛ یعنی آن دوستی از جهت طاعت و بندگی چه بزرگ است، نتیجه اینکه آن دوستی علاوه بر اینکه شرط قبولی طاعات است، در واقع خود بزرگترین طاعت است؛ عبارت «أکرم بها مودّه» نیز مانند آن است. عبارت «و السلام لکم منّی قلیل»، یعنی سلام و درود من شایسته وجود بزرگوار شما نیست، بلکه چیزی از جانب من که شایسته شما باشد، بالاتر از سلام است؛ مانند جان فشانی و فدا کردن جان برای شما.

زیارت چهارم:

6. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که نزد قبر امام حسین علیه السلام آمدی، این را بگو؛ و گفتن آن نزد قبر هر امامی تو را کفایت میکند.

1- . القاموس 2: 53

2- . النهايه 3: 3

سلام بر تو از جانب خدا، سلام بر محمد امین خدا بر فرستادگانش، و امور بزرگش، پایان بخش پیشینیان، و آغازگر آیندگان؛ خدایا، بر محمد، بنده و رسول خود، درود فرست؛ همان کسی که با علم خود، او را برگزیدی، و هدایتگری برای هر یک از آفریدگانت که خواستی، و راهنمای هر کسی که با رسالتها و کتابهایت برانگیختی، و استوار کننده دین با عدالت تو، و داور تو در میان آفریدگانت، و مسلط بر همه آنها، قرار دادی؛ و سلام خداوند و رحمت و برکتهایش بر او باد.

در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام میگویی: خدایا، بر علی امیرالمؤمنین، بنده تو و برادر رسولت، درود فرست...؛ تا آخر آن. و در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام - به جای آن، میگویی: - بر کنیز تو و دختر رسولت درود فرست... . و در زیارت سایر امامان، - میگویی: - فرزندان رسولت؛ همان طور که در زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله در بار اول گفتی، تا اینکه به نام صاحب خود (امامی که او را زیارت می کنی) برسی؛ سپس میگویی:

گواهی میدهم که شما کلمه تقوا و پرهیزکاری، و درِ هدایت، و ریسمان محکم، و حجت رسا بر کسانی که در روی زمین و در زیر خاک هستند، هستید؛ گواهی میدهم که روحها و سرشت شما از یک سرشت است، که از نور خداوندی و رحمت او، پاک و پاکیزه گشته است؛ خدا را و شما را گواه میگیرم که با تمام وجودم و شریعتهای دینم، و فرجامهای عملم، پیرو شما هستم؛ خدایا، پس با رحمت خودت آن را بر من تمام کن.

سلام بر تو ای اباعبدالله، گواهی میدهم که تو آنچه را که از سوی خدا به آن امر شده بودی، انجام دادی؛ و به حق او را بدون سستی و ضعف قیام کردی؛ پس خداوند به تو به عنوان یک صدیق از سوی پیروانش جزای خیر دهد. گواهی میدهم که جهاد واقعی، تنها همراه تو جهاد کردن است؛ و حق با تو و برای تو است، و تو معدن آن هستی، و میراث نبوت نزد تو و نزد اهل بیت تو است؛ گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی، و زکات را پرداختی، و امر به معروف و نهی از منکر کردی؛ و با حکمت و پند نیکو به راه پروردگارت دعوت نمودی، و پروردگارت را عبادت نمودی تا از دنیا رفتی.

و میگویی: سلام بر فرشتگان نشانهدار خداوند، سلام بر فرشتگان فرود آینده خداوند، سلام بر فرشتگان به صف شده خداوند، سلام بر فرشتگان خداوند، که به اذن او در این حرم اقامت دارند.

سپس میگویی: خدایا، بر آن دو کس که نعمتهای تو را تغییر دادند، و با کتاب تو به مخالفت برخاستند، و آیات تو را انکار کردند، و رسول تو را متهم ساختند، لعنت فرست، و در قبرها و شکمهای آن دو آتش قرار ده، و عذابی دردناک برایشان آماده کن، و آن دو و پیروانشان را در جهنم کبودچشم محشور کن، و آن دو و طرفداران و پیروان آن دو را در روز قیامت، کور و لال و کر، به روی چهره شان درافتاده، برانگیز؛ جایگاهشان دوزخ است، هر بار که آتش آن فرو نشیند، شراره ای [تازه] برایشان می افزاییم.

خدایا، این را آخرین دوره از زیارت قبر پسر پیامبرت قرار مده، و مقامی پسندیده به او عطا کن، تا به واسطه آن، دینت را یاری کرده و دشمنت را به قتل رسانی، که تو خود، آن را وعده دادهای و تو پروردگاری هستی که خلف وعده نمیکنی.

در کنار قبرهای تمامی امامان علیهم السلام نیز همین گونه میگویی.

و نزد هر امامی که إن شاء الله زیارت کردی، میگویی:

سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر تو ای امام مؤمنان، و وارث دانش پیامبران، و فرزندان جانشینان، و گواه روز جزا؛ گواهی میدهم که تو و پدرانت که قبل از تو بودند، و فرزندان تو در زمان بعد، سروران و اولیاء و امامان من هستند.

و گواهی میدهم که شما برگزیدگان خدا و ذخیرههای او، و حجتهای رسای خداوند هستید، که با علم خود، شما را یاوران دینش، و برخاستگان به دستور او، و گنجینهداران علم او، و حافظان سرّ او، و بازگو کنندگان وحی او، و معدن کلمات او و پایههای یکتا پرستیاش، و گواهان بر آفریدگانش برگزید؛ آفریدگانش را به شما سپرد، و کتابش را در میان شما به ارث گذاشت، و به کرامتهای تنزیل [قرآن]، شما را مخصوص گردانید، و تأویل را به شما عنایت نمود، و شما را صندوق

حکمتش، و مناره و راهنمایش در سرزمینها قرار داد، و از نور خود برای شما مثال زد، و از علمش در میان شما جاری ساخت، و از شما را لغزشها حفظ نمود، و از آلودگی پاکتان

کرد، و پلیدی را از بین شما برد؛ به واسطه شما نعمت تمام گشت، و تفرقه جمع گشت، و کلمه [توحید] اتحاد و یگانگی پیدا کرد، و طاعت و مودّت واجب، لازم گشت؛ و شما اولیای برگزیدهاش، و بندگان بزرگوار او هستید.

ای پسر رسول خدا، من نزد تو آمدهام، در حالی که آشنا به حق تو، و آگاه به شأن و مقام تو، و دشمن دشمنانت، و دوست اولیائت هستم؛ پدر و مادرم فدای تو باد؛ خداوند بر تو درود و سلام فراوان فرستد؛ من برای زیارت نزد تو آمدم و به تو پناه آوردم، از آنچه بر خود مرتکب شدم، و بر پشتم جمع کردم، به تو پناهنده گشتم؛ پس شفیع من باش، چون نزد خداوند برای تو مقامی معلوم وجود دارد، و تو در نزد خداوند آبرومند هستی. من به خدا و به آنچه بر شما نازل شده است ایمان آوردم، و آخرین فرد شما را پذیرفتم، همان گونه که اولین فرد از شما را قبول کردم، و از هر همدمی غیر شما بیزاری میجویم؛ و من به جبت و طاغوت، و لات و عزّی کفر ورزیدم.(1)

زیارت پنجم:

این زیارت را سید پسر طاووس و نویسنده کتاب المزار الکبیر - که رحمت خداوند بر آن دو باد، - روایت کرده و گفتهاند: این زیارت از امامان علیه السلام روایت شده است؛ هرگاه قصد و نیت زیارت کردی، این را بگو: خدایا، ارادهام را به محقق شدن، و نیتم را به توفیق، و امیدم را به تصدیق پیوند ده، و امورم را بر عهده بگیر، و مرا به خودم وا مگذار، که بر زمینهای سرگردانی فرود آیم، و از حضور در زیارتگاههای مقدّس باز مانم.

و قبل از بیرون آمدن، دو رکعت نماز بخوان و در دنباله آن بگو: خدایا، دینم و جانم و همه بستگانم را به تو میسپارم؛ خدایا، تو همراه در سفر، و جانشین در خانواده و مال و فرزندان هستی؛ خدایا، از همنشینان بد، و باز نگشتن به تو پناه می

1- . كامل الزيارت: 316

برم؛ خدایا، غم آنچه را که بر ما احاطه کرده است(1)، بر ما آسان گردان؛ و افزونی آنچه را که برای آن صبح و شام میکنیم، بر ما آسان گردان؛ به راستی تو بر هر چیز توانا هستی.

وقتی به راه افتادی، تمام تلاش و هدف تو همانی باشد که به خاطر آن به راه افتادی، و از حالت شادمانی خود کم کن، و همصحبتی با کسی را که همراه توست را نیکو بدار، و حمد و ثنای خداوند متعال و صلوات بر رسول او را زیاد به جای آور، و اگر خواستی غسل زیارت کنی، در حالی که غسل میکنی بگو: با نام خدا، و به یاری خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا؛ خدایا، آلودگی گناهان، و کثیفی عیبها را از من پاک گردان، و مرا با آب توبه پاکیزه کن، و لباس عصمت بر من بپوشان، و مرا با لطفی از طرف خودت که مرا برای اعمال نیک موفق گرداند، تأیید فرما؛ به راستی تو دارنده بخشش بزرگ هستی.

هنگامی که نزدیک در صحن شدی، بگو: حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که مرا برای آمدن نزد ولیّاش، و زیارت حجتش توفیق داد، و وارد حرم او کرد، و بهرهام را از زیارت قبر او، و فرود آمدن به صحن غیبت او، و حریم تربت او کم نکرد؛ حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که آنچه را آرزو کردم، از من باز نداشت، وآنچه را امید داشتم از من دریغ ننمود، و امیدم را در آنچه انتظار داشتم قطع نکرد، بلکه لباس عافیتش را بر من پوشاند، و نعمتش را به من بخشید، و کرامتش را به من ارزانی داشت.

وقتی وارد صحن شدی، روبروی ضریح مقدس بایست و بگو: سلام بر شما امامان مؤمنان، و سروران پرهیزکاران، و بزرگان صدّیقان، و فرمانروایان نیکان، و رهبران نیکوکاران، و نشانههای برجسته هدایت یافتگان، و نورهای عارفان، و وارثان پیامبران، و برگزیدگان جانشینان، و خورشیدهای پرهیزکاران، و ماههای جانشینان، و بندگان خداوند رحمان، و شریکان قرآن، و راههای ایمان، و معدنهای حقیقتها، و شفیعان آفریدگان؛ و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد.

1- . در آن غوطهور هستیم. خ ل

گواهی میدهم که شما درهای خداوند، و کلیدهای رحمت و آمرزش او، و ابرهای رضوان او، و چراغهای بهشت او، و حاملان قرآن، و گنجینهداران دانش او، و نگهبانان راز او، و محل نزول وحیاش، و امانتهای نبوّت، و ودیعههای رسالت هستید؛ شما امانتداران و دوستداران خدا، و بندگان و برگزیدگانش، و یاوران یکتا پرستی او، و پایههای بزرگداشت او، و دعوت کنندگان او به کتابهایش، و نگهبانان آفریدگانش، و نگهداران ودیعههایش هستید،؛ حمد و ثنای فرشتگان در اخلاص و خشوع از شما پیشی نمیگیرد، و کسی که تضرّع و خشوع دارد، با شما ادعای برابری نمیکند .

چگونه این طور نباشد و حال آن که برای شما دلهایی است که خداوند پرورش آنها با ترس و امید به عهده گرفته است، و آنها را ظرفهایی برای شکر و ستایش قرار داد، و آنها را از پیامدهای غفلت ایمن نگاه داشت، و از دلمشغولیهای سستی خالص نمود؛ بلکه حتی آسمانیان با دوستی شما، و با بیزاری از دشمنان شما، و گریه کردن پیوسته بر مصیبت شما، و طلب آمرزش برای شیعیان و دوستداران شما، تقرّب میجویند.

خدا را که آفریدگار من است، گواه میگیرم، و فرشتگان و پیامبرانش را گواه میگیرم، و ای سروران من، شما را نیز گواه میگیرم که مؤمن به ولایت شما، و معتقد به امامت شما، و اقرار کننده به خلافت شما، و آشنا به منزلت شما، و باورمند به عصمت شما، و فروتن در برابر ولایت شما، و تقرّب جوینده به خدا به وسیله دوستی شما، و بیزاری از دشمنان شما، هستم؛ میدانم که خداوند شما را از تمامی بدیهای آشکار و پنهان، و از هر شک و تردید و نجاست، و پلیدی و آلودگی پاک نمود، و پرچم حقیقیت به شما بخشید، که هر کس از آن پیشی گرفت گمراه شد، و هر کس عقب ماند، بلغزید؛ و طاعت شما را برای هر سیاهپوست و سفیدپوستی واجب گردانید.

گواهی میدهم که شما به عهد و پیمان خدا، و به تمامی آنچه در کتابش با شما شرط نموده است، وفا کردید، و آفریدگان را به راه او دعوت نمودید، و نیروی خود را در راه خشنودی او به کار گرفتید، و خلق را بر آیین نبوت و راه و شیوه

رسالت واداشتید، و در آن به سیره پیامبران، و راههای جانشینان حرکت نمودید؛ ولی امر شما اطاعت نگردید، و گوشی حرفهای شما را نشنید؛ پس درودهای خداوند بر روحها و بدنهای شما باد.(1)

سپس بر روی قبر میافتی و میگویی: ای حجت خدا، پدر و مادرم فدای تو باد؛ از پستان ایمان شیر نوشیدی، و به نور اسلام از شیر گرفته شدی، و از خنکای یقین تغذیه نمودی، و لباس عصمت به تو پوشاند شد، و برگزیده شدی و وارث دانش کتاب گشتی، داوری میان مردمان را به تلقین از خداوند آموختی، با وجود تو معارف قرآن و ابهامات تأویل و تفسیر روشن گشت، و پرچم حقیقت به تو واگذار شد، و هدایت خلق را عهدهدار گشتی، و عهد امامت به تو سپرده شد، و حفظ شریعت بر تو واجب گشت.

ای سرور من، گواهی میدهم که تو به شرایط وصیت وفا نمودی، و آنچه از حدود طاعت بر تو واجب گشت انجام دادی، و مسئولیت امامت و رهبری را بر عهده گرفتی، و در صبر و تلاش و نصیحت بندگان، و فرو بردن خشم، و گذشت از مردم، پا جای پای پیامبر گذاشتی، و تصمیم گرفتی عدالت را در میان خلق، و انصاف در قضاوت را اجرا کنی، و حجتها را بر امت با دلایل راستین، و شواهد گویا محکم ساختی، و با حکمت رسا و پند نیکو به راه خداوند دعوت نمودی.

پس تو از اصلاح انحراف، و بستن شکاف، اصلاح فاسد، و درهم شکستن دشمن، و زنده کردن سنتها، و از بین بردن بدعتها منع شدی، تا به شهادت رسیدی و از دنیا رفتی، و با حالتی ستوده، رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدار کردی؛ درودهای خداوند به صورت مداوم و پی در پی بر تو باد.

سپس نزد پاها برو و بگو:

ای پیشوایان من، ای خاندان رسول خدا، من به واسطه شما به درگاه خداوند بزرگ تقرّب میجویم، بر خلاف کسانی که بر شما مکر کردند، و بیعت شما را شکتند، و ولایت شما را نادیده گرفتند، و منزلت شما را انکار نمودند، و ریسمان

1- . المزار الکبیر: 93 - 94؛ مصباح الزائر: 237 - 239

طاعت شما را از گردن درآوردند، و اسباب دوستی شما را پایمال ساختند، و با برائت و رویگردانی از شما، به فرعونهایشان تقرّب جستند، و شما را از اجرای حدود الهی، و ریشه کردن کردن کفر، و پرکردن شکاف، و جمع کردن پراکندگی امت، و بستن نفوذها، و راست کردن کجی، و اجرای احکام، و تهذیب اسلام، و سرکوب گناهان منع کردند؛ و غبار جنگها و فتنهها را بر پا کردند، و شمشیرهای کینه را بر شما تیز کردند، و پردهها را از شما دریدند، و با خمس شما شرابها خریدند، و صدقههای نیازمندان را به ریشخند زنان و مسخره کنندگان دادند.

و دلیل آن این است که گناهکاران گمراه، و حسودان ستمکار، و عهدشکنان و فریبکاران و اهل خلاف و نیرنگ، و دلهای فاسد شده از آلودگی به شرک، و بدنهای آکنده از پلیدی کفر، این راه را برای آنان هموار کردند؛ و بر نفاق اقدام نمودند، و بر روابط دشمنی پرداختند.

پس هنگامی که محمد مصطفی صلی الله علیه و آله درگذشت، از غفلت مردم(1) استفاده کردند، و فرصت را غنیمت شمردند، و حرمت و احترام را پایمال نمودند، و آن حضرت را در بستر مرگ رها کردند، و برای نقض بیعت و مخالفت با پیمان محکم، و امانت سپرده شده به کوههای بلند، که کوهها از برداشتن آن امانت خودداری ورزیدند، و بر انسان ستمکار و نادان، و بدبخت و متکبر و دارای گناهان دردآور، و کسی که ابا داشت از عاقبت نیک تبعیت کند، سپرده شد، شتافتند،

پس بادیهنشینهای فرومایه، و باقیماندههای - جنگ - احزاب، به خانه نبوت و رسالت، و محل نزول وحی و فرشتگان، و اقامتگاه سلطان ولایت، و معدن وصیت و خلافت و امامت، ریختند و عهد مصطفی را نسبت به برادرش، پرچم هدایت، و آشکار کننده راه نجات از راههای گمراهی، نقض نمودند، و جگر بهترین مردم را با ظلم به دخترش، و ستم به حبیبهاش، و آزار عزیزهاش، پاره تنش، و بند جگرش، مجروح ساختند، و شوهرش را خوار کردند، و قدر و منزلت او را پایین آوردند، و محارم او را حلال شمردند، و ارتباط خویشاوندی را با او قطع نمودند، و برادریاش

1- . عترت. خ ل

را منکر شدند، و از دوستیاش روی گرداندند، و طاعتش را نقض نمودند، و ولایتش را انکار نمودند، و بردگان را در خلافتش به طمع انداختند.

و او را به بیعت با خودشان کشاندند، در حالی که شمشیر خلافت را آخته، و لبهاش را برّان کرده بودند، و قلب علی علیه السلام خشمناک، و خروشان از خشم، و بسیار شکیبا، و فرو برنده خشم بود؛ او را به آن بیعتی با خودشان فرا خواندند که نحسی آن، اسلام را فرا گرفته بود، و در دلهای اهل آن بیعت، تخم گناهان را کاشته بود؛و بر سلمان بدی کرد ، و مقداد را طرد نمود، و جندب(ابوذر) را تبعید کرد، و شکم عمار را درید، و قرآن را تحریف کرد، و احکام الهی را تغییر داد، و جایگاه آنان را دگرگون ساخت، و خمس را برای آزاد شدگان - به دست پیامبر در جریان فتح مکه - مباح کرد، و فرزندان ملعونها را بر جوجهها [اهل بیت پیامبر] مسلط کرد، و حلال را با حرام درآمیخت، و ایمان و اسلام را تحقیر کرد، و کعبه را ویران ساخت، و در روز حرّه، بر خانه هجرت [مدینه] شورش برد، و دختران مهاجر و انصار را برای بد رفتاری و یورش بردن آشکار نمود، و بر آنها لباس عار و رسوایی پوشاند، و به اهل شبهه در قتل اهل بیت پیامبر و از بین بردن نسل او، و ریشهکن ساختن اصل او، و اسارت خانوادهاش، و قتل یارانش، و شکستن منبرش، و برگرداندن افتخاراتش، و پنهان ساختن دینش، و قطع یادش اجازه داد.

ای سروران من، کاش پیامبر مصطفی شما را در این حال که تیرهای امت در شکمهایتان فرو رفته(1)، و نیزههاشان در گلویتان است، و شمشیرهایشان به خونهای شما آغشته است، و زنازادهها گناه جوشان خود را با پرهیزکاری شما، و کفر خشمآلودشان را با ایمان شما تشفی میدادند، و از شما، یکی در محراب به خاک افتاده و شمشیر فرقش را شکافته است، و شهیدی که روی تابوت بوده و کفنهایش با تیرها پاره گشته است، و یکی در بیابان شهید شده و سرش بالای نیزهها رفته، و یکی در زندان به بند کشیده شده و اعضای بدنش با آهن خرد گشته، و مسمومی که جگرش با نوشیدن سم، تکه تکه شده، و گروه شما مردمانی هستید که بردگان و بردهزادگان

1- . غرق شده. خ ل

شما را به قتل میرسانند؛ ای سروران من، آیا رنجها جز آن است که بر شما روا داشته شده، و مصیبتها جز آن است که شما را فرا گرفته، و حوادث جز آن است که شما را هدف گرفته، و بلاها جز آن است که به سوی شما آمده است؟ درودهای خداوند بر شما و بر ارواح و اجسادتان و رحمت و برکاتش بر شما باد.(1)

سپس آن را ببوس و بگو: ای خاندان مصطفی، پدر و مادرم فدای شما باد؛ ما کاری از دستمان بر نمیآید جز آنکه در اطراف مرقد شما طواف کنیم، و در آن به خاطر این مصیبتهای بزرگ که در پیشگاه شما به بار آمد، و بلاهای بزرگی که به ساحت شما فرود آمد، و برای همیشه در دلهای شیعیان شما زخم، و در جگرهایشان جراحت به جا گذاشت، و در سینههاشان غم و اندوه کاشت، نسبت به ارواح شما تعزیت بگوییم.

بنابراین، خدا را گواه میگیریم که با اولیاء و یاران پیشین شما در ریختن خونهای عهدشکنان و ستمگران و از دین برگشتگان، و قاتلان اباعبدالله، سالار و سرور جوانان اهل بهشت، در روز کربلا، با نیّت و دل و با تأسف خوردن بر از دست دادن آن موقعیتهایی که برای یاری شما آماده گشته بودند، همراه گشتیم؛ و درود ما بر شما، و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما باد.

سپس قبر را بین خودت و قبله قرار بده و بگو: خدایا، ای صاحب قدرتی که جهان از آن قدرت درست شده و از آن تشکیل یافته است و زیر سایه عظمت ایجاد شده است، و شواهد خلقت در آن زبان به نطق گشوده است که تو خدایی هستی که جز تو هیچ خدایی نیست، و تو ایجاد کننده و آفریدگار آن هستی، تو نه آن را از چیزی، و نه بر چیزی، و نه در چیزی، و نه از روی ترس که بر تو وارد شود، چون کسی غیر از تو نیست، و نه از روی نیاز که در ایجاد آن، برایت وجود داشته باشد، و نه برای یاری خواستن تو از آنچه بعداً آن را میآفرینی، به وجود آوردی؛ بلکه آن را به وجود آوردی تا دلیل و نشانی بر تو باشد، که تو از آفریده خود، جدا هستی؛ از

1- . المزار الکبیر: 94-66؛ مصباح الزائر: 239-241

این رو انسان خردمند نمیتواند تو را انکار کند، و صاحب معرفت نمیتواند نسبت به تو کفر بورزد.

از تو به شرافت اخلاص در یکتا پرستیات، و احترام پایبندی به کتاب و اهل بیت پیامبرت، درخواست میکنم که بر آدم، نوآفرین فطرت تو، و حجت تازه تو، و زبان قدرت تو، و جانشین تو در روی زمین، و بر حضرت محمد، آن وارسته در میان برگزیدگان تو، و جستجوگر معرفت تو، و غوطهور و امانتدار بر راز نهانی تو، با آنچه از نعمتت و با دستگیری خودت بر او بخشیدی، و بر پیامبران و بزرگواران و جانشینان و راستانی که بین این دو بودند، درود فرستی؛ و به خاطر این امامم، مرا ببخشی.(1)

و صورتت را بر روی قبر بگذار و بگو: خدایا، از تو به جایگاه این پیشوا در طاعت تو، و منزلت او در نزد تو، درخواست میکنم مرا به مرگ ناگهانی نمیران، و مرا از توبه کردن محروم نکن، و پرهیز از محرّمات دینی و دنیوی را به من روزی کن، و مرا به جای طلب دنیا، مشغول آخرت گردان، و بر آنچه دوست داری و خشنود میشوی موفق بدار، و مرا از پیروی خواهش درون، و مغرور شدن به سبب امور بیهوده و آرزوها، به دور دار.

خدایا، راستی را در سخنم، و درستی را در کردارم، و صدق و وفا را در پیمان و وعدهام، و حفظ و مهربانی را همراه عهد و پیمانم، و نیکی و احسان را از منش و خُلقم قرار ده؛ و سلامت را برایم فراگیر، و عافیت را برایم احاطه کننده و در برگیرنده قرار ده؛ و صنع و یاری لطیف خود را بر من روانه گردان، و توفیق و آسانی نیکوی خود را بر من گسترده ساز، و مرا ای پروردگار، خوشبخت زنده بدار، و با شهادت بمیران، و برای مرگ و بعد از آن پاکیزه گردان.

خدایا، صحت و نور را در شنوایی و بینایییام، و جدیت و خیر را در راهم، و هدایت و بصیرت را در دینم، و در مذهبم، و ترازوی - سنجش اعمال - را هماره پیش روی چشمانم، و ذکر و پند را شعار و لباسم، و اندیشه و عبرت را انس و

1- . مصباح الزائر: 241؛ المزار الکبیر: 96 - 97

تکیهگاهم قرار ده؛ و یقین را در قلبم جای ده، و آن را محکمترین چیزها در جانم قرار ده، و آن را بر رأی و ارادهام چیره گردان؛ و ارشاد را در کردارم، و تسلیم در برابر امر تو را بستر و تکیه گاهم، و خشنودی به قضا و قدر تو را بالاترین عزم و مقصودم قرار ده، تا از هیچ یک از آفریدگانت برای دینم نترسم، و به واسطه آن جز آخرتم را نخواهم، و از آن تمجید و مدح خودم را دنبال نکنم، و بهترین عاقبتها را عاقبتم، و بهترین سرنوشتها را سرنوشتم، و بهترین زندگی را زندگیام، و برترین هدایت را هدایتم، و فراوانترین بهره را بهره من، و بیشترین قسمتها را قسمت و نصیبم قرار ده؛ و برای من ای پروردگار، از هر بدی، سرپرست، و به سوی هر خوبی، راهنما و راهبر، و از هر ستمکار و حسود، پشتوانه و نگهدارنده باش.

خدایا، اعتماد و عصمتم، و اطمینان و توفیقم، و نیرو و قدرتم بر توست؛ و زندگی و مرگم برای توست، و ایستادن و حرکتم در قبضه قدرت توست، و چنگ و دست آویختنم به ریسمان محکم توست، و اعتماد و توکلم در همه امور بر توست، و نجات و رهاییام از عذاب جهنم و چشیدن آتش دوزخ، با توست؛ و اقامتگاه موقّت و بازگشتگاه جاودانهام در خانه امن و کرامت تو، با توست؛ و رستگاری و گشایش من بر دستان پیشوایان و سرورانم خاندان مصطفی است.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مردان و زنان با ایمان و مسلمان را بیامرز، و مرا و پدر و مادرم و فرزندانشان، و خانواده و همسایگان مرا، و همه مردان و زنان مؤمن را که بر من حق دارند، بیامرز؛ که به راستی تو دارای بخشش بزرگ هستی؛ و سلام خداوند و رحمت و برکتهای او بر تو باد.(1)

سید پسر طاووس - که رحمت خداوند بر او باد، - سپس گفته است: دعایی وجود دارد که در تعقیب زیارت برای سایر امامان علیهم السلام خوانده میشود:

خدایا، من این امام را زیارت کردم، در حالی که اقرار کننده به امامت او، و معتقد به واجب بودن فرمانبرداری او هستم؛ با گناهان و عیبهایم، و گناهان بزرگم، و بدیها و اشتباهات فراوانم، و آنچه از من میدانی، با پناه آوردن به بخشش تو، و

1- . مصباح الزائر: 241 - 242

امان خواهان از بردباری تو، و امیدوار به رحمت تو، و گریخته به رکن و مقام تو، و امان گرفته با مهربانی تو، و شفاعت خواهان از ولیّ و پسر اولیاء تو، و برگزیده و پسر برگزیدگان تو، و امانتدار و پسر امانتداران تو، و جانشین و پسر جانشینان تو، همان کسانی که وسیلهای برای رحمت و رضوان خود، و خانهای برای مهربانی و آمرزش خود قرار دادی، آهنگ زیارتگاه او را کردم.

خدایا، اولین درخواستم از تو این است که گناهان گذشته مرا با وجود فراوان بودنش، ببخشی؛ و مرا در باقیمانده عمرم محافظت نمایی؛ و دینم را از آنچه آلوده میگرداند و تباه میسازد و خوار میکند، پاک گردانی؛ و آن را از تردید و شک و فساد و شرک حفظ فرمایی؛ و مرا بر طاعت خودت و طاعت رسولت، و فرزندان نجیب و شریفش - که دروردها و رحمت و سلام و برکتهایت بر آنها باد، - ثابت قدم بداری؛ و مرا بر طاعت آنها زنده بداری، و بر طاعت آنها بمیرانی؛ و مودّت و دوستی آنها را، و کینه دشمنانشان را، و همراهی دوستان آنها را، و نیکی آنها را از دل من پاک نکنی.

و از تو میخواهم ای پروردگار، که آن را از من قبول کنی، و عبادت خودت و مراقبت از آن را برای من، دوست داشتنی گردانی؛ و مرا برای آن با نشاط سازی، و مرا از گناهان و حرامهای خودت متنفّر گردانی، و مرا از آنها دور نمایی، و مرا از کوتاهی در نمازم، و سبک شمردن آن، و عقب انداختن آن دور گردانی، و مرا برای ادای آن، آن گونه که واجب ساختی، و به آن امر نمودی، طبق روش رسول تو - که درودها و رحمت و برکتهای تو بر او و خاندان او باد، - از روی خضوع و خشوع، توفیق دهی؛ و برای پرداختن زکات، و دادن صدقات، و بخشش نیکی، و احسان به شیعه خاندان محمد صلی الله علیه و آله و یاری آنان، سینهام را گشاده سازی؛ و جز بعد از آنکه حج بیت الحرام، و زیارت قبر پیامبرت صلی الله علیه و آله، و قبرهای امامان علیهم السلام را روزیام نمایی، جانم را نستانی.

و از تو ای پروردگار، توبه ای راستین که از آن خشنود باشی، و نیّتی که آن را بستایی، و عمل شایستهای که آن را بپذیری، درخواست دارم؛ و اینکه مرا بیامرزی، و در هنگام مرگم بر من رحم کنی، و سکرات مرگ را بر من آسان سازی، و مرا در

زمره محمد و خاندان محمد، که درودهای تو بر او و بر آنان باد، محشور کنی، و مرا با رحمت خودت وارد بهشت سازی، و اشکم را در طاعتت بسیار، و اشکم را در آنچه مرا به تو نزدیک میگرداند، جاری نمایی؛ و قلبم را نسبت به اولیائت مهربان کنی، و مرا در دنیا از کمبودها و آفات، و بیماریهای سخت، و مرضهای مزمن، و تمامی انواع بلا(1)

و حوادث، مصون بداری؛ و قلبم را حرام دور بداری، و نافرمانیهایت را در نظرم منفور گردانی؛ و حلال را برایم دوست داشتنی نمایی، و درهایش را به رویم بگشایی، و نیّت و عملم را بر آن ثابت بداری؛ و عمرم را دراز گردانی، و درهای رنج و سختی را بر من ببندی، و آنچه را که بر من بخشیدی، از من نگیری؛ و چیزی را که بر من احسان نمودی، باز نگردانی؛ و نعمتهایی را که به من ارزانی داشتی، از من نگیری؛ و آنچه را که به من عطا نمودی، تا چندین برابر افزون گردانی؛ و مال فراوان و گسترده و گوارا، و فزاینده و به مقدار، و عزتی جاویدان و کافی، و مقامی بزرگ و والا، و نعمتی وسیع و فراگیر بر من عطا کنی؛ و به واسطه آن، مرا از خواستههای کم، و درآمدهای سخت بینیاز کنی، و مرا از آن رها سازی، در حالی که مرا در مورد دینم و خودم و فرزندانم و هر آنچه که به من عطا کردی و بخشیدی، معاف بداری؛ و اموالم و تمامی آنچه را که به من بخشیدی، حفظ کنی، و دستان ستمگران را از من قطع کنی، و مرا به وطنم باز گردانی، و به نهایت آرزویم در دنیا و آخرت برسانی، و سرانجام کارم را پسندیده و نیکو و سالم قرار دهی، و مرا با سخاوت، سرزنده و خوش اخلاق، به دور از بخل و خساست و دورویی و دروغ و بهتان، و بیهودهسخن گفتن قرار دهی؛ و در دلم دوستی محمد و خاندان محمد و شیعیان آنان را قرار دهی؛ و با رحمت و بزرگواری خود ای پروردگار، مرا و خانواده و دارایی و فرزندان و افراد تحت سرپرستی من، و برادران و دوستان و نسلم را حفظ کنی.

خدایا، اینها نیازهای من به درگاه توست، و من به خاطر فرومایه و بخیل بودنم آنها را زیاد کردم، در حالی که آنها نزد تو کوچک و کم است، و - برآوردن

1- . بلاها. خ ل

آنها - بر تو سهل و آسان میباشد؛ از تو به احترام منزلت و مقام محمد و خاندان محمد - سلام بر او و بر آنان باد، - در نزد خودت، و به حق آنان بر تو، و به آنچه برای آنها واجب نمودی، و به احترام سایر پیامبران و فرستادگان و برگزیدگانت، و دوستداران مخلص از میان بندگانت، و به احترام اسم اعظم تو، درخواست میکنم که تمامی آنها را بر آورده سازی، و مرا با آنها یاری دهی، و امید و آرزویم را نا امید نگردانی، و صاحب این قبر را شفیع من قرار دهی.

ای پیشوای من، ای ولیّ خدا، ای امین خدا، از تو به حق پدران پاکیزهات، و به حق فرزندان برگزیدهات میخواهم که نزد خداوند بزرگ مرا در همه این نیازها شفاعت کنی، چون نزد خداوند - که نامهایش ستوده و منزّه باشند، - برای تو منزلتی باشکوه و مرتبهای بزرگ و مقامی والا وجود دارد.

خدایا، اگر کسی را که نزد تو آبرومندتر از این امام و از پدران و فرزندان پاک او علیهم السلام باشد، میشناختم، به یقین، او را شفیع خویش قرار میدادم، و پیشاپیش این نیازها و خواستههایم پیش میانداختم؛ پس نیازهایم را از من بشنو و آنها را برآورده ساز؛ و برای من آنچه را که تو خود شایسته آن هستی، به انجام رسان، ای مهربانترین مهربانان؛ خدایا، و هر آنچه از مصالح دین و دنیا و آخرتم را که درخواستم آن را فرا نگرفت(1)،

و هوشیاریام به آن نرسید، به وسیله - برآورده ساختن - آن بر من منت بگذار، و مرا حفظ کن، و پاسدار من باش، و بر من عطا فرما، و مرا بیامرز؛ و هر شیطان بدسرشت، یا سلطان ستمکار، یا مخالف دین، یا نزاع کننده در مورد دنیا، حسد برنده به من به خاطر داشتن نعمتی، یا ظالم، یا تجاوزگر، که خواستار بدی و آسیب رساندن به من باشد، دست او را از من قطع کن، و مکر و حیلهاش را از من دور گردان، و او را به خودش مشغول کن، و بدی خودش و پیروانش و شیطانهایش را از من باز دار، و مرا از همه آنچه بر من ضرر میرساند و ظلم روا میدارد، در امان بدار، و تمامی خوبیهایی را، چه از آنهایی که میشناسم و چه از آنهایی که نمیشناسم، به من عطا کن.

1- . توانم از آن عاجز گردید. خ

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا و پدر و مادرم و برادران و خواهرانم، و عموها و عمههایم، و داییها و خالههایم، و پدر بزرگها و مادر بزرگهایم، و فرزندان و نوادههای آنان، و همسران و فرزندانم، و نزدیکان و دوستانم، و همسایگان و بردارانم در راه تو، از اهل مشرق زمین و مغرب آن، و همه مردان و زنان مؤمن که نسبت به آنها دوستی دارم، زندههای آنان و مردههاشان، و تمامی آنهایی را که به من خوبی یاد داده، یا دانشی از من یاد گرفته است، را بیامرز.

خدایا، آنان را در دعای نیکویم، و زیارتم از مرقد حجت و ولیّات، سهیم بدار؛ و مرا در دعاهای نیکوی آنان سهیم گردان، به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان؛ و از سوی آنها به ولیّات سلام برسان؛ و سلام و رحمت خداوند و برکتهای او بر تو باد، ای پیشوا و سرور من، - ای فلانی فرزند فلانی، - خداوند بر تو، و بر روح و بدن تو درود فرستد؛ تو وسیله و بهانه من برای رسیدن به خداوند هستی، و من حق دوستداری و امید بستن دارم، پس در به دست آوردن این مسائلی که بیان کردم، و بازگشتنم از این مکان همراه با موفقیت، و در آنچه با رحمت و قدرت خداوند، از او درخواست نمودم، شفیع من باش؛ خدایا، به من عقل کامل، و خرد برتر، و عزت جاویدان، و قلب پاک، و عمل بسیار، و ادب پر فضیلت روزی گردان؛ و همه آنها را به سود من قرار ده، و به زیان من قرار مده؛ به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.(1)

هم چنین مستحب است که در دنباله زیارت آنان علیهم السلام، این دعا خوانده شود: خدایا، اگر گناهانم صورت مرا در نزد تو سیاه نموده، و دعایم را در درگاه تو پوشیده نگاه داشته است، و بین من و تو حائل گشته است، پس از تو درخواست میکنم که با صورت بزرگوارانهات به من روی آوری، و رحمتت را بر من بگسترانی، و برکتهایت را بر من فرو آوری.

و اگر گناهانم مانع شده صدایی از طرف مرا به سوی خود بالا ببری، یا گناهی را برای من در نزد خودت بیامرزی، یا از خطای هلاکتبار من درگذری،

1- . مصباح الزائر: 242 - 244

اکنون این منم که به بزرگوار روی تو، و شکوه جلال تو پناهنده گشته، و به تو متوسّل شدهام، و به واسطه دوست داشتنیترین آفریدگان در نزد تو، و بزرگوارترین آنها بر تو، و شایستهترین آنان نسبت به تو، و فرمانبردارترین آنان از تو، و والاترین آنان از نظر منزلت و مقام در نزد تو، محمد و خانواده پاک او، امامان هدایتگر هدایتیافته، کسانی که طاعتشان را بر آفریدگانت واجب ساخته، و به دوستیشان امر نمودهای، و عهدهداران امر تو بعد از رسولت صلی الله علیه و آله قرار داده ای، به تو تقرّب جستهام.

ای خوار کننده هر زورگوی ستیزهجو، و ای عزیز کننده مؤمنان، تلاشم به نهایت حد خود رسید، پس در این لحظه مرا ببخش، با رحمتی از جانب خودت که با آن بر من منّت بگذاری؛ ای مهربانترین مهربانان.

سپس ضریح را ببوس و گونههایت را بر آن بمال و بگو: خدایا، اینجا زیارتگاهی است که اگر کسی در آن به رحمت تو دست نیابد، امید نمیرود آن را در جای دیگر به دست آورد؛ و هیچ کس بدبختتر از کسی نیست که امیدوار به آنجا برود و ناامید باز گردد؛ خدایا، از بدی برگشتن،(1)

و ناامیدی بازگشت، و بازخواست در روز حساب، به تو پناه میبرم؛ و از تو بسیار دور است ای پروردگار، که طاعت ولیّات را به طاعت خودت، و دوستی او را به دوستی خودت، و نافرمانی او را به نافرمانی خودت مقرون سازی، و آنگاه زیارت کننده او، و کسی را که از راه دور به زیارت قبرش آمده است، نومید کنی، و به عزت تو سوگند که دلم آن را باور نمیکند، زیرا قلبها در مورد تو، به زیبایی اشاره میکنند.(2)

سپس نماز زیارت بخوان؛ و اگر خواستی وداع کنی و برگردی، بگو: سلام بر شما ای اهل بیت نبوت، و معدن رسالت، سلام کسی که با شما وداع میکند، و نه کسی که خسته و دشمنی کننده است، و رحمت خداوند و برکتهای او بر شما اهل بیت باد. به راستی خداوند ستوده و گرامی است.

1- . بد برگشتن. خ ل
2- . مصباح الزائر: 244-245

میگویم: و وداع را تا آخر آنچه در زیارت جامعه دوم گذشت، ادامه داده است.(1)

شیخ مفید - که خداوند روان او را پاک گرداند، - در کتاب المزار گفته است: مستحب است در تعقیب زیارت آنان علیهم السلام، این دعا خوانده شود: «خدایا، اگر گناهانم چهره مرا نزد تو سیاه نموده است...» و آن را تا عبارت «به زیبایی اشاره میکند.» ادامه داده و سپس گفته است: بعد از آن، بگو:

ای ولیّ خدا، همانا بین من و بین خداوند، گناهانی است که جز خشنودی و رضایت تو آنها را از بین نمیبرد، پس به حق کسی که تو را امانتدار راز خود قرار داد، و امور آفریدگانش را به تو سپرد، و فرمانبرداری تو را به فرمانبرداری خویش، و دوستی تو را به دوستی خود مقرون ساخت، میخواهم که بهبود حال مرا به همراه خداوند بزرگ، بر عهده بگیری، و بهرهام را از زیارت تو، آمیخته شدن به زائران وارستهات قرار دهی، همان کسانی که از خداوند عز و جل، آزادیشان - از آتش دوزخ - را خواستاری، و در پاداش نیکوی آنها، به او رو میکنی.

و این منم که امروز به قبر تو پناهنده، و از خودم به نگهداری نیکوی تو پناهنده شدهام؛ پس بر من چارهای کن ای سرور من، و مرا دریاب؛ از خدای عز و جل گشایش امورم را درخواست کن؛ به راستی که برای تو نزد خداوند مقامی بزرگوارانه، و منزلتی بزرگ وجود دارد؛ و خداوند بر تو درود و سلام بسیار فرستد.

شیخ مفید - رحمت خدا بر او باد، - در کتاب یاد شده سپس گفته است: دعای دیگری وجود دارد که در دنباله زیارت سایر امامان علیهم السلام خوانده میشود، و آن این است: «خدایا، من این امام را زیارت نمودم و به امامت او اقرار دارم...» و دعا را تا عبارت «و آن را به زیان من قرار مده؛ به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.» ادامه داد.

میگویم: هم چنین در یکی از نوشتههای اصحابمان دعای دیگری یافتم که مستحب است در دنباله زیارت امیرالمؤمنین یا هر یک از امامان علیهم السلام

1- . مصباح الزائر: 245

خوانده شود؛ و آن دعا این است: «خدایا، به خاطر جایگاه این پیشوا در فرمانبرداری تو...» و دعا را تا عبارت «به راستی تو دارای بخشش بزرگ هستی؛ و سلام و رحمت خداوند و برکتهای او بر تو باد.» ادامه داده است.

میگویم: اگر زیارت کننده هر امام، بعد از هر زیارتی، با هر یک از این دعاها دعا نماید، نیکو خواهد بود.

توضیح: فرمایش حضرت علیه السلام که فرمود: «و إخفاق الأوبه»؛ گفته میشود: «طلب حاجه فأخفق»، یعنی آن را به دست نیاورد. عبارت: «ما نتغوّل»، در النهایه گفته است:(1)

«المغاوله»، به معنی اقدام به حرکت کردن است؛ و در بعضی نسخهها به صورت «ما نتوغّل فیه» است که همین آشکارتر است. فیروز آبادی گفته است:(2) «وغل فی الشیء، یغل، و غولاً»، یعنی داخل شد، و پنهان گشت، یا دور شد و رفت؛ «و أوغل فی البلاد و العلم»، یعنی رفت و رسید و دور شد؛ مانند «توغّل».

عبارت: «مستغزر ما نروح»، در بیشتر نسخهها به صورت تقدیم حرف نقطهدار بر حرف بینقطه است؛ فیروز آبادی گفته است:(3)

«المستغزر» کسی است که بیشتر از آنچه میبخشد، درخواست میکند؛ و در بعضی نسخهها، عکس این است؛ و شاید مراد از «غزر الشیء فی الشیء»، پنهان کردنش در آن باشد؛ ولی معنای نخست آشکارتر است؛ یعنی خواستههای زیاد. جوهری گفته است:(4) «غضّ منه، یغضّ» با ضمه، یعنی قدر و منزلتش را پایین آورد.

و گفته میشود: «بخسه حقّه»، مانند «منعه» یعنی، «نقصه»، یعنی حقش را نداد. «العقوه»، یعنی آنچه اطراف خانه و محلّه است؛ و گفته میشود: «سمته خسفاً»، یعنی ذلت و خواری را به او دادم و او را بر آن وارد کردم. «الثلمه» با ضمه، یعنی شکاف چیز شکسته شده و ویران؛ و «الثلم» با فتحه همه حروف، یعنی لبه دره

1- . النهایه 3: 190

2- . القاموس 4: 65 - 66
3- . القاموس 2: 102؛ با اندکی تفاوت
4- . الصحاح 1: 155

بشکافد. جزری در النهایه گفته است:(1)

«و أقام أوده بثقافه»؛ «الثقاف» وسیلهای است که با آن نیزه را صاف میکنند؛ منظور این است که او کجی و انحراف مسلمانان را درست کرد.

فیروز آبادی گفته است: «أرهج»، یعنی غبار برانگیخت؛(2) و گفته است: «النقع»، یعنی غبار.(3)

عبارت: «و أنحوا» با حرف حاء بینقطه است، گفته میشود: «أنحی علیه ضرباً»، یعنی به طرف فلانی رفت، و «أنحی له السلاح»، یعنی با اسلحه او را زد؛ فیروز آبادی این را بیان کرده است.(4)

«شحنه و أشحنه»، یعنی پرش کرد. «أضبَّ فلاناً»، یعنی با او ملازمت کرد و از او جدا نشد و به او متمسّک شد. «أکبُّوا»، گفته میشود: «أکب علیه»، یعنی به طرفش رفت و با او ماند؛ و در بعضی نسخهها به صورت «ألبّوا» است؛ گفته میشود: «ألبَّ علیَّ کذا»، یعنی او را رها نکرد. «الإختطاف»، یعنی ربودن، و به سرعت گرفتن چیزی؛ یعنی آنها غفلت مردم را مغتنم شمردند و از آنها برای پیشبرد اهدافشان استفاده کردند.

عبارت: «خیانه الأمانه المعروضه» اشاره دارد به آنچه در روایتها پیرامون آیه «إنا عرضنا الأمانه» {ما امانت را عرضه کردیم.} آمده است که امانت همان خلافت است؛ و شخصی که آن را بر عهده گرفت، ابوبکر است؛ و کلام حضرت علیه السلام که فرمود: «ذو الشقاق و العزه»، به آیه «بل الذین کفروا فی عزَّه و شقاق» {آری، آنان که کفر ورزیدند در سرکشی و ستیزه اند.} اشاره دارد؛ و «العزَّه»، یعنی روگردانی از حق؛ و «الشقاق»، یعنی مخالفت با خداوند و رسولش. ««اهتضمه»، یعنی به او ظلم کرد و او را غصب نمود. «أصلت السیف»، یعنی شمشیر را از غلافش بیرون کشید.

1- . النهایه 1: 155
2- . القاموس 1: 191
3- . القاموس 3: 90
4- . القاموس 4: 394

فرمایش حضرت علیه السلام: «مقذعه أسنّتها»، در بعضی نسخهها با حرف دال بینقطه، و در بعضی به صورت نقطهدار آمده است؛ فیروز آبادی گفته است:(1) «قدعه» مانند «منعه»، یعنی او را باز داشت؛ مانند «أقدعه»؛ و «قدع الشیء»، یعنی چیزی را انجام داد؛ و گفته است:(2)

«قذعه» مانند «منعه»، یعنی به او فحش و دشنام داد؛ مانند «أقذعه»؛ و «قذعه بالعصا»، یعنی او را با عصا زد؛ در کتاب المزار الکبیر، «مشرعه» آمده است که ظاهراً همین درست است.

عبارت: «عقّت»، برگرفته از «العقوق» است، خلاف نیکی؛ و بعید نیست که در اصل، «عنفّت» از «التعنیف» باشد. «السوره»، یعنی یورش بردن و دشمنی کردن؛ ممکن است که این کلمه اشتباه نوشتاری «السوءه» باشد. «یوم الحره» مشهور است و در احوالات سید الساجدین امام زین العابدین علیه السلام بیان شد. فیروز آبادی گفته است:(3) «الشأفه» به معنای زخمی است که از کف پا بیرون میآید، و داغ میشود و به این ترتیب از بین میرود و اگر بریده شود، صاحبش میمیرد؛ و در اصل، «استأصل الله شأفته»، یعنی خداوند او را نابود کند، آنگونه که آن زخم و دمل از بین میرود؛ یا معنایش این است خداوند او را از بیخ و بن نابود گرداند؛ تمام.

عبارت: «معرقه» برگرفته از «أعرق الشّجره»، یعنی ریشههای درخت تا عمق زمین فرو رفت؛ و در بعضی نسخهها با حرف غین نقطهدار آمده است و مجهول است. «أشرعت الرمح نحوه»، یعنی نیزه را به طرف او نشانه گرفت. «مولغه» برگرفته از «ولوغ الکلب» است؛ گفته میشود «أولغ الرجل الکلب»، یعنی آن مرد سگ را وادار به فرو بردن زبانش در ظرف - برای خوردن آب و... - کرد؛ شاعر گفته است:

-روزی نگذشت مگر آنکه در برابر آن دو، گوشت مردان بود یا دهان در ظرف خون دارند.

1- . القاموس 3: 65
2- . القاموس 3: 65
3- . القاموس 3: 156

«الجنازه» با کسره و گاهی با فتحه خوانده شده است؛ گفته شده است: در صورتی که با کسره باشد، به معنای مرده، و در صورتی که با فتحه خوانده شود، به معنای تابوت است.

در مورد عبارت «شکَّت»، جزری در کتابش گفته است:(1) مردی وارد منزلش شد و ماری را در آنجا یافت؛ سپس «شکَّها بالرمح»، یعنی نیزه را در مار فرو برد و آن را زد؛ تمام. و در بعضی نسخهها با حرف سین بینقطه آمده است، و «السکّ»، یعنی چفت یا کلون برای در گذاشتن. «العراء»، یعنی فضایی که با چیزی پوشیده نباشد. «القناه»، یعنی نیزه. «الکبل»، یعنی قید و بند؛ و «کبله»، یعنی او را در زندان یا جای دیگر حبس کرد. «الرضّ»، یعنی خرد کردن و کوبیدن. «الشمل»، یعنی جمع شدن. «العبادید»، یعنی گروههایی از مردم، و اسبان که به هر سو روند. «القوارع»، یعنی ناگواریها.

عبارت: «ثم اجعل القبر بینک و بین القبله»، یعنی پشت قبر در حالت رو به قبله بایست. عبارت: «نجاتی»، یعنی آن را میخواهم؛ و عطف کردن آن بر «الامور» و همین طور عبارتهای بعدی، بعید است. جوهری گفته است.(2)

«نکد عیشهم»، یعنی زندگیشان سخت شد؛ و «رجل نکد»، یعنی مرد سختگیر؛ و «ناکده فلان» و «تناکدان»، یعنی آن دو به یکدیگر سختگیری کردند. «اللؤم» با ضمه و همزه، یعنی بخل. گفته میشود: «أجحف به»، یعنی او را برد؛ به ضرر و خسارت بزرگ هم اطلاق میشود. گفته میشود: «برع»، یعنی از یارانش در علم و جز آن، برتری یافت؛ یا در هر فضیلت و جمالی کامل گشت.

زیارت ششم:

این را نیز سید پسر طاووس - که خداوند از او راضی باشد، - در کتاب مصباح الزائر نقل نموده است؛ و البته با سندهای دیگر نیز ذکر گردیده است. وی گفته است: از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: کسی از شیعیانمان آن را نزد قبر امیرالمؤمنین علیه السلام یا یکی از امامان علیهم السلام نمیخواند، جز

1- . النهايه 2: 253
2- . صحاح الجوهرى 1: 542

آنکه این زیارت در نردبانی نورانی واقع میشود، و با مُهر محمد صلی الله علیه و آله بر آن زده میشود، تا اینکه به حضرت قائم علیه السلام تسلیم شود، و صاحب آن را با بشارت و تحیّت و کرامت دیدار کند؛ و آن زیارت، این چنین است:

سلام بر تو ای امین خدا در زمینش، و حجت او بر بندگانش، سلام بر تو ای سرور من؛ گواهی میدهم که تو در راه خدا آن چنان که شایسته است، جهاد نمودی، و به دستورات کتاب او عمل کردی، و سنتهای پیامبرش را - که خداوند بر او و خاندانش درود فرستد، - پیروی کردی، تا خداوند تو را به جوار خود دعوت نمود، و با اختیارش تو را به سوی خودش برد، و حجت را به دشمنانت تمام کرد، به همراه حجتهای رسای دیگری که در تو وجود داشت، بر تمامی آفریدگانش.

خدایا، پس جانم را مطمئن به تقدیرت، خشنود به قضایت، مشتاق به ذکر و دعایت، دوستدار اولیای برگزیدهات، محبوب در زمین و آسمانت، شکیبا در برابر نزول بلایت، علاقمند به شادی دیدارت، اندوزنده توشه پرهیزکاری برای روز جزایت، پیروی کننده(1)

از سنتهای اولیائت، کنارهگیری کننده از اخلاق دشمنانت، و برگرفته شده از دنیا به وسیله حمد و ثنایت، قرار ده.

سپس صورتش را روی قبر میگذارد و میگوید:

خدایا، دلهای خضوع و خشوع کنندگان در برابر تو عاشق، و راههای دوستداران به سوی تو هموار، و پرچمهای قصد کنندگانت آشکار، و قلبهای عارفان نسبت به تو ترسان، و صداهای دعوت کنندگان به سوی تو بلند، و درهای اجابت برای آنها گشوده، و دعای کسی که با تو مناجات کند اجابت شده، و توبه کسی که به سوی تو باز گردد پذیرفته، و اشک کسی که از ترس تو بگرید مورد رحمت، و یاری کردن کسی که از تو طلب یاری نموده است موجود، و کمک کردن کسی که از تو کمک طلبیده آماده، و وعدههایت برای بندگان عملی، و لغزش کسی که از تو طلب بخشش نموده است نادیده گرفته شده، و عمل های عمل کنندگان در پیش تو محفوظ، و روزیهایت از پیش تو برای آفریدگان نازل، و بهرههای بیشتر

1- . آراسته شده. خ ل

برایشان واصل، و گناهان استغفار کنندگان آمرزیده، و نیازهای بندگانت نزد تو برآورده شده، و پاداشهای خواهندگان نزد تو بسیار، و بهرههای بیشتر پی در پی گشته، و غذاهای فقیران آماده، و چشمههای تشنگان پر آب میباشد؛ خدایا، پس دعایم را اجابت کن، و ستایشم را بپذیر، و بین من و اولیائم جمع گردان، به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین؛ به راستی تو سرپرست نعمتهای من و نهایت آرزویم، و پایان امید من در بازگشتگاه موقّت و منزلگاه همیشگیام هستی.(1)

زیارت هفتم:

سید - که رحمت خدا بر او باد - گفته است: این از امام هادی علیه السلام روایت شده است؛ طبق آنچه پیش از این در زیارت امام زمان علیه السلام آوردیم، اذن میگیری؛ بعد از آن، ابتدا با پای راست وارد میشوی و میگویی:

به نام خدا و به یاری خدا و بر آئین رسول خدا صلی الله علیه و آله، گواهی می دهم که هیچ معبودی جز خدا وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست، و گواهی میدهم که محمد، بنده و فرستاده اوست؛ درود و سلام کامل خدا بر او و خاندان او باد.

سپس

روبروی ضریح و پشت به قبله ایستاده و با صد مرتبه الله اکبر، خدا را به بزرگی یاد میکنی و میگویی:

به نام خداوند بخشایشگر مهربان؛ گواهی میدهم که هیچ معبودی جز خدا وجو ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست؛ آن گونه که خداوند برای خودش گواهی داده است و فرشتگان او و دانشوران از میان آفریدگان او برایش گواهی دادهاند؛ جز او، که شکست ناپذیر و حکیم است، هیچ معبودی نیست. و گواهی میدهم که محمد، بنده برگزیده، و فرستاده پسندیده اوست که او را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید.

1- . مصباح الزائر: 245 - 246

خدایا، بافضیلتترین درودها و کاملترین آنها، و فزایندهترین برکتها و شاملترین آنها، و پاکترین تحیّتها و تمامترین آنها را بر پیشوای ما محمد، بنده و فرستادهات، و همسخن تو و دوستدار تو و مورد خشنودیات و برگزیدهات و انتخاب شدهات و برجسته شدهات و وارستهات و امانتدار و گواه تو، و راهنمایی کننده به سوی تو، و آشکارا بیان کننده اوامر تو، و پند دهنده به خاطر تو، و سختکوش در راه تو، و نگهبانی کننده از دین تو، و آشکار کننده برهان های تو، و راهنمایی کننده به فرمانبرداری تو، و ارشاد کننده به آنچه مورد خشنودی توست، و نگهبان وحی تو، و نگاهدارنده پیمان تو، و قاطع در پیش بردن فرمان تو، و تأیید شده با نور درخشان و استوار گشته با امر مورد رضایت، و وارسته از هر اشتباه و لغزش، قرار ده.

- همان کسی که - از هر ناپاکی و سبکی به دور داشته شده، و با بهترین دینها و ملتها برانگیخته گشته، ناراستی و کجی را راست گرداننده، و نشانهها و دلیلها را برپا دارنده، برای نمایاندن دو نیم ساختن - ماه -، و آشکار کردن روش نیکو، اختصاص یافته، آشکار کننده آن بخش از یگانگی تو که پوشیده داشته شده است، و زنده کننده آن عبادت هایت که از بین رفته اند، و پایان دهنده به آنچه پیش از این گذشته است، و گشاینده آنچه گره خورده است، برگزیده از میان آفریدگانت، و برگزیده برای پرده برداشتن از حقیقتهای تو، که با او، راه های هدایت آشکار گشته، و با او، سیاهیهای شدید نابینایی روشن گردیده است.

در هم کوبنده سپاهیان ناراستان، و دور کننده تاختنهای گمراهان، برگزیده از سرشت بزرگواری، و از نسل گرامی پیشینیان، و غرس کننده افتخاری ریشهدار، و شاخه درختی بلند و پر میوه و برگدار، انتخواب شده از نسل برگزیدگان، و چراغ روشنایی، و ارجمند در والایی، و میانه - و باطن - مکه، برانگیخته شده به حق از سوی تو، و برهان روشن تو بر تمام آفریدگان، آخرین پیامبران تو، و دلیل رسای تو در زمین و آسمانت.

خدایا، بر او درودی بفرست که در کنار بهرهمندی از آن، به بالاترین درجه بهرهمندی قرار گیرد، و از برکت دست آویختن به سبب آن، از اندازه دست آویختگان

به سبب آن بالاتر رود، و بعد از آن، بزرگ داشتن و گرامی ساختن [به سبب آن،] را بر او افزون گردان، به گونهای که آرزوهای بزرگ از رسیدن به آن، باز مانند، تا آنجا که به خاطر بزرگواری تو، به والاترین جایگاه و درجات بالا رود، و به خاطر نعمت های تو، به عالیترین منازل بخششها گام نهد، و خدایا حق او را از ظالمین به او و ظلم کنندگان به برگزیده از خاندانش بگیر. خدایا، و بر دوستدارت، و برپادارنده دینت، و برپا خاسته به عدالت بعد از پیامبرت، علی فرزند ابیطالب، امیرالمؤمنین، و امام پرهیزکاران، و پیشوای جانشینان، رئیس دین، فرمانده رویسفیدان ، و قبله عارفان، و نشان هدایت یافتگان، و ریسمان محکم تو، و رشته استوار تو، و خلیفه پیامبر تو بر تمام مردمان، و جانشین او در دنیا و دین، درود فرست.

بزرگترین انسان راستین در میان انسانها، و آشکارترین جدایی اندازنده میان حلال و حرام، یاور دین اسلام، و در هم شکننده بتها، و سرافراز کننده دین و حمایت کننده آن، و سپر پیامبر و نگاهدارنده او، ویژه گشته برای برادری با او در روز برادر گرفتن، و کسی که نسبت به پیامبر، به منزله هارون نسبت به موسی بود، پنجمین فرد از افراد کساء، و همسر سرور بانوان، مقدم دارنده دیگران در غذا، با وجود گرسنگی شدید، کسی که تلاشش در سوره هل أتی مورد سپاس قرار گرفته است، چراغ هدایت، و پناه پرهیزکاری، و جایگاه عقل، و کوه زیرکی، و فراخواننده به دلیل بس بزرگ، و مسافر به سوی نهاییترین هدف، و اوج گیرنده به سوی بزرگی و والایی، و دانای به تأویل و باطن قرآن، همان کسی که فرشتگان ویژهات را با طشت آب و حوله، به خدمت او گماشتی، تا وضو گیرد، و خورشید را بعد از اینکه به نزدیکی غروبش رسیده بود، برای او باز گرداندی، تا اینکه در اول وقت برای تو نماز گزارد، و از غذای بهشتیان به او خوراندی، آن هنگام که به مقداد قرضی داد، و به خاطر او بر فرشتگان برگزیدهات مباهات کردی، آن هنگام که در مقابل به دست آوردن خشنودی تو از جانش گذشت تا تو راضی شوی، و ولایت او را یکی از واجبات خودت قرار دادی.

پس نگون بخت کسی است که به بعضی - از این حقایق - اعتراف کند و بعضی دیگر را انکار نماید. بزرگ نیکان، و معدن افتخارات، و تقسیم کننده بهشت و

آتش، و صاحب اختیار اهل اعراف، و پدر امامان بزرگوار، مظلومی که حقش به ستم از او ستانده شده، و شکیبای به امید اجر الهی، و تنها مانده در میان خود و خانوادهاش، و آهنگ نموده شده در میان گروه و عزیزان خود است؛ درودی که برای فزونیاش پایانی نباشد، و برای استوار گشتنش سستی پیش نیاید؛ خدایا، لباسهای زیبای نعمت را بر او بپوشان، و او را با تاج بزرگواری تاجدار گردان، و او را به والاترین مرتبه و مقام، بالا ببر، تا اینکه به پیامبرت، که سلام بر او و بر خاندانش باد، بپیوندد، و در برابر ستمکارانش ای خدا، به نفع او داوری کن، به راستی که تو در آنچه داوری کنی، عادلانه داوری مینمایی.

خدایا، و بر بتول، آن بانوی پاکیزه، زهرا دختر رسول خدا، مادر امامان هدایتگر، سرور زنان جهانیان، وارث برترین پیامبران، و همسر برترین جانشینان، شتافته به سوی تو با حالت اندوهبار از آنچه به پدرش رسید، و دادخواه از آنچه از سوی غصب کنندگان حقش به او رسید، خشمگین بر امتی که در یاری او، حق تو را رعایت نکردند، به دلیل اینکه شبانه او را در قبر دفن کردند، همان کسی که حقش مورد غصب واقع شد، و آب دهانش را از روی غصه فرو میبرد، درودی که نه پایانی برای امتدادش باشد، و نه نهایتی برای دوامش، و نه تمام شدنی برای شمارش آن.

خدایا، در برابر بدیهای سرای زودگذر برایش در سرای جاودان دادن عوضهایی نفیس را بر عهده بگیر، و در برابر کسی که با دشمنی کرده است، او را به نهایت آرزوها، و پایان هدفها برسان، تا اینکه هیچ دوستی از او که به واسطه ناراحتی او ناراحت شده باشد نماند مگر اینکه خشنود گردیده باشد، به راستی که تو عزتمندترین کسان پناه دهنده به ستمدیدگان، و عادلترین داوران هستی؛ خدایا، او را در بزرگواری به همسرش و پدرش ملحق نما، و حق او را از ستمگران به وی باز ستان.

خدایا، و بر امامان پیشگام، و رهبران هدایتگر، و پیشوایان وارسته، و و پرهیزکاران نیک، و جایگاه آرامش و وقار، و گنجینه داران دانش، و دارندگان بیشترین بردباری و افتخار، سیاست مداران بندگان، و استوانههای شهرها، و راهنمایان راستی، و انسانهای خردورز بزرگمنش، دانایان به شریعت و

پاکباختگان، و چراغهای تاریکیها و چشمههای حکمت، و سرپرستان نعمت، و پناهگاه امتها، همردیفان قرآن و آیههای آن، و امانتداران تأویل و صاحب اختیاران آن، و بیان کنندگان وحی به زبان مردم و راهنماییهای آن، امامان هدایت و چراغهای تابان تاریکی ها، و نشانههای پرهیزکاری، و پناه مردمان، و نگاهبانان اسلام، و حجتهای تو بر تمام آفریدگان، حسن و حسین، دو سرور جوانان اهل بهشت، و دو نواده پیامبر مهربانی، و بر علی فرزند حسین، بسیار سجده کننده و زینت عبادت کنندگان، و محمد فرزند علی، شکافنده دانش دین، و جعفر فرزند محمد، آن راستین امانتدار، و موسی فرزند جعفر، فروخورنده خشم و بردبار، و علی فرزند موسی، خشنود و وفادار، و محمد فرزند علی، آن نیکوکار تقوا پیشه، و علی فرزند محمد، آن برگزیده پاکیزه، و حسن فرزند علی، آن هدایتگر مورد خشنودی، و حجت فرزند حسن، صاحب اختیار دوره و زمان - آخر -، جانشین جانشینان، و بازمانده پیامبران، پوشیده از آفریدگان، و مورد آرزو برای آشکار ساختن حق تو، مهدی مورد انتظار، و برپا خیزندهای که با او یاری جسته میشود.

خدایا، بر همه آنان درود فرست؛ درودی که در هر دو جهان جاودانه باشد، و آنان را به واسطه آن به برترین جایگاه بزرگواران برسانی؛ خدایا، آنان را در بزرگ داشتن، به جدشان و پدرشان ملحق نما، و حق آنان را از ستمگران به آنان باز ستان.

گواهی میدهم ای سرور من، که شما فرمانبردار برای خداوند، و برپا خاستگان به فرمان او، و انجام دهندگان با اراده او، دست یافتگان به کرامت او هستید که شما را با علم خود برگزید، و شایسته غیب خود قرار داد، و با علم نهانی خود انتخابتان نمود، و با هدایتش سرافرازتان کرد، و شما را با برهانهای خودش ویژه گردانید، و با روح خودش مورد تأیید قرار داد، و شما را به عنوان جانشینان خود در زمین و دعوت کنندگان به سوی حقش، و گواهان برای آفریدگانش، و یاوران برای دینش، و حجتهایی برای مردمانش، و بازگو کنندگان برای وحیاش، و گنجینه داران برای علمش، و امانتداران برای حکمتش پسندید، خداوند شما را از گناهان نگاه داشت و از کاستیها دور نمود، و برای نهانها امانتدار قرار داد.

ای پیشوایان من، شما را در حالی که به حقّتان آشنا، به جایگاهتان بینا، هدایت یافته با هدایت شما، راه رونده به دنبال شما، و پیروی کننده از سنت شما، و دست آویخته به ولایت شما، چنگ زده به ریسمان شما، فرمانبردار دستور شما، دوستدار دوستان شما، دشمن دشمنان شما، آگاه به اینکه حقیقت در شما و همراه شما است، توسل جسته به واسطه شما به سوی خداوند، و جویای شفاعت به وسیله آبروی شما نزد او هستم، زیارت کردهام؛ و شایسته اوست که نیازخواه خودش را، و زیارت کننده شما که به آنچه نزد اوست امیدوار است، و فرمانبرداران از دستور شما را دست خالی برنگرداند.

خدایا، پس همچنان که مرا برای ایمان آوردن به پیامبرت، و راست انگاشتن دعوتش موفق گردانیدی، و با اطاعت از او و پیروی از آیینش بر من نعمت بخشیدی، و مرا به شناخت او، و شناخت امامان از نسل او هدایت کردی، و با شناخت آنان ایمان را کامل کردی، و به واسطه ولایت و اطاعت آنان اعمال را پذیرفتی، و بندگان را به واسطه دورد فرستادن بر آنان، به بندگی سزاوارشان ساختی، و آنان را کلید دعا، و سبب اجابت قرار دادی، پس بر همه آنان درود فرست، و به خاطر آنان مرا در دنیا و آخرت نزد خودت آبرومند و از نزدیکی یافتگان قرار ده.

خدایا، گناهان ما را به خاطر آنان آمرزیده شده، و عیبهای ما را پوشیده، و واجبات ما رو مورد سپاس، و مستحبات ما را مورد قبول، و دلهای ما را با یاد خودت آباد، و جانهای ما را با فرمانبرداری از خودت شادمان، و اعضای بدنمان را با برای خدمت خودت چیره، و اسمهای ما را در میان برجستگانت مشهور، و روزیهای ما را از پیش خودت پی در پی، و نیازهای ما را در نزد خود بر آورده قرار ده، به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.

خدایا، وعدهات را برای آنان به انجام رسان، و با شمشیر برپا خیزنده از آنان زمینت را پاک گردان، و به وسیله او حدود به تعطیلی کشیده شده، و احکام فرو گذاشته و دگرگون شدهات را برپا دار، و به وسیله او دلهای مرده را زنده گردان، و خواستههای پراکنده را به وسیله او هماهنگ ساز، و به وسیله او زنگار ستم را از راه خودت بزدای، تا اینکه حقیقت را به دستان خودش در بهترین صورت آشکار سازد،

و باطل و اهل آن را به واسطه نور دولتش از بین ببرد، و تا اینکه به خاطر ترس از آفریدگان، چیزی از حقیقت را پوشیده نگذارد.

خدایا، گشایش آنان را نزدیک گردان، و پیروزیشان را آشکار نما، و ما را بر راه روشن آن ها روانه کن، و ما را بر پایبندی به ولایت آنان بمیران، و در گروه آنان و زیر پرچمشان به رستاخیز در آور، و بر حوض آنان واردمان کن، و با جام آنان سیرابمان کن، و بین ما و آنان جدایی مینداز، و ما را از شفاعت آنان محروم مفرما، تا اینکه به گذشت و آمرزش تو دست یابیم، و به سوی رحمت و خشنودی تو رهسپار گردیم؛ ای معبود راستین، پروردگار جهانیان، ای کسی که مهربانیاش به مؤمنان نزدیک است، و ما به حقیقت و نه از روی تردید، همانهاییم،(1)

ای کسی که وقتی قرار گرفتن در معرض خشم او ما را به وحشت اندازد، حسن ظنمان به او باعث آرامش ما میشود، پس ما در بین ترس و امید به تو تکیه کرده ایم و منتظر هستیم ، با نیازخواهی شدید برای گذشت و آمرزش تو روی آوردهایم، پس برای قدرت و عزت تو گردنهایمان خوار گشتهاند، پس بر محمد و خاندان پاک محمد درود فرست، و دعای ما را به خاطر آنان مورد اجابت قرار ده و دوستداری ما نسبت به آنان را مایه پوشش ما از آتش گردان.

خدایا، ما را نسبت به پیمودن مسیر، بینا گردان تا بر آن تکیه کنیم، و بر داخل شدن به مسیر رشد آگاهمان ساز تا بر آن وارد شویم، و اشتباهات ما را به راستی مبدّل نما، پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دلهایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار، ای کسی که به خاطر بخشندگی و بزرگواریاش به بخشایشگری اسم برده میشود، و در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش دور نگه دار، اگر چه به خاطر اعمالمان شایسته آتش شده باشیم، به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.(2)

1- . دوستداران تو هستیم. خ ل
2- . مصباح الزائر: 246-250

سپس برمیگردی و روبروی ضریح میایستی و میگویی: ای ولیّ خدا، به راستی که بین من و خداوند عز و جل گناهانی وجود دارد که جز خشنودی او، چیز دیگری آنها را از بین نمیبرد؛ پس به حق کسی که تو را امانتدار اسرار خود قرار داد، و امور آفریدگانش را به تو سپرد، و فرمانبرداری از تو را هم ردیف با فرمانبرداری از خودش، و دوستداری تو را هم ردیف با دوستداری خودش قرار داد، سامان دادن حال مرا با خداوند عز و جل را بر عهده گیر، و بهره مرا از زیارت خودت، قرار گرفتن در میان زیارت کنندگان وارستهات قرار ده، همان کسانی که از خدای عز و جل، آزاد شدن گردنهایشان را درخواست کنی، و در ثواب نیکوی آنان، به سویشان روی آوری، و این منم که امروز به قبر تو روی آوردهام، و به حمایت نیکوی تو از من پناهنده شدهام، پس پاداشم ده ای سرور من، و مرا دریاب، و از خدای عز و جل در مورد مشکل من درخواست کن، به راستی که تو در نزد خداوند جایگاه بزرگوارانهای داری، درود خدا و سلام کامل او بر تو باد.

سپس ضریح را در ببوس و رو به قبله کن و دستت را بالا ببر و بگو:

خدایا، همانا از آنجا که فرمانبرداری او را بر من واجب گردانیدی، و مرا به واسطه دوستداری او گرامی داشتی، دانستم که این به خاطر جایگاه والای او نزد تو، و بهره گرانقدر او از جانب تو، و به خاطر نزدیکی منزلت او نسبت به توست، پس به همین خاطر به قبر او روی آوردم، همچون روی آوردن کسی که میداند میانجیگری او را بر نمیگردانی؛ پس به خاطر دانش دیرینهات درباره او، و خشنودی نیکویت از وی، از من و از پدر و مادرم خشنود باش، و آتش را بر من گشوده و مسلط مساز، به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.(1)

سپس از جای خود بر میگردی و پشت قبر میایستی؛ پس قبر را روبروی خود قرار ده و دستانت را بالا ببر و بگو:

خدایا، اگر از محمد و خاندان برگزیده او، آن پرهیزکاران و نیکان که درود بر او و بر آنان باد، واسطه ای نزدیکتر نسبت به تو مییافتم، به وسیله آنان به سوی

1- . مصباح الزائر: 250

تو وساطت میجستم، و این قبر یکی از دوستداران تو و بزرگی از برگزیدگان تو، و از کسانی است که فرمانبرداریاش را بر آفریدگان واجب گردانیدهای، و من او را در برابر خود قرار دادهام، از تو ای پروردگار، به خاطر احترام او نزد تو، و به خاطر حقی که او بر تو دارد، درخواست میکنم که یکی از نگاههای مهربانانهات را بر من بیفکنی، تا به سبب آن ژولیدگیام را برطرف نمایی، و در دنیا و آخرت، حالم را نیکو گردانی، که به راستی تو بر هر چیزی توانایی.

خدایا، همانا گناهان من، چون از شماره بیرون رفته، و از حد درگذشته است، دانستم که وساطت هر کسی غیر از دوستداران تو از آن باز میماند، به همین خاطر از شهرم به راه افتادم، و با خوشبینی آهنگ دوستدار تو را نمودم، و از جانب او به ریسمان استواری دست آویختهام، و این منم ای سرور من که به واسطه او به تو شفاعت جستهام، و به او بر تو سوگند خوردهام، پس بر غربت من رحم کن، و توبهام را بپذیر.

خدایا، من به کار شایستهای که در گذشته انجام داده باشم امیدوار نیستم، و به نیکی که به عنوان دفاع از خودم قابل ارائه باشد اتکایی ندارم، و اگر نیکیهای تمام آفریدگان را پیش آورم، سپس از فرمانبرداری دوستداران تو مخالفت ورزم، به یقین آن نیکیها باعث دور شدن من از جوار تو خواهد شد، بدون اینکه بین من و آتش تو جدایی بیندازند، به خاطر همین دانستم که بهترین فرمانبرداری از تو، فرمانبرداری از دوستداران توست.

خدایا، به خاطر کسی که به وسیله او به تو روی آوردهام، به روی آوردنم رحم نما، و تو می دانی که من بزرگوار تر از آنان را سراغ ندارم، به دلیلی جایگاه رفیعی که آنان نزد تو دارند، ای مهربانترین مهربانان؛ خدایا، به راستی که تو به نعمت دادن توصیف گشتهای، و دوستدار تو به شفاعت کردن درباره کسی که به سوی او آمده باشد، شناخته شده است، پس اگر از روی بزرگواری در مورد من وساطت نمود، صورت - مهربانی - تو رو به من خواهد بود، و اگر صورت - مهربانی - تو رو به من باشد، به منزلگاه بهشت خواهم رسید.

خدایا، همچنانکه به واسطه او به تو توسل میجویم، می خواهم که با خشنودی و نعمت رساندن بر من منت نهی، خدایا، او را از ما خشنود ساز و بر ما خشمگین مساز، و ما را به سبب او هدایت کن و درباره او گمراهمان مگردان، و درباره او ما را در راهی قرار ده که خود میپسندی، و فرمانبرداریام را به نیت وارستهام در سلام دادنم(1) به او همراه ساز، ای مهربانترین مهربانان.

خدایا، بر برگزیده آفریدههایت محمد و خاندان او درود فرست، آن گونه که آنان را بر جهانیان گرامی داشتی، و آنان را از روی دانش، بر پیشینیان برگزیدی؛ خدایا، و بر حجت خودت، و برگزیدهات از میان آفریدگانت، از پی رونده پیامبرت، برپادارنده فرمانت، علی فرزند ابیطالب درود فرست؛ و بر فاطمه زهرا، سرور بانوان هر دو جهان، درود فرست؛ و بر حسن و حسین، زینت دو گوشه عرشت، و دو دلیل آفریدگان بر تو، و دعوت کنندگان به سوی تو، درود فرست.

خدایا، و بر علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و واپسین باقیمانده نیک، آن چراغهای تاریکی، و حجتهای تو بر تمام آفریدگان، گنجینه داران دانش از اینکه از بین رود، و یاوران دین از اینکه به کجی گراید، درود فرست، درودی که پاداش آن کاملترین خشنودی تو، و فزایندهترین برکتهایت، و بزرگوارانهترین نیکیهایت باشد؛ خدایا، همه دشمنان آنان را از جن و انس نفرین کن و عذاب دردناک را بر آنان بیفزا، و سلام بر تو و رحمت و برکتهای خدا نثار تو باد.

سپس در اینجا با دعای عهد که برای زمان غیبت سفارش شده است و پیش از این در زیارت حضرت قائم علیه السلام گفته شد، دعا میکنی و بعد از آن نیز میگویی:

خدایا، دلم را نسبت به تقدیر خودت مطمئن، و نسبت به امور حتمیات خشنود، به یادکرد و دعای تو حریص، نسبت به برگزیدگان از اولیای تو دوستدار، در زمین و آسمانت دوست داشتنی، در برابر فرود آمدن بلای تو شکیبا، برای شادی

1- . دوست داشتنم. خ ل

دیدارت مشتاق، برای روز پاداش تو توشه بر گرفته از پرهزکاری، آراسته به روشهای نیکوی دوستداران تو، دوری گزیده از ویژگیهای دشمنان تو، و کناره گرفته از دنیا در نتیجه پرداختن به سپاس و ستایش تو، قرار ده.(1)

توضیح: جرزی گفته است:(2)

«اعتام الشیء، یعتامه»: او را برگزیده است. و گفته است:(3)

«الغربیب»، یعنی تاریکی شدید؛ و در حدیث علی علیه السلام در مورد ویژگیهای پیامبر صلی الله علیه و آله گفته است: «دامغ جیشات الأباطیل»، همان جمع جیشه است که اسم مره از جاش است وقتی بالا بیاید.(4)

پایان. و «الأضالیل» جمع الأضلوله، و آن ضد هدایت است. «السلاله» با ضمه، یعنی هرچه از چیزی تولید شود. «الذؤابه» با ضمه و با همزه، به معنای سرافرازی و ارجمندی، و والاترین هر چیزی است.

«العلیاء» با فتحه، یعنی آسمان، و قله کوه، و جای مرتفع، و هرچه که از چیزی بالاتر رود، همه اینها را فیروزآبادی بیان کرده است.(5)

عبارت آن حضرت، علیه السلام: «و سرّه البطحاء»، یعنی گرامیترین کسی که در محدوده مکه بزرگ شد؛ چرا که ناف، در میانه بدن انسان قرار دارد، و بهترین کارها، میانیترین آنها است. «الطوی»، یعنی خالی بودن شکم و گرسنگی؛ و «الطود» با فتحه، یعنی کوه بزرگ. «الظاعن»، یعنی مسافر؛ و در اینجا با حرف «طاء» بدون نقطه، مناسبتر است، همان گونه که در بعضی از نسخهها چنین است؛ گفته میشود: «طعن فی السن»، یعنی پیر شد؛ و «طعن فی المفازه»، یعنی بسیار رفت.

عبارت «المقصود فی رهطه»، یعنی کسی که مردم از میان گروهش برای برطرف کردن مشکلاتشان به سوی او میروند؛ یا همدستانش به سوی او میروند؛ و شاید اشتباه نوشتاری از «المقهور» {مورد بیمهری واقع شده} باشد. «الألباء» جمع

1- . مصباح الزائر: 250-251
2- . النهایه3: 163

3- . النهايه3: 173
4- . النهايه1: 224
5- . القاموس4: 365

اللبیب، همان خردورز است. «صدء الحدید» با فتحه حروف، آن کثیفی که روی آهن قرار میگیرد - زنگار -؛ و «الشنف»، از زینت های گوش و چیزی که در قسمت بالایی آن آویزان شود.

عبارت «أن یعدم»، احتمال دارد کلمه «أن» با کسره باشد، یعنی آنان دارندگان دانش هستند، هنگامی که در میان مردم از بین رود و برچیده شود؛ یا با فتحه تضمین باشد، یعنی آن را از نابود شدن حفظ میکنند؛ یا با فتحه تقدیری باشد، یعنی جلوگیری از نابود شدن آن؛ همان طور که در مورد این کلام خداوند متعال که فرموده است: «أن تقولوا یوم القیامه کنّا عن هذا غافلین»(1) {تا

مبادا روز قیامت بگویید ما از این [امر] غافل بودیم.} گفته شده است، که نمونههای این در قرآن فراوان است؛ و این احتمال آشکارتر است. این دو احتمال همچنین در بند بعدی نیز وجود دارند، هر چند احتمال آخری، آشکار است.

میگویم: نویسنده المزار الکبیر زیارت جامعی را برای همه قبور، که بر اهالی آنها برترین درودها نثار باد، بیان کرده و گفته است که دانشمند گرامی و بزرگوار، ابو المکارم حمزه پسر علی پسر زهره، که خداوند عزت او را دائمی گرداند، این را برای ما املا کرده و گفته است: هرگاه خواستی یکی از امامان علیهم الصلاه و السلام را زیارت نمایی، پس بر در ضریحش بایست و بگو: خدایا، به راستی که من بر در یکی از خانههای پیامبر تو ایستادهام.

میگویم: سپس دعای اذن خواستن را که پیش از این چند بار گفته شد، بیان کرد و پس از آن، زیارت پیشین را همان گونه که سید آورده است، تا عبارت «إن حقّت علینا إکتساباً برحمتک یا أرحم الراحمین و أنت حسبنا و نعم الوکیل» {اگر به دست آوردن آن برای ما حتمی شده باشد، به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان، و تو برای ما بس هستی و نیکو حمایتگری میباشی.} ذکر کرد. سپس دعای وداع را آن گونه که در زیارت جامع دومی گذشت، بیان کرده است.(2)

1- . اعراف/ 172

2- . المزار الكبير: 183-187

در بعضی نوشتههای اصحاب خودمان دیدم که از ابن عیاش ذکر کردهاند که مستحب است بعد از زیارت هر امام، نماز زیارت بخواند، سپس برگردد و روبروی ضریح بایستد و بگوید: «ای ولی خدا، همانا بین من و خدای عز و جل گناهانی وجود دارد که چیزی جز رضایت تو آنها را از بین نمیبرد.» و مثل آنچه پیش از این گذشت را ادامه داده است، تا این عبارت «و عذاب دردناک را بر آنان دوچندان کن، و سلام بر تو، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد.»

میگویم: پس روشن میشود آنچه سید - که رحمت خدا بر او باد، - آورده است، یک روایت نبوده است، بلکه بین روایات متعدد جمع کرده است.

زیارت هشتم:

سید - که رحمت خدا بر او باد، - این را روایت کرده و گفته است: این زیارت را امام رضا علیه السلام فرموده است؛ و من گمان میکنم که وی - رحمت خدا بر او باد، - آن را از روایتی که عبد العزیز پسر مسلم، از امام رضا علیه السلام در مورد فضیلت امام و ویژگیهای او نقل کرده است، و ما آن را پیش از این در کتاب امامت آوردیم، جمع کرده است؛ ولی آن را آن گونه که سزاوار است، گردآوری نکرده است. وی - که خدا از وی خشنود باد، - گفته است: هرگاه خواستی یکی از امامان علیهم السلام را زیارت نمایی، روبروی ضریحش بایست و بگو:

سلام بر ایستادگان در جایگاه پیامبران، میراثداران دانشهای برگزیدگان، سلام بر جانشینان خدا و جانشینان فرستاده او.

سلام بر شما ای کسانی که صاحب اختیار دین، و نظم دهنده جامعه مسلمانان و نیکی دنیا و ذخیره انسانهای با ایمان هستید؛ سلام بر شما ای اصل رو به رشد اسلام، و فرع برتری یافته آن، سلام بر شما ای کسانی که تمام یافتن نماز و زکات و روزه و حج و جهاد، و فراوانی غنایم و صدقهها و تأیید حدود نام برده شده، و احکام روشن گشته، به واسطه شما است.

سلام بر شما ای کسانی که به واسطه شما مرزها و گوشه ها نگاه داشته میشوند، و کارهای آفریدگان با امامت شما به گونهای نیکو و عادلانه به جریان می

افتد؛ سلام بر شما ای حلال دارنده حلال خدا، و حرام دارنده حرام خدا، و برپا دارنده حدود خدا، و نگهبانی کنندگان از دین خدا، و دعوت کنندگان به راه خدا، به وسیله حکمت و پند نیکو، و دلیل رسا.

سلام بر شما ای کسانی که برتریتان مانند خورشید درخشان، تابان است؛ و جهان به نور آن، روشنایی یافته است؛ و آن در کرانهای است که دستها و دیدگان به آن نمییازند.

سلام بر شما ای ماههای کامل درخشان، و چراغهای نورانی، و نورهای تابان، و ستارگان هدایتگر، در تاریکی شدید شب، و راههای شهر خالی از سکنه، و اعماق دریاها؛ سلام بر شما ای کسانی که دوستیتان مانند آب گوارا برای تشنه کام، و غذای خوشگوار سودمند برای گرسنه است؛ راهنمایی کنندگان به سوی هدایت، و نجات دهندگان از پستی، و آتشی بر بالای تپه برای کسی که هدایت بیابد و روشنی بجوید؛ سلام بر راهنمایان در هلاکتگاهها، همان کسانی که دوری گزیده از آنها هلاک خواهد شد، و همراهی کننده با آنها، به مقصد خواهد رسید.

سلام بر کسانی که دانش آنان مانند ابر سیل آسا، و باران ریزان، و آسمان سایه افکن، و زمین گسترده، و چشمه جوشان، و برکه و بهشت است؛ سلام بر شما ای کسانی که همچون همنشین امانتدار، و فرزند دلسوز، و مادر نیکوکار نسبت به فرزند خردسال، هستید؛ سلام بر شما ای گشایش بندگان در گرفتاریها، و حجت آشکار و روشن آنها.

سلام بر شما ای امانتداران خدا در میان آفریدگان، و حجت او بر بندگان، و جانشینان او در زمینش؛ سلام بر بر شما ای دعوت کنندگان به سوی خدا، دفاع کنندگان از حریم خدا؛ سلام بر پاک گشتگان از گناهان، و دور شدگان از عیبها؛ سلام بر ویژه گشتگان برای دانش دل افگار، و بردباری مشخص، و تمام برتریها، و اهل نیکی و بخشندگی؛ سلام بر شما ای نظم دهندگان به دین، و موجب سرافرازی مسلمانان، و خشم منافقان، و نابودی کافران؛ سلام بر کسانی که در فضیلتشان، کسی بر آنان نمیرسد، و در ولایت آنان جایگزینی پیدا نمیگردد.

سلام بر پیشوایان پربرکت، کسانی که شیوا سخنان از بیان فضیلتهای آنان ناتوان گردند، و افراد فصیح زبان، از دریافتن آنان باز مانند، و در توصیف برتریشان خطبهرانان سرگردان شوند، و خردورزان به آن نرسند، و بزرگان از درک جایگاه آنان کوچک باشند؛ سلام بر کسانی که مانند ستارگان از دست خواهندگان - دور - هستند؛ سلام بر دانشمندانی که دچار نادانی نمیشوند، و دعوت کنندگانی که سست و خسته نمیگردند؛ سلام بر معدن پاکی و پاکیزگی، و پرستش و وارستگی، و دانش و عبادت؛ سلام بر ویژه گشتگان برای دعوت پیامبر، و نسل پاک حضرت بتول.

سلام بر کسانی که هیچ کسی در اصالت بر آنها پیشی نمیگیرد، و هیچ کسی در شایستگی به آنها نمیرسد؛ خانه شان از قریش، و نسل از هاشم، و فرزندان از پیامبر صلی الله علیه و آله، و خشنودی از خداوند عز و جل، مایه شرافت شرافتمندان، و شاخه ها از فرزندان عبد مناف است؛ سلام بر برگزیدگان برای امامت، دانشمندان به سیاست، که فرمانبرداریشان واجب گشته است؛ سلام بر کسانی که خداوند برای امامت برگزیدهشان کرد، و سینهشان را برای آن گشوده ساخت، و در دلهایشان چشمههای حکمت را به امانت سپرد، و از این رو در جواب دادن ناتوان نگشتند، و از کار درست باز نماندند.

سلام بر شما ای پیشوایان پاک مورد تأیید واقع شده، موفق شدگان و راستی یافتگان؛ سلام بر شما ای کسانی که از لغزشها و اشتباهات، و خطا و تباهی، در ایمنی قرار گرفتهاند، گواهان بر مردم، و امانتداران بر حقیقت هستند؛ سلام بر شما و بر پدران بزرگوار شما، همان کسانی که خداوند برتریاش را برایشان بخشید، و به وسیله آنها به راههایش راهنمایی کرد، و به وسیله آنها راههای روشن دین را آشکار گرداند، و گرهها و درهای بسته آن را به وسیله آنان باز گشود، این فضل خداست، آن را به هر که بخواهد عطا می کند و خدا دارای فضل بسیار است؛ و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد.

سپس ضریح را ببوس و نماز زیارت و هر نماز دیگری که برایت وجود داشت، به جای آور و بعد از آن به دلخواه خودت دعا کن و بگو:

ای بلند مرتبه در دورياش، ای مهرورز در مهربانياش، ای بيرون آورنده گياه، ای زنده کننده مردگان، ای پشتيبان پناهندگان، ای پناه پناهجويان، ای شنواترين شنوندگان، ای بيننده‌ترين بينندگان، ای فريادرس فريادخواهان، ای تکيهگاه کسی که هيچ تکيهگاهی ندارد، ای پشتوانه کسی که هيچ پشتوانهای ندارد، ای ذخيره کسی که هيچ ذخيرهای ندارد، ای پناهگاه ناتوانان،(1)

ای گنجينه نيازمندان، ای اميدواری بزرگ، ای نجات دهنده غرق شدگان، ای زنده کننده مردگان، ای ايمنی دهنده بيمناکان، ای معبود جهانيان، ای سازنده هر ساختهای، ای به هم رساننده هر شکستهای، ای همراه هر دور افتادهای، ای انس و همدم هر تنها، ای نزديکی که دور نيست، ای حاضر در کنار هر ناپيدا، ای چيرهای که مغلوب واقع نميشود، ای زنده در زمانی که هيچ زنده ای نباشد، ای زنده کننده مردگان، ای زندهای که هيچ خدايی جز تو وجود ندارد، نوآفرين آسمانها و زمين، تو برپا خاسته برای هر کس با توجه به هر آن چيزی است که به دست آورده است؛ سپس به دلخواه خودت دعا کن.(2)

ذکر خداحافظی؛ مانند ايستادن هنگام زيارت، ميايستی و ميگويی:

سلام بر شما ای امانتداران خدا در زمينش، و حجتهای او بر بندگانش، و گنجينه داران علم او، و جايگاه اسرار نهانی او، و باب بازداشتن و دستور دادن او، و راه مستقيم او، سلام وداع کنندهای که نه بيزار است و نه صرفاً گوينده و نه رويگردان؛ و رحمت خدا و برکتهای او نثار شما باد. خدايا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و صبحگاه ما را به سوی خودت همراه با توکل بر خودت قرار ده، و شبانگاه ما را از سوی خودت پيوند خورده به رستگاری از ناحيه خودت، و دعای ما برای تو را همراه با اجابت، و فروتنی ما در پيشگاه تو را مايه رحمت خودت، و اعتراف کردن ما به گناهانمان را واسطه دست يافتن به گذشت خودت، و بريدن ما - از همه چيز و پيوستن تنها - به سوی تو را سبب رسيدن به آمرزش خودت، و زيارت دوستدارانت توسط ما را مورد قبول از سوی خودت، و بازگشتن ما از اين حرم گرانقدر را به سوی بهترين بازگشتگاه، به سوی محل گشايش، و

1- . در چاپ کمپانی، «یا حرز من لا حرز له» {ای پناهگاه کسی که هیچ پناهی ندارد.} آمده است.
2- . مصباح الزائر: 251-253

فراخی و راحتی، و در حفاظت و ایمنی،(1)

و در سلامتی ای که جان و خانواده و دارایی و فرزندان و دین و برادران را در بر گیرد، قرار ده.

خدایا، این را آخرین دوره از سوی ما برای زیارت و یاد کردن پیشوایان و امامانمان، که فرمانبرداریشان و شناختشان، و بازگشت به سوی آنان، و بودن همراه آنان را بر ما واجب گردانیدهای، قرار مده؛ خدایا، گواه باش که ما دعوت کننده به سوی تو را اجابت کردیم، و ندا دهنده به سوی تو را پاسخ مثبت گفتیم، و فرمانش را به جای آوردیم، و از او پیروی کردیم؛ خدایا، پس ما را جزو گواهان بنویس.

خدایا، این را آخرین دوره از سوی ما برای زیارت و یاد کردن و و درود فرستادن بر آنان قرار مده، و آن را سالیان زیاد بر ما روزی کن، و هنگامی که جان ما را ستاندی، گواه باش که ما شنوندگان، فرمانبرداران، ایمان آوردگان، تصدیق کنندگان و نه تکذیب کنندگان، اقرار کنندگان و نه انکار کنندگان، و تسلیم شدگان به فرمان تو، و چنگ آویختگان به ریسمان تو، و پیروان برای امامانمان، و فروتنان برای فرمان و دستورشان، نه از سرکشها و خودبینها، و خشنود شدگان به آنچه برای ما پسندیدهای، و گیرندگان آنچه برای ما بخشیدهای، و سپاسگزاران برای نعمتهایت، بودهایم. و از فضل خود به سوی ما ارزانی دار، و سپاسگزاری برای نعمتهایی که به ما دادهای، را به دل ما بیفکن، بپذیر ای پروردگار جهانیان؛ و درود و سلام بر شما ای اهل بیت؛ به راستی که او ستوده گرامی است، و رحمت خدا و برکتهای و درودهای او، تا آن زمان که ابری ببارد، و کبوتری پر بگشاید، و شبها و روزها در پی هم آیند.

پس از این بسیار دعا کن و مورد رحمت واقع شده باز گرد؛ إن شاء الله. (2)

توضیح: عبارت: «الماء العذب علی الظما» احتمال دارد بر وزن فعال، جمع ظامی، و مصدر باشد؛ در النهایه گفته است: «الظمأ»، یعنی تشنگی شدید؛ گفته میشود: «ظمئت، أظمأ، ظماء، فأنا ظامیء، و قوم ظماء» از همین کاربرد است و اسم ساخته شده از آن، «الظموء» است. پایان. «الیفاع»، یعنی مکانی مرتفع از زمین؛ و

1- . آسانی زندگی و ایمنی. خ ل
2- . مصباح الزائر: 253-254

«الاصطلاء» بر وزن افتعال، برگرفته از افروختن آتش و گرم شدن با آن است. «الهطل»، یعنی باران ضعیف و پیوسته، و پی در پی بودن باران پراکنده دانه درشت.

عبارت: «و مرتجه» در صیغه مفعول از باب افعال است و در بعضی نسخهها با دو حرف تاء آمده است؛ جوهری گفته است: «أرتجت الباب»، یعنی در را قفل کردم؛ و «اُرتج علی القاری» - به این صورت که فاعل آن اسم برده نشود، - زمانی گفته میشود که توان خواندن نداشته باشد، به گونهای که گویا دهانش بسته شده است، آن گونه که در، بر روی هم قرار میگیرد؛ «اُرتتج علیه» نیز همین گونه است؛ و «اُرتجّ علیه» همراه با تشدید نگو. پایان. «الجناب»، یعنی گرداگرد، و اطراف؛ و گفته میشود: «أمرع الوادی»، یعنی زمانی که سرسبزی در آن زیاد شود؛ و از این برای گشایش کار و توانگری مثال زده میشود.

زیارت نهم:

این زیارت را سید - که خدا روانش را پاک گرداند، - بیان کرده و گفته است: روبروی ضریح امامی که زیارتش میکنی میایستی و میگویی:

خدایا، ای برپادارنده آسمانهای برافراشته، و ای هموار گرداننده زمینهای گسترده، و ای استوار سازنده کوههای ثابت، ای بیرون آورنده گیاه، ای کسی که صداها بر او مشتبه نمیگردند، از تو درخواست میکنم ای خدا، که سلام مرا به نوری نوآفرین از میان سایر نورها، و آفریده از پرتوهای ذرات نیکان، صاحب اختیار بهشت و آتش، محمد فرستاده برگزیده، پیشوا بر هر توانگر و ناتوان، و دارنده برتریها و خصلتهای نیک و افتخارات، کسی که برگزیدهاش ساخته و در هر دو جهان آشکار و نهانی والا قرار دادهای، نسل ابراهیم خلیل، و همپیوند با قربانی خدا اسماعیل، مورد خدمت توسط جبرائیل، دارنده نشانههایی در سراسر گیتی، و قرار گرفته بر روی براق، صلی الله علیه و آله، ابلاغ نمایی.

سلام باد بر امام عادل، و باران آرام پیاپی، دارنده معجزهها و برتریها و استدلالها و راهنماییها، پیشوای بزرگان، و قهرمان پیکارها، و رئیس دین، و همان کسی که دستورات دین را از همدیگر تشخیص دهنده، و همواره در رکوع، و به قتل

رساننده برگشتگان از دین بوده است، امام بزرگ شکم و بدون موی جلوی سر، و قهرمان پرهیزکار، و بلند همت میانجیگر، کسی که از شرک به دور بوده است، یاور - پیامبر در - جنگ احد و حنین، و پدر حسن و حسین، با نژادی پاک که نابینایی(1) جاهلیت به او نرسید، و در نسب خالصش به هیچ آلودگی ای متهم نگشت، همواره در محراب عبادت بوده است، و به «پدر خاک» مشهور گردیده است، در سرزمین نجف به خاک سپرده شده است، آن که از نظر نسب و شرافت والا است، سرور من امیرالمؤمنین، علی فرزند ابیطالب، که بهترین سلام از سوی من نثار او باد.

سلام باد بر بانوی پاک و ستوده، و نیک و پرهیزکار و کمال یافته، از پلیدیها پاکیزه گشته، و از آلودگیها به دور داشته شده، پاکیزه و بر تمام بانوان هر دو جهان برتری داده شده، نیک بخت، کسی که با دشمنی حقش گرفته شده است، کسی که داغدار فرزندانش گشت، زهرای بسیار زیبا، پاک گشته از آفتها، و میانجیگر در روز دیدار قیامت، دختر پیامبرت، و همسر ولی ات، و مادر امام به شهادت رسیدهات، فاطمه نگهدارنده، پرورش دهنده یتیمان، آشنا به دانشها و احکام دین، که بهترین سلام از سوی دوستدارش نثار او باد.

سلام باد بر امام بیآلایش، نواده ستمدیده پیامبر، و چیره و مسموم شده، ماه تابان در میان ستارگان، به خاک سپرده شده در بقیع، دارای شرافت والا، پیشوای پاک، و آراسته و پرهیزکار، ابیمحمد حسن فرزند علی علیهما السلام.

سلام باد بر امام کشته شده، و پیشوای گرامی، همان کسی که فرزند و نسل پیامبر است، و خداوند بزرگوار او را پاک گردانده است، و کسی که قرآن در مورد فضیلت او سخن گفته است، و جبرئیل با او سخن گفته است، سرور تمام شهیدان است، همان کسی که تحریف و دگرگون کنندگان دین، او را تکذیب کردند، همان کسانی که دینشان را با امور باطل آراستند، و میان حرام و حلال فرقی نگذاشتند، همانندان اصحاب فیل، که لعنت و نفرین خدا پیاپی و همواره و نسل به نسل بر آنان باد، - امامی که - کشته شده به دست سرکشان، و مهار شده به وسیله گمراهان

1- . زناکار و فاجر گشتن مرد. خ ل

ستمگر فاسد، به خاک سپرده شده در خاک کربلا است، همان کسی که فرشتگان آسمان بر او نماز گزاردند و به خاک سپاری او را بر عهده گرفتند، حسین فرزند علی علیهما السلام.

سلام باد بر نور تابان، و برق درخشنده، و دانشمند پیشگام، زاده شده از نسل پیامبری، و شیرخوار جانشینی او، یار قرآن، و سنگ چخماق برق زننده، روشنایی درخشان، و بازار سود رسان، و قله بلندیها، دارای پیشهها، بسیار پرستش کننده در میان قوم عرب، بسیار سجده کننده، زینت عبادت کنندگان، همواره گریان، علی فرزند حسین علیهما السلام.

سلام باد بر امام راستگو در سخن، بزگوار و گرانقدر، پاسخ گوینده به هر پرسش، خبر دهنده از سوی خداوند در مورد روزیها و زمان مرگ، همان کسی که از دروغ و نیرنگ به دور بود، کم نظیر و مانند، امام بیآلایش، محمد فرزند علی، شکافنده دانشها، علیهما السلام.

سلام باد بر امام راستین، بیان کننده مشکلات، و آشکار کننده حقیقتها، که هر گویندهای در استدلال او فرومانده است، به بند آورنده زبان جدال کنندگان، آرام کننده بانگ بر آوردنها، و بسیار دانا در نزد مردمان مغرب زمین و مشرق زمین، جعفر صادق فرزند محمد علیهما السلام.

سلام باد بر امام پرهیزکار، و وارسته و برگزیده و نور احمدی، و ستاره تابان، ریسمان محکم خداوند، که هر کس به آن چنگ آویزد نجات مییابد، و هر کس از آن روی گرداند از بین میرود، روشنایی پرنور، و تابش درخشان، موسی فرزند جعفر علیهما السلام.

سلام باد بر امام خشنود، و پیرمرد از نسل علی، دارای اختیار در حکمرانی در مورد جانهای مردمان، به خاک سپرده شده در طوس، علی فرزند موسی، امام رضا علیهما السلام.

سلام باد بر در میانه، و راه والا، و دانشمند مورد تأیید واقع شده، چشمه حکمتها، و چراغ تاریکیها، پیشوای مردمان عرب و عجم، هدایتگر به سوی

کمال، و موفق گردانیده شده به وسیله تأیید و پشتیبانی، محمد جواد، فرزند علی علیهما السلام.

سلام باد بر هدیه خداوند جبار، برگزیده از میان هدایت یافتگان و نیکان، اطلاع دهنده از خبرهای نهانی، کسی که قرآن برایش به منزله لباس رو و زیر بود، پیشوای مردمان، علی فرزند محمد، علیه السلام؛ زاده شده در پادگان، کسی که با پندهایش به دور داشت و بیم داد.

سلام باد بر امام دور گشته از گناهان، پاک گشته از ستم، عالم والا مقام، کسی که در راه خدا هیچ سرزنشی را به خود نگرفت، دانای به دستورات دین، کسی که فرزندش از دیدگان مردمان نهان گشته است، ماه تمام تابان، پرهیزکار وارسته، پاک پاکیزه، ابیمحمد حسن فرزند علی، امام عسکری علیهما السلام.

سلام باد بر امام دانا، پنهان از دیدگان، و حاضر در سرزمینها، و ناپیدا از چشمها، و حاضر در فکرها، بازمانده برگزیدگان، میراثدار شمشیر ذوالفقار، کسی که در خانه دارای پوشش خدا آشکار میشود، و ندا میدهد ای خونخواهان حسین، من خونخواه تنها ماندهها هستم، من در هم کوبنده زورگویان، برپاخیزنده انتظار کشیده شده، فرزند حسن هستم؛ بهترین سلام نثار او و خاندان او باد.

خدایا، در ظهور او شتاب کن، و بیرون آمدنش را آسان نما، و سیره اش را فراگیر ساز، و ما را از یاران و کمکرسانان او، و دفاع کنندگان از او، و پیکار کنندگان در راه او، و به شهادت رسیدگان پیشاپیش او قرار ده؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و اعمال ما را بپذیر، و به خاطر رحمتی که داری، ما را به تمام آرزوها، و فراخترین دورهها برسان؛ خدایا، از تو خشنودی، و گذشت از آنچه در گذشته از سوی ما روی داده است، و موفق گرداندن به آنچه دوست میداری و مورد خشنودی توست را درخواست میکنیم.

سپس خاک را میبوسی و نیک بخت برمیگردی، إن شاء الله.(1)

1- . مصباح الزائر: 254-256

ق: مثل همین را نقل کرده و در پایان آن افزوده است: سپس خاک را میبوسی و بعد از به جای آوردن دو رکعت نماز زیارت، برمیگردی.

توضیح: جوهری گفته است:(1)

«الصوب»، یعنی فرود آمدن باران؛ و «الصیب»، یعنی ابر دارای باران؛ و «الهاطل»، یعنی بارش به صورت پیاپی؛ و «الحلاحل» با ضمه، یعنی شخص بزرگ دلیر، یا نیرومند بسیار جوانمرد، و استوار در ارجمندی؛ و «البطل» با فتحه حروف، یعنی شخص دلیری که زخمش بسته می شود و به خاطر آن، شیون نمیکند، و خون همرزمانش پیش او میریزد؛ و «المنازله»، یعنی پیکار و مبارزه در نبرد؛ و «الصلع»، یعنی برهنه شدن قسمت جلویی سر از مو؛ و «الأروع»، یعنی کسی که زیبایی و خوش سیماییاش، یا دلیریاش تو را به حیرت آورد؛ و «الهمام» با ضمه، یعنی فرمانروای بلند همت، و پیشوای دلیر و بخشنده.

عبارت «فی صمیمه»، یعنی نژاد پاک او. عبارت «فاطمه الانفطام» در نسخهها به همین صورت آمده است، ولی شکل درست آن، «فاطمه الافطام» است که جمع جمع برای «الفطیم» میباشد، یعنی دوستدارانش را از آتش باز میدارد. «النجل»، یعنی فرزند. گفته میشود: «ناغت الأم صبیها»، یعنی مادر با بچهاش مهربانی کرد و او را با سخن گفتن و بازی سرگرم نمود. «الفند»، یعنی اشتباه در سخن و دروغ. «الزخرف من القول»، یعنی سخنان زیبا با آراستن آن به دروغ. «الجیل» با کسره، یعنی گروهی از مردم.

«و جدلته»، یعنی به سوی او تیر انداختی و او را بر زمین افکندی؛ و «الخدن» با کسره، یعنی یار، و کسی که در هر کار آشکار و باطن، تو را همراهی میکند؛ و تفسیر «ذو الثفنات» پیش از این گفته شد، و همانا آن حضرت علیه السلام به خاطر سجده بسیار نمودن به این نام نامیده شده است، زیرا پیشانی آن حضرت مانند زانوی شتر، پینه بسته بود. جرزی در ضمن حدیث علی علیه السلام گفته است:(2)

همانا بیشتر سخنان، از بانگ کردن شیطان است؛ «الشقشقه»، پوست سرخ

1- . صحاح الجوهرى1: 164
2- . النهايه2: 249

رنگی است که شتر عربی از درون خود در آن می دمد، تا اینکه از دهانش آشکار میگردد؛ فرد سخنران زبان آور به شتر بانگآور تشبیه شده است، و زبانش به شقشقه او، و به این خاطر آن را به شیطان نسبت داده است که دروغ و باطل را در آن وارد میکند.

میگویم: شاید این زیارت از نوشته خود وی - که خدا بر وی رحمت فرستد، - یا از اشخاص دیگری مثل او باشد؛ همان طور از که از چینش آن پیدا است.

زیارت دهم:

این زیارت را شیخ در المصباح و سیّد در الاقبال و المزار و جز این دو، روایت کردهاند. شیخ گفته است: ابن عیاش گفته است: خیر پسر عبدالله از سرور خودش یعنی ابا القاسم حسین پسر روح - که خدا از او خشنود باد، - برایم نقل کرده و گفته است: هر یک از قبور امامان را که در ماه رجب در محضر او بودی، زیارت کن و هنگام وارد شدن بگو:

سپاس مخصوص خدایی است که ما را در ماه رجب به شهادتگاه دوستدارانش کشاند، و حقوق واجب آنها را بر ما واجب گرداند، و درود خدا بر محمد برگزیده، و بر جانشینان در پرده نگه داشته شدهاش؛ خدایا، پس همان طور که ما را به شهادتگاه آنان کشاندی، به همان ترتیب، وعده آنان برای ما را به انجام رسان، و ما را در کنار آنان جای ده و از پا نهادن به چشمه ای که در سرای ماندگار و جاودان قرار دارد، محروم نفرما؛ و سلام بر شما باد؛ به راستی که من با

خواسته و حاجتم به سوی شما آمده ام و به شما تکیه کرده ام؛ حاجتم رهایی از آتش و قرار گرفتن با شما در آن سرای جاویدان و همراه با شیعیان خوبتان است؛ و سلام بر شما به پاداش آنچه صبر کردید؛ راستی چه نیکوست فرجام آن سرای! من در آن چیزی که بخشیدن آن به دست شما، و پاداش دادن بر عهده شما(1)

است، گدای شما، و چشم

1- . در آن. خ

دوخته به شما هستم؛ که به واسطه لطف شما استخوان باز شکسته به هم میرسد، و بیمار بهبودی مییابد، و دانش آنچه رحمها میافزایند و میکاهند، پیش شما است.

همانا من به راز شما باور دارم، و در برابر فرمایش شما تسلیم هستم، و در بازگشتنم خدا را به شما قسم می دهم که حاجتهای مرا برآورده و مورد تأیید قرار دهد و به فرجام رسیده و بزرگ گرداند.(1)

و کارهایم را در پیش شما نیکو نماید.

سلام باد بر شما، به عنوان سلام کسی که وداع میکند، و خواستههایش را پیش شما به امانت میسپارد؛ و از خداوند درخواست میکند دوباره به سوی شما باز گردد، و گامهایش به سوی شما بریده نگردد، و مرا از محضر شما به بهترین حالت برگرداند، بازگشتن به سوی مکانی فراخ، و آسایش گسترده، و راحتی و آرامش، تا فرا رسیدن زمان مرگ، و بهترین فرجام و مکان، در نعمتهای جاودان، و زندگی همواره سرزنده و با نشاط، و خوراکیهای دائمی، و نوشیدنی خالص و ویژه، و آب گوارا، و دوباره آب خوردن و نوشیدن اول، به طوری که نه از آن بیزاری ایجاد شود و نه ملالت آید؛ و رحمت خدا و برکتهای او و درودهایش، تا زمان برگشتن دوباره به محضر شما، و رستگار شدن در رجعت شما، و محشور شدن در میان گروه شما؛ و سلام بر شما و رحمت خدا و برکتها و درودها و تحیتهای او نثار شما باد؛ و او برای ما بس است، و او خوب حمایتگری است.(2)

توضیح: عبارت حضرت، علیه السلام که فرموده است: «غیر محلّئین عن ورد»، با حرف حاء بدون نقطه و فتحه حرف لام دارای تشدید، و دارای همزه، است. جزری در ضمن حدیث، گفته است:(3) «یرد علیّ یوم القیامه رهط فیحلّئون عن الحوض» {در روز قیامت گروهی بر من وارد میشوند که از وارد شدن بر حوض باز داشته میشوند.} یعنی از آن باز داشته میشوند، و از وارد شدن منع میشوند؛ و «الورد» با کسره، یعنی آبی که بر آن وارد میشود؛ و «المهیض»، یعنی استخوان شکسته؛ عبارت آن حضرت، علیه السلام: «و ما تزداد الأرحام» به عبارت «یجبر»

1- . ایزاحها. خ

2- . مصباح الطوسی: 572؛ الاقبال: 111
3- . النهایه1: 281

عطف شده است و «ما» در آن، مصدر یا موصول است، هرچند اولی پیچیدگی کمتری دارد.

در بعضی نسخهها، «و عندکم و ما تزداد» آمده است، و همین آشکارتر است. پس از این باید گفت: منظور از آن، زیاد شدن مدت بارداری، یا تعداد فرزندان، یا خون حیض، است. «و ما تغیض»، یعنی آنچه کاسته میگردد. عبارت آن حضرت علیه السلام که فرموده است: «و أبراحها»، در بیشتر نسخهها با حرف باء و حاء آمده است، یعنی آشکار کردن آن، که از «برح الأمر» ساخته شده است، یعنی آشکار گردد؛ و گفته میشود: «أبرحه»، یعنی او را به شگفت آورد، و گرامی داشت، و بزرگ دانست؛ و در بعضی نسخهها، «ایزاحها» با حرف یاء و زاء و حاء، آمده است که هیچ معنایی برای آن نیافتیم.

عبارت آن حضرت علیه السلام که فرموده است: «و بشؤنی لدیکم»، به عبارت «بحوائجی» معطوف است، و عبارت: «و صلاحها»، عطف تفسیری برای آن است، یعنی به نیکو گرداندن کارهایی از من که در ارتباط با شماست، از قبیل محبت و دوست داشتن شما و نزدیک شدن به شما و فرمانبرداری از شما؛ و در بعضی از نسخهها، «و لشؤنی» با حرف لام آمده است که در این صورت، عطف به عبارت «فی رجعتی» محسوب میشود.

عبارت آن حضرت علیه السلام که فرموده است: «و لکم حوائجه مودع»، عبارت «مودع»، یا در نتیجه عطف به «مودّع»، مجرور است، یا مرفوع است تا همراه با ظرف، جمله حالیه باشد. عبارت او: «و سعیه» در صورت عطف شدن به «مرجع»، و «غیر»، در صورت حالیه بودن منصوب میشوند، یا اینکه هر دو به منظور تشکیل جمله حالیه از ضمیر در «مرجع»، میتوانند به صورت مرفوع بیایند. «الجناب»، یعنی ساحت، و کوچ، و ناحیه؛ وقتی گفته میشود: «أمرع الوادی»، یعنی دارای سرسبزی شده است؛ ضرب المثل «أمرع وادیه و أجنی حلّبه» برای کسی مثال زده میشود که در کارش گشایش به وجود آمده و به توانگری رسیده باشد. «الخفض»، یعنی آسایش و راحتی؛ گفته میشود: «عیش خافض»، یعنی زندگی آرام؛ و گفته میشود: «أوسع»، یعنی به گشایش و فراخی رسید؛ و «أوسع الله علیه»،

یعنی خداوند او را توانگر ساخت. «الدعه»، یعنی گشایش در زندگی. «المهل» با فتحه یک یا تمام حروف، یعنی آرامش و مدارا؛ و با فتحه تمام حروف، به معنای پیشگامی در خوبی نیز هست.

عبارت آن حضرت علیه السلام که فرموده است: «و خیر مصیر»، گویا به عبارت «و إلیکم المرجع» عطف شده است و بعید است به عبارت «خیر مرجع» عطف شده باشد؛ و احتمال دارد با در تقدیر داشتن «نسأل» و مانند آن، به جملههای پیشین عطف شده باشد؛ و احتمال دارد با عطف به «الأجل»، به صورت مجرور باشد، که این نیز بعید است. «الأزل» با فتحه حروف، یعنی قدیم و از ابتدا موجود بودن؛ و شاید منظور از آن در اینجا، مجازاً دائمی بودن تا ابد باشد. گفته میشود: «اقتبل أمره»، یعنی کارش را سر گرفت. «السلسل» مانند «جعفر» - در وزن - ، یعنی آب گوارا و خنک؛ و «السلسل من الخمر» یعنی شراب گوارا. «العلّ» با فتحه، یعنی نوشیدن دوباره، یا نوشیدن بعد از نوشیدن پشت سر هم. «النهل» با فتحه حروف، یعنی نخستین نوشیدن. عبارت: «حتی العود»، یا غایت برای سلام دادن است، یا برای نعمتهای برزخی که پیش از آن بیان کرد، یا برای چیز دیگری است که به قرینه عبارات پیشین، در تقدیر گرفته شده است؛ یعنی میخواهم تا زمان بازگشتن در آن نعمتها باشم.

زیارت یازدهم:

زیارت مصافقه؛ در نسخه ای کهن از نوشتههای اصحابمان مطلبی یافتم که عین عبارت آن چنین است: تنی چند روایت کرده اند که زیارت سروران ما علیهم السلام در حقیقت تجدید پیمان و بیعت گرفته شدهای است که بر گردن بندگان است و روش زیارت این است که زیارت کننده هنگام زیارت آنان بگوید:

ای سرور من، به منظور زیارت تو، و در حالتی که تسلیم تو هستم، و به تو پناه آوردهام، و آهنگ تو را نمودهام، به سوی تو آمدهام؛ عهد و پیمان، و میثاق با ولایت شما، و بیزاری از دشمنانتان را که خدای عز و جل برای شما بر گردن من قرار داده است را تازه میکنم، و به فرمانبرداری واجب شده شما اعتراف مینمایم.

سپس دست راست خود را بر روی قبر میگذاری و میگویی:

این دست من است که برای بیعتی که بر ما واجب است، به سوی تو دراز می کنم؛ ای امام من، آن را از من بپذیر، که من زیارتت کردم در حالی که به حق تو، در کنار آنچه خدای سبحان برای یاری تو لازم گردانده است اعتراف دارم؛ و این دست من است برای آنچه خداوند عز و جل، در مورد دوست داشتن شما، و اقرار به فرمانبرداری واجب گشته شما، و بیزاری از دشمنانتان امر کرده است، - برای بیعت دراز شده است. - و سلام بر شما، و رحمت خدا و برکتهای او نثار شما باد.

سپس ضریح شریف را بوسه بزن و بگو:

ای پیشوا و سرور و امام من، که فرمانبرداریات بر من واجب گشته است؛ گواهی میدهم که تو بر وفای به وعده، و ادامه دادن به پیمان باقی ماندی؛ و به کسی که قبر تو را زیارت کند، وعده زیبا دادهای، که از تو وفای به آن امید میرود، و به پایان بردن آن مورد انتظار است؛ و همانا من از دیار خودم تو را در نظر گرفته و آمدهام، و تو را در پیش خدا به عنوان تکیهگاه خودم قرار دادهام، پس گمانم، و پندارم در مورد تو را تحقق بخش؛ درودهای خدا برای تو باد، و خداوند، سلام فراوان نثار تو کند.

خدایا، با زیارت او از جانب من، به تو نزدیکی میجویم، و نجات دادن از آتش را از سوی تو امیدوارم، و به پدران و فرزندان او، که درودهای خداوند نثار آنان باد، به عنوان امامان و پیشوایان و رهبران، خشنود گشتیم؛ خدایا، در هر خوبی که آنان را در آن وارد کردهای، مرا وارد نما؛ و از هر بدی که آنان را از آن بیرون کردهای، مرا بیرون نما؛ و مرا در دنیا و آخرت همراه آنان قرار ده؛ به خاطر رحمتی که داری، ای رحم کنندهترین رحم کنندگان؛ ای پروردگار جهانیان.

سپس چند رکعت، نزد هر امامی دو رکعت، نماز زیارت میخوانی و برمیگردی؛ پس وقتی این را انجام دادی، زیارت تو مثل پیمان تجدید شده خواهد بود.

میگویم: بعضی از اصحاب پسین ما این زیارت را عیناً با این عبارت از شیخ مفید - که خداوند روانش را پاک قرار دهد، - روایت کردهاند.

زیارت دوازدهم:

این زیارت را نیز در همان کتاب گفته شده یافتم و گمان میرود از نوشتههای خود عالمان، و نه از ائمه هدی علیهم السلام، باشد. زیارت این است:

سلام بر تمام پیامبران و فرستادگان، سلام بر حجتهای خدا بر جهانیان، سلام بر محمد فرزند عبدالله، آخرین پیامبران، سلام بر فرستاده راستین و امانتدار، سلام بر بشارت دهنده و بیم دهنده، سلام بر ماه تابان درخشان، سلام بر دانش آشکار، سلام بر ماه تمام روشن، سلام بر روشنی چشم مؤمنان، سلام بر کسی که خداوند او را به عنوان رحمت برای جهانیان فرستاده است.

سلام بر کسی که خدا او را خالص نمود و برگزید، سلام بر کسی که خدا او را انتخاب کرد و گرامی داشت، سلام بر برگزیده خداوند آفریدگار، سلام بر حجت خدا بر مردمان مغرب زمین و مشرق زمین، سلام آشکارکننده رسالت، سلام بر حجت و راهنمای روشنگر، سلام بر داور عدل گستر، سلام بر دانشمند برتر، سلام بر چراغ تابان، سلام بر شفاعت کننده در روز رستاخیز، سلام بر دلسوز مهربان، سلام بر بخشنده بزرگوار، سلام بر شرافتمند از همه شرافتمندان، سلام بر کسی که پدران و گذشتگانش پاک بودند.

سلام بر ویژه گردانده شده به پیامبری از میان بهترین قبیله، سلام بر حمایت شده به وسیله وحی و قرآن، سلام بر شفاعت کنندهای که از او شفاعت خواسته شود، سلام بر والاتر از همه، سلام بر پیامبر درس نخوانده، سلام بر فرستاده شده عرب نژاد، سلام بر سخنور پیامبران، و زینت زمین و آسمان، و رحمت خدا و برکتهای او نثار او باد.

سلام بر امیرالمؤمنین حقیقی، سلام بر امانتدار وارسته و راستین خدا، سلام بر آخرین جانشینان، سلام بر پیشوای جانشینان، سلام بر برگزیده پروردگار جهانیان.

سلام بر جانشین پیشوای فرستادگان، سلام بر امام دوستدار خدا، سلام بر خلیفه اهل مکه، سلام بر حجت والای خدا، سلام بر حقیقت آشکار، سلام بر دارنده بخشش و ارزانی داشتن، سلام بر بیمانند و مثل، سلام بر کسی که دشمنان به

فضیلت او سر تسلیم فرود آوردهاند، سلام بر کسی که زنان از آوردن مانند آن نازا گشتهاند.

سلام بر پیشوای امامان، سلام بر خداییترین مرد امت، سلام بر بزرگترین انسان راستین، سلام بر جدا کننده میانه حق و ناشایست، سلام بر ریشهدار در دانش، سلام بر یاریگر ستمدیده، سلام بر برادر پیامبر، سلام بر همسر بتول، سلام با پرچم شهرت یافته، سلام بر جدا کننده روشن، سلام بر خبر بزرگ، سلام بر راه راست، سلام بر پدر دو نواده پیامبر، سلام بر کسی که به دو قبله نماز گزارد.

سلام بر یاریگر اسلام، سلام بر شکننده بتها، سلام بر آشکارکننده مشکلات، سلام بر برطرف کننده شبههها، سلام بر پناهگاه در سختیها، سلام بر برگشاینده اندوهها.

سلام بر امام نیکان، سلام بر جدا کننده اهل بهشت و آتش، سلام بر نابود کننده کافران، سلام بر خشمگین سازنده ستمگران، سلام بر دارنده معجزهها، سلام بر کسی که از بزرگترین نشانههای خدا است، سلام بر نشانه هدایتگر، سلام بر حقیقت آشکار، سلام بر سرپرست آزادگان، سلام بر پدر امامان نیک، سلام بر میراثدار پیامبران.

سلام بر فرمانده سپاهیان سفیدپوش، سلام بر رئیس دین، سلام بر فرمانده مؤمنان، سلام بر دانای به قرآن، سلام بر راست سخن گوینده، سلام بر دارنده حکمت و سخن آخر، سلام بر دانای به نسبها و سببها، سلام بر گشاینده در خیبر، سلام بر پدر حسن و حسین، و رحمت خدا و برکتهای او نثار او باد.

سلام بر بانوی راستین پاک، سلام بر چشمه خرم و درخشان پیامبر، سلام بر بانوی پاکیزه دانشمند، سلام بر بانوی ستمدیده شکیبا، سلام بر بانوی دشمن تباهکاران، سلام بر مادر امامان نیک، سلام بر پاره تن پیامبر، سلام بر در دانه احمدی.

سلام بر فاطمه بتول، سلام بر زهرا دختر پیامبر، سلام بر بانوی پاک گشته از پلیدیها، سلام بر بانوی دور گشته از آلودگیها، سلام بر بانوی نگاه داشته شده از بد اندیشی، سلام بر بانوی برتری یافته بر تمام بانوان مردم، سلام بر مریم کبری.

ص: 263

سلام بر بانوی بهشتی از میان انسانها، سلام بر بانویی که پدرش پیامبر است، سلام بر بانویی کسی که همسرش - علی - جانشین است، سلام بر بانویی که خودش و نسلش مبارک گشتهاند، سلام بر کسی که امامان از نسل و فرزندان او هستند، سلام بر درخت زیتون، که مبارک و خجسته است، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام بر دو ریحانه پیامبر، سلام بر دو روشنی چشم بتول، سلام بر دو حجت خدای نعمت دهنده، سلام بر دو همراه همیشگی بزرگواری و نیکی، سلام بر دو کسی که در سوره الرحمن بیان شدهاند، سلام بر دو کسی که از آنها به لؤلؤ و مرجان تعبیر شده است، سلام بر دو رزمنده در راه خدا که به شهادت رسیدند، سلام بر سلام بر دو مظلوم ستمدیده، سلام بر دو شکیبای دادورز، سلام بر دو ستاره درخشان، سلام بر دو پیشوای دارای فضل، سلام بر دو نوه ریحانه، سلام بر دو رهبر هدایتگر، سلام بر دو امانتدار برگزیده، سلام بر دو پاکیزه انتخاب شده، سلام بر دو پاک گشته دوستدار خدا، سلام بر دو خشنود گشته دانشمند، سلام بر دو امام برادر، سلام بر دو تنه رسته از یک بیخ و هر دو جانشین، سلام بر حسن و حسین پاک و آراسته، و رحمت خدا و برکتهایش نثار آن دو باد.

سلام بر پیشوای مسلمانان، سلام بر ولیّ امانتدار خدا، سلام بر بهار دلهای محتاجان و بینوایان، سلام بر امام علی، فرزند حسین، زینت عبادت کنندگان، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام بر حجت وارسته خدا، سلام بر دریای انباشته از دانشها، سلام بر دارنده خصلتهای نیک و پرافتخار، سلام بر امام محمد باقر، فرزند علی، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام بر حجت خدا بر آفریدگان، سلام بر آشکار کننده حقیقتها، سلام بر دارنده خوبیها و آثار فراوان، سلام بر امام جعفر صادق، فرزند محمد، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام بر حجت خدا بر جهانیان، سلام بر جانشین مورد رضایت و دانشمند، سلام بر حقیقت درخشان، سلام بر امام نورانی، موسی کاظم فرزند جعفر، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام بر حجت پسندیده خدا، سلام بر شمشیر کشیده شده خدا، سلام بر دادورز در داوری، سلام بر امام علی رضا فرزند موسی، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام بر حجت خدا بر بندگان، سلام بر امانتدار خدا در شهرها، سلام بر ویژه گردانده شده به توفیق و استقامت در راستی، سلام بر امام محمد جواد فرزند علی، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام بر حجت خدا بر هر کسی که به شبانگاه و صبحگاه میرسد، سلام بر پیشوای مردمان شهرنشین و بیابان نشین، سلام بر نور تابان، سلام بر امام علی هادی فرزند محمد، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام بر حجت نهانی خدا، سلام بر آبرودار سالخورده، سلام بر جرقه های آتشین، سلام بر امام حسن عسکری فرزند علی، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام بر حجت خدا بر انسانها و جنها، سلام بر کسی که خداوند به او وعده یاری و قدرت داده است، سلام بر آشکار کننده عدالت و ایمان، سلام بر کسی که به واسطه او در همه جا خداوند رحمن پرستیده میگردد، سلام بر کسی که خداوند به واسطه او دینش را بر تمام دینها برتری میبخشد، سلام بر امام سرور و پیشوای ما، برپاخیزنده به فرمان خدا، صاحب زمان، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام بر فرزندان وارسته، سلام بر خانواده پاک گشته، سلام بر کسانی که خداوند در تورات و انجیل بر امام بودن آنها تصریح کرده است، سلام بر شما ای خانواده خدا و یاریگران او، و سایههای خدا و نورهای او، و خلیفههای خدا و فرمانداران او؛ ای پیشوایان من، دوستی و محبت و یاری خود را با جدیت تقدیم شما میکنم، که آنها برای شما نگه داشته شدهاند؛ و یاری من برای شما آماده است،

پس اگر به من فرمان دهید ای پیشوایان من، اطاعت خواهم نمود، و اگر مرا نهی نمایید ای رهبران من دست خواهم کشید، و اگر از من طلب یاری کنید ای حامیان من یاری خواهم کرد، که برای من راه گریزی از شما وجود ندارد، و چاره دیگری برایم از شما وجود ندارد، و من جز به سوی شما نخواهم آمد، چرا که شما جلوههای حاضر خداوند، و چشمان بینای او، و دستان گشودهاش هستید؛ تسلیم شما هستم، ای فرمانروایان دنیا و پهنه آخرت.

سلام بر تاج های جانشینان، و خلیفههای برگزیده، و میراثداران دانشهای پیامبران؛ سلام بر رئیسان راستین، و فرزندان پاک از خاندان طه و یس؛ سلام بر دانشمندان سرشناس، و هدایتگران به سوی سرای سلامتی، سخنوران از خدا با راستترین سخن و پاکترین کلام؛ خداوند بر آنان، که رشتههای نگهدارنده آفریدگان، و نشانههای هدایتگر، و غایت موجودات، از تمام ساکنان در جاهای آرام، و حرکت کنندگان در جاهای متحرک، درود بفرستد؛ که به راستی او ستوده گرامی است؛ و سلام بر شما و رحمت خدا و برکتهایش نثار شما باد.

خدایا، با حقیقتهای ایمان و راستی یقین گواهی میدهم که آنان خلیفههای تو در زمین، و حجتهای تو بر بندگانت، و وسیلههای نزدیکی جستن به سوی تو، و درهای رحمتت هستند؛ پس بر همه آنان درود فرست، و بهره من از دعایم را اجابت کردن آن قرار ده، و بهرهام را صرف خواندن آن مساز.

خدایا، ایستادن من در این شهادتگاه پاک و مطهر را ایستادن اجابت و مهربانی قرار ده، و ایستادن پستی و خواری قرار مده؛ که ما تو را بخشنده قبل از درخواست شناختهایم، پس چگونه هنگام درخواست و زاری امیدوار نباشیم؟! به ویژه آن که هنگام فرمان دادن ما به دعا، وعده اجابت دادهای و رسیدن به امید را برای ما ضمانت کردهای، و تو باوفاترین ضمانت کنندگان، و رحم کنندهترین رحم کنندگان هستی؛ ای خدای من، تو را در بعضی وقتها نافرمانی کردهام، ولی در تمام لحظهها به تو ایمان داشتهام، پس چگونه قسمتی از عمرم که گناهکار بودهام، بر تمام عمرم که مؤمن بودهام، چیره میگردد؟!

ای خدای من، به عزتت سوگند میخورم، اگر شکیبی در برابر عذاب تو، یا پوستی در برابر تحمل خشم تو برایم وجود داشت، از تو درخواست گذشت نمیکردم، و بر انتقام گرفتنت از من صبر مینمودم، به خاطر اینکه بر نفس خودم خشم گیرم، که چگونه از تو نافرمانی کرد؛ و از آن بیزاری جویم، که چگونه تو به آن روی آوردی و او پشتکنان از تو روی گرداند؟! ای خدای من، چگونه از رحمت تو نومید گردم، در حالی که تو رحم کنندهترین رحم کنندگان هستی؟! و چگونه دست خالی برگردم، در حالی که تو بزرگوارترین بزرگواران هستی؟!

ای خدای من، به خاطر آن اسمهایت که بر دل برگزیدگانت، امانتدارانت محمد و خاندان او، نوشتی، پس آنچه را که به آنان معرفی کردی شناختند، و آنچه را که به آنان فهماندی فهمیدند، و آنچه را که از امور ویژه و استوار خود به آنان وحی نمودی دریافتند، و آنان را به عنوان الگو معرفی کردی، و برهانشان را درخشان ساختی، و اسمهایشان را با اسم خودت همردیف قرار دادی، از تو درخواست میکنم که مرا از هر بدی که در آن قرار دارم، و از تمام سختیها و حوادث هولناک روز قیامت برهانی.

ای خدای من، چگونه شاد باشم در حالی که تو را نافرمانی نمودهام؟! و چگونه اندوهگین باشم در حالی که تو را شناختهام؟! و چگونه تو را بخوانم در حالی که گناهکارم؟! و چگونه تو را نخوانم در حالی که تو بزرگوار هستی؟! خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست؛ و در این مکان با ارزش هیچ گناهی برایم باقی مگذار جز آن که آمرزیده باشی، و هیچ اندوهی جز آن که برطرف کرده باشی، و هیچ دردی جز آن که شفا داده باشی، و هیچ بدهی جز آن که پرداخت نموده باشی، و هیچ بیماری باقی مگذار جز آن که بهبودی داده باشی، و هیچ ناپیدایی جز آن که نگاه داشته و بازگردانده باشی، و هیچ دشمنی جز آن که نابودش کرده باشی، و هیچ زورگویی جز آن که در هم کوبیده و برگردانده باشی، و هیچ نیازی از نیازهای دنیا و آخرتم که ای پروردگار، در آن خشنودی تو و سامان کار من باشد، جز اینکه برآورده باشی، ای پروردگار جهانیان؛ و سلام بر شما و رحمت خدا و برکتهایش نثار شما باد.

توضیح: «الحبر» با کسره و گاهی فتحه نیز میگیرد، یعنی دانشمند، یا شخص نیکوکار. عبارت «اخلاصاً و صدقاً»، هر دو متعلّق به «سلام» هستند، یا علت برای امانتدار بودن. عبارت «علی النبعه» یا مصدر به معنای فاعل است، یعنی چشمه جوشان از دانش و حکمت، یا درختی است که از آن کمان میسازند، یعنی شاخه اصیل درخت پیامبری که امامان از او شاخه گرفتهاند. «زخر البحر»، یعنی پر شد و بالا آمد. «الناجم»، یعنی فروزان و درخشان. «السریّ» مانند «غنیّ» - در وزن، - یعنی شرافتمند جوانمرد. «القعسره»، یعنی توانا شدن بر چیزی، و استواری، و محکمی؛ و «القعسر»، یعنی دیرینه، و «القعسری» یعنی بزرگ و شدید و منظور در اینجا شدت و صلابت در دین یا قدمت در ارجمندی و بزرگواری است. «الزناد»، یعنی چیزی که با آن جرقه آتش ایجاد میشود؛ و «وریّ» {آتشین} بودن آن در اینجا، کنایه از اقتباس فراوان دانشها از وی، علیه السلام است.

زیارت سیزدهم:

این زیارت نیز از همان کتاب گرفته شده است. گفته است: وداعی برای همه امامان، که درودهای خداوند نثار آنان باد:

سلام بر شما ای پیشوایان مؤمنان، و امامان پرهیزکاران، و نشانههای هدایت کننده، و میراثداران پیامبران، و نسل فرستادگان، و رهبران نیکان، و حجتهای خداوند بر جهانیان؛ زمان وداع من با شما فرا رسید، و لحظه عجله و شتاب در آن است، ولی نه از روی بیزاری از شما، و نه از روی خستگی از ماندن در پیش شما، بلکه به خاطر چیزهایی که مانع آن میشوند، و سختیهایی که از ماندن باز میدارند، که پوزش خواستن برای آن هویدا است، و توقف و ماندن با وجود آن، ناممکن است.

پس شما را به خدا میسپارم، و به خاطر شما خشنودی اش را از او درخواست میکنم، و همچون کسی که تصمیم جدی بر بازگشت به سوی شما داشته باشد، و از اینکه نتوانسته پیش شما بماند ناراحت است، با شما وداع مینمایم، و چگونه بر دور شدن از زیارتگاه گرانقدر و گرامی شما، و سرای قبرهای مبارک و بزرگوارتان افسوس نخورد، در حالی که در آنها دعا پذیرفته میشود، و بدی و

گرفتاری دور میگردد، و نگون بختی برطرف میگردد، و بیماری شفا داده میشود، و به واسطه وجود شما عذاب تبدیل به ایمنی میگردد، و سختیها آسان میگردد، و خواهندگان کامیاب میشوند، و ثواب به دست میآید؛ و به واسطه شما نعمتها تمام میشود، و رحمت همهگیر میگردد، و عذاب دور میشود، و اندوه برچیده میگردد، و توبه پذیرفته میشود، و گناهان بزرگ آمرزیده میگردد، و کارها پاکیزه میگردند، و آرزوها به دست میآیند، و امیدها تحقق مییابند، و نهانیها به بروز میرسند، و تنگیها رخت بر میبندند، و فکرها راهنمایی میشوند، و خواهشها در مسیر درست به کمال میرسند، و بزرگی به دست میآید، و خوشبختی کامل میگردد، و ایمان پذیرفته میشود، و آرامش به دست میآید، و وارد بهشت میگردد، و هر کسی از انسان و جن، از شما درخواست میکند.

پس افسوس بر جدا شدن از محل شما، و خوشا به بوسیدن آستانه شما، و وارد شدن پیاپی از درهای شما با اجازه شما، و مالیدن گونه بر خاک خوشبوی شما، و پناه بردن به خانههای شما، و محل قرار گرفتن بدنها و وجودهایتان، که بر گرداگردش فرشتگان بزرگوار قرار گرفته اند، و از رحمت و درود خدا انباشته شدهاند. دوست داشتم برای آنها خدمتکار، و در کنار آنها ساکن باشم، و کوچ کردن از آنها مرا به درد نیاورد، و سخن گفتن با آن از دستم نرود، تا آنکه بسیار بر آن فرود آیم و بر آن دست بکشم و سلام بدهم.

پس، از خدایی که مرا به شناختن شما هدایتم کرد، و مرا با محبت شما گرامی داشت، و با ولایت شما مرا به بندگی پذیرفت، و مرا به زیارت شما فراخواند، بازگشت به محضر شما را تا زمانی که مرا باقی نگه داشته است، و بشارت به همنشینی با شما زمانی که جانم را ستانده باشد، و محشور شدن در گروه شما، و مورد شفاعت شما قرار گرفتن را درخواست میکنم. پس ای کاش میدانستم ای پیشوایان من، که هنگام کوچ کردن حالم چگونه خواهد بود؟ ! آیا گناهانم آمرزیده، و زشتیهایم پوشیده، و نیازهایم برآورده، و خواستهام کامیاب خواهد بود؟ ! پس اگر چنین شود، این همان چیزی است که امیدش را داشتم، و در بزرگواری شما به فراست دیده بودم، پس با وجود شما من چقدر خوشبخت خواهم بود، و کامیابیام

در سایه محبت شما چقدر والا خواهد بود! یا اینکه با بار گناهم، که بر پشتم سنگینی کند، و دعای پوشیده ماندهام، و امید بیبهرهام کوچ خواهم کرد؟!

پس وای از این بدبختی، اگر حال من این گونه باشد! و وای از تهی گشتن آرزوهایم! نیکی و بخشندگی شما، و وعده زیبای شما به کسی که زیارتتان کند و ضمانت شما بر آن وعده، از چنین چیزی به دور است؛ و اخلاق ستوده شما، و پاکی سرشت و ریشه شما، و بزرگواریتان بر پروردگارتان، و عنایت شما به زیارت کننده و دوستدارتان، از اینکه درخواست کننده اش را رد کند، یا آرزوهایش در پیشش(1)

بیبهره گردد، ابا دارد؛ و خداوند از راست نگرداندن وعده شما، و محقق نساختن امید به روی آوردن به شما، ابا میکند؛ و این به خاطر حاجت روا کردن و بزرگواری نمودن برای روی آورده به سوی شما، و انباشتن توشه زیارت کننده شما با خوبیها است، و درباره شما همین گونه گمان می رود، و از بخشندگی او نسبت به شیعیان شما همین مورد انتظار است.

و خدا را گواه میگیرم و بر آن پایبند میمانم، و شما را گواه میگیرم که من بر پیمانی در مورد اقرار به ولایت شما، و باور به فرمانبرداری واجب شما، و اعتراف به برتری شما، و به پا خاستن به یاری شما، و نزدیکی جستن به خدا به واسطه محبت شما، و به طاعت او از طریق بودن همراه شما بستهام، پایبند هستم، و این دست من است که به فرمانی که خداوند نسبت به وفای به عهد شما، و بیعت واجب گشته برای شما داده است، آماده است؛ نه هرگز برای آن جایگزینی میخواهم، و نه هرگز میخواهم از آن برگردم.

و گواهی میدهم که این از سوی خداوند دستوری محکم، و مسئلهای حتمی شده و ضروری بر امت است، برای ناآشنای به آن دلیلی، و برای فروگذارنده آن بهانهای وجود ندارد؛ به وسیله پایبندی به این پیمان در نهان و آشکار، و در هوشیاری و فراموشی، و در مرگ و زندگی در دنیا و آخرت، و با وجود دوری منزل، و نزدیکی مزار، برای خدا دینداری میورزم؛ خدایا، پس بر محمد و خاندان

1- . در پیشتان. خ ل

محمد درود فرست، و مرا تا زمانی که تو را دیدار کنم بر آن ثابت قدم بدار، و مرا برای فرمانبرداری و خشنودی خودت موفق کن، و از آنچه به من آموخته ای، به من سود رسان، و از خوبیهایی که به دلم افکندهای، برایم افزونتر کن، و دلم را بعد از اینکه هدایتم نمودهای، ملغزان، که به خاطر اینکه خودت سرپرستی مرا بر عهده گرفتهای، تو را سپاس ویژه میگویم.

پس از تو ای کسی که نعمتهایش شمارش نگردد، و بزرگواریاش برابر نداشته باشد، درخواست میکنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و این را آخرین دوره از زیارت من برای دوستدارانت، و فرود آمدن به زیارتگاه حجتها و برگزیدههایت قرار ندهی؛ و به واسطه آن سپاسگزاری از نعمتهایت، و پافشاری در خواستن و خواندن تو را به دلم افکن؛ و آنچه را که تو را برای آن خواندهام، برایم اجابت فرما؛ و همه آنچه را که از تو درخواست کردهام، از فضل خود برایم عطا کن؛ و مرا بیامرز، آمرزشی بازدارنده، و به خاطر بخششت، بر من رحمت قرار ده، رحمتی گسترده که مرا از خشم و آتش تو نگاه دارد، و به واسطه آن از روی فضل خودت، مرا در سرای جاویدان همراه امامان وارسته، و شیعیان خاندان نیک محمد، جای دهی.

و مرا از کسانی که حسابش را آسان، و بازگشتش به سوی تو را نیکو، و بدیهایش را پاک، و خوبیهایش را چند برابر ساختهای، و در گروه محمد و خاندان محمد، که درودهای تو نثار همه آنان باد، محشور نمودهای، قرار ده؛ و پدر و مادر و مؤمنان را بیامرز، به خاطر رحمتی که داری، ای رحم کنندهترین رحم کنندگان.

توضیح: «الأرج» و «الأریج» به معنای پراکنده شدن بوی خوش است؛ و «اللوذ» و «اللواذ» و «اللیاذ بالشیء»، یعنی پوشاندن و نگاه داشتن با چیزی؛ «السادن»، یعنی خدمتکار؛ و «الإلمام»، یعنی فرود آمدن؛ و «الشیمه» با کسره، یعنی سرشت. عبارت «و أعراقکم»، یعنی ریشههای شما، و پدرانتان. عبارت «أمر عازم»، شاید به معنی مفعول باشد، یعنی بر آن تصمیم جدی گرفته شده، یا اینکه عزم به

صورت مجازی به آن نسبت داده شده است. عبارت «وازعه»، یعنی نگه دارنده از عذاب، یا از بازگشتن به گناه.

زیارت چهاردهم:

از همان کتاب گفته شده نقل شده است. گفته است: زیارت جامعی برای همه امامان و زیارتگاهها، که بر ساکنان آنها درود باد، است؛ همان طور که پیش از این گذشت، اذن میگیری و میگویی:

سلام بر شما ای کسانی که محل شناخت خدا هستید؛ سلام بر شما ای کسانی که مکان برکت خدا هستید؛ سلام بر شما ای کسانی که ظرف پاک دانستن خدا هستید؛ سلام بر شما ای نگه دارندگان راز خدا؛ سلام بر شما ای کسانی که خداوند به عنوان نشانههایی برای آفریدگانش، و یاورانی برای دینش، و گنجینهدارانی برای علم و راز خودش برگزید؛ کتابش را برای شما به ارث گذاشت، و شما را برای کرامتهای قرآن ویژه گرداند؛ و شما را به عنوان مثالی برای نورش بیان کرد؛ و از روح خود در شما به جریان انداخت؛ پس خداوند بر شما درود فرستد، ای پیشوایان و سروران من.

سلام بر تو ای محمد برگزیده، سلام بر تو ای علی پسندیده، سلام بر تو ای فاطمه زهرا، سلام بر شما ای دو پیشوا، حسن و حسین، سلام بر تو ای علی فرزند حسین، سلام بر تو ای محمد فرزند علی، سلام بر تو ای مرد راستین، جعفر فرزند محمد، سلام بر تو ای موسی فرزند جعفر، سلام بر تو ای علی فرزند موسی، سلام بر تو ای محمد فرزند علی، سلام بر تو ای علی فرزند محمد، سلام بر تو ای حسن فرزند علی، سلام بر تو ای حجت انتظار کشیده شده خدا.

سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر، و مرکز رسالت، و محل رفت و آمد فرشتگان؛ سلام بر شما ای پایهها و ستونها، اختصاص یافتگان به امامت؛ من دوستدار و زیارت کننده شما، نزدیکی جوینده به خدا به واسطه محبت شما هستم؛ دوستدار شما را دوست میدارم، و به وسیله شما از دشمنانتان به خدا پناه میجویم، و از خداوند عز و جل شفاعت میخواهم؛ و از او میخواهم بر پیامبرش محمد و بر

شما، که درود خدا بر او و بر شما باد، درودی دائم، بسیار و پیوسته که نه قطع شدنی و نه از بین رفتنی برای آن باشد، فرستد؛ و از او به واسطه شما درخواست میکنم، و شما را پیشاپیش نیازهایم قرار میدهم، پس در رهاندن گردن من از آتش برایم واسطه شوید ای پیشوایان من؛ و میخواهم که به واسطه شما همه نیازهای مرا برای آخرت و دنیا برآورده سازد؛ و مرا و خانوادهام و فرزندانم، و مردان و زنان مؤمن را در برابر بدی رساندن هر بدیرسان، چه از جن باشد و چه انسان، چه کوچک باشد و چه بزرگ، بسنده باشد؛ که به راستی من امید بستهام از زیارتگاه تو ای سرور من، که درود خدا بر تو باد، جز با برآورده شدن نیازهایم، و هر آن چیزی که درباره آن به سوی تو گریختهام، و از یاری و برکت نیک او به زیارت تو دل بستهام، بر نگردم؛ درودهای خدا و رحمت او و برکتهایش نثار تو و نثار امامان از پدران تو، و امامان از فرزندان تو باد.

سپس بر ضریح بوسه بزن و بگو: سلام بر شما ای خاندان محمد، ای خاندان خدا و یاران او، و سایههای خدا و نورهای او، به راستی که دوستی و جان خودم را، و همیاری و دارایی خودم را تقدیم شما میکنم؛ که آنها برای شما اندوخته شده، و یاریام برای شما آماده است، تا اینکه خداوند به شما اذن دهد؛ پس اگر به من فرمان دهید ای سروران من، اطاعت خواهم کرد، و اگر مرا باز دارید ای پیشوایان من، دست خواهم کشید، و اگر از من یاری بخواهید ای رهبران من، یاری خواهم کرد، و اگر کمک بخواهید ای پیشوایان من، کمک خواهم نمود، و اگر از من یاری بخواهید ای راهنمایان من، یاری خواهم کرد، و اگر مرا به بندگی بخواهید ای سرپرستان من، بندگی خواهم نمود.

پس ای سروران من، بندگی من بعد از خداوند والامرتبه، با میل و همواره برای شما است؛ و سلام و درود پیاپی من بر شما است؛ و درودهای خدا و رحمت و برکتهایش نثار شما باد.

پس هنگامی که خواستی وداع نمایی، بگو: ای سرورم، بعضی از آنچه را که از زیارت کردن تو در دل گرفته بودم، به جای آوردم، و اگر همه آنچه را که بر من واجب است انجام میدادم، سرای تو را اقامتگاه خود میکردم، ولی من نیز از

فرزندان دنیا هستم، و همچون عادت گذشتگان، در آن سختکوشی میکنم؛ پس از خداوند بسیار مهربان و رحمتگر میخواهم، که بر محمد و خاندان محمد درود فرستد، و این را آخرین دوره از زیارت شما و تمام مؤمنان توسط من قرار ندهد؛ به راستی که او رحم کنندهترین رحم کنندگان است، و او بر هر کاری توانا است.

سپس به دلخواه خودت دعای فراوان کن؛ إن شاء الله تعالی.

میگویم: در این کتاب از زیارتهای جامعه به تعداد معصومین صلوات الله علیهم اجمعین آوردم، ولی بافضیلتترین و مورد اعتمادترین آنها، زیارت دوم است، سپس اول و چهارم و پنجم و ششم و هفتم، سپس دهم و سوم.

و در بعضی کتابها زیارتهای جامعه دیگری نیز دیدم، ولی آنها را یا به خاطر مورد اعتماد نبودن، و یا به خاطر تکراری بودن محتوای آنها با آنچه در اینجا نقل کردیم، نیاوردم. کفعمی نیز در البلد الامین زیارت جامع دیگری بیان کرده است که من آن را در بخش اعمال روز جمعه(1)

آوردهام و آنچه ما بیان کردهایم، کفایت میکند؛ إن شاء الله تعالی.

[و زیارت جامعی در باب زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله خیلی پیش از این شد.](2)

1- . و آن را برای فایده رسانی بیشتر، در پایان کتاب نقل خواهیم کرد؛ إن شاء الله تعالی.
2- . در حاشیه نسخهای که به دست شریف خود نوشته است، این طور آمده است؛ و زیارت جامعی که گفته شد، در جلد 100، صفحه 189، زیر شماره 12 آمده است.

باب نهم : باب دیگر در زیارت آنان، علیهم السلام، در روزهای هفته و صلوات و سلام مفصل برایشان

روایات:

1. جمال الأسبوع:(1) با اسناد به صدوق، از صقر پسر ابی دلف روایت کرده و گفته است: وقتی متوکل، پیشوای ما امام کاظم علیه السلام را بازداشت کرد، برای با خبر شدن از او آمدم؛ زرافی که دربان متوکل بود، به من نگریست و دستور داد پیش او روم، همین که بردندم (زرافی) به من گفت: کارت چیست ای صقر؟ گفتم: خیر است، ای استاد؛ گفت: بنشین؛ گفته است: همه خبرهای گذشته و آینده را از من گرفت، پیش خود گفتم خطا کردم که اینجا آمدم، گوید چون مردم را از گرد او عقب راندند و فراغتی بدست آورد به من گفت: برای چه کاری آمدهای؟ گفتم: برای کار خیری؛ گفت: گویا آمدهای از حال سرورت سؤال کنی! به او گفتم: سرور من کیست؟ سرور من امیر مؤمنان است! گفت: ساکت باش، سرور تو بر حق است، مرا به خشم نیاور، که به راستی من نیز بر عقیده تو هستم؛ گفتم: پس خدا را شکر؛ گفت: آیا میخواهی او را ببینی؟ گفتم: آری؛ گفت: بنشین تا نامهرسان از پیش او بیرون آید.

گفته است: پس نشستم؛ وقتی بیرون آمد، به خدمتکاری که داشت، گفت: دست صقر را بگیر و او را وارد اتاق کن - و به اتاقی اشاره کرد. - پس وارد شدم و دیدم قسمت بالایی حصیری نشسته و در روبروی او قبر کنده شدهای بود؛ گفته است: پس سلام کردم و جواب سلام مرا داد، سپس دستور داد بنشینم. بعد از آن به من گفت: ای صقر، چه اتفاقی برایت افتاده است؟ گفتم: آمدهام از حال شما آگاه

1- . جمال الاسبوع: 25

شوم؛ وی گفته است: سپس به قبر نگریستم و گریستم و پس از آن به من نگاه کرد و گفت: ای صقر، نگران نباش، هرگز نمیتوانند آسیبی به ما برسانند؛ گفتم: سپاس باد خدا را.

سپس گفتم: ای پیشوای من، حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت میشود که معنی آن را نمیدانم؛ فرمود: آن حدیث چیست؟ گفتم: این کلام او که فرموده است: «لا تعادوا الأیام فتعادیکم» {با روزها دشمنی نکنید، تا آنها با شما دشمنی کنند.}؛ معنای این چیست؟ فرمود: آری، آن روزها ما هستیم، تا زمانی که آسمانها و زمین پابرجا است؛ شنبه اسم رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ و یکشنبه، امیرالمؤمنین؛ و دوشنبه، حسن و حسین علیهم السلام؛ و سهشنبه، علی فرزند حسین، و محمد فرزند علی، و جعفر فرزند محمد؛ و چهارشنبه، موسی فرزند جعفر، و علی فرزند موسی، و محمد فرزند علی، و من؛ و پنجشنبه، فرزندم حسن؛ و جمعه، فرزند فرزندم است که گروه حق به دور او جمع میگردد؛ و این معنی روزها است، پس در دنیا با آنها دشمنی نکنید که در آخرت با شما دشمن باشند؛ سپس فرمود: برخیز و برو که تو را در امان نمیبینم.

ذکر زیارت پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم در روز مخصوص او، که همان روز شنبه است.

گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، یکتاست و شریکی ندارد، و گواهی می دهم که تو فرستاده او هستی، و تو همان محمّد فرزند عبداللّه هستی، و گواهی می دهم که تو پیامهای پروردگارت را به مردم رساندی، و برای امّتت خیرخواهی نمودی، و در راه خدا با حکمت و اندرز پسندیده کوشیدی، و آنچه را از حق بر عهده تو بود ادا کردی، و همانا تو به مردمان مؤمن مهربانی نمودی، و بر کافران سخت گرفتی، و خدا را با نیت خالص تا رسیدن مرگ بندگی کردی، پس خداوند تو را به شریف ترین مقام اهل کرامت نایل گرداند. سپاس مخصوص خداوندی است که ما را به وسیله تو از شرک و گمراهی رهانید.

خدایا، بر محمّد و خاندانش درود فرست، و درودهای خود و درودهای فرشتگان نزدیکی یافتهات، و پیامبران فرستادهات، و بندگان شایسته ات، و همه اهل

آسمان ها و زمین ها، و هر آن کسی از پیشینیان و آیندگان که تو را تسبیح گوید، همه را ای پروردگار جهانیان، بر محمّد، بنده و فرستاده و پیامبرت، و امانتدار و برگزیدهات، و محبوب و پاک و بنده خاص و خالصت، و اختیار شده از میان بندگانت، قرار ده؛ و به او فضل و برتری و مرتبه شفاعت و درجه بلند عطا کن، و او را به مقام ستوده ای که پیشینیان و آیندگان بر آن رشک برند، برانگیز. خدیا، تو فرموده ای: «و لو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله توّاباً رحیماً»(1) {و

اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد، قطعاً خدا را توبه پذیرِ مهربان می یافتند.} ای خدای من، من با حالت بازگشت و درخواست آمرزش و توبه از گناهانم به سوی تو آمدم، پس بر محمّد و خاندانش درود فرست، و آن گناهانم را بیامرز. ای سرور ما، به واسطه تو و اهل بیت تو، به جانب خدای متعال که پروردگار من و توست، روی می آورم تا مرا بیامرزد.

سپس سه مرتبه آیه استرجاع - «إنا لله و إنا إلیه راجعون»(2) {ما از آنِ خدا هستیم، و به سوی او باز می گردیم.} - را بخوان و بگو:

ای محبوب دلهای ما، ما به خاطر تو سوگواریم، و چه بزرگ است سوگواری بر تو، از آن رو که وحی از ما بریده، و هم از آن رو که به فقدان تو دچار گشته ایم؛ به راستی که ما از آنِ خدا هستیم و به سوی او باز می گردیم؛ ای پیشوای ما، ای فرستاده خدا، درود خدا بر تو و بر خاندان پاک پاکیزه ات باد. امروز روز شنبه است و آن روز توست، و من در این روز مهمان تو و پناهنده تو هستم، پس از من پذیرایی کن و به من پناه ده، زیرا تو بزرگوار هستی و مهمان نوازی را دوست میداری، و مأمور به پناه دادن هستی، پس از من پذیرایی کن و نیکو پذیرایی فرما، و ما را پناه ده، و نیکو پناه مان ده، به برکت جایگاهی که خدا نزد تو و نزد خاندانت دارد، و به حق منزلتی که آنان نزد خداوند دارند، و به حق آنچه از دانشش نزد شما سپرده است، که همانا او گرامی ترین گرامیان است.

1- . نساء/ 64

2- . بقره/ 156

زیارت امیرالمؤمنین

به روایت کسی که امام زمان علیه السلام را مشاهده کرده و در بیداری و نه در خواب، او را زیارت میکند؛ در روز یکشنبه که روز امیر المؤمنین علیه الصلاه و السلام است.

سلام بر شجره نبوت، و درخت هاشمی تنومند و تابان، و بارور به برکت نبوّت، و خرّم و سرسبز به حرمت امامت؛ سلام بر تو و بر دو آرمیده در کنارت، آدم و نوح؛ سلام بر تو و بر اهل بیت پاک و پاکیزه ات؛ سلام بر تو و بر فرشتگان حلقه زننده بر دورت، و گرد آمده بر قبرت؛ ای سرور من، ای امیرالمؤمنین، امروز روز یکشنبه و روز تو و به نام توست، و من در این روز میهمان و پناهنده به تو هستم؛ پس ای سرور من، از من پذیرایی کن و مرا پناه ده، چرا که تو بزرگوار هستی و مهمان نوازی را دوست می داری، و مأمور(1)

به پناه دادن هستی، پس خواهشی را که برای آن در این روز به سوی تو روی آوردم، و آن را از تو امید دارم، برآور، به حق مقام والای خود و جایگاه بلند اهل بیتت نزد خدا، و مقام خدا نزد شما، و به حق پسر عمویت رسول خدا، که خدا بر او و خاندانش و همه شما درود و سلام فرستد.

زیارت حضرت زهرا علیها السلام

سلام بر تو ای آزموده شدهای که آن کسی که تو را آفرید، تو را آزمود، پس تو را به آنچه آزمود، شکیبا یافت؛ من از صمیم قلب به تو ایمان دارم، و بر آنچه پدر بزرگوارت و جانشینش، که درود خدا بر آن دو باد، آوردند بردبارم؛ و از تو می خواهم از آنجا که مؤمن به تو هستم، مرا به آن دو ملحق سازی، تا دلشاد گردم؛ پس گواه باش که همانا من تنها به ولایت تو و ولایت خاندان پیامبر تو، محمد، که درود خدا بر همه آنان باد، پاک گشتهام.

میگویم: در این زیارت، افزودهای بنا به نقل از روایت دیگری پیدا کردم که عبارت است از: سلام بر تو ای آزموده شده، همان کسی که آفریدگارت، پیش از آفریدنت، تو را آزمود، و تو نسبت به آنچه تو را آزمود، شکیبا بودی؛ و ما دوستان و

1- . مورد انتظار. خ ل

تصدیق کنندگان تو هستیم، و به همه آنچه پدر بزرگوارت صلی الله علیه و آله، و جانشینش علیه السلام، آوردند سر می سپاریم. و ما از تو میخواهیم ای خدا، از آن رو که تصدیق کنندگان آنان بودیم، ما را به خاطر این باور به درجه والا برسانی، تا خود را بشارت دهیم(1)

که به ولایت آنان علیهم السلام، پاک گشتیم.

روز دوشنبه و آن به نام امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما است

زیارت امام حسن فرزند علی بن ابیطالب علیهم السلام

از کتاب شیخ محمد فرزند علی الطرازی:

سلام بر تو ای فرزند فرستاده پرودگار جهانیان، سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای محبوب خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا، سلام بر تو ای راه خدا، سلام بر تو ای روشنگر حکم خدا، سلام بر تو ای یاور دین خدا، سلام بر تو ای پیشوای پاک نهاد، سلام بر تو ای نیکوکردار وفادار، سلام بر تو ای به پا خاسته امانتدار، سلام بر تو ای آگاه به تأویل، سلام بر تو ای راهنمای راه یافته، سلام بر تو ای پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای پرهیزکار پاکدامن، سلام بر تو ای حقیقت راستین و آشکار، سلام بر تو ای شهید راستین، سلام بر تو ای ابا محمّد حسن فرزند علی، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو باد.

زیارت امام حسین فرزند علی علیهما السلام، از کتابی غیر از کتاب الطرازی:

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیرالمؤمنین، سلام بر تو ای فرزند سرور زنان جهانیان، گواهی می دهم که تو نماز را بپا داشتی، و زکات را پرداختی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی، و خدا را خالصانه عبادت کردی، و در راه خدا به نحو شایسته به جهاد برخاستی، تا مرگ تو را دربر گرفت، پس تا من هستم، و شب و روز باقی است، بر تو و بر خاندان پاک و پاکیزه ات از سوی من سلام باد؛ ای سرور من، من دل بسته تو و خاندان تو هستم؛ با آن کس که

1- . تا بشارت دهی. خ ل

با شما در صلح است، آشتی میکنم، و با آن کس که با شما در جنگ است، دشمن هستم؛ من به نهان و آشکار، و ظاهر و باطن شما ایمان دارم؛ نفرین خدا بر دشمنانتان، از پیشینیان و آیندگان؛ و من از آنان به سوی خدای والامرتبه بیزاری می جویم.

ای سرور من، ای ابا محمّد، ای سرور من، ای ابا عبداللّه، امروز روز دوشنبه است، و روز شما دو بزرگوار و به نام شماست، و من در این روز میهمان شما هستم؛ پس پذیرای من باشید و نیکو پذیرایی کنید؛ چه خوشبخت میهمانی است آن کسی که شما دو بزرگوار میزبانش باشید؛ و من در این روز از(1)

پناهندگان به شما دو بزرگوار هستم، پس مرا پناه دهید؛ به یقین شما مأمور به پذیرایی نمودن و پناه دادن هستید؛ خدا بر شما دو بزرگوار و خاندان پاک شما درود فرستد.

روز سهشنبه، که به نام امام علی فرزند حسین، و امام محمد فرزند علی، و امام جعفر فرزند محمد، که درود خدا بر همه آنان باد، است. زیارت آنان، علیهم السلام:

سلام بر شما ای خزانه داران علم خدا، سلام بر شما ای مفسرّان وحی خدا، سلام برشما ای پیشوایان هدایت، سلام بر شما ای نشانه های پارسایی، سلام بر شما ای فرزندان رسول خدا؛ من به حق شما دانا، و به مقام شما بینا، و با دشمنانتان دشمن، و با دوستانتان دوست هستم؛ پدر و مادرم فدایتان، درودهای خدا بر شما باد. خدایا، من آخرین اینان را چنان که اولینشان را دوست داشتم، دوست دارم؛ و از هر صف بندی در برابر ایشان بیزاری می جویم؛ و به جبت و طاغوت و لات و عزّی - که بتهای روزگار جاهلیت بودهاند،- کفر می ورزم؛ ای سروران من، درودهای خدا و رحمت و برکتهایش بر شما باد. سلام بر تو ای پیشوای عبادت کنندگان، و زبده جانشینان؛ سلام بر تو ای شکافنده دانش پیامبران؛ سلام بر تو ای راستگوی پذیرفته در گفتار و کردار.

1- . در پناه شما دو بزرگوار. خ ل

ای سروران من، امروز روز سه شنبه، روز شماست و من در این روز میهمان شما و پناهنده به شما هستم، پس به حق مقام خدا نزد شما و اهل بیت پاکیزه و پاکتان، پذیرای من باشید، و به من پناه دهید.

روز چهارشنبه، که به نام امام موسی فرزند جعفر، و امام علی فرزند موسی، و امام محمد فرزند علی، و امام علی فرزند محمد، که درودهای خدا بر همه آنان باد، است.

زیارت آنان، علیهم السلام:

سلام بر شما ای دوستداران خدا، سلام بر شما ای حجتّهای خدا، سلام بر شما ای نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر شما، درودهای خدا بر شما و بر خاندان پاکیزه و پاکتان؛ پدر و مادرم فدایتان، به راستی که خدا را خالصانه پرستیدید، و در راه خدا آن چنان که شایسته او بود جهاد نمودید، تا مرگ شما را دربر گرفت؛ پس نفرین خدا بر دشمنان شما، از تمام جنیان و آدمیان؛ من به سوی خدا و به سوی شما از دشمنانتان بیزاری می جویم؛ ای سرور من، ای ابا ابراهیم موسی فرزند جعفر، ای سرور من، ای ابا الحسن علی فرزند موسی، ای سرور من، ای ابا جعفر محمّد فرزند علی، ای سرور من، ای ابا الحسن علی فرزند محمّد، من دل بسته شما هستم، و به نهان و آشکار شما ایمان دارم، در این روز شما، که روز چهارشنبه است، از شما درخواست پذیرایی دارم، و به شما پناه می جویم، پس به حقّ خاندان پاکیزه و پاکتان، مرا پذیرا باشید و به من پناه دهید.

روز پنجشنبه، که به نام امام حسن عسکری فرزند علی، که درود و سلام خدا بر همه آنان باد، است.

سلام بر تو ای ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجّت خدا و آراسته گشته او، سلام بر تو ای پیشوای مؤمنان، و وارث پیامبران، و برهان محکم پروردگار جهانیان، درود خدا بر تو و اهل بیت پاکیزه و پاکت باد. ای سرور من، ای ابا محمّد حسن فرزند علی، من دل بسته تو و اهل بیت تو هستم، و امروز روز پنجشنبه و روز توست، و من در آن میهمان و پناهنده به تو هستم، پس به حق خاندان پاکیزه و پاکت، به نیکی از من پذیرایی کن و به من پناه ده.

روز جمعه، و آن روز صاحب الزمان صلوات الله علیه، و به نام او است، و آن همان روزی است که حضرت در آن ظهور میکند؛ خداوند ظهورش را نزدیک سازد.

زیارت آن حضرت، علیه السلام:

سلام بر تو ای حجّت خدا در زمینش، سلام بر تو ای دیده خدا در میان آفریدگانش، سلام بر تو ای نور خدا که رهجویان به آن نور ره می یابند، و به آن نور از مؤمنان اندوه و غم زدوده می شود، سلام بر تو ای پاک نهاد و هراسان، سلام بر تو ای دوستدار خیرخواه، سلام بر تو ای کشتی نجات، سلام بر تو ای چشمه حیات، سلام بر تو، خدا بر تو و بر خاندان پاکیزه و و پاک تو درود فرستد؛ سلام بر تو، خدا در تحقق وعده ای که بر یاری و ظهور امر تو به تو داده است، شتاب فرماید؛ سلام بر تو ای سرور من، من دل بسته تو، و به شأن دنیا و آخرت تو آگاه هستم؛ و به واسطه دوستی تو و خاندان تو، به سوی خدا تقرّب می جویم، و ظهور تو و ظهور حق را به دست تو انتظار می کشم؛ و از خدا درخواست می کنم بر محمّد و خاندان محمّد درود فرستد، و مرا از منتظران تو، و از پیروان و یاوران تو در برابر دشمنانت، و از شهدای در پیشگاه تو، و در شمار شیفتگانت قرار دهد.

ای سرور من، ای صاحب زمان، درودهای خدا بر تو و بر خاندان تو باد؛ امروز روز جمعه و روز توست، روزی که ظهور تو و گشایش کار اهل ایمان به دست تو در آن روز، و کشتن کافران به شمشیر تو امید می رود؛ و من ای سرور من، در این روز میهمان و پناهنده به تو هستم، و تو ای سرور من، بزرگواری از فرزندان بزرگواران، و مأمور به پذیرایی و پناه دادن هستی؛ پس از من پذیرایی کن و به من پناه ده؛ درودهای خدا بر تو و خاندان پاکیزه ات باد.

توضیح: کلام او که فرمود: «المونعه»، از عبارت «أینع الثمر» گرفته شده است، و در معنای زمان چیدن میوه به کار میرود.

ق: ذکر سلام و درود بر پیامبر و امیرالمؤمنین و امامان از فرزندان او، که بهترین تحیت و سلام بر آنان باد؛ که نخستین آنها، اختصاص به رسول خدا صلی الله علیه و آله دارد:

سلام بر رسول خدا، و بر رسول خدا سلام باد؛ سلام بر پیامبران خدا و فرستادگان؛ سلام بر حجتهای خدا در میان جهانیان؛ سلام بر تو ای رسول خدا؛ سلام بر تو ای حجت خدا؛ سلام بر تو ای برگزیده خدا؛ سلام بر تو ای محمد فرزند عبدالله؛ سلام بر تو ای بزرگوارترین فرستادگان، و آخرین پیامبران، و پیشوای پیشینیان و آیندگان.

خدایا، تو ما را فراخواندی تا بر خودمان گواهی دهیم که تو پروردگار و پیشوا و سرور ما هستی، پس با اقرار به تو، دعوت تو را پذیرفتیم، و ما را بر خودمان گواه گرفتی، پس تو در کتابت که بر پیامبر فرستاده شدهات نازل کردی، فرمودی: «و إذ أخذ ربّک من بنی آدم من ظهورهم ذریّتهم و أشهدهم علی أنفسهم ألست بربّکم قالوا بلی»(1) {و

هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریّه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم؟ گفتند: چرا. }

سپس ما بر خودمان گواه گرفتی که محمد، که درودهای تو بر او باد، فرستاده تو، آخرین پیامبران و پیشوای فرستادگان، و امام پارسایان؛ و علی فرزند ابیطالب، پیشوای مردمان عرب، امیرالمؤمنین و جانشین فرستاده پروردگار جهانیان است؛ سپس دستور به فرمانبرداری دادی و فرمودی: «یا أیها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أولی الأمر منکم»(2) {ای

کسانی که ایمان آورده اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید} و با آن، از ما عهد و پیمانهای استوار گرفتی، تا مبادا بگوییم که ما واقعاً از این در غفلت بودیم!

سپس به ما دستور دادی بر پیامبرت محمد، و بر خاندان او، که حجتهای تو بر آفریدگانت، و همه آنان مبارک و برگزیده، و امامان دادورز پاک گشته [انتخاب شده] نیککردار، همان کسانی که آلودگی را از آنان زدودی و آنان را پاک و پاکیزه گرداندی، درود و سلام بفرستیم؛ پس به این وسیله ما را از روی شرافت بخشیدن به پیامبرت و بزرگ و گرامی داشتن او، که درود تو بر او باد، به کسب

1- . اعراف/ 172
2- . نساء/ 59

رضایت خودت در گفتار و کردار، راهنمایی کردی، و فرمودی: «إن الله و ملائکته یصلّون علی النبیّ یا أیها الذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً»(1) {خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید.} میپذیریم ای خدا، میپذیریم؛ میپذیریم ای خدا، ای پروردگار ما، و گردن مینهیم؛ همچون پذیرفتن ناتوانی در پیشگاه تو؛ همچون پذیرفتن بیمناک نیازمند به سوی تو؛ به تو گوش فرا دادیم و اطاعت نمودیم؛ ای پروردگار ما، و پیشوای ما، و سرور ما.

خدایا، باشکوهترین درودها و تحیتها و مهربانی و رحمت و تحیت خودت را بر بندهات محمد، و فرستادهات به سوی بهترین آفریدگانت، و برگزیدهات و دوستت برای خودت، و همنوا برای دانشت، و امانتدار برای رازت، و گنجینهدار برای نهان خودت، و به جای آورنده پیمانت، و به انجام رساننده وعدهات، و دعوت کننده به سوی ذات یکتاییات، آخرین پیامبران، و پیشوای فرستادگان، بشارت دهنده و بیم دهنده، چراغ تابان، پاک پاکیزه، نشانه فروزان، برانگیخته شده به پیام رسانی، و هدایت کننده از گمراهی، همان کسی که او را رحمت برای جهانیان، و نوری که مؤمنان با او روشنی میجویند، و بشارت دهنده به بیکرانی ثوابت، و بیم دهنده از دردناکی کیفرت قرار داردی، قرار ده.

و گواهی میدهم که او به راستی از سوی تو آمده است، و پیامهای تو را رسانده، و آیههای تو را تلاوت نموده، و به اطاعت تو دستور داده، و از نافرمانی تو نهی کرده است؛ پس امر تو را روشنگری نمود، و دین تو را آشکار کرد، و دعوت به سوی تو را برتری بخشید، و در راه تو بسیار کوشید، و به فرموده خودت، تو را پرستید، تا اینکه مرگ او را دربر گرفت.

پس ای خدا، خودت بر او درود فرست، همان گونه که ما را به وسیله او از گمراهیها راهنمایی کردی، و ما را به وسیله او از سختیها رهاندی، و ما را به وسیله او از لب پرتگاه هلاکت نجات دادی، و ما را به وسیله او در نیکیها وارد

1- . احزاب/ 56

ساختی، و به ما به وسیله او خوبیها بخشیدی، و به وسیله او بدیها از ما را بردی، و به وسیله او درجه ما را والا گرداندی؛ خدایا، پس از طرف ما برترین و بزرگترین و باشکوهترین پاداش پیامبران، و بهترین پاداشی را که برای پیامبری از امت خودش دادهای، به او بده.

خدایا، و تو و فرشتگان نزدیکییافتهات، و پیامبران و فرستادگان برگزیدهات، و دوستداران و بندگان مؤمنات، و تمام اهل طاعتت، از آسمانیان و زمینیان، بر او درود فرستید؛ خدایا، و او را به جایگاه شایستهای که در موقف حاضر شده وعده دادهای، برانگیز؛ تا به این وسیله چهرهاش را نورانی گردانی، و پیشینیان و پسینیان به آن غبطه خورند؛ جایگاهی که با آن، دلیلش را محکم گردانی، و لغزشش را نادیده بگیری، و شفاعتش را بپذیری، و همنشینانش را با آن گرامی بداری، و فرزندانش را با آن به وی ملحق گردانی، و خانوادهاش را بر وی وارد نمایی، و چشمش را با شیعیانش روشن گردانی، و برهانش را با عظمت، و منزلتش را رفیع، و مکانش را والا نمایی.

خدایا، پس منزلگاه او را نزدیکترین همه پیامبران به خود، و جایگاهش را نزدیکترین آنان، و محل فرود آمدن او را برترین آنان، و محبت و شکوه او در پیشگاه خودت را بزرگترینشان، و مکان و نزدیکی او را والاترین آنان، و درجه و غرفههای او والاترین از میان پیامبران، و او را پیشوای فرستادگان، و آخرین پیامبران، و امام پارسایان، و سرپرست مؤمنان، و پیامبر رحمت، و پیشوای امت، و کلید برکت، و نجات دهنده از هلاکت، و فرستاده پروردگار جهانیان، قرار ده.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و ما در راه فرمانبرداری خودت و پیروی از روش او به کار گیر، و ما را در آیین او بمیران و در میان شیعیان او برانگیز، و در گروه او محشورمان ساز، و از ما دیدار او را مپوشان، و از همنشینی با او محروممان مگردان، و ما را از کسانی که همراه او برانگیخته میسازی، قرار ده، تا ما را در غرفههای او ساکن کنی، و بر حوض او وارد نمایی، و در کنار او جاودانه سازی.

خدایا، ما به او و به محبت او ایمان میآوریم، پس به خاطر آن ما را دوست بدار، و بین ما و او جدایی مینداز، بپذیر ای پروردگار جهانیان؛ خدایا، بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست، و از سوی ما بر محمد برترین تحیت و سلام را برسان، و سلام بر او و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام و درود بر پدر امامان، که برترین سلام و رحمت نثار او باد:

سلام بر تو ای دوستدار خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای میراثدار پیامبران، و برترین جانشینان، و جانشین بهترین فرستادگان، سلام بر تو ای مایه عزت مؤمنان، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو باد.

خدایا، بر علی فرزند ابیطالب، آن جانشین پسندیده، و خلیفه برگزیده، و دعوت کننده به سوی تو و سرای سلامتی، بزرگترین انسان راستین، و جدایی کننده از سوی تو بین حلال و حرام، و نور آشکار و زیبای تو، و زبان گویای تو به فرمان حق و روشن تو، و چشم تو بر تمام آفریدگانت، و دست راست و والای تو، و ریسمان محکم تو، و پیوند استوار تو، و برترین کلمه تو، و جانشین پسندیده فرستادهات، و نشانه دین، و روشنی بخش پارسایان، و آخرین جانشینان، و پیشوای مؤمنان، و امام پارسایان، بعد از محمد امین پیامبر، و فرمانده سپاه سفیدپوشان، درود فرست؛ درودی که یادش را با آن بالا ببری، و کارش را با آن نیکو گردانی، و وجودش را با آن ارزش بخشی، و دعوتش را با آن آشکار سازی، و فرزندانش را با آن یاری رسانی، و دلیلش را با آن محکم گردانی، و یاریاش را با آن عزتمندانه کنی، و همراهیاش را با آن گرامی بداری؛ او که پیشوای مؤمنان، و آشکار کننده حقیقت به وسیله حقیقت، و دور کننده(1)

سپاهیان باطل، و یاور خدا و فرستاده او بود.

خدایا، پس همان گونه که او را برای آفریدگانت به کار گرفتی و او نیز به فرمان تو در میان آنان به خدمت پرداخت، و در میان مردم دادورزی کرد، و حقوق آنان را به صورت برابر تقسیم نمود، و با دشمن پیامبرت پیکار نمود، و از حریم

1- . هلاک کننده. خ ل ظ

اسلام دفاع کرد، و بین حلال و حرام پرده افکند، در حالی که به رضایت تو آگاه و بصیر بود، و دعوت کننده به سوی ایمان به تو بود، بدون اینکه از ارادهاش برگردد، و از تصمیم جدیاش روی برتابد، و حافظ پیمان تو، و ادا کننده نهایی وعده تو، و هدایتگر به دین تو، و اقرار کننده به پروردگاری تو، و تصدیق کننده فرستاده تو، و تلاشگر در راه تو، و خشنود به فرمایش تو بود؛ پس او امانتدار معتمد تو، و خزانهدار علم پوشیده تو، و شاهد(1)

روز پاداش تو، و دوستدار تو در میان جهانیان است.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و از پیش خود بر او فراخی قرار ده، و خشنودی از ثواب بیکران، و پاداش بزرگ و گرانقدر خودت را به او عطا کن؛ خدایا، ما را گوش به فرمان و فرمانبردار او، و سپاه پیروزمند، و هواداران مسلمان، و پیروان راستین، و رهروان صمیمی، و همراهان یاریگر، و دوستداران وارسته، و همدستان خیرخواه، و یارانی همنشین قرار ده؛ بپذیر ای پروردگار جهانیان؛ خدایا، او را با برترین پاداش بزرگواران پاداش ده؛ و خواستهاش را به او عطا کن، ای پروردگار جهانیان.

و گواه باش که او برای پیامبرت خیرخواهی کرد، و به راه تو راهنمایی نمود، و به طرز شایسته تلاش کرد، و به راه راستی و کمال فرا خواند، و با دین راستین تو در میان آفریدگانت بهپا خاست، و به فرمان تو دستور داد؛ و او در هیچ حکمی ستم ننمود، و در هیچ ظلمی وارد نشد، و به هیچ گناهی دست نگشود؛ و او برادر پیامبر تو بود، و نخستین کسی که به او ایمان آورد، و پیامهای او را تصدیق کرد و یاریاش نمود؛ و او جانشینش بود، و وارث علم او، و محل اسرار او، دوست داشتنیترین مردمان به او؛ و او در دنیا و آخرت همراه او، و پدر حسن و حسین، دو پیشوای جوانان اهل بهشت است.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و از ما به او تحیت و سلام ابلاغ کن، و از او بر ما تحیت و سلام باز گردان؛ و سلام بر او، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

1- . مشاهده کننده. خ

سلام و درود بر بانوی پیشوا، فاطمه زهرا، آن بانوی رشد یافته و راست قامت: سلام بر پیشوای زنان جهان، و دختر پیشوای پیامبران، و مادر امامان پاک، فاطمه بزرگوار، دختر محمد، و خواهر مریمِ بتول، پاکترین زنان، و دختر بهترین پیامبران؛ سلام بر تو، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو باد.

خدایا، بر بانوی پیشوا و گم شده، بزرگوار ستوده شده، به شهادت رسیده والا مرتبه گشته، رشد یافته، مادر امامان، سرور بانوان امت، دختر پیامبرت، همسر ولیّات، سرور زنان، و میراثدار پیشوای پیامبران، و همراه پیشوای جانشینان، نگاه داشته شده از هر بدی، درود فرست؛ درودی پاک و مبارک، و والا و به یاد ماندنی، که در سایه آن، نامش را در محل نیکان و برگزیدگان، و در باشکوهترین شکوه پیامبران، و در والاترین جایگاه علیین، در والاترین درجات، و در بلندترین بلندی بالا ببری.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مقام آن بانو را والا، و جایگاهش را گرامی، و ثوابش را فراوان، و محل نشستنش را نزدیک خودت قرار ده؛ و مکان و اقامتگاهش را در پیش خودت با شکوه گردان؛ و برای او از دشمنانش انتقام گیر؛ و عذاب را بر کسی که به او ستم نمود، و کیفر را بر کسی که حق او را غصب کرد، دوچندان کن؛ و حق او را ای پروردگار، بستان؛ که به راستی تو بر هر چیزی توانایی. خدایا، بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست، و از سوی ما بر آن بانو درود ابلاغ کن، و از سوی او بر ما درود باز گردان؛ و سلام بر او، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام و درود بر نواده بزرگتر پیامبر، فرزند پاک علی امیرالمؤمنین:

سلام بر نواده بزرگتر، مورد اعتماد مرتضی، و فرزند مورد پسند جانشین پیامبر، کشته شده و مسموم گشته، و وارسته ستمدیده، و نواده پیامبر، و فرزند بتول؛ سلام بر تو ای پیشوای من، ای حجت خدا و فرزند و برادر حجت خدا؛ سلام بر حسن فرزند علی، و رحمت و برکتهای خدا نثار او باد.

خدایا، بر امام مورد اطمینان و پسندیده، و دعوت کننده برگزیده امت، حسن فرزند علی، خلیفه راستین، و امانتدار پیشی گیرنده، عمل کننده به حق، و گوینده به

راستی، و امام پیشگام، و سرپرست بزرگوار، باشرافت ترین اهل شهرها، و فریادرس بندگان، درود فرست؛ آن گونه که پاکترین و برترین و نیکوترین و کاملترین و پاکیزهترین و فزایندهترین درودی باشد که بر هر یک از اولیا و برگزیدگان و دوستدارانت فرستادهای؛ درودی باشد که چهرهاش را با آن نورانی گردانی، و روحش را با آن پاک سازی، و منزلتش را با آن بزرگوارانه نمایی، و جایگاهش را با آن والا کنی، و شکوهش را با آن، با عظمت نمایی، و منزلهایش را با آن آراسته سازی، و منزلتش را با آن در سرای جاودان، و در والاترین مرتبه علیین، در جایگاه نیکان، همراه پدران راستین و برگزیدهاش، با شکوه نمایی؛ که او به راستی به اطاعت تو پرداخت، و از نافرمانی تو نهی نمود، و از نیرنگ دوری گزید، و از بدی باز داشت، و با مؤمنان دوستی ورزید، و از تباهکاران دوری جست، و برای او زمانی معین بود، ولی برایش همتایی نبود، و سنش هنوز کامل نشده بود، که وصیت پدرش را عهدهدار گشت، و بلا را از اسلام دور نمود.

پس زمانی که از گرفتار آمدن مؤمنان در فتنه بیمناک گشت، به کسی که باید، تکیه کرد، و به آنچه پیش آمده بود، آگاه بود، بدون اینکه از دینش در خواب باشد؛ پس با سختکوشی به عبادت تو پرداخت، و به حد واجب از عبادت بسنده نکرد، و به این ترتیب دین را استوار گرداند، و در حالت یقین از دنیا رفت.

خدایا، بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست، و بر او از سوی ما بهترین پاداش انسانهای راستین، و دعوت کنندگان سختکوش، و رهبران آموزگار، را قرار ده؛ خداوند بر آنان در میان پیشینیان و پسینیان درود فرستد؛ و بر آنان از سوی ما سلام برسان، و بر ما نیز از سوی آنان سلام باز گردان، و سلام بر آنان، و رحمت و برکتهایش نثار او باد.

سلام و درود بر پیشوای دوم، ابا عبدالله حسین، فرزند علی علیهما السلام:

سلام بر پیشوای(1) شهید شده، و نواده نیک بخت، پدر امامان بعدی و پسر بهترین زنان امت؛ سلام بر تو ای پیشوای من، ای ابا عبدالله، و رحمت خدا و برکت

1- . در حاشیه چاپ کمپانی، «الکریم» {بزرگوار} را به آن افزوده است.

هایش نثار تو باد؛ خدایا، بر امام مورد ستم واقع شده و کشته شده، و پیشوا و نواده پیامبر، و فرزند بتول، بشارت دهنده و بیم دهنده، فرزند جانشین مشاور، حسین فرزند علی، سرپرست وارسته، پیشوای جوانان اهل بهشت، و امام هدایت و اهل سنت، و رهبر و فرمانروا، و عبادت کننده پارسا، و رشد یافته جهادگر، درود فرست؛ آن گونه که او به طاعت تو پرداخت، و از نافرمانی تو نهی کرد، و در کسب خشنودی تو سختکوشی نمود، و به ایمان به تو شتافت؛

در راه تو، آشکارا و نهانی با دشمنات پیکار کرد؛ بندگانت را به سوی تو فرا میخواند، و در حالی که در پیشگاه تو ایستاده بود، به سوی تو راهنمایی میکرد؛ ستم را با راستی از بین میبرد، و سنت و کتاب را زنده میساخت، پس در راه رضایت تو با سختی زندگی کرد، و در میان دوستداران تو به نحو ستودهای در گذشت، و با حالت شهید به سوی تو پرکشید، نه در شب و نه در روز، هرگز تو را نافرمانی نکرد، و در راه تو با منافقان و کافران به پیکار پرداخت.

پس ای خدا، به او از اسلام و مسلمانان، بهترین پاداش را برسان، و عذاب چند برابر، و بدترین بازگشتگاه را برای قاتلانش قرار ده، چرا که او با بزرگواری جنگید، و با مظلومیت به شهادت رسید، و آمرزیده از دنیا رفت؛ میگفت: من فرزند رسول خدا، و فرزند کسی که پاکی ورزید و عبادت نمود، هستم؛ پس او را با عمد و اراده جدی کشتند، و بر سر ایمان با او پیکار نمودند، و در کشتن او از شیطان پیروی کردند، و در آن از خدای رحمن ترسی به خود راه ندادند؛ پس ای خدا، بر او درودهایی بفرست که جایگاهش را با آن باشکوه گردانی، و بزرگ داشتن را با آن، در حق او چند برابر کنی، و کارش را با آن با عظمت گردانی، و با آن در یاری او شتاب فرمایی.

خدایا، بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست، و او را برای بهترین نوع فضیلتها ویژه گردان، و او را به باشکوهترین منزلگاهها برسان، و شرافت بزرگواران را به او عطا کن، و با رحمت خودت او را در میان نزدیکی یافتگان، در بلندترین

والایی، و والاترین درجه علیین بالا ببر؛ و او را به درجه بزرگ، و منزلت بلند(1)

و درخور، و برترین منزلت، و بزرگواری گرانقدر برسان؛ و بهترین پاداشی را که برای هر امامی از سوی مردمانش، و برای هر پیامبری از سوی امتش قرار دادهای، از سوی ما برای او قرار ده؛ و برترین تحیت و سلام را از سوی ما به او برسان، و برای ما از سوی او تحیت و سلام را باز گردان؛ و سلام بر او، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام و درود بر پیشوای عبادت کنندگان، بسیار سجده کننده دارای پینهها، علی فرزند حسین:

سلام بر زینت عبادت کنندگان، و مایه روشنی چشم بینندگان، علی فرزند حسین، امام مورد پسند، و فرزند امامان مورد رضایت؛ سلام بر تو ای پیشوا و سرور من، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو باد. خدایا، بر امام دادورز و امانتدار، علی فرزند حسین، امام پرهیزکاران، و سرپرست مؤمنان، و جانشین جانشینان، و خزانهدار وصیتهای فرستادگان، و میراثدار دانشهای پیامبران، و حجت والای خدا، و انسان نمونه خدا، و کلمه استوار او، درود فرست.

خدایا، بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست، و او را در میان دوستدارانت به باشکوهترین درودها، و بزرگوارانهترین تحیتها مخصوص گردان؛ که به راستی او در میان بندگانت به نصیحت پرداخت، و در راه عبادت تو خیرخواهی کرد، و در راه کسب رضایت تو شتاب نمود، و در برابر دشمنانت ایستاد، و دوستدارانت را را با پاداش بزرگ تو بشارت داد، و به طور شایسته تو را پرستید، و آنچه را که در مکنت او بود، پرداخت، تا اینکه حکومت او سپری شد، و مدت آن به پایان رسید، و به سوی معشوقش شتافت؛ نسبت به پیروانش دلسوز، و به مردمانش مهربان، و برای اهل هدایت پناهگاه، و نجات دهنده آنها از تمام پستیها، و راهنمای مسلمانان، برای حلال و حرام، و ستون دین، و روشنی بخش جامعه مسلمانان، و حجت خدا بر جهانیان بود.

1- . بلندی درخور. خ

خدایا، بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست، و از سوی ما به او درود برسان، و بر ما از سوی او درود و سلام باز گردان، و سلام بر او، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام و درود بر ابی جعفر، امام محمد باقر، فرزند علی علیهما السلام:

سلام بر کسی که هم نام پیامبر هدایت، و شکافنده دانشهای مردمان است، همان محمد فرزند علی، پیشوای جانشینان، و میراثدار دانشهای پیامبران؛ سلام بر تو ای سرور من، ای ابا جعفر، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو باد.

خدایا، بر محمد باقر، آن پاک پاکیزه، درود فرست، که به راستی او دین و برکتهای آن را به طور کامل آشکار کرد، و مایه روشنی اسلام بود، همان محمد فرزند علی، ولیّ و فرزند ولیّ تو، فرمان دهنده به حق، و گوینده سخن راستین، شکافنده - علم - دین به طور کامل، و پراکنده سازنده علم به طور کامل، که در راه تو سرزنش هیچ ملامتگری او را تحت تأثیر قرار نداد، و هرگز پوشاننده فرمان تو، و آشتی کننده با دشمن تو نبود، پس حقی را که بر عهده او بود به جای آورد، و امری را که به او سپرده شده بود ادا نمود، و کسانی را که در ولایت بندگانت داخل شده بودند، به ولایت تو وارد ساخت؛ و کسانی را که از عبادت تو به سوی عبادت دیگران بیرون شده بودند، در عبادت تو وارد ساخت؛ و به فرمانبردای تو فرمان داد، و از نافرمانی تو نهی کرد، پس دلها را با هدایت، زنده ساخت، و و از تاریکی و نابینایی بیرون آورد، تا اینکه حکومتش سپری شد، و زمان آن به پایان رسید، و به عنوان آشکار کننده دین پروردگارش، و شکافنده دانش در میان مردمانش، در گذشت؛ به اسم جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله، و شبیه او در رفتارش، دارویی برای بهرهمندان، و چراغ هدایتی برای کسی که برگردد و فرمان برد، و آبشخوری برای آینده و رونده، و خاستگاهی برای علم که از او مایه میگرفت، بود.

خدایا، همچنان که او را نوری قرار دادی که مؤمنان از آن روشنی میجویند، و امامی که پرهیزکاران با او راهنمایی میشوند، تا اینکه دین تو را آشکار ساخت، و فرمان تو را علنی نمود، و دعوت به سوی تو را به بالاترین مرتبه خود رساند، و به فرمان تو سخن گفت، و به سوی بهشت تو فرا خواند، پس به این ترتیب

دوستدار تو را عزتمند کرد، و دشمن تو را خوار نمود، خدایا، پس تو و فرشتگانت و پیامبرانت و فرستادگانت و دوستدارانت، و بندگان فرمانبردار تو، بر او درود بفرستید.

خدایا، پس درخواستش را به او عطا کن، و او را به آرزویش برسان، و پایگاه او را باشکوه ساز، و مکانش را والا گردان، و یادش را بلند مرتبه گردان، و یارياش را عزّتمند ساز، و او را در شرافتمندی به شرافت بالا برسان، و همراه پدران نزدیکی یافتهاش، همان برگزیدگان و پیشگامان، و نیکان و پاکان، کسانی که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین میشوند، قرار ده؛ و از اسلام و مسلمانان، بهترین پاداش را به او عطا کن، ای رحم کنندهترین رحم کنندگان؛ خدایا، بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست، و بر او از سوی ما تحیّت و سلام برسان، و از سوی او بر ما تحیّت و سلام باز گردان؛ و سلام بر او، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام و درود بر امام جعفر، فرزند محمد؛ که درودهای خداوند یکتای یگانه بر او باد.

سلام بر امام راستگو، فرزند امامان راستگو، و پدر امامان راستگو، حجت خدا و فرزند حجت خدا بر جهانیان، امام جعفرصادق فرزند محمد، خلیفه پیشینیان، و پدر پیشوای جانشینان، و لقب گرفته به نواده پیامبر هدایت؛ سلام بر تو ای سرور من، ای ابا عبدالله، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو باد. خدایا، بر امام هدایت یافته، و فرمانروای برپادارنده، جانشین جانشینان، و امام پارسایان، نشانه دین، سخن گوینده به راستی یقینی، و فریادرس مسلمانان، و پدر یتیمان و بینوایان، جعفر فرزندمحمد، امام دانشمند، و قاضی حاکم، آگاه مورد پسند، و دعوت کننده به هدایت، که هر کس او را فرمان برد، هدایت شود، و هر کس از او روی برتابد، گمراه گردد، درود فرست.

خدایا، پس همان طور که او برای کسب خشنودی تو تلاش کرد، و برای دوستدارانت خیرخواهی نمود، به مؤمنین رأفت نمود و بر کافران و منافقان خشم گرفت، و تو را عبادت کرد تا اینکه مرگ او را دربر گرفت، در میان دوستدارانت روشهای نیکو بر جای نهاد، و در میان آنان علم را آشکار کرد و به بروز رساند، و بدعتها را تعطیل کرد، و دین را زنده و آراسته ساخت، تو نیز بر او درود فرست.

خدایا، به خاطر آن مقدار از سنتهای تو که زنده ساخت، و آن مقدار از دین تو که برپا داشت، و به سوی کسب رضایت تو شتافت، و به تقوای تو عمل نمود، و ما را از تاریکیها به سوی نور بیرون آورد، بر او درود فرست، و از سوی ما بهترین پاداش را که برای هر یک از پاداش گیرندگان داده میشود، به او عطا کن؛ و او را در جایگاه پدران والامرتبهاش، به برترین درجات والایی برسان، و خشنودی از وی را چند برابر کن، و با تحیّت و سلامی از سوی ما بر او تحیت فرست؛ و سلام بر او، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام و درود بر امام موسی امانتدار، بنده نیک کردار و دارای منزلت:

سلام بر نامیده شده به همسخن پرودگار والامرتبه، و فرزند بهترین جانشینان، و فرزند سرور بانوان، و میراثدار دانش پیامبران؛ سلام بر نور خدا در زمین و آسمان، سلام بر خزانهدار دانش پیامبر هدایت، و آزمایش بزرگ، امانتدار خشنود پسندیده، و پدر امام رضا، حضرت موسی فرزند جعفر، خلیفه خداوند رحمن، و امام اهل قرآن، و دارنده تأویل و تنزیل وحی؛ سلام بر تو ای سرور من، ای ابا ابراهیم، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو باد.

خدایا، بر جانشین امانتدار، و کلید در دین، و نشانه آشکار روشنگر، و فرزند فرستاده پروردگار جهانیان، موسی فرزند جعفر علیه السلام، خلیفه خدا بر مؤمنان، دارنده عدالت، و حقیقت و یقین، و خزانهدار باقیمانده دانش پیامبران، و گنجینه دانش مرسلین، و محل وحی پیامبران، و میراثدار پیشینیان، و محل قرار گرفتن میراث امامان گذشته، آگاه به آنچه از سوی خداوند نازل شده است، به آنچه بوده و آنچه خواهد بود، امام هدایت، و میراثدار اولیایی که از دنیا رفتهاند، و پیشوای اهل دنیا، درود فرست، پس دینش را به وسیله او، و جانشینش از میان فرزندان و نسل او، به طور کامل آشکار کن.

سلام و درود بر علی فرزند موسی، امام رضا، که درودهای خداوند بر او باد.

سلام بر امام خشنود و پسندیده، هم نام پیشوای جانشینان، و امام پرهیزکاران،(1)

خلیفه خداوند رحمن، و امام اهل قرآن، و دارنده دانش تأویل، و مرکز

1- . امام مؤمنان. خ

فرقان، و دربر دارنده تورات و انجیل، و از بین برنده(1) ناپاکیها و امور باطل، و گوینده عمل کننده، حاکم عدالت پیشه، و راستگوی نیککردار، و دارنده پرافتخار، کسی که جدش پیشوای پیامبران، و پدرش پیشوای جانشینان است، و بازگشت پیشینیان و پسینیان به سوی اوست؛ سلام بر تو ای ابا الحسن، علی فرزند موسی، امام رضا، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد.

خدایا، بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست، و همان گونه که او را به سبب فرستادهات محمد، گرامی داشتی، و او را راهنمای خودت در راه حقیقت قرار دادی، و او نیز با حکمت و اندرز نیکو به راه تو فرا خواند، پس تو نیز پیمان را بر او کامل، و وعده را بر او تمام کن، و او را و فرزندان و دوستدارانش را با یاری و یاور، مورد تأیید قرار ده، تا با جدیت دین را آراسته سازد، و در آن با تمام تلاش بکوشد، و و دین را برای تو خالص، و سپاس را تمام گرداند؛ خدایا، بر او در حالت زنده بودن و مرده بودن درود فرست، و در گشایش ما به وسیله او، و به وسیله جانشین بعد از او شتاب کن، و او را در برابر فرمانبرداران از شیطان یاری کن، و ایمان را با او عزّتمند گردان، و شیطان را به وسیله او خوار نما.

سلام و درود بر محمد فرزند علی، امام جواد، درودهای خداوند بر او باد.

سلام بر امامی که فرزند امام، و فرزند پیشوای مردمان، و راهنمای بندگان، و شفاعت کننده در روز ندا دادن همدیگر در قیامت است، محمد فرزند علی، امام جواد؛ سلام بر تو ای فرزند پیشوای فرستادگان، و فرزند بهترین جانشینان، و هم نام پیامبر پروردگار جهانیان، و امام برگزیده، و فرزند خلیفه، حضرت رضا.

خدایا، در منزلگاه والا بر او درود فرست، و او را به درجات والا برسان، و بر او از سوی ما بهترین پاداش نیکوکاران را عطا کن، و او را در روز قیامت شفاعت کننده ما قرار ده، و بر او از سوی ما تحیّت و سلام برسان، و بر ما از سوی و تحیت و سلام باز گردان؛ و سلام بر او، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام و درود بر علی فرزند محمد، امام هادی علیه السلام:

بر تو ای پیشوای من، ای ابا الحسن علی فرزند محمد، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو باد؛ خدایا، بر امام فرزند محمد امام، فرزند بهترین

مردمان، و

ص: 295

1- . دور کننده. ظ

فرزند جانشینان بزرگوار، راهنمای بر تو، و دعوت کننده به سوی تو، آشکار کننده دین، و انتقام گیرنده از ستمکاران، علی فرزند محمد، میراثدار امامان، و خزانهدار حکمت، آگاه به تأویل قرآن، فرزند پیشوای پیامبران، و مادرش سرور بانوان جهانیان، از منزلگاه والا، و در آخرت و دنیا، درود فرست؛ خداوند بر همه آنان درود فرستد.

خدایا، همچنان که او را به خاطر جدش پیامبر برگزیده، و به خاطر علی مرتضی، و فاطمه زهرا، سرور بانوان، ویژه گرداندی، پس درجه او را بزرگ، و منزلت او را والا گردان، و دوستداران او را گرامی دار؛ بپذیر، ای پروردگار جهانیان؛ و به او از سوی ما تحیّت و سلام برسان، و بر ما از سوی او تحیّت و درود باز گردان؛ و سلام بر او، و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

سلام و درود بر امام برگزیده، حسن فرزند علی، مورد اعتماد برگزیده:

سلام بر تو ای امام پرهیزکار، و فرزند شایسته پسندیده، هم نام نوه پیامبر هدایت، و میراثدار جانشینان گذشته، و نجات دهنده از پستی، چراغ فروزان، و ماه تابان؛ سلام بر تو ای پیشوای من، ای ابا محمد حسن فرزند علی، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو باد.

خدایا، بر امام هدایتگر، حکم کننده و دعوت کننده، و داوری کننده با عدالت، و برپا دارنده آنچه بر محمد نازل شده است، حسن فرزند علی، فرزند پیشوای فرستادگان، درود فرست؛ و او را در آنچه طلب رعایتش را خواستهای، یاری کن، و از او دفاع نما، و شیعیانش را محافظت نما؛ خدایا، بر محمد و بر خاندان محمد درود فرست، و بر او از سوی ما تحیت و درود فرست، و بر ما از سوی او تحیّت و سلام باز گردان؛ و سلام بر او، و درود و رحمت خدا و برکتهایش نثار او باد.

درود و سلام بر امام واپسین، بهپا خیزنده به حق، فرزند برترین گذشتگان:

سلام بر تو ای حجت خدا در میان بندگانش، و خلیفه او در شهرهایش، و نور او در آسمان و زمینش، و دعوت کننده به سنت و احکام واجب او، دگرگون سازنده ستم به عدالت، و نابود کننده کافران با قتل، و دور کننده باطل با ظهور خود، و آشکار کننده حقیقت با گفتار خودش، و فراهم آورنده امکان زندگی برای بندگان

ص: 296

در کنار خود، امام مورد انتظار، و عدالت خبر داده شده؛ سلام بر تو ای امام هدایتگر، مورد اعتماد و وارسته، و به قتل رساننده هر زشت سرشت پست؛ سلام بر تو از سوی بندهات، و منتظر آشکار شدن عدالت تو؛ سلام بر تو ای سرور من و فرزند سرور من، و پیشوای من و فرزند پیشوایان من، و بر همپیمانان با تو، و برپا خاستگان به این کار، بعد از تو؛ سلام بر تو و بر آنان و بر تمام امامان، و رحمت خدا و برکتهایش نثار شما باد.

خدایا، بر امام ما و فرزند امامان ما، و بر پیشوای ما و فرزند پیشوایان ما، آن جانشین وارسته، پرهیزکار وارسته، امام بازمانده، فرزند امام پیشین، حجت تو در زمین برای بندگان، و پوشیده و محافظت شده تو در شهرها، و پیک تو در آنچه میان تو و آفریدگانت وجود دارد، و برپا خیزنده در میان آنان با حق، بهترین درودها را بفرست؛ و برترین برکتها را بر آنان و بر او قرار ده.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و او را برپا خیزنده مورد امید، و عدالت پیشی گرفته، قرار ده؛ و او را با فرشتگان نزدیکییافتهات بپوشان؛ و او را با روح القدس از سوی خودت مورد تأیید قرار ده، ای پروردگار جهانیان؛ و او را دعوت کننده به کتابت، و برپا دارنده دینت قرار ده؛ و او را در زمین جانشین قرار ده، همان گونه که پیشینیان او را جانشین ساختی؛ و دینی را که برای او پسندیده ای، برای او مستقر ساز؛ و بیمش را به ایمنی دگرگون ساز؛ تا تو را عبادت کند، و چیزی را شریک تو نسازد؛ و او را پیروز گردان و با یاری عزتمندانه یارياش کن؛ و برای او پیروزی آشکار و آسانی قرار ده؛ و از جانب خود برایش در برابر دشمنانت و دشمنان او، تسلطی یاری بخش قرار ده؛ و دینت و سنت پیامبرت را با او آشکار ساز؛ اجابت فرما؛ تا هیچ قسمتی از حقیقت به خاطر ترس از هر یک از آفریدگانت پوشیده نماند؛ و برترین و پاکترین و فزایندهترین سلام را بر او برسان، و بر ما از سوی او تحیت و سلام باز گردان؛ و سلام بر او و بر تمام امامان، و رحمت خدا و برکتهایش نثار آنان باد.

سلام و درود بر فرمانداران دوره حضرت حجت، و بر امامان از نسل او، و دعوت کنندگان به سوی آنان:

سلام بر فرمانداران دوره او، و بر امامان از نسل او؛ خدایا، بر آنان درود فرست، و به آرزوهایشان برسان، و بر عمرهایشان بیفزا، و یاریشان را سرافرازانه ساز، و آن کاری را که به آنان واگذاشتی، برایشان تمام نما، و ما را یاوران آنان، و یاریگران دین خودت قرار ده؛ چرا که آنان محل قرار گرفتن کلمات تو، و خزانههای دانش تو، و پایههای یکتایی تو، و ستونهای دین تو، و فرمانداران امر تو، و وارستگان تو از میان بندگانت، و برگزیدگان تو از میان آفریدگانت، و دوستداران تو و فرزندان دوستدارانت، و برگزیدهترین فرزندان برگزیدگانت، هستند؛ و بر آنان از سوی ما تحیّت و سلام برسان، و بر ما از سوی آنان تحیّت و سلام باز گردان؛ و سلام بر آنان، و رحمت خدا و برکتهایش نثار آنان باد.

توضیح: عبارت «جوز البلاد»، یعنی باشرافتترین فرد شهر؛ فیروزآبادی گفته است:(1)

«جوز الشیء»، یعنی وسط و قسمت بزرگ چیزی؛ «الرائد»، یعنی کسی که به دنبال بدست آوردن جا و مکان فرستاده میشود؛ و منظور از آن در اینجا شفاعت کننده است.

بدان که این نسخه نادرست است و به طور قطع، از سلام بر امام رضا و امام جواد و امام هادی علیهم السلام قسمتهایی پاک شده و افتاده است؛ و گویا منظور از «ولاه عهد» حضرت قائم علیه السلام، جانشینان او در زمان خود وی در سرتاسر زمین هستند؛ و حقیقت را خدا میداند.

2. مصباح الطوسی: از معصومین علیهم السلام، روایت شده است که بنده، در روز جمعه هشت رکعت نماز به جای میآورد و چهار رکعت آن را به رسول خدا صلی الله علیه و آله، و چهار رکعت را به فاطمه علیها السلام هدیه میکند؛ و در روز شنبه، چهار رکعت به جای میآورد و به امیرالمؤمنین علیه السلام هدیه میکند؛ و همین طور در هر روز به یکی از امامان علیهم السلام هدیه میکند، تا روز پنجشنبه که چهار رکعت را به امام جعفر فرزند محمد علیهما السلام هدیه میکند؛ سپس در روز جمعه باز هشت رکعت به جای میآورد و چهار رکعت را به رسول خدا صلی الله علیه و آله، و چهار رکعت را فاطمه علیها السلام هدیه میکند؛ سپس روز شنبه،

1- . القاموس2: 170

چهار رکعت به جای میآورد و به امام موسی فرزند جعفر علیه السلام هدیه میکند، و همین طور تا روز پنجشنبه که به صاحب زمان علیه السلام هدیه میکند.

دعای بین هر دو رکعت از آنها این است: خدایا، تو خود سلام هستی، و سلام از توست، و سلام به سوی تو باز میگردد؛ پروردگارا، ما را با سلام زنده بدار؛ خدایا، این رکعتها هدیهای از طرف من به دوستدارت، - فلان معصوم - است؛ پس بر محمد و خاندان او درود فرست، و این هدیه را به او برسان، و بهترین آرزو و امیدم در مورد تو، و در مورد پیامبرت، که درود تو بر او و بر خاندانش باد، و در مورد او را به من عطا کن. سپس با آنچه که دوست میداری، دعا میکنی؛ إن شاء الله.(1)

3. الکافی: علی فرزند ابراهیم از احمد فرزند ابی عبدالله، از زیاد قندی، از عبدالرحیم قصیر نقل کرده و گفته است: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و گفتم: فدایت شوم؛ دعایی اختراع کردهام؛ فرمود: اختراعت را فرو گذار؛ اگر برایت اتفاقی پیش آمد، به رسول خدا صلی الله علیه و آله پناه ببر؛ دو رکعت نماز بخوان که آنها را به رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه میکنی؛ گفتم: چگونه این کار را انجام دهم؟ فرمود: غسل میکنی و دو رکعت نماز به جای میآوری که در آن، به گونه نماز واجب شروع میکنی و تشهد نماز واجب را میگویی؛ هنگامی که از تشهد فارغ شدی و سلام دادی، بگو:

خدایا، تو خود سلام هستی، و سلام از توست، و سلام به سوی تو باز میگردد؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر روح محمد، و روح امامان راستین سلام مرا برسان، و بر من از سوی آنان سلام تحیت باز گردان؛ و سلام بر آنان، و رحمت خدا و برکتهایش نثار آنان باد؛ خدایا، این دو رکعت نماز، هدیهای از سوی من به رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ پس ای سرپرست مؤمنان، آن مقدار ثوابی را که در تو و فرستادهات آرزو کرده و امید بستهام، به خاطر این دو رکعت به من عطا کن.

سپس گونه خود را بر خاک میگذاری و چهل مرتبه میگویی: ای زنده ای پاینده، ای زندهای که نمیمیرد، ای زندهای که هیچ خدایی جز تو نیست، ای دارنده

1- . مصباح طوسی: 225

شکوه و بزرگواری، ای رحم کنندهترین رحم کنندگان. سپس گونه چپ خود را بر خاک گذاشته و همین را چهل مرتبه میگویی؛ سپس گونه راست خود را بر خاک گذاشته و همین را چهل مرتبه میگویی؛ سپس سرت را بلند کرده و دستانت را دراز میکنی و همین را چهل مرتبه میگویی؛ سپس دستها را بر گردنت می گذاری و با انگشت سبابه خودت پناه میجویی و آن را چهل مرتبه میگویی.

سپس محاسنت را با دست چپ بگیر و گریه کن، یا حالت گریه به خود بگیر و بگو: ای محمد، ای فرستاده خدا، نیازم را به سوی خدا و به سوی تو به میآورم؛ و نیازم را به سوی اهل بیت کمال یافته تو میآورم؛ و در نیازم به واسطه شما به خدا روی میآورم.

سپس به سجده رفته و میگویی: یا الله، یا الله، - تا اینکه نفست بریده گردد، - بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در مورد من چنین و چنان کن. امام صادق علیه السلام فرمود: من بر خداوند عز و جل ضامنم که تا نیازت را برآورده نکرده است، تو را برنگرداند.(1)

1- . الکافی3: 476

باب دهم : نوشتن نامه در نیازمندیها به امامان صلوات الله علیهم، و توسّل و درخواست شفاعت از آنان، در زیارتگاههای آنان و جاهای دیگر

روایات:

1. مصباح الزائر: ابوالعباس بن کشمرد نقل کرد که او از کسانی بود که در هیت به همراه ابیالهیجاء پسر حمدان، اسیر شد. گفت: ابو طاهر سلیمان نسبت به ابیالهیجاء بزرگوار و خوش خدمت بود و او را دعوت میکرد تا باهم غذا بخورند؛ همچنین برای گفت و گو در شب او را دعوت مینمود.

در یکی از شبها از ابیالهیجاء خواستم پیش سلیمان پسر حسن، حال مرا بیان کند و آزادی مرا از او بخواهد. او درخواست مرا پذیرفت و در همان شب، طبق عادتی که داشت، پیش ابوطاهر رفت و پس از برگشتن پیش من نیامد. و از عادت او این بود که نزد من میآمد، و در هر شب بعد از برگشتن از نزد سلیمان، همنشین من میشد، به این ترتیب، دلمان آرام میگرفت، و خبرهای دنیا را برایمان میگفت. به خاطر همین، وقتی آن شب، که از او خواسته بودم در مورد مسئله من با او صحبت کند، پیش ما باز نگشت، وحشت زده شدم و به سوی منزلش که معمولاً آنجا بود، روانه شدم.

ابوالهیجاء که در دینداری آدمی برجسته، و نسبت به ولایت پیشوایانش دارای اخلاص، و نسبت به برادرانش گشاده دست بود، وقتی نگاهش به من افتاد، به شدت گریه کرد و گفت: ای اباالعباس، به خدا سوگند آرزو میکردم یک سال بیمار میشدم ولی مسئله تو را مطرح نمیکردم. گفتم: برای چه؟ گفت: برای اینکه وقتی

اسم تو را بردم، به شدت خشمگین و برافروخته شد و به کسی که به مثل او قسم یاد میشود، قسم خورد که قطعاً فردا هنگام طلوع آفتاب دستور به زدن گردن تو میدهد. به خدا سوگند، با هر ترفندی در از بین بردن آنچه در ذهن او بود، کوشیدم و هرچه نرم گفتاری بود، برایش آوردم ولی او بر گفته خودش پافشاری کرد و سوگندی را که برایت گفتم، دوباره بر زبان آورد.

گفت: سپس ابوالهیجاء شروع به دلجویی از من کرد و گفت: ای برادر من، اگر گمان نمیکردم وصیتی داشته باشی یا مسئلهای باشد که نیاز به گفتنش داشته باشی، مطمئناً این را به تو نمیگفتم، و تو را از آنچه در سر دارد، آگاه نمیکردم و این خبرهایی را که به تو دادم، از تو مخفی مینمودم. ولی با این حال، باز به خداوند والامرتبه امیدوار باش، و در آنچه از این حالت تنگنایی برایت پیش آمده و تو را اندوهناک میسازد، به سوی او باز گرد، چرا که او پناه دهنده است، بدون اینکه کسی بر او پناه دهد؛ و به خداوند والامرتبه و به محمد و علی و خاندان آن دو، همان امامان هدایتگر، که درود خداوند بر تمامی آنان باد، در حالی که آنان را توانا و ذخیرهای برای گرفتاریها و کارهای بزرگ بدانی، روی آور.

ابوالعباس گفت: به محل خودم برگشتم، به طوری که حالت خاص نومیدی از زندگی و احساس نابودی برایم پیش آمد و سپس غسل نمودم و لباسی پوشیدم و آن را به منزله کفن خودم قرار دادم و رو به قبله نمودم و شروع به نماز خواندن و مناجات با پروردگارم، و زاری به سوی او، و اعتراف به گناهانم در برابر او، و بازگشتن از یکایک آنها کردم؛ واز طریق واسطه قرار دادن محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت خدا در زمینش، همان کسی که برای زنده کردن دینش مورد امیدواری است، که درود خدا بر او و بر تمام آنان باد، به خدا روی کردم. گفت: همچنان در محراب ایستاده بودم و به سوی امیرالمؤمنین زاری میکردم و از او یاری میجستم و میگفتم: ای امیرالمؤمنین، در آنچه مرا وحشت زده و دلنگران کرده است، از طریق تو به خداوند والامرتبه که پروردگار من و پروردگار توست، روی میآورم.

و همچنان این کلام و مانند آن را میگفتم که شب به نیمه رسید و زمان نماز و دعا فرا رسید و من از خداوند، کمک میخواستم و از طریق امیرالمؤمنین، که درودهای خداوند بر او باد، به خداوند متوسل میشدم؛ تا اینکه خواب سبکی به چشمم آمد و من به خواب رفتم. در خواب امیرالمؤمنین علیه السلام را دیدم که به من فرمود: ای پسر کشمرد! گفتم: بلی، ای امیرالمؤمنین؛ فرمود: به خاطر چه چیزی تو را در این حالت میبینم؟ گفتم: آیا برای کسی که فردای همین شب و با حالت دوری از خانواده و فرزندانش، و بدون وصیتی که آن را به کسی که عهده دار آن شود، بسپارد، کشته میشود، سزاوار نیست که نگرانی و زاریاش اینگونه شدید شده باشد؟ فرمود: کفایت خدا و نگاه داشتن او، میان تو و کسی که تو را تهدید کرده است، در کیفرهایی که برای تو در کمین گرفته است، فاصله میاندازد. بنویس:

به نام خداوند بخشایشگر مهربان؛ از سوی بنده خوار - فلانی فرزند فلانی - به سرور بزرگواری که هیچ خدایی جز او، زنده و پاینده، وجود ندارد؛ و سلام بر آل یاسین، و محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت تو بر آفریدگانت ای پروردگار؛ خدایا، همانا من مسلمان هستم، و همانا گواهی میدهم که تو خداوند و معبود من، و معبود پیشینیان و پسینیان هستی، هیچ خدایی جز تو وجود ندارد؛ و به حق این اسمهایی که اگر با آنها دعا شوی، اجابت میکنی، و اگر با آنها خوانده شوی، عطا میکنی، به تو روی میکنم، تا اینکه بر آنان درود فرستی، و بیرون آمدن مرا آسان نمایی، و تو قبل از این پناه و امان دهنده من بوده ای، در برابر کسی که بخواهد بر من آسیبی برساند، یا آن که سرکشی کند.

و سوره یس را بخوان و بعد از آن، به دلخواه خودت دعا کن، که خداوند از تو میشنود و اجابت میفرماید، و اندوه و گرفتاری تو را برطرف مینماید. سپس سرورم به من فرمود: این نامه را در تکهای گِل قرار بده و آن را در دریا بینداز. گفتم: ای سرور من، دریا از من دور است و من زندانیام و از تصرف در آنچه میخواهم، بازداشته شدهام؛ فرمود: آن را در چاه، و در هر منبع آبی که نزدیک تو باشد، بینداز.

پسر کشمرد گفت: بعد از این به هوش آمدم و برخاستم و دستوری را که امیرالمؤمنین علیه السلام به من فرموده بود، انجام دادم؛ ولی با این حال، به خاطر بزرگی گناه و ضعیف بودن یقینی که معمولاً در آدمیزاد هست، باز نگران بودم و در وجودم آرامش نداشتم. وقتی به صبح رسیدیم و آفتاب طلوع کرد، من فرا خوانده شدم و تردید نداشتم که این، به خاطر وعده قتلی است که به من داده شده بود. وقتی بر ابیطاهر وارد شدم، او روی یک صندلی در قسمت بالای یک مجلس بزرگ نشسته بود و در سمت راست او، دو نفر بر روی صندلی، و در سمت چپ او ابوالهیجاء بر روی یک صندلی نشسته بودند و یک صندلی دیگر در کنار ابوالهیجاء بود که کسی بر روی آن نبود.

وقتی ابوطاهر مرا دید، به نزد خود فرا خواند، تا اینکه به نزدیک صندلی رسیدم. سپس به من دستور داد بر آن بنشینم. در دل خودم گفتم: عاقبت این کار چیزی جز خیر نیست. سپس رو به من کرد و گفت: در باره تو تصمیم جدی بر چیزی که به تو رسید، گرفته بودیم؛ ولی بعد از آن، اینگونه دیدیم که بر تو گشایش قرار دهیم، و تو را بین دو چیز مخیّر نماییم؛ یا بنشینی(1)

و بر تو نیکی کرده باشیم؛ و یا به سوی خانوادهات روانه شوی و اجازه نیکو به تو داده باشیم. به او گفتم: در ماندن پیش پیشوا، سود و بزرگی هست، و در بازگشتن به سوی خانوادهام و مادر سالخوردهام، ثواب و پاداش بزرگ وجود دارد. گفت: هر چه را میخواهی انجام ده که این مسئله به تو واگذار شده است.

پس، از پیشگاه او روی گردانده و بیرون آمدم؛ سپس مرا صدا زد، و من به سوی او باز گشتم؛ به من گفت: با علی فرزند ابیطالب چه نسبتی داری؟ گفتم: نسبتی با او ندارم، ولی دوستدار او هستم. گفت: به دوستداری او پایبند باش که او دستور آزادی و گشایش تو را به ما داد، و ما نتوانستیم از دستور او سرپیچی کنیم؛ باز پایبند باش. پس از این، آماده شدم و کسانی بزرگوارانه مرا تا رسیدن به محل خودم همراهی نمودند؛ پس سپاس باد تو را.(2)

1- . به ما خدمت کنی. خ ل

2- . مصباح الزائر: 272-273

2. مصباح الکفعمی: از نامههای استغاثه در پیشامدهای ترسناک، داستان کشمرد است که سوره حمد و آیه الکرسی و آیه عرش را مینویسی؛ سپس مینویسی: به نام خداوند بخشایشگر مهربان؛ از بنده خوار...

میگویم: و تا عبارت «أو یطغی» {یا آنکه سرکشی نماید.} ادامه داده و سپس گفته است: سپس به دلخواه خود دعا میکنی و این دعا را در کاغذی مینویسی و آن را در گلولهای گِلی پاک و تمیز قرار؛ سپس سوره یس را بر آن میخوانی و آن را در چاه یا رودخانه یا چشمه آب عمیق میاندازی و کامیاب میگردی؛ ان شاء الله تعالی.

سپس گفته است: و یکی از آنها، استغاثه به حضرت مهدی علیه السلام است که دعایی را که ذکر می کنیم در نامه ای مینویسی و آن را در قبر یکی از امامان علیهم السلام میاندازی؛ یا آنکه آن را محکم کن و گره بزن و با خاک پاکیزهای خاکمالی کن و در آن قرار ده و آن را در رودخانه یا چاهی عمیق، یا برکه آب بینداز، که آن به حضرت صاحب الأمر علیه السلام میرسد و او خودش برآوردن نیاز تو را بر عهده میگیرد. مینویسی:

به نام خداوند بخشایشگر مهربان. ای سرور من، که درود خدا بر تو باد، با حالت استغاثه برای تو نامه نوشتم، و درباره پیشامدی که برایم روی داده است، با پناه آوردن به خداوند عز و جل و به تو، شکایت آوردهام؛ پیشامدی که مرا آشفته کرده، و دلم را مشغول نموده، و فکرم را به خود واداشته، و هوشیاریام را کاسته است، و نعمت بزرگ خداوند در پیش من را دگرگون ساخته است، هنگام به خیال آمدن آن، دست به دامن دوستانم میشوم، و هنگام دیدن روی آوردن آن به من، خویشاوندان از من دوری میگزینند؛ و چارهام از ایستادگی در برابر آن، ناتوان گشته؛ و شکیباییام، و تواناییام در برابر تحمل آن، به من خیانت نموده است؛ پس به خاطر آن به تو پناه آوردهام، و در درخواست از خداوند جل ثناؤه، و حمایت او از من، بر او و بر تو سر سپردهام؛ در حالی که به جایگاه تو در پیشگاه خداوند، پروردگار جهانیان، سرپرست اداره کردن، و صاحب اختیار کارها، آگاهم؛ و در شتاب کردن برای شفاعت نمودن به سوی او - جل ثناؤه - در این کار من، به تو

اعتماد دارم؛ و به اجابت خداوند مبارک و والامرتبه تو را در مورد خواسته من، یقین دارم؛ و تو ای سرور من، برای محقق ساختن گمان من، و راست گرداندن امید من در مورد شما در این کارم - که چنین و چنان است،- که من توان برداشتن آن، و شکیبایی در برابر آن را ندارم، سزاوار هستی؛ هرچند من، به خاطر کارهای زشت، و کوتاهی در واجباتی که برای خداوند عز و جل بر عهده من بوده است، سزاوار چنین وضعیتی و حتی چند برابر آن هستم. پس ای سرور من، که درود خداوند بر تو باد، در هنگام درماندگی به فریاد من رس؛ و درخواست درباره کار مرا برای خداوند عز و جل، قبل از فرا رسیدن نابودی، و سرزنش دشمنان، پیش انداز؛ که به واسطه تو نعمت بر من گسترده شده است.

و از خداوند جل جلاله یاری عزتمندانه، و گشایشی نزدیک، که در آن رسیدن به آرزوها، و خیر آغاز و پایان کارها، و ایمنی از تمام امور ترسناک در هر حال وجود داشته باشد، را درخواست کن؛ چرا که او - جل ثناؤه - به آنچه بخواهد، انجام دهنده است، و او برایم بسنده است، و بهترین حمایتگر در آغاز و بازگشتنگاه است.

سپس از نهر یا برکه بالا میروی و قصد یکی از دربها را میکنی، یا عثمان پسر سعید عمروی، یا پسرش محمد پسر عثمان، یا حسین پسر روح، یا علی پسر محمد سمری، که اینها دربهای مهدی علیه السلام بوده اند؛ پس یکی از آنها را ندا داده و میگویی: ای فلانی پسر فلانی، سلام بر تو؛ گواهی میدهم که وفات تو در راه خدا بوده است؛ و گواهی میدهم که تو زنده و در نزد خدا روزی خورنده هستی؛ و من تو را در حالی که نزد خداوند عز و جل مورد زنده هستی خطاب قرار دادهام؛ و این نامه و درخواست من به سرورمان علیه السلام است؛ پس آن را به او تسلیم کن، که تو مورد اعتماد هستی. سپس آن را در رودخانه یا چاه یا برکه بینداز که خواستهات برآورده میگردد؛ إن شاءالله.(1)

1- . مصباح الکفعمی: 405؛ البلد الامین: 157

توضیح: «الکتله» با ضمه، آمیختهای از خرما و گِل و جز آن است؛ فیروزآبادی این را بیان کرده است.(1)

منظور از آیه العرش، آن گونه که در البلد الامین تصریح کرده است، گویا همان آیه سخره است. و این دو نامه را همان طور که ما بیان کردیم، بیان کرده است؛ و البته ما این دو را پیش از این در کتاب دعا در ابواب دعاهای حاجت، با سندهای آن همراه با تفسیرها و افزودههایی در کنار سایر نامههای استغاثه آوردیم.

3. وی - که رحمت خدا بر او باد، - سپس در البلد الامین گفته است: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که اگر درخواستی از خداوند والامرتبه داشتی، یا از چیزی ترسیدی، در برگه سفیدی بعد از «بسم الله الرحمن الرحیم» بنویس: خدایا، به واسطه دوست داشتنیترین اسمها برای تو، و بزرگترین آنها در پیش تو، به تو روی میآورم؛ و به واسطه هر کسی که حقش را بر خودت واجب گردانیدهای، به واسطه محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان علیهم السلام - و آنان را اسم میبری، - به تو نزدیکی میجویم، و به تو دست میآویزم؛ مرا این گونه و این گونه کفایت فرما. سپس نامه را پیچیده و آن را در گلوله گِلی قرار میدهی و در آب روان یا چاه میاندازی؛ که خداوند والامرتبه مشکل تو را برطرف مینماید.(2)

سپس گفته است: از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرموده است: هر کس روزیاش کم شود و زندگی برایش تنگ گردد، یا نیاز مهمی در امور دنیا و آخرت برایش وجود داشته باشد، پس باید در برگه سفیدی بنویسد و آن را هنگام طلوع آفتاب در آب روان بیاندازد و اسمها در یک سطر باشد.

به نام خداوند بخشایشگر مهربان؛ فرمانروای راستین آشکار. از بنده خوار، به سوی سرور بزرگوار؛ سلام بر محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و قائم، پیشوا و سرور ما،

1- . القاموس4: 43

2- . در کتاب البلد الامین در محل مورد نظر، به این نامه دست نیافتم؛ ولی آن را در المصباح، صفحه 403، با افزوده ای در پایان آن یافتم.

درودهای خداوند بر تمامی آنان باد. پروردگارا، به من سختی و ترس رسیده است، پس به حق محمد و خاندان محمد، سختی مرا برطرف کن، و ترس مرا ایمنی ده؛ و از تو به حق هر پیامبر و جانشین و انسان راستین و شهیدی درخواست میکنم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، ای مهربانترین مهربانان.

ای پیشوایان من، به سبب جایگاهی که برای شما در نزد خداوند وجود دارد، مرا شفاعت نمایید؛ به راستی که برای شما در نزد خداوند جایگاه برجستهای وجود دارد؛ و به من سختی رسیده است ای پیشوایان من، و خداوند مهربانترین مهربانان است؛ پس ای پروردگار، برای من چنین و چنان کن.(1)

سپس گفته است: و نیز برای آن، دعای زیر بر کاغذ نوشته شده و بر آب داده میشود:

به نام خداوند بخشایشگر مهربان. از بنده خوار به سرور بزرگوار؛ پروردگارا، همانا به من سختی رسیده است و تو مهربانترین مهربانان هستی؛ به حق محمد و خاندان او، بر محمد و خاندان او درود فرست، و اندوهم را برطرف کن، و گرفتاریام را از من باز گشا، به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.(2)

4. کتاب العتیق الغروی: نسخه نامهای که نوشته شده و با آن به سوی شهادتگاه سرورمان امیرالمؤمنین علی فرزند ابیطالب، که بهترین درودها بر او باد، روی آورده میشود:

ای امیرالمؤمنین، بنده تو، - فلانی فرزند فلانی. - به نام خداوند بخشایشگر مهربان؛ و سپاس فراوان، آن گونه که سزاوار اوست، برای خداوند که پروردگار جهانیان است، باد. و خداوند بر پیشوایان پاک و پاکیزه، پیامبرش محمد وخاندانش که انسانهایی راستین و برجسته هستند، درود و سلام کامل بفرستد. و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خداوند والامرتبه و بزرگ نیست؛ و خداوند برای ما بسنده است، و او حمایتگری نیکو، و تواناترین یاور، و روشنترین راهنما است. ای سرور و امام من، ای امیرالمؤمنین، خداوند بر تو و بر برادرت، فرستاده و پیامبرش، و دو فرزندت

1- . البلد الامين: 157
2- . البلد الامين: 157

نوادههای بزرگوار پیامبر، دو پیشوای جوانان اهل بهشت، از میان تمام کسانی که خداوند آفریده است، و بر عروس تو، بتول پاک و وارسته، پیشوای زنان جهان، از میان تمام پیشینیان و پسینیان، درود فرستد؛ بر شما سلام باد.

ای سرور من، ای امیرالمؤمنین، آنچه را که در آن قرار گرفتهام - از فلان وضعیت و فلان حالت، - به تو شکایت میکنم؛ و به خاطر حقی که سرور تو بر تو دارد، و به حق برادرت محمد که پیامبر اوست، خداوند بر هر دوی شما درود فرستد، و به حق خودت و جایگاهی که از سوی خداوند داری، و به حق فرزندانت که امامان هدایت هستند، درود خداوند بر همه شما باد، و به حق زهرای وارسته، از تو درخواست میکنم که برای من، در برطرف کردن آن مشکل من، و فراهم کردن وسیله گشایش آن، و بینیاز کردن از - فلان چیز - و باز گرداندنم به - فلان چیز، - در پیش خداوند بخشنده شفاعت نمایی؛ و در وجود خودم و فرزندانم و برادر و خواهر و همسرم، و هر چیزی مالکیت آن به دست من است، برکت قرار دهد؛ و بر من رحم کند و مرا بیامرزد، و از من خشنود گردد و مرا به شما ملحق نماید، و میان من و شما جدایی نیندازد، و مرا بر فرمانبرداری از شما، و دوست داشتن شما بمیراند، و فرزندان مرا مؤمن و معتقد به شما بیرون آورد، و مرا به دوستداران صمیمی و همه برادرانم برساند، و بر من و پدر و ماردم و خانواده و فرزندانم رحم کند، و از من و از آنان خشنود گردد، و بر من و آنان در قبرهایمان نور و روشنی، و گشادی و شادی وارد کند، و شروع به هر آنچه برای خودم و مردان و زنان مؤمن دعا کردهام، نماید.

خداوند آن را از تو درباره دوستدارت بپذیرد، و تو را در آن واسطه کند، و او را با تو محشور نماید، و میان تو و او جدایی نیندازد؛ و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است؛ و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خداوند والامرتبه و بزرگ نیست؛ بر زنده همیشگی توکل نمودهام.

گواهی میدهم که من دوستدار تو را دوست میدارم، و از دشمنان تو، و هر کسی که به تو ستم نمود، و حق تو را به زور ستاند، و دیگری را بر تو مقدّم نمود، و آن کسی که تو را به شهادت رساند، به سوی خداوند بیزاری میجویم؛ خدایا، پس

این گواهی را برایم بنویس؛ و سلام بر تو، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو و بر اهل بیت با برکت، باد؛ خداوند برای ما بس است، و او نیکو حمایتگری است.

5. کتاب العتیق الغروی: از عبدالله پسر جعفر حمیری روایت میکند که گفته است: نزد سرورم ابی محمد حسن فرزند علی، امام عسکری صلوات الله علیه بودم. وقتی به پیش او وارد شدم، نامه از بن خرما، که از سوی بعضی دوستدارانش به او فرستاده شده بود، وجود داشت که در آن، از سنگینی آهن و بد حالی و سختگیری حاکم سخن رفته بود. حضرت به او نوشت: ای عبدالله، همانا خداوند عز و جل، بندگانش را امتحان میکند تا صبر آنان را بیازماید، و به خاطر آن ثواب نیکوکاران را به او عطا کند؛ پس تو نیز صبر کن؛ و نامهای به خداوند عز و جل بنویس و آن را به شهادتگاه حسین فرزند علی صلوات الله علیه برسان و در پیش او، به سوی خداوند عز و جل بالا ببر و به جایی بینداز که هیچ کسی تو را نبیند؛ و در نامه بنویس:

به خداوند فرمانروای بسیار چیره، بسیار مهربان و منت گذارنده، دارای ارجمندی و بزرگواری، و دارای نعمتهای بزرگ، و بخششهای فراوان، و داننده امور نهانی، و اجابت کننده دعاها، و رحم آورنده بر اشک چشمها، همان کسی که گفتارها او را سرگرم نکند، و صداها او را سرگردان نسازد، و هیچ خواب سبک و سنگین بر او عارض نگردد؛ از سوی بنده خوار بینوای نادار، درمانده ناتوان پناهنده؛ خدایا، تو خود سلام هستی، و سلام از سوی توست، و سلام به سوی تو باز میگردد؛ مبارک و والامرتبه گشتهای، ای دارنده ارجمندی و بزرگواری، و نعمتهای بزرگ، و بخششهای فراوان؛ ای خدای من، به من و خانوادهام سختی رسیده است، و تو رحم کنندهترین رحم کنندگان، و مهربانترین مهربانان، و بخشندهترین بخشندگان، و داورترین داوران، و عادلترین جداکنندگان هستی.

خدایا، همانا من آهنگ در تو را نمودم، و در پیشگاه تو فرود آمدم، و به ریسمان تو چنگ زدم، و از تو فریادخواهی کردم، و به تو پناه آوردم؛ ای فریادرس فریاد خواهان، به فریاد من رس؛ ای پناه پناهندگان، به من پناه ده؛ ای خدای جهانیان، دست مرا بگیر؛ به راستی که زورگویان در زمین تو سر بر آوردهاند، و در

شهرهای تو آشکار گشتهاند، و دینداران تو را به خدمت گرفتهاند، و به اموال عمومی مسلمانان دست انداختهاند، و صاحبان حق را از حقوق خودشان که تو برایشان قرار دادهای، باز داشتهاند، و آن را در امور بیهوده و ابزارهای خوشگذرانی صرف کردهاند، و نعمتهای تو را کوچک شمردهاند، و اولیای تو را تکذیب کردهاند، و به زورگویی خودشان تسلط به دست آوردهاند تا کسانی را که تو خوار کردهای، عزتمند، و کسانی را که تو عزتمند نمودهای، خوار کنند؛ و نیاز را از کسی که از آنان درخواست نماید، و سود را از کسی که از آنان نیکویی بخواهند، باز میدارند؛ و تو ای سرور من، شنونده هر دعا، و رحم آورنده بر اشک چشم، و درگذرنده از هر لغزش، شنونده هر سخن پنهانی، و محل هر شکایت هستی؛ هیچ چیز از آنچه در آسمانهای برافراشته، و در زمینهای پست، و در میان این دو و در زیر خاک وجود دارد، بر تو پوشیده نیست.

خدایا، من بنده تو و فرزند کنیز تو، و انسان خواری در میان آفریدگان تو، و شتابنده به سوی مهربانی تو، و امیدوار ثواب تو هستم؛ خدایا، همانا هر کسی که به سویش رفتم، مرا بر تو راهنمایی میکرد، و مرا به سوی تو ارشاد مینمود، و به آنچه پیش توست، تشویقم میکرد؛ ای سرور من، و من امیدوارانه به سوی تو آمدم؛ پیشوای من، و من با آرزو آهنگ تو را نمودم؛ ای بهترین مورد آرزو، و ای بزرگوارترین آهنگ شده، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و آرزوی مرا بینصیب قرار نده، و امید مرا قطع مکن، و دعای مرا بپذیر، و بر زاری من رحم آور، ای فریادرس فریادخواهان، به فریاد من رس، ای پناه پناهندگان، مرا پناه ده، ای خدای جهانیان، دستم را بگیر، مرا هوشیار کن و نجاتم ده، و مرا موفق بدار و نگاهم دار.

خدایا، با آرزوی بزرگ، آهنگ تو را نمودم، و با امید گشاده، به تو امیدوار گشتم، پس آرزویم را بیبهره قرار نده، و امیدم را قطع نکن؛ خدایا، به راستی که هیچ نیازخواهی از سوی تو بیبهره بر نمیگردد، و هیچ کامیابی از بخشش تو نمیکاهد؛ ای پروردگار، ای پیشوا، ای سرور، ای تکیهگاه، ای پناهگاه، ای حفظ کننده، ای نگاه دارنده، ای ایمنگاه، به فریاد من رس.

خدایا، تنها به تو امید بستم ای پیشوای من، و تنها بر تو تسلیم شدم ای سرور من، و درب تو را کوبیدم؛ پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و مرا با نومیدی و اندوهگین(1)

برمگردان، و مرا از کسانی که با نیکی خودت بر او بخشیدی، و با بخشش خودت بر او نعمت دادی، و با نعمت خودت بر او نیکی کردی، و بخششهایت را بر او فراوان ساختی، قرار ده؛ تو پناه و تکیهگاه من هستی، تو دستآویز و امید من هستی، برای من هیچ آرزویی جز تو، و هیچ امیدی غیر تو وجود ندارد.

خدایا، پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و با بخشش خود بر من نیکی کن، و با نیکی خودت بر من نعمت ده، و در مورد من آن گونه که تو خود سزاوار هستی رفتار کن، و در مورد من آن گونه که من سزاوار هستم رفتار نکن، ای سزاوار نگاه داشتن و آمرزیدن، و تو برای من از پدر و مادرم و تمام آفریدگان بهتر هستی.

خدایا، این داستان من است به سوی تو، و نه به سوی آفریدگان ؛ و نیاز من به توست، چرا که تو بهترین درخواست شونده، و عزتمندترین مورد امید هستی؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و با نیکی خودت بر من مهربانی کن، و با بخشش و ایمنی خودت بر من منت بگذار، و دین مرا با توانگری محافظت کن، و امانت مرا با نگاه داشتن خودت مراقبت نما، و دل مرا به طاعت خودت، و زبانم را به یاد تو، و اعضای بدنم را به آنچه مرا به تو نزدیک میسازد، مشغول ساز.

خدایا، قلبی دارای خشوع، و زبانی یاد کننده تو، و چشمی پایین افتاده، و باوری درست به من روزی کن، تا زود رسیدن چیزی را که تو دیر انداختهای، و دیر رسیدن چیزی را که تو زود انداختهای، دوست نداشته باشم؛ ای پروردگار جهانیان، و ای مهربانترین مهربانان، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و دعای مرا بپذیر، و بر زاری من رحم آور، و بلا را از من باز دار، و دشمنان و هیچ رشکبری را سرزنشگر من قرار نده، و هیچ نعمتی را که بر اندام من پوشاندهای، از من نگیر، و

1- . بیبهره. خ ل

مرا هرگز به اندازه چشم به هم زدنی به خودم وا مگذار؛ ای پروردگار جهانیان، و بر محمد پیامبر و خاندان او درود و سلام کامل فرست.

6. کتاب العتیق الغروی: دعایی که در کارهای مهم و سختیها بعد از نماز شب با آن دعا میشود، به همراه نامهای که نوشته میشود؛ و شرح آن، این گونه است: نیت را خالص نموده و شک را از ضمیر خودت دور کرده و نماز پایانی عشاء را میخوانی، سپس دو رکعت به حالت نشسته میخوانی و در رکعت اول، حمد و سوره واقعه، و در رکعت دوم، حمد و سوره «قل هو الله أحد» را میخوانی؛ و سخن گفتن و حرف زدن را فرو میگذاری، و به هیچ تسبیح و ذکر نمیپردازی؛ وقتی وارد بستر شدی، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را میگویی، سپس با گفتن ذکر خدا، بر پهلوی راست میخوابی تا اینکه به خواب فرو روی؛ و هر بار که بیدار شدی، خداوند عز و جل را با پاک شمردن و بزرگ داشتن، با هر ذکری که در ذهن تو بود، یاد میکنی.

پس اگر ثلث آخر شب شد، برمیخیزی و وضوی ناب میگیری و هشت رکعت به صورت پیوسته نماز به جای میآوری و در هر رکعت، حمد و پنج بار سوره «قل هو الله أحد» را میخوانی؛ سپس دو رکعت به جای میآوری که در رکعت اول، حمد و «سبح اسم ربک الأعلی» و در رکعت دوم، حمد و «قل یا أیها الکافرون» را میخوانی. وقتی از آن دو فارغ شدی، بر میخیزی و یک رکعت نماز وتر میگزاری که در آن، حمد و «قل هو الله أحد» میخوانی و با دعای وتر دعا میکنی و قنوت را با خضوع و فروتنی و افتادگی، طولانی میسازی.

پس وقتی از وتر فارغ شدی و سلام دادی، کامل برمیخیزی و دست راستت را با نامهای که به دست خودتت و با شرحی که در ادامه برایت خواهم گفت، نوشتهای، بالا میبری، و سرت را برهنه کرده و دست چپت را بر کمر تکیه داده و میگویی: «یا ربّ» تا اینکه نفس تو بریده گردد؛ و همینطور «یا سیدی»، و همینطور «یا مولای»؛ این جایگاه شخص گریزان نزار، خوار فروتن، بینوای نادار، بیچیز کوچک، درمانده پناهندهای است که برای زدودن آنچه برایش پیش آمده است، کسی جز تو را نمییابد، و در آنچه او را در بر گرفته است، جز به سوی تو باز نمی

گردد؛ ای پیشوای من، من همان کسی هستم که تو خود دقیق میشناسی، و به آنچه در من وجود دارد، آگاه هستی، که در عبادت تو جز به توفیق تو ناتوان هستم، و در سپاسگزاری از تو جز به یاری تو کمکار هستم، به گناهم در این باره اقرار میکنم، و به جرم خودم اعتراف مینمایم، و درخواست میکنم از من درگذری؛ پس بر محمد و خاندان او درود فرست، و در همین لحظه، همین لحظه، همین لحظه از سوی ما به او تحیت و سلام برسان، و به خاطر آنان ای خدا، در آنچه که پیش از این در مورد من اتفاق افتاده است، به من رو کن، و به سست پایگیام رحم آور، و دعای مرا بپذیر، به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.

سپس گریه می-کنی یا حالت گریه به خود میگیری و بعد از آن، با دیدگان فرو افتاده و در حالی که دستت با نامه به سوی آسمان بلند است، از دعا دست میکشی؛ و باید در این حالت تنها باشی، و به گونهای که تا حد توان، هیچ کس تو را نبیند؛ و اگر طاقت آوردی تا دمیدن سپیده به همان حالت بمان؛ و اگر از آن حالت برگشتی و خسته شدی و صبر تو کم شد، پس سجده کن و گونههایت را بر خاک قرار ده، و انگشت سبابه راست خودت را به سوی آسمان بلند کن، و گونهات بر زمین باشد، و به پروردگارت پناه ببر و از او یاری بخواه و بگو:

ای پیشوای من، گناهانم مرا به نابودی کشاندهاند، و کارهای مهم مرا سرگردان ساختهاند، و گرفتاریها بر آن(1)

احاطه کردهاند، و امیدم در زدودن آن جز از تو، و اعتمادم به کسی که از تو رویگردان است، بریده گشته است؛ ای خدا و پیشوای من، پس با چشم مهربانیات به من نگاه کن، و با بخشندگی و نیکی خودت بر من ببخش، و در این شب مرا پناه ده، و این نامهام را بپذیر، و نیازم را برآورده ساز، و دعایم را اجابت فرما، و سرگردانیام را برطرف کن، و ناداری و تهیدستی را از من بردار، و مرا از سرزنش دشمنان، و نگون بخت شدن باز دار، و درخواست و نیازم را با بخشندگی و بزرگواریات به من عطا کن، ای سرور من؛ به راستی که تو نزدیک و اجابت کننده هستی.

1- . بر من. خ ل ظ

و ترک چیزی را که پیش از این بر انجام آن عادت داشتهای، به صورت راسخ و توبهکنان نیت کن، که به راستی خداوند عز و جل، بزرگوارترین دعا شونده، و نزدیکترین اجابت کننده است.

متن نامه

به نام خداوند بخشایشگر مهربان. از سوی بنده خوار، پست نادار، گناهکار به خود جنایت کرده، در راه مانده، نیازخواه درمانده، اقرار کننده به گناهانش، ستم نموده به خودش، پناهنده به پروردگارش؛ به سوی سرور بزرگوار بزرگ، والامرتبهترین والامرتبه، پروردگار آسمانها و زمینها، صاحب اختیار امور، و داننده نهانها، کسی که نه مخالفی برایش وجود دارد، و نه همتایی برایش هست، و نه همسر و نه فرزندی دارد، یکتای بینیازی است که نه زاده و نه زاییده شده است، و نه برای او همتایی وجود دارد.

با افتادگی و فروتنی میگویم؛ پروردگارا، بدی نمودم و به خودم ستم کردم، پس بر محمد و خاندان او درود فرست، و از من درگذر، و اشتباه مرا بیامرز، و از لغزشهای من درگذر، و با بخشش و بزرگی خودت دست مرا بگیر؛ سپس میگویم ای بزرگوارترین بزرگواران، ای هدف خواهندگان، ای اجابت کننده دعای درماندگان، ای برطرف کننده از گرفتاران، ای مهربانترین مهربانان.

ای خدای من و پیشوای من، من بنده تو، فرزند بنده تو، فرزند کنیز تو - فلانی فرزند فلانی - هستم، مرا در حالی که کوچک بودم به وجود آوردی، و در حالی که تهیدست بودم توانگر ساختی، و در حالی که پست بودم بالا بردی، و در حالی که شکسته بودم به هم رساندی، و به وسیله آنچه که تو سزاوار آن، و نسبت به آن، از من آگاهتر هستی، بر من نعمت دادی؛ مرا به وجود آوردی، و به عزت و بزرگواریات سوگند که از روی بزرگواری در آزمودن بود؛ و بعد از اندک بودن، به من زندگی دادی؛ و نعمت را بر من فرو ریختی؛ و منت را بر من واجب گرداندی؛ و بیشتر از آرزویم را به من رساندی تا مرا بیازمایی و از میزان سپاسگزاریام، و مقدار تلاش و فرمانبرداریام، و اقرار و پشیمانیام آگاه گردی؛ و این به خاطر بخشش تو بر من، و تأکیدی بر حجت تو در نزد من بود؛ ولی من حق نعمت تو را انکار کردم؛ و

نعمتهای فراوان تو در کنار خودم را فراموش نمودم، و نادانی و نابینایی مرا تا ارتکاب لغزشها و اشتباهات پیش برد؛ تا اینکه در بیراهی پرتگاه افتادم؛ و با کمکاری و نابینایی دگرگون گشتم؛ و راه کسی که سرگردان و سرکش گشته است، را پیمودم؛ و بدی مرتکب شدم و در نتیجه آن، چیزی را که مخفی میکردم، به من پیوست و پوشش از من برداشته شد؛ و من بعد از نیکی کامل تو، و نعمتهای پیاپی، و پوشاندن زیبای تو، و نگاه داشتن کامل تو، به حالت نومیدی و درماندگی افتادم.

ای خدا و پیشوا و سرور من، حال من با لغزشها دگرگون شده، و عقلم ناپدید گشته، و آشفتگیام رخ نموده، و بیچارگیام گسترش یافته، و تهیدستیام زبانزد شده، و امیدهایم از آفریدگان بریده گشته است؛ و تو باز گردنده به سوی گناهکاران با نعمتها، و دهنده از روی نیکی و منت بر بدکرداران هستی؛ و این از روی بخشش و عطای تو، و ارزانی داشتن و بزرگی توست، و تو عهدهدار به پایان رساندن آن چیزی که در مورد کارم شروع کردهای، از سوی من هستی؛ و چه بسا نیکیهایی که در پیش من ارزانی داشتی؛ ولی من به خودم ستم کردم، و در کارم زیاده روی نمودم، و در به جای آوردن حق تو در نزد من، کوتاهی نمودم، و من از تو به تو پناه میآورم، و از محروم شدن و پیشامد بد، از تو به خودت میگریزم؛ در پذیرفتن من و گذشتن از من، و تمام کردن نعمتهایی که بر من بخشیدی و نیکو ساختن آن، و زدودن درماندگی و ناداری و بیچارگی از من، و آشفتگی و گرفتاری، از تو به خودت دستآویز میگردم، تا اینکه حالم به زیباترین حال و پرنعمت ترین زمانی که بر من بود، جریان یابد.

پروردگارا، اگر گناهانم چهره(1) مرا نزد تو کهنه و پوسیده ساخته، و حال مرا دگرگون کرده است، پس من از تو درخواست میکنم و به تو روی میآورم، و به سوی تو دستآویز میگردم، و به تو نزدیکی میجویم، و از تو شفاعت میخواهم، و تو را قسم میدهم، ای کسی که هیچ خوانده شده ای جز او، و هیچ پروردگاری غیر از او وجود ندارد، به احترام جایگاه پیشوای ما، فرستادهات محمد، و به احترام

1- . جایگاهم. خ ل

جایگاه اولیائت، و برگزیدگان و وارستگانت، و دوستدارانت از میان آفریدگانت، علی امیرالمؤمنین و فاطمه، و حسن و حسین، و علی فرزند حسین، و محمد فرزند علی، و جعفر فرزند محمد، و موسی فرزند جعفر، و علی فرزند موسی، و محمد فرزند علی، و علی فرزند محمد، و حسن فرزند علی، و واپسین جانشین راستین نیک صاحب زمان تو، و برپا خیزنده با حجت و فرمان تو، و چشم تو در میان بندگان، و از فرزندان پیامبرت، که درودهای تو بر همه آنان، و سلام و رحمت و برکتهای خالص تو نثار آنان باد.

و به خاطر حق تو بر آنان، و حقی که برای آنان بر عهده خودت، و بر عهده تمام آفریدگانت قرار داده ای، از تو درخواست میکنم که بر همه آنان درود فرستی، و در همین لحظه، همین لحظه سلام مرا به آنان برسانی و به خاطر آنان گرفتاری را از من بزدایی، و به خاطر آنان اندوه مرا برطرف کنی، و به خاطر آنان مرا از سرگردانی، به سوی راحتی و گشایش و رهایی و ایمنی خودت بیرون آوری، و آن گناهانم را که مرا به این روز انداخته است، بیامرزی، و دستم را بگیری، و از من درگذری، آنگونه که به واسطه آن تو را دیدار کنم و تو از من خشنود باشی، و کاری را که از روی نیکی به من، و کامل کردن نعمت در پیش من، درباره من آغازیدهای و مراقبت از من را تا زمانی که مرا باقی داشتهای، به فرجام رسانی؛ و آن اسبابی که درهایش به رویم بسته شده، بگشایی؛ و در نتیجه، در همین لحظه، همین لحظه، همین لحظه از سوی خودت روزی گسترده گسترده گسترده، فراوان فراوان فراوان، حلال پاکیزه، بدون اینکه با سختی یا سیاهی، یا با منت یکی از آفریدگانت همراه باشد، بلکه از گستردهای از بخششهای فراوان تو، و خزانههای بزرگ تو در زمین و آسمانت باشد، به من ببخشی.

پس، از بخشش تو درخواست میکنم؛ پس بر محمد و خاندان او درود فرست، و در رساندن آن به من همراه با آسانی و ایمنی و نعمت و سلامت و فرجامی نیکو، شتاب کن؛ و پرداخت تمام بدهیهایم، و سامان تمام کارهایم را سریعتر و سریعتر و بدون درنگ، برایم آسان ساز؛ و اختیار مرا در فرمانبرداری از خودت، و فرمانبرداری محمد و خاندان او، که درودهای تو بر آنان باد، در آنچه به من می

بخشی، به دست گیر؛ و آن را برای من و در پیش من تا زمانی که مرا نگاه داشتهای، نگاه دار؛ صبحی را برایم پیش آور که در آن، رستگاری و نیکویی و موفقیت کامل، و رهایی سریع، برایم وجود داشته باشد؛ ای کسی که خزانههای هر کلیدی به دست اوست؛ به راستی که تو بر هر چیزی توانایی؛ و هر کاری را که بخواهی، واقع میشود؛ و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خداوند والانرتبه بزرگ نیست؛ و درود بر فرستادهاش و خاندان پاک و برگزیده و نیک او، و بر جبرئیل و میکائیل، و همه فرشتگان نزدیکییافته، و پیامبران و فرستادگان و امامان پاک؛ درود خداوند بر آنان باد؛ و هر چیزی که خداوند خواسته است، واقع شده است؛ و او بهترین آمرزندگان است؛ و خداوند برای ما بسنده است و او نیکو حمایتگری است.

سپس نامه را گرفته و در دریا یا رودخانهای میاندازی، خداوند نیازهای تو را برآورده کرده و مشکل تو را برطرف میکند؛ إن شاء الله عز و جل.

7. کتاب العتیق الغروی: متن نامهای که در هنگام کارهای مهم به خداوند سبحان نوشته میشود.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: هرگاه کار مهمی برایت پیش آمد و تو را نگران ساخت، یا نیازی برایت پدیدار گشت که خداوند سبحان حقیقت آن را میداند، و گفتار درباره آن را تصدیق نمود، که او به نهانها، و امور پوشیده آگاه است، پس خودت را پایزه کن، و روز پنجشنبه را روزه بگیر، به صبح جمعه که رسیدی، آنچه را که به تو میگویم، در نامهای با مداد یا مرکب بنویس و برگه را بپیچ، و آن را به دریا بینداز. پس رو به قبله بایست و اسم خداوند عز و جل جلاله را بر زبان آور، و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او درود بفرست و بگو: خداوند برای همه چیز، کافی است؛ و آن را در دریا بینداز، که خداوند بزرگ نیاز تو را برآورده ساخته و تو را با قدرت خودش نگاه میدارد.

سوره حمد، و آیه الکرسی تا عبارت «هم فیها خالدون»، و «الم الله لا إله إلا هو الحیّ القیّوم» تا عبارت «وَقودُها النّار»، و «قل اللّهم مالکَ المُلک» تا عبارت «بغَیر حساب»، و «إنَّ ربَّکم اللهُ الّذی خلق السَّموات و الأرضَ» تا عبارت «قریبٌ

من المحسنين»، و «لقد جائكم رسولٌ من أنفسكم» تا عبارت «ربّ العرش العظيم»، و «قل ادعوا الله أو ادعوا الرَّحمن» تا عبارت «و كبِّره تكبيراً» را مينويسى.

سپس مينويسى: خداوند بزرگتر است، خداوند بزرگتر است، هيچ خدايى جز الله وجود ندارد و خداوند بزرگتر است، خداوند بزرگتر است، و سپاس مخصوص خداوند پروردگار جهانيان است؛ و طه، قرآن را بر تو نازل نكرديم تا به رنج افتى - تا عبارت - نامهاى نيكو به او اختصاص دارد؛ اى الله، اى الله، اى الله؛ اى پناهگاه من هنگامى كه راهها برايم تنگ شود، و ناراحتيهايم بزرگ گردد، و توانم كاسته شود، و چارهام ضعيف گردد، و بيچارگيام افزون شود، و گمانم بد شود، و دلم نوميد گردد، و از اداره كردن شرايطم ناتوان گردد، و در كارم سرگردان شود؛ مرا آن گونه كه خواستى آفريدى، در حالى كه از آفرينش من بينياز بودى؛ پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و اندوهم را بگشا، و ناراحتيام را برطرف كن، و عذاب دلم را از بين ببر، و اين بدى حال مرا كه ميبينى دگرگون ساز، و بيم مرا ايمنى ده، و دشوارى كار مرا آسان ساز، و در كار من برايم راه بيرون شدنى قرار ده، و مرا از جايى كه گمان نميبرم روزى رسان، كه به راستى تو بر آن توانا هستى، اى زنده كننده استخوانهايى كه پوسيده شدهاند.

سپس مينويسى: از بنده خوار، به سوى سرور بزرگوار، خداوندى كه هيچ خدايى جز او نيست، زنده پاينده، هميشگى پايدار، ديرينه بدون آغاز و پايان، نوآفرين آسمانها و زمين، و پديدآورنده و روشنايى آن دو، داراى ارجمندى و بزرگوارى، و اسمهاى بزرگ است؛ و سلام بر آل ياسين در ميان جهانيان، محمد و على و فاطمه و حسن و حسين و على و محمد و جعفر و موسى و على و محمد و على و حسن و حجت تو بر آفريدگانت باد، اى پروردگار.

خدايا، همانا من از تو درخواست ميكنم، چرا كه تو به راستى خدا و آفريدگار من، و خداى پيشينيان و پسينيان هستى و هيچ خدايى جز تو، و هيچ معبودى غير از تو وجود ندارد؛ به حق اين اسمهايى كه اگر با آنها خوانده شوى، اجابت ميكنى، و اگر با آنها مورد درخواست واقع شوى، عطا ميكنى، به تو روى ميآورم كه بر همه آنان درود فرستى، و در مورد من چنين و چنان كنى - و نياز

خودت را در برگه مینویسی، - و بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و رحمت خدا و برکتهایش بر اهل بیت، و بر یاران گرامی و برگزیده محمد، کسانی که نه تغییر دادند و نه جایگزین ساختند، باد؛ و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خداوند والامرتبه بزرگ نیست؛ و خداوند برای ما بسنده است، و نیکو حمایتگری است.

توضیح: «الحبر» با کسره، چیزی است که با آن نوشته میشود؛ و گویا تردید از سوی راوی است.

8. قبس: شنیدم شیخ اباعبدالله حسین فرزند حسن فرزند بابویه، که خداوند از او خشنود باد، در ری در سال چهارصد و چهل، از عموی خود، ابوجعفر محمد فرزند علی فرزند بابویه، که خدا بر او رحمت کند، روایت میکند؛ گفت: از بزرگان قمی برایم نقل کرد و گفت: پیشامدی برایم اتفاق افتاد که مرا در تنگنای شدیدی قرار داد و نتوانستم آن را برای هیچ یک از خانوادهام و برادرانم فاش کنم؛ پس خوابیدم و به خاطر آن غمگین بودم؛ در خواب، مردی زیبا صورت و نیکو لباس، با بوی خوش دیدم؛ خیال کردم از بزرگان قمی ما که برایشان حدیث میخواندم، است؛ به خاطر همین با خودم گفتم: تا کی اندوه و گرفتاریام را مخفی کنم و به کسی از برادرانم نگویم، و این یکی از بزرگان ما است، آن را برایش میگویم، شاید در پیش او برایم گشایشی یافتم؛ ولی او زودتر از من شروع کرد و فرمود: در پیشامدی که برای تو اتفاق افتاده است، به سوی خداوند والامرتبه بازگرد و از صاحب الزمان علیه السلام یاری بخواه و او را برای خودت پناهگاه بگیر، که او پناه دوستداران مؤمن خویش است؛ سپس دست راست راستش را بلند کرد و گفت: او را زیارت کن و بر او سلام کن، و از او بخواه برای تو در این خواسته ات به سوی خداوند والامرتبه شفاعت نماید.

به او گفتم: به من بیاموز چگونه بگویم، چون این اندوهی که در آن واقع شدهام، هر زیارت و دعایی را از یاد من برده است؛ پس نفس عمیقی کشید و فرمود: «لا حول و لا قوه إلا بالله» {هیچ نیرو و توانی جز به سبب خداوند نیست. } و دستش را بر سینه من کشید و فرمود: خداوند تو را بس است و هیچ نگرانی بر تو

نیست؛ خود را پاک کن و دو رکعت نماز بگزار، سپس برخیز و در حالت رو به قبله، زیر آسمان بگو:

سلام کامل و تمام شده، و گسترده و عام خداوند، و درودهای همیشگی، و برکتهای استوار او بر حجت خدا و ولیّ او در زمین و شهرهایش، و خلیفه او بر آفریدگان و بندگانش، و نسل پیامبر، و بازمانده عترت و برگزیدگان، صاحب زمان، و آشکار کننده ایمان، و نمایان سازنده احکام قرآن، پاک کننده زمین، و گسترنده عدالت در طول و عرض زمین، حجت برپا خیزنده، مهدی، و امام مورد انتظار و خشنودی، پاکی که فرزند امامان پاک است، جانشینی که فرزند جانشینان مورد پسند و هدایت کننده و معصوم است، بر او فرزند هدایت گران پاک است، نثار باد؛ سلام بر تو ای امام مسلمانان و مؤمنان؛ سلام بر تو ای میراثدار دانش پیامبران، و امانتدار حکمت جانشینان؛ سلام بر تو ای ریسمان دین؛ سلام بر تو ای سرافراز کننده مؤمنان به ناتوانی کشانده شده؛ سلام بر تو ای خوار کننده کافران سرکش ستمکار؛ سلام بر تو ای سرور من، ای صاحب الزمان، ای فرزند امیرالمؤمنین، و فرزند فاطمه زهرا، سرور بانوان جهان؛ سلام بر تو ای فرزند امامان، حجتهای خداوند بر تمام آفریدگان؛ سلام بر تو ای سرور من، سلام کسی که در وفای به تو دارای نیت خالصانه است؛ گواهی میدهم که تو در گفتار و کردار، امام هدایتگر هستی؛ و تو همان کسی هستی که زمین را از برابری و عدالت سرشار میکنی؛ پس خداوند در گشایش تو شتاب کند، و راه بیرون شدن تو را آسان نماید، و زمان تو را نزدیک قرار دهد، و یاران و یاوران تو را فراوان کند، و وعده تو را برایت به انجام رساند، و او راستگوترین گویندگان است، - که فرموده است: - «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منّت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.» ای سرور من، خواسته من این است - چنین و چنان، - پس در برآورده شدن آن برایم شفاعت کن؛ و به دلخواه دعا میکنی.

گفت: بیدار شدم و به آسایش و گشایش یقین پیدا کرده بودم، و هنوز قسمت زیادی از شب باقی مانده بود، ولی به خاطر ترس از اینکه فراموش کنم، عجله کردم و آنچه را که به من آموخته بود، نوشتم؛ سپس بدنم را پاکیزه ساختم و

در زیر آسمان قرار گرفتم و در رکعت نماز گزاردم و در رکعت اول، همان طور که برایم معین کرده بود، بعد از حمد، «إنّا فتحنا لک فتحاً مبیناً»، و در رکعت دوم بعد از حمد، «إذا جاءَ نصرُ الله و الفتح» را خواندم؛ وقتی سلام را داد، برخاستم و در حالت رو به قبله زیارت کردم و سپس نیازم را خواستم و از سرورم صاحب زمان یاری طلبیدم؛ سپس سجده شکر کردم و دعا را در آن طولانی کردم تا اینکه ترسیدم نماز شب را از دست بدهم؛ سپس برخاستم و نماز و ذکر به جای آوردم و بعد از نماز صبح، به ذکر تعقیب پرداختم، و در محراب نمازم به دعا کردن نشستم.

به خدا سوگند، آفتاب طلوع نکرده بود که گشایشی برای من از آنچه در آن واقع شده بودم، به دست آمد؛ و بعد از آن در باقیمانده عمرم مثل آن گرفتاری برایم تکرار نشده است؛ و هیچ کسی از مردم ندانست که آن اتفاقی که مرا تا آن روز غمگین ساخته بود، چه بود؛ منت برای خدا، و سپاس فراوان مخصوص اوست.

لد: استغاثه به حضرت مهدی علیه السلام؛ و آن به این صورت است که بعد از غسل، دو رکعت نماز در زیر آسمان، که رکعت اول، با حمد و فتح، و رکعت دوم، با حمد و نصر باشد، به جای میآوری، و وقتی سلام دادی، برخیز و بگو: «سلام کامل و تمام شده...» تا پایان زیارت.(1)

میگویم: در نسخه ای قدیمی از نوشتههای برخی اصحاب خودمان، که خداوند از آنان خشنود باد، متنی یافتم با این عبارت: این دعا را محمد فرزند بابویه، که خدا بر او رحمت کند، از امامان علیهم السلام روایت کرده و گفته است: در هیچ کاری با آن دعا نکردم، مگر آنکه به زودی اثر اجابت آن را دیدم؛ و دعا این است: خدایا از تو درخواست دارم و به وسیله پیامبرت، پیامبر رحمت محمّد صلی الله علیه و آله به سویت روی آوردم؛ ای ابا القاسم، ای فرستاده خدا، ای امام رحمت، ای پیشوا و سرور ما، به تو رو آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم، و به سوی خدا تو را وسیله ساختیم، و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

1- . البلد الامین: 158

ای اباالحسن، ای امیرالمؤمنین، ای علی فرزند ابیطالب، ای حجّت خدا بر بندگان، ای پیشوا و سرور ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

ای فاطمه زهرا، ای دختر محمّد، ای نور چشم رسول خدا، ای سرور و بانوی ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم، و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

ای ابامحمّد، ای حسن فرزند علی، ای برگزیده، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجّت خدا بر بندگان، ای پیشوا و سرور ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و و به سوی خدا به تو توسّل جستیم، و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

ای اباعبداللّه، ای حسین فرزند علی، ای شهید، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجّت خدا بر بندگان، ای پیشوا و سرور ما، به تو روی آوردیم، و تو را واسطه قرار دادیم، و به سوی خدا به تو توسّل جستیم و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

ای اباالحسن، ای علی فرزند حسین، ای زین العابدین، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجّت خدا بر بندگان ای پیشوا و سرور ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم، و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

ای اباجعفر، ای محمّد فرزند علی، ای باقر، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجّت خدا بر بندگان، ای پیشوا و سرور ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم، و به سوی خدا به تو توسّل جستیم، و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

ای اباعبداللّه، ای جعفر فرزند محمّد، ای صادق، ای فرزند رسول خدا، ای حجّت خدا بر بندگان، ای پیشوا و سرور ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار

دادیم، و به سوی خدا به تو توسّل جستیم و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

ای اباالحسن ای موسی فرزند جعفر، ای کاظم، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجّت خدا بر بندگان، ای پیشوا و سرور ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم، و به سوی خدا به تو توسّل جستیم و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

ای اباالحسن، ای علی فرزند موسی، ای رضا، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجّت خدا بر بندگان، ای پیشوا و سرور ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم، و به سوی خدا به تو توسّل جستیم و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برایمان نزد خدا شفاعت کن.

ای اباجعفر، ای محمّد فرزند علی، ای تقی جواد، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجّت خدا بر بندگان، ای پیشوا و سرور ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم، و به سوی خدا به تو توسّل جستیم، و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

ای اباالحسن، ای علی فرزند محمّد، ای هادی نقی، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجّت خدا بر بندگان، ای پیشوا و سرور ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم، و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

ای ابامحمّد، ای حسن بن علی، ای پاکنهاد عسگری، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجّت خدا بر بندگان، ای پیشوا و سرور ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسّل جستیم و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

ای جانشین حسن، ای حجت واپسین، ای برپا خیزنده مورد انتظار، ای فرزند فرستاده خدا، ای حجّت خدا بر بندگان، ای پیشوا و سرور ما، به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم، و به سوی خدا به تو توسّل جستیم، و تو را پیش روی خواستههایمان نهادیم، ای آبرومند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن.

پس از خواندن دعا، نیاز خود را بخواهد که به خواست خدا برآورده می شود.

9. ق: مانند این را روایت کرده است، با این تفاوت که در همه آنها صیغه اول شخص مفرد آورده و در پایان آن افزوده است: ای پیشوایان و سروران من، من به شما امامان و توشه هایم برای روز ناداری و تنگدستی روی آوردم، و به وسیله شما به سوی خدا توسّل جستم، پس در نزد خدا واسطه من شوید، و مرا پیش خدا از گناهانم رهایی ببخشید، که شما وسیله من به خدا هستید، من به واسطه دوستی شما و نزدیک شدن به شما امیدوار نجات از جانب خدا هستم، پس نزد خدا امید من باشید، ای پیشوایان من، ای دوستداران خدا؛ خداوند بر همه آنان درود فرستد، و خداوند بر دشمنان خدا، ستم کنندگان به آنان، از پیشینیان و پسینیان، لعنت کند؛ بپذیر، ای پروردگار جهانیان.

10. ق: ابوالقاسم عبیدالله فرزند عبد الواحد دارمی کاتبی نصیبی گفته است: متنی به خط ابی علی محمد پسر جنید، که رحمت خدا بر او باد، در پشت قسمتی از یکی از کتابهایش بعد از وفات او یافتم که که نوشته بود: ابوالوفاء شیرازی برایم نقل کرده و گفته است: در کرمان با حال سختی در زندان ابی الیاس زندانی بودم، به خاطر همین بسیار به سوی خداوند عز و جل شکایت کردم و از سرورانمان یاری خواستم؛ گفته است: خوابیدم و در خواب، سرورمان رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم؛ به من فرمود: به واسطه من و این دو فرزندم، یعنی حسن و حسین، که درود خداوند بر آن دو باد، برای کاری از کارهای دنیاییات شفاعت مخواه، و این ابوحسن برای تو از دشمنان من انتقام میگیرد. گفت: گفتم: ای رسول خدا، چگونه از برایم از دشمنان من انتقام میگیرد، در حالی که ریسمانی بر گردنش افکنده شده و نمیتواند یاری دهد، و حقش به زور ستانده شده و توانی ندارد.

گفت: پس رسول خدا صلی الله علیه و آله با تعجب به من نگاه کرد و فرمود: آن به خاطر شرایط دوره مسئولیت او بود، و او به آن وفا نموده است.

و اما حسن، پس به این خاطر؛ و اما حسین، پس به این دلیل؛ و حضرت، صلی الله علیه و آله همچنان هر یک از امامان صلوات الله علیهم را یکی یکی نام

ص: 325

میبرد و هر چه را که برای آن به او شفا طلبیده شده است، بیان میکرد، که از ابی القاسم در آن لحظه پوشیده مانده است، و آنها در روایت نوشته شده است؛ تا اینکه به صاحب الزمان صلوات الله علیه رسید و فرمود:

و اما صاحب زمان، پس هرگاه چاقو به این جای تو رسید، و با دست به گلو اشاره کرد، پس بگو: ای صاحب الزمان، به فریاد من رس؛ ای صاحب زمان، مرا دریاب؛ گفت: در خواب با صدای بلند گفتم: ای صاحب زمان، به فریاد من رس؛ ای صاحب زمان، مرا دریاب؛ پس بیدار شدم، در حالی که نگهبانان بندهای مرا میگرفتند.

این تمام روایت ابیالقاسم دارمی، طبق آنچه به خط پسر جنید یافتم، بود؛ و اما امام زین العابدین، برای رهایی از حکمرانان و به گناه افکندن شیطانها است؛ و امام باقر، و امام جعفر، برای آخرت و هر چیزی که برای طاعت خدا و خشنودی او بخواهی؛ و امام موسی کاظم، پس به واسطه او از خداوند عز و جل عافیت بخواه؛ و اما امام رضا، پس سلامت در مسافرتها، و در بیابانها و دریاها را به واسطه او درخواست کن؛ و اما امام جواد، پس روزی از ناحیه خداوند عز و جل را به واسطه او نازل کن.

و اما علی النّقی، پس برای مستحبات و نیکی به دوستان، و هر چیزی که برای طاعت خداوند عز و جل بخواهی، است؛ و امام حسن عسکری، پس برای آخرت است؛ و حضرت صاحب زمان، پس هرگاه شمشیر به گلوگاه تو رسید، از او یاری بخواه. و البته تمام حدیث در روایت گفته شد.

دعایی که دربردارنده توسل به هر یک از امامان علیهم السلام، با توجه به آنچه که برای او قرار داده شده است.

خدایا، بر محمد و اهل بیت او درود فرست، و از تو درخواست میکنم ای خدا، به حق محمّد و دخترش و دو پسر او حسن و حسین، مرا بر طاعت خویش و جلب خشنودی خود کمک کنی، و مرا به وسیله آنان به بر ترین مقامی که دوستدارانشان را به آن رساندی، برسانی.

خدایا، از تو به حق دوستدارت امیرالمؤمنین علی فرزند ابیطالب درخواست میکنم که به واسطه او از کسی که به من ستم نموده است، انتقام مرا بگیری؛ و به واسطه او مرا از گزند هر کسی که قصد ستم بر من را دارد، تا زمانی که مرا نگاه داشته ای، نگاه داری.

و از تو به حق دوستدارت علی فرزند حسین علیهما السلام درخواست میکنم مرا به واسطه او کفایت کنی، و از ستم حاکمان، و دمیدن شیطانها نجات دهی.

و از تو درخواست میکنم ای خدا، به حق دو دوستدارت، محمد فرزند علی، و جعفر فرزند محمد علیهما السلام، که مرا به وسیله آن دو، به طاعت و جلب رضایت خود در امر آخرتم کمک کنی.

و از تو درخواست میکنم ای خدا، به حق دوستدارت بنده نیک، موسی فرزند جعفر علیهما السلام، فرو خورنده خشمش، که مرا از تمام بیماریها و مرضها، و دردها و ناراحتیهایی که برای بینایی و تمام اعضای دیگر بدنم، چه ظاهری و چه باطنی، بیم دارم و دوری میکنم، بهبود دهی؛ به خاطر قدرتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.

و از تو درخواست میکنم ای خدا، به حق دوستدارت علی فرزند موسی، امام رضا علیه السلام، که مرا به واسطه او نجات دهی، و مرا در همه مسافرت هایم، در خشکی ها و دریا ها، و بیابانهای خشک و درّه ها و دریا ها، از آنچه می ترسم و پرهیز دارم، در امان بداری.

و از تو درخواست میکنم ای خدا، به حق دوستدارت ابیجعفر امام جواد علیه السلام، که بر من از فضل خودت ببخشی، و از فراخی عنایتت تفضلّ فرمایی، تا آنجا که مرا از آنچه در دست آفریدگانت هست، و به ویژه افراد پست آنان، بینیاز گردانی؛ و در آن، و در آن نعمتها و بخششها و روزی تو که پیش من وجود دارد، برایم برکت قرار ده؛ ای خدای من، امید جز از تو بریده گشت، و آرزوها جز در مورد تو به نومیدی رسید، ای دارنده ارجمندی و بزرگواری، از تو به حق هر کسی که حقش بر تو واجب است، درخواست میکنم که بر محمد و اهل بیت او درود فرستی، و آن روزیات را بازداشتهای، بر من گسترده سازی، و آن را آسان قرار

دهی، و در خوبی و ایمنی از سوی خودت میسر سازی، و من در آسایش و فراخی باشم، ای مهربانترین مهربانان.

و از تو میخواهم ای خدا، به حق دوستدارت علی فرزند محمد علیه السلام، که به واسطه او مرا بر انجام مستحبات و نیکی به برادرانم و اطاعت کامل تو یاری رسانی.

و از تو میخواهم ای خدا، به حق دوستدارت حسن فرزند علی علیه السلام، امام هدایتگر امانتدار، بزرگوار اندرزگو، مورد اعتماد و دانشمند، مرا به واسطه او بر امر آخرتم یاری رسانی.

و از تو میخواهم ای خدا، به حق دوستدارت و حجت تو بر بندگانت، و باقی گذاشته شده تو در زمینت، انتقام گیرنده برای تو از دشمنانت، و دشمنان فرستادهات، بازمانده پدران پاکش، و میراثدار پیشینیان نیکوکارش، صاحب زمان، که خداوند بر او و بر پدران بزرگوارش، آن پیشگامان برگزیده درود فرستد، که به خاطر او مرا دریابی، و از هر سختی و اندوه رها سازی، و نیکیهای دیرینه و جدید خود را بر من ادامه دهی، و بخششهای زیبایت در پیش من را برایم پیاپی سازی؛ پروردگارا، به خاطر او مرا یاری رسان، و از بیم، و از سختی و پیشامد بزرگ، و گرفتاری و اتفاق، و اندوه و بدهی، و مرض و بیماری، و آسیب و ظلم، و ستم و آزمون، در دین و دنیا و آخرتم نجاتم ده، به خاطر منت و مهربانی و رحمت و بزرگواری و بخشش و دلسوزیات.

ای نگه دارنده موسی علیه السلام در برابر فرعون؛ و ای نگه دارنده محمد صلوات الله علیه و خاندان او در برابر آنچه غمگینش میساخت؛ و ای نگاه دارنده علی علیه السلام در برابر آنچه روز صفین اندوهگینش مینمود؛ و ای کفایت کننده امام علی فرزند امام حسین علیه السلام در روز حرّه؛ و ای کفایت کننده امام جعفر فرزند امام محمدباقر علیه السلام در برابر اباالدوانیق؛ بر محمد و خاندان او درود فرست، و مرا در دنیا در برابر هر چیزی که اندوهگینم میسازد، و هر پیشامد هولناکی غیر از بهشت، کفایت نما؛ به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.

ای برآورده کننده خواستهها، ای بخشنده آرزوها، ای عطا کننده فراوان، ای گشاینده بندها.

خدایا، همانا تو خود میدانی که من میدانم که تو برای برآورده ساختن خواسته من توانا هستی، پس بر محمد و خاندان او درود فرست، و برای گشایش ولیّات و فرزند دختر پیامبرت ای پروردگار، شتاب فرما؛ و خواستههای اهل بیت محمد را ای خدا، بر آور؛ و به خاطر محمد و اهل بیت او ای پروردگار، نیازهای دنیا و آخرت مرا، چه کوچک باشند و چه بزرگ، در آسانی و ایمنی از سوی خودت بر آورده ساز؛ و نعمتت را بر من تمام کن؛ و به خاطر آنان بزرگواریات را بر من بچشان؛ و به واسطه آنان لباس عافیتت را بر من بپوشان؛ و با گذشت خودت بر من بخشش نما؛ و به حق محمد و اهل بیت او، در تمام کارهایم سرپرست و حفظ کننده، و یاور و نگهبان، و مراقب و پوشاننده و روزی دهنده من باش؛ هر چه خداوند خواسته است، واقع شده است؛ و هر چه را که نخواسته است، به وجود نیامده است؛ درخواست هیچ چیزی، نه در زمین و نه در آسمان، خداوند را ناتوان نمیگرداند؛ او وجود دارد، او وجود دارد، اگر خدا بخواهد.

میگویم: این دعا را پیش از این در ابواب دعاهای حوائج در کتاب دعا، از کتاب قبس المصباح، با تغییری در متن و سند روایت کردم.

11. البلد الامین: داستانی که از امام ابیالحسن عسکری علیه السلام روایت شده است؛ مینویسد: به نام خداوند بخشایشگر مهربان. به سوی فرمانروای بسیار چیره، مهربان بسیار نعمت دهنده، یکتای بینیاز؛ از طرف بنده خوار بینوای درمانده - فلانی پسر فلانی. - خدایا، تو سلام هستی، و سلام از سوی توست، و سلام به سوی تو باز میگردد، مبارک و والامرتبه گشتهای، ای دارنده ارجمندی و بزرگواری؛ و درودهای خداوند و برکتها و سلام او بر محمد و خاندان او باد.

و اما بعد، به درستی که ثروتمندان و مقامداران، برای کار هایشان و برطرف شدن مشکلاتشان اموال و آبرویشان را به کار برده و آماده نگاه می دارند؛ اما مستضعفان تهیدست از تحقق خواستههایشان در درگاه پادشاهان عقب افتاده اند.

پس ای کسی که زمام امور تمامی بندگان به دست اوست، و ای کسی که به سرپرستی خودش برای مؤمنان اقرار دارد، و ای ذلیل کننده کینه توزان ستمگر، تو مورد اعتماد و امید من هستی، گریزگاه و پناهگاه من تو هستی، و بر تو توکل کردهام، و چنگ زدن و پناه بردنم بر تو بوده است.

پروردگارا، پس سختی آن را تبدیل به آسانی کن، و قلبش را مسخّر من گردان، و تنفّر او را از من دور دار، و در برابر آنچه در نظر دارد،(1)

مرا کفایت کن؛ به درستی که تقدیر همه امور به دست توست، و تو بر هر چه بخواهی انجام دهنده هستی؛ سپاس تو را سزاست، و ستایش به سوی تو بالا می آید، هیچ خدایی جز تو نیست، پاک و منزّه هستی، و سپاس شایسته توست، هر چه را خواهی محو و اثبات می کنی، و امّ الکتاب نزد توست، و خداوند بر محمد و خاندان پاک او درود فرستد؛ و سلام بر آنان، و رحمت خدا و برکتهایش نثار آنان باد.

همانا روایت شده است که یکی از دوستان امام عسکری علیه السلام آن حضرت را از مشکلی که داشت خبر داد و او در زندان متوکل بود، و متوکل به صورت آشکار او را به کیفر تهدید میکرد؛ پس ثروتمندان برای او هدایایی فرستادند، ولی در نزد آن مرد چیزی وجود نداشت؛ پس امام هادی علیه السلام او را به نوشتن این دعا امر فرمود، و آن را شب در سه برگه نوشت و در سه محل پنهان نمود، و آفتاب ندمیده بود که خداوند عز و جل با منت و مهربانی خودش مشکل او را برگشود.(2)

12. قبس: مفضل پسر عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هرگاه برای تو خواستهای وجود داشت و عرصه بر تو تنگ آمد، پس دو رکعت نماز بگزار، و وقتی سلام را دادی، سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیح فاطمه علیها السلام را بگو؛ سپس سجده کن و صد مرتبه بگو: «یا مولاتی فاطمه، أغیثینی» {ای بانوی من، فاطمه، به فریاد من برس.} سپس گونه راست خودت را بر زمین بگذار و

1- . سختیهای او. خ ل
2- . البلد الامین: 159

مانند آن را بگو؛ سپس به سجده برگرد و مانند آن را صد و ده مرتبه بگو؛ و خواستهات را بیان کن، که همانا خداوند برآورده میسازد.

13. البلد الامین: دو رکعت نماز میگزاری؛ وقتی سلام دادی، سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیح زهرا علیها السلام را بگو و سجده کن و در سجده، صدبار بگو: «یا مولاتی فاطمه، أغیثینی» {ای بانوی من، فاطمه، به فریاد من برس.}؛ سپس گونه راست خود را بر زمین بگذار و مثل آن را بگو؛ سپس به سجده برگرد و مانند آن را بگو؛ سپس گونه چپ خود را بر زمین بگذار و مانند آن را بگو؛ سپس به سجده برگرد و مانند آن را صد و ده مرتبه بگو؛ و خواستهات را بیان کن، برآورده میشود.(1)

1- . البلد الامین: 159

باب یازدهم : زیارت به نیابت از امامان علیهم السلام و دیگران

روایات:

1. الکافی، التهذیب: علی فرزند ابراهیم حضرمی از پدرش نقل کرده و گفته است: از مکه برگشتم و نزد امام کاظم علیه السلام در مسجد رفتم و او در فاصله میان قبر و منبر نشسته بود؛ به او گفتم: ای فرزند رسول خدا، وقتی به سوی مکه خارج میشدم، چه بسا کسانی که من گفتند: از طرف من هفت بار طواف کن و دو رکعت نماز بگزار؛ اما (به علت مشغولیت) من از پرداختن به آن بازمانده ام، هنگام برگشتن نمیدانم به او چه بگویم.

فرمود: وقتی به مکه رسیدی و اعمال خود را انجام دادی، هفت مرتبه طواف کن و دو رکعت نماز بگزار و بگو: خدایا، این طواف و این دو رکعت، از طرف پدر و مادرم و از طرف همسرم، و از طرف فرزندانم، و از طرف خویشانم، و از طرف تمام همشهریهایم، چه آزاد باشند و چه بنده، و سفید پوست و سیاه پوست آنان، باشد؛ و اگر بخواهی به مرد بگویی: به راستی از طرف تو طواف نمودم و دو رکعت نماز گزاردم، مطمئناً راست گفتهای.

وقتی کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله آمدی، و آنچه را که بر تو واجب است انجام دادی، پس دو رکعت نماز بگزار و کنار سر پیامبر صلی الله علیه و آله بایست و سپس بگو: سلام بر تو ای پیامبر خدا، از طرف پدرم و مادرم و همسرم و فرزندانم و خویشانم و از طرف تمام همشهریانم، چه آزاد باشند و چه بنده، و سفید

پوست و سیاه پوست آنان، باد؛ و اگر بخواهی به کسی بگویی: همانا من از طرف تو بر رسول خدا صلی الله علیه و آله سلام خواندم، مطمئناً راست گفتهای.(1)

التهذیب: هرکس از طرف برادرش در برابر مزدی رهسپار زیارت شود، پس باید هنگام فارغ شدن از کار زیارت بگوید: خدایا، هر سختی و پیشامد و ژولیدگی و رنجوری به من رسید، پس - فلانی فرزند فلانی - را در آن پاداش ده، و مرا در به جای آوردن زیارت از سوی او پاداش ده؛ و وقتی بر امام سلام کرد، در پایان سلام باید بگوید: ای سرور من، از طرف - فلانی فرزند فلانی - که به نیابت از او به زیارت آمدهام، بر تو سلام باد؛ پس برای او در نزد پروردگارت شفاعت فرما؛ سپس به دلخواه خودش برای او دعا نماید؛ إن شاء الله.(2)

3. التهذیب: داود صرمی گفته است: به او - یعنی امام حسن عسکری علیه السلام - گفتم: همانا پدرت را زیارت کردم، و - ثواب - آن زیارت را برای تو(3) قرار دادم؛ فرمود: برای تو از جانب خداوند، پاداش و ثواب بزرگ، و از جانب ما سپاسگزاری است.

4. التهذیب: کسی که به نیابت از دیگری زیارت کند، میگوید: خدایا، همانا - فلانی فرزند فلانی - به امید دستیابی به ثواب فراوان و گریختن از حساب بد، مرا به سوی دوستدارنش و دوستداران خودم فرستاده است تا از جانب او زیارت کنم؛ خدایا، به راستی که او در آمرزیدن گناهانش و پاک کردن بدیهایش توسط تو، به واسطه دوستدارانت، که راهنمایان به سوی تو هستند، به تو روی میآورد؛ و در کنار زیارتگاه امامش صلوات الله علیه، به واسطه آنان به تو متوسل میشود؛ خدایا، پس از او بپذیر، و شفاعت دوستدارانش صلوات الله علیهم درباره او را قبول فرما.

خدایا، او را به خاطر نیت نیکو، و باور درست، و دوستداری راستش، به بهترین صورتی که هر یک از بندگان مؤمن خود را پاداش دادهای، پاداش ده؛ و چیزی را که به او بخشیدهای، برایش پیاپی ساز؛ و آنچه را به او بخشیدهای، به

1- . الکافی4: 316؛ التهذیب6: 109

2- . التهذیب6: 105؛ و در آن «من عمل الزیاره» {از کارهای زیارت} آمده است.
3- . شما. خ ل

استفاده نیک او در آور؛ و من را آخرین فرستاده از جانب او قرار مده؛ خدایا، گردن او را از آتش برهان؛ و از روزی حلال و پاکیزهات بر او بگستران؛ و او را از همنشینان محمد و خاندان محمد قرار ده؛ و در فرزندان و دارایی و خانواده و آنچه در اختیار دارد، برکت قرار ده.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بین او و گناهانش فاصله بینداز، تا اینکه نافرمانی تو را نکند، و او را بر فرمانبرداری خودت و فرمانبرداری دوستدارانت یاری رسان، تا اینکه او را در جایی که فرمان داده، غائب، و در جایی که او را از آن بازداشتهای، حاضر نبینی. خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و او را بیامرز و بر او مهربانی نما، و از او و همه مردان و زنان مؤمن درگذر.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و او را از اتفاقات هولناک ورود به قیامت، و ترس روز قیامت، و بدی بازگشتگاه دائمی، و از تاریکی و وحشت قبر، و از جاهای خواری در دنیا و آخرت، در امان دار.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و پاداش او را در این جایی که من ایستادهام، آمرزش او قرار ده؛ و هدیه او را در این جایی که من ایستادهام، نزد امامم صلی الله علیه، این قرار ده که از لغزش او چشم بپوشی، و عذرخواهیاش را بپذیری، و از اشتباهش درگذری، و پرهیزکاری را توشه او، و آنچه را که در پیش توست، خوبی برای او در آخرت، قرار دهی؛ و او را در گروه محمد و خاندان محمد صلی الله علیه و آله محشور نمایی؛ و او و پدر و مادرش را بیامرزی؛ که به راستی تو بهترین کسی هستی که به سوی او روی آورده میشود؛ و بزرگوارترین درخواست شوندهای هستی که بندگان بر او اعتماد کنند؛ خدایا، برای هر مهمان، پاداشی هست، و برای هر زیارت کننده، بزرگواری؛ پس پاداش او را در این مکانی که من ایستادهام، آمرزش او، و بهشت برای او(1).

و برای تمام مردان و زنان مؤمن قرار ده.

خدایا، و من بنده خطاکار و گنهپیشه تو، که به گناهانش اقرار میکند هستم؛ پس از تو درخواست میکنم ای خدا، به حق محمد و خاندان محمد، که بعد از این

1- . و برای من. خ

مرا از پاداش و ثواب خودت، که از روی بخشش فراوان تو، و بزرگواری بخشش توست، محروم نفرمایی.

سپس در کنار زیارتگاه رو به قبله دستانت را به سمت آسمان بالا میبری و میگویی: ای سرور من، ای امام من، همانا بندهات - فلانی فرزند فلانی - مرا برای زیارت به سوی زیارتگاه تو فرستاده است، و به وسیله آن به خداوند عز و جل و به سوی فرستاده او و به سوی شما نزدیکی میجوید؛ و او به این وسیله آزادی گردنش از آتش از روی کیفر را امید دارد؛ پس او و تمام مردان و زنان مؤمن را بیامرز؛ یا الله، یا الله، یا لله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله؛ هیچ خدایی جز الله بردبار بزرگوار وجود ندارد؛ هیچ خدایی جز الله والامرتبه بزرگ وجود ندارد؛ از تو میخواهم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی، و دعای مرا درباره او و همه برادران و خواهران و فرزندان و خانوادهام بپذیری؛ به خاطر بخشش و بزرگواری که داری، ای مهربانترین مهربانان.(1)

میگویم: نویسنده کتاب المزار الکبیر گفته است: همه اصحاب ما روایت کردهاند که امام صادق علیه السلام کسی را به سوی یکی از شیعیان فرستاد و فرمود: این درهمها را از من بگیر و از طرف فرزندم اسماعیل حج به جای آور، و نه قسمت از ثواب آن برای تو، و یک قسمت برای اسماعیل باشد.

امام حسن عسکری علیه السلام نیز کسی را برای زیارت از سوی او به زیارتگاه امام حسین علیه السلام فرستاد و فرمود: همانا برای خداوند جایگاههایی وجود دارد که دوست دارد در آنجا دعا شود و اجابت فرماید؛ و همانا محل قرار گرفتن قبر امام حسین علیه السلام یکی از آن جایگاهها است.(2)

پس هرگاه به قصد زیارت از طرف برادرت، یا برای به جای آوردن حج در برابر مزد، رهسپار شدی، پس در جایی که قصد نمودهای دو رکعت نماز بگزار، و بعد از اینکه فارغ شدی، تسبیح خدا را بگو و سپس بگو:

1- . التهذیب6: 116
2- . المزار الکبیر: 196

خدایا، همانا فلانی با علم به ثواب نیکوی تو، و با این باور که تو میشنوی و اجابت میکنی، و کیفر میکنی و ثواب میبخشی، مرا به سوی تو فرستاده است؛ خدایا، پس گامهای من از طرف او را، کفاره گناهان گذشته او، و نمازهای(1) من به نیابت از او را، گواه برای او درباره ایمان راستینش، و ثبت کننده آمرزش برای او در فهرست آمرزیدن قرار ده؛ خدایا، هر سختی و دشواری و گرسنگی و رنجوری به من رسیده است، پس - فلانی فرزند فلانی - را در آن پاداش ده، و مرا به خاطر او پاداش عطا کن.

در نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام نیز همین گونه میگویی.

سپس در دنباله کلام میگویی:

سلام بر تو ای سرورم - فلانی فرزند فلانی، - همانا من از طرف او به زیارت تو آمدهام، پس برای من و برای او در نزد پروردگارت شفاعت کن؛ خدایا، از مهربانی خودت آن مقدار به او برسان که از مهربانی دیگران بینیاز گردد، هرچند مرده باشد؛ خدایا، زمین را از دو پهلوی او دور دار، و رحمت خود را به او برسان، و آن اعمال زیارت که انجام دادم، گواه برای او قرار ده؛ به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.

و هرگاه از طرف برادرت یا مادرت یا پدرت زیارت کردی، ابتدا به روش سلام دادن، بر امام علیه السلام سلام بده؛ سپس بگو: خدایا، به احترام محمد و خاندان پاک او، نسبت به فلانی فرزند فلانی، هر کجا باشد، یاور و یاریگر و نگهبان و مراقب باش.

سپس دو رکعت نماز بگزار، وقتی سلام آن را دادی، سجده کن و در سجده بگو: خدایا، برای تو نماز گزاردم و برای تو رکوع نمودم و برای تو سجده کردم؛ چرا که نماز جز برای تو سزاوار نیست؛ خدایا، ثواب نماز و سلام و زیارتم را هدیهای از

1- . نماز من. خ ل

طرف خودم برای - فلانی فرزند فلانی - قرار دادم، پس آن را برای او از طرف من بپذیر، و به خاطر رحمتی که داری، بهترین پاداش آن را به من عطا کن.

و بافضیلتتر آن است که بگویی: خدایا، همانا - فلانی فرزند فلانی - به امید دست یافتن به ثواب فراوان، مرا به زیارت سرور خودش و سرور من فرستاده است، و دعا را تا آخر آن جایی که شیخ بیان کرده است، ادامه داده است. خداوند بر هر دوی آنها رحمت کند.(1)

6. سپس گفته است: از یکی از امامان دانشمند راستگو علیهم السلام روایت شده است که در مورد شخصی سؤال شد که دو رکعت نماز میگزارد، یا یک روز روزه میگیرد، یا حج یا عمره به جای میآورد، یا رسول خدا صلی الله علیه و آله یا یکی از امامان علیهم السلام را زیارت میکند، و ثواب آن را برای پدر و مادرش یا یکی از از برادران دینیاش قرار میدهد؛ آیا در برابر این کار، برای خود او نیز ثوابی خواهد بود؟ فرمود: ثواب این کار به کسی میرسد که برای او قرار داده شده است، بدون اینکه از پاداش او چیزی کاسته شود.(2)

7. مصباح الزائر: شرایط کسی که به نیابت از دیگری زیارت میکند: هرگاه از منزل خود تصمیم بر آن گرفتی، و برای نیابت مزد گرفته باشی، پس بگو: به نام خداوند بخشایشگر مهربان. خدایا، از اینکه دین را در برا بر دنیا بفروشیم، یا روشنی را با تاریکی جایگزین نماییم، یا دشمنان را به جای دوستان برگزینیم، به تو پناه میآورم؛ خدایا، پس ما را در دنیا و آخرت همراه محمد و خاندان محمد قرار ده؛ و به خاطر رحمتی که داری، دنیا و آخرت را یکجا برای ما قرار ده؛ که من بر کمی شکیباییمان بر ناداری آگاه هستم. و در منزل خودت غسل میکنی و دو رکعت نماز به جای میآوری؛ که از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرموده است: هیچ بندهای از دو رکعت نمازی که هنگام مسافرت کردن میگزارد، چیز با ارزشتری برای خانوادهاش باقی نگذاشته است؛ و میگوید:

1- . المزار الکبیر: 196-198
2- . المزار الکبیر: 198

خدایا، میخواهم از طرف - فلانی، و او را با اسم و نسبش نام میبرد، - ولیّ تو را زیارت کنم، و تو میدانی ای پروردگار، که ناداری و تهیدستی مرا واداشته است که از طرف او زیارت نمایم، بدون اینکه دین خودم را به او بفروشم، یا اینکه حال او را بر طاعت خودم برای تو، مقدّم کنم، و اگر تو از روی بخشش رحمتت اجازه نداده بودی که به نیابت از او زیارت کنم، هرگز جز از طرف خودم زیارت نمینمودم، و بر ناداری و تهیدستی و بینوایی شکیبایی میورزیدم؛ خدایا، پس آن را از او بپذیر، و گمانش را محقق نما، و در زیارت من از طرف او، به من پاداش ده، و امید او درباره من را بیبهره مگردان، و آرزویش را محقق نما، که به راستی او برای به دست آوردن خشنودی تو، و نزدیکی جستن به تو، در این روی آوردن، مرا پیش انداخته است.

خدایا، پس خواستهاش را به او عطا کن، و آنچه را که به خاطر آن به تو روی آوردم، به من برسان؛ و امروز خودم و دینم و پایان کارهایم و فرزندانم و پدران و مادرانم، چه آنها که حاضر باشند و چه آنها که غائب، و تمام خویشانم و آنچه را که به من واگذار کردهای، به تو میسپارم؛ خدایا، ما را، و برای ما حفظ کن؛ و من و آنان را در زمره آن امانتهایت که از بین نمیرود، قرار ده؛ و از من و همه دوستانم در راه، هر چیز ترسناکی را دور کن؛ تا اینکه مرا کامیاب از انتظاری که در این سفر از تو داشتم، که عبارت بود از قبول کردن زیارت تو توسط من از طرف - فلانی فرزند فلانی - و بخشیدن آن به او توسط تو، به وطنم باز گردانی.

سپس از دعاها آنچه را که دوست میداری، برمیگزینی؛ پس اگر خداوند تو را در سلامت قرار داد، و به جای شروع زیارت رسیدی، و خواستی برای زیارت غسل نمایی، پس هنگام غسل کردن بگو: خدایا، من این غسل را از طرف - فلانی فرزند فلانی - به جای آوردم، پس این را برای او نور و پاک کننده و نگهدارنده و شفای از هر درد و بیماری و از هر آسیب و تباهی، و از بدی هر چیزی که ترسیده و دوری میشود، قرار ده؛ و قلب و اعضای درونی، و استخوان و گوشت و خون و مو وپوست و مغز او را، و هر چیزی را که زمین از او بردارد، پاک گردان؛ و آن را گواه

برای او در روز ناداری و نیازش به آن قرار ده؛ و به خاطر آن به من پاداش ده؛ و مرا از گناهان پاک گردان، ای مهربانترین مهربانان.

سپس پاکترین لباست را بپوش، و مستحب است لباس برای کسی که از طرف او زیارت میکنی باشد، و با آرامش و درنگ قدم بردار، و «لا إله إلا الله» و «الحمد لله» فراوان بگو؛ پس وقتی به نزدیک درب زیارتگاه رسیدی، بگو:

خدایا، این در به روی قبری باز میشود که در آن، یکی از درهای تو وجود دارد؛ خدایا، پس همان گونه که آن را برای - فلانی - گشودی و فرستادن من به سوی او را روزیاش کردی، پس هیچ گاه درهای توبه را به رویش مبند، و او را از گناهان نگاه دار؛ خدایا، و همانا برای تو در هر روز به سوی زیارت کنندگان این مکان، لحظههایی وجود دارد که در آن لحظهها، رحمتت را به آنان میرسانی؛ پس به خاطر حقی که بر خودت داری، و به خاطر حق دوستدارانت بر تو، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و - فلانی فرزند فلانی - را مانند حاضر در این مکان برای دست یافتن به برکتها و رحمت خودت قرار ده.

سپس داخل زیارتگاه شو و بگو: سپاس مخصوص خداوندی است که مرا از زیارت کنندگان مسجدهایش قرار داد؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و عمل - فلانی فرزند فلانی - را در نیکوترین صورت به پایان ببر، و دل او را بعد از اینکه هدایتش کردی، ملغزان، و به او از ناحیه خودت رحمتی ببخشای، که تو خود بخشایشگری.

سپس برای خودت به دلخواه دعا کن؛(1)

و بعد از آن، به طرف قبله برگرد و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگو و بگو:

گواهی میدهم که هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست؛ و گواهی میدهم که محمد بنده و فرستاده اوست؛ و گواهی میدهم که علی علیه السلام بنده خدا و برادر فرستاده اوست؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست.

1- . مصباح الزائر: 265-266

سپس وارد شو و در کنار سر بایست و بگو: خدایا، گواهی می دهم، و فرشتگان تو را گواه میگیرم که من از طرف - فلانی فرزند فلانی - بر اهل بیت پیامبر سلام میکنم؛ و به راستی که او مرا به این مکان گرامی پیش انداخته است؛ بدون اینکه از روی خودبزرگبینی از سوی او باشد، بلکه از روی قصد و فرمانبردار بودن بر آن، و گرداندن صورتش بر این خاک است؛ جز اینکه گرفتاریهایی او را بازداشته، و سختیهایی مانع او شده است؛ و به همین خاطر مرا پیش انداخته که بر او و تمام امامان مورد خشنودی خدا سلام دهم.

خدایا، تو خود آگاه هستی که - فلانی فرزند فلانی - گواهی میدهد بر این که هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، یگانه است و هیچ شریکی برای او نیست؛ و این که محمد بنده و فرستاده اوست؛ و علی، امیرالمؤمنین است؛ و امامان از نسل او، امامان و پیشوایان او هستند؛ آنان را دوست میدارد، و از دشمنانشان بیزاری میجوید. و بگو: خدایا، من از طرف - فلانی فرزند فلانی - بر ولیّ تو سلام میدهم؛ پس بر ولیّات از طرف او سلام برسان؛ ای ولیّ خدا، من بر تو سلام میدهم؛ سلام بر تو ای حجت خدا؛ سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین؛ سلام بر تو ای امام مؤمنان، و میراثدار دانش پیامبران، از آدم و سایر پیامبران و جانشینان و مؤمنان.

سپس صورت بر قبر میگذاری و میگویی: پدر و مادرم فدای تو باد، برای زیارت و مهمانی تو از طرف - فلانی فرزند فلانی - آمدهام، و به واسطه تو به خداوند روی آوردهام، پس برای او در نزد خداوند شفاعت کن، که او گریزان از گناهانش و امیدوار به رهایی از کیفر پروردگار والامرتبهاش آهنگ تو را نموده است؛ ای ولیّ خدا، برای - فلانی فرزند فلانی - شفاعت کننده باش، و خواسته او درباره دین و آخرتش را برآورده ساز.

سپس سرت را بلند کرده و در کنار سر حضرت، دو رکعت نماز میگزاری و میگویی: خدایا، از تو به حق پیامبرت مصطفی، و علی مرتضی، و فاطمه زهرا، و به حق حسن و حسین، و علی فرزند حسین، و محمد فرزند علی، و جعفر فرزند محمد، و موسی فرزند جعفر، و علی فرزند موسی، و محمد فرزند علی، و علی فرزند محمد،

و حسن فرزند علی، و واپسین جانشین نیک، همنام پیامبرت، درخواست میکنم، - فلانی فرزند فلانی - را از پیش رویش و از پشت سر و از سمت راست و از سمت چپش حفظ کن، و بدیها را از او دور کن، و خواستهاش را به او عطا کن، به ویژه آن نیازی که برآوردن آن را از تو در این زیارت ولیّ تو از سوی من، به دل دارد؛ ای مهربانترین مهربانان.

هنگامی که خواستی وداع کنی، غسل کن و او را زیارت کن و بگو: خدایا، تو را گواه میگیرم و تو برای گواه بودن بس هستی؛ و این امام صلوات الله علیه را گواه میگیرم که - فلانی فرزند فلانی - به من امانت سپرده و از من خواسته است که از طرف او قبر سرورش و سرور خودم را زیارت کنم، و برای او نزد قبرش دعا نمایم؛ پس تو را گواه میگیرم که امانت او را ادا کردم، و تمام تلاش خود را به کار بستم، و پیش قبر ولیّات زیارت نمودم، و در زیارت از طرف او، هیچ یک از آفریدگانت را شریک قرار ندادم؛ پس این را از طرف او بپذیر، و او را در گروه محمد و خاندان محمد محشور کن، و او را بر حوض آنان وارد نما، و او را از یاران آنان قرار ده، و در دولت آنان به وی جایگاه عطا کن، و دلیلش را محکم بگردان، و به خواستهاش برسان؛ خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و در این لحظه، بر روح و پیکر آنان از طرف - فلانی فرزند فلانی - سلام برسان، و در زیارت من از طرف او، به من پاداش ده؛ ای مهربانترین مهربانان.

و میگویی: خدایا، همانا - فلانی فرزند فلانی - به امید ثواب فراوان و گریختن از حساب بد، مرا برای زیارت سرورش و سرور خودم فرستاد.(1)

میگویم: و دعا را تا پایان، همان گونه که ما به طور جداگانه از کتاب التهذیب بیرون کشیدهایم، ادامه داده است.

سپس سیّد - که خدا بر او رحمت کند، - و دیگران گفتهاند: هرگاه خواستی از طرف برادرت یا پدرت یا مادرت یا خویشان سببی یا نسبی یا دیگران، زیارت مستحب به جای آوری، پس به روشی که برای سلام دادن دستور داده شده است، به

1- . مصباح الزائر: 266-267

امام علیه السلام سلام بده، و بعد از فارغ شدن، دو رکعت نماز بگزار، و وقتی سلام نماز را دادی، بگو: خدایا، برای تو نماز گزاردم، و برای تو رکوع و سجده نمودم، چرا که نماز جز برای تو سزاوار نیست؛ خدایا، ثواب زیارتم و این دو رکعت نمازم را هدیهای از طرف خودم برای سرورم فلان امام فرزند فلان امام علیه السلام، به نیابت از - فلانی فرزند فلانی - قرار دادم؛ پس آن را از من بپذیر، و برای آن به من پاداش ده، که به راستی تو بر هر چیزی توانایی.

و اگر خواستی از طرف تمام برادران مؤمن خودت، و از طرف تمام کسانی که تو را به زیارت از طرف او و دعا برای او سفارش کردهاند، به طور مستحبی زیارت کنی، پس امامی را که در کنار او هستی، زیارت کن و با آن، قصد نیابت کن و دو رکعت نماز بگزار و بگو: خدایا، من این زیارت را به جای آوردم، و این نماز و این دو رکعت را گزاردم، و ثواب آن دو را هدیهای از طرف خودم برای سرورم - فلانی فرزند فلانی - به نیابت از تمام برادران و خواهران ایمانیام، و به نیابت از تمام کسانی که مرا به زیارت و دعا برایش سفارش کردهاند، قرار دادم؛ خدایا، آن را از من و از آنان بپذیر، به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان.

پس تو اگر به یکی از آنان بگویی: همانا من از طرف تو نماز گزاردم و زیارت کردم و بر امام سلام دادم، در گفتار خودت راستگو بودهای.

و اگر از طرف دیگری نائب بودی، بعد از زیارت و نماز و دعا بگو: خدایا، هر سختی و پیشامد و گرسنگی و رنجوری به من رسید، به خاطر آن، به - فلانی فرزند فلانی - پاداش ده، و به من به خاطر نیابت از او پاداش عطا کن؛ سلام بر تو ای سرور من از جانب - فلانی فرزند فلانی -، از طرف او به زیارت تو آمدم؛ پس برای من در نز پروردگارت شفاعت کن. و برای او و تمام مؤمنان دعا میکنی. هنگام وداع نیز همین گونه عمل میکنی.(1)

ق: اگر بیرون آمدن تو برای زیارت قبرهای آنان به خاطر خودت نباشد، بلکه اجیر از طرف یکی از برادرانت باشی، بگو:

1- . مصباح الزائر: 265

خدایا، بر محمد و خاندان پاک او درود فرست، و ثواب و پاداش تمام چیزهایی که در این سفر، از آغاز تا برگشتن به من رسید یا میرسد، از سختی و پیشامد و بیماری و حادثه بد در دارایی و هزینه، و هر غم و اندوه و دشواری و جز آن، که باعث به دست آمدن ثواب، و واجب شدن نیکی میگردد، و گناهان و بدیها و اشتباهات را پاک میکند، تا اینکه به این زیارتگاه، که آن را ارزشمند، و احترامش را بزرگ گرداندی، رسیدم، برای - فلانی فرزند فلانی - قرار ده؛ همان کسی که مرا برای (زیارت) آن حضرت و از جانب خودش و با مال و هزینه اش به اینجا فرستاد؛ به راستی که تو دلسوز و مهربان، و بر هر چیزی توانا، و مهربانترین مهربانان هستی؛ و خداوند بر محمد، آخرین پیامبران، و بر خاندان پاک و وارسته او درود فرستد.(1)

1- . مصباح الزائر: 265

اشاره

آراستن میّت و نزدیک کردن او به زیارتگاههای مقدّس(1)

روایات:

1. الکافی: محمد فرزند مسلم گفته است: از امام باقر علیه السلام شنیدم میفرمود: وقتی زمان وفات امام حسن علیه السلام فرا رسید، به امام حسین علیه السلام فرمود: ای برادرم، به تو یک سفارش میکنم، آن را به خاطر بسپار؛ وقتی من جان سپردم، مرا آماده کن و رویاروی رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار ده، تا پیمان خودم را با او تازه کنم؛ سپس به سمت مادرم علیها السلام برگردان؛ بعد از آن، بازگردان و در بقیع دفنم کن.(2)

2. الکافی: محمد فرزند حسن، و علی فرزند محمد مانند این را از سهل فرزند زیاد روایت کردهاند.(3)

میگویم: مثل این روایت با سندهای آن در باب شهادت آن حضرت علیها السلام گذشت؛ و ممکن است به این روایت برای مستحب بودن نزدیک کردن مردگان به زیارتگاههای شریف و ضریحهای پاک، استدلال شود؛ همان طور که در میان عموم مردم این گونه مرسوم است.

1- . این باب در چاپ تبریز یافت نشد.
2- . الکافی1: 300
3- . الکافی1: 302

ابواب زیارت فرزندان و یاران و نزدیکان امامان علیهم السلام، و دیگر مؤمنان، و ذکر مکانهای شریف

باب اول : زیارت فاطمه دختر امام موسی کاظم علیهما السلام در قم

روایات:

1. ثواب الاعمال، عیون الاخبار: پدرم و فرزند متوکل، از علی، از پدرش، از سعد پسر سعد روایت کرده و گفته است: از امام رضا علیه السلام در مورد فاطمه دختر امام موسی فرزند جعفر علیها السلام سؤال کردم، حضرت علیه السلام فرمود: هرکس آن بانو را زیارت کند، بهشت برای او خواهد بود.(1)

2. کامل الزیارات: مثل همین را از علی فرزند بابویه، از علی، از پدرش روایت کرده است.(2)

3. کامل الزیارات: پدرم و برادرم و گروهی دیگر، از احمد پسر ادریس و جز او، از عمرکی، از کسی که آن را نقل کرده است، از فرزند امام رضا علیه السلام نقل کرده است که فرمود: هر کس قبر عمهام را در قم زیارت کند، بهشت برای او خواهد بود.(3)

4. میگویم: در بعضی کتابهای زیارت دیدم علی فرزند ابراهیم از پدرش، از سعد، از امام رضا علیه السلام نقل کرده و گفته است: حضرت فرمود: ای سعد، پیش شما برای ما قبری وجود دارد؛ گفتم: فدای شما شوم، قبر فاطمه دختر امام موسی علیهما السلام؟ فرمود: آری؛ هر کس او را در حالتی که به جایگاهش شناخت داشته باشد زیارت نماید، بهشت برای او خواهد بود؛ پس وقتی کنار قبر

1- . ثواب الاعمال: ص 89؛ عیون الاخبار2: 267
2- . کامل الزیارات: 324
3- . کامل الزیارات: 324

آمدی، نزد سر حضرت و رو به قبله بایست، و سی و چهار مرتبه الله اکبر، و سی و سه مرتبه سبحان الله، و سی و سه مرتبه الحمد لله بگو؛ سپس بگو:

سلام بر آدم، برگزیده خدا، سلام بر نوح پیامبر خدا، سلام بر ابراهیم دوست خدا، سلام بر موسی همسخن خدا، سلام بر عیسی روح خدا، سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای بهترین آفریدگان خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای محمد فرزند عبداللّه آخرین پیامبران، سلام بر تو ای امیرالمؤمنین علی فرزند ابیطالب، جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای فاطمه سرور بانوان جهانیان، سلام بر شما ای دو فرزندزاده پیامبر رحمت، و دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای علی فرزند حسین، سرور عبادت کنندگان، و روشنی چشم بینندگان، سلام بر تو ای محمد فرزند علی، شکافنده دانش پس از پیامبر، سلام بر تو ای جعفر فرزند محمد، راستگوی نیکوکار امانتدار، سلام بر تو ای موسی فرزند جعفر، امام پاک و پاکیزه، سلام بر تو ای علی فرزند موسی، امام پسندیده، سلام بر تو ای محمد فرزند علی، امام پرهیزکار، سلام بر تو ای علی فرزند محمّد، وارسته اندرزگوی امانتدار، سلام بر تو ای حسن فرزند علی، سلام بر جانشین پس از او؛ خدایا، بر نورت، و چراغت، و نماینده نماینده ات، و جانشین جانشینت، حجّتت بر آفریدگانت درود فرست.

سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو ای دختر فاطمه و خدیجه، سلام بر تو ای دختر امیرالمؤمنین، سلام بر تو ای دختر حسن و حسین، سلام بر تو ای دختر ولیّ خدا، سلام بر تو ای خواهر ولیّ خدا، سلام بر تو ای عمّه ولیّ خدا.

سلام بر تو ای دختر موسی فرزند جعفر، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد؛ سلام بر تو، خدا بین ما و شما در بهشت آشنایی قرار دهد، و ما را در گروه شما محشور نماید، و بر حوض پیامبرتان واردمان کند، و به ما با جام جدّتان، از دست علی فرزند ابیطالب بنوشاند، درودهای خدا بر شما باد. از خدا میخواهم به ما درباره شما خوشحالی و گشایش بنمایاند، و ما و شما را در گروه جدّتان محمّد صلی الله علیه و آله گرد آورد، و معرفت شما را از ما باز نگیرد، به راستی او سرپرستی تواناست.

به درگاه خدا به سبب دوستی شما، و بیزاری از دشمنانتان، و تسلیم بودن به خدا، و خشنودی از آن، بدون اینکه چیزی را انکار کنم، یا در موردی سرکشی نمایم، و با یقین و رضایت به آنچه محمد آورده، به خداوند نزدیکی میجویم؛ به واسطه آن، روی رضایت تو را میطلبیم، ای پیشوای من؛ خدایا، و خشنودی تو و سرای آخرت را می خواهیم. ای فاطمه، درباره بهشت برایم شفاعت کن، به درستی که برای تو نزد خداوند، مقام والایی وجود دارد.

خدایا، از تو می خواهم که سرانجام کار مرا به خوشبختی ختم کنی، پس آنچه را که در آن واقع شدهام، از من مگیر، و هیچ نیرو و توانی جز به سبب خداوند والامرتبه بزرگ نیست. خدایا، ما را بپذیر، و این را به خاطر بزرگواری و عزتت، و به خاطر رحمت و عافیتت از ما قبول فرما؛ و خداوند بر محمد و خاندان او، همه آنان، درود و سلامی کامل فرستد؛ ای مهربان ترین مهربانان.

5. تاریخ قم: که برای حسین فرزند محمد قمی است، با سند آن از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: همانا برای خداوند حرمی وجود دارد و آن، مکه است؛ و برای فرستادهاش حرمی وجود دارد و آن، مدینه است؛ و برای امیرالمؤمنین حرمی وجود دارد و آن، کوفه است؛ و برای ما حرمی وجود دارد و آن، قم است؛ و به زودی بانویی از فرزندان من در آن دفن خواهد شد که اسمش فاطمه است؛ هر کس او را زیارت کند، بهشت برایش واجب میشود؛ حضرت علیه السلام این را زمانی فرمود که مادر امام موسی کاظم علیه السلام هنوز به او باردار نشده بود.(1)

6. و با سندی دیگر از آن حضرت، علیه السلام روایت شده است که فرمود: همانا زیارت آن بانو با بهشت برابری میکند.(2)

1- . تاریخ قم (ترجمه فارسی): 215؛ چاپ ایران، سال 1353
2- . تاریخ قم (ترجمه فارسی): 215؛ چاپ ایران، سال 1353

باب دوم : فضیلت زیارت عبدالعظیم حسنی، فرزند عبدالله؛ خداوند از او خشنود باد

روایات:

1. ثواب الاعمال: علی پسر احمد از حمزه پسر قاسم، از محمد عطار، از مردی از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده و گفته است: بر او وارد شدم، فرمود: کجا بودی؟ گفتم: امام حسین علیه السلام را زیارت کردم؛ فرمود: ولی اگر تو قبر عبدالعظیم را که پیش شما است، زیارت میکردی، همانند کسی که حسین فرزند علی، صلوات الله علیهما را زیارت کرده است، میبودی.(1)

2. کامل الزیارات: مثل همین روایت را علی فرزند بابویه از محمد عطار از بعضی از اهل ری، از امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده است.(2)

3. فهرست نجاشی: حسین پسر عبدالله از جعفر پسر محمد، از علی پسر حسین سعدآبادی، از برقی نقل کرده و گفته است: عبدالعظیم از ترس حاکم وارد ری شده بود و در سردابی در خانه یکی از شیعیان در کوچه بردگان ساکن شده بود، و در آن سرداب به عبادت خداوند میپرداخت، و روزها روزه میگرفت و شبها به نماز و دعا برمیخاست، و به صورت مخفیانه برای زیارت قبری که در مقابل قبرش بود، و میان آن دو راهی وجود داشت، بیرون میرفت و میگفت: او مردی از فرزندان امام موسی علیه السلام است، و همچنان در آن سرداب پناه میگرفت، و

1- . ثواب الاعمال: 89
2- . کامل الزیارات: 324

خبرش به یکی پس از دیگری، از شیعیان خاندان محمد، که بر او و بر آنان سلام باد، میرسید تا اینکه بیشتر آنان او را شناختند.

یکی از شیعیان، رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او فرمود: همانا مردی از فرزندان من از کوچه بردگان بر دوش حمل میشود و در کنار درخت سیب، در درب(1)

عبدالجبار فرزند عبدالوهاب - و به مکانی که در آن دفن شده است، اشاره کرد - دفن میگردد؛ از این رو مرد رفت تا درخت آن مرد و محل آن را از صاحبش بخرد؛ به او گفت: درخت و محل آن را برای چه چیزی میخواهی؟ پس او را از خواب خودش آگاه کرد؛ و صاحب درخت گفت که او نیز مثل این خواب را دیده است، و آن درخت را همراه تمام باغ، وقف برای سادات و شیعیان قرار داده است، تا - مردگان خود را - در آن دفن کنند؛ پس از این، عبدالعظیم بیمار شد و وفات نمود، خدا بر او رحمت فرستد؛ هنگامی که بدنش برای غسل کردن برهنه شد، در جیبش برگهای یافت شد که در آن، نسب خود را بیان کرده بود؛ در آن چنین آمده بود: من ابوالقاسم عبدالعظیم فرزند عبدالله، فرزند علی فرزند حسن فرزند زید فرزند حسن فرزند علی فرزند ابیطالب علیه السلام هستم.(2)

1- . در منبع اصلی، باغ عبدالجبار آمده است.
2- . رجال النجاشی: 173 (چاپ بمبئی)

باب سوم : فضیلت بیت المقدس

آیات:

- «سبحانَ الّذی أسری بعبده لیلاً مِن المسجدِ الحرامِ إلی المسجدِ الأقصَی الّذی بارَکنا حَولَه(1)».

{ منزّه

است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الأقصی- که پیرامون آن را برکت داده ایم- سیر داد، تا از نشانه های خود به او بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست. }

روایات:

1. امالی الطوسی: با اسناد برادر ابی دعبل، از امام رضا علیه السلام از طریق پدرانش از امیرالمؤمنین علیهم السلام روایت کرده که فرموده است: چهار تا از قصرهای بهشت در دنیا است: مسجدالحرام، و مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله، و مسجد بیت المقدس، و مسجد کوفه.(2)

2. ثواب الاعمال: از سکونی، از امام جعفر علیه السلام، از طریق پدرانش از علی علیه السلام روایت شده است که فرمود: نماز در بیت المقدس، هزار نماز، و نماز در مسجد اعظم، صد [هزار] نماز، و نماز در مسجد قبیله، بیست و پنج نماز، و نماز در مسجد کوچه، دوازده نماز، و نماز فرادای شخص در خانه، یک نماز حساب میشود.(3)

1- . اسراء/1
2- . امالی طوسی1: 379
3- . ثواب الاعمال: 29

محاسن: مثل همین را از نوفلی روایت کرده است.(1)

توضیح: در بعضی نسخهها، نماز در مسجد اعظم، صد هزار نماز بیان شده است؛ پس منظور از مسجد اعظم، مسجدالحرام است؛ و در بعضی نسخهها صد نماز آمده است، پس منظور از آن، مسجد جامع شهر است؛ و همین آخری، آشکارتر است.

3. تفسیر العیاشی: از جابر جعفی نقل شده که گفته است: امام محمد فرزند علی علیه السلام فرمود: ای جابر، افترای اهل شام در باره خداوند چقدر بزرگ است! میپندارند خداوند مبارک و والامرتبه آنگاه که به آسمان رفت، پای خود را روی سنگ بیت المقدس نهاد؛ در حالی که واقعیّت آن است که یکی از بندگان خدا پایش را روی سنگ گذاشته است و خداوند مبارک و والامرتبه به ما فرمان داده است آنجا را به عنوان نمازگاه برگزینیم.

ای جابر، همانا برای خداوند مبارک و والامرتبه، نمونه و همانندی وجود ندارد؛ از توصیف توصیفگران والاتر، و از پندار پندارگران بزرگوارتر است؛ و از دیدگان بینندگان در پوشش است؛ با نابود شوندگان نابود نمیشود؛ و با فرو شوندگان فرو نمیرود؛ چیزی مانند او نیست، و او شنوای دانا است.(2)

توضیح: ظاهراً منظور از «عبد» در عبارت، پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ چرا که پای مبارکش را در شب معراج بر روی آن نهاد(3)

و همان طور که مشهور است، از آنجا به آسمان عروج کرد؛ و احتمال دارد پیامبران یا جانشینان دیگر، علیهم السلام باشد؛ و در هر صورت، بر مستحب بودن نماز در آنجا دلالت دارد.

1- . المحاسن1: 55 و 57 (در حدیثهای جداگانه)
2- . تفسیر العیاشی1: 59
3- . ولی ظاهراً منظور از «حجر» {سنگ}، مقام ابراهیم است و اثر پای شریف او بر روی آن است و خداوند عز وجل در کلام خود، که فرموده است: «و اتخذوا من مقام ابراهیم المصلی» {در مقام ابراهیم، نمازگاهی

برای خود اختیار کنید. }، به ما فرمان داده است که آن را به عنوان محل نماز برگزینیم.

سید پسر طاووس - که خداوند روانش را پاک گرداند، - گفته است: ذکر زیارت قبرهای فرزندان امامان، که درود و سلام خداوند بر آنان باد، این گونه است:

هرگاه خواستی یکی از آنان، مانند قاسم فرزند امام کاظم علیه السلام، یا عباس فرزند امیرالمؤمنین علیه السلام، یا علی فرزند حسین علیه السلام، کشته شده در بیابان کربلا، و هر کسی که در حکم آنان باشد، را زیارت نمایی، روبروی قبر هر کسی از آنان، صلوات الله علیهم، که زیارت میشود، بایست و بگو:

سلام بر تو ای پیشوای وارسته، پاک دوستدار، و دعوت کننده مهربان؛ گواهی میدهم که تو حقیقت را گفتی، و از حقیقت و راستی سخن راندی، و در آشکار و نهان، به سوی سرورت و سرور من فرا خواندی، پیرو تو رستگار شد،(1)

و تصدیق کننده تو نجات یافت، و دروغ پندارنده تو، و نافرمانی کننده از تو درباخت و زیانکار شد؛ در مورد این گواهی من، برایم گواه باش تا از دست یافتگان به معرفت و فرمانبرداری تو، و تصدیق و پیروی از تو باشم؛ و سلام بر تو ای پیشوا و فرزند پیشوای من؛ تو آن درِ خداوند که از آن درآیند، و از آن بازگردند، هستی؛ برای زیارت به سوی تو آمدهام، و خواستههایم در امانت توست، و این من هستم که دین و امانت خودم، و پایان کارهایم، و تمام آرزوهایم، تا زمان مرگم را به تو میسپارم؛ و سلام بر تو، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد.(2)

(زیارت دیگری) با این زیارت نیز آن بزرگواران، که سلام خداوند بر آنان باد، زیارت میشوند؛ میگویی:

1- . یاور تو رستگار شد. خ
2- . مصباح الزائر: 260

سلام بر جد تو، مصطفی؛ سلام بر پدر تو، مرتضی پسندیده؛ سلام بر دو پیشوا، حسن و حسین؛ سلام بر خدیجه، سرور زنان جهان؛ سلام بر فاطمه، مادر امامان پاک؛ سلام بر جانهای پرافتخار، دریاهای انباشته دانشها، واسطههایم در آخرت، و دوستدارانم هنگام برگشتن روح به استخوانهای پوسیده، امامان آفریدگان، و حاکمان راستین؛ سلام بر تو ای انسان برجسته و گرامی و پاک و بزرگوار؛ گواهی میدهم که هیچ خدایی جز الله وجود ندارد، و اینکه محمد بنده و برگزیده اوست، و اینکه علی دوستدار و انتخاب شده اوست؛ و اینکه امامت تا روز جزا منحصر در فرزندان اوست؛ این را به صورت یقینی میدانیم، و ما بر آن باور داریم، و در یاری آنان کوشا هستیم.(1)

توضیح: میگویم: شیخ مفید، که رحمت خدا بر او باد، در المزار، زیارت نخست را برای فرزندان امامان علیهم السلام بیان کرده است. و نیز آگاه باش که زیارت زیارتگاههای منسوب به فرزندان امامان هدایتگر و عترت پاک و خویشان آنان، که درود خداوند بر آنان باد، و فرود آمدن در آنها مستحب است؛ چرا که در بزرگ داشتن آنان، بزرگ داشتن امامان و گرامی داشتن آنان نهفته است؛ و اصل درباره آنان، ایمان و نیکویی است، مگر اینکه خلاف این دو درباره آنان دانسته شود؛ مانند جعفر کذاب و همانندان آن؛ ولی کسی که در میان آنان به بزرگواری شناخته شده است، و به نیکویی معروف گشته است، جعفر فرزند ابیطالب علیه السلام است که در موته دفن شده است؛ و فاطمه دختر امام موسی کاظم علیهما السلام که در قم دفن شده است؛ و عبدالعظیم حسنی، که خداوند از او راضی باد، و قبر او در ری است؛ و فضیلت زیارت این دو پیش از این گفته شد؛ و علی فرزند امام جعفر علیه السلام که در قم دفن شده است و بزرگواری او مشهورتر از آن است که نیاز به بیان داشته باشد؛ و اما مدفون بودن او در قم در کتابهای معتبر بیان نشده است، ولی اثر قبر او از قدیم وجود داشته و اسم او بر روی آن نوشته شده است.

1- . مصباح الزائر: 261

و اما غیر از اینها، فضیلت بعضی از آنان، آنچنان که از حال آنان در خبرها به دست میآید، گمان میرود؛ و بعضی از آنان هستند که از بررسی آثار، بدی پندار و کردار آنان احتمال داده میشود؛ مانند فرزندان امام حسن علیه السلام که خروج کردند و چیزی را که برای آنان نبود، ادعا نمودند؛ مانند محمد و ابراهیم، که دو فرزند عبدالله، فرزند امام حسن علیه السلام بودند، و غیر این دو نفر؛ و مانند فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام که در برابر امام رضا علیه السلام به مخالفت برخاستند و آن حضرت را پیش قاضی بردند؛ و مانند موسی المبرقع، فرزند امام جواد علیه السلام که در قم دفن شده است، و در بعضی خبرها، آنچنان که پیش از این گذشت، مورد نکوهش واقع شده است. ولی عیب گرفتن در مورد آنان به صرف روایات کمیاب شایسته نیست؛ علاوه بر اینکه در روایت از طعنه زدن در مورد آنان و بیاحترامی کردن به ایشان نهی شده است.

و البته سخن مفصل درباره آن، در باب احوال زید فرزند علی، امام زین العابدین علیهما السلام پیشتر گذشت. و حال هریک از آنان با توجه به آنچه از روایتها به دست میآید، در بابهای تاریخ امامان برگزیده، پیش از این بیان شد، و در اینجا به خاطر دوری از تکرار، دوباره نمیآوریم.

و قاسم فرزند کاظم، که سید بیان کرده است، قبرش نزدیک غری، و معروف است. ولی در مورد نحوه زیارت آنان، روایت مخصوصی در این باره وارد نشده است، و میتوان با آنچه در زیارت سایر مؤمنان آمده است، زیارتشان نمود؛ و نیز میتوان آنان را با صیغه مخاطب، آن گونه که در بیان فضیلت آنان و توسل جستن و شفاعت خواستن از آنان و پدران پاک آنان علیهم السلام بر زبان جاری میشود، زیارت کرد.

و همین طور زیارت مرقدهای منسوب به پیامبران علیهم السلام، مانند ابراهیم و اسحاق و یعقوب و ذیالکفل و یونس و دیگران، که درود خداوند بر همه آنان باد، مستحب است. و همین طور زیارت هر کسی از یاران بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله که فضیلت و والایی جایگاه و مرقد و قبر او معلوم باشد، مستحب است؛ مانند سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و حذیفه و جابر انصاری.

و همین طور یاران بزرگ هر یک از امامان علیهم السلام، که حالشان از طریق کتابهای رجال شیعه معلوم شده است؛ مانند میثم تمار و رشید هجری و قنبر و حجر فرزند عدی و زراره و محمد فرزند مسلم و برید و ابابصیر و فضیل فرزند یسار و امثال آنها، اگر به محل قبر آنان آگاهی وجود داشته باشد.

و همین طور حدیث شناسان و دانشمندان مشهور شیعه، که آثار و دانشهای امامان پاک را نگاه داشتهاند؛ مانند مفید و شیخ طوسی و دو سید بزرگوار مرتضی و رضی، و علامه حلی و دیگران، که خداوند از آنان خشنود باد. و قبرستانهای قم از بزرگان و حدیث شناسان پر است، و بزرگ داشتن آنان به منزله بزرگ داشتن دین است، و گرامی داشتن آنان، به منزله گرامی داشتن امامان پاک است؛ درود خداوند بر همه آنان باد.

ص: 355

باب پنجم : زیارت سلمان فارسی، که خداوند از او خشنود باد، و نمایندگان حضرت قائم، علیه السلام

1. سید، که خداوند روانش را پاک گرداند، گفته است: هرگاه خواستی او را زیارت کنی، روبروی قبر او میایستی و رو به قبله میکنی و میگویی: سلام بر فرستاده خدا، محمد فرزند عبدالله، آخرین پیامبران؛ سلام بر امیرالمؤمنین و پیشوای جانشینان؛ سلام بر امامان پاکباخته اهل کمال؛ سلام بر فرشتگان نزدیکی یافته؛ سلام بر تو ای همنشین فرستاده امانتدار خدا؛ سلام بر تو ای دوستدار امیرالمؤمنین؛ سلام بر تو ای به امانت دارنده اسرار پیشوایان پربرکت؛ سلام بر تو ای باقیمانده خدا از میان نیکان پیشین؛ سلام بر تو ای اباعبدالله، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد.

گواهی می دهم که تو خدا را آن گونه که به تو فرمان داد، فرمان بردی؛ و از فرستاده او آن طور که تو را فرا خواند، پیروی نمودی؛ و جانشینش را آن گونه که بر تو الزام کرده بود، ولیّ خودت قرار دادی؛ و به نکوداشت فرزندانش دعوت کردی، آنچنان که تو را آگاه ساخت؛ و حق را به یقین دانستی، و آن چنان که فرمان داده شده بودی، به آن اعتماد کردی؛(1)

گواهی می دهم که تو درگاه جانشین برگزیده خدا، و راه حجّت پسندیده خدا، و امانتدار خدا در آنچه از علوم برگزیدگان به تو سپرده شده است، هستی.

گواهی می دهم که تو از اهل بیت پیامبر، آن شرافتمندان برگزیده برای یاری جانشین او هستی؛ گواهی می دهم که تو دارنده درجات دهگانه ایمان، و استدلالها

1- . آن چنان که به تو الهام کرده بود، باور پیدا کردی. خ ل

و دلایل مغلوب کننده هستی؛ و تو نماز را به پا داشتی، و زکات را دادی، و امر به معروف و نهی از منکر نمودی؛ و امانت را ادا کردی، و برای خدا و فرستادهاش خیرخواهی نمودی، و در کنار او، بر آزار مردم صبر کردی، تا مرگ به سراغ تو آمد.

خداوند، بر کسی که حق تو را انکار کرد، و از مقام تو کاست، لعنت کند؛ خداوند، برکسی که تو را در راه سرورانت آزرد، لعنت کند؛ خداوند بر کسی که تو را به خاطر اهل بیت پیامبرت به زحمت افکند، لعنت کند؛ خداوند بر کسی که تو را در راه سرورانت سرزنش نمود، لعنت کند؛ خداوند، دشمن خاندان محمّد را، چه از جن باشند و چه آدمی، از پیشینیان و پسینیان، لعنت کند، و عذاب دردناک را بر آنان دوچندان گرداند.

خداوند بر تو ای اباعبداللّه، درود فرستد؛ خداوند بر تو ای یار رسول خدا، درود فرستد؛ خداوند بر او و خاندانش، و بر تو ای دوستدار امیرالمؤمنین درود فرستد؛ و خداوند بر روح پاکیزه، و پیکر پاک تو درود فرستد؛ و خداوند هنگامی که ما را می میراند، به منّت و مهربانی خودش، ما را به تو و به جایگاه سروران بابرکت ملحق سازد؛ و ما را همراه آنان و در کنار ایشان در بهشتهای پرنعمت گرد آورد.

خداوند بر تو ای اباعبداللّه درود فرستد؛ و خداوند بر برادران شیعه نیکوکار تو، از گذشتگان سعادتمند، درود فرستد؛ و نسیم رحمت و خشنودی را، بر بازماندگان از اهل ایمان، وارد کند؛ و ما و آنان را به کسانی از خانواده پاک، که او دوست داشت، ملحق نماید؛ و سلام و رحمت خدا و برکتهایش بر تو و بر آنان باد.

آنگاه سوره «انّا انزلناه فی لیله القدر» را هفت مرتبه بخوان، سپس هرچه خواهی نماز مستحبّ به جای آور. چون خواستی با وی، که رحمت خدا بر او باد، وداع کنی، این وداع باید به گونه وداعی که در دنباله زیارتهای آنان بیان میکنیم، باشد؛ خداوند از او خشنود باد.(1)

1- . مصباح الزائر: 261

میگویم: این زیارت را به نقل از خط علی فرزند سکون، که خداوند روانش را پاک گرداند، یافتم؛ و بعد از عبارت «بر فرشتگان نزدیکی یافته» افزوده است: سپس دست چپ خود را بر روی آن بگذار و بگو.

2. سیّد، که رحمت خداوند بر او باد، سپس گفته است:

زیارت دیگر برای سلمان فارسی؛ در زیارت دوم میگویی:

سلام بر پیشوای ما محمد، آخرین پیامبران، و بر خاندان او، امامان پاکان؛ سلام بر همه پیامبران خدا و فرشتگان نزدیکی یافته، و بندگان نیکوکار او؛ سلام بر تو ای بنده نیکوکار، و باورمند و وارسته و اندرزگو؛ سلام بر کسی که ایمانش را با اهل بیت پاک درآمیخت، و اسلامش او را از تمام کافران و مشرکان به دور داشت.

سلام بر تو ای اباعبدالله و جانشین او،(1)

و ای یار رسول خدا و برگزیده او؛ سلام بر تو ای فرمانبردار و عبادتگر و فروتن و پارسا؛ سلام بر تو ای سلمان، و رحمت خدا و برکتهایش نثار تو باد. گواهی میدهم که تو با نیکویی زندگی کردی، و نیکبخت از دنیا رفتی، هیچ پیمانی را نشکستی، و هیچ بندی از شرع را باز نکردی، و هیچ بدی را نپسندیدی، و هیچ خوبی را بد نشمردی، و هیچ مخالفی را به دوستی نگرفتی، و با هیچ دوستی به مخالفت نپرداختی، و دین خود را به دنیایت نفروختی، و زودگذر را بر آنچه جاودانه میماند، ترجیح ندادی.

و گواهی میدهم که تو در حال پایبندی به روش نیکوی آخرین پیامبران، و دوستی امیرالمؤمنین، و اهل بیت پاک، از دنیا رفتی؛ و گواهی میدهم که تو به سوی ستودهترین همسایگی، و نیکبختترین منزلگاه کوچ کردهای؛ پس خداوند نعمت همیشگی، و بزرگواری پیاپی خودش را گوارای تو نماید؛ و تو را در گروه سروران پاک، و امامان بزرگوارت قرار دهد؛ و مرا از زیارت تو، و اخلاص در محبت به تو، سود رساند؛ و ما را در منزلگاه جاودانه رحمت، و محل بخشیدن نعمت گرد آورد؛ به راستی که او بر آن توانا است.

1- . و دوستدار او. خ ل

خدایا، به حق محمد و خانواده پاک و هدایتگر او، از تو درخواست میکنم که بر همه آنان درود فرستی، و بزرگواری و نعمت رساندن و پیاپی ساختن نیکی و سپاسداشتن را بر بندهات سلمان دوچندان کنی؛ همان کسی که او را با اسلام و ایمان، و نزدیک بودن با پیامبرت و جانشین او علیهما السلام، گرامی کردی؛ و میخواهم که زیارت او را کفاره گناهان من، و باعث پاک شدن از عیبهایم، و افزونی در باور من، و محکم کننده ایمانم قرار دهی؛ و سرانجام کار مرا در دنیا و دین من نیکو سازی؛ و من و پدر و مادرم و خانوادهام را بیامرزی؛ به راستی که تو بر هر چیزی توانا هستی؛ و خدا برای ما بس است، و او چه نیکو حمایتگری است، چه نیکو سرور و چه نیکو یاوری است.

سپس سوره «إنا أنزلناه فی لیله القدر» را میخوانی و دو رکعت نماز میگزاری و به دلخواه خودت دعا میکنی، که امید است به خواست خداوند والامرتبه، مورد اجابت واقع شود.(1)

زیارت سوم برای سلمان؛ رحمت خدا بر او باد.

سلام بر تو ای دوستدار مورد اطمینان، و برگزیده نگهدارنده اسرار، و دارنده(2)

حق در طول زمان، درک کننده دانش پیشینیان، و پوشیده دارنده دانش پسینیان، راهنمایی شده به سوی پیامبر با نشانهها و توصیفها، و ویژگیها و وقتها، تا اینکه (پیامبر) هنگام فرار رسیدن ترس و بیم جان سپردن، همراه بشارت نزدش آمد، پس بشارت مسلمانان به او، و راهنمایی ایشان به سوی او را به وی رساند، و پیامبر خاتم را در میان دو بازوی خود مشاهده کرد، و کلیدهای دنیا و آخرت در دستان او بود، و (نیز پیامبر او را) به جانشینان بعد از خودش، که برپادارنده پیمان او هستند (بشارت داد)، آنگاه که او را از خبرهای رسیده از گذشتگان در دورههای پیشین آگاه ساخت؛ پس پیامبر صلی الله علیه و آله، به خاطر برتری دادن تو بر یارانش، تو را از خانواده و خویشان خود قرار داد، زیرا تو نخستین آنان در پیشگامی در شناخت او، و واپسین آنان در اظهار آن، و در حقیقت،

1- . مصباح الزائر: 262

2- . خواهنده. خ ل

بیشترین دعوت کننده آنان به سوی او بودی.(1)

از این رو، ما به زیارت تو آمدهایم، و نعمتهای فراوان خداوند را یاد میکنیم، و این از روی اشاره به رحمت او، و اعتراف به نعمتش است.

پس، از خداوندی که تو را برای راستی در دین، و پیروی از نیکان بزرگواران ویژه گرداند، درخواست میکنم که مرا بر زندگی تو زنده بدارد، و بر مرگ تو بمیراند، در حالی که آنچه را تو زشت شمردی، زشت بشمرم، و هر کس را که تو با آن مخالفت نمودی، رد نمایم. و سلام بر تو، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد.(2)

زیارت چهارم برای سلمان فارسی؛ خداوند از او خشنود باشد و او را خشنود گرداند.

سلام بر تو ای اباعبدالله سلمان، سلام بر تو ای پیرو برگزیده خداوند بخشایشگر، سلام بر تو ای کسی که از اهل ایمان متمایز گشت، سلام بر تو ای کسی که با گروه شیطان مخالفت نمود، سلام بر تو ای کسی که به راستی سخن گفت، و از هیبت پادشاه ستمگر ترسی به خود راه نداد، سلام بر تو ای کسی که بندگان بتها را در هم کوبید، سلام بر تو ای بهترین کسی که از جانشین رسول خدا، و همسر سرور بانوان، پیروی نمودی.

سلام بر تو ای کسی که همراه پیامبر، و جانشین او، پدر دو فرزندزاده پیامبر،(3)

بدون اینکه تردید به خود راه دهی، در راه خدا جهاد نمودی؛ [سلام بر تو ای کسی که راستی ورزید، ولی گروههایی او را دروغین انگاشتند؛] سلام بر تو ای کسی که پیشوای آفریدگان، از آدمیزاد و جن، دربارهاش فرمود: تو از ما اهل بیت هستی، که هیچ انسانی به مقام تو نمیرسد؛ سلام بر تو ای کسی که کار کفن کردن و به خاک سپردنش هنگام وفات را، ابوالحسنان(4)

{پدر امام حسن و امام حسین } بر عهده

1- . بیشترین رعایت کننده حق او. خ

2- . مصباح الزائر: 262
3- . أبى السبطان. خ ل
4- .أبو الحسنين. خ ل

گرفت؛ سلام بر تو ای کسی که از او با هر نیکی پاداش داده شد؛ سلام بر تو، و البته تو بر بهترین دینها پایبند بودی؛ سلام بر تو، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد.

ای اباعبدالله، به زیارت تو آمدهام تا حق امام را در تو به جای آورم، و از آزمون موفق تو در راه اسلام سپاسگزاری نمایم؛ پس، از خداوندی که تو را برای راستی در دین، و پیروی از نیکان بزرگواران ویژه گرداند، درخواست میکنم که مرا به گونه زندگی تو زنده بدارد، و به گونه مرگ تو بمیراند، و به گونه تو محشور نماید، در حالی که آنچه را که تو زشت شمردی، زشمت بشمرم، و از هر کس که تو جدا گشتی، جدایی گزینم، و هر کس را که با تو مخالفت کرد، رد نمایم؛ هان، لعنت خداوند بر ستمکاران، از پیشینیان و پسینیان باد؛ پس ای اباعبدالله، برای این خواهش و زیارت من، در نزد امام من و امام تو، گواه باش؛ و خداوند، من و شما و ایشان را در منزلگاه رحمت خودش گرد آورد؛ و از روی نیکویی و بخشش خودش، ما و آنان و همه مردان و زنان با ایمان را در بهشتهای پر نعمت جای دهد.

سپس نماز زیارت یا هر نماز دیگری که خواستی، بخوان؛ و برای خودت و مؤمنان از خداوند بسیار دعا کن؛ و وقتی تصمیم بر بازگشت از زیارت او گرفتی، روبروی او برای وداع بایست و بگو: سلام بر تو ای اباعبدالله، تو آن درب خداوند هستی که از آن درآیند و باز روند؛ گواهی میدهم که تو حقیقت را بیان کردی، و با راستی فرا خواندی؛ و در آشکار و نهان به سوی سرورت که سرور من نیز هست، فرا خواندی؛ به زیارت تو آمدم، و خواستههای من امانت برای توست؛ و این منم، امانت گذاری که دین و امانتم، و پایان کارهایم، و تمام آرزوهایم تا زمان فرا رسیدن وقتم را به تو میسپارم؛ و سلام بر تو، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد؛ و خداوند بر محمد و خاندان برگزیده او درود فرستد. بعد از این، بسیار دعا کن و به خواست خداوند والامرتبه برگرد.(1)

توضیح: عبارت «صاحب العشره»، یعنی دهمین درجه از ایمان.

1- . مصباح الزائر: 263

به این دلیل که از امام صادق علیه السلام با سندهای آن روایت شده است که ایمان، ده درجه است؛ مقداد در هشتمین، و ابوذر در نهمین، و سلمان در دهمین درجه قرار دارد.(1)

عبارت «یا من تمیّز من أهل الإیمان» در بعضی متنها، به صورت «یا من لم یتمیّز» تصحیح شده است؛ پس منظور از «اهل ایمان»، اهل بیت علیهم السلام هستند. عبارت «أبو السبطان» به این شکل، به گونه حکایت است؛ مانند «أبو الحسنان».

سید، که رحمت خدا بر او باد، سپس گفته است: زیارت بابهای حضرت حجت صلوات الله علیه، که به شیخ ابیالقاسم حسین فرزند روح، که خداوند از او خشنود باد، منسوب است: بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بعد از آن، بر امیرالمؤمنین علیه السلام، و بر خدیجه کبری، و بر فاطمه زهرا، و بر امام حسن و اما حسین، و بر امامان علیهم السلام تا صاحب زمان صلوات الله علیه سلام میدهی و بعد، میگویی:

سلام بر تو ای فلانی فرزند فلانی؛ گواهی میدهم که تو باب ولیّ خدا هستی که از جانب او و به سوی او امانت را به جا آوردی، و با او مخالفت ننمودی و بر سر آن مخالفت نکردی؛ به طور ویژه به پا خاستی، و به صورت پیشگام روانه شدی؛ با شناخت به حقی که تو بر آن پایبند هستی، به سوی تو آمدم؛ و گواهی میدهم که تو در ادای وظایف و پیام رسانی، خیانت نکردی؛ سلام بر تو، چه باب گستردهای، و چه پیامرسان امانتداری، و چه مورد اعتماد والا مقامی!

گواهی میدهم که خداوند تو را با نور خودش ویژه گرداند، تا اینکه شخص حضرت را به چشم دیدی، پس از جانب او و به سوی او امانت را بجا آوردی.

سپس برمیگردی و سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله تا صاحب زمان را از ابتدا میخوانی و بعد از آن میگویی: با حالت اخلاص به یکتایی خدا، و دوستی اولیای او، و بیزاری از دشمنان آنان، و از کسانی که با تو مخالفت کردند ای

1- . این روایت در خصال الصدوق2: 213-214 (چاپ اسلامیه)؛ روضه الواعظین(از فتال نیشابوری): 213-214 (چاپ حیدری، سال 1386 ه-. ق) نیز آمده است.

حجت از سوی مولای ما، به سوی تو آمدم؛ و خدایا به سوی تو روی میآورم،(1) و به سبب آنان به تو توسل میجویم. سپس دعا میکنی و آنچه را که دوست داری، از خداوند میخواهی، اگر خداوند والامرتبه بخواهد، اجابت میفرماید.

میگویم: در بعضی متنهای قدیمی از نوشتههای اصحابمان، زیارت سرورمان، ابومحمد عثمان فرزند سعید عمروی اسدی را یافتم:

سلام بر تو ای بنده نیکوکار، خیرخواه برای خدا و فرستادهاش و دوستدارانش، و تلاشگر در راه خدمت فرمانروایان آفریدگان، امانتداران خدا و برگزیدگان او؛ سلام بر تو ای بزرگترین باب، و پایدارترین راه، و بزرگوارترین دوستدار؛ سلام بر تو ای تاجدار شده با نور پیشوایی، و لباس پوشانده با جامههای مهدوی، و اختصاص یافته به اسرار احمدی، و روشنایی های علوی، و فرزندان فاطمی؛ سلام بر تو ای روشنی چشمها، و راز پوشیده؛ سلام بر تو ای گشایش دلها، و پایان خواستنیها؛ سلام بر تو ای خورشید مؤمنان، و پایه پیروان دور افتاده؛ سلام بر سرپرست یتیمان، و ستون سروران بزرگوار؛ سلام بر دستاویز به سوی راز خدا در میان آفریدگان، و جانشین ولیّ گشاینده و بسته کننده خدا.

سلام بر تو ای نماینده پایه های اسلام، و شکوه روزها، و حجتِ خداوندِ فرمانروای بسیار آگاه، بر خاص و عام، جدا کننده بین حلال و حرام، و نور درخشان، و بزرگی تابان در هر مکان و جایگاه.

سلام بر تو ای نماینده بازمانده پیامبران، و برگزیده خدای آسمان، و اختصاص یافته به والاترین مراتب فرمانروایی بزرگ، نجات دهنده از تمام هلاکتگاههای نابود کننده، دارای پرچم یاری شده، و دانش گسترده گشته، و دانش پوشیده، و بزرگترین راه روشن، و بزرگترین دلیل، فرزند پاکان، و نسل فرستادگان، و فرزند آخرین پیامبران، و نشاط عبادتگران، و ستون یکتا پرستان، و میراثدار برگزیدگان پاکان؛ خداوند بر آنان درود فرستد، درودی که تمام نشود، هرچند روزگار به پایان رسد، و دگرگون نشود، هرچند زمان و دوره دگرگون گردد.

1- . و روی آوردن به واسطه آنان به سوی خداوند، و توسل من، به وسیله توست. خ ل

خدایا، من پیش از خواستهام، اعتراف خودم به یکتایی تو، و به پیامبری محمد، و امامت علی، و معصوم بودن فرزندان این دو و واجب بودن اطاعتشان، را پیش میاندازم؛ و با این دوستدار کمال یافته، و سرور درستکار، ابی محمد عثمان فرزند سعید، با شفیع قرار دادن او، دستاویز خداوند میشوم که برای من در نزد شفاعت کنندگانش، و دوستان و وارستگانش واسطه شود، تا مرا از ناخوشیهای دنیا و آخرت نجات دهند.

خدایا، به واسطه بندهات عثمان پسر سعید، به تو متوسل میشوم، و او را پیشاپیش خواستههایم پیش میاندازم، که بر محمد و خاندان محمد و پیروان و دوستداران او درود فرستی، و گناهان بزرگ و اشتباهات مرا بیامرزی، و لغزشها و بدیهایم را بپوشانی، و سلامت ماندن از گرفتاریها را روزیام کنی؛ پس ای دوستدار خدا، برایم واسطه و سودمند، و پایه بلند و مدافع باش، که من آرزوهایم را به تو واگذاردم، و از تو برای سبک کردن بار گناهانم پیمان گرفتم، و به واسطه تو ای پیشوای من، در خواهش را کوبیدم، و پیامرسانی نیکو، و به دست آمدن رستگاری در حضور فریادرسی که بر آن تکیه کرده و به سوی او روی آورم، و خودم را در دامن او بیندازم، را از تو آرزوم کردم؛ و سلام بر تو، و رحمت خدا و برکتهای او نثار تو باد.

سپس نماز زیارت به جای آور و آن را به او و کسانی که در نمایندگی شریک او بودند، که خداوند بر همه آنان درود فرستد، هدیه کن؛ سپس به خواست خداوند والامرتبه، رو به او با وی وداع نما.

باب ششم : زیارت مؤمنان و آداب آن

روایات:

1. کامل الزیارات: عمرو پسر عثمان رازی گفته است: از امام کاظم علیه السلام شنیدم میفرمود: هرکس نمیتواند ما را زیارت کند، پس دوستداران نیکوکار ما را زیارت نماید، که ثواب زیارت ما برای او نوشته میشود؛ و هرکس نمیتواند به ما بپیوندد، پس به دوستداران نیکوکار ما بپیوندد، که ثواب پیوستن به ما برای او نوشته میشود.(1)

2. کامل الزیارات: مثل همین روایت را از امام رضا علیه السلام روایت کرده است.(2)

3. کامل الزیارات: پدرم و کلینی و گروهی از بزرگان، از محمد پسر یحیی، از اشعری نقل کردهاند که گفته است: در فید بودم که به همراه علی پسر بلال به سوی قبر محمد پسر اسماعیل پسر بزیع رهسپار شدم. گفته است: علی پسر بلال به من گفت: صاحب این قبر، روایتی از امام رضا علیه السلام برایم نقل کرد که حضرت فرمود: هر کس به زیارت قبر برادر مؤمن خود بیاید، سپس دست خود را روی قبر بگذارد و هفت مرتبه سوره «إنا أنزلناه فی لیله القدر» را بخواند، در روز ترس بزرگ، یا روز ترس، در امان میماند.(3)

4. کامل الزیارات: محمد پسر حسین پسر مت جوهری، مثل همین روایت را از اشعری نقل کرده است؛ با این تفاوت که در آن آمده است: و رو به قبله نماید و

1- . کامل الزیارات: 319
2- . کامل الزیارات: 319
3- . کامل الزیارات: 319

دست خود را روی قبر بگذارد و هفت مرتبه سوره «إنا أنزلناه فی لیله القدر» را بخواند، از ترس بزرگ در امان میماند.(1)

5. کامل الزیارات: عبدالرحمن پسر ابیعبدالله گفته است: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: دستم را چگونه بر روی قبر مسلمانان(2) قرار دهم؟ حضرت با دستش به طرف زمین اشاره کرد و در حالی که رو به قبله بود، دستش را روی آن گذاشت.(3)

6. دعوات الراوندی: از داود رقی نقل کرده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: شخص بر قبر پدرش و فامیلش یا غیر فامیلش حاضر میشود، آیا برای او سودی دارد؟ فرمود: آری، همچنان که برای هریک از شما هدیه وارد میشود، آن هم برای او وارد میشود و با آن شادمان میگردد.

7. به امیرالمؤمنین علیه السلام گفته شد: به چه دلیل در کنار قبر حاضر شدهای؟ فرمود: همانا آنان را همسایگانی راستین میدانم که از بدی باز میدارند و آخرت را یادآور میشوند.

8. و ابن عباس گفته است: شخصی بر روی قبری خرگاه زد و ندانست که قبر چه کسی است؟ و «تبارک الذی بیده الملک» {بزرگوار [و خجسته] است آنکه فرمانروایی به دست اوست.} را خواند؛ پس ندایی شنید که میگفت: او نجات دهنده است. این را به پیامبر صلی الله علیه و آله بیان کرد؛ حضرت فرمود: او نجات دهنده از عذاب قبر است.

9. صفوان جمال گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم میفرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هر شب پنجشنبه در میان گروهی از یارانش به مزار مدینهایها میرفت و میفرمود: سلام بر شما ای ساکنین این دیار - سه مرتبه - ؛ خداوند بر شما رحمت فرستد - سه مرتبه - ؛ سپس رو به یارانش میکرد و میفرمود: اینها بهتر از شما هستند؛ آنان میگفتند: برای چه، ای رسول خدا؟ آنان ایمان آوردند، ما نیز ایمان آوردیم؛ آنان جهاد کردند، ما نیز جهاد کردیم !؟ حضرت می

1- . کامل الزیارات: 320
2- . مؤمنان. خ ل

3- . كامل الزيارات: 320

فرمود: همانا اینان ایمان آوردند و ایمان خود را با ستم نیالودند، و این گونه از دنیا رفتند، و من گواه بر آنان در این مسئله هستم؛ ولی شما بعد از من باقی میمانید، و نمیدانم بعد از من چه پیش خواهید آورد.(1)

10. کامل الزیارات: مسعده پسر زیاد، از امام جعفر صادق علیه السلام، و او از پدرانش علیهم السلام نقل کرده و فرموده است: علی امیرالمؤمنین همراه یارانش وارد گورستانی شد و ندا داد: ای اهل خاک، و ای اهل غربت، و ای اهل خاموشی، و ای اهل مردگی، خبرهای آنچه نزد ما وجود دارد، این است که داراییتان تقسیم شده، و زنان شما ازدواج کردهاند، و در خانههای شما دیگران ساکن شدهاند؛ از آنچه نزد شما وجود دارد، چه خبر؟ سپس رو به یارانش کرد و فرمود: به خدا سوگند، اگر به آنان اجازه سخن گفتن داده میشد، مطمئناً میگفتند: با هیچ توشهای مثل تقوا توشه گرفته نمیشود.(2)

توضیح: «خمود النار»، یعنی آرام شدن شعلههای آتش؛ و وقتی گفته میشود: «أخمد»، یعنی ساکن و آرام شد. «الهمود»، یعنی مرگ، و فرو مردن آتش، یا رفتن گرمای آن؛ و «الهامد»، یعنی پوسیده سیاه در هم.

11. النوادر: امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردگان خودتان را قبل از طلوع آفتاب زیارت کنید، صدای شما را میشنوند و به شما پاسخ میدهند؛ و اگر بعد از طلوع آفتاب زیارتشان کنید، صدای شما را میشنوند، ولی به شما جواب نمیدهند.(3)

12. کامل الزیارات: عبدالله پسر سنان گفته است: به امام صادق علیه السلام گفتم: بر اهل قبرها چگونه سلام دهم؟ فرمود: بلی؛ میگویی: سلام بر ساکنین مؤمن و مسلمان این سرزمین؛ شما برای ما پیشرو هستید، و ما به خواست خداوند به شما خواهیم پیوست.(4)

1- . کامل الزیارات: 320
2- . کامل الزیارات: 320
3- . نوادر: 126 (این خبر در کتاب چاپ تبریز، و نیز روایتی که از دعوات راوندی نقل شده است، یافت نشد.)
4- . کامل الزیارات: 321

13. کامل الزیارات: مثل همین روایت را از طریق پسر ابینجران از عبدالله پسر سنان، نقل کرده است.(1)

14. کامل الزیارات: پسر ابی المقدام از پدرش نقل کرده و گفته است: همراه امام باقر علیه السلام رهسپار بقیع شدم؛ پس به قبر مردی از شیعیان اهل کوفه برخورد کردم؛ به امام باقر علیه السلام گفتم: فدای شما شوم، این قبر یکی از شیعیان است؛ پس در کنار آن ایستاد و فرمود: خدایا، بر غربت او رحم کن، و بر تنهاییاش بپیوند، و وحشت او را انس ببخش، و ترس او را ایمنی ده، و از رحمت خودت آن مقدار بر او فرو بنشان که به واسطه آن، از رحمت غیر تو بینیاز گردد، و او را به کسی که دوستدارش بود، ملحق فرما.(2)

15. جرّاح مدائنی گفته است: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: سلام دادن بر اهل قبرها چگونه است؟ فرمود: میگویی: سلام بر مؤمنان و مسلمانان اهل این سرزمین، خداوند بر پیشرفتگان و در پیآیندگان شما رحم کند، و ما به خواست خداوند به شما خواهیم پیوست.(3)

16. برقی، مثل همین روایت را از پدرش، و او از نضر نقل کرده است.(4)

17. کامل الزیارات: در بعضی کتابها این مطلب را یافتم: محمد پسر سنان از مفضل(5)

نقل کرده و گفته است: هر کس کنار قبر مؤمنی هفت مرتبه سوره «إنا أنزلناه» را بخواند، خداوند به سوی او فرشتهای میگمارد که نزد قبر او خدا را عبادت کند، و ثواب آنچه را که فرشته انجام میدهد، برای آن مرده نوشته میشود؛ و هنگامی که برانگیخته میشود، بر هیچ حادثه هولناکی گذر نمیکند، مگر اینکه خداوند آن را به وسیله همان فرشته از او دور میکند، تا اینکه خداوند او را به وسیله همان فرشته وارد بهشت نماید؛ و همراه «إنا أنزلناه»، سوره حمد و فلق و

1- . کامل الزیارات: 321
2- . کامل الزیارات: 321
3- . کامل الزیارات: 321

4- . كامل الزيارات: 322
5- . فضيل. خ ل

ناس و «قل هو الله أحد» و آیه الکرسی، هریک را سه مرتبه و سوره «إنا أنزلناه» را هفت مرتبه میخواند.(1)

18. مصباح الزائر: مثل همین روایت را از مفضل نقل کرده است.(2)

19. کامل الزیارات: محمد پسر مسلم از امام صادق علیه السلام نقل کرده و گفته است: از او شنیدم که میفرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام گذشتن از کنار قبرها میفرمود: سلام بر شما که از سرزمین گروه مؤمنان هستید، و ما به خواست خدا به شما خواهیم پیوست.(3)

20. و با همین سند از پسر اورمه، از علی پسر حکم، از پسر عجلان نقل شده که گفته است: امام باقر علیه السلام در کنار قبر مردی ایستاد و گفت: خدایا، تنهایی او را بپیوند، و وحشت او را انس بخش، و از رحمت و مهربانی خودت، تا آنجا که از رحمت غیر تو بینیاز گردد، بر او فرو بریز.(4)

21. کامل الزیارات: علی پسر ابی حمزه گفته است: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: چگونه بر اهل قبرها سلام دهیم؟ فرمود: میگویی: سلام بر مردان و زنان مؤمن و مسلمان از اهل این سرزمین؛ شما پیشروهای ما هستید، و ما به خواست خداوند به شما خواهیم پیوست.(5)

22: کامل الزیارات: ابن نباته گفته است: امیرالمؤمنین علیه السلام بر گورستانی میگذشت، پس در جاده ایستاد و از سمت راست خود فرمود: سلام بر شما ای اهل قبرها از میان اهل کاخها؛ شما پیشروهای ما هستید، و ما دنبالهرو شماییم، و ما به خواست خداوند به شما خواهیم پیوست. سپس رو به سمت چپ نمود و مثل همین را فرمود.(6)

1- . کامل الزیارات: 322 (در متن این حدیث، این گونه آمده است: بعد از حمد، «إنا أنزلناه» را هفت مرتبه و «قل هو الله أحد» و آیه الکرسی را سه مرتبه سه مرتبه میخواند.)
2- . مصباح الزائر: 264 (در آن به جای مفضل، فضیل آمده است، و گویا از اشتباه نویسنده است.)
3- . کامل الزیارات: 322
4- . کامل الزیارات: 322

5- . كامل الزيارات: 322
6- . كامل الزيارات: 323

23: کامل الزیارات: ابی بصیر گفته است: امام صادق علیه السلام فرمود: هریک از شما که به کنار قبرها میرود، ابتدا سلام میدهد و سپس میگوید: سلام بر اهل قبرها؛ سلام بر هر کسی که در اینجا از مسلمانان و مؤمنان است؛ شما پیشروان ما هستید و ما دنبالهرو شماییم، و ما به شما خواهیم پیوست؛ و ما از آنِ خداییم و به سوی او باز میگردیم؛ ای کسانی که بعد از سکونت در کاخها، اهل قبرها شدهاید؛ ای کسانی که بعد از قرار گرفتن در نعمت فراوان، در قبرها قرار گرفتهاید؛ ای اهل قبرها، به سوی قبرها باز گشتید؛ طعم مرگ را چگونه یافتید؟ سپس میگویی: وای بر کسی که به سوی آتش باز گشته باشد. سپس اشک میریزد و بعد از آن، باز میگردد.(1)

24. و از همان کتاب، از مسلی نقل کرده که گفته است: امام صادق علیه السلام وقتی بر گورستان وارد میشد، میفرمود: سلام بر اهل بهشت.(2)

25: مصباح الزائر: اگر خواستی مؤمنان را زیارت کنی، شایسته است روز پنجشنبه باشد، و اگر نشد، در هر وقت که خواستی؛ و نحوه آن به این صورت است که رو به سمت قبله کنی و دستت را بر روی قبر بگذاری و بگویی: خدایا، بر غربت او رحم آور، و تنهایی او را بپیوند، و وحشت او را انس بخش، و از رحمت خود، رحمتی بر او فرو بفرست که که با آن، از رحمت غیر تو بینیاز گردد، و او را به کسی که دوستدارش بود، ملحق فرما. سپس هفت مرتبه سوره «إنا أنزلناه فی لیله القدر» را بخوان.(3)

26. و در توصیف زیارت مؤمنان، روایت دیگری از محمد پسر مسلم نقل شده که گفته است: به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا مردگان را زیارت کنیم؟ فرمود: آری؛ گفتم: آیا وقتی به زیارت آنان میرویم، میدانند؟ فرمود: آری، به خدا سوگند؛ قطعاً زیارت شما را میدانند و از شما خوشحال میگردند و به شما آشنایی و سلام میدهند. گفته است: گفتم: وقتی نزد آنان رفتیم، چه چیزی بگوییم؟ فرمود: بگو: خدایا، زمین را از پهلوهایشان خالی گذار، و روحهایشان را به سوی خود بالا

1- . کامل الزیارات: 323
2- . کامل الزیارات: 323
3- . مصباح الزیارات: 264

ببر، و از خشنودی خودت به آنان عطا کن، و با رحمت خودت به آنان آرامش ده، رحمتی که با آن، تنهاییشان را برطرف کنی، و [به وسیله آن] ترس آنان را همدم شوی، به راستی که تو بر هر چیزی توانا هستی.

و اگر در میان قبرها بودی، سوره «قل هو الله أحد» را یازده مرتبه بخوان و آن را به آنان هدیه کن؛ که روایت شده است خداوند به او به تعداد مردگان ثواب میدهد.(1)

27. من لا یحضره الفقیه: فاطمه سلام الله هر صبح شنبه کنار قبر شهدا میرفت؛ پس کنار قبر حمزه میرفت و برای او رحمت میفرستاد و طلب آمرزش مینمود.(2)

28. امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: هرگاه داخل قبرستان شدی، پای بر قبرها بفشار؛ پس اگر کسی مؤمن بود، از آن احساس راحتی میکند، و اگر کسی منافق بود، درد آن را احساس میکند.(3)

29. میگویم: در بعضی نوشتههای اصحابمان، نقلی از مفید یافتم که گفته است: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس یک آیه از کتاب خدا را در کنار مزار یکی از مسلمانان بخواند، خداوند ثواب هفتاد پیامبر را به او عطا میکند؛ و هر کس برای اهل قبرها رحمت بفرستد، از آتش رهایی مییابد، و خندان وارد بهشت میگردد.

30. و از آن حضرت، صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: هرگاه مؤمن، آیه الکرسی را بخواند و ثواب خواندن آن را برای اهل قبرها قرار دهد، خداوند متعال آن را بر قبر هر مردهای وارد میکند، و خواننده آن را به اندازه درجه شصت پیامبر بالا میبرد، و خداوند در ازای هر حرف، فرشتهای میآفریند که تا روز قیامت برای او تسبیح گوید.

31. و از امام حسین علیه السلام روایت شده است که فرمود: هر کس وارد قبرستان شود و بگوید: خدایا، ای پروردگار این روحهای فناپذیر، و پیکرهای از بین

1- . مصباح الزیارات: 264

2- . من لا يحضره الفقيه1: 114
3- . پيشين1: 115

رونده، و استخوانهای پوسیده ای که از دنیا خارج شدند، درحالی که به تو ایمان داشتند، نسیم رحمتی از جانب خود، و سلامی از من بر آنان وارد کن؛ خداوند برای او به تعداد آفریدگان از زمان آدم تا لحظه برپا شدن قیامت، نیکی مینویسد.

و این دعای علی علیه السلام برای اهل قبور است: به نام خداوند بخشایشگر مهربان؛ سلام بر اهل لا إله إلا الله؛ از اهل لا إله إلا الله؛ ای اهل لا إله إلا الله، به حق لا إله إلا الله، کلام لا إله إلا الله را، از لا إله إلا الله، چگونه یافتید؟ ای لا إله إلا الله، به حق لا إله إلا الله، هر کسی را که لا إله إلا الله بگوید، بیامرز؛ و ما را در گروه کسانی که لا إله إلا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله بگوید، محشور فرما.

علی علیه السلام فرمود: همانا از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم میفرمود: هر کس این دعا را بخواند، خداوند والامرتبه و منزه، ثواب پنجاه سال را برای او عطا میکند، و بدیهای پنجاه سال را از او برمیدارد؛ همین طور برای پدر و مادرش.

32. و روایت شده است بهترین چیزی که هنگام گذر بر قبرها گفته شود، این است که بایستی و بگویی: خدایا، آنچه را که دوست میداشتند، دوست آنان کن؛ و آنان را با کسانی که نسبت به آنان محبت داشتند، محشور نما.

33. و در کتاب عدّه گفته است: از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: هر کس داخل قبرستان شود و سوره یس بخواند، خداوند در آن روز بر آنها آسان میگیرد، و برای او به تعداد تمام کسانی که در آنجا قرار دارند، نیکی نوشته میشود.(1)

میگویم: سایر روایتهای مربوط به فضیلت زیارت مؤمنان و آداب آن، پیشتر در بابهای جنائز از کتاب طهارت گذشت.

1- . عده الداعی: 105

1. در بعضی نوشتههای اصحابمان، که خداوند بر همه آنان رحمت کند، از معلی پسر خنیس روایت شده که گفته است: از امام صادق علیه السلام شنیدم میفرمود: هرگاه شخصی از برادران شما از زیارت ما یا زیارت قبرهای ما برگردد، از او استقبال کنید، و بر او سلام دهید، و به خاطر چیزی که خداوند به او بخشیده است، به او شادباش بگویید، که برای شما ثوابی مثل ثواب او خواهد بود، و از روی رحمتی که خداوند دارد، ثوابی مانند ثواب او شما را دربر میگیرد؛ زیرا هیچ شخصی نیست که ما یا قبرهای ما را زیارت نماید، مگر اینکه رحمت خداوند او را دربر گیرد و گناهانش آمرزیده گردد.

[صورت خط نویسنده، که رحمت خداوند بر او باد.]

و سپاس برای خداوندی باد که توفیق تمام کردن این مجلد از کتاب بحار الأنوار را در مشهد مقدس و نورانی و درخشان، که بر وجود شریف او و برادرش و همسرش و فرزندان پاکش هزار هزار هزار درود و تحیت و سلام باد، بعد از برگشتن از حج خانه خدا، و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، و امامان بزرگواری که در کنار او آرمیدهاند، درود و سلام نثار آنان باد، به من عطا نمود. و این توفیق در شب مبعث پیامبر صلی الله علیه و آله، بیست و هفتم رجب، ماه ریزش رحمت، از ماههای سال یک هزار و هشتاد و یک بعد از هجرت پاک پیامبر بود.

ستایش، از ابتدا تا انتها، برای خداوند باد؛ و درود بر پیشوای پیامبران، و افتخار جهانیان، محمد و خانواده پاک او، آن بزرگواران با برکت، باد؛ و امید من از

برادران مؤمن خودم، نگاه کنندگان به این کتاب، و زیارت کنندگان با آنچه در آن به امانت گذاشتهام، این است که بر من رحمت فرستند، و برای آمرزش و مورد رحمت و خشنودی واقع شدن من، در زیارتگاههای امامانم و شهادتگاههای آنان، در زمان زندگی و بعد از وفات من، برایم دعا نمایند؛ و آیا دعا جز برای کسی مثل من است؟ که خطاها و لغزشهای من فراوان است. خداوند به حق امامان و پیشوایانم، من و پدر و مادرم و سایر مؤمنان را بیامرزد.

ص: 374

پیوست: صلوات جامعه بر پیامبر و امامان صلوات الله علیهم

در زیر صفحه 209 وعده دادیم صلوات جامعه بر پیامبر و امامان علیهم السلام را که نویسنده در باب اعمال روز جمعه آورده است، نقل کنیم؛ پس میگوییم:

نویسنده که خداوند روانش را پاک گرداند، گفته است: در مجموعهای قدیمی از نوشتههای پیشینیان ما این گونه آمده است: وقتی در روز جمعه، نماز صبح را خواندی، ابتدا این گواهی را بده و سپس بر محمد و خاندان او درود فرست؛ و آن، این است:

خدایا، تو پروردگار من و پروردگار هر چیزی هستی، [و آفریدگار من] و آفریدگار هر چیزی هستی، به تو و به فرشتگان تو و کتابها و فرستادگان تو، و به قیامت و برانگیختن و زنده شدن، و به دیدار تو و حسابرسی اعمال و وعدههای نیک و بد تو، و به آمرزش و کیفر، و قدر و قضای تو، ایمان آوردم؛ و به تو به عنوان پروردگار، و به اسلام به عنوان دین، و به محمد صلی الله علیه و آله به عنوان پیامبر، و به قرآن به عنوان کتاب و حکمت، و به کعبه به عنوان قبله، و به حجتهای تو به عنوان حجتها و امامان، و به مؤمنان به عنوان برادران خودم، خشنود گشتم؛ و به جبت و طاغوت و لات و عزّی، و به همه چیزهایی که به جای تو پرستیده شود، کفر ورزیدم؛ و به دستاویزی استوار، که آن را گسستی نیست، چنگ زدم، و خداوند شنواِ داناست.

و گواهی میدهم که هر معبودی غیر از تو، از کنار عرش تو تا محل قرار گرفتن زمینهای هفتگانه، باطل است؛ هیچ خدایی جز تو وجود ندارد؛ یگانه هستی و شریکی برای تو نیست؛ تو قبل از روزها و شبها، و قبل از زمانها و دورهها، و قبل از هر چیز بودهای؛ چرا که تو قبل از هر زندهای زنده، و بعد از هر زندهای زنده بودهای؛ در والایی خود مبارک و والامرتبه گشتهای؛ و در اسمهای خود پاک و منزه شدهای؛ هیچ خدایی جز تو، و هیچ پروردگاری غیر تو وجود ندارد؛ و تو زنده

پاینده فرمانروای پاک والامرتبه جاودانه هستی که نه تمام شدنی برای تو وجود دارد، و نه نابود شدنی، و نه از از بین رفتنی، و نه پایانی، و نه انتهایی.

هیچ خدایی در آسمانها و زمینها به جز تو وجود ندارد؛ ستودنی بزرگی ورزیدهای، و بزرگوارانه منت نهادهای، و مهربانانه بزرگمنشی کردهای؛ و تو شکستناپذیر دیرینه، بسیار توانا و گرامی بودهای؛ با پاکی و مهربانی و قدرت، والایی یافتهای؛ و به عنوان خدای مقتدر توانای والامرتبه دانای باعظمت بزرگ، یکتا گشتهای؛ و با آفرینش آفریدگان یگانگی نمودهای؛ پس هیچ آفریدگار به وجود آورنده صورتگر محکم کنندهای جز تو وجود ندارد؛ و به عنوان چیرهگر معبود آغازگر بازگرداننده نعمت دهنده افزون کننده بخشنده گرامی مهربان بزرگوار، والایی یافتهای.

پس تو پروردگار مهربانی هستی که بدون ابتدا بودهای و جاودانه خواهی بود، و مثلها به تو زده میشود؛ و روزگاران تو را تغییر نمیدهد، و زمان تو را از بین نمیبرد، و روزها تو را دست به دست نمیکند، و شبها بر تو پیاپی نمیشوند، و قدرها تو را دگرگون نمیسازد.(1)

و مهلتها به تو نمیرسد، و برای فرمانروواییات از بین رفتنی، و برای حکمرانیات نابودی، و برای یادت منقطع شدنی، و برای کلماتت تبدیل شدنی، و برای سنتت دگرگون شدنی، و برای وعدهات شکستنی، وجود ندارد؛ و نه خوابی سبک تو را فرو میگیرد، و نه خوابی گران؛ و نه سختی به تو میرسد و نه رنجوری.

پس تو ارجمند دیرینه اول آخر پوشیده آشکار وارسته - از هر وصفی که حس درک کند و خیالی آن را تصور کند - هستی؛ اسمهایت عزتمند، و ستایش تو بزرگوار گشته است؛ هیچ خدایی جز تو وجود ندارد؛ خود را یگانه بینیاز تنهایی که نه همسر و نه فرزندی میگیرد، نه زاده است و نه زاییده شده است، و نه برای او همتایی وجود دارد، توصیف کردهای.

1- . «لا تحاولک الاقدار»، یعنی آن گونه که قضاها و قدرهای تو متوجه بندگان تو میشود، تقدیرها متوجه تو نمیشود و به تو نمیرسد.

تو جاودانه در غیر بیماری(1)

و رنجوری هستی؛ رحمتت تو را از عذابت، و عذابت تو را از رحمتت باز نمیدارد؛ آفریدههایت را بدون اینکه نسبت به آنان وحشت و یا انسی برای تو باشد، آفریدی؛ و آنان را بدون اینکه از موجودی الگو گرفته، یا به چیزی تشبیه کرده باشی، نو آفریدی.

عزتت کاستی نمیگیرد، و فرمانت به ضعف کشانده نمیشود؛ برای کسی که خوار نمودهای، هیچ عزتی، و برای کسی که عزت دادهای، هیچ خواری وجود ندارد؛ هر کس را فرا خواندهای، دعوتت را به او شنواندهای؛ و هر کس را که تو را خوانده است، اجابت فرمودهای.

خدایا، این گواهی مرا بنویس، و آن را پیمانی نزد خود قرار ده، تا در روزی که راستان را از راستیشان بپرسی، به من بازگردانی؛ و این فرمایش توست: «لا یَملکونَ الشَّفاعةَ إلا مَن اتَّخذ عند الرَّحمن عهداً» {[آنان] اختیار شفاعت را ندارند، جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است.}

خدایا، همانا من به واسطه پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله، و با ایمانم به او، و با فرمانبرداریام از او، و با تصدیق کردن آنچه از سوی تو آورده است، به تو روی میآورم؛ همان که روح الامین به عنوان وحی تو آن را بر محمد پیامبر رحمت، و راهبر به سوی رحمت، فرود آورد؛ همان کسی که با فرمانبرداریاش رحمت به دست میآید، و با نافرمانیاش پرده دریده میگردد؛ خداوند بر او و خاندانش درود و سلام فرستد و مهربانی و بزرگواری نماید.
ای گستراننده گستردهها،(2)

و ای برافراشته کننده برافراشتهها،(3)

ای استوار کننده استوارها،(4)

و ای چیره آسمانها و

1- . «الوصب»: بیماری

2- . «داحی المدحوات»، یعنی گستراننده گستردهها؛ و «الدحو»: گستردن؛ با آن، زمینهای گسترده مانند زمینی که ما روی آن ساکن هستیم را اراده کرده است؛ و منظور از گستردن، این است که مانند بستر، شایسته قرار گرفتن باشد؛ همان گونه که خداوند عز و جل فرموده است: «الذی جعل لکم الأرض فراشاً» {همان [خدایی] که زمین را برای شما فرشی [گسترده] قرار داد.}
3- . «المسموکات»: برافراشتهها
4- . «المرسیات»: کوههای ثابت استوار

آفریننده دلها بر اساس سرشت آنها، به صورت بدبخت و خوشبخت، و گستراننده رحمت برای پرهیزکاران.

شریفترین درودها، و فزایندهترین برکتها،(1)

و مهربانترین مهربانیها، و بامحبتترین و پاکیزهترین رحمت خودت را بر محمد، بنده و فرستاده تو، گشاینده آنچه بسته شده، و به پایان رساننده برای آنچه گذشته، و آشکار کننده حقیقت به وسیله حقیقت،(2)

و سرشکننده باطل، همان گونه که بر عهده او گذاشته بودی، پس به دستور تو بر آن کار توانا گشت؛ و بر دوش کشنده طاعت تو، و کوشای با شتاب(3) در به دست آوردن خشنودی تو، بدون اینکه از پیشگامی رویگردان شود،(4) و یا در تصمیم گرفتن سست گردد، نگاه دارنده پیمان تو، و رهپو برای پیشبرد فرمان تو، تا اینکه نوری برای رهجویان بیرون آورد،(5)

و دلها به وسیله آن بعد از فرو رفتن در چالههای گمراهی هدایت شدند، و نشانههای آشکار، و تابندگیهای اسلام، و روشناییهایی احکام را برپاداشت؛ قرار ده.

پس او امانتدار مورد اعتماد تو، و خزانهدار دانش پوشیده تو، و گواه تو در روز جزا، و برانگیخته شده(6) از روی نعمت، و فرستاده شده از روی رحمت است؛ پس برای او در دادگاه عدل خودت جایی فراخ قرار ده، و از بخشش خودت، او را

1- . «الشرایف» جمع «شریفه» است؛ مانند نوامی، که جمع نامیه است.
2- . یعنی او کلمه حق را به وسیله خود حق آشکار کرد و پرچم حقیقت را بر بالای شمشیرهای حقیقت بر افراشت که این، به معنای حقیقت در حقیقت است؛ ولی کسانی که می خواهند حق را به وسیله باطل آشکار سازند و پرچم حقیقت را بر پایه باطل بالا ببرند، به یقین قصد احقاق حق به وسیله باطل را دارند و حال آن که باطل، جز باطل را به اثبات نمیرساند.

3- . «مستوفز»: سختکوشی همراه با شتاب؛ و «الوفز»، یعنی عجله؛ «استوفز فی قعدته»، یعنی به صورتی نامطمئن در آن قرار گرفت، و برای برجستن آماده شد؛ و «توفز للشیء»، یعنی آماده شد.
4- . در النهایه، در داستان حضرت علی علیه السلام گفته است: «غیر ناکل فی قدم»، یعنی در پیشی گرفتن؛ و وقتی گفته میشود: «رجل قدم»، که مردی شجاع باشد؛ «القدم» به معنای تقدم نیز است.
5- . در النهایه گفته است: «وری الزند»، یعنی وقتی که چوب آتش گرفت؛ و «أوراه غیره»، یعنی وقتی که آتش آن را برانگیزاند. فرمایش علی علیه السلام که فرموده است: «حتی أوری قبساً للقابس»، از این قبیل است؛ یعنی برای طالب هدایت، نوری نمایان ساخت.
6- . «البعیث»، به معنی مبعوث: فعیل به معنی مفعول است.

با چندین برابر نیکیها پاداش ده، به گونه ای که گوارای بدون آشفتگی و پریشانی، و ناشی از دستیابی به سودهای حلال گردانده شده،(1) و بخشش فراوان پیاپی تو باشند.

خدایا، بنای او را بر بنای بالا برندگان والا گردان؛ و فرود آمدن و اقامتگاه او نزد خودت را با کرامت ساز؛(2)

و نورش را برای او کامل گردان؛ و او را با برانگیختنت با گفتاری پسندیده، و گواهی پذیرفته، دارای منطقی عادلانه، و داوری مشکلگشا،(3) و حجت و برهان و دارای پاداش بزرگ، به ما بنمایان.

خدایا، ما را شفاعت یافتگان وارسته، و فرمانبرداران دوستدار، و همنشینان دلسوز قرار ده؛ بر او از طرف ما سلام برسان، و ما را بر او وارد کن، و بر او از طرف ما سلام وارد کن.

خدایا، من گواهی میدهم و گواهی بهره من است و حقی بر عهده من، که محمد بنده و فرستاده تو، و پیامبر و برگزیده و نجات دهنده و امانتدار و گرامی داشته شده و دوست با محبت تو، و برگزیده از میان آفریدگان تو، و دوست و ویژه گردانده شده و وارسته گشته تو، و انتخاب شده تو از میان آفریدگانت است؛ پیامبری که ما را به وسیله او از گمراهی راهنمایی کردی، و به وسیله او از نادانی به دانایی، و از نابینایی به بینش رساندی، و ما را به وسیله او در بزرگترین راه روشن، و راه پرهیزکاری، برپا داشتی، و ما را به وسیله او از تاریکیها بیرون آوردی، و ما را به وسیله او از پرتگاههای هلاکت رهانیدی.

او امانتدار تو بر وحیات، و ودیعهدار راز و حکمت تو، و فرستاده تو به سوی آفریدگانت، و حجت تو بر بندگانت، و رساننده وحی تو، و به جای آورنده عهد توست، و او را رحمتی برای جهانیان، و نوری که مؤمنان با آن روشنایی جویند، قرار دادی؛ به ثواب فراوان تو بشارت میدهد، و از کیفر دردناک تو میترساند.

1- . «المحلول»، صفت فوز یا فوائد است.
2- . در متن چاپی، «سؤله و مثویه» آمده است که اشتباه است.

3- . در النهایه آورده است: «أن یفصل الخطه»، یعنی وقتی مشکلی برایش پیش آید، با نظر خودش برطرف میکند. «الخطه»، حال است و امر و خطب.

پس گواهی میدهم که او حقیقت را از سوی تو آورد، و تو را عبادت کرد تا مرگ وعده داده شده تو به سراغش آمد، و گواهی میدهم که او زبان تو در میان آفریدگانت، و چشم و گواه برای تو، و راهنمای بر تو، و دعوت کننده به سوی تو، و حجتی برای آفریدگان تو، و سببی در آنچه میان تو و آنان است، بود.

و گواهی میدهم که او به فرمان تو دستور داد، و پیام تو را رساند، و آیات تو را تلاوت نمود، و از روزهای تو بر حذر داشت،(1)

و حلال تو را حلال، و حرام تو را حرام کرد، و واجبات تو را تبیین نمود، و حدود و دستورات تو را برپا داشت، و بر عبادت تو تشویق نمود، و به فرمانبرداری تو دستور داد، و خود از آن فرمانبرداری نمود، و از نافرمانی تو نهی کرد، و خود از آن دست کشید، و به نیک خویی راهنمایی کرد و خود به آن عمل نمود، و از بداخلاقی نهی کرد و خود از آن دوری کرد، و با دوستداران تو در گفتار و کردار دوستی ورزید، و با دشمنان تو در گفتار و کردار دشمنی ورزید، و با سخنان خردمندانه و اندرز نیکو به راه تو فرا خواند.

و گواهی میدهم که او نه جادوگر بود و نه افسون زده، و نه شاعر و نه دیوانه، و نه کاهن و نه دروغزن(2)،

و نه انکار کننده و نه تکذیب کننده و نه شک کننده و نه تردید کننده؛ و گواهی میدهم که او فرستاده تو و آخرین پیامبران است که وحی را از سوی تو آورد و فرستادگان را تصدیق کرد.

و گواهی میدهم کسانی که او را بر دروغ پنداشتند، عذاب دردناک خواهند چشید؛ و همانا کسانی که به او ایمان آوردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان پرهیزکارانند.

خدایا، برترین و شریفترین و کاملترین و بزرگترین و پاکترین و پاکیزهترین و تامترین و عمومیترین و وارستهترین و فزایندهترین و نیکوترین و زیباترین و بیشترین درودی را که بر هر یک از پیشینیان و پسینیان فرستادهای، بر محمد و خاندان او فرست؛ به راستی که تو ستوده گرامی هستی.

1- . یعنی روزهایی که در آنها عذابها بر مجرمان در دنیا و آخرت فرود میآید.
2- . «الافاک»، یعنی بسیار دروغزن؛ و «الافک»، یعنی دروغ ساختگی.

خدایا، بر محمد در حالت زنده بودن درود فرست، و بر محمد در حالت مرده بودن درود فرست، و بر محمد در حالت برانگیخته شدن درود فرست، و بر روح او در میان سایر روحهای پاک، و بر پیکر او در میان سایر بدنهای پاکیزه درود فرست.

خدایا، پایه او را شرافتمند، و جایگاه او را بزرگوار، و نور او را تابان گردان؛ و او را در والایی و فضیلت، به درجه دستاویز بودن در پیش خود برسان؛ و تا خشنود شدنش به او ببخش و بعد از خشنودیاش بر آن بیفزا؛ و او را به جایگاهی ستوده برانگیز؛ خدایا، در برابر هر خوی نیک از نیکیهای او، و هر محل از محلهای ایستادن او، و هر حالی از احوال او، که او را در آن حال یاور برای خودت، و شکیبا در برابر سختی آزمونت دیدی، بر او درود فرست؛ درودی که با آن ویژهترین بخششها، و برترین هدیههایت را به او عطا کنی؛ و به وسیله آن بزرگوارش بداری، و ارزشمندیاش را باعظمت نمایی، و یادش را افزون سازی، و دلیلش را راست و محکم نمایی، و عذر او را آشکار سازی؛ تا به این وسیله برترین چیزی که از پاداشهای بزرگ خودت وعده دادهای، و بزرگوارترین هدیههایی که برای او آماده نمودهای، و گستردهترین بخششهایی که برای او نگاه داشتهای، را به او برسانی.

خدایا، جایگاه او را در قیامت شرافتمندانه گردان، و اقامتگاه جاودانه او را نزدیک خودت ساز، و بزرگترین دستاویز، و شرافتمندانهترین منزلها را به او عطا کن، و حوض او را بزرگ گردان، و وارد شوندگان به آن را گرامی بدار و بیشتر کن، و شفاعت او را درباره امتش، و امتهای دیگر بپذیر، و خواسته او درباره وارستگان و عموم افراد امتش را به او عطا کن، و او را در شرافت و فضیلت به برترین جایی که هر یک از فرستادگانت را رساندهای برسان، همان کسانی که حق تو را برپا داشتند، و از حریم تو دفاع نمودند، و در میان آفریدگانت، حجتها و بیم دادنهای تو را پراکندند، و به عبادت تو پرداختند، تا اینکه مرگ آنان فرا رسید.

خدایا، محمد را برترین آفریدگان در نزدیک بودن به تو، و باعظمتترین آنها نزد تو در شرافت، و بلندترین آنان در منزلت، و نزدیکترین آنها در جایگاه، و

آبرومندترین آنها در وجاهت، و بیشترین آنها در پیروی کردن، و توانمندترین آنها در شفاعت نمودن، و فراوانترین آنها در بخشش، قرار ده.

خدایا، بر محمد و خاندان او درود فرست؛ درودی که بلندی آن به ثمر بنشیند، و والایی آن بالاتر رود، و جلودار آن بتابد، و واپسین آن افزون گردد؛ پیامبر رحمت و راهبر به سوی رحمت، کسی که با فرمانبرداری او رحمت به دست میآید، و با نافرمانیاش پرده دریده میگردد؛ و بر او سلام ده، سلامی فراوان که موجب فراوانی شود، و از هلاک شدن ایمنی دهد، به صورت ابدی تا روز جزا.

و بر خاندان او، چراغهای تاریکی، و بارانهای ریزان(1) بر مردم، و ستونهای اسلام؛ کسانی که وقتی سخن گفتند، راست گفتند؛ و هرگاه غیبت کنندگان زبان در کشیدند، به سخن درآمدند؛ خشنودی تو را مقدّم داشتند؛ و در محبت تو اخلاص ورزیدند؛ و از خشیت تو، ترس به دل نهان داشتند؛ و از تو به لرزه افتادند؛ و از مقام تو ترسیدند؛ و از وعده عذاب تو بیمناک گشتند؛ و فرا رسیدن روزهای تو را آرزو کردند؛ و از عظمت تو به ترس افتادند؛ و کرامت تو را گرامی داشتند؛ و منزلت تو را بزرگ دانستند؛ و پیمان تو را محکم نمودند؛ و در جامه فرمانبرداری تو به داوری نشستند؛ و به نعمت تو بشارت دادند؛ و رسیدن آسایش تو را انتظار کشیدند؛ و بزرگواری تو را بزرگ داشتند؛ و با دوستی ورزیدن با کسی که تو را دوست داشت، و دشمنی ورزیدن با کسی که تو را دشمن داشت، صبر ورزیدن بر آنچه در محبت تو به ایشان رسید، و دعوت کردنشان به راه تو با حکمت و اندرز نیکو، و مجادله با کسی که ستیزه کند، به روشی که نیکوترین است، و حلال کردن حلال تو، و حرام نمودن حرام تو، پیمانهای حق تو را راست و استوار کردند؛ تا اینکه دعوت تو را آشکار، و دین تو را علنی نمودند؛ و حدود تو را برپا داشتند؛ و از دستورات واجب تو پیروی نمودند؛ پس در این راه به خشنودی تو رسیدند؛ و در مقابل قضای تو سر تسلیم فرود آوردند؛ و فرستادگان پیشین تو را تصدیق نمودند؛ و به هر راه پسندیدهای فرا خواندند.

1- . «المرابیع»: بارانهایی که در ابتدای بهار میبارد.

همان کسانی که هر کس آنان را پناهگاه گیرد، در سلامت میماند؛ و هر کس به عنوان سپر به آنها پوشش بجوید، نگاه داشته میشود؛ و هر کس آنان را به سوی سختی ها و بلاها فرا خواند، به او پاسخ مثبت میدهند؛ و هر کس از آنان بخشش بخواهد، به او میدهند؛ درودی فراوان و پاک و پاکیزه و فزاینده و بابرکت؛ درودی که نه محدود گردد، و نه به نهایت رسد، و نه اندازههای آن دانسته شود، و نه ماهیت آن توصیف گردد، و نه تعداد آن شمارش شود؛ و سلام بر آنان، با عملی ساختن وعده آنان، و به نیک فرجامی رساندن تلاش آنان، و والا گرداندن عطای آنان؛ آن گونه که خود فرمودهای: «سلامٌ علی آل یاسین * إنّا کذلک نَجزی المُحسنینَ» {سلام بر پیروان الیاس؛ ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.}

خدایا، محمد را به بهترین صورتی که برای هریک از فرستادگان جانشینی باقی گذاشتی، و امامان را بعد از آنان، جانشین آنان ساز؛ تا به فرستادهات و به آنان، کمال چیزی را که به وسیله آن، چشمانشان را در دنیا و آخرت، روشن گردانی، از چیزهایی که هیچ کس نداند چه چیزی برای روشنی چشم آنان پوشیده داشته شده است، به عنوان پاداشی در برابر آنچه انجام میدادند، برسانی؛ و آنان را در بزرگواری افزون، و پاداش فراوان خود، از چیزهایی که نه چشمی دیده است، و نه گوشی شنیده است، قرارده؛ و آنچه را که آرزو میکنند، به آنان عطا کن؛ و بعد از اینکه خشنود شوند، برایشان بیفزا؛ و برتری محمد و خاندان محمد، و منزلت آنان در نزد خودت را به تمام آفریدگانت بشناسان؛ تا به فضل تو، به برتری و شرافت آنان اقرار کنند؛ و آن حقشان را که بر آنان واجب گرداندهای، که عبارت است از واجب بودن فرمانبرداری و محبت آنان، و پیروی از دستوراتشان، برای آنان - به رسمیت - بشناسند؛ و ما را برای آنان، شنوندگان فرمانبردار، و برای سنتشان پیرو، و در برابر دشمنشان از یاوران، و در آنچه به سوی آن دعوت، و بر آن راهنمایی کردهاند، تصدیق کنندگان قرار ده.

خدایا، همانا ما این حق، و آنچه را به زبان خود آنان به ما دستور دادهای، برای آنان، اقرار کردیم؛ و گواهی میدهیم که این از سوی توست؛ پس به واسطه

خشنودی آنان، خشنودی تو را امیدواریم، و به واسطه خشم آنان، از خشم تو میترسیم.

خدایا، پس ما را در حال پایبندی بر آیین آنان بمیران؛ و در گروه آنان محشور کن؛ و ما را از کسانی که فردا چشمشان با دیدن آنان روشن میگردانی، قرار ده؛ و ما را بر حوض آنان وارد نما؛ و از جام آنان بنوشان؛ و ما را در هر خوبی که آنان را وارد کردی، وارد نما؛ و از هر بدی که آنان را خارج ساختی، ما را خارج ساز؛ تا اینکه ثواب تو بر ما واجب شود؛ و از کیفر تو رهایی یابیم؛ و در حالی تو را دیدار کنیم که از ما خشنود باشی، و ما از خشنود شدگان از تو باشیم؛ درودهای خداوند، پروردگار مهربان رحمتگر ما بر پیامبرمان و همه خاندان او باد.

خدایا، به احترام محمد و خاندان محمد که به معرفت تو موصوف گشتهاند، نزدیکی به تو از طریق درخواست کردن، و گریز از تو به سوی تو را، بدون اینکه در درخواستم از آنها به دهیک آنچه از رحمتت برای آنها باور دارم، رسیده باشم، جز اینکه برای آنان خیرخواهی نموده باشم، و ثواب وعده داده شدهات، و روی آوردن به سوی آنان به وسیله آنان، و شفاعت برای ما از سوی آنان را درخواست میکنیم.

خدایا، برای گذشتگان خاندان محمد، از امامان هدایت، برترین منزلها در نزد خودت، و دوستداشتنیترین آنها برای تو، از نظر والاترین شرافت، و جایگاه بلندی از درجات والا را درخواست میکنم؛ ای بسیار توانمند، پرتوی از بخششهایت را که نه منتی در آن باشد و نه اذیتی، از سوی خودت، با رستگاری بزرگ در سرور و نعمت، و ثواب همیشگی پایدار، که نه سختی در آن باشد و نه نابودی،(1)

به آنان اختصاص ده.

خدایا، آنان را در اتاقهایی که با فرشهای گسترده،(2)

و تختهایی ردیفی بنا شدهاند، جای ده؛ که روبروی هم بر آنها تکیه داده اند، در آنجا نه بیهوده ای

1- . یعنی دائمی است و از بین نمیرود.
2- . یعنی ارزشمند؛ یا تخت بلند. و گفته شده است: همان زنان منظور است.

می شنوند و نه سخنی گناه آلود،(1)

سخنی جز سلام و درود نیست؛(2)

ای پروردگار جهانیان.

خدایا، محمد را در والاترین محل والا رفتگان، بالای منزل فرستادگان، و فرشتگان نزدیکی یافته، و تمام پیامبران، و برگزیدگان از میان تمام آفریدگان، بالا ببر؛ به خاطر رحمتی که داری، ای مهربانترین مهربانان. خدایا، آنان را به خاطر سپاسگزاری از نعمتت، و بزرگداشت احترامت پاداش ده؛ پاداشی که هیچ پاداشی بالاتر از آن، و بخششی که هیچ بخششی مانند آن، و جاودانگی که هیچ جاودانگی در شکل آن نباشد، و هیچ کسی در مثل آن طمع نکند، و هیچ کسی به اندازه آن توان نداشته باشد، و ذهنها به سوی درخواست آن راه پیدا نکند؛ نعمتی در برابر سپاسی که از بخششهای تو نمودند، و پیشکشی در برابر صبری که به خاطر اذیت در راه تو تحمل کردند.

خدایا، و بر باقیمانده آنان، پس رحم کن؛ و وعدهای را که بر یاری آنان دادهای، پس به فرجام رسان؛ و رهروان آنها را از تمام بدیها، پس در سلامت بدار؛ و به وسیله آنان ای پروردگار جهانیان، طرف کافران را در هم شکن؛ و داراییهای به ستم ستانده شده از ولیّ ات را پس به غنیمت در آور؛ و برای آنان سرپرست و نگه دارنده و یاور باش؛ و تعداد نفرات آنان و مؤمنان را بیشتر گردان؛(3) و از آسمان برای آنان فرشتگانی یاریگر را فرو فرست؛ و برای آنان از میان خودشان انتقام گیرانی برای خون گذشتگانشان برانگیز؛ و بر روی زمین کسی از کافران را رها مگذار؛ و بر ستمکاران چیزی جز زیان میفزا.

1- . «لغواً»، یعنی باطل؛ «و لا تأثیماً»، یعنی نسبتی به گناه؛ یعنی به آنها گناهکار گفته نمیشود.
2- . یعنی تنها سخن، «سلام سلام» باشد؛ «سلاماً» بدل از «قلیلاً» است؛ مانند این فرمایش خداوند متعال که فرموده است: «لا یسمعون فیها لغواً إلا سلاماً»؛ یا اینکه صفت برای آن، یا مفعول آن است؛ یعنی «مگر اینکه

سلام بگویند»؛ یا اینکه مصدر است و تکرار کردن آن، برای نشان دادن پراکنده گشتن سلام در میان آنان است.
3- . «النفیر»: کسی که همراه شخصی از قبیله خودش مهاجرت میکند؛ و گفته شده است: آن جمع «نفر» است، و آنان کسانی هستند که برای رفتن به سوی دشمن گرد آمدهاند.

خدایا، عمر خاندان محمد و رهروان آنان را طولانی کن، و آنان را به نیکترین کارها ویژه گردان، و ما را از کسانی که با نیکان جایگزین میشوند، (1) قرار مده، ای دارای بخشش و بزرگواری.(2)

خدایا، خاندان محمد را به دستاویز بودن(3)

ویژه گردان؛ و برترین فضیلت را به آنان عطا کن؛ و در دنیا برای آنان با بهترین برآوردن، برآور؛ و میان آنان و دشمنانشان با عدالت و وفا داوری کن؛ و ما را ای پروردگار، یاوران و کمک کنندکان آنان قرار ده؛ و دشمن را سرزنشگر ما و آنان قرار مده.

خدایا، محمد و خاندان محمد، و پیروان و دوستداران آنان را در شب و روز از اهل ستیز و انکار حفظ کن؛ و در برابر حسادت هر حسادت کننده سرکش زورگو نگاه دار؛ و آنان را بر هر پیمانشکن نیرنگباز(4)

چیره گردان؛ تا آن که به حاجت و مراد(5)

خود از دشمن تو و دشمن خودشان نائل شوند؛ و دشمنانشان را همراه خوار شدگان و بدکاران قرار ده؛ و آنان را ای پروردگار، با صورتهایشان در آتش بینداز؛ به راستی که تو یگانه چیرهگر هستی.

خدایا، و برای ولیّات در میان آفریدگانت، سرپرست و نگهبان و راهبر و یاور قرار باش، تا اینکه او را با اراده در زمینت ساکن کنی، و به مدت طولانی در آن بهرهمند سازی، و او و فرزندانش را در آن، امامان میراثدار گردانی، و کار او را سامان ده،(6)

و امر او را برایش کامل گردان، و مردمانش را برای او نیک ساز، و

1- . یعنی ما را به خاطر لیاقت نداشتن بر یاری حق ببری و دیگران را برای آن بیاوری؛ دعای «و لا تستبدل بی غیری» از همین گونه است.
2- . «الفعال» - مانند سحاب - اسم فعل است به معنای، حسن یا کرم؛ یا اینکه (اسم فعل از «فعل» در هر دو معنای) خیر و شر باشد؛ فیروزآبادی این را گفته است.

3- . دستاویز بودن، درجهای مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله در قیامت است؛ و البته شرح آن پیشتر در کتاب معاد گذشت.
4- . «الختّار»، یعنی نیرنگباز
5- . «الاوطار»: جمع «الوطر»، یعنی نیازمندی
6- . گفته میشود: «جمع الله شملهم»، یعنی کارشان را پراکنده نسازد.

ستونش را استوار کن، و صبر را از سوی خودت بر او فرو بریز،(1) تا اینکه انتقام گیرد و آرامش خاطر یابد،(2)

و سوزشهای دلهای کینهدار، و داغی سینههای خشمگین،(3) و حسرتهای جانهای اندوهگین(4)

را از خونهای ریخته شده، و خویشان بریده گشته [و فرمانبرداری] ناشناخته،(5)

شفا دهد؛ که تو در نگهداری نیکو برای او، بلا را برایش نیکو گرداندی، و بخششها را بر او گستراندی، و نعمتها را بر او تمام کردی.

خدایا، او را در برابر ترس دشمن نگاه دار، و او را از یاد آنان ببر، و هر کس قصد بدی به او را کرده است، تو چنین قصدی در مورد خود او کن، و هر کس او را نیرنگ دهد، تو خود او را نیرنگ ده، و هر کس که به او مکر نماید، تو به خود او مکر نما، و حادثه بد را بر آنان قرار ده(6)؛ خدایا، جمعیت آنان را در هم شکن، و اتحادشان را پاره کن، و دلهایشان را بترسان، و گامهایشان را به لرزه انداز، و جماعت آنان را جدا کن،(7) و کارشان را پراکنده ساز، که آنان نماز را تباه کردند، و از

1- . راغب در المفردات گفته است: «افرغت الدلو»: آنچه را که در آن بود، فرو ریختی؛ و «أفرغ علینا صبراً» از همان عبارت استعاره گرفته شده است.
2- . «الاشتفاء» و «التشفی»: از بین رفتن خشمی که در دل است؛ و «شفاء الغیظ»: از بین رفتن آن.
3- . الحزازه: نوعی ناراحتی در قلب، به خاطر خشم و مانند آن؛ جوهری این را گفته و گفته است: «نغل قلبه علی»، یعنی بر من کینه به دل گرفت؛ و گفته است: «الوغره»، یعنی آن سختی که آتش برمیافروزد. اینکه گفته میشود: «فی صدره علیّ وغر - با علامت سکون -»، از همین گونه است؛ یعنی کینه و دشمنی و آتش نفرت.
4- . «الترح»، ضد شادی است؛ جوهری این را گفته است.
5- . یعنی نادانی آنان نسبت به وجوب فرمانبرداری.

6- . «الدائره»، عبارت است از خط بسته، و از آن، تعبیر به حادثه میشود؛ «الدوره» و «الدائره» در مورد حادثه ناگوار است، همچنان که «دوله» در مورد حادثه خوشایند استفاده میشود. خداوند متعال فرموده است: «نخشی أن تصیبنا دائره» {می ترسیم به ما حادثه ناگواری برسد.}. کلام خداوند عز و جل که فرموده است: «و یتربص بکم الدوائر علیهم دائره السوء»، یعنی حادثه بد، مانند احاطه کردن دایره، آنان را احاطه نماید؛ به گونهای که هیچ گونه راه رهایی از آن، برای آنان نباشد. این را راغب در المفردات گفته است.
7- . «الشعب»: سوراخ در چیزی؛ و نیز سامان دادن آن؛ و «شعبت الشیء»، یعنی آن را جدا کردی؛ و «شعبته»، یعنی جمع کردی؛ که این از کلمات اضداد است؛ میگویی: «التأم شعبهم»، وقتی بعد از پراکندگی، جمع شوند؛ و «تفرق شعبهم»، وقتی بعد از اجتماع، پراکنده شوند. جوهری این را گفته است.

شهوتها پیروی نمودند، و به بدیها عمل کردند، و از نیکیها دوری گزیدند، پس آنان را گرفتار کیفر کن،(1)

و حسرتها را به آنان بنمایان، به راستی که تو بر هر چیزی توانا هستی.

خدایا، بر همه فرستادگان و پیامبران درود فرست؛ کسانی که به رساندن هدایت از سوی تو پرداختند، و پیمانهایی برای فرمانبرداری تو با تو بستند، و بندگان را با نصیحت فرا خواندند، و بر اذیت و تکذیبی که در پیش تو(2) به آنان رسید، شکیبایی نمودند؛ و بر همسران و فرزندان و تمام پیروان آنان، از مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان مؤمن، درود فرست؛ و سلام بر همه آنان، و رحمت خدا و برکتهای او نثار آنان باد.

خدایا، بر فرشتگان نزدیکی یافته، و همه اهل طاعت خودت درودی پاکیزه و فزاینده و پاک فرست؛ و خاندان پاک پیامبرمان، گوش فرا دهندگان به تو و فرمانبرداران، برپادارندگان فرمان تو، کسانی که آلودگی را از آنان زدودی و آنان را پاک و پاکیزه گرداندی، و آنان را یاورانی برای دین خودت پسندیدی، و آنان را نگاه دارندگانی برای رازهایت، و امانت گیرندگانی برای حکمتت، و بازگو کنندگانی برای وحیات، و گواهانی برای آفریدگانت، و نشانههایی برای بندگانت، و نورگاههایی در شهرهایت(3)

قرار دادی؛ که آنان بندگانی ارجمندند، که در سخن بر تو پیشی نمی گیرند، و خود به دستور تو کار می کنند، از پروردگارشان در نهان(4) می ترسند و از

1- . «المثله» - با فتحه میم و ضمه ثاء - یعنی کیفر؛ و جمع آن، «المثلات» است.
2- . یعنی در اطاعت و نزدیکی تو.
3- . «الاعلام»، جمع علم، و آن نشانهای است که در راه با آن راهنمایی میشوند. «المنار» نیز نشانهای در راه است و جای بلندی است که بر بالای آن، آتشی روشن میشود تا کسی که راه را گم کرده است، با آن راهنمایی شود؛ و استعاره از آنان، به خاطر راه یافتن آفریدگان به وسیله ایشان علیهم السلام است.

4- . حال از فاعل یا مفعول است؛ یعنی در حالتی که از آفریدگان یا پروردگارشان در نهان باشند؛ یا حالتی که پروردگارشان از آنان غائب باشد؛ یا اینکه منظور از غیب، قلب باشد؛ که در این صورت، حرف باء، برای آلت است.

قیامت هراسناکند؛ - اینان را - به درودهایی فراوان و پاک و پاکیزه و بابرکت و فزاینده، با بخشش و رحمت گستردهات از فراوانی آنچه که نزد تو وجود دارد، در میان پیشینیان و پسینیان(1)

ویژه گردان؛ و جانشین آنان در میان بازماندگان باش.(2)

خدایا، ما را پیرو آنان قرار ده، و بر راههای آنان روان کن، و بر دین آنان زنده بدار، و بر آیین آنان بمیران، و ما را به ادای حق آنان که بر ما واجب کردهای، یاری کن، و آن قسمت از حق آنان را که به ما شناساندی، و دوستی با دوستداران آنها، و بیزاری از دشمنانشان، و محبت نسبت به کسی که به او محبت دارند، و کینه نسبت به کسی که از او کینه دارند، و عمل به آنچه خوش میدارند، و ترک آنچه ناپسند میدارند، برای ما کامل گردان؛ همان گونه که آنان را سببی به سوی خودت، و راهی به سوی طاعتت، و دستاویزی برای بهشتت، و راهنمایانی برای راههایت قرار دادی.

خدایا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر گشایش آنان شتاب فرما؛ - اگر توانی داشتی، این را هزار مرتبه میگویی؛ - و خداوند بر محمد و خاندان محمد، درود و سلام فرستد؛ خدایا، گشایش مرا همراه آنان قرار ده، ای مهربانترین مهربانان. سپس صد مرتبه بگو: درودهای خداوند و فرشتگان و فرستادگان و تمام آفریدگانش بر محمد پیامبر و خاندان محمد باد؛ و سلام و رحمت خدا و برکتهایش بر او و بر آنان، و بر روحها و بدنهای آنان باد.

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

1- . «فی الاولین»، یعنی آنان را در میان پیشینیان و پسینیان به این درود ویژه گردان؛ یا اینکه آن را در میان پیشینیان و پسینیان آنان قرار ده.
2- . یعنی جانشین محمد صلی علیه و آله، یا امامانی که درگذشتهاند، در میان بازماندگان آنان باش.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109